



# سخنان شاهنشاه آریامهر

از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲

تخلیق شاهی شاه آریامر

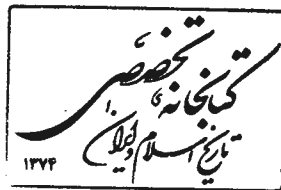
از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۲

مقدمه
۲
۶
۲۱





# سخنان شاهنشاه آریامهر



از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲

هدیه وزارت آموزش و پرورش بمناسبت سالروز انقلاب شاه و ملت

در ششمین ماه سال کیمیا رسید و چهل و پنج

این کتاب در پنجاه و نه نسخه در سازمان چاپ و انتشارات کیمیا بچاپ رسیده است

خطاطی از : محمد سلحشور      نقاشی از : سازمان کاسپین







## فهرست

صفحه

الف

پیشگفتار

د

فرمان انقلاب

و

بخش اول فرمایشات شاهنشاه آریامهر پیرامون اصول انقلاب نه‌گانه

۱

فصل اول سخنان شاهنشاه درباره لایحه قانونی اصلاحات ارضی

۲۲۶

فصل دوم سخنان شاهنشاه درباره لایحه قانونی ملی کردن جنگلها

۲۳۷

فصل سوم سخنان شاهنشاه درباره لایحه قانونی فروش سهام کارخانجات دولتی

بعنوان پستوانه اصلاحات ارضی

۲۵۱

فصل چهارم سخنان شاهنشاه درباره لایحه قانونی سهم‌شدن کارگران در

منافع کارخانه باو کارگاههای تولیدی و صنعتی

۲۷۵

فصل پنجم سخنان شاهنشاه درباره لایحه سپاه دانش

۲۷۹

فصل ششم سخنان شاهنشاه درباره لایحه اصلاحی قانونی انتخابات و

آزادی بانوان





صفحه	
۲۸۳	فصل نهمم - متن فرمان هایونی درباره تشکیل سپاه بهداشت
۲۸۷	فصل ششم - متن فرمان هایونی درباره تشکیل سپاه ترویج و آبادانی
۲۹۱	فصل نهم - متن فرمان هایونی درباره خانه های انصاف
۲۹۵	بخش دوم - فرمایشات شاهنشاه آریامهر پیرامون مسائل مختلف مملکتی

### توضیح

برای آنکه خوانندگان گرامی با حصول نه‌گانه انقلاب مقدس شاه و ملت آگاه شوند متن فرمانهای سپاه بهداشت و ترویج و آبادانی و خانه‌های انصاف هم که بعداً سال ۱۳۴۲ بوجود آمده است در کتاب حاضر درج شد. لیکن فرمایشات شاهنشاه آریامهر درباره هر یک از آنها مجلد دیگر ممول گردید.



## پیش‌گفتار:

رسانه‌های پیشگام و نماینده‌ی ششم بهمن که تندبیر و ابتکار و اندیشه‌ی ژرف رهبر عالیقدر ما  
دکتر شهید آیدینک باره‌ی چهره‌ی اجتماع را در گون ساخت: اختلاف طبقاتی را از میان برداشته  
ژنرال‌ها را با رعیتی را ملغی کرد، بدبختان را آزادی بخشید، کارگران را از ستم کارفرمایان نجات داد،  
دانش و بهداشت و عدالت اجتماعی را به‌عنوان مردم‌ارزانی داشت: زنان مانند مردان همچون  
انسانی خود در می‌دیدند و صد ها هزار کار مثبت و درخشان انجام گرفت.

برای پی بردن به عظمت و اصالت تحول عمیقی که بر اثر انقلاب مقدس ششم بهمن در کشور  
صورت گرفته و موجب اعجاب و شگفتی جهانیان شده است، هیچ اثری گویا تر و هیچ مطلبی مستندتر  
و باسکوتر از سخن شاهنشاه آریامهر که خود پرچم این تحول را از آغاز سلطنت بردوش داشته‌اند  
بدین سبب وزارت آموزش و پرورش بسیار متفکر و مباهلی است که برای نشان دادن جلوه‌ای  
از مطالب اندیشه‌ی امامی عمیق و ابتکارات خلافت شاهنشاه آریامهر باقی‌مانده مبارک دست می‌ورزد.  
مجموعه‌ای که بنظر خوانندگان گرامی میرسد فرمایشات ملوکانه در سالهای ۱۳۴۰ تا



۱۳۴۲ است که مطابق اصول نه‌گانه انقلاب در فصل مدون گردیده و بخشی نیز بمطالب  
کوناگون دیگر اختصاص یافته است.

شاهشاه بزرگ مادر دوران سلطنت پرنهار خویش بیانات حکمانه فراوانی ابراد فرموده‌اند  
که هرکدام نشانه‌ای از نوعت اطلاعات و دقت نظر و عشق جاویدان به این سرزمین کهنسال و  
محبت و عطف مردم شریف و نجیب است.

لیکن بیانات شاهانه در عصر انقلاب زکات و صبغه خاصی دارد عشق و علاقه مردم محکمست  
فداکاری و کدشت، اراده طریق و راه‌نمایی، شوق و شور بکار، لب‌نگی زانند الوصف به این مزر و لوم  
دلسوزی و عطف از محضات بازگلام طوکانه است. شاهشاه عظیم‌الشان برای بهر روزی  
ملت و پذیرفت محکمات راحت و آسایش را بر خود حرم کرده و در راه آبادانی این سرزمین دهن  
همت بر کمر زده پیش‌پیش سپاهیان انقلاب بتلاش خشکی ناپذیری دست زده‌اند.

بجرات می‌توان گفت کتاب سخنان شاهشاه آریامهر از نفیس‌ترین و باارزشتترین آثار جمعی  
انقلابی زبان فارسی است که هم‌فصلاً و سخن‌سنان از مطالب کمر بار آن بهره‌ناخواهست برود



و هم دانش آموزان و دانشجویان از آن درس وطن پرستی و کار و کوشش خواهند گرفت .  
مطالعه سخنان ملوکانه که سرشار از اطلاعات و قیمت و تجارب گرانهاست خواننده  
به دنیای شرافت و فضیلت و مغزیت سوق میدهد .  
وطن پرستان ایران پاک نهاد و علاقمندان بافتخارات و آثار مینوی از مطالعه این  
کتاب بودمند غفلت نخواهند کرد و آن را ازین بخش کتابخانه های خود خواهند ساخت .  
چو آنان با مطالعه این سخنان حکمت آمیز و خوبی درمی یابند که شاهنشاهی ایران تا چه پایه  
برای نجات ملت ایران و عظمت و اعتلای این مرز و بوم فداکاری و جانفشانی کرده اند و در این  
صورت از داشتن چنین رهبری بزرگ و خردمند و رؤف بر خود می بالند و غرق در افتخار و سرور  
میشوند .

باشد که پدرباجدار ما سپهان بر ایکه شاهنشاهی تجیه زند و ملت را بشا همراه کمال و ترقی  
و سرملبندی رهنمون فرمایند .

دیرآموزش و پرورش - دکتر نادی پلای





بانیادت خداوند متعال

۱

## پهلوی شاهشاه ایران

نظر باینکه اعملاً کشور و ارتقا، اجتماعی و اقتصادی ملت ایران بزرگترین هدف و منظور ما در تحولات اخیر بوده است و از آنجا که شایسته ترین طریق نیل بان هدف را شرکت و سهم ساختن ملت ایران در تعیین سرنوشت خود تشخیص داده ایم و باین منظور با عنایت باصل میست و مهمتتم قانون اساسی قوانینی را که برای تمهید مبانی ترقی و تعالی ملت ایران لازم بود ایشا کرده و طبق اصل میست و ششم آن قانون که مقرر میس در تو املکت ناشی از ملت است برای اظهار نظر ملت ایران بصوبه عمومی قرار دادیم، اینک چون لواج فرزور مورد تأیید اکثریت قریب با اتفاق رأی دهندگان ملت ایران واقع شده است مقرر میس در ایم که لواج قانونی زیر :



۱- لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب نوزدهم دیماه ۱۳۲۰ و ملحق آن.

۲- لایحه قانونی ملی کردن جنگلها .

۳- لایحه قانونی فروش سهام کارخانجات دولتی بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی .

۴- لایحه قانونی سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی .

۵- لایحه ایجاد سپاه دانش .

۶- لایحه اصلاحی قانون انتخابات .

که با تصویب ملی استقرار و قطعیت یافته است پس از توشیح با عنوان قانون

مملکتی بموقع اجرا گذاشته شود . نهم بهمن ماه ۱۳۲۱



بخش اول

# فرمایشات شاهنشاه آریامهر

پیرامون اصول نه‌گانه انقلاب



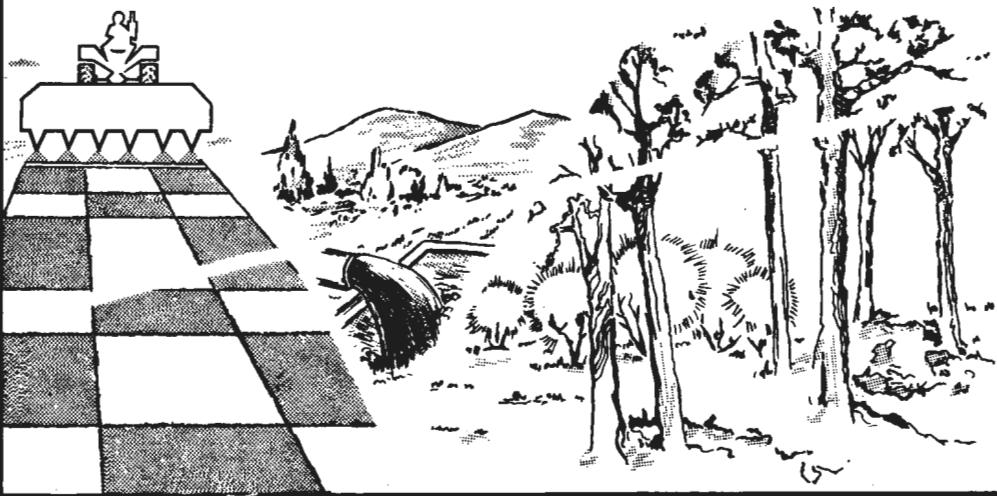




فصل اول

# سخنان شاهنشاه آریامهر

در باره لایحه قانونی اصلاحات ارضی







## سخن شاهانه

به مناسبت روز بهمن

شنبه اول مهر ۱۳۴۰

کشاورزان و روستاییان عزیزم:

جشن بهمنی اول مهر را که توأم با آغاز کار کشاورزی است به همه شما تبریک می گویم. همه شما می دانید تا چه اندازه بر سرنوشت در فراه و سعادت شما که بازوان کنج پرور زمین مقدس ما هستید علاقه مندمی باشم و تا چه اندازه آرزو مندم که هر چه زودتر به شما صاحب زمین و آب و مالک و سرخ خودتان باشید.

ده سال پیش برای همین منظور دستور دادم اطلاق سلطنتی را میان دهقانان تقسیم کنند و امیدوار بودم که این سرششق را دیگران پیروی نمایند. دو سال پیش تأکید کردم قانون اصلاحات ارضی ایران را که دیبساچه سعادت کشاورزان زمین ماست تدوین کنند و به تصویب برسانند. امروز در انتظار اجرای این قانون هستم و امیدوارم هر چه زودتر با در نظر گرفتن صلاح کشور و رعایت حال و آسوده کشاورزان از طریق اقدامات عاقلانه و مطمئن در جهت تأسیس شرکت های تعاونی بازرگانی



اطلاک بزرگ از مالکین، تقسیم آن میان دهقانان این آرزوی ملی ما جامعه عمل بپوشد.  
شما کشاورزان، پایه محکم و متین ساختمان اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ملی ما تشکیل می دهید.  
کار ما و شماست که برای ملت ایران تولید ثروت می کند. فرزندان شما یا در مزارع در راه تولید  
کشت و زری کاری کنند و یا در لباس با شرافت سربازی دفاع از زاد بوم و هستی خود و خانواده ملی  
خود را می آموزند. پس شما زدن عزیز و گرامی هستید و من بنگران رفاه و سعادت شما هستم. سدی نمانی  
که ساخته می شود، مزارع نمونه ای که ایجاد می گردد، چاه هایی که کنده می شود، بذری که تقسیم می شود،  
اقتباری که داده می شود، همه برای تأمین رفاه و سعادت و طمینان به بازگشت و تسخیر شماست.  
وزارت کشت و زری وظیفه مشکل و معنی دارد. باید آزمایشگاه ها و وسایل بررسی آفات و دفع آفات  
آن بقدری مجهز شود که در آینده حاصل زحمت شما دشواری آفات نگیرد. باید به شما از طریق ترویج  
کشت و زری، بهره بردن از کشت و زری مسترقتی، و استفاده از وسایل ماشینی و کود شیمیایی رایج بدهند.  
شما باید بیش از پیش توانمند بر تعداد دام خود بیفزایید، میزان محصول را در سطح کشت بالا ببرید؛  
خواربار نسکی که در شرف افزایش سریع است تدارک کنید؛ با همت بلند و اراده مردانه شماست که  
ایران عزیز آبادان و سرسبز و خرم می گردد. بکوشید تا گندم زیاد تر و بهتر، پنبه فراوان تر و مرغوب تر



تولید کنید. بکشید تا با کشت زیاد تر چقدر، کشور خودتان را از قند خارجی بی نیاز کنید،  
بکشید تا بصری بیشتر میوه فراوان تر به بازار آورید؛ بکشید تا داشت ما و فزارع کشور را سرسبز و مفرح  
نگاه دارید. من همه جا پشتیبان شما خواهم بود. دولت کوشش خواهد کرد که هر چه بیشتر از درآمد  
کشور را صرف ساختن سد و خنجر چاه برای آبیاری و مبارزه با آفات نباتی و حیوانی و توسعه  
دامپروری و دامپزشکی و ترویج کود شیمیایی و تربیت فنی کشاورزان بکند.  
رفاه و آسایش شادمانی شمارا از زمینم و بار دیگر آغاز سال کار و کوشش را به شما  
تبریکت می گویم.



## سخن شاهشاه

در دکنده و رجوی مراد بهنگام تقسیم املاک

به شنبه بیست و دوم اسفندماه ۱۳۴۰

کسانی که مرا می‌شناسند و احتمالاً کتابی که به عنوان مأموریت برای وطنم نوشته‌ام خوانده اند می‌دانند که من در چنین روزی خوشوقت هستم. از سالهای پیش یاد می‌آید که طفل بودم و در س می‌خواندم و در پیش خود و با خدای خود راز و نیاز داشتم. از همان موقع این مطالب بنظر من می‌رسید و وقتی که راجع به وطنم فخر می‌کردم و به خصوص فخر می‌کردم که اگر روزی در این سرزمین من صاحب تقسیم و اراده ای باشم اولین چیزی که در جان عالم طفولیت و در واقع مصومی که انسان در آن سن قاعدهٔ بیگناه است بتطری رسیدن فخر زندگی کسانی که آن موقع مایهٔ تقسیم رحیت های ایران بود. البته مطالعاتی نداشتم؛ تحصیلاتی نداشتم؛ آن موقع فخر می‌کردم که خوب بهترین کار اینست که موقعی که من صاحب تقسیم باشم سه سال افراد رحیت را از مثلاً بهرهٔ مالکانه معاف بدارم که اینها بودند برای خودشان خانه بسازند یا گاود و کوسفندی بخرند یا چیزی های دیگر. موقعی که تحصیلاتی کردم



به امور اجتماعی دنیا وارد شدم البسته طرز فکر من عوض شد و احتیاجات مردم را جور دیگری درک کردم و اولین ظواهر اظهارات من راجع به زندگی اجتماعی چیزی بود که بعنوان پنج اصل عدالت در بنزار رسید و میت و دو اگر اشتباه کنم عنوان کردم و لابد آشنا هستید به این پنج اصل. و بعد در بنزار رسید و میت و نه تقسیم خود را به تقسیم املاکی که به ارث به خود من رسید بود که رقم و کار را شروع کردم. متبادر او ایل سی و دورئیس دولت وقت روی نظریاتی که نمی خواهم در اطراف آن صحبت کنم این کار شخصی مرا به وسایلی متوقف کرد. ولی چند ماه بعد این کار دو مرتبه ادامه پیدا کرد. تا اینکه در چند سال پیش توصیه کردم که دولت اول قانون تقسیم خالصه جات دولتی را به تصویب برساند و بعد نیز قانونی که به عنوان قانون اصلاحات ارضی و به منظور محدودیت مالکیت به مجلس پیشنهاد شد. متها باید اینجا بگویم که قانونی که از مجلس درآمد با قانونی که به مجلس پیشنهاد شده بود متناسفانه فرق زیادی داشت و منظور اصلی عملی نمی شد و ایستاد شرط و شروط ملی در آن داخل کرده بودند که بطوری رسید که انجام این قانون سالهای سال اگر به هم حتی عملی می شد طول می کشید. تا اینکه فرصت بدست این دولت رسید که از آن شش ماهه ای که به دولت ابلاغ کردم برای اصلاحات





اولیه و اساسی و ضروری استفاده کرده و لایحه اصلاحات قانون اصلاحات ارضی را به تصویب رسانده و امروز نتیجه این تقسیمات امی میسند و این کار بزرگی که همیشه مورد نظر من بود شروع شده است. کسانی که در این راه قدم برداشتند و لایحه دولت را دارند با قدرت اجرایی کنند سواى خود وزیر کشاورزی که از معتقدین این امر و این اصل است کسانی هستند که در همین سازمان کاری کنند و مطابق گزارشاتی که به من رسیده است با جان و دل خدمت می کنند و به این اصل ایمان دارند و از هیچ کاری و از هیچ چیزی برای پیشرفت این کار فروگذار نمی کنند.

و اما چرا در این راه ما قدم برداشتیم اگر خاطرتان باشد دویست و سیصد و بیست و پنج موقعی که از آذربایجان مراجعت می کردم به کسانی که در تهران برای استقبال آمده بودند همان موقع گفتم که برای من سلطنت بر یک مشت مردم فقیر و اجیانا گرسنه افتخاری ندارد. قدرت هر دو پگتایی حالا هر زری می که باشد این بستگی به قدرت اجتماع دارد. درست است که یک رئیس مملکتی، یک پادشاهی شاه همه است ولی همین مطلب که من چون شاه هستم اکثریت این مملکت را کی تشکیل می دهد اکثریت این مملکت را الا اقل بهنقاد و پنج درصد



افرادى هستند که در دهات ایران و از کشاورزی ایران زندگى مى کنند. پس به بیان نسبت که من تعلق به همه دارم و وقتى که این اکثریت کشاورزان هستند پس من یک وظیفه خاصى نسبت به این طبقه دارم و انکار شخصى و تمایلات خود و اعتقادات اجتماعى و فلسفى خودم. در این کار دو منظور هست یکى از محاط عدالت اجتماعى داینکه این نهاد پنج درصد جمعیت مردم باید در حدود مقرراتى زندگى بکنند که در سر نوشت خود و زندگى خود آزاد باشند پس اولین مشکل اینست که گسى که زمینى را زراعت مى کند و در آن کار مى کند قاعده خودش مالک آن زمین باشد مگر اینکینه خوب کارگر کشاورزى داشته باشد، و یا مگر اینکینه مالک آن زمین طورى وسیله زندگى و سعادت آن شخص فراهم کرده باشد که او با طیب خاطر آن وضع را قبول بکند. پس از محاط عدالت اجتماعى و محدودیت اراضى زراعتى این اصل تأمین مى شود ولى مطلب دیگرى که ما داریم و شاید به بیان اهمیت باشد و در آن باید زیاد بگوئیم این از دیاد تولیدات کشاورزى از راه جلب توجه زراعتى که در آن زمین کار مى کند وقتى که یک زراعتى کار بکند که به آن علاقه اى داشته باشد و آن زمین به او تعلق داشته باشد مسلماً فعالیت خودش را چندین برابر مى کند و اضافه بر فعالیت فردى او امروز مسائل کشاورزى طورى پیچیده و غامض است



و تقریباً جنبه صنعتی پیدا کرده است که کسی که در زمین کاری کند باید به وسیله تسهیلات صحیح کشاورزی یا شرکتهای تعاونی یا شرکتهای عمرانی خاکمک و معاوضت بشود .

چیزی که در این لایحه اصلاحی می بینم و بخصوص از کارمندان و کارکنان کشاورزی می بینم که باعث خوشوقتی است اینست که کافراً به این اصل تأسیس شرکتهای تعاونی توجه کردند . این شرکتهای تعاونی نه فقط جای یک کاربانی که سابقاً مالکین می کردند ولی چندین برابر آن کار با و بادل سوزی البته بیشتر و بدون نظر تمام ملک با و معاوضت تا و تهیه کردن وسایل لازم مشیرت کشاورزی را در دست ما فراهم خواهند کرد . از طرفی این کشاورزان جدید که صاحب زمین می شوند در آینده نزدیک حتی با همین وسایل فعلی کشاورزی لااقل در آستان چهار برابر خواهد شد و موقعی که با اولین توجه از محاط تهیه بذرتبر و کود و وسایل کشاورزی ماشینی و مکانیزه محصولی که به دستشان می آید یا درآمدی از راه کشاورزی به این طریق جدید به دستشان خواهد آمد در اندک زمانی لااقل ده برابر مقداری است که سابق به عنوان رعیت یک ملک اربابی به دستشان می آمد پس ما هم عدالت اجتماعی را برقرار کردیم و هم کار اساسی . یعنی اضافه درآمد فردی و سرانه می و هم از و یا چند برابر تولیدات محصولات کشاورزی که از ما هم



به فرمای ملی و مملکتی ماست . پس می بینید که به تمام این دلایل و به چه مناسبت و چرا در چنین  
روزی من خوشوقت هستم و از زحمات تمام کسانی که در این راه قدم برداشته اند چه کارکنان  
وزارت کشاورزی و چه مالکینی که پیشقدم شده اند و داوطلب شده اند و با خلوص نیت آمدند و  
اطهار نامه بایشان را دادند انظار قدر دانی و اطمینان می کنم و امیدوارم که همین نمونه ای که در مرافقه  
ما می بینیم باین خوبی و به این سهولت و به این بی سر و صدایی و با این رضایت پیش رفته است  
همین نمونه را ما در سایر نقاط مملکت می بینیم و کار ارضی و کشاورزی و اصلاحات آن و مطالب  
اجتماعی آن را در مملکت ایران انشاء الله بهر چه زودتر حل شده و تمام شده می بینیم .



## سخن شامشاه

درد بگذاشته اسفردین رامنند قزوین هشتکام توزیع اسناد مائیت

پنجشنبه سوم خرداد ۱۳۴۱

امروز نیز برای من فرصت نیکی است که با مردمان و رحمت کشان و کشاورزان این منطقه از نزدیک آشنا بشوم و در واقع دفعه اولی است که باین ده بزرگ قدم می گذارم و مشاهده می کنم که ساکنان این ده مردمانی زنده و کاملاً واقف به زندگی و مخصوصاً به آینده خود می باشند. خوشوقتی دیگر من آنست که اصلاحات ارضی ایران که باعث پذیرفت اصول کشاورزی و ازدیاد تولید و عدالت اجتماعی و علاقه مند شدن اکثریت افراد مملکت به آب و خاک خود هستند به سرعت دارد جلومی رود و هر روز نتیجه کار را در یکی از نقاط مملکت به رأی همین مشاهده می کنم. این کار قریب دوما پیش در مراغه شروع شد و به سرعت در بعضی از مناطق آذربایجان بطن پیدا کرد و امروز منطقه رامنند قزوین، و چند روز دیگر به منطقه شمال و همپطور به مناطق دیگر مملکت به سرعت سلامت خواهد کرد تا اینکه انشا الله هر چه زود تر به هدف نهایی و اصلی خود برسیم.

باز هم جایی خوشوقتی است که این احتیاج تاریخی و اجتماعی ما را الآن نه فقط خود زارمین



ز محکمش مملکت بخوبی درک می‌کنند، بلکه موضوع اصلاحات ارضی در تمام طبقات مملکت تأثیر سنجویی  
بخشیده است و مطابق اطلاعاتی که به من رسیده و مطابق عقل و منطق بهم هست، عموم افراد مملکت  
ایران نسبت به این برنامه با کمال اشتیاق و خوشبینی نظاره می‌کنند و در واقع خود را در این برنامه عظیم  
لااقل از لحاظ روحی شریک می‌دانند و پشت سر این کار کاملاً ایستادگی دارند.

باز هم جای خوشوقتی است که می‌نیم افرادی از ما لیکن دو طلبانه شاید مشمول قانون مس  
نمی‌شدند ولی پیش بینی آینده را کردند و احتیاج را درک کردند و کاری که امروز در این منطقه انجام می‌گیرد  
نمونه رشد فکری و حس مسوولیت فکری و اجتماعی عده ای از مالکان سابق این مملکت است.  
البته پوشیده نماند که حس می‌کنم در دستگاه وزارت کشاورزی ما و میان تمام افرادی که  
مسوول اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند یک شور و ذوق کاملاً مشخص و پختنی وجود دارد.  
امید دارم که این ذوق و اشتیاق و عشق به انجام بخت چنین وظیفه ملی، تا آخرین ساعتهای کاین بر ما  
بطور کامل در سراسر مملکت اجرا میشود، به همین نسبت، به همین شدت این آتش فروزان باشد تا هر چه زودتر  
انشا الله به نیاج درخشان برسد.

بمانظوری که قبلاً تخم عمده کا تقسیم زمین و دادن سند مالکیت به دست رحمت نیست



بلکه آن تشکیلات اداری و بخصوص سازمانهای تعاونی و صندوقهای بانکی و بانک مرکزی تعاون  
است که بخصوص قادر خواهد گشت که این کار به بهترین وجهی پیش برود .

منظور نهایی ما اینست که هم سطح گشت و هم بخصوص محصول مملکت چند برابر اضافه بشود و  
در عین حال درآمد سرانه افراد کشاورز مملکت بیش از چند برابر افزایش یابد تا اینکه مجموع درآمد سرانه  
ملی ما به پای ممالک مترقی دنیا برسد . از زحمات تمام اشخاصی که در این راه خدمت کرده اند قدرزانی  
میکنم . همچنین به بالکنی که در این امر پیشقدم شده اند تبریک میگویم و مطمئن هستم که سایر مالکین خوش فکر و  
خوش سلیقه و وطنخواه این مملکت نیز به همین امانت خواهد گشت .

من امید دارم که شما مالکین جدید با اشتیاقی که به این کار نشان می دهید ، و با زحمتی که خواهید  
کشید ، و با تشکیلات صحیحی که برای شما کار خواهد کرد هر چه زود تر به یک زندگی مرفه و سر بلند می شیز  
در میان جامعه خوشبخت و مترقی ایران انشاء الله برسد .



## سخنان شاهشاه

در دهکده «دپول» ارکان پنجم خطای اسناد مالکیت نبره ۱۳۲۱

یکشنبه نیت پنجم شهریور ۱۳۲۱

امروز بار دیگر در امرای شرکت می‌کنم که هم باعث خوشوقتی قلبی و باطنی من است،  
و هم می‌دانم که باعث آسایش و رفاه یکت حده دیگر از جوطنان پاک و شریف ماست .  
بناظوری که قبلاً گفته‌ام چون شاد و بقانای ایران اکثریت جمعیت این مملکت را تشکیل  
می‌دهید، همین مناسبت و حل دیگر طبیعی است که باید بیشتر به فکر شما باشم و کسی نسیم که وسایل  
آسایش و زندگی بهتر شما فراهم شود. البته بناظوری که می‌دانید این مختارانه نمی‌تواند  
از مدت‌ها قبل شاید شکل دیگری در نظر من بود، و در عالم جوانی راهبانی بطرم می‌رسید که بعد  
بامروز زمان و ایام، پیدا کردن تجربه بیشتری، بالاخره در سال ۱۳۲۹ با تقسیم اولین قسمت  
دانی که متعلق به خود من بود این کار، یعنی تقسیم اراضی من کسانی که در آن اراضی زحمت  
می‌کنند و کشت می‌کنند شروع شد .

از آن موقع همیشه در صد این بودم که به چه وسیله‌ای این خرج شخصی خود، این برنانه





شخصی خود را تقسیم به بسم و سی کنیم که تا حد اکثر ممکن در مملکت عمومیت بدسیم. این کار این قدر با هم ساده نبود. پس از یکی دو سال از شروع تقسیم اراضی شخصی مین و دهقانان، موانع پیش آمد، یعنی اصل اشغال این بود که فکری شد کسانی که آن موقع سرکار بودند جلوی تقسیم اراضی شخصی مراهم گرفتند چه برسد به عمومیت دادن این کار بگذریم از اینکه خود آنها مالک عمده بودند و مانع این کار شدند ولی فکری کنیم که اساس کار این بود که آن قبیل سیایسون فخری کردند که قطع موقعی ممکن است برگزیده یکی سوار شد و با فریب و دروغ یک صده ای را گمراه کرد که آنها از مملکت خودشان، از اوضاع خودشان، از زندگی خودشان، بی خبر باشند. سواری را فقط بردوش یک مشت مردم نفهم و بدبخت می شود انجام داد و الا چطور می شود که وقتی که اکثریت قسماً آزاد بود، فئید، تشخیص داد، و منافع خودشان ابدست داشت، اینها آلت دست قرار داد، و به برستی مثل حیوان کشید.

یک قصد عمده ما از این کار که اکثریت مردم این مملکت مشمول آن خواهند شد اینست که اکثریت جمعیت این مملکت مردمانی باشند آزاد، بافهم، به منافع خود وارد، و یک چنین کسانی طبعا آماده حفظ زندگی خود، وضعیت خود، و طبعا بهین مناسبت آماده حفظ



مملکت و آب و خاک خود، و سرزمین خودی باشند .  
بعد که موانع برطرف شد به تقسیم املاک شخصی پرداختیم . بجز اقادیم که چطور این کار را  
عمومیت بدیم . به تقسیم املاک خالصه شروع کردیم . این کار با سرعت زیاد پیشرفت نکرد  
مطمئنم که بعد با املاک خالصه با سرعت بیشتری تمام بشود . به اینجا هم اکتفا نکردیم . بالاخره چند  
سال پیش لایحه اصلاحات ارضی را پیشنهاد کردیم . این لایحه اصلاحات ارضی به یک  
شکل داخل مجلس شد و به شکل دیگری خارج . درست حکایت شیرینی یال و دم و اشکم  
است . نفوذ های معیسی در آن مکان مانعانه این لایحه را از صورت عملی خارج کردند  
بعد گفتیم که این کار تم رانی شود سرسری نگاه کرد . به طوری که شده به هر قسمتی که شده ، این  
کار را ما انجام خواهیم داد . اینست که تصویب نامه مربوط به لایحه قانونی اصلاحات  
ارضی عملی شد . در این راه عده ای در اجرائش زحمت کشیدند . بخصوص یک عده ای  
باجان و دل زحمت کشیدند . اینها مردی هستند مومن به این کار شاید استرحت  
را بکلی بر خودشان حرام کردند . چه پشت میز چه در روی زمین ؛ چه در اطراف و کناف  
معاظ مختلف . اینها شب و روز کاری کنند و ما این بار را روز بروز بنیابتر برای انجام



وظیفه می‌کنسیم. کلاسهای مخصوصی می‌بستند؛ تخصص پیدا می‌کنند؛ و خوبی‌کنسیم  
بهترین راهی که در مملکت ماعلی هست و این راه هم با اقتضای توانیم می‌کنسیم همین است  
ماراهی را انتخاب کردیم که شاید از راهی که سایرین رقبه باشند بهتر باشد. و این گزاره خوبی  
نیست. برای اینکه نتیجه کار را ما هر روز می‌بینیم. این عمل در خیلی از نقاط مملکت شروع شد  
با موفقیت شروع شد؛ همه جا با استقبال فراوان زارین مملکت مواجه شد؛ زارینی که  
می‌گفتند نمی‌فهمند و سواد ندارند، و بدون ارباب قادر به زندگی نیستند، همین‌ها که تا بهترین  
مدتی طوری از خود رفته اجتماعی نشان دادند که باعث تعجب باشد. اینها بلافاصله در دست‌های  
تعاونی شدند؛ همه سهم خود را بلافاصله پرداختند؛ همه معنی این کار را درک کردند؛ و این باعث  
امیدواری ماست، و به این جهت کسانی که هنوز نمی‌خواهند معنی این کار را بفهمند باید بدانند  
که هیچ پیش‌آمدی نمی‌تواند باعث نقطه توقف شدن این کار نباشد، حتی باعث مکث  
مختصری این کار نخواهد شد. این کار دیگر موضوع این نیست که قطعی‌ل من باشد، یا یک  
وزیر کشاورزی را من پیدا کردم که دنبال این کاری بود و خیر از اینجمله میل من تغییر کند که  
البته، هیچوقت تغییر پیدا نخواهد کرد، و یا از اینجمله این وزیر کشاورزی یا هر کس دیگر باشد



محال است که این برنامه تغییر پیدا کند و این به جلو خواهد رفت. من که مبتکر این فکر بودم می گویم تمام محبت خودم را که داشتم دنبال این کار. اما این را بدانید اگر خدای خواسته و بفرض محال، اگر من هم تغییر عقیده بدم این کار متوقف شدنی نیست و رو به جلوی رود و روز بروز ریشه دارتری شود. چرا؟ برای اینکه معنی این کار را اکثریت مردم فهمیدند و آنچه چیزی که اهمیت دارد برای ما این است که قانون اجرا شود تا روزی که این قانون هست این قانون باید اجرا شود. هر روز که قانون باید تغییر پیدا کند مطلب دیگری است ولی تا آن زمانه ای که این قانون به قوت خودش باقی است همه باید مطیع قانون باشند و الا مرجع و مرجع ایجاد می شود. ما نمی توانیم تحمل کنیم که قانون ناموقی که به قوت خودش باقی است اجرا نشود. اگر این پیش آمد بگذر معنی این است که دولت و قدرت قانون ضعیف است. وقتی که دولت نتواند یک قانونی را اعمال کند معنی دیگری می دهد یعنی حکومت مرجع و مرجع یعنی حکومت قضا و قدر و این نمی شود. تشخیص دادم بهترین کسانی که بتوانند قانون را اجرا بکنند و هم طرف اعتماد ما هستند و هم طرف اعتماد مردم خود دستگاه اصلاحات ارضی است. اینها هم مجرب هستند هم دلوز هستند و هم اینها در پیش من



مسئول هستند که این قانون را اجرا بکنند و مطمئنیم که به بهترین وجهی هم این کار را خواهند کرد. و اما منظور دیگر از تمام این کارها و این اصلاحات ارضی این است که تولید کشاورزی این مملکت و همین مناسبت درآمد کشاورزان مملکت به نسبت فاحشی بالا برود. وقتی که از یک طرف اکثریت کالاهای ما آزاد شدند، و همین مناسبت معنی زندگی استقلال فردی را فهمیدند بیشتر کار خواهند کرد. مروصین کشاورزی به اینها متد های جدیدی یاد می دهند؛ تولیدشان اضافی شود، درآمدشان اضافه خواهد شد. همین جهت قدرت خریدشان اضافی شود. قدرت خریدشان که اضافه بشود صنایع مملکت بیشتر و بهتر کار خواهد افتاد؛ و آنهم به نوبه خودش به صاحب سرمایه و صاحب کارخانه و کارگر که آنها را هم ما تأییم می‌تاییم درصد در منافع کارخانه شرکت بدیم استفاده خواهند کرد. این اضافه تولید نوازی هم دارد که آن یاد گرفتن قانون جدید کشاورزی است. استعمال کود شیمیایی است و فراهم کردن آب کافی است. امید داریم با این حرکتی که امروزه نادیده جا شده می‌کنیم بارشده عمیق روحی اخلاقی مردم این مملکت این تحول در تاریخ ایران به بهترین وجهی عملی بشود و نیاز آن حایه کلیه مردم این مملکت انشا، الله بشود.



## سخنان شاهشاه

بهنگام اعلای اسنادالکیت دبهقان

درمرافه

روزیکشنبه اول مهراه ۱۳۲۱

امروز روز دبهقان است و ما آن را با کمال خوشوقتی جشن می گیریم؛ ولی چقدر بر خوشوقتی ما افزوده شده است که این جشن مصادف است با خاتمه اصلاحات ارضی در منطقه مراغه، میانه و آب و شهرود. گزارش اینکار را متصدیان مربوطه ذکر کرده اند، و توضیحات کافی دادند. انکار و عقاید مرانست به این امر و علاقه به دبهقان کشور و اصولاً اصلاحات ارضی را به کرات شنیده اید، در هفت ماه پیش اظهارات مراد مرافه شنیدید؛ چند روز پیش در اراک بیاناتی کردم، لابد اطلاع دارید. دیگر در آن صفت چیزی نمی گویم ولی در اطراف اساس اینکار و اثری که در زندگی اجتماعی این ملت دارد می خواستم چند کلمه ای ذکر کنم. کاری را که ما شروع کرده ایم فقط یک نوع اصلاح محدود به اراضی زراعتی نیست. این اقدام اجتماع ایران را تغییر خواهد داد. یعنی



یکی از ریشه‌دارترین و در واقع انستلابی‌ترین عالی است که در زندگی یک ملت ممکن است پیش بیاید. کاری را به این عظمت مل دیگر در قرن‌ها به تدریج انجام داده و یا اینکه با انقلابات خونین که خود آن نیز ممکن است بروز حتمی بخند به طریق دیگری انجام داد؛ ولی فخر می‌کنم افتخار ما باید در این باشد که این کار با آن عظمت را سایرین طی قرن‌ها انجام داده اند ولی ما توانستیم این کار را به سهولت و سادگی در این منطقه و مناطق دیگر شروع کنیم، و در فاصله کوتاهی نتایج گرفته ایم. در سر اسر کشور در مدت کوتاهی شاید تا مدت دو سال دیگر قانون اصلاحات ارضی به مرحله اجرا در آید. درست است که در عقاید ما موضوع مالکیت محترم است ولی مالکیت بر چه چیزی؟ مالکیت بر شیئی و قسمتهای منقول صحیح است اما در عصر ما در این روزگار آیا مالکیت بر فرد یعنی دارد؟ مالکیت بر زمین صحیح است ولی به عقیده من مالکیت بر زمینی که مالکیت بر دهقان و یا زارع نباشد؛ اگر باشد این مالکیت صحیح نیست.

قانون اصلاحات ارضی را محترم می‌شماریم و احیای خواهیم کرد. هم مالک مشمول و هم رعایا باید تابع قانون باشند. من جان کسی هستم که از مدت‌ها پیش تنها این جریان



را پیش‌بینی و در سال ۲۹ شروع کردم. نصیحت من به شما با اطلاع به گذشته و با در نظر گرفتن آینده مملکت این است که مالکانی که مشمول قانون نمی‌شوند و زمینی را نگاه می‌دارند آن را فقط به وسیله ماشین آلات کشاورزی عمل نکنند. اگر اعلایک داشته باشند که به وسیله زارعین عمل می‌کنند باید درآمد آنان را به میزان زارعینی که مالک شده‌اند برسانند و یا اینکه زمین را به زارع بفروشند، و یا اینکه به دولت متقل و قیمت عادلانه را بگیرند. کسانی که نصیحت مرا بپذیرند بعد با پشیمان نمی‌شوند. و اما جریان اصلاحات ارضی را بهمانطور که مشاهده می‌کنم خوشترقم در اسرع اوقات پیشرفت کرده است. متنی اساس کار دادن زمین و سند به دهقانان سابق و مالک امروز نیست. باید او را یک فرد آزاد در میان اجتماع ببینیم و با کار و کوشش بیشتر آنها محصول چند برابر شود این کار لازمه اش تشکیل شرکت‌های تعاونی است. این کار در این شرکت‌ها با استقبال زارعین شروع شد، و اقدامات خوبی کرده‌اند، و موجب خوشوقتی ما است. این اقدامات باید تکمیل شود باید زمین‌ها را مکانیزه کرد. آبیاری صحیح نمود. کودشیمیایی به زمین داد. در این کار عده‌ای حقیقتاً زحمت کشیده‌اند و حتی فداکاری کرده‌اند. و با





ایمان و عقیده را سخ همه چیز خود را فراموش کرده اند، و در دلت رفته اند، و در این کار  
تشریک مساعی همگانی بود، تمام نامورین دستور داشته اند به آنها امر شده بود که باید که  
باجنگی کامل نشان بدهند. اگر در بعضی نقاط یک اختلاف سلیقه ای پیدا شده بود  
این اختلاف سلیقه آنقدر کوچک بود که لازم به تذکر نیست. این اصلاحات مترتبا  
ایران را فرا خواهد گرفت. و با همین غم و اراده دنبال خواهد شد، و در آینده نزدیک  
یک جامعه محکم و قوی که بر بنای عدالت اجتماعی بنا شده باشد خواهیم داشت. تا دو  
سال دیگر زارعیان از این موهبت برخوردار می شوند.

در حال حاضر مقدار پنج درصد مردم کشور کشاورز هستند. امید داریم در آینده  
تا یک نسل دیگر، این نسبت معکوس شود، و این عده بکار کشاورزی بپردازند. برای اینکار  
از طرفی باید اصلاحات کشاورزی به صورت مکانیزاسیون انجام شود. سیستم  
آبیاری ممکن است ترقی و تغییرات کلی پیدا کند. ما در مراغه استعداد زیادی می بینیم  
ولی می خواهیم در منطقه قزوین و سایر دهاتی که زلزله در دوم شهریور خرابی به بار آورده آنجا  
را نمونه یک منطقه کشاورزی که بر بنای آخرین اسلوب سیستم کشاورزی باشد دست



کنیم . دولت عنقریب تصویب نامه ای صادر خواهد کرد ، و تمام مناطق زلزله زده  
به دولت منتقل خواهد شد و بار دیگر زمین بزارمین و خرده مالکین برمی گردد ، و با کار های  
اساسی و حفارچاههای عمیق آنجا آبیاری می کنیم و خانه ها را بار دیگر می سازیم . ما نمی توانیم  
این کار ها را برای خاطر کسانی که در آنجا مالک بوده اند انجام دهیم این کار صحیح نیست .  
مالکان آنجا که مشمول نمی شوند در مقابل این زلزله فوق العاده جاگنندار درک می کنند .  
امید وارم در این منطقه نمونه هر چه زود تر عملیات شروع شود . و تا یکی دو سال دیگر تمام  
شود . و این منطقه باعث بشود سایر نقاط از آن سرمشق بگیرند و بسینند چطور می شود در  
یک منطقه حد اکثر استفاده از محصولات کشاورزی را کرد . شاید بی احتیاطی نکرده باشم  
که گویم میزان محصولات در قزوین پنج برابر می رسد . این صحبت ها بگوش حسیلی ها  
ممکن است صحبت های انقلابی و ظالمانه باشد . اصل کار این است که ما اقدام  
انقلابی می کنیم . خوزیزی و زرد خورد نیست . خوزیزی و زرد خورد دلیل انقلاب  
نیست . اگر گفته شود ظالمانه است باید پرسید چه نوع ظلمی ؟ آن دسته که از زندگی  
محروم شده اند . پول به آنها داده می شود . امید وارم که مالکان اگر مایل باشند در



امرضتی کردن کشور شرکت کنند تا در آینده بتوانیم یک کشور صنعتی شویم. مطمئن هستم با  
جان و دل دنبال این کار هستیم و این را افتخار خود می دانیم و کسانی که قطعاً فکری کنند  
به آنها اجماع شده به این عمل متعهد خواهند شد که وضعیتشان تغییر خواهد کرد. به صورت  
موفقت ملت ایران را در این روز بخصوص موفقت روز اقرون دهمت نامان شریف  
ایران را از خداوند مسلت می کنم و استعاذه می کنم اظهار رضایت قلبی و قدر دانی خود  
را به تمام کسانی که کوچکترین سهمی در این کار داشته اند ابراز دارم. همچنین موفقت  
آمان را از خداوند متعال مسلت دارم.



## سخان شاهشاه

درچمن باغچه چوق

بنگام اعلای اسناد مالکیت اراضی خالصه بکشاورزان

یکشنبه بیستم مهرماه ۱۳۲۱

باعث مسرت است که امروز فرصت آن پیدا شد که بار دیگر بتوانیم اسناد مالکیت زمینهای خالصه بطور رایجین ۱۳۶ نفر از افراد زارع و دهکدهکش مملکت تقسیم کنیم . سعی کردیم تا جایی که ممکن باشد بایکایک این افراد که به نمایندگی از طرف سایرین اسناد مالکیت را گرفته اند صحبت کنیم ؛ و بخصوص بفهمیم و بنسیم که معنی این کار یعنی اصلاحات ارضی ، و بخصوص مالک شدن اراضی را از طرف اینها بفهمیم که اینها درک این معنی را می کنند؟ و خوشبختانه دیدیم که همه کاملاً به این اصل واقف هستند و بخصوص همان طور که انتظار داشتیم و طبیعی است اینگونه این کار را و بخصوص مفید بودن این کار را در این می دانستیم که چون زمین را از آن خود می دانند در آتیه مستقلاً بیشتر زحمت خواهند کشید و اگر لازم باشد به وسیله شرکت تعاونی خودشان که الآن سهم آن را هم خریداری خواهند کرد و اراضی آنها آباد بشود ؛ و اگر تا بحال در



مقابل موضوع بی‌آبی می‌ساختند و می‌ساختند اما از این به بعد به سی خود اینها بار اینها بیایم  
که مر و چین کشا و زری یاد بسیاران و غیره خواهند کرد، در از یاد منابع آبی، هم خواهند  
کوشید. چون می‌دانند که این زحمت و این کار مستلماً در زندگی خود آنها تأثیر خواهد داشت  
و به آنها ملکت عمده ای خواهد کرد. برای خود من این نمونه تا و یا این امتحانات لازم نیست  
برای معتقد بودن به این کار و با اصلاحات ارضی و کارهایی که تا به حال کردیم چون  
اطلاع داشتیم و هم به این کارها نظوری که می‌دانید از سالها پیش معتقد و مؤمن بودم و این کار را  
هم به خواست خداوند شروع کردیم و شاید در این منطقه دنیا این ابتکار از آن ما بوده. ولی  
اینده و ارم که این سوالات و جوابها برای کسانی که حاضر نیستند در محل نمی‌توانند چشم‌خوشان  
بینند و یا بشنوند معنی این کار را بفهمند و بدانند که چقدر در حیات اکثریت این مملکت این مطلب  
و عین لازم است.

از شهر رضایه که حرکت کردیم پس از طی چند کیلومتر مسافت در بهر جایی که جمعی بود  
مردم آمده بودند که شاه خودشان را ببینند تا توقف می‌کردیم و از حال مردم جویم می‌شدیم. البته  
چون مملکت در حال ترقی است مردم به اساس زندگی دارند آشنایی شوند و بطبعاً درخواستهای



کمری داشتند راج به از دیدن مشکلات کلاهای بستان یا دبیرستان. تقاضای درگاه بود  
وسایل بیداری و بهداشت بود، و این البته مایه خوشوقتی است که مردم باید این مطالب هم  
و اساسی هم بی برده اند و تقاضا دارند که این نوع وسایل در اختیار آنها باشد. ولی اضافه  
بر این و چیزی که به حیات آنها بستگی کامل دارد و می تواند آنها را در زندگی خوشبخت بسازد  
و یا ایحاناً زندگی شان در مضیقه و سختی باشد موضوع نبودن آب است. متأسفانه از همان چند  
کیلومتر تا به اینجا غیر از چهار یا پنج نقطه استثنایی همه از بی آبی شاکی بودند. البته شاید این دو  
سه سال خشکالی اخیر هم مزید بر علت بوده است. ولی اصولاً ما باید این موضوع بی آبی یا کم آبی را  
حل کنیم و حل آن غیر از اشتراک سعی بین اهالی این دهات و دستگاههایی که به همین منظور ایجاد شد  
که اینها کمک بجذب از طریق بانک کشاورزی و آنهم از طریق شرکت های تعاونی یا روستایی به حل  
دیگری نیست. فتنی چیزی که مسلم است موضوع اینست که تکلیف اصلاحات ارضی ما هر چه زودتر  
روشن شود که این دستگاه های مرکزی بانک کشاورزی و شرکت های مشتق از آن تکلیفشان روشن  
باشد که بانی سروکار دارند و به کنی کمک می کنند و عموماً این کار حاصل چه اشخاصی خواهد شد.  
ولی من بگویم کنم که حتی قبل از روشن شدن کامل تکالیف اصلاحات ارضی چرانی که ممکن است



شرکتهای تعاونی تشکیل شود و دهقانهای باجانطوری که می بیند استقبال کردند از این کار با کمال میل و دل این شرکتها بشوند و از طریق مربوطه یا با کنجهای کشاورزی تماس حاصل بکنند و مقدمات کار را فراهم بکنند؛ و معارن روشن شدن تکلیف اصلاحات ارضی کار آب هم تمام شود که بعد پیوسته ما منتظر این نباشیم دو سه سال وقت کم بکنیم که تازه پس از اصلاحات ارضی کار آب این افراد محتاج به آب طول نکشد.

در این قسمت باید نامورین مربوطه بنشینند و فکر بکنند راه حلی پیدا بکنند و انشاء الله هر چه زودتر اقدام بکنیم. ولی از اینکه ما ناچار باید اصولاً فکر بکنیم که چطور آب را در مملکت بیشتر و بهتر از آن استفاده بکنیم امری است مسلم.

خیال دارم به او ایامی مربوطه دستور بدیم که یک قسمت عمده فعالیتهای کشاورزی در داخله برنامه پنج ساله سوم محطوف به پیدا کردن آب در دسترس گذاشتن آب به بزرگان و کشاورزان مملکت باشد. موقعی که دهقانهای ما بزرگرمای بیشتر زراعت کردند و از هر قطاری که زراعت کردند چون آب هم در اختیار داشتند محصولان بیشتر می شود طبعاً درآمد اینها به مراتب بالاتر خواهد رفت. وقتی که درآمد اینها بالا رفت و بهتر



لباس پوشیدند و منازل بهتری داشتند، خود به خود بهداشت اینها بهتری شود. بهینطور  
در قسمت فریگنی مایه بسیم خیلی از این وراثت خودشان دبستانهای ساختند و به اصطلاح  
به اختیار فرهنگ گذاشته اند که فرهنگ معلم و سایر کارمندان را تهیه بکنند و بچه های اینها بودند  
درس بخوانند. بدیهی است که وقتی درآمد اینها بیشتر شد در این زمینه خیلی بیشتر می توانست خرج  
بکنند و در سایر اصلاحات دیگر وراثتشان را آباد کنند.

آب آشامیدنیشان را اگر لازم باشد تصفیه بکنند و لوله کشی بکنند. جایی که لازم باشد  
برای خودشان کارخانه برق تأسیس کنند و از مواهب تمدن امروز بهره مند باشند  
استفاده کنند.





## سخن شامشاه

بنگم اعلاى اسناد مالکیت ملک خالصه بکشاورزان

در قرنیزه

یکشنبه ششم مهرماه ۱۳۴۱

در این چند ماه اخیر فرصتهای زیادی پیدا شد که به این کاری که از قدیم وزمان پیش به آن علاقه مند بودیم اقدام کنیم. خوشحانه امروز تیرمی تو انیم شاهد اعلاى سند مالکیت عده اى از کشاورزان زحمتکش این مملکت باشیم.

دعای خالصه متاسفانه در گذشته شاید از مغربه ترین آبادیها و دعای مملکت بوده است چون تکلیفش روشن نبوده و اصولاً دولت مالک خوبی نیست و رعیت وقتی که حسن مالکیت نداشته است قاعده به جز یکت بخور و نمیری بیشتر به دست نمی آورد یعنی اینکه زحمت نمی کشد که به دست بیاورد. این است که خالصات با معمولاً دعای مغربه تاسف آیمری بوده.

لایحه اى برای تقسیم خالصات گذشته ولى با نظوری که امروز در گزارش شنیدید



تاخیر تقسیم خالصات دلایلی داشته است که امیدوارم این عمل هر چه زودتر بر طرف شود و کار این خالصات بهم مثل ذرات مشمول اصلاحات ارضی به همان سرعت پیش برود، و در مدت کمی کاملاً به دست بزرگران محل آن خالصات تقسیم شود. دیگر در اهمیت این اقدام به اندازه کافی صحبت شده است فقط از معنی و موقعیت این محل قدری صحبت بکنیم و آن اینست که خود من دفعه اولی است که به اینجا می آیم.

شنیده بودم که خالصات مرکه در و ترک در یک نقطه بسیار زیبای طبیعی با استعداد واقع شده است ولی حقیقتاً هیچ وقت نگزنی کردم که چنین استعداد فوق العاده ای داشته باشد و از طرفی این استعداد به حد کافی از آن بهره برداری نشده باشد.

در این منطقه زرخیز شانس آن به بطوری که قبلاً هم اطلاع داشتم و باز هم تأیید و تکرار شد و شاید یکی از پربارترین مناطق تمام مملکت ایران باشد شنیده ایم که تعداد مسلول با تنبیه زیاد است علت را که جویای شوم جواب این است که مردم به عنوان منزل و خانه در آنجا - بائی زندگی می کنند که شاید حیوان هم اگر در آنجا زندگی بگذرد مرین بشود. یعنی یکت سوراخ کوچکی به عنوان در هست بدون پنجره و هیچ چیز دیگر. این اطفاقانه آفتاب می خورد و نه هوای کاملاً



آزاد دارد و به همین مناسبت محل مناسبی است برای رشد و نمو هر نوع میسرکری منجمله میسرکری  
سل. یا می بسیم که این منطقه مساعد درخت زیاد ندارد. علت را که جو یا می شویم می گویند  
که درخت چون ممکن است که منظر مالیکت و عرصه آنهم باز منظر مالیکت باشد این است که  
حتی المقدور سعی شده بود در گذشته درخت کاشته نشود که احیاناً ممکن است درخت و عرصه خاطر  
این مردمان نیفتد. اینها آثار قرون وسطایی است. این آثاری است که بجهت باقی ماندن  
الهی به سرعت از میان می رود. این دیگر غیر قابل دوام است؛ و مسلماً تا یکی دو سال دیگر  
آثاری از آن باقی نخواهد ماند.

قدرت یک مملکتی را فقط می شود می توان به قدرت افراد آن تشخیص و تمیز داد.  
افراد مملکت را هم همیشه همانطور که واضح است اکثریت یک مملکتی تشکیل می دهد. پس اگر  
اکثریت خوشبخت بود، سالم بود، و دچار امراض گوناگون نبود، می شود گفت که آن ملت  
و آن جامعه سعادت و سلامت هستند و الا غیر آن نتیجه اش همین است که ما می بینیم.  
در یک چنین منطقه بهشتی تعداد مسلول متأسفانه زیاد است. باین اقدامات که  
در پیش است ما نمی کنیم که مملکتی از آن بهره مند و برخوردار بشوند. و یک اکثریتی وقتی که فرض



بود خود به خود برای سایرین ایجاد کاری کند و همه برای تأمین و رفع احتیاجات عمومی در یک رشته مخصوص می‌توانند فعالیت بکنند و به اندازه کافی استفاده بکنند و از یک زندگی مرفه و با تمدنی برخوردار باشند.

همانطوری که بکرات گفته‌ام یکی از به‌فحای ما اضافه کردن بر تولیدات کشاورزی این مملکت است حتی با چند برابر اراضی موجود زراعتی را انشاءالله می‌توان در آینده با تهیه وسایل لازم منجمله آبیاری کافی تحت کشت قرار داد و چند برابر محصول را بطور عادی بدست آورد ولی مایسل داریم که از همین اراضی موجود چند برابر محصول به دست بیاید و فقط با این سیاست است که درآمد یک خانواده کشاورز وقتی که چند برابر بالا رفت سطح زندگی او می‌رسد به پایه مملکت مترقی دنیا. در این راه امید داریم که شرکت‌های تعاونی کاملاً مسلط و مجرب باشند و همچنین آشنان داشتن افراد ورزیده مثل مروجین کشاورزی و از طرف دیگر داشتن مسائل لازم زراعت مترقیانه امروزی و ماشین آلات زراعتی، کود و غیره است. کار ماینگه در این منطقه مخصوص می‌شود کرد از دیاد دامپروری و شاید تغییر نسل دام‌های موجود است. گاودای شایب به مراتب از این که هست می‌تواند بزرگتر باشد و همین طور گوسفندان



از حیث نوع و چشم می تواند بهتر شود و مجموع این فعالیتها و اقدامات نیا بجی خواهد داد که  
کشاورز ایرانی بخصوص در یک چنین منطقه ای درآمدش برسد به پای کثا و رزان مرفه  
و خوشبخت ممالک دنیا. و اما این منطقه بغیر از این استعداد های طبیعی و از طرف دیگر نقایسی که  
متأسفانه امروز مجبور شدم به آن اشاره کنم یکی از مناطق دیگر که در استان غور ایران است  
که خیلی به مرز مملکت نزدیک است. این کوهستانی که ما بلافاصله می بینیم مرز مملکت را تشکیل می دهد  
و از طرفی چقدر باعث خوشوقتی است که این طور راحت و آزادانه و در کمال امنیت در این  
منطقه قدم می نریم یعنی هر کس می تواند بیاید و برود کسی به او کاری ندارد؛ دنبال کارش  
برود، زندگی خود و خانواده اش را فرهمس بگذرد. و از طرف دیگر وسیله تعاین این نعمتهای  
آبی و آکنسابی با و قایمی که متأسفانه بغل گوش ما در جریان است و باعث این همه بختی و خرابی  
خونریزی و بچا رگی شده است فرهم است. پس قدر نعمت را بدانیم و شکر خدا را بکنیم که  
توجهات خودش را از ما بچ وقت دریغ ندارد و برای اینکه شکر گزار باشیم اولین کار و بهتر بر کار  
این است که همیشه بفرهمس خود باشیم. یک قسمت از خوشی خود را در خوشی دیگران نیز بدانیم  
و دست محبت و بچکاری و معاضدت را همه نسبت به هم بگیرد و از بکنیم و متفقاً این مملکت را به آن



مدارجی برساییم که قحماستحق آن هستیم و اضافہ بر این حق مطابق این روشهای مسترقی،  
لیاقت بدست آوردن آنها را ہم انشاء اللہ خواهیم داشت .



## سخن شاهشاه

در اردیل

بعد از ظهر روز شنبه چهاردهم مهرماه ۱۳۴۱

مردم عزیز و غیور و وطن پرست اردبیل، در این نخله که با شما تماس می گیرم و صحبت می کنم البته اولین کلمات من با انظار قدر دانی قلبی و انحصار صمیمانه ترین احساسات متقابل خود نسبت به شما مردم شریف می باشد.

سوابق تاریخی شهر شما حاجت به ذکر نیست. در طول تاریخ نشان داده اید که خون ایرانیت همیشه در کهای شما در جریان بوده و منبری از این بالاتر برای جوانمردی و وطن پرستی پیدانمی شود کرده در مقابل این سوابق شما و این مظاهره‌ری که امروز از حسن طبیعت و وطن پرستی و همچنین احساس و محبتی که به من نشان می دهید کیست که بتواند یک نخله نسبت به حال و بخصوص آتیه شما کوچکترین شکمی داشته باشد. این مظاهر احساسات شما قوت قلبی است در هر ایرانی و اختطاری است به هر بدخواه که ایران را به جیات خود با افتخار ادامه خواهد داد و پرچم ماد را هنراز باقی خواهد ماند. و اضافی بر این باغری



را سخ به تمام ترقیاتی که یک ملی در این قرن باید به آن نایل بشود ما با محاضرت بهکافی و فغانه کوتاهی به آن خواهیم رسید و نشان خواهیم داد که چگونه یک ملی که این طور متحد است از طرفی به خواست خداوند این صفات بازر اخلاقی و از طرف دیگر این ثروت خداوادی را دارد می تواند به اوج ترقی و عظمت و سعادت برسد.

راههایی که انتخاب شده است لابد بر همه روشن است. اولین اصلی که مراعات کرده ایم و بخصوص روز به روز بیشتر مراعات خواهد شد. از طرفی قوانینی که عدالت اجتماعی را برقرار کند یا وضع خواهد شد در این جامعه هر کسی از جمعی که می کشد باید آن اندازه نفع ببرد که اساس زندگی او مطابق آن پنج اصلی که ما قبلاً گفته ایم و امروز مطابقت می کند با اصول اجتماعی ملل مترقی تأمین بشود.

برای بزرگرمی دانید که چه نقشه ای داریم و چگونه این نقشه در جریان است. برای سایر طبقات، برای طبقات زحمتکش کارگر، برای طبقات خدمتگزاران دولت برای کسبه، برای اصناف، بالاخره برای تمام طبقاتی که این جامعه را تشکیل می دهند همینطور فکر شده است. برای اینکه هر چه زودتر و بهتر به این مقاصد افرادی که باید این کار را انجام





بدهند و به نفع جامعه قدم بردارند باید تربیت آنها بگوشیم. اینها یا در مدارس عادی هستند یا در مدارس تخصصی. روز به روز افراد بیشتری باید در امر زراعت صاحب اطلاع و فن شوند. در آموزشگاه کشاورزی اینها اصول جدید را یاد بگیرند. تعاون را یاد بگیرند و با ارشاد اینها مردم ما روز به روز بهتر و بیشتر از تسلیح زحمت خود بهره بردارند.

همچنین آموزشگاه های فنی برای تربیت کارگرهای متخصص کسانی که صاحب پیشه و هنر خواهند بود این افراد فنی در هر زمینه ای که هست باید روز به روز به تعداد بیشتری تحویل جامعه داده شوند. باین جهت پایه فرهنگی ما باید روز به روز تقویت شود و آنگاه این اجتماع نیز باید سالم باشد. برای سلامت اجتماع دو اصل هست. یکی اصل بهداشت یعنی طوری مردم ما عادت بکنند، تربیت شوند، ارشاد شوند، که بخواست خدا اصلا مریض نشوند و بعد اگر ایحاناً با وجود تمام این دقت ما خدای نخواستہ کسانی پیدا بکنند و سایل معاجبه اینها نیز فراهم باشد. در این راه البته اشکالات زیاد است. برای جمعیت ایران که لا اقل بیست و یک میلیون جمعیت هست ما احتیاج به هزار پزشک و پزشکوار و پرستار داریم و همچنین از مسؤل بهداشت گرفته تا پانین تر افرادی باید باشند که در این راه کار خدمت



بکنند. این قدری طولانی است برای اینکه اینها تحصیل‌آستان مدت مانی طول می‌کشد. برای اینکه یک کسی یک پزشک بشود بعد از تحصیلات ابتدائی متوسطه باید شش بلکه هفت سال در مدارس، در دانشکده‌ها، درس بخواند تا اینکه بتواند به وظیفه خود اقدام کند. معذرت‌سعی ما باید این باشد که در آتیه وسایلی فراهم شود که روز به روز، سال به سال تعداد این فارغ‌التحصیلان بیشتر شوند. پس یک اجتماعی که افرادش سالم بودند و از طرفی در مشاغلی که داراستند درگانی خواهند داشت این اجتماع را می‌شود یک اجتماع مرفه و خوشبخت نماید و این هدف ما است. در شهرها و در منطقه زرخیزها هنوز کارهای زیادی می‌شود و باید آنجسام بگیرد که حوالاً تا مقدار زیادی از آن را تصمیم و نقشه برآنت که به خود مردم واگذار شود. انجمن ده، انجمن شهر، انجمنهای شهرستان، انجمنهای استان، این‌ها باید روز به روز فزاینده‌تر برای فراهم کردن وسایل پیشرفت و زندگی بهتر برای افراد این مملکت باشند. کارهایی که خارج از حیطه این قبیل اختیارات باشد باید به توسط دولت مرکزی در امر آیسار می‌مندی مفصل در امر پیشرفت مواصلات، راه‌های ارتباطی، در امر تشویق صنعتی شدن مملکت، قدم‌های بزرگ‌تر و مؤثری برداشته شود که ما را زودتر به هدف مطلوب برساند. و اما امروز آخرین روز قیامت است



در منطقه آذربایجان عزیز است. فردا بهمت یک استان دیگر این مملکت که استان  
گیلان باشد غریمت می‌کنم قبل از رفتن، در این شهر تاریخی و در میان شما میل دارم که پیامی  
برای تمام اهالی آذربایجان بفرستم و به آنها بگویم که شما مرا می‌شناسید و می‌دانید که من  
زندگی خود را وقف این مردم، این ملت، و این مملکت کرده‌ام و در این راه، به حقیقت تزلزل  
نداشته‌ام. ولی هر فردی در زندگی مشوقی لازم دارد این استقبالی که شما مردم آذربایجان  
و احساساتی که نسبت به من نشان داده اید طوری متیج و با عظمت و همگانی بوده است که  
به حقیقت چنین چیزی را من بخاطر نمی‌آورم و کیست که در مقابل چنین احساساتی تحت  
تأثیر قرار گیرد و اگر لازم باشد پیش خدا و وجدان خود مصمم نباشد که بیش از پیش، خود  
زندگانی خود را وقف خدمت به شما مردم کند. میل دارم فکر کنم که این شور و هیجان شما  
در این احساساتی که زمین و زمان و قلب ما را به لرزه درمی‌آورد این معرف احساسات  
درونی است که شما نسبت به آرمانها و آرزو ما که در طی مدت سلطنتم و در طی صحبت با بی که  
باشاداشتم می‌باشد و این بهترین ترجمان نیات باطنی شما برای رسیدن به این مقاصد  
میباشد. پس به خواست خداوند و با توجه انمه اطهار من و شما مردم با قلبی آکنده از امید



و اطمینان رُوحی جسور بہ سمت آئندہ قدم برمی داریم تا آئندہ این مملکت را صد برابر آباد تر و بہتر  
بہ آئندگان و تاریخ تحویل بدیم .



## سخنان شاهشاه

در دهکده نیار

روزشنبه چهاردهم مهرماه ۱۳۴۱

تاحال صحبت نای زیادی شده است و زاندمی دانم که بار دیگر در این مقوله بحثی بکنم  
برای اینکه گمان می‌کنم این برای همه واضح و روشن باشد که تاچه اندازه در حیات اجتماعی  
ملت ما این اقدام و این اصلاح هم ضروری بوده و هم لازم و هم در آتیه چه نتایج گرانها  
و فوق العاده ثمربخشی خواهد داشت. از موقعی که به سفر آذربایجان در مراغه به آخرین قسمت‌های  
کسانی که مشمول اصلاحات ارضی می‌شدند دیدم و حس کردم که همه کم و بیش به این اقدام  
کاملاً واقف هستند و کسانی که خوشحانه مشمول هستند قدر و منزلت این کار را می‌دانند و به  
هر صورت عمق این کار را در حال خود و اصولاً در کشاورزی ایران فهمیده اند.

از نتایج اصلاحات ارضی در منطقه مراغه که بسیار با وقت و دلسوزی و ضمناً با  
سرعت انجام گرفته است کمال ضایعت و همچنین امیدواری به آینده را داریم. کسانی که  
توانستند این طور در مراغه کار بکنند لابد می‌توانند به همان خوبی در تمام مناطق دیگر نیز کار بکنند.



در منطقه هشتروند کارشاید یک قدری مشکل تر از مراغه باشد؛ به همین جهت تذکر می‌تیم که تمام وقت مای کافی را بچند کنساج کار به همان خوبی باشد. بعد می‌اندو آب است منطقه مستعد و در آتیه راجع به آبیاری آنجا باید حتماً تقسیم عاجلی بگیریم که یا از رودخانه و یا از وسایل دیگر این منطقه مستعد کاملاً آبیاری شود. در قسمتهای کردستان مشغول مطالعات هستیم و قسمت نقره علام شد و دیشب تکمیراف به من سید که مردم آنجا جشن گرفتند؛ چراغانی کردند و نسبت به این عمل ابراز کمال احساسات را می‌نمایند. در منطقه رضائیه نیز اعلام شده شروع خواهد شد. در خالصات منطقه کردستان، در منطقه زیوه، اولین اسناد را در آنجا تقسیم کردیم، و این کار باید به سرعت ادامه پیدا کند و وسایل پیشرفت کار تقسیم اراضی خالصه را نیز در اولین فرصت باید در مرکز فراهم کرد؛ و لایحه آن اگر به اصلاحی لازم داشته باشد انجام داد. به منظور در منطقه بالاتر در قره قیون ماکو، یا اعلام شده یا امروز یا فردا اعلام خواهد شد؛ و بالاخره سر تا سر منطقه، این کار عملی خواهد شد.

از تبریز که به سمت اردیل حرکت کردیم آنجا نیز در سر راه بکرات با دهقانانی که برای استقبال آمده بودند تماس حاصل کردم و با آنها صحبت کردم و البته شکایات بیشتر این فرزند



از بی آبی است. در مراجعت به مرکزی خواهم توجه خیلی زیادی به این مطلب معطوف بدارم یعنی یاد داخله برنامه سوم آبادانی به این موضوع توجه خاصی خواهد شد و یا حتی خارج از برنامه سوم یک نقشه وسیع و همه جانبه‌ای برای ازدیاد آب و در اختیار گذاشتن آب به کشاورز طرح خواهد شد. برای این کار البته تسهیلات صحیحی می‌خواهد و ساده‌ترین کارها اینست که این تسهیلات سروکارش با شرکت‌های تعاونی شاکشا و رزان باشد، و با نقشه صحیحی پس از مطالعه منطقه، پس از مطالعه آب‌های زیرزمینی آن، مابعد ایجاد مراکز آبیاری بپردازیم؛ یعنی یک کارخانه برق که قادر به رساندن برق به چندین حلقه چاه فرض کنیم بیست یا بیست و پنج یا حتی بیشتر تأسیس شود که آب این حلقه چاه‌ها را یا مستقیماً به سرزمین بریم و یا تمرکز بدیم در یک نقطه‌ای به وسیله لوله به سر تا سر منطقه برسانیم و با سیستم جدید آبیاری که کشیدن لوله‌های به اصطلاح فیلتر هست حداکثر صرفه جویی را در آب کنیم که چیزی از دست نرود، و تفضیح نشود. این سیستم البته این قدر در مملکت ما سابقه ندارد، و مقدمه کار خواهد بود. این کار در دشت قزوین به زودی انشاء الله شروع خواهد شد؛ ولی میل داریم که فقط نتایج کار قزوین نباشیم، بلکه بتوانیم در نقاط بسیار دیگری نیز این کار را عملی کنیم؛



مخصوصاً دشتی که بین بستان آباد تا سراب و یک قسمتی از سراب تا گردنه میزما و دیدیم به نظر فوق العاده مستعد و مناسب برای یک چنین اقدامی و عملی می آید. در نقاط دیگر آذربایجان هم جلگه های وسیعی هست که آن هم دچار بی آبی است. تمام اطرافش را کوهها گرفته اند مثل یک زنجیری. این کوهها تماماً پر آب است، و ما باید این آب را از دل زمین بیرون بیاوریم و بعد برای آبیاری مزارع و خاکهای مستعد مصرف کنیم. البته سیستم آبیاری آن نیست که انسان به یک زمین هر چه بیشتر آب بدهد، بلکه این یک حساب مخصوصی دارد؛ هر خاکی بسته به جنس آن احتیاج به یک مقدار آب معینی دارد همانطور که هر زمینی یک نوع کود مخصوصی لازم دارد، آب زیاد و دادن ممکن است به همان اندازه کم آبی مضر واقع بشود. پس اصلاحات ارضی را که خوشبختانه شروع کرده ایم و باین سرعت و نیاز اولیه کاملاً درخشانی پیشرفت کرده است عملی و علمی است و انشاء الله هر چه زودتر در سراسر مملکت عملی خواهد شد. ولی لازم به تذکر است که به همان اندازه اهمیت تکمیل شرکتی تعاونی در نظر ما و هر فردی که اطلاعات کمی حتی در این رشته داشته باشد قطعی است. سر راه اتفاقاً در یک دهی از یک عده ای که آنجا ایستاده بودند سوالاتی کردم





و دیدم دست به سوال جواب نمی دهند. پرسیدم که شما چرا انجمن ده نذیرید؟ چرا شرکت تعاونی تشکیل نمی دهید؟ یکی آنجا شاید از همه جابی خبر بود و می گفت ما که مالکی نذیریم، سرپرستی نذیریم. این می رساند اهمیت تشکیل شرکتهای تعاونی را. این شرکت تعاونی باید تمام لوازم، تمام وسایل، مثل یک پدر و لوزی که تمام اعضای شرکت، وقتی غیر شرکت، اینها را عضو خانواده خود بدانند، و با لوزی و مهربانی به اینها کمک و مساعدت و راهنمایی بکنند، باید تشکیل شود؛ حتی به عقیده من این شرکتها چه در دماست تقسیم شده و چه در دماستی که تقسیم نشده باشد باید تشکیل شود. ولی این تشکیلات تعاونی البته فقط صرفاً باید به نفع آن زارعین باشد. هر اضافه درآمدی که از این راه حاصل می شود باید نقض مطلقاً عاید افراد شرکت شود نه اینکه کسی به عنوان مالک از زحمات و یا از این تشکیلات بدون اینکه خودش کوچکترین دخالتی داشته باشد استفاده کند.

اضافه بر این نقشه های خیلی دامنه داری که برای بسیاری مملکت در جایایی که یا امکان سدنبدی نیست و یا اینکه سدنبدی مقرون به صرفه و اقتصادی نباشد این نوع بسیاری را شروع کنیم. موضوع دیگر تهیه وسایل کشاورزی یا مکانیزه کردن کشاورزی است.



وسایل باید در اختیار این شرکتها باشد. این شرکتها وسیله تأمین و نگاهداری این ماشین آلات را کاملاً فراهم میکنند. در نقاط زیادی در مملکت تعمیرگاههای ثابت مجتهد و همچنین تیار ایجاد بشود. تعداد تراکتورهای که در این مملکت باید کار بچند در آتیه نزدیکتری مسئله اقلاده برابر تراکتورهای فعلی باید بشود؛ و این اضافه محصولی که از این راه بدست خواهد آمد یعنی از یک طرف تشویق مردم از مالک کردن آنها در زمینهای که زراعت می کردند و بعد شرکتهای تعاونی که آنها را راهنمایی می کنند و داشتن وسایل مکانیزه، و استعمال کود شیمیایی، و فراهم کردن آب. این محصول باید به بازار برسد و بدین جهت باید راههای فرعی و مواصلاتی ذلت به سایر راههای مملکت تهیه و ساخته بشود؛ و از طرف دیگر سیلوانی محلی که می شود بایک وسایل ساده ای آنها را ساخت محصولات زراعتی را از گزند هوای بد و یافت گیری محفوظ خواهد داشت.



## سخنان شامشاه

در رشت

بعد از ظهر روز دوشنبه شانزدهم مهرماه ۱۳۴۱

مردم شریف و نجیب و مین پرست و مهربان رشت، از دقیقه‌ای که پای خود را به منطقه اُستان شما گذاشته‌ام هر وجه و هر مانیه مواجه با دو چیز بودم. یکی روحیه عالی مهربانی شما و احساسات بی‌شائبه و عجیب که اظهار می‌داشتید؛ و دیگر استعداد بی‌حد و حصر این منطقه بهر و خرم شما. در مقابل این همه احساسات استعداد تکلیف بر فرود ایرانی روشن است. تمام تخم و وسایل کار باید فراهم‌م شود که شما مردم در سایه قوانین مترقی و عدالت اجتماعی و تمام وسایلی که شما مردم را هم سطح مترقی‌ترین ممالک پیش برده‌اید فراموش شود و از طرف شما تشکیل شدن از انجمن ده گرفته تا شرکت‌های تعاونی و انجمن‌های شهر و همچنین انجمن‌های شهرستان اُستان برای اینکه روز به روز بیشتر و بهتر کارهایی که مربوط به خود شماست انجام شود ضرورت دارد. این کارها به ترقی دادن سطح زندگی شما، درآمد شما، بالا بردن محیط اجتماعی خانواده و اجتماع شما منجر خواهد شد. باید بگوئید در این راه روز به روز افرا



و اردو که بدین امور آشنا باشند تربیت شوند. ما دیاری خواهیم؛ ما مروج کشاورزی می خواهیم؛ ما مدارس زیادی چه دبستانها چه آموزشگاهها چه دبیرستانهای کشاورزی و صنعتی می خواهیم که صد ها هزار صنعتگر و افراد در این قسمت ما تربیت شوند و اجتماع ما را به سرعت پیش ببرند. برای استان مستعد و زرخیز ما اقداماتی شده است که یکی از آنها سد سفید رود است که بجهت پیمان یافت.

این سد از سوخت محصولی که هم برای شاقم است و هم برای اقتصاد مملکت، جلوگیری می کند. این محصول دیگر از کزند طبیعت مصون خواهد بود. اراضی بیشتری به وسیله همین سد تحت کشت قرار خواهد گرفت. سد تکمیل سفید رود و کانالهای مربوط به آبیاری ساخته خواهد شد. اضافه بر این در این نعت که بجهت آب فراوان است بوسیله چاههای لازم می شود سیستم آبیاری این استان را تکمیل کرد.

اصلاحات ارضی در این استان شروع شد و هم در نقاط زیادی خاتمه پیدا کرده است؛ و این اصل تعمیم پیدا خواهد کرد؛ و امید داریم باعث رفاهیت بیشتر دهقانان را و هم از یاد محصول و هم برقراری عدالت اجتماعی بشود. امکانات ما بیش از این است



این سد یابی که در مملکت ساخته شده است، و این پیشرفتی که در دهات مشاهده می شود غصه تبیب  
لزوم ساختمان شبکه برق در نقاط اساسی و حتی رساندن برق به دهات این استان پیش بینی  
می شود. امروز برق لازمه ترقی و تمدن است.

امروز برق اساس اولیه صنعت و بالا رفتن سطح زندگی مردم است. هر چه قدر  
آماده تر برای صنعتی کردن استان بشوید این کار تبخیل خواهد شد. و امید داریم این  
کوه های البرز بکلی از یک شبکه برق محاصره شود، و برق آن در دسترس عموم قرار گیرد.  
در قسمت فریبگ استان شما، شهر شما همیشه یک چند قدمی جلو بوده است. سعی  
می کنیم و شما نیز سعی بکنید که این وضع را بنگذارید؛ همیشه این افتخار برای شما باشد که از لحاظ  
فریبگ و رشد مردم سرآمد همه جا باشید.

از لحاظ بهداشت و بهداری قدیمیانی برداشته شده است ولی بیچون به نظر من کافی  
نیست و در آتیه باید مراتب بیش از این وسایل فراهم شود.

اطلاع دارید که برای تمام طبقات این مملکت هر کدام به فراخور حال خودش  
چه زارع، چه کارگر، چه کارمند، چه طبقات دیگر برای همه آتیه و سر نوشت بسیار روشن



و درخشانی در این مملکت موجود می باشد. من همیشه به عنایت خداوندی مستطبر بوده ام  
 و می دانستم و می دانم که توجهات الهی همیشه شامل حال ما هست. باین جهت باین اطمینان  
 و باین روحی که در شما مردم می بینیم، این همه احساسات بی شائبه. این همه مهر و صفا،  
 این همه طینت پاک و باطن روشن بالاتر از این نمی شود دید، و نمی شود سراغ کرد. باین  
 قوه طی، این اراده خدا که بهترین ضامن آینده ما است و باینک نقشه ای چنین روشن  
 و امکان آتی چنین فراوان، و روحی چنین سالم، غیر از این که ما با قدرت، با سرعت،  
 با اطمینان، به پیش رویم چیزی دیگری منتظر ما نیست.

از خداوند متعال استغاثه می کنم که در این نیات و در این راه همیشه یار و یاور همیشه ما

باشد.

هنگامه

هنگامه



## سخنان شاهشاه

درشت ناکبیلان

صبح روز شنبه پنجم هرماه ۱۳۴۱

باعث نهایت خوشوقتی است که کاری به این اهمیت و عظمت در این منطقه  
خوشبختانه امروز به اتمام رسید. عده زیادی در این قسمت دائم زحمت کشیده اند. غیر از  
مأمورین اصلاحات ارضی که وظیفه خودشان را به خوبی انجام داده اند حتی می گنسم که  
سایرین از این بانوان نیکوکار و خیرگسائی که حقیقه عمرشان را وقف این کار کردند  
تا دیار ما، تا مرز چین، تا مأمورین کشاورزی با مانت کشاورزی همه بایک روح کالاً  
قوی و عزیمی محکم در این راه قدم برداشته اند که تیا بخش را خودشان برای العین می بیند تا  
به حال تا حدودی با وجود خرمی و سرسبزی این منطقه زیبای شما خیلی اوقات بسیار جا  
نگرانی بود، باینکه ایچانما باران نیاید و محصول از زمین برود ولی خوشبختانه با اتمام سد سیفرد  
و اگر لازم باشد با سیستم های دیگر قسمت آبیاری این نوع نگرانیها از بین خواهد رفت.  
مهندس بازارشمار اتشویق می گنم که هر چه بیشتر در شرکت های تعاونی شرکت بکنید و مسئولین



امروز نیز به نوبه خود سعی خواهند کرد که به حد اکثر امکانات در تقویت شرکتهای شام و راهپایانی شام و فراهم کردن وسیله زندگانی بهتر برای شما بکوشند چون باز هم تکراری کنم به همان اندازه ای که به این عمل اصلاحات ارضی که وضع اجتماع ما را وسیله اجتماع ما را عزم کرده است و عنقریب اکثریت مردم این مملکت از آن برخوردار خواهند بود این اصلاحات ارضی از لحاظ اجتماعی همانطور که نفتم کلی از عمیق ترین اقداماتی است که در طول تاریخ دو هزار و پانصد ساله این مملکت عملی شده ولی به همین اهمیت است موضوع تعاون و شرکتهای تعاونی و یاد گرفتن کشاورزی جدید و استفاده از وسایل زراعتی و طرز آبیاری و کود شیمیایی و غیره .

اضافه بر منظور عدالت اجتماعی از اصلاحات ارضی، منظور دیگر ما بالا بردن درآمد و سطح زندگی دهقان ایرانی است. از گذشته جبران به این طرف بخصوص موقعی که وارد دشت گیلان شدم یعنی به سطح دیار رسیدیم تا اینجا جمعیت فوق العاده زیادی را دیدم. این جمعیت سال به سال روی اصل بهداشت و از زمین بردن مالاریا و اینکه بهداشت مردم سال به سال بهتر می شود، جمعیت ایران رو به ازدیاد می رود ولی گویا اینکه در اغلب





ز قه و این هم خودش یک موضوعی شده که یک مقدار زمین کم کم دارد اضافه می شود ولی خاک شما اضافه نشده است چه باید کرد از یک طرف جمعیت شما رو به افزونی است و از طرف دیگر خاک شما به همین اندازه باقی مانده . تنها راه دو چیز است : یکی اینکه بهره برداری شما از اراضی زراعتی خودتان را به چند برابر گذشته برسانید و این کار عملی است به وسایل جدید مروجین باید به شما یاد بدهند ؛ دومیار ما باید به شما راهنمایی کنیم ؛ شرکت های تعاونی و وسایل را فراهم کنند .

بانک کشاورزی همین طور ؛ و با آبیاری صحیح و کار کردن دسته جمعی . و استعمال کود های شیمیایی مناسب می تواند محصولات اراضی زراعتی را به دوالی سه برابر گذشته برساند . راه دیگر اینست که انشاء الله با نقشه صحیح و همچنین با سرعت لازم و اراده محکم طی طرح وضعی شدن مملکت ریخته بشود که هر ما را جمعیتی چه در دومات ، چه در شهر ما این را به خودش جذب کند و درآمد کفنی برای یک زندگی مترقی و آبرومند و شرافتمندانه برای عموم افراد مملکت تأمین بکند .

پس جامعه ایران در آتیه بر این بنا قرار خواهد داشت که هر کسی به فسر انحرافی



که انجام می دهد و زحمتی که می کشد به اندازه ای درآمد داشته باشد که بتواند خود و خانواده خود را در رفاهیت و آسایش اداره بکند و همیشه نسبت به آتیه خود و آنچه مای خودش با اطمینان نگاه بکند و تحت توجهات خداوندی بتواند سنن ایرانیت و روح ایرانیت و افتخار ایرانی بودن را همیشه نگهدارد و سر بلند باشد.

البته تمام این آرزوها ممکن است عملی شود که به منظوری که الآن سعی می کنیم اساس کار و از طرف دیگر تا جایی که ممکن است کار مردم به خودشان واگذار شود از طرف دیگر دلسوزی روز افزون مأمورین دولت چه محلی، چه مرکزی برای خدمت در راه شمامردم ایران لازم و ضروری است



## سخنانشاه

در لایحان

روز سه شنبه بیستم مهرماه ۱۳۴۱

مرتبه اولی است که این فرصت پیش آمده است که باشما اهللی مهران و پراحسان پورشور  
در لایحان صحبت کنیم. این احساسات شمارا بر چند خیر تعلق می کنم. یکی بر اصل نجابت ذاتی، و  
وطن پرستی بنده شما، دوم امیدواری که همه از این اصلاحاتی که شروع شده است در دل دارید؛ همچنین  
وضع مناسب و خاک مستعد و آب و هوای دلپذیر این خطه که می دانید محصولات متعدد و پردآمدی  
داشته باشید که به شما اجازه زندگی بد پر سجه بایمان لباس داشته باشند؛ مدرسه بروند؛ درس  
بخوانند؛ و افراد مفیدی برای این جامعه بشوند. جامعه آئینه ما را باید شما و اطفال شما شکل بدینند  
جامعه ای که بر بنیای عدالت، رفاقت، آسایش، امید به ترقی و آئینه، بنیان نهاده شده باشد.  
این آئینه با این روحی که در شما می بسیم، همچنین آمادگی که اطفال شما از محیط علمی و امیدوار مخصوصا  
از محیط علمی باویدن دوره های روستایی و صنعتی پیدا خواهند کرد مستلما به خواست خداوند بس روشن و  
درخشان خواهد بود.



اصلاحات ارضی که یکی از اقدام های جماعی است که در مملکت ما در طول تاریخ برداشته شده است  
بر این نقطه رسیده است. این کار امیدواریم با سرعت ادامه پیدا کند، و در این منطقه نیز مثل منطقه  
رشت هر چه زودتر تمام شود. اصلاحات ارضی عدالت اجتماعی که اساسی ترین هدف ما است  
برقرار خواهد کرد ولی اضافه بر آن میل داریم که زندگی شامردم به حد اکثر امکان رونق پیدا کند  
با آسایش و سطح زندگی بالاتری به حیات شرافتمندانه خود ادامه دهید. به این جهت در استقبال از  
دهیار در تشکیل انجمنهای ده، بخصوص در تشکیل تقویت انجمنهای روستایی شرکت های تعاونی بکوشید.  
این نفع شماست، این نفع جامعه است و این مآلاً نفع مملکت و اقتصاد مملکت است. امیدوارم  
که در دفعه آتی که گذر من از این شهر زیبا و این منطقه سبز و خرم شما بیفتد کار اصلاحات خاتمه پیدا  
کرده باشد و از این نتیجه نیکماتی که در اختیار شما و برای خدمت به شما ایجاد شده است حد اکثر  
بهره برداری بشود. شمارا بایک سطح زندگی بالاتر و جسمانی قوی تر و اراده آمیز تر می در راه  
خدمت به مملکت مشاهده کنم.



## سخن شاه شاه

بمناسبت اعطای اسناد مالکیت بکشاورزان سندج

یکشنبه بیست و نهم مهره ۱۳۴۱

برای من جای خوشوقتی است که ولو برای مدت کوتاهی بشهر سندج مسافرتی کرده ام  
بقصد تقسیم اولین اسناد مالکیت به زارعین که از لایحه اصلاحات ارضی استفاده کرده اند،  
و امروز خودشان مالک می شوند. معنی اصلاحات ارضی در ایران اگر در نقطه ای اهمیت بیشتر  
هر جا داشته باشد، مسلماً همین منطقه کردستان و سندج و اطراف آن می باشد. اطلاعات و  
گزارشاتی که در سابق نسبت به وضعیت زراعتی و ملکی در این صفحات به ما می رسید، متأسفانه همیشه  
حاکمی از این بوده است که یک عده معدودی دارای املاک بسیار وسیعی بوده اند که شاید گاهی  
اوقات بعضی از مالکین پایشان بدان دلت نمی رسید و اطلاعی از آن نداشتند؛ و هم دلت  
خراب، و به وسیله افرادی به عنوان مباحث باعث استثمار رعیت می شد. مالک هم در خارج از  
کشور و بی خبرانه جبار ارضی باین بود که یک چیزی در آخر سر به او بدهند؛ و در خوش بود به این که  
دارای ۲۰-۳۰-۵۰ یا بیشتر آبادی است و متأسفانه بدتر از این باز مطابق اطلاعاتی که داشتیم



رعیت اینها حق هر صده نداشت.

زمینی که روی آن خانه می ساخت معلق به خودش نبود، و اضافه بهره مالکانه مالیاتهای شخصی، مالکین از مردم وصول می کردند. پس از آن اصلاحات ارضی حقیقتاً در این نقطه هر چه زودتر انجام بگیرد بیک وضعیت غیر عادی و غیر طبیعی و منافی با عصر ما با انسانیتهی که امروز حاکم بر تمام سیاست ما هست می بود. به همین جهت امیدوارم این قدمی که امروز برداشته شده است با سرعت هر چه بیشتری در سراسر منطقه دنبال بشود و قانون اصلاحات ارضی کاملاً اجرا شود. نیاز این کار در مدت کوتاهی امیدوارم معلوم بشود. البته شرط موافقت شرکت شما مالکین جدید در شرکت های تعاونی است. شما را به این کار ترغیب می کنیم، تشویق می کنیم با دلگرمی هر چه بیشتری در این شرکت های سهم شویید و به وسیله شرکت ما آبادی تان را روز بروز آبادتر کنید. به زمین های زراعتی تان وسعت بیشتری بدهید. دنبال فراهم کردن آب باشید، کود باشید، بذرها باشید. ضمناً انشاء الله وقتی که قدری مایه گرفتید، طرز زندگی تان را تغییر بدهید، خانه های تان را عوض کنید. خانه های بهتری بسازید، دام بیشتر نگهدارید، از دامداری استفاده بیشتری ببرید و مخصوصاً کاری که باید بیشتر از همیشه به آن توجه کنید موضوع درختکاری است. خاک بدین خوبی، آب هوای



به این مناسبتی، شما باید حتماً قدر کوشش را به عمل آورید که هر فردتان در سال یک مقدار قابل توجهی درخت غرس بکنید؛ و از نتیجه آن هم اضافه بر کارهای کشاورزیتان استفاده ببرید. پس به امید آینده درخشانی برای شما مردمی که در سابق این طور محروم بودید ولی امروز اضافه بر معانی آزادی زندگی بهتری خواهید داشت. برای ما جای خوشوقتی است بخصوص که این در منطقه کردستان است. این همد، همد اصیل ترین نژاد ایرانی است. همد تمدن قدیمی است و شما فرزندان لایق و مین پرست این مملکت امیدوارم در مدت هر چه کوتاه تری عرق طینت ایرانیت و تمدن قدیمی خود را توأم با پیشرفت اجتماعی و عدالت اجتماعی توأم ساخته نیستید آن را به عموم جهانیان نشان بدهید.



## سخنان شایسته

در مراسم اعلای اسناد انجمنت کشاورزان جلیلان کرمانشاه

چهارشنبه بیست و سوم آبانماه ۱۳۴۱

با وجودی که تأثیر خاطر دارم و همان طور که اظهار نمودم عزای ملی اعلام کرده ام، معصداً  
 شرکت در این مراسم همیشه مراد انجام این کار را رنج ترمی کند و نسبت به آینده مملکت امیدوارتر. این  
 قدمی که برواشته می شود بکرات در اطراف آن من توضیحات داده ام. شاید سه هزار سال تاریخ مدون  
 ایران را اگر ورق بزنیم، هیچ عملی به اندازه این کار اجتماع ایران را زیر و رو نکرده است. این  
 زیر و رو کردن هم دینت آزادی ملت، آبادی مملکت، استقرار خانواده های ایرانی، خانواده های  
 زحمتکش و کشاورز ایرانی است. من به عنوان پادشاه مملکت و به عنوان شخصی دو نوع عمل می کنم و  
 یکی آن عمل من از لحاظ پادشاهی است که عموم افراد مملکت فرزندان من هستند و تا موقعی که از قانون  
 از مقررات، از راه خدمت به مملکت، قدمی فراتر نگذاشته باشند، یعنی خدای نخواسته اشتباه و خطی  
 نکرده باشند که خودش مطابق قانون متوجوب البته تنبیه هست، همه را دوست دارم و همه در پناه  
 من هستند ولی تصدیق بکنید که نسبت دوست داشتن من یعنی اگر قلب مرا به دست یک میلیون





قسمت بکنند به نسبت جمعیت مملکت هر طبقه ای به نسبت جمعیت خودش یکی از این بیست و یک میلیون  
قسمت را می برد. امروزه هفتاد و پنج درصد جمعیت این مملکت دهقان است، زارع است، پس طبعی  
است که از این بیست و یک میلیون قسمت قلب من هفتاد و پنج درصدش متوجه این طبقه است.  
از ساحت پادشاهی به همان نسبت ۷۵ درصد جمعیت، هفتاد و پنج درصد وظیفه من. فکر من،  
کار من: اینست که رفاهیت این طبقه را فراهم کنیم. پس این جزو وظایف من است.  
چند روز پیش در اسلامبول در قفقاز کوهی ایران، برای دانشجویان ایرانی صحبت می کردم؛ گفتم که  
شهرت داده بودند، البته کاملاً صحیح نبود که ایران مملکت هزار فایل است. گفتم دیگر ایران مملکت هزار فایل  
نیست. مملکت کشاورزان است، مملکت کارگران است، مملکت پیشه وران است. مملکت صنعتگران  
است. ولی اضافه می کنم: ایران مملکت همه است یعنی تعلق به بیست و یک میلیون جمعیت این مملکت  
دارد. برای هیچ طبقه ای ما امتیاز قابل نسیب دلی وظیفه ما نیست که تمام اقداماتی که می کنیم باید  
اکثریت ملت را در نظر داشته باشیم. سایرین در پناه قوانین و روی این اطمینان اساسی که وقتی که اساس  
مملکت بر منافع اکثریت می چرخد، اقلیت هم به نوبه خودش در همان پناه می ماند و منافعش محفوظ.  
پس کاری که ما می کنیم، کار اساسی است یعنی اگر در یک مملکتی آراء عمومی گرفته بشود و هر کس می آید داشته باشد



یا وسیله اظهار عقیده داشته باشد و دموکراسی را به معنی تحقیقی خودش اجرا نکند و آن اجزای رای اکثریت مملکت باشد. امروزه حقاً پنج درصد مملکت ایران گرد این اظهار عقیده شرکت می‌کرد. این اظهار عقیده، اظهار عقیده دهقانها و کشاورزهای ایران می‌شد که آنها تازه چه می‌خواستند؟ همین کاری که ما الآن مشغول به آن هستیم این کار دنبال خواهد شد، انشاء الله بزودی تمام خواهد شد. قانون اصلاحات ارضی را در قیام بزنید، نخواهند، این قانون اجرا خواهد شد. من در حدود همین قانون در ضمن وعده اجرای صریح این قانون یک اظهاراتی در مراغه کردم به عنوان پند و نصیحت بدان اظهارات من مژده بکنید، باز هم تکرار می‌کنم آن پند و نصیحت ما را البته ضمناً می‌گویم که وضع خرده مالک در این مملکت محترم خواهد بود سعی می‌کنم که محکمتر هم بشود. از این اصلاحات ارضی که الآن شروع کردیم، منظور ما اینست که الآن رعیتی که آزاد نبود آزاد بشود. خودش صاحب زمین بشود. به وسیله شرکت های تعاونی که برای او پدر دوست غمخوار همکار است زندگی‌اش بهتر شود و کم کم قهر طبیعت سیرکالی اجتماعی همین رعیت کوچک چهار هکتاری پنج هکتاری فعلی انشاء الله در آتیه یا نسل بعدی این کم کم باید تبدیل بشود به یک کشاورزی که ۲۰-۲۵-۳۰ هکتار ارضی خواهد داشت که از حد اکثر امکان بدنی خود استفاده او ماشین آلات کشاورزی و یا تنها و یا مخصوص به وسیله شرکت های تعاونی برخوردار باشد. استفاده بکند



ویکت درآمدی برای خود و خانواده اش تحصیل کند که به او اجازه هم صلح بودن و از سحاط درآمد هم  
بمطراز بودن با ممالک اقله ترقی دنیا شود. منظور ما از زمین بردن خرده مالک نیست. این یکی از  
راههای رسیدن به خرده مالکیت هست، پس در این قسمت این دهگانهای جدید که صاحب  
زمین شده اند و امیدوارم در آتیه خرده مالک بشوند و خرده مالکین فعلی از وضع خودشان مطمئن باشند.  
و اما مالکینی که باقی می ماندند به نفع من در مراه کوشش بدهند. آنهایی که مشغول شدند پولی که به آنها  
می رسد با کمال آسودگی خاطر در راه صنعتی کردن مملکت خرج بکنند درآمدشان، منافعیان بیشتر خواهد بود  
ما هر نوع تأمین سرمایه و آتیه را در امر صنعتی به مملکت و مردمی که در این راه می کوشند می دهیم. در راه  
صنعتی کردن مملکت هر نوع تشویقی که لازم باشد، هر نوع کمک مادی و فنی که لازم باشد، می کنیم.  
در عین حال وضع کارگران ایران که آنهم یک قسمت از طبقات شریف و رحمتکش این مملکت هست  
آن هم در پناه قانون تأمین خواهد شد که هم به نفع کارگر است، و هم به نفع کارفرما. یک محیط برادری،  
محیط همکاری، محیط دوستی در سراسر این مملکت، در تمام طبقات، در تمام رشته های زندگی این  
مملکت باید برقرار شود. مشغول مطالعه طریقی هستیم که چطور پولهایی که یا به مالکین داده می شود یا رعایا  
به اقسامی که می پردازند چطور این پول را پشتوانه صنعتی شدن مملکت بشود و چطور با کنجای ما به اطمینان همین



هفتا ۸

پشوانه بتواند استساراتی را برای رونق صنعت در مملکت بدهند. این پولی که ناشی از پرداخت قیمت ملک به مالک سابق و همچنین پرداخت اقسامی که رعایا می دهند، این پول نباید عاقل بطل بماند. یا دود بشود و برود به هوا. اگر مالکی که هر سال یکی از اقساط قیمت اطلاق را به او بدهند، این سال بسال این پول را خرج بکند، برای زندگی پس از ده سال چه بکند؟ باید او را راه بسنایمی کرد که این پول خودش را به نفع خودش، به نفع مملکت، به نفع اجتماع، در راه صنعت سرمایه گذاری بکند پس همان طور که مملکت مالتعلقی به تمام افراد این مملکت خواهد داشت. هیچ کس نه اقیاناز مخصوص خواهد داشت نه بطور خصوصی حقوق او پایمال می شود، ولی اصل کار ما اینست که وظیفه ما، وظیفه ملی ما وظیفه سلطنت من، وظیفه فرد ما به عنوان یک انسان اینست که چیزی که برای ما مهم است تأمین زندگی اکثریت مملکت است. در پناه همان اکثریت هم فرصت کار کردن رونق بخشیدن به زندگی شان و بر خورداری از تمام امکانات تمدن امروزی دنیا خواهند بود.

شاید هم که بعضی بگفته اند که با بحال اساس و قوام این مملکت روی یک طبقات بخصوصی بوده حالا اسم اینها را هر چه که می گذاشتند یا خوانین بوده، یا مقتدین بوده، یا غیره، خوب اینها را که الآن شاید نفع اکثریت کنار می گذارید اداره این مملکت چطور خواهد شد؟ جوابش ساده



است. جواش این است که اگر مملکت ما متاسفانه عقب افتاده بود، متاسفانه بعضی اوقات دوران هرج و مرج می داشت متاسفانه ملت در سر نوشت خودش شرکت نمی کرد، این باعث عقب ماندگی ما بود و آلا ایران با تاریخ گذشته خودش، با ثروت طبیعی خودش، با این سیروی عظیم ملی که افراد مملکت تشکیل می دهند، می بایستی که غیر از این باشد که بوده. مایک اشتباهی را داریم خیران می کنیم، مایک صبی را داریم خیران می کنیم؛ اساس حکومت ما، اساس سلطنت ما، در قلب اکثریت مردم مملکت باید قرار داشته باشد. این اکثریت مملکت است که مملکت را حفظ کرده، جلو خواهد برد و چیزی که بیشتر باعث خوشوقتی من است این است که همین اشخاصی که تا بحال در زندگی یک مملکت شرکت نداشته و بعضی ما به مسخره می گفتند که اینها که چیزی نمی فهمند، اینها بی سوادند، اینها عامی اند، اینها از پشت کوه می آیند؛ همین با هر وقت که من با اینها صحبت کردم بسیار خوب و عمیقانه، هم منافع خودشان و هم منافع مملکت را درک کردند و محکمترین پایه های اجتماعی ما را در حال و آیدند و تشکیل خواهند داد.

در گذشته گفته ام که قدرت من منوط به قدرت ملت ایران است. من به عنوان فرد، زورم هر چند زیاد باشد، شاید بتوانم یک مصلحتی را در اطلاق خودم از این گوشه به گوشه دیگر بربسم، یا



حکومت

در اطاق را با بگنسم و یا اجانایک وزن شصت کیلویی، صد کیلویی را بلند کنم، ولی نیروی من  
 به عنوان پادشاه شما موقعی قابل توجه خواهد بود که نماینده چهل و دو میلیون دست ایرانی باشد و با آن  
 ۲۲ میلیون دست است که ما می توانیم هر مشکلی را از جا بکنیم و جای خودمان را در میان ملل ترقی دنیا باز کنیم  
 و آینده ایران را مثل تاریخ پرافتخار گذشته خودش روشن، مثل آفتاب درخشان نماین کنیم.

امروزمی خواهم یک مطلب دیگری بگویم، و آن اینست که در ۱۳۲۶ در مراجعت آزاد با سجان  
 گفته بودم که سلطنت بر یک مشت مردم فقیر افتخاری ندارد. از آن روز با جمال دیدید که چه کردیم.  
 امروز به شامی گویم که سلطنت بر یک مردم غیر آزاد و غیر مترقی برای من ارزش ندارد.

اگر من بر این تخت نشسته ام برای اینست که بتوانم بین ملت و بین مردم و محکمت خدمت بکنم  
 کار بانی که من انجام می دهم برای حفظ تاج و تخت نیست. کار بانی که من انجام می دهم برای اطمینان  
 محکمت ایران است. من اینجا مثل یک فرد ایرانی محرمی گفتم و این زندگی من بوده است و تا آخر  
 همین خواهد بود و خداوند تا بحال همیشه پشت پناه من و ملت ایران بوده است و تا موقعی که قلب  
 من و قلب ملت ایران در این راه می تپد، مطمئن هستم که همیشه از غنایات پرورده کار برخوردار

خواهد بود.

۱۰  
۱۰



## تخاں شاہشاہ

در مراسم عظامی نهاد مائیکت کتشا و زراں مہند شاہشاہ بخراں

سہ شنبہ شیم آذرماہ ۱۳۴۱

برای من ہرسال با کمال اشتیاق مسرت کاملی دست می دہد کہ تو ہم در روز نومی  
اول ہرسالی بہ زیارت این مکان مقدس و بہ پیشگاہ حضرت ثامن الزائمہ برسیم و حمد  
خود را در مقداریہ خداوند و بہ چیز نایابی کہ بہ آن ایمان دارم ہمیشہ تجدید کنیم .  
فصت نیکو و مناسبی است کہ در چنین روز مقدسی، و بہ چنین منظور مقدسی بتوانم بار  
دیگر از چنین فرصتی استفادہ کردہ و دوم مرتبہ بہ این شہر مذہبی بیایم و بہ زیارت این مرقد  
مقدس نایل شوم . این کاری کہ ما شروع کردیم اضافہ بر جنبہ های وسیع اجتماعی کہ  
بمیلطوری کہ بہ کرات گفتہ شدہ شاید در ہزار سال تاریخ مدون ایران، ہیچ وقت سابقہ  
نداشتہ است کہ اجتماع ایران بہ این حد تغییر قیافہ بدہد و در واقع زیر و رو بشود؛ ولی اساس  
این مخرما بہ دونیت و دو منظور بودہ؛ یکی برقراری عدالت اجتماعی در مرحلہ اول، و از بہین  
رفتن اصول تا اندازہ ای بردگی یعنی ارباب رعیتی، یعنی آزاد نبودن یک مقدار زیادی



از افراد مملکت تعیین زندگی، و مآخذی سرنوشت خود، این برخلاف قوانین است، برخلاف دین و آیین با است، برخلاف تمام اصول امروزی دنیا است. وقتی که این اصول اولیه ای که مورد نظر بود تجدید شد و رعیت تبدیل به یک دهقان آزادی شد، و با درجایانی که بخصوص در دلت خرده مالکی که هنوز به عنوان زارع کاری کند، روابط او با مالک، با آن خرده مالک مسلماً طوری خواهد بود که به هیچ وجه سابق قضیه ارباب و رعیتی نیست بلکه این رعیت مثل فرد آزادی برای یک مالکی کاری کند و از دست خراج خودش استفاده می کند و با یک همکاری نزدیکی، در یک محیط آرامی، در یک محیط صمیمانه ای، هر کسی کار خود را می کند. البته در فرصت های پیش و در فرصت های آینده تفصیل راجع به این مطالب صحبت خواهد شد. فقط تذکر می دهیم که منظور ما از این کار در اساس از بین بردن یک بنی عدالتی بوده. دوم اینکه با این وضع جدید دهقانهای جدید ما بیشتر و بهتر کار کنند که محصول بیشتری تولید کنند، درآمد بیشتری داشته باشند، و از زندگی بهتری برخوردار باشند، ولی باز تکرار می کنم برای این کار لازمه کار داشتن تسهیلات وسیع شرکت های تعاونی است که تمام وسایل کار و بهانه های جدید را درده خودشان، در منطقه خودشان فراهم کنند؛

هنگام  
هنگام  
هنگام  
هنگام  
هنگام  
هنگام  
هنگام  
هنگام





و هر چه زودتر این وسایل فراهم شده راد اختیار آنها بگذارند و راهنمایی بکنند؛ در طرز  
زراعت کردن، در طرز نگاهداری ماشین آلات، در تهیه ابزارهای آنها، در ترویج کشاورزی  
شان، در فراهم کردن کودهای مختلف شیمیایی و غیره و غیره. نظر نهایی ما پس با بردن  
سطح درآمد و سطح زندگی این اکثریت بزرگ ملت ایران است. این دهفت آنهاست امروزه  
کسانی که امروز این جای این اسناد را گرفتند مطابق گزارشی که به من دادند یاد هکت آبی ما  
چهار پنج هکتار دیدی بوده. آما آرزوی من این نیست که دهقان ایرانی به این مقدار زمین  
اکتفا بکنند و خودش را حایله او که جمعا روی میفرسته شاید اقل هشت نفر، نه نفر، بلکه ده نفر را  
تشکیل بدد این ده نفر از دو یا چهار پنج هکتار اراضی زراعتی امرامعاش بکنند و ارتزاق. امیدو  
آرزوی من در این قسمت این است که یک خانواده کث و وزیرانی انشاء الله در آتیه  
روی استعداد بیشتری که در امر زراعت پیدا بکنند روی سلامتی مزاج بیشتری که با این بهداشتی  
که در مملکت شروع شده و با خدای بیشتری که خواهد خورد و وصل دیگری که از او توجه خواهد شد و  
شرکتهای تعاونی که تشکیل می شود و تسهیلاتی که در کار او فراهم خواهد شد. منظور ما این است که  
یک فرد کشاورزی از حد کم امکانات رسمی خود و همچنین حد اکثر امکانات بهره برداری



از ماشین آلات زراعتی بتواند حداکثر زمین که یک خانواده بتواند از آن استفاده بکند شخصاً  
 به عهده بگیرد. برای اینکه نتیجه درآمد یک فرد خانواده کشاورز ایرانی برسد به پایایی که جمع  
 درآمد این خانواده تقسیم که بشود مطابق درآمد یک خانواده مرفه دیگر کشاورز هر نقطه دنیا با  
 این حسابهای مقدماتی که من می‌کنم این است که یک خانواده کشاورز ایرانی خودش  
 به تنهایی بتواند تا ۴۰ الی ۵۰ هکتار داشته باشد. امیدوارم من این است که شما که امروزه  
 این چند هکتار را می‌گیرید در آتیه روی عرضه و تقاضا، روی اینکه در مملکت کار ایجاد بشود تمام  
 فساد زایدی که در دلت هستند عوض اینکه به همین یک مقدار کوچک زمین بچسبند و  
 هم خودشان احياناً فقیر بمانند و هم مانع کار سایرین بشوند با بهترین معاطله‌ای که ممکن است  
 این زمین‌دار این خودشان معاطله بکنند و انشاء الله اینقدر در مملکت کار ایجاد بشود  
 که مازاد جمعیت دلت با بتواند در کارهای دیگری مشغول شوند. کسانی که در دلت باقی  
 می‌مانند بتوانند در این حدود زمین درخت‌هایشان باشد که یک درآمد تکفیتی یعنی مخی‌آهم  
 حتی تا این حد بروم که یک خانواده ده نفری اینقدر زمین در اختیارش باشد که شاید  
 سالی یک میلیون ریال درآمدش باشد که به هر نفری در سال صد هزار ریال درآمد برسد.



پس این کاری که ما شروع کردیم، از بین بردن این ظلم اولی بود. دوم جنبه اقتصادی کار است که درآمد سرانه و ملی شما برود بالا و به این جهت این کاری که ما می‌کنیم تقویت اساس خردده مالکیت است. در مملکت ایران خردده مالکین فعلی خیاشان راحت باشد. آنها در پناه قانون محفوظ خواهند بود حتی تشویق خواهند شد. این موضوع خردده مالکیت فقها اگر خردده مالکینی الآن هستند که در زمینشان زارعین کار می‌کنند. این زارعین را باید آنها زندگی‌شان را برسانند به سطحی که امروز ما در قش را برای همه آرزو داریم و در واقع با آنها باید زقاری بکنند مثل یک کارگر کشاورزی که در آمدش تقریباً مساوی باشد با درآمد افرادی که خودشان آزادانه و برای خودشان صاحب زمین هستند و کار می‌کنند. ولی با تکرار می‌کنم اساس خردده مالکیت در این مملکت نه فقط محترم است، بلکه نهایت آرزوی ماست که فقط باقی ماند ولی در آتی روز بروز تعداد خردده مالکین بیشتر شود.

و اما زمانی که وزارت کشاورزی و مأمورین اصلاحات ارضی می‌کشند البته در خراسان به نوبه خودش قابل تقدیر است. ببینید رئیس کشاورزی شما بدش در یک تفسی بسته بندی شده معنای با چه حرارتی دنبال این کاری رود، یعنی این غیر از اینکه به این کار ایمان دارد و مسلماً



تمام کسان دیگری که در این کار مشغول هستند به منظور فخر می‌کنند چیزی دیگری نیست. این فقط ایمان به یک اصلی است که می‌تواند افراد را این طور وادار به خدمت بکند. همان ایمانی است که نامور دیگر در فارس شهید شد؛ و همان ایمانی است که بلافاصله صد مائت فردا و طلب شدند که جامی اورا بگیرند و البته در این موضوع بهتر است موقعی که انشاء الله به زودی به فارس می‌رویم صحبت بکنیم.

و اما در این مکان معتمدین فخر می‌کنیم و وظیفه من به عنوان تولیت آستانه حضرت ضیاء این باشد که ما برای عظمت و جلال این آستانه آرزو ما داریم. امید ما داریم، سعی و کوشش می‌کنیم. چیزی که شما ظاهراً می‌بینید همین عظمت است مثلاً در همین روبروی شما این یوارهایی که ساخته شده و این کاریهایی که شده و در پشت این دیوارها، در داخل صحن، در داخل حرم کاریهایی شده است که البته باعث افتخار است. با کمال وقت و زحمت آثار تاریخی دومرتبه تجدید شده، حفظ شده، نگهداری شده، و حقیقتاً هر دفعه ای که ما می‌آیم اینجا این خوشوقتی را داریم که یک قسمت دیگر اضافه شده است بر این بنا عظیم. قسمتهای دیگر کار این آستانه کارهای خیر است، قسمتهای درمانی است، بیمارستان است مسایرتانیسات خیریه این دستگاه



که انشاء الله سال بسال توسعه پيدا بکند. فرصتی باشد بحمد الله یعنی انشاء الله اگر فرصتی باشد دستگاه عظیم بایرستانی باید مادامه شهید تائیس کنیم که اگر جلوتر از جاهای دیگر این مملکت نباشد، از هیچ جای دیگر عقب نباشد. در خراسان که مرکز علم بوده است در آتی هم مرکز علم باشد و هم مرکز علمی که از نقاط دیگر به اینجا مرجع بکند.

برای اینکه این آستان مقدس بتواند به این هدفهای با عظمت و خیر خودش، و شکستهای فخر و تشوین طلب علوم دین و همچنین علوم دیگر موفق شود باید روز بروز درآمد آن بیشتر شود. در عین حال و با داشتن این منظور که اطاق زیادی وجود دارد این اطاق، تا به حال چه شکلی اداره شده است، مشخصی است دیگر، ولی فکر می کنم بزرگترین عدل و انصاف و بهترین راه اضافه کردن درآمد این آستان مقدس این است که ماکروی کنیم که در آتی این اطاق را عوض اجاره دادن به مشاجرین مختلف مستقیماً بایک اجاره طولانی که البته هر چند سال چند سال شاید شش ایطش شود تجدید شود به خود زارعی که در زمین زراعت می کند اجاره داده بشود و چون اجاره طولانی است زارع بشکلی زیادی پیدای می کند به آن زمین؛ کاری کند، و خدا اگر کوشش خودش را بعمل خواهد آورد که آن زمین را صد در صد بجهت برداری بکند. البته در عین حال در



این منطقه این زارع و زارعین اطراف باید آنها هم به منظور شرکت های تعاونی خودشان را تشکیل بدهند. شرکت تعاونی بهترین ضامن ادامه ترقیات یک منطقه کشاورزی است. یک نفر فردی به تنهایی در مقابل خشکالی، آفات، و ایجابات گرفتاری خانوادگی یک روزی ممکن است یک خانواده زارعی سه نفر، چهار نفر، عضو خانواده اشس مریض شوند، مخارج کمرشکنی برایش پیش بیاید. این اگر بخوابد به تنهایی باز زندگی نبرد بگذرد بعضی اوقات برایش مشکل می شود. ولی این شرکت های تعاونی برای این درست شده است که در مواقع مشکل به کمک آن فرد بیاید، دست او را بگیرند، نگذارند که هیچکس سقوط بکند. امکان این را به او بدهند که در آتیه او بتواند جبران بدشانسی ها و بدبختی های موقتی وزودگذر او را فراهم بکنند.

من به نایب التولیه همین جا امروز دستور می دهم که این طرح را مطالعه بکنند، و به تصویب من برسانند که ماین املاک آستانه را برای آبادی بیشتری، برای تأمین درآمد بیشتری برای این آستانه و درصین حال درآمد بیشتری برای رعایایی که در روی این املاک کار می کنند طرحی بریزند که این املاک را به اجاره ماهی خسی طولانی ما به این اشخاص واگذار بکنیم. انشاء الله با دلگرمی بیشتری در اینجا کار بکنند. و درآمد بیشتری خودشان ببرند.



و همچنین بحسب بشیرتی باین بارگاه انشاء الله برسد .  
موفقیت همه مردم را در این مملکت خوا نامم . تمام کارهایی که می کنیم صرفاً برای بهبود  
و بالا بردن زندگی عموم افراد این مملکت است . قنایا ، بیخطوری که در کار انشاء الله کنیم تعلق من  
به نسبت جمعیت مملکت است . هر نصابی که باشد در این مملکت ، به اندازه همان نصاب  
مانا چاییم که به فکر آنها باشیم ولی اساساً تمام نیت و فکر و ذکر ما این است که زندگی فرد  
این مملکت در پناه عدالت ، در پناه عدالت اجتماعی انشاء الله روز بروز بهتر شود و موفقیت  
بکی را البته از درگاه خداوند متعال خواستارم .



## سخن شاهشاه

در مراسم اعلی اسناد ماکت کشادوزان فیروزآباد

نخستین ششم دی ماه ۱۳۴۱

مراسم امروز از چند نظر باعث خوشوقتی بوده است تا تعداد بسیاری از رعایای سابق این خطه وضع خودشان را در گذشته شرح می دادند و می گفتند که امید واری به آینده پیدا کرده اند مثل آنکه این حرفهایی که من اینجا می شنوم حرفهای آشنایی است چون از روی حقیقت بهم واقع است همین حرف رعیت سابق مرا فدا می رایجا از زبان رعیت برده سابق فارس من می شنوم. یعنی ما تازه چشمان را باز کرده ایم مثل اینکه نور در کشتیابی را می بینیم، تازه حس می کنیم زنده شده ایم، و پیران میزدی نسبت به آینده اینها در واقع مثل اینکه چنان بسته اند که بیشتر کار بکنند، بهتر کار بکنند، و بچه های شان را در یک محیط بهتر و سالمتری تربیت بکنند.

چه نعمتی بالاتر از آزادی و بخصوص حس کردن آزادی است، بطور می شود که یک توده ای آزادی را این طور حس بکند که به نظر طبیعی می آید که یک فردی مستلاً در حد و قانون آزاد شد. چرا این حس را این ماکت کنند؟ برای اینکه متأسفانه در گذشته آزاد نبوده اند. اینها را غیر از کارهای





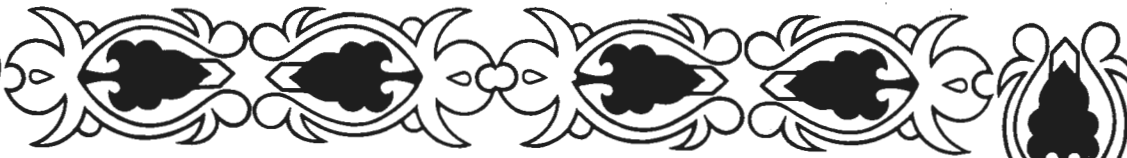
رعیتسی بطور عادی برای بیکاری و کارهای دیگر و خدای خواسته در مواقع دیگر برای دزدی، آدکشی، و اجانامانیست می بردند. این دوران بجهاد تمام شد. دیر و زشرمی دادم نسبت باین موضوع دیگر از تخرآن خود داری می کنم. فقط ما باید با اسکالاتی که در کار داریم حالا بپردازیم. بر رفع این اسکالات. در خیلی از قسمتها موضوع نبودن آب مطرح است. در مسافت آذربایجان هم باین اسکالات برخورد کردیم و مردم از کمبود آب یا حتی بعضی اوقات نبودن آب شاکی بوده اند.

امروز از سحاط فقی می شود در خیلی از موارد این مطلب را حل کرد. آب را به دست آورد و از آن استفاده کرد و زندگی حرفه تری را برای آن منطقه و آن ناحیه بخصوص تامین کرد. در این حال توصیه می کنم عموم دهت انهای جدید در شرکت های تعاونی خودشان وارد شوند و از جان دل اطمینان داشته باشند که این شرکتها وسیله پیشرفت و بهبود زندگی آنها خواهد بود.

غقریب یک بانک مرکزی در این نقاط تشکیل خواهد شد که با وسایل خیلی بیشتری بتواند کمکهای لازم را در اختیار بگذارد و چندین برابر درآمد دهقانهای ایران بخواست خداوند بالا برود.

امروز میل داشتیم که در این نقطه، این زندگی جدید دهقانهای ایرانی توأم باشد با مختصر و کلوچکترین نمونه قدرت نیروی مسلح این مملکت. این آزادی و این آینه شمار این نیروی مسلح

کتابخانه تخصصی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



هنگامه  
هنگامه



هنگامه  
هنگامه

و این جوان های پرشور و وطنپرستی که امروز دیدید مثل عذاب از آسمان به زمین آمده اند تراست و  
حفاظت خواهند کرد. این نسل جدید که در این محیط آزادی بار خواهد آمد سر باز نمی آید به این مملکت  
است. سر باز نمی فعلی این مملکت ضامن آینده مملکت خواهند بود. وقتی این با آن توأم شد  
این مملکت را یک مملکت منفق و سر بلندی خواهد کرد و جایش در دنیا می امروز با کمال افتخار باز خواهد  
کرد.

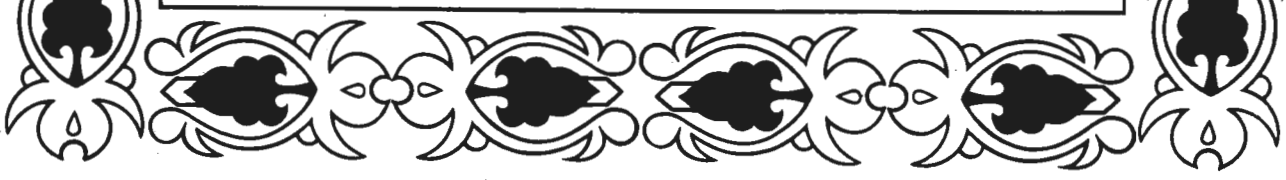
این مراسم و جسران کامل خواهد بود اگر یادی از مهندس شهید ملک عابدی که در چند  
کیلومتری همین محل به دست افراد از خدابی خبرگر اهی از زمین رفت، نخیم. نمونه فداکاری این  
جوان، سر مشقی خواهد بود برای تمام جوانهای این مملکت.

این دیگر اختصاص به زقها و دوستان اصلاحات ارضی ندارد؛ این یک نمونه ایست  
برای تمام جوانان مملکت که چطور در راه انجام وظیفه انسان در موقمش باید فداکاری بکند.

این افتخار برای خودمخس، برای خانواده اش، برای کارمندان اصلاحات ارضی  
هست و تا بد باقی خواهد بود و در همین حال زحمات کارمندان وزارت کث و وزی، اصلاحات ارضی  
و کسانی که بد آنها پیوسته اند و او طلبنی که از دانشگاه شیراز آمده اند که این طور در مدت قلیلی که نامیدی

هنگامه

هنگامه





تقریباً بازرگردنی است اینها توانسته اند اینهمه اسناد را حاضر کنند که دیروز و امروز ما بدست چهارمندی  
امروز بسپاریم .

این زحمات فقط از این راه می تواند توجیه شود که این همه کار فقط از اشخاصی ممکن است  
سرزند که اینها با ایمان با جان و دل و شبانه روز دنبال یک هدف مقدسی بروند که اینهمه آثار  
خوب را در مدتی کم از خود باقی بگذارند .

امیدوار هستم این برنامه عظیم ملی ما در مدت خیلی کمی تا سه ماه دیگر تمام شود و این رساننده  
عظیم باعث نجات آزادی اکثریت ملت ایران شود و با این فخرتاریت به سوی آینده و با  
سرمی بلند و قلبی شاد و بنحواست خداوند پیش برویم .



## سخن شاهشاه

در ساری بمقام اعطای اسناد مالکیت روستایان مازندران

شنبه پانزدهم دیماه ۱۳۴۱

فصحت بسیار مناسبی است که پس از سالهای زیادی بار دیگر توانستم به شهر زیبای ساری قدم گذارم و بطوری که برای امری بدین بزرگی و کاری بدین خیر و اصلاحات اضطراری در ایران طوری با سرعت و خوشحالی باموهبتت پیشرفت کرده است که شاید خیلی از ما با اهمیت تاریخی و اجتماعی این اقدام رادست نبودیم و گمان نمیکنیم و عظمت این کار موقعی بشیر و بهتر پیدا می شود اگر قدری مطالعه کنیم که سایر ممالک دنیا آنهایی که به برقراری یک عدالتی در قسمت املاک مزروعی شده اند چقدر وقت صرف این کار کرده اند و به چه نتایجی رسیده اند و چقدر این برنامه و این اصلاحات برای آنها از سخاوت مالی تمام شده است. وارد جزئیات سایر کارهای شوم ولی بطور قطع و یقین می توانم بدون آنکه جنبه مبالغه و ادعا داشته باشم بگویم که اصلاحات اضطراری در ایران شاید از هر نقطه دیگری در دنیا سریعتر و ارزاتر و شاید هم از هر نقطه دیگری در دنیا بیشتر با یک استقبال کامل ملی مواجه شده باشد. علت این استقبال واضح است. این رامن از زبان دهقان هراغه، دهقان کردی که در صفحات ماکون زندگی می کند، دهقان ضرورت آبادی که در منطقه فارس زندگی می کند، شهنشاه



موقعی که از آنها سوال می‌کردم که خوب چه احساس می‌کنید و از این برنامه استقبال می‌کنید و در این صورت چرا اینقدر خوشحال هستید؟ تقریباً به یک زبان همه جواب دادند که ما زندگی نوی را از سر شروع کردیم، مثل اینکه تازه به دنیا آمدیم و احساس آزادی می‌کنسیم. در زندگی؛ و در دنیا چه چیز شیرین تر از همین موضوع است؟ احساس آزادی کردن کردن اینک بالاترین آمال اجتماعی یک ملت را بزرگترین هدف ملی را حفظ و حراست آزادی مملکت تشکیل می‌دهد. یک مملکت آزاد چه معنی دارد؟ معنی مملکت آزاد فقط این نیست که از مداخلات دیگران مصون باشد، به آنها اجازه مداخله ندهد. چه اهیتی دارد و چه ارزشی دارد که اگر انسان از مداخلات خارجی آزاد باشد ولی خودش برای خودش در داخله مملکت خودش آزاد نباشد. اینست که اهمیت این امر بقدری زیاد است موقعی که ما توجه کنیم که بهتفاوت پنج درصد جمعیت این مملکت حالا خودشان را آزاد و حاکم بر خود و سرنوشت خود می‌دانند و به همین تناسب به عقیده من تعداد افرادی که برای حفظ آزادی مملکت خود نه فقط روی یک وظیفه روحی ولی یک نوع وظیفه شخصی و انفرادی و اجتماعی و ملی شرکت خواهند کرد.

این خیلی برای یک مملکتی قدر و قیمت و منزلت دارد که اکثریت عظیم ملت یک دل و یک زبان در حفظ و حراست مملکت کوشا باشد، جانفشان باشد، و این شرکت اکثریت مردم در سرنوشت خویش بازش



را ما به زودی خواهیم دید. به عقیده من ناسه چهار سال یک طوری اجتماع ایران زیر و رو خواهد شد که حتی میزان اجتماعی و میزان اقتصادی مملکت طوری تغییر خواهد کرد که مملکت ایران این همه کس قادر خواهد بود که به طریق جدیدی عظمت دیرین خودش را به دست آورد و بتواند با پیشانی بلند و زمره مل مستحق دنیا قرار گیرد و دوشش به دوش سایرین در راه به دست آوردن پدنیای عالی تر قدم بردارد. اما پیش از رعایای سابق ما لکن امروز چیزی که توصیه می کنم اینست که روز بروز به کار و فعالیت و کوشش خودتان بپردازید، در شرکت های تعاونی تان شرکت کنید و وظیفه خود بدانید که هر روزی، هر سالی درآمد خودتان را بیشتر کنید. وقتی درآمد شخصی شما بالا رفت می توانید بهتر غذا بخورید، بهتر لباس بپوشید، بهتر منزل بسازید. سچه بایتان را به همان تناسب بهتر نگه داری کنید؛ سچه بایتان قوی تر شوند، نسل سالمتری به وجود بیاید. نسل سالمتر و قوی تر باز هم بیشتر و بهتر کار خواهد کرد و نتیجه تمام این بهتر کار کردن با و بهتر زندگی کردن ما مآلاً نصیب مملکتان می شود. مملکتان آبادتر می شود، مملکتان بیشتر به ترقیات عظیمی نایل خواهد شد و باعث سر بلندی تمام افراد مملکت خواهد شد. خوشبختانه طبیعت تقریباً از هیچ چیز در این استان مضایقه نگرفته است. ثروت خدادادی به چشم می خورد؛ سرزمین سرسبز خرم زیبا باشد که انالی مستعد و باهوش آن بتواند از این همه نعمت های خداداده کا ظاهره برداری بکند. نعمت خداداد تو هم با عدالت جمعی



و ذوق و اشتیاق افراد آن به کار بیشتر، مستلزمی تواند غیر از نیاز خوب بوسیله دیگری داشته باشد.  
در اینجا هم البته باید ذکر خدمات نجات وزارت کشاورزی و مأمورین اصلاح کشت و زری  
بکنم که این برنامه را با سرعت پیش بردند و امیدوارم که خوبی کلی تمام شود و دهنه دیگر که فرصت بازید  
از این صفحات را انشاء الله خواهیم داشت، بتوانیم مردمی با زخم شاداب تر، و با زخم در رفاقت بیشتری  
مشاهده کنیم. رفاقتی که شامل حال همه باشد. دهقانهای ایران، کارگرهای ایران، پیشه‌وای  
ایران، عموم طبقات ایران، مجموع اینهاست سر بلند و خوشخت و با سعادت را آنگیل خواهند داد.



سنگ

## سخن شاهشاه

در مراسم اعلای اسناد مائیت به شاه و زنان رودسر

یکشنبه شانزدهم دی ماه ۱۳۴۱

به خاطر دارم که جوان ۱۲-۱۳ ساله بودم مشغول تحصیل و درس خواندن بودم، آنهم در مملکت غربت، یعنی در کشور سوئیس. در همان حالت جوانی پیش خودم فکر می کردم و می گفتم که اگر یک روزی من بر ششم به ایران، و در سر نوشت مردم بایثیری دایتم، اولین کاری که خواهم کرد، اینست که رعایای اطلاق خودمان را یک دوره سالی از بهره مالکانه معاف کنیم که اینها بتوانند برای خودشان منزل بسازند، و گاوه بخرند، و حیوانات پادار بشوند و زندگی بهتری بکنند. این فکر جوانی و البته بدون تجربه، کم کم بعد از در واقع بیست سال از گذران زمان، موقعی به مرحله عمل گذاشته شد که من دستور تقسیم اطلاق موروثی خود را بر این رعایای سابق و مایکین امروز آن صادر کردم. این کار در ۱۳۲۹ شروع شد و در ۱۳۳۲ کسانی که آن موقع به اصطلاح کار در دستان بود جلوی این کار را گرفتند. دو مرتبه در اواخر همان سال ۱۳۳۲ مجدداً شروع شد. در این بین در تکمیل انکار خود دستور تهیه لایحه تقسیم خالصه جات دولتی را صادر کردیم. بعد از آن برای تکمیل کامل این فکر،





دستور تهیه لایحه تحدید اراضی زراعتی را نیز صادر کردیم که لایحه آن به مجلس رفت ولی چون آن موقع انتخابات ماطوری دیگر جریان داشت و زارین آن روز آزادی عمل نداشتند و به طرف صندوقها به وسیله ما لکین خودشان هدایت می شدند طبیعتاً لکین آن روز در مجلس نفوذ داشتند و بایک بهانه بانی آن لایحه اولی را به شکل دیگری تغییر دادند که موقعی که از تصویب مجلس گذشت منسی حقیقی خود را از دست داده بود که بعد پس از انحلال مجلسین در نوزدهم دی ماه سال گذشته لایحه به صورت فعلی تصویب شد که بسیندر عرض این یک سال چند شرفت حاصل شده و چه کار عظمی انجام گرفته که امروز فقط در منطقه شاده هزار سند مالکیت صادر شده و به دست صاحبان جدید خود سپرده خواهد شد.

اضافه بر فواید اجتماعی و روحی و سیاسی این کار برای برقراری زیربنای معنوی و مادی یک جامعه ای کافی است که انسان یک چند دقیقه ای در میان شما لکین امروزی ایران قرار بگیرد تا به عظمت این کار پی برود و از وجنات و قیافه شامحت بگذرد و شخص بد بد که شام باچه اطمینانی و باچه رویتن قوی به سمت آینده پیش می رود و قدم برمی دارد و نصیم دارد که وضع خود و خانواده خود، و درصین حال وضع مملکت خودتان را روز بروز بهتر بسیند، بیشتر نعمت بکشید و از فواید آن دمان



هنگام

و سایرین را بهره مند کنید .

من در قیافه شما غیر از این، یعنی امیدواری، اراده و تصمیم، چیزی نمی بینم و چقدر جای خوشوقتی است که این روحیه در شما اکثریت ملت ایران یعنی لاقلاً هفتاد و پنج درصد جمعیت این مملکت به این قدرت و به این استحکام مشاهده می شود .

پیش بینی یابی که می شود، شرکت های تعاونی که تشکیل می شود، دکتگره ای که تا دوسه روز دیگر در تهران تشکیل خواهد شد، اینها تمام برای پی ریزی یک آینده ای است که مستقلاً روز بروز برای شما، و برای این مملکت نتایج بهتر و درخشانتری خواهد داشت .

این اصلاحات ارضی و این پاره پاره کردن سند در واقع بردگی، و رژیم صفتی سابق، هیچ نیرویی قادر به تغییر این در آتیه نخواهد بود و به خواست خداوند به وسایل مختلفی مابیه خودی و بیکانه ثابت خواهد بود که رژیم آینده ایران مستثنی بر رژیم آزادی ملت ایران است . پس من برای شما ملت ایران، شما اکثریت قاطع ملت ایران، خیر از دعای خیر چیزی ندارم و از خداوند ملت دارم که شما مردمان غیور و جنگش سنجید و وطن پرست را همیشه در پناه خود نگهدارد و به خودتان و فرزندان شما عمر طولی بدهد که همه با هم ایران آباد تر و آزادتری را در این روزگار بنا کنیم .



## سخن شاهشاه

در اولین گنگره شرکت های تعاونی روستایی ایران

چهارشنبه نوزدهم دی ماه ۱۳۴۱

قریب به بیست و دو سال است از سلطنت من می گذرد و اغلب شما در این مدت شاهد نظر و قایح این مملکت بوده اید و می دانید که تمام این مدت روزهای خوش و باسعادت نبود. مملکت ما دچار گرفتاریهای گوناگونی بود. مدت زمان جنگ و بعد از جنگ دچار اشکالات فراوانی بودیم و این اشکالات را بخواست خداوند توانستیم کمی پس از دیگری از میان برداریم تا اینکه امروز به بزرگترین آرزوهای قلبی خود و می دانم ملت ایران برسیم که به بنیم چنان جمعیتی به نمایندگی حقیقی اکثریت مردم ایران برای پی ریزی و مشاوره همکاری بهایی که اولاً بین خودشان به وسیله شرکت های تعاونی و سازمان مرکزی شرکت های تعاونی از طرفی و از طرف دیگر حصول همکاری بین طبقه جدید زارع یا دهقان ایرانی یا سایر طبقات تولیدکننده و صنعتکش و اچنانا مصرف کننده این مملکت در اینجا جمع شده اند. برای من که از طفولیت از زمانی که در مدرسه درس می خواندم به فکر خود در صد و چهاره جویی برای بهبود زندگی رعیت آن موقع ایران بودم پاداشی بالاتر از این نیست که امروز به بنیم بخواست خداوند نه فقط زندگی آن رعیت سابق



بمبود پیدا کرده است، بلکه کلمه رعیت و خاصیت رعیت را زمین بردیم و او را یک نفر دهقان آزاد و حاکم بر سر نوشت خود کردیم. از همه متمم شخصیتی است که من امروز در فرد خستندها نهایی ایران می بینم و او را کردن فراز و پراز امید به آتیه و مصمم به کار کردن بیشتر می بینم. خداوند را شکر که ما توانستیم امروز در چنین جلسه ای این آمال و آرزوی دیرینه خود را این طور، به این سرعت، به این خوبی، جامه عمل پوشیده ببینیم چیزی که شاید سایر ممالک نه به این خوبی و در قرنها گمگشت و خوزیری توانسته اند حیساناً به دست بیاورند، ما در عرض یک سال به دست آوردیم. علت این کار چیست؟ علت این کار چیست؟

یکی صحیح بودن برنامه قانون، دوم قبولی اکثریت قاطع ملت ایران با وجود تمام وسایع و کار شکنی با دستم و اینکه مستلاً تمام افرادی که ما موراجرای این کار بودند با جان و دل و با آرزوی انجام وظیفه، به وظیفه خود پرداختند که در این راه بهترین شاهد طرز انجام وظیفه ما مورین اصلاحات ارضی است در سراسر مملکت که چطور با یک روحیه و ایمان عجیبی کار کردند و مستلاً سایر ما مورین دولت نیز به نوبه خود همه به این امر خطیر کمک کردند. عظمت این اصلاح عمیق اجتماعی بقدری زیاد است که چون ما از یک فاصله کوتاه و نزدیک با آن نگاه می کنیم شاید قادر به درک آن نباشیم. هر چند فاصله دورتر بشود و زمانی بگذرد آن وقت مای تو انیم پی به عظمت و قاطعیت این کار می بینیم. چیزی که مستلاً در تاریخ



ایران بی سابقه بوده است .

آزادی اکثریت ملت ایران توأم با رفاه حال و توأم با آسایش خیال او این محسوس و نبذنی  
دستخانی ایران نخواهد بود . دهنمت ایران آنی که بیشتر تولید خواهد کرد و بیشتر پول به دست خواهد آورد این پول  
خود را صرف خواهد کرد . مطمئنم با زشدی که من در شامی بسیم این پول را در راه صحیح صرف می کنید یعنی  
برای خودتان سنسرل می سازید ، یعنی برای خود یا به وسیله شرکتها و سیال زراعت جدید تهیه می کنید ؛  
زراعت را کم مکانیزه می کنید ؛ به طرق جدید آشنای شوید ؛ به کوششهای آشنای شوید ؛ آشنایی که  
قادر هستند اضافه به زراعت ، چشم مختصری بکنند برای خواهند کرد ؛ مرغ بکنند برای خواهند کرد ؛ درخت  
خواهند زد . این تولید اضافی و ایجاد ثروت اضافی به رونق کارخانجات این مملکت ، به رونق  
صنعت این مملکت کمک خواهد کرد . صنعت که رونق پیدا کرده و بازار بیشتری پیدا کرد ، وضع کارگرهای  
این مملکت بنوبه خود به همان تناسب بهتری شود . برای کارگرها همان طور که اطلاع دارید و در روزها  
پریروز قانون آن منتشر شد یک قدم مترقی دیگری برداشته شد که امیدواریم آن هم به زودی نتایجش  
معلوم بشود . وقتی که رونق صنعتی پیدا شد مستلماً درآمد کارگر اضافه می شود . درآمد کارگر که اضافه شد بنوبه  
خود قدرت خرید او بالایی رود ؛ وقتی که قدرت خرید کارگر در زراعت بالا رفت و زندگی مرفه تری داشتند ،

مملکت



زندگی سعادت‌بخش است، خاندان استند، لباس داشتند، قضا با اندازه کافی خوردند، یک طبقه جدیدی وارد کاری شود که او باید این وسایل این کارها را فراهم کند یا واسطه‌ای باشد و آن صنایع هستند، پیشه‌وران هستند که آن مابعد نوبه خود از رونق زندگی و کارگر زندگیشان رونق پیدا می‌کند، و همین طور این سلسله سرایت می‌کند به عموم طبقات مملکت و باعث این می‌شود که تمام افراد این مملکت دارای زندگی بهتر و مرفه‌تری باشند. الان یکدین زندگی بهتر و مرفه‌تر در دست شما دهقانان ایران است. برای اینکه اکثریت ملت ایران را فعلاً شناختن می‌دهید و ما چند سالی این اکثریت را به‌طور با شما خواهد بود تا اینکه هر چند مملکت رو به ترقی برود، هر قدر وسایل کثرت و دوزی کم‌بازو شود، و هر قدر ما بتوانیم اراضی جدیدی جیا برای کشت نزع بکنیم و از طرفی صنعت مملکت رونق پیدا کند و مملکت صنعتی شود، این خد نصیب فعلی عوض خواهد شد و تا آنکه یک نسل مسئولیت اساسی استوار و ثبات این مملکت بر دوش شما طبقات نجیب زحمتکش و شریف دهقان ایرانی خواهد بود.

چیزی که باید کمال خوشوقتی و امیدواری من است اینست که سعی کردم در تمام این تمانهایی که با شما در مسافرت یابی که به اقصی نقاط مملکت می‌کردم، در این تمانس باسی کردم که به رویتنه شما آشنا بشوم و دیدم که کاتبه تمام این مطالب آشنا هستید. مخصوصاً هر دفعه سعی کردم به رسم که چر شما این طور



پشتبان و دنبال این برنامه هستید، به چه طقت اُدیدم که نقطه به طقت ظاهری اینکه خوب  
یک قطعه زمینی را به شما می دهند و نقطه به و نخوشی مالکت شدن یک سند و نخوش نیستید؛ شما معنی اساسی  
این کار را فهمیده اید؛ و معنی اساسی این کار آزادی است که شما در خود احساس می کنید. به زبانهای  
مختلف از دهان افرادی که یکی مثلاً در مراغه بود، دیگری زراع و سمی شاید اهل مازندران بود و چهارم  
شاید اهل اردبیل بود این مطلب را من شنیدم که: «مثل اینست که ما زندگی جدیدی را از نو شروع کردیم،  
یکی می گفت من مثل اینست که از نو به دنیا آمده ام. یکی می گفت که من با وجودی که به نقاد سالم است تازه  
یک نیروی جوان بیست ساله در خود احساس می کنم و پشت کا و آهن می نشینم و کاری کنم. اینها قیمت  
ندارد؛ این حس وقتی که در اکثریت یک مردمی پیدا شد، این حس را هیچ چیزی نتواند خیران بکند. هیچ  
قدرتی بالاتر از این حس ایمان و امید در یک جامعه نمی تواند باشد. تمام هم مسؤولین امور در هر  
نقطه ای از دنیا، تمام هم سیاستمدارهای مسؤول و لوزا نیست که وسایلی فراهم کنند که در یک طقی ایست  
و ایمان ایجاد بشود. این کار عظیمی است که ما در این مملکت به خواست خداوند موفق شدیم که در میان  
شما و بهتانان که به تنهایی هفتاد و پنج درصد این مملکت را تشکیل می دهید در میان شما این ایمان باشد  
چه برسد که این ایمان مثلاً مطنین هشتم در طبقه کارگر نیز با این قانونی که داده ایم پیدا شده است و در



## صکاه

سایر طبقات نیز سپید خواهد شد. هر کسی در هر طبقه ای به بیک غلتی، اصناف برای اینده کارشان بهتر خواهد شد، کارمندان دولت برای اینکه امیدواریم به وسیله قانون جدید استحضامی وضع آنها هم بهتر شود. همچنین کسان دیگری که از راه اعتسای فرهنگ ایران، یا از راه اعتسای علوم دیران یا از راه ایجاد محیط سالمی که در آن فساد ریشه کن شده باشد، محیطی که فقط کسانی که لیاقت دارند در آن پیشرفت می کنند؛ محیطی که پادشاهش خدمتگزاران رامی دهد، و همچنین محیطی که ایحاناکسانی که از راه راست منحرف شده باشند در آن به مجازات ختم می رسند. پس برای من این ساعت شاید گرامی ترین و شیرین ترین ساعات زندگی من باشد چون هم کلی از آرزوهای دیرینه خود را برآورده می بینم و هم اینکه لاقیل بقا و پنج درصد جمعیت این مملکت را آزاد و خوشبخت و امیدوار به آینده مشاهده می کنم. هیچ محلی را مناسب تر از این نقطه یعنی از پشت این تریبون که ریاست افتخاری یعنی ریاست جلسه بین من می بزرگی را جلسه ای که مستقلاً بر قاطبه افراد این مملکت ریاست دارم، هیچ مکانی را از اینجا مناسب تر نمی دهم که مطالبی را که با ملت ایران دارم از پشت همین تریبون در این خطه انظار بکنم ملت ایران روزی که مستقلاً سنگین پادشاهی را بعد از استغفای پدر تا جدار خود بر عهده گرفته ام، به کلام الله مجید سوگند یاد کرده ام تمام تنم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده و حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس دارم





و تعهد کردم که در تمام اعمال و افعال، خداوند عز و جل را حاضر و ناظر دانسته، منظوری جز سعادت و  
خلعت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان ارواح طیبت به اولیای اسلام استمداد کردم  
که در خدمت به ترقی ایران توفیق پیدا کنم.

خداوند قادر متعال را به شهادت می طلبم که تا امروز با وجود مخاطراتی که در راه انجام این  
مقاصد سختی زندگی مرا تهدید می کرد، باین پیمان وفادار بوده ام و در راه حفظ حدود ایران با وجود  
اشغال نظامی کشور در زمان جنگ و مصائبی که بعد از آن در دوره هرج و مرج به گناک اعمال مخرب  
ایجاد شده بود به توفیق الهی و پشتیبانی ملت عزیز ایران عموماً و مردم فدکا کار آذربایجان خصوصاً، توانستم  
خطه مقدس آذربایجان را از کام تجزیه طلبان برهانم و تمامیت ارضی همین خود را محفوظ و محروس بدارم.  
بعد از ربانی آذربایجان و کد زانندن گرفتاری های ناشی از اشغال نظامی ایران در دوران  
جنگ جهانی کبیر، من بر سر پیمان خود در حفظ حقوق و ارتقاء ملت عزیز ایران ایستادم و از طریق اختیاراتی  
که در اصل مبتنی بر بنهم متمم قانون اساسی از طرف ملت به من سپرده شده و به موجب آن حق انشاء قانون  
پادشاه و مجلسین تفویض گردیده به منظور ساختن ایران متمدنی و آزاد که در آن استقلال اقتصادی اجتماعی  
افراد تأمین شده باشد، چهارراه دستورهای مکرر به دولتها برای پیشبرد لوائح قانونی بنفید، و چهارراه



عزیز

سفاش به نمایندگان مجلسین اقدام نمودم. ولی متأسفانه ملاحظه شد بعضی از لوائح مربوط به اصلاحات اجتماعی که دولت بآبرای ارتقاء ملت ایران پاک کردن دستگاه های مملکتی از فساد، به مجلسین تقدیم کردند به صورت تو این مسخ شده ای داد که ضرر آن مستقیماً متوجه مردم مملکت می شد و نفع زودگذر آن، به عده ای متنفذ می رسید. چنانکه لایحه قانونی اصلاحات ارضی و لایحه قانونی مربوط به رسیدگی به درایبی وزراء و کارمندان دولت به صورتی از تصویب مجلسین گذشت که قطعاً مایه خنثی شدن

تصویب کنندگان قانون یا گروهی متنفذ خارج از مجلس بود. عزیز

در سال ۱۳۲۹ برای دادن نمونه عملی اقدامات اصلاحی دستور دادم املاک موروثی سلطنتی را میان کشاورزان تقسیم کنند و قانون فروش خالصات را تدوین نمایند. مغذالکات هیچ یک از مالکان بزرگ سرشک نگرند و در غنا و دلچای خود در مقابل سیرجری تحولات زمان ایستادند.

سعی کردم با حفظ اصول انتخاباتی قدیم و معمول ایران از طریق تشویق افراد به تشکیل احزاب اکثریت و اقلیت شاید گروه های متشکل حزبی در پارلمان پشتیبان الحاکم و پیشیند های اصلاحی شوند. دیدیم از این راه نیز نتیجه ای حاصل نشد. انتخابات دوره بیستم تجدید آن نیز نمونه ای از نارسیانی قانون انتخابات و عدم امکان انظار حقیقی و آزاد اکثریت مردم مملکت بود. عزیز



مجموعه این غرض و زری تا و بی عتسائی تا به مصالح مملکت و سرنوشت ملت ایران که  
مکرر مشاهده گردیده، مرا بر آن داشت تا برای انجام اصلاحات لازم و اساسی دولت تازه ای را  
با اختیارات بیشتر نامور کنم و آن دولت در قدم اول شرط انجام اصلاحات را انحلال مجلسین دانست  
و تقاضای انحلال پارلمان را کرد و استدلال دولت مورد موافقت قرار گرفت و فرمان انحلال  
مجلسین صادر نمودیم. تا نگید در اصلاح قانون انتخابات مندرج در فرمان انحلال به رعایت اصل دوم  
قانون اساسی که اعلام می دارند، مجلس شورای ملی نماینده قاطبه االی مملکت ایران است که در  
امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند و اجرای این اصل عملاً به دلیل وجود رژیم ارباب صیتی  
در دولت ایران که هفتاد و پنج درصد مردم ایران را شامل می شود و نبودن کارت انتخاباتی که  
حکومیرمی از تعلقات انتخاباتی در شهرها بکند، متوقف مانده بود و با استفاده از قانون انتخاباتی که  
بدون تجسربه کافی و با توجه به نظام اجتماعی و اقتصادی زمان تصویب شده بود عملاً مردم واقعی  
ایران را از حق رأی آزاده و مملکت را از دموکراسی که حکومت آراء اکثریت مردم است، محروم  
می داشت.

بعد از انحلال مجلسین دولت بر اساس دستور العملی که دادم و مفروض به فرمان شش ماهه می شد



اقدام به یک سلسله اصلاحات عمیق اجتماعی کرده که نتایج و آثار آن اساس نظام اجتماعی کن ایران را  
دگرگون خواهد کرد و از این لحاظ در سراسر تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران بی سابقه است. مانند  
لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی و موقوفات آن که امروز در سراسر کشور در حال اجرا است  
و روح تازه ای به کالبد جامعه روستائین ایران دمیده و به شانزده میسیون ایرانی حق حیات  
اجتماعی بخشیده است و با تکمیل سپاه دانش به منظور تسهیل تعلیمات عمومی اجباری تاریکی ابل بی سوادی  
از جامعه ملت ایران رخت برخواهد بست و در نتیجه مردم به حفظ حقوق خود و رعایت حقوق دیگران آشنایی  
بیشتری پیدا خواهند کرد.

اجرای این اصلاحات و آماده کردن ملت ایران برای شرکت در مسابقه ترقی و تعالی جامعه  
بین المللی امروز آرزوی من و هر فرد اصلاح طلب وطن پرست است. آنچه در زمینه اصلاحات  
تاکنون اقدام شده جبارت از زیر سازمی بسای ایران نوین بر پایه جامعه آزاد و موکرات و مترقی و مرفه  
است که باید تا آخرین مرحله به همین نحو پیش برود و از مردم زحمتکش ایران طتی شاداب و متحد و مرفه  
و سعادتمند بسازد و بی عدالتی های اقتصادی و اجتماعی را از میان مردم وطن ببرد و فو اصل  
بطبقاتی را از میان ببرد.



بدون شک عوامل سیاه اجتماعی که به خاطر حفظ منافع خود ملت ایران را در غرقاب مذلت و فقر و بی عدالتی می‌خواهد در قبال این تحوّل عمیق و اساسی از پای نخواهد نشست. همچنین قوای مغرب سرخ که بدفش اضمحلال مملکت و تسلیم آن به اجانب است از پیشرفت این برنامه ناراضی است و در تحزیب آن خواهد کوشید. در اینجا من به حکم مسؤلیت پادشاهی و وفاداری به سوگندی که در خط حقوق و اعتلاء ملت ایران یاد کرده‌ام نمی‌توانم ناظر بی طرف در مبارزه قوای یزدانی با نیروهای اهریمنی باشم زیرا پرچم این مبارزه را خود بردوش گرفته‌ام. برای آنکه هیچ قدرتی نتواند در آینده رژیم برگی دهقان را از نو در مملکت مستقر سازد و ثروت‌های ملی کشور را به تاراج جماعتی قیل سپارد، وظیفه خود می‌دانم به نام رئیس قوای سه‌گانه مملکتی بر اساس اصل مسیت و بنفتم و استناد به اصل مسیت هشتم متمم قانون اساسی که اعلام می‌دارد: «قوای مملکت ناشی از ملت است» مستقیماً به مردم ایران رجوع می‌کنم و استقرار این اصلاحات را از طریق مراجع به آراء عمومی پیش از انتخابات مجلسین از ملت ایران که حاکم بر مجلسین و نشأ اقدارات ملی است تقاضای کنم تا بعد از این منافع خصوصی هیچ‌کس هیچ‌کس را قادر به محو آثار این اصلاحات که آزادکننده دهقان از زنجیر اسارت رژیم ارباب رعیتی و تأمین‌کننده آینده بهتر و عادلانه‌تر و مترقی‌تری برای طبقه شریف کارگر و بهبود زندگی کارمندان صدیق و زحمتکش

عزیز



عزیز

دولت و رفیق زندگی اصناف و پیشه‌وران و حافظ ثروت بای ملی است نباشد من علاقه‌مندم این قوانین که به منظور تحقق تحول عظیم تاریخی در ایران به موقع اجرا گذاشته شده است می‌توانم مورد تصویب افراد ملت ایران قرار گیرد. پس برای سعادت ملت ایران و به منظور استقرار اصلاحات انجام شده و احترام از گذشته دار کردن این اصلاحات از طرف عوامل ارتجاعی و مخرب، به پادشاه مجاهداتی که در راه رستگاری ایران شده است و با توجه به علاقه قلبی که مرا با ملت ایران پیوسته داشته از فرد مردم ایران در هر جا که هستند تقاضای کم برای تصویب ملی این اصلاحات حرکت کنند و آراء مثبت خود را بدهند و شایستگی خود را در مقابل جامعه مترقی جهانی و نسل بومی آینده و تاریخ ایران به مرحله ثبوت برسانند.

عزیز

اصولی که من به عنوان پادشاه مملکت و رئیس قوای سه‌گانه به آراء عمومی می‌گذارم و بدون واسطه، مستقیماً رأی مثبت ملت ایران را در استقرار آن تقاضای کم به شرح زیر است :

- ۱- الغاء رژیم ارباب ریشتی با تصویب اصلاحات ارضی ایران بر اساس لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ و ملحقات آن .
- ۲- تصویب لایحه قانونی ملی کردن جنگلها در سه اسر کشور .

عزیز



هـ

۳- تصویب لایحه قانونی فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان شتوانه اصلاحات

ارضی .

۴- تصویب لایحه قانونی سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی

و صنعتی .

۵- لایحه اصلاحی قانون انتخابات .

۶- لایحه ایجاد سپاه دانش به منظور تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری .



## سخن شاهشاه

در آفتابگاه نمایندگان و بهمانان

جمعیت و یکم دی ماه ۱۳۴۱

اساس کار در آینده برای شما تقویت شرکت های تعاونی است. کلیه پیشرفتها، کلیه سعادتتان، هر چه این تکلیفاتش وسیع تر بشود، کار شما هم ساده تر می شود.

به هر صورت این قدمی که ما امروز برداشتیم همان طور که همه شما می دانید، شاید در تمام تاریخ ایران دو هزار و پانصد سال هیچ اقدامی که این طور اجتماع ما را در گون بکند برداشته نشده. افتخار ما این است که یک برنامه بدین عظمت در عرض یک سال تقریباً تمام شد بدون اینکه تشنجی پدید آید؛ بدون اینکه محکمت دچار انقلاباتی بشود؛ بدون خج نریزی. حالانی دامن شما با چند مطالعه دارید که جاهای دیگر چه شده ولی به شما با بگویم که جاهای دیگر شاید صد سال، دویست سال، طول کشید که شاید تازه برنامه شان بدین مترقی نباشد. این تازه یک سال است. ثمره یک سال کار دو چیز بوده؛ یکی اینکه شما خودتان را این طور آزاد و حاکم بر خودتان و نفس خودتان می بینید. در بین تمام ملت ایران حقوق خودتان را





نه فقط مساوی با سایرین می بینید، بلکه حتی می کنید که چطور شما که اکثریت مملکت را تشکیل می دهید چه وظیفه‌ای در مقابل آینده و تاریخ مملکت دارید. این یک بدنی است که به نتیجه اش رسیدید. نتیجه بعدی این است که آن دهقان رنجان به من گفت که ما امسال نه برابر بیشتر کاشتیم. در آذربایجان به من گفتند که سطح کشت ما دو برابر شده یعنی محصول مملکت به همین نسبت البته بشکی به جای ایش و ارومی رود بالا رفاهیت بیشتری است؟ این هم تازه مقدمه کار است. این سال اول است ولی سالهای بعد وسیله شما بیشتر می شود؛ شپان لاسان اضافه می شود؛ کود زیاد می شود؛ وسیله حمل و نقل مان بیشتر می شود؛ دفع آفات بهتر می شود؛ ضایعات آفات از زمین می رود؛ یعنی درآمد شما نسبت به سابق اصلاً قابل مقایسه نخواهد بود. حالا ما به سیم برای مملکت می بینید اول یک برنامه هفت ساله بود، بعد دو مرتبه یک برنامه هفت ساله بود؛ حالا تازه برنامه پنج ساله شروع کرده‌ام. تازه برنامه های مملکتی می خواهند بعد از پنج سال یک نتیجه ای بگیرند. ببینید که شما در سال اول بیان زودی چه نتیجه ای گرفتید و به منظور امیدوار باشید که این پنج سال این وضعیت پیش برود، بعد از پنج سال شما به چه نیاجی خواهید رسید؛ و این امیدواری بزرگترین چیزی است که در این مملکت پیدا شده است.



دیروز برای شما با کفتم سایر ممالک تمام تپشان این است که در مملکت، مردم،  
ایجاد امید بکنند چه از این بالاتر در مملکت ایران که این طور تمام ملت شما هفتاد و پنج درصد  
آن کارگرهای قسنت دیگر مملکت تشکیل می دهند آن اصناف قیمت دیگر و هر طبقه به نوبت  
خودش امیدوار می شود چه حقیقه آملی، آرزوی از این بالاتر ممکن است در یک مملکتی، در  
نزدیک ملتی پیدا شود که این مردمش با امید زندگی بکنند. این است که امید و ابریم تازه  
این نتایج اولیه کار ما باشد و نتایج عالی و درخشان آن را هر سال ما بیشتر از پیش  
انشاء الله ببینیم.

شما امروز مقامتان از اینها خیلی بالاتر است؛ شما مردمان آزادی شده اید و امروز  
حاکم به سر نوشت خودتان هستید. شرکت تعاونی برای چه تشکیل می دهید؟ کوچکترین کار  
شرکت تعاونی این است کارهای خیلی بالاتر از این باید برایتان درست بکند. آب  
چه هست شما باید دارای زندگی مرفه بشوید. حالا فردا می روید به خوزین ببینید که  
زندگی امروز یعنی چه. ساختمان یک ده جدید یعنی چه. وسیله نظافت، وسیله بهداشت  
یعنی چه. اتاق چه شکل باید نور توی آن بتابد. چه شکلی باید هوا توی آن بیاید که شما سالم



زندگی بکنید. خودتان، بچه‌هایتان و قتی که شما شوتمند شدید، روز به روز بیشتر ثروت  
به دست آورید، صاحب سرمایه شوید، پادار شوید، آب چه هست شما باید در خانه تان حمام  
داشته باشید. این اول کار است انشا، الله



## سخن شاه شاه

در اجتماع دیگری از نمایندگان دهقانان

جمعه بیست و یکم دی ماه ۱۳۴۱

این شرکت های تعاونی که تشکیل می شود برای شایکی از وظایفش این خواهد بود که از تمام اوضاع مملکت بهره وری کند آن، شرکت مرکزی با خبر می شود که مثلاً امسال مملکت احتیاجش بیشتر به چه نوع محصول است. وقتی که فهمید مثلاً نخ می کند که امسال در قسمت مثلاً گندم باید بیشتر کاشت یا کمتر کاشت. جای گندم مثلاً لوبیا کاشت یا چیز دیگر که دهقان ایرانی از آن زحمتی که می کشد حداکثر بهره را ببرد. اگر تنها کار دهقان ایرانی در مملکت کاشتن گندم باشد آنرا سرسناغ همه شان تقصیر بیداری کند به حداقل. اما اگر مجموع محصول دهقانهای ایران در سراسر ایران در محصولات مختلف کفایت احتیاجات مملکت و اینها مازاد بر آن برای صادرات بود آن وقت شما حد اکثر منفعت از دستخ خودتان می برید. در جاهای دیگر، در زمین های گندم کاری مطابق اطلاعاتی که من دارم در اروپا یا در آمریکا یا جاهای دیگر اگر یک تخم سی تخم بیشتر بر نوازند مثلاً و بنال زراعت گندم نمی روند. حداقل محصولی که باید بر نوازند در مقابل یک تخم گندم سی تخم است.



بعضی زمینها محصول خوب نمیدهند خاکش را باید تجزیه کرد که این چه نوع خاکی هست . به این خاک چه نوع کود باید داد و چه مقدار آب باید داد . بهترین زراعت این نیست که آدم هر چه بیشتر آب بدهد مقدار آب معین است هر زمینی بسته به جنس آن ، به نوع آن مقدار آب و کودی که بپا داشته باشد معین است این محکمی است که ترقی خواهد کرد . محکمت مترقی محکمی است که تمام این مسائل را آن کارمندان فنی می روند مطالعه می کنند . البته شما حالا که هم آزادی شوید و هم خودتان صاحب زمینان می شوید مستقلاً بیشتر از سابق کاری کنید ، زحمت می کشید دستخ خودتان است حتماً آن وقت شرکتها برای یاری شما ، برای خدمت به شما تشکیل شدند و دستگاههای فنی برای راهنمایی شما در طریق استعمال کود و آبیاری مهیا خواهند بود که دائماً به شما کمک کنند . به صورت منظور نهایی ما این است که ما لا با جمعی که شما بیشتر می کشید بارانها مهیا ، با گلگی که شرکت های تعاونی به شما می کنند نظر نهایی ما اینست که دستخ شما ، حاصل دستخ شما در آمد شما آخر سال افزایش هفت تا ده برابر گذشته بالا برود .



## سخان شاهانه

در سرگزشت م‌نایندگان دهقانان

شنبه‌بیت و دوم دیماه ۱۳۴۱

ماید روز به شما تبریک گفتیم. این تازه مقدمات کار است. در یکی از آسیایکها صحبت کردم. در یک سال کاری که در دوهزار و پانصد سال تاریخ ایران سابقه نداشت انجام شد. در یک سال تقی‌بای که ما گرفتیم آزادی هفتاد و پنج درصد از اهالی این مملکت بود. اضافه بر این حسن آزادی و حقیقت آزادی، چیزی که باز هم به آن برخورد کردم و از دهقانان دهقانهای امروز ایران شنیدم این است که از پارسال تا به حال در بعضی نقاط تا نه برابر گذشته اینها زراعت کردند. در سراسر آذربایجان شاید سطح کشت دو برابر اضافه شده باشد. دهقان پنجانی چند دقیقه پیش به من می‌گفت که ما امسال نه برابر گذشته زراعت کردیم. اگر حال نه برابر هم نباشد ولی به دو برابر، سه برابر، سطح کشت و زراعت در این مملکت بالا برود و محصول مملکت به همین نسبت اضافه بشود و درآمد ملی به همین نسبت بالا برود. ببینید که اگر در عرض یک سال ما این نتیجه را گرفته باشیم در عرض فرض بکنید پنج سال آینده، پنج سال در عصر یک مملکتی هیچ است. برنامه یاری که

دست می‌کنند برنامه‌های هفت ساله است، پنج ساله است، ما چه آمیدی داریم پنج سال  
 آتیه نیاسی که از این امر بزرگ تاریخچه و ملی بگویم هم از لحاظ اینکه شما آزاد شدید و هم از لحاظ  
 اقتصادی چه خواهد بود. این دورنمای تشویق آمیز و امیدوارکننده یک دورنمای فرج‌بخش  
 است برای ما امیدوارم که این نتایج به همین طریق و به همین خوبی و سرعت پیش برود  
 و پنج سال دیگر این مملکت با پیش‌بینی‌های دیگری که کردیم که شاید در روز در صحبت‌های من  
 در ضمن اعلام آن‌ش لایحه قانونی که شنیده‌اید پنج سال دیگر مستلاً اساس بنیان  
 جامعه‌ای بر بنیای عدالت، بر بنیای ترقی، بر بنیای پیشرفتی که ما می‌خواهیم داشت که مستلاً مورد غبطه  
 نود و پنج درصد تمام ممالک دنیا خواهد بود. از لحاظ قوانین اجتماعی و عدالت مملکت، ما از پیشرفته‌ترین  
 ممالک دنیا خواهد بود. هیچ مملکتی در روی زمین نیست و نخواهد بود که بتواند بگوید قوانین اجتماعی  
 او از قوانین اجتماعی ایران مترقی‌تر است. این افتخار که نصیب ملت ایران شده است نصیب  
 و اثر روح پاک و دست‌نخورده قاطبه ملت ایران که شما هفتاد و پنج درصد آن هستید. این در اشرافیت  
 و اثر این است که شاه شما که نقطه قلبش به خاطر شما می‌تپد توانسته است با پشتیبانی شما، با یکجانبگی شما  
 با اینکه شما زول و جان‌دنبال این سیاست‌ها هستید بگوید مملکت ایران مال تمام ملت ایران



است. اختصاص به هیچ طبقه بخصوص، به هیچ افراد بخصوص نیست. مال همه است؛ و شما چون  
هفتاد و پنج درصد این مملکت هستید، هفتاد و پنج درصد شش مال شماست. امتیازات از بین  
رفت. هزار فایلی که از بین رفت؛ ولی هیچ فردی از بین نمی رود. هر فردی در حدود  
کار خود، فعالیت خود، و مصلحت ملی و مصلحت مملکت می تواند با زمحتی که می کشد، به حد اکثر درآمد  
استحقاقی خود برسد. در حدود قوانین، و در حدود قوانین و مقرراتی که در روز اسلام کردیم.  
این مملکت مستقل، این مملکت آزاد، مردان این مملکتی که انشاء الله به قدرت و وقت همه ترقی  
خواهد کرد. این مملکتی است که ما افتخار خواهیم داشت که در آن زندگی کنیم. افتخار خواهیم داشت  
که در آن با سعادت زندگی کنیم و این مملکت را دست نخورده و روز بروز بهتر به فرزندمان  
تسویل بدهیم. فرزندی که یک روز از عمرشان را در سختی، و در احتیاج نخواهند گذراند. ما زحمت  
دیدیم، مادمه دیدیم. ما سختی دیدیم، ولی ما فتنه را دیدیم که این سختی ما را تحمل کردیم برای اینکه  
بدانیم مزه سختی چیست که بکشیم کار صحیح انجام بدهیم. افتخار برای این است که عمر خودمان را  
تلف نکنیم، به بطالت نگذرانیم؛ اگر خطری بود آن را استقبال کردیم. برای یک مقصد  
عالی؛ برای یک هدف مقدس؛ و این هدف مقدس چیست؟ همان است که به همت شما





همت ملت ایران ما به آن خواهیم رسید . و آن خیر یابی است که در روز در ضمن آن شش لایحه  
شنیدید . فعلا دعای خیر من همراه همه شماست .

امیدوارم که سلامت باشید ؛ قدرت کار داشته باشید ؛ در روز بروز از این نعمت  
آزادی و حاکمیت بر سر نوشت خودتان بیشتر و بهتر استفاده بکنید ؛ وقت و مکتب بهتر بگذری  
داشته باشیم .



## سخنان شاه‌شاه

خطاب بنامندگان دهقانان

رشته‌بیت و خبسم دیماه ۱۳۴۱

کنگره تان که بخوبی و خوشی تحت توهمات خداوند متعال برگزاشد. به شما و عموم  
دهقانان ایران از صمیم قلب تبریک می‌گویم و امیدوارم که شما این بشارت را به همه بدید  
که این تازه مقدمه کار است. شما جزو افراد آزاد و سر بلند محکمت قرار گرفتید. از این پس  
انشاء الله جزو مردمان مرفه و خوشحالت خواهید بود. زندگی تان زندگی شرافتمندانه و آبرومندانه  
ای باشد. درآمد شما باید به اندازه‌ای باشد که خودتان، خانواده تان، سیر باشید؛ لباس مرتب  
داشته باشید، خانه خوب داشته باشید.

لازمه این کارها همانطور که خودتان توجه کردید در این کنگره تیکتات صحیح است  
توجه بیشتری بکنید به شرکت های تعاونی تان. به توسط شرکت های تعاونی تان روز بروز  
بیشتر کار کنید. وسیله کار هم انشاء الله روز بروز بیشتر فراهم می‌شود و در اختیار شما گذاشته می‌شود  
مجموع این چیزها حسن آزادی است که دارید. حسن مالکیت املاک فرزوحی که در اختیار تان است



به مگت شرکتهای تعاونی، و با این روحیه جدید نشاء الله جزو مردمان مرفه و سر بلند و  
خوشبخت این مگت خواهید بود و به مگت شما و عموم ملت ایران توانیم این مگت خودمان را  
این مگت که نسال خودمان، این مگت پر فخرت از خودمان را روز بروز قویتر و خوشبختتر بسازیم  
دین خودمان را بسجاده و مسؤولیتی که در مقابل تاریخ داریم نشاء الله ادا کنیم .



## سخن شاهشاه

بهنگام تقسیم اراضی در زنجان

چهارشنبه بیست و ششم دیماه ۱۳۴۱

بار دیگر فرصت نیکیونی است که امروز اسناد مالکانه هفت هزار کشا و زر دیگر و دهفت انهای خوشخت آئینده را امروز تقسیم کردیم و راه دیگری در تکمیل اصلاحات ارضی این مملکت و آزادی بهتانهای این مرز و بوم را برداشتیم. این چند روز در پانچت کشور من و عموم مردمانی که این فرصت تاریخی را داشتند که با اولین اجتماع گنگره و بهتانهای ایران ناظر باشند این چند روز چنان نایش جهان انگیزی از روحیه جدیدی که در اکثریت مردم این مملکت پیداشده است به منصفه ظهور رسیده که هر شخصی بهسنا بطور طبیعی به وجد و سرور و شادی بر می آید.

در افتتاح اولین جلسه به حضار گفتم که هیچ محلی و هیچ اجتماعی برای من مناسب تر نیست که اصول سیاسی ساختمان زیربنای آئینده اجتماعی این مملکت را از آن مکان خطاب به ملت ایران بنایم و برای بنیه آئینده مملکت را به عنوان پادشاه مملکت و رئیس قوای سه گانه مملکت ترسیم کنم و اظهار بدارم در آن روزشش لایحه قانونی که اساس زیربنای اجتماعی و سیاسی آئینده مملکت را خواهد بنیخت اعلام کردیم



اولین لایحه این شش قانون، لایحه اصلاحی لایحه قانون اصلاحات ارضی مصوب نوزدهم دی ماه سال ۱۳۴۰ بود. بآن عنوان و بیان لایحه اضافه کردیم تمام محتقانی که از آن روز اضافه شده است و محتقانی که از نوزدهم دی ماه ۱۳۴۱ تا امروز یا فردا که اعلام خواهد شد اضافه می شود اساس ملتحقات لغو رژیم ارباب و رعیتی در سراسر ایران است. این اصول گفته که هم برخلاف عدل و انصاف بود، و هم برخلاف زندگی آزاد فردی، و هم برخلاف اقتصاد جدید امروزی، این اساس کلی برچیده شد و وضع زراعت در این مملکت عوض خواهد شد. کسی که مالک زمین است یا باید مستقیماً خودش یا به وسیله ماشین زراعتی یا زراعت مکانیزه یا به وسیله کارگر کشاورزی کار بکند، دیگر وضعیت ارباب و رعیتی منوخ است.

لواج دیگری که زیر بنای این مملکت را تشکیل خواهد داد، مشمول لایحه فروش کارخانجات است که پشتوانه اصلاحات ارضی خواهد بود. این کارخانجات امیدوارم که تکمیل شود، از آن بهره برداری به حد اکثر شود. به آبادی مملکت کمک بکند. کارگر یابی که در آن کارخانجات کار می کنند وضعیت بهتری پیدا بکنند؛ و از فرایده آن هم همانطوریکه پیش بینی شده استفاده لازم ببرند.

لایحه دیگر شرکت کارگران در منافع کارخانه تا حدودی که قانون مصوب کرده باشد وضع جدیدی



وضعیت مملکت ایجاد خواهد شد. محیط دوستی و صمیمیت همکاری بین کارفرما و کارگر ایجاد خواهد شد به مراتب مطمئن هستیم که تولید محصولات بالاتر خواهد رفت، ضایعات کار کمتر خواهد شد. مجموعاً این وضعیت جدید هم به رفاهیت کارگر و اضافه درآمد او استفاده بیشتر برای گذاری در صنعت و ازدیاد محصولات و بالا رفتن سطح زندگی عمومی منجر خواهد شد.

لایحه دیگر، تجدیدنظر در قانون انتخابات است که تقاضایش زیاد بود برای آراء عمومی چند تا نقص خیلی بدیهی و اولیه را برطرف کردیم و اگر باز هم نواقص در قانون انتخابات باشد بعد از فرصت خواهد بود که آن را هم تکمیل کنیم. ولی اساس بر این خواهد بود که تقابلات قدیمی برطرف شود به وسیله کارت بکترال معلوم باشد که تعداد رأی دهندنده، کسی که می خواهد رأی بدهد کیست؟ دیگر شناسنامه های تقابلی. اینجا شناسنامه های مرده در بین نمی تواند باشد علیه غم اشخاص مخصوص حال که شاه و هانهای مملکت آزاد شدند هیچ کس به زور و علیه غم خود، و علیه غم میل خود به پای صندوق نمی رود و رأی نمی دهد مگر اینکه به کاندیدایی که مورد علاقه و اعتماد او باشد رأی بدهد و تقاضای دیگر لایحه ایجاد سپاه دانش است به منظور تسهیل تعلیمات اجباری است. شما دیگر امیدوارم تا مثل دیگر همه با سواد بشوید؛ آنچه بایست از نعمت سواد برخوردار باشند؛ وقتی که با سواد شدید برای زندگی روزمره مان مسم



تسهیلات بیشتری فراهم خواهد شد؛ به حقوق خود و همچنین به خط و حجت لم حقوق دیگران شتر آشی نبوی  
و تسلطی خواهد بود برای زندگی اجتماعی ترقی تری لایحه دیگر. لایحه ملی کردن جنگها در سر امر مملکت است جنگها  
به عقیده من اصولاً یک ثروتی است خدا داده؛ کسی در رشد و نمو جنگل رحمت نکشیده؛ طبیعت جنگل را  
به وجود آورده است. پس قاعدتاً این چیزی که طبیعت به وجود آورده است باید متعلق به عموم باشد  
ولی به فرض اینکه کسانی مالک جنگل بوده اند پس اثبات آن اگر اثبات شد که تحقیقاً مالک جنگل بوده اند،  
یک حیران خارقیه خواهد شد، ولی از این فرصت من امر و ابلاغ می کنم که تمام جنگلهایی که بطور موروثی  
به خود من رسیده است بلافاصله از فردای هفتمه اول هفتمه آینده بطور رایگان به وزارت کشاورزی  
و کدرا خواهد شد. این لواج چه آینده ای را برای شما ملت ایران در پیش دارد؟ چیزی که مسلم است  
آزادی هفتاد و پنج درصد جمعیت این مملکت اگر تا به حال ما می گفتیم که لایحه اصلاحی لایحه اصلاحات امینی  
مشمول یک عده بخصوص از دهقانهای مملکت می شد و یک عده دیگری هنوز به عنوان زارع، یک مالکی  
باقی می ماندند، از فردا یا پس فردا اینهم عوض خواهد شد و همه دیگر یا مالک زمین خود خواهند بود یا کارگر کشاورزی  
پس از لحاظ آزادی فردی اجتماعی هفتاد و پنج درصد ملت ایران بکلی آزاد خواهند بود باقی ملت ایران  
چه کسانی هستند؟ کارگرهای شریف و زحمتکش مملکت که آنها به وسیله همین قانون جدید و قوانین دیگر قانون کار



و غیره امیدوارم که زندگی آبرومندان و شرفمندان ای داشته باشد و روز بروز با آسایش بهتری بخیزد  
راحت تری در تلاش ملی برای آبادی مملکت شرکت بکنند. طبقات دیگر مملکت یعنی مثلاً اصناف  
اصناف مملکت از بهبودی زندگی در دهانهای مملکت و کارکنان مملکت متفقاً تقریباً استفاده خواهند کرد.  
دادند آنها بیشتر می شود؛ بیشتر کار می کنند؛ بیشتر معامله می کنند و بیشتر انشاء الله استفاده می کنند.  
و طبقات دیگر فرض کنیم تجار یا کارفرمایان موقعی یک تاجری یا کارفرمایی می تواند کار بکند، سرمایه گذاری  
بکند، تجارت بکند، استفاده بکند. که ملی باشد که قدرت خرید داشته باشد؛ و آنگاه مشت مردم فقیر  
و بی چیز که قدرت خرید نداشته باشند تا بر در آن مملکت چکاره خواهد بود. یعنی محدود به یک عده معینی می شود  
که آنها ایجاباً یا از روی گران فروشی یا از راههای دیگری به یک منافع زودگذری قناعت بکنند؛  
و به هر صورت تازه منافع آنها هم در عرض سال چند باشد. ولی از این روز به بعد وقتی که ملت ترقی کرد و  
قدرت خریدش زیاد شد آن تاجر با قناعت به منافع مشروع و طبیعی که همه جا متداول است نمی تواند  
به حداکثر استفاده برسد و زندگی بهتری انشاء الله داشته باشد.

طبقات کارمند دولت قانون جدید استخدام غمگین اعلام خواهد شد. سعی می کنیم که  
کارمندان دولتی حداقل زندگی و معیشت آنها بطرفی تأمین شود. یکی از راه عدالت؛ یکی از راه





یکسان بودن حقوق ما برای کارهای معین از راه انشاء الله ساختن خانه های سازمانی، از راه برطرف کردن احتیاجات آنها به وسیله شرکت تعاونی یعنی زندگانی آنها که اساسش را منزل با کرایه منزل و غذا و پوشاک می کشی می دهد چهار نوسانات روز بازار نباشد.

اگر بخواهم سایر طبقات مملکت را دانه دانه بشمارم طولانی خواهد بود، ولی از تمام این چیزهایی که ما ذکر کردیم مواهب نوایش مثل نصیب عموم افراد ملت ایران خواهد شد. طبقات دیگری که اینجا هم در باید ذکر کنیم، طبقات معین هستند، آموزگاران هستند، استادها هستند که اینها هم منظور در آینده انشاء الله ما بوی هم موضوع سخن را برای اینها حل کنیم که بزرگترین گرفتاریهایشان از این لحاظ تأمین شود. اینها کسانی هستند که ملت آینده ایران را باید تربیت کنند. تربیت صحیح؛ نه فقط به آنخصا نعمت سواد را از زانی بدانند ولی تربیت بکنند که یک فردی چطور به بهترین وجهی می تواند برای مملکت برای خودش، اجتماعش، مفید واقع بشود. چطور می تواند در هر شغلی، در هر مقامی که هست، به بهترین وجهی به عموم، به جامعه، به برادرها، و به ملت و به مملکتش خدمت بکند.

اصول علمی ما روز بروز باید محکمتر شود. اساس را باید مدارس، مدارس حرفه ای تشکیل بدهد؛ ولی مدارس دیگری که صرفاً جنبه علمی داشته باید به حد اعلا علم برسند که کسانی که استعداد



این کار را دارند وقتی که فایز تحصیل می‌شوند حقیقتاً مردمان با معلوماتی باشند که هر کدامی در نوبه خود یک استاد می‌توانند بشوند.

این مختصری که از آینده این مملکت من برای شما ترسیم کرده‌ام و مخصوصاً امروز صحبت کردم چون شاید ده روز بیشتر به آرامی مردم ایران در قبولی یا رد این لواج ششگانه نمانده است. این ترسیم برای این است که بشما بگویم و با قاطعیت بگویم و هر کس که برخلاف این ادعایی دارد وقت داشته باشد که بگوید که این دور نما و این آینه ایران از هیچ ملت و مملکت مترقی امروز دنیا پایین تر نیست و هر کسی که غیر از این ادعا دارد ثابت کند و ملاحظه بکنند چه افتخاری است که ما بتوانیم بگویم در مرفه و متمدنی و مرفه تمام دنیا قرار گرفتیم. در کجا؟ در این نقطه جغرافیایی، در جایی که این قاره را شاید یک قاره غیر مترقی بشمارند یا بگویند که عقب افتاده است، ولی با بهمت همه مردم این مملکت تا چند سال دیگر چنان نمونه‌ای از ترقی و عدالت و عدالت اجتماعی و پیشرفت نشان بدهیم که مورد عجب شاید نماند و صد از مل و ممالک دنیا قرار بگیریم.

این استعدادی که در شما مردم می‌بینم و مخصوصاً سعی کردم که در تانسی که با فرد و شما در سفرها و در محاوره ما گرفتیم به دست بیادرم مستقیماً تشخیص دادم که هیچ ملتی را اصولاً و اصالتاً از شما متقدم تر و پرزودتر



و دست نخورده ترمیمات رو میهن پرست ترمیمی شناسم. این بزوغی که فطرثاً در شاهست، این بزوغ و سینه  
آزادی و بطور رسیدن آن را ما داریم فراهم می‌کنیم اصلش در آزادی بنفاد پنج درصد مملکت قرار دارد که  
بین شما با چند شخص پُر استعداد و نوابغی انشاء الله در آتیه بیرون خواهد آمد. مطمئن هستیم که همه عهد خواهیم  
کرد که از ششم بهمن به آن طرف برای شمر رسیدن و نتیجه دادن نه فقط این شش لایحه ای که من برای شما  
ذکر کردم ولی برای تمام کارهایی که در این مملکت هر نوع عدم تساوی را از بین ببرد، هر نوع قوانین مترقی  
را به ثمر برساند، هر نوع بی عدالتی اجتماعی را از بین ببرد، و هر نوع جهش ملی را به سمت ترقی و تعالی  
تسهیل کند هم عهد، هم زبان، هم دل، صد برابر گذشته بشیر خواهیم کوشید تا اینکه به تمام آرزوهای  
شخصی ملی خودمان در حدود مصالح مملکت برسیم. اگر نمونه امکانات این ملت پیشرفت و سعیتی که  
اصلاحات ارضی در این یک سال اخیر داشته است تمام آرزوهای ما خیلی زودتر از آن چیز می‌که  
خوش بین ترین افراد ما ممکن بود تصور کنند مسلماً جامعه عمل خواهد پوشید. تصور کنید که این کار، کار  
اصلاحات ارضی، کار آزادی دهقان ایران، این کار اجتماعی که مسلماً در تمام تاریخ ایران سابقه  
نداشته است، به این خوبی بدانیم که یک شکایت به من برسد که یک نامور اصلاحات ارضی در یک  
نقطه مملکت یک دینار پس و پیش کرده باشد. یک نگاه چپ به مال مردم، به سایر چیزهای مردم کرده باشد



یک شکایت به من رسیده است، و سرعت عمل را بنویسید در عرض کمتر از یک سال هزار مانند تقسیم شد تا خاتمه یک سال لایحه اصلاحات ارضی دی ۱۳۴۰ علی خواهد شد. از موفقی که این آخرین مبحثی است که در این لایحه اضافه شده است و به آرای ملی گذار شده ام تصویب بشود و فکرمی کنم که به همین مدت یعنی تا یک سال دیگر یعنی انشاء الله تا اسفند ۴۲ آزادی دهقانهای تمام ایران عملی خواهد شد. این امتحانی که مامورین وزارت کشاورزی و مامورین اصلاحات ارضی امتحانی که در این یک سال از خود نشان داده اند کافی است که بزرگترین طمسنان برای خاطر من باشد که این کار را به همین خوبی. با همین ایمان انشاء الله تمام خواهند کرد.

موقوفات مملکت به منظور شامل آس آزادی دهقان ایران خواهد شد. موقوفات خاص که تبدیل به احسن خواهد شد و مکشس بین کشاورزان تقسیم خواهد شد. موقوفات دیگر به اجاره ۹۹ ساله به دهقانها و اگذار خواهد شد و اجاره اش هم تبدیل به اجاره نقدی می شود. ضامن اجرای کار هم شرکت های تعاونی خواهند شد. یعنی نهاد دهقانان در موقوفات هم را بخواهید داشت. در آن جا هم خودمان دهقان آزادی خواهد بود که نقطه اجاره نقدی می پردازید.

صحبت های امروز را که دوزخ های آینده این مملکت را آینده ای که همانطور که توضیح دادم



ما را موفق خواهد کرد و زمره مالک پیشرو و مترقی و خوشبخت دنیا خواهد آورد این صحبت را تمییزنامه خاتمه  
بدیم مگر این که بار دیگر به شما و همتانهای آزادی ایران تبریک بگویم و از حمايت کارکنان اصلاحات ارضی  
وزارت کشاورزی اظهار قدر دانی کنیم و امیدوار باشیم که همه کارکنان این مملکت با همین ایمانی که  
این افراد کار کرده اند هر کاری که به آنحضرت امر اجده می شود انجام بدهند و برنامه های ملی خودمان را  
در حد اقل فرصت و به بهترین وجهی انشاء الله عملی کنیم .



## سخن شاهانه

بهنگام اعطای اسناد مالکیت کشاورزان قم

پنجشنبه چهارم بهمن ۱۳۴۱

امروز باز فرصت دیگری است که ما بتوانیم اسناد مالکیتی را بیک عدد دیگر از هموطنان خود از افراد رعیت سابق و بدبختانهای امروز تسلیم کنیم. بجهت و علی لازم میدانم که امروز قدری نسبت به گذشته خود صحبت بکنم و آن گذشته چیز نیست که در کتابی که در سه سال پیش منتشر شد در آنجا ذکر کردم و آن گذشته، گذشته روحی و قلبی و احساسات پاک بی آلائش یک کودک شش هفت ساله ای بود و اعتقادات شدید دینی و روحانی که داشته است و تجربه کرده است که امروز دو مرتبه برای شما در اینجا تکرار میکنم. شاید ششالی هفت سال بیشتر نداشتم دچار یک مرض حصبه شدم حامل خطرناک بود شاید خیلی از پزشکان و اطباء می که مرا معاینه میکردند مایوس بودند ولی یک شبی در عالم خواب دیدم که در مقابل حضرت امیرالمؤمنین <sup>علیه السلام</sup> نشسته ام و حضرت روی زانوهایش ذوالفقار قرار داشت و در پیش یک کاسه ، بمن فرمود از این کاسه بنوش و فردا خوب میشوی. اتفاقاً همان شب عرق کردم تب من قطع شد و



فردا روبرو بیودی رقم .

تجربه دیگر شاید شش ماه یکسال بعد از آن بود که در یک کوچه سرسازیری، سرسازیری تندی  
 کوچه سنکفرشی میرفتم پائین، در آن موقع یک لاله ای دایره ای و یک تیرتیر بنظر من از فاصله چند قدمی  
 یک شخص روحانی ولی روحانی که دور سرش نوری بنظر من می رسید از سمت مقابل می آمد بالا  
 تلاقی کردیم و گفتم من آن شخص را شناختم بر گشتم به لاله خود گفتم که : فلانی حضرت حجت را  
 دیدی؟ گفت کی، تکرار کردم گفت من کسی را ندیدم ولی آن شخص را من دیده بودم، در عالم  
 شش سالگی هفت سالگی کسی از خودش چیزی اختراع نمی کند آنهم تک تنها در یک کوچه ای بایک  
 لاله ای آنروز من انکار امروز را دایره ای این اقداماتی که امروز در این ملک ما انجام میدهم در  
 نظرم بود و هیچ فکر دیگری را غیر از ذکر حسین و ائمه البته بنظر من نمی رسید و این اتفاق افتاد.  
 بارشش ماه بعدش با خانواده خود میرفتم زیارت امامزاده داود در شمال تهران من روی این  
 اسب در مقابل یکی از کس و کار خود نشسته بودم، یک سرچنگ امیر اصطلان خانی بود که  
 من در جلوی او نشسته بودم، یک تیرتیر پای اسب الغرید و من از بالای زین اسب با سر سمت  
 یک سنگی فرود آمدم و طبعاً بهوش شده بودم، بعد از اینکه بهوش آمدم و آثار جراحی شکستگی



هنگام

هنگام

هیچ چیزی در سر من پیدانمیشد از من پرسیدند که خوب چه شد گفتیم که حضرت عباس در وسط هوا  
در زمین مرا کجنداشت. اینها حقایقی است که من در همان زمان گفته بودم و در چندان  
پیش در کتابم ذکر شد و امروز شما میگویید که هیچ کسی نه تجربه و نه در عمل نمیتواند آدعا داشته  
باشد که بیش از من بخداوند یابد. ائمه اطهار نزدیک است. پس در عمل نیز هر چه که ممکن بود  
راه خدا انجام بدهم انجام داده ام. هر حرم مقدسی را که میشو تعمیر کرد تعمیر کرده ام  
هر شبی قبل از رفتن بخواب با خدای خود راز و نیاز کرده ام و دعای خود را خوانده ام و میدانی  
هیچ عملی بیشتر از این عملیاتی که امروز ما انجام میدیم ویکی را کردن رعیت لیس بد بخت  
سابق ایران از زنجیر اسارت و مالک کردن ۱۵ میلیون جمعیت این مملکت بزمینی که  
در آن کار میکنند بیشتر مورد پند خدا و ائمه اطهار نخواهد بود. هیچ چیزی بیشتر از عدالت  
اجتماعی و رفع ظلم مورثیت، آزادی افرادی که سالهاست دنبال او بوده ایم و همیشه در راه مانسنگهایی  
بوده است افراد نقضی بوده اند افراد قشری بوده اند که هیچوقت مغز آنان تکان نخورده  
و نمیتواند تکان بخورد برای اینکه متأسفانه قابل تکان خوردن نیستند بهر زمانی هر  
موقعی بیک طریقی توانسته بودند تا اندازه ای این افکار و این نیات را تا خیر میزدند





ولی این تاخیر دیگر جایز نیست. ما درین سایر ملل دنیا زندگی میکنیم نیتوایم یکت دیوار بلند دور خودمان بکشیم و بگوییم که ما با دنیا کاری نداریم و ما با خودمان فقط زندگی میکنیم و در کثافت خودمان غوطه درخواهیم بود این دیگر قابل دوام نیست و بدانید که ما امروز مقرراتی که داریم از هر مقررات دیگر ممالک آزاد دنیا اگر جلوتر نباشد محبت تر نیست این عدالت، این عدالت اجتماعی اینست مورد پسند خداوند، اینست مورد پسند رسول خدا مگر چه گفته است اگر کسی بتواند بگوید که خداوند و رسول او غیر از این عدالت غیر از این مساوات چیزی گفته است من خوشوقت می‌شوم که بشنوم ولی گمان میکنم که تا آخر عمر، من چنین چیزی نشنوم. در کنگره دهبانان موعظه لویج ششکانه را می‌شنودم و توضیح میدادم گفتم که در راه سربلندی ایران در راه اصلاحات ایران مستلاً از تجاع سیاه و قوای محرب سرخ از پای نخواهند نشست و تمام سعی خود را بکار خواهند برد که مانع این اصلاحات بشوند و هر که امی بیک علی. از تجاع سیاه اصلاً نمی‌فهمد، آن از هزار سال پیش یا بیشتر فکرشش تکان نخورده در جامای دیگر هم شاید بهین طریق باشند انجام هم بهینطور شاید بیشتر اینان فکر میکنند که زندگی فقط این است که آن یکت جهانی حالا بظلم باشد بزور باشد به بطالت باشد به بیکاری باشد یکت چیزی باو برسد و او



یک غذایی بخورد و شب سر بیا لین بگذارد و فردا دو مرتبه همین زندگی تکرار شود. حالامکراً متوجه است که جامعه امروزه مقرراتی دارد تمدن امروزه شرایطی دارد این شرایط اولی است یکی موضوع عدالت است، رفع ظلم است. تساوی حقوق است. موضوع کار کردن است زحمت کشیدن است. امروز دنیا مذهب خوری ازین رتبه ولی برای او چه فرقی میکند با دیکر چیزی برسد سایرین همه از فلاکت، بدبختی و گرفتاری بگریزند بحال او فرقی نمیکند هیچ مقرراتی برخلاف طبیعت، برخلاف انسانیت، برخلاف تمدن قابل دوام نیست. خوشبختی ما این است که مذهب ما مذهب اسلام است و مترقی ترین مذهب جهان است. اسلام مذهب است ابدی چیزی که ابدی باشد مستلماً باید با طبیعت و با ترقی دنیا هماهنگ باشد و این را ما در تمام احکام اسلام می بینیم. هر کسی که غیر ازین تعبیر نکند نفع شخصی خودش را می بیند این مذهب ابدی ما و این احکام مقدس را نهامی ما خواهد بود. راهنمای عدالت، راهنمای مساوات راهنمای پیشرفت و ترقی و کار.

مذهب اسلام کار را متحدس شمرده است و همه را تشویق بکار کرده است آن چه نوع احترام بذهب است که یکجده ای عده ای را استثنا نکنند و دست به هیچ چیز نزنند



و فقط قطره باشد که آخر سال بیکه ای تمام زحمت را بکشد و با و یک چیزی یعنی یک چیزی که نه همسره چه که تقریباً دارند بدهند و او خوش باشد و آشنای دیگر بدبخت . بهینطور راجع به تمام طبقات مملکت امروز بیشتر صحبت مارجع بدبختان است برای اینکه اکثریت عظیم مملکت را تشکیل میدهد ولی تمام طبقات مملکت این موایب از موایب عدالتی که صحبت شد از موایب احکام مقدس اسلام از موایب تمدن امروز جهان برخوردار باید بشوند و برای تمام آنها فکر مناسب شده است گمان میکنم که از آرزوهای این لواط شش ماده می بینید . کارگر ایرانی کارگر زحمکش و شریف ایرانی او هم حقوقش در اینجا کفایت شده و بزندگی بهتری خواهد رسید . دهقان ایرانی ، کارگر ایرانی اکثریت مردم این مملکت وقتی که بزندگی بهتری رسیدند دیگر آن نیز از آن برکات استفاده خواهند کرد . اصناف ، دکانداران ، زحمتکشان خلاصه بازرگانان تمام افراد دیگر مملکت از این اساس که اساس صحیح اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد کمال بهره را خواهند برد .

و اما چه کسان دیگری مخالفند صحبت از ارتجاع سیاه کردیم کسان نفعی که قابل درک کردن مطالب و عقاید نیستند اینها بدبختند ما دلمان با آنها میوزد ما انشاء الله ایرانی میسازیم



آباد، ایرانی آزاد، ایرانی مرفه این اشخاص در حدود قوانین بازم خواهند توانستند زندگی بکنند بازم بارفا بهیت ولی دل من برای آنها میوزد که چرانمی فهمند و اما محضین سُرُخ تکلیف آنها روشن است من اتفاقاً نسبت به آنها کمینه ام کمتر از این اشخاص نفهم است چرا برای اینکه آن صحنی میگوید که من خائتمومی خواهم که حکمتم را تحویل دیگران بدم، خوب تکلیف همه روشن است آدم با یک آدم نسبت خائن تکلیفش روشن است این دیگر دروغ نیست این دیگر تزویر نیست عتنامی گوید اما کسانی که این حرف را میزنند ولی در عمل عین این رفتار را می کنند آنها که ماسک دیگری بصورت دارند آنها نمی که بدروغ صحبت از آزادی نخواهی میکنند آنها چه می گویند اینها را باز بسینیم در این بیت سال چه کرده اند از موقعی که من سلطنت رسیده ام من چه کردم اینها چه کرده اند در تمام مدت جنگ یک کلمه صد از اینها در نیامد اینها در موقع وقایع آذربایجان کجا بودند بگویند کجا بودند اینها با پیشه وری استلاف کردند پریروز در تهران در بین یک جمعیت محدود مضحکی اینها که امروز سلامتی پیشه وری شرب خوردند رقبه بودند بین چهار تا بازاری مردم را شویق میکردند که بروند در مسجد شویق



و برای تقسیم منافع در موقع پیشه وری استلاف کردند تمام در خانه هایشان خریدند و قایم شدند ولی من و ملت ایران رفیقیم به پیشوا خود او را در خود آذربایجان و من و هم از تهران و ملت ایران اینها کجا میکشید من و او قیام کردیم او در خود آذربایجان و من و هم از تهران و ملت ایران اینها کجا بودند کسانی که تمام زندگی کیفیت سیاسی ساتعشان فقط ثابت می توانیم بکنیم برای اینکه تمام مدارک را داریم تماس روی اجنبی پرستی و گرفتن دستور از خارجی بود امروز ادعای وطن پرستی می کنند این یعنی چه، البته این خواهد که مملکت آباد بشود یک مملکتی که آباد شد، مردمی که غمی شدند و با سعادت شدند این فقط منافع ایران نگاه میکنند این دیگر حاضر نیست که هیچ چیز غیر از منافع خودش را قبول بکند اینان که گوشت و پوست و استخوانشان متعلق بدیکران است البته ناراحتند و حالاشته اند جمع شده اند بیانیته صادر کرده اند گفته اند که ایران احتیاج به ارتش ندارد از یک طرف از طرف دیگر سرشقی این بدبختی ها گفته اند که حکومت مصر است حکومت مصری که تمام اعمالش برخلاف ایران است او میگوید که خلیج فارس خلیج فارس نیست میگوید خلیج عربی است و تمام دنیا را سعی میکند که بهم بزند برای اینکه اموال سایرین را تصاحب بکند او که ایده اش از بین بردن ارتش ایران است و نمونه ایده آلی حکومت او حکومت مصر است، حکومت



مصر غیر از اسلحه ای که میفروند تا بحال شاید هزار میلیون دلار اسلحه خریده سالی سه برابر ایران  
خرج بودجه نظامی اش است چطور ما ارشمان مغل شویم ولی او ایده آلس اینست که این کار را بکند  
او بامیکوید که در این مملکت ماکه ۱۵ میلیون افراد این مملکت را آزاد کردیم یعنی زارصین ایران را  
و بهتان کردیم صاحب زمین کردیم آزاد شد، فردا آزادانه پای صندوق انتخابات خواهد رفت  
برای تعیین نماینده که خود او میخواهد، ماکه بکارگزار این امکانات را دادیم و بسایرین ماکه قانون  
انتخابات و مسائل تقلبش را با جانی که ممکن بود بر طرف کردیم، حکومت ما حکومت مخالف  
آزادی است ولی باز لیدر ایده آلی آنها که حالا دیگر عبدلنصر مصری شده آنجا که ۱۵ هزار زندانی  
سیاسی در محبس نایشان موجود است و اصلان انتخاباتی نه چیزی است نه مجلسی آن ایده آل  
این حضرات است و ما در اینجا مملکت غیر آزاد، ملاحظه بکنید منطق را اینها البته مخالف این  
اصلاحات هستند برای اینکه در یک مملکت آزادی در یک مملکت آبادی جانی که همه مرفه  
و آسوده بودند اینها بعد دیگر کی را بتوانند انخواستند بکنند بکنی بتوانند دروغ بگویند از کی بتوانند  
استفاده تبلیغاتی بکنند کی را بتوانند تشویق به مخالفت و جدایی نخواسته اچنانا بضدیت با  
دولت خودشان بکنند من اینجبار اراصد برابر بدتر از توده خائن میدانم. توده خائن مقصودم



حزب کوفیت تو ده خائن ایران است این ماسک برداشته شد و این جواب را شما امروز  
ایجاد اید و پس فردا در سر ما سر ایران خواهید داد من مطمئن دارم برای اینکه راهی که  
مایه میرویم راه خداست، راه عدالت است، راه انصاف است، راه تمدن است و هر چه  
که من میکنم خدا یا بهتر از این بیشتر از این چه راهی است که من توانم با حکام تو در راه تو خدمت  
بکنم هر چه که فکر میکنم می بینم و الله را بی غیر ازین نیست همان خداوندی که در آن موقع در بین  
سال ششم و هفتم زندگی من این تجربه ای که در اول صحبت برای شما تعریف کردم همان خدائی  
که چند دفعه من با طیاره سقوط کردم بجان من سوء قصد شد همان خدائی که تا بحال اینطور مرا  
نمکند داشته امروز هم من اینجا خواهد داشت برای اینکه این خدمت را با او دیدن اسلام کنم.  
در مقابل این اعمالی که مورد پسند شما مردم ایران هست مورد اعجاب و تعجب و تحسین  
تمام دنیا واقع شده این اقداماتی که مستلماً مورد پسند خداوند و الله المحسار اوست من  
شما ملت ایران بیکلو خواهم رسم رفت و با سرعت روز افزونی بیکلو میرویم و هیچ مانعی اولاً  
که من مانعی نمی بینم و هیچ مانعی نمیتواند در مقابل این پیشرفت ملی و این پیشرفت صحیح یک ثانیه  
مقاومت بکند و امروز من میگویم مملکت ایران مملکت آزادگان خواهد بود و مملکتی خواهد بود که



افزادی که میخواهند اعتلاء مملکت خود را بینند خواهند دید انشاء الله برای همه عمری  
باقی باشد که در آئینه نزدیکی تمام اینهارا ما به چشمان بسینیم متأسفانه کسانیکه از این فرصتی  
که باز ما به آنها میدهم که مانند علی زغم افکار ناشایست و پوسیده خودشان باز هم اینجا بمانند  
و از این مواهب هم استفاده بکنند و زندگی بکنند و در راه و آسایش با وجود این بزرگواری  
اگر هم ما به از این گذشت ما استفاده نکنند آن دیگر جای تأسف است که جامعه آنها را  
از خود دور خواهد کرد. یا باید خودشان را با این جامعه جدید و ترقی تطبیق بدهند یا برای  
خودشان فکر دیگری بکنند ما به امیدوارم خداوند آنها را هدایت بکند. بهر صورت در این  
مکان مقدس غیر از اینکه باز دست و عابد رگه الهی بریم دستغاشه بکنیم، خداوند  
ما را در تمام افعال اعمال و افکار خود هدایت بفرماید و چیزی غیر از خیر و طمان خود و سعادت  
و سلامت آنها در فکر ما به چوقت بمنفعه ظهور نرساند و هر چه از دست ما ملت کنسال ما  
ملت متمدن و ما ملت مسلمان برمیاید که در راه خیر و در راه خداوند بتوانیم انجام بدسیم ما را  
کامیاب بفرما .





## سخن شاهشاه

در قصر چلستون هضمان

روز سیزدهم اسفند ۱۳۴۱

از آخرین مراسم تقیم اراضی در میان دهقانهای جدید ایران مدت زیادی نمی گذرد و از آن روز به این طرف در واقع می شود گفت در عرض یک ماه و یک هفته و قایمی در این مملکت اتفاق افتاده است که در طول دو هزار و پانصد سال تاریخ بدون ایران سابقه نداشته است و در عرض این سی و پنج روزیاسی هفت روز پی در پی اقداماتی شده و قدمهایی برداشته شده است که یک مرتبه اجتماع ایران را در صفوف مقدم تمدن امروز جهان پرتاب کرده است و از هر حیث چه از لحاظ قوانین اجتماعی، و چه از لحاظ اداری، و چه از لحاظ د نظر گرفتن پیشرفت جماعتی می توانیم خود را با پیشرفته ترین ممالک و مل دنیا مقایسه کنیم و انتظار داشته باشیم که در این مسابقه سرعت به سمت هدف، و هدفیایی که بر اساس عدالت اجتماعی، و پیشرفت جامعه باشد، انشاء الله در آینده هم از صفوف پیشرو این مسابقه سرعت باشیم.

در اطراف لزوم و فوائد اصلاحات ارضی تا بحال صحبت زیاد شده است. هم جنبه



عدالت اجتماعی آن هم جنبه فواید اجتماعی آن اضافه تولید و مالا اضافه درآمد مردم ایران که خود به خود باعث پیشرفت کار و ایجاد صنعت و بالا رفتن درآمد سرانه ملت ایران خواهد شد. در این قسمت ما چون به اندازه کافی توضیح داده شده است فقط اکتفا می‌کنیم باز به اظهار قدر دانی از زحمات کارکنان اصلاحات راضی و توصیه به دهندهای جدید که بیشتر کار بکنند؛ شرکت‌های تعاونی خودشان را زودتر تشکیل بدهند، و همه با جان و دل در این شرکتها شرکت و سهم شوند؛ و دراز و یاد تولید و بالاخره از یاد سطح کشت و ریزی مملکت فعالیت کنند.

این شرکتها باید به نوبه خود و سیال زراعتی را فراهم کنند و در تنقیه قنوات یا زدن چاه و تهیه کود شیمیایی و ماشین آلات کشت و ریزی کوشا باشند.

مؤسسات اعتباری به اندازه کافی توجه خواهند کرد، و به نوبه خود اعتباراتی به این شرکت‌های تعاونی می‌دهند.

به صحبت من در روز هشتم اسفند توجه بکنید که در امر کشت و ریزی چه گفتم. منظور اینست که بالاخره هر خانواده کشت و ریزی در این مملکت درسی سال آینده به اندازه کافی زمین در اختیار



داشته باشد که درآمد آن رئیس خانواده و نسراد خانواده به اندازه اسی باشد که اجازه یک زندگی مرتف و سعادتمندی را بدهد. این موضوع به اصطلاح جبر اجتماعی کارخودش را خواهد کرد. هر کس خواهد فهمید که حد اکثر درآمدش را باید به چه وسیله اسی تأمین بکند؛ چه مقدار اراضی لازم است که به آن نتیجه برسد. اگر آن چیزی را که دارد کافی نیست سعی در خرید اراضی کافی بکند، آن کسی که دلش به زراعت نیست اینجا تا زمینی که در اختیار او هست و به اندازه کافی نیست بفروشد و در شهرها و در صنایع وارد بشود و از راه دیگر به همان اندازه برای خودش درآمد کافی برای زندگی سعادتمند فراهم کند.

این اراده طریق دیگر با ما نیست، این کار خود به خود خواهد شد، و جبر زمانه و احتیاجات، این کار را عملی خواهد کرد. کاری که ما بخصوص کردیم اساس اجتماع قدیمی و فرسوده مملکت را عوض خواهد کرد. با روابط مالکیت و رعیت به ترتیب سابق که رعیت در قید و بند بود و در واقع آزادی فردی و اجتماعی او متأسفانه محدود بود. این قید و بند برداشته شد و از حد اکثر آزادی مثل سایر افراد مملکت استفاده خواهد کرد. روابط او اگر هم برای یک مالکی کار خواهد کرد به عنوان کارگر کشاورزی



است که از تمام مزایای قوانین کارگرکشاوری استفاده خواهد کرد و از لحاظ آزادی مثل  
بر فرد دیگر مملکت حقوق مساوی خواهد داشت. در عرض این یک ماه و یک مهفت  
کارهایی که شده بقدری زیاد است که نمی شود در اطراف همه وارد بحث شد. چون  
در تمام احتیاجات مملکت قدم برداشته شده و نسبت به هر طبقه ای توجه شده و البته این  
از صحبت امروز هم خارج است. ولی چون تصمیم اخیر نسبت به نصف جمعیت گرفته شده  
تازگی دارد. چند کلمه ای در اطراف این موضوع صحبت خواهیم کرد و آن این است که به  
ظاهر همانطور که گفتیم این آخرین ننگ اجتماعی ما بر طرف شد و این زنجیر تحقیر و اسارت  
و خجالت نصف جمعیت مملکت برداشته شد و پاره شد. در مملکتی که نسوان آن بدستان  
می رفتند و به دبیرستان می رفتند و به دانشگاه می رفتند، چطور می شد نطفه را داشت  
که یک همچو شخصی پس از طی تمام این مراحل بعد با او بگویند که شما جزو مجبورین و دیوانگان  
حساب می شوید. بعد چنین شخصی که عالیترین تحصیلات را کرده باشد با او بگویند که تو  
نمی توانی بفهمی و اظهار نظر کنی که حتی در شرحه شکلی باید خیابان تمیز بشود. من می گویم که  
چنین شخصی مثل بمطر از خودش در میان مردمان بر روی اصل طبیعت، و روی اصل تمدن عناناً



همان‌حقی را دارد که اظهار نظر کند نه فقط در امور خانوادگی و خانه خودش یا در شهر خودش  
در امور محلی، در امور معاشی، و در امور سیاسی، چطور ممکن است که یک مردی به  
خودش حقوقی بدهد و این حق را از مادر خودش حذف کند و سلب نماید؟ اصلاً چطور  
ممکن است یک کسی که مادرش به او حق حیات داده باشد، این بزرگ بشود، و بگوید  
که مادر من چیزی نمی‌فهمد.

این برخلاف طبیعت است؛ برخلاف تمدن است؛ برخلاف بشریت است؛  
و این سنگ بر طرف شد. زنه‌های ایران با حقوق مساوی با مردان، خودشان را  
آماده ادارهٔ ادارهٔ مملکت خواهند کرد؛ و مملکت هشتم که چون شما طبقه‌ای هستید که محروم بوده‌اید  
الآن بایک شوق و اشتیاق فوق‌العاده وارد فعالیت اجتماعی خواهید شد و کار را  
جدی بگیرید، و حتی در اوایل کار، و شاید هم تا آخر، شاید هم از برادران و فرزندان  
خودتان ذوق و اشتیاق‌تان بیشتر باشد و این اضافه شدن فعالیت مملکت بدو برابر  
اثرات خودش را به زودی در این مملکت نشان خواهد داد.

از لحاظ حتی کشاورزی، از لحاظ صنعتی، از لحاظ فعالیت‌های اجتماعی، از لحاظ کابینر



به قدری تأثیر این کار در آتیه زیاد خواهد بود که گمان نمی‌کنم برای هر کسی تشخیص  
این امر ساده و آسان باشد و مطمئن هستم حتی احتیاج به تذکر نیست که این لیاقت و  
استعداد و این شوق و ذوقی که شما سالها داشتید و امروز بدان نایل شده‌اید این را در کار  
و در راه خلاقه و در راه تهذیب اخلاق و در راه اصلاح در راه صرفه جویی و در راه انحصار  
طوری نشان نخواهید داد که مورد اعجاب خود می‌و دوست حتی دشمن واقع بشود این  
اجتماع جدید ایران مستلماً با روحیه قوی به سمت جلو قدم بر خواهد داشت و ما در زمان  
حیات خود مان قطعاً روزهای پر افتخاری خواهیم دید و مستلماً نسله‌های بعدی و بعد از ما  
به طور قطع در یک محیطی زندگی خواهند کرد که امید داریم برابر و یکسان با بالاترین محیط‌های  
اجتماعی و بشری در جهان این کره ارض قرار بگیرد. پس در این راه آزاد مردان و  
آزاد زنان ایران به سوی آینده بپیش .



## سخنان شاهنشاه

درفرودگاه و صدتی دزفول

روزبیت و سوم اسفندماه ۱۳۴۱

پس از اظهار رضایت از زحمات کارکنان اصلاحات ارضی و وزارت کثا و رزی در  
اقدامات مربوطه در این استان در بازدید امروز از این منطقه ما چند نتیجه می گیریم :  
یکی دنبال کردن هدفهای ملی در چهارچوب برنامه های عمیق انقلابی خودمان و  
آن از بین بردن روابط مالک و رعیتی سابق و از بین بردن نظام شوم و نامیمون  
آن ، و از طرفی دیگر فتوح سدی که در خاور میانه از آن معظم تر نیست و در دنیا در نوع  
خودش مقام پنجم را دارد ، در عین اینکه بانی عدالتی های اجتماعی را از بین می بریم ضمناً گام  
صحیح کثا و رزی را مطابق اسلوب و جدیدترین سیم های مالک راقیه دنیا نیز در عین حال  
و آن واحد شروع می کنیم . خاطر می آید شاید بیش از پانزده سال باشد بلکه بیشتر  
یک شخصی که آن هم اظهار عدالت اجتماعی می کرد و در اطراف آن صحبت می کرد می گفت  
که در ایران شاید نشود بلکه بطور یقین چون نمی شود همه را مرفه کرد و زندگی خوبی برای همه



فراهم کرد، پس بایم همه را در یک صف معینی فقیر بکنیم برای اینکه عدالت برقرار باشد. ما امروز می خواهیم ثابت بکنیم که خیر در عین اینکه اصول عدالت اجتماعی برقرار است یعنی هیچ کس از یک حد اقلی کمتر نداشته باشد و همه از یک حد اقلی برخوردار باشند که آن پنج اصول یا پنج اصل عدالت اجتماعی که فرهنگ، بهداشت، مسکن، لباس و خوراک فراهم باشد هر چند که ممکن است از آن حد اقل بیشتر عاید مردم این مملکت بشود. با اصلاحات ارضی، ما می خواهیم مردم را به آن حد اقل برسانیم با این قبیل اقدامات کشاورزی و سد سازی و آبیاری و صنعتی کردن مملکت می خواهیم مرحله دوم یعنی اینکه همه را اگر بتوانیم در این مملکت عوض اینکه یکسان فقیر بکنیم هر چه بیشتر غنی بکنیم. انقلاب بزرگ ملی ما بهمانطور که بارها گفتیم، تا به حال بدون خوزیری، بدون سیح گونه عکس العمل ناشایسته ای با کمال سرعت پیشروی می کند، ولی بازیکی و هفتقه ایست که بهمنظور که سرمای زمستان دارد کم می شود می بینیم یا می شنوم که مثل بارهای افسرده ای و چون اینها در کثافت خودشان غوطه وند باید گفت مثل شش های افسرده ای که دارد کم کم اشعه آفتاب به آنها می خورد مثل اینست که این بدبخت ها فکر می کنند که بده موقع خریدن در کثافت خودشان دو مرتبه ریده است.





این عناصر در دزد و قاتل را برهنه با همفکران ارتجاعی خودشان اگر از خواب غفلت بیدار نشوند چنان مثل صاعقه مشت عدالت در برابر کسی که باشند بر سر آنها کوفته خواهد شد که شاید به آن زندگی ننگین و کثافتشان خاتمه داده شود .

در محاکمات دیگر هر انقلاب اجتماعی که معلوم هم نیست نتیجه و هدفهای آن چه باشد ولی ماکه هدفهای خودمان را می دانیم در جاهای دیگر با هزار گرفتاریها، هزار خوزریها خوب به گوش ما هم می رسد چقدر اشخاص در این بین با کانه یابی کانه تلف می شوند . اینکه در مملکت ما کار باین آسانی می گذرد نباید افراد این مملکت را یک سخته و یک ثانیه به خواب غفلت بکشاند . آن پنج میلیون دوازدهصد هزار نفری که در تصویب ملی ایران شرکت کرده اند اینها تا موقعی که این انقلاب مقدس ما به تمام هدفهای فعلی و هدفهای نهایی و آیسند خود زرد مسلمان از پای می نخواستند .

این قدرت عظیم قدرتی نیست که در عرض یک روز ساخته شد و شب آن روز از هم پاشیده شد . این قدرتی که ساخته شده است خاموش شدن نیست و روز به روز با عزمی راسخ تر به سمت جلو خواهد رفت ، هدف های ما همین است .



دو مرتبه تکرار نمی‌کنم امروز چون مراسم اصلاحات ارضی است کثرت و زری است فقط در اطراف آن صحبت می‌کنم و آن اینست که هدف اولیه ما که از بین بردن بی‌عدالتی اجتماعی و آن نوع روابط بین ارباب و رعیت بود، امروزه در یک قسمت زیادی از مملکت تمام شده یا هدف ما نیست که هر چه زودتر از گذشته سریع تر به کلی در سراسر مملکت خاتمه پیدا کند که ما بتوانیم مرحله دوم اصلاحات ارضی خودمان را که در مملکت لایحه اصلاحات ارضی است و آیین نامه یابی که وضع شده یا خواهد شد برسانیم. اینجا باز از سحاطت و زری ما باید بینیم البته ابداعات و ابتکارات خود ما همیشه باید به حال خودش باقی باشد، از سحاطت همین نوع عدالت‌های اجتماعی که گفتم، اما از سحاطت فنی، و از سحاطت اقتصادی، باید بینیم بهترین نتایج در چه تقاطعی، در چه مالکی، با چه سیستمی گرفته شده است که ما هم بخودی وقت و سرمایه خودمان را تلف نکنیم. برای امتحاناتی که احیاناً یک روزی تجربه خوبی از آن دست نیاید در سیستم مملکت آزاد بینیم که چه متد یابی بهترین نتیجه را داده است. متد ارضی که یک خانواده‌ای باید کشت بکند چقدر باید باشد. همانطوری که گفتم در سی سال آتیه مردم ما کثرت و زری ما، دهنده‌های ما، وقت خواهند داشت که تشخیص بدهند مقدار زمینی که



در آن زراعت می‌کنند برای تأمین زندگی آبرو سدانه و بارفا هیت آنها کافی هست  
یا نه. اگر کافی است که ادامه می‌دهند، اگر کافی نیست بین خودشان طوری عرضه و تقاضا  
خواهد شد که مقدار اراضی در تحت کشت یک خانواده امی کفایت تأمین آن مخارج را بکند.  
مازاد این افراد کشاورزها از دناات مستملاً خارج باید بشوند و دنبال کارهای دیگر مولد محکمت  
وارد بشوند. در صنعت یاد کارگاههای کوچک یا بزرگ، و یاد هر کار دیگری که در محکمت  
تولید ثروت می‌کند، یا به آنها اجازه اعاشه خود و خانواده شان را می‌دهد اگر در حال حاضر  
برای اینکه کسی گرسنه نماند مانند مقدار اراضی را به یک اشخاصی می‌دهیم این بعداً  
در این سی سال آینده بطور طبیعی خودش خیران می‌شود. مرحله دیگر سازندگی ما توجه هر چه بیشتر  
به شرکت‌های تعاونی است.

اصلاحات عظیم و افتخار آمیز ارضی ایران اگر توأم با تشکیلات صحیح کنوپراتیو یا شرکت‌های  
تعاونی نباشد متأسفانه ممکن است وضعیت اصلاحات ارضی را در بیستان بگیرد که دیدیم  
چطور شروع شد و متأسفانه چطور می‌خاتمه پیدا کرد. اینست باز تا یکدیگر کم و تقویت شرکت‌های  
تعاونی و شرکت عموم دهقانهای ایران در شرکت‌های تعاونی در توجه وزارت کشت و ریزی



برای تربیت کادر کافی کادر فمیده و شایسته و کسانی که وارد کار باشند برای این شرکتها  
تعاونی و همچنین بانک اعتبارات کشا و وزری تمام هم خودش را باید مصرف این قبیل کارها  
و تهیه کردن وسایل پیشرفت کشا و وزری ایران بنماید. هر اعتباری که موجود است باید بیشتر  
در این راه بکار بیفتد و در برنامه سوم خودمان نیز تجدید نظری می کنیم به منظور سرمایه گذاری هر  
بیشتری در امر کشا و وزری و تولیدات محصولات کشا و وزری، به منظور بالا بردن درآمد مردم  
و مصرف کردن بیشتر و تغذیه مردم و تغذیه صنایع مابیه وسیله مواد اولیه لازم. پس  
امیدوارم که کار اصلاحات ارضی ما هر چه زودتر مرحله اول دوم تمام شود تا چند سالگی  
ما تمام توجه خودمان را معطوف به قسمتهای تعاونی و پیشرفت مکانیزه کشا و وزری مملکت  
بکنسیم.

افرادی که الآن اینطور باشماست و فداکاری و از جان گذشته کی در اصلاحات  
ارضی کار می کنند بعد ما بتوانند قتل شوند به قسمتهای دیگر کشا و وزری ایران. سعادت و  
توفیق عموم و بهانه های ایران و همچنین عموم زحمتکشان و تمام طبقات دیگر این مملکت را  
که در راه هدفهای بزرگ ملی ایران قدم برمی دارند از خداوند متعال خواهانم و مطمئن



بستم که همه دست در دست همگیر به سوی آینده درخشانی که در انتظار ما است  
قدم برخواهیم داشت .



## سخن شاهشاه

دریرجند

رشنه سیزدهم فروردین ماه ۱۳۴۲

فرصت نیکویی است که امروز در چنین نقطه مرزی می توانیم بار دیگر تعقیب  
اصلاحات ارضی که برای سر نوشت مملکت اهمیت بسزایی دارد در میان شما جمعیت  
وطن دوست و وظیفه شناس باین اقدام برداریم و خوشوقت باشیم که لزوم و فواید و  
احتیاج این کار یعنی اصلاحات ارضی در هر نقطه ای که ما قدم می گذاریم از طرف مردم  
مخصوص خود زارعین و سایر طبقات کاملاً درک می شود و البته مثل سایر نقاط مملکت کارکنان  
اصلاحات ارضی و مأموران کشاورزی با کمال علاقه مندی و وظیفه شناسی به وظیفه  
خودشان مشغول هستند .

در این صفحات این اقدامات که ما می کنیم مطمئن هستیم که نقطه جنبه محلی ندارد،  
کوس و آوازه این اقدامات مستلاً به مسافتهای خیلی دوری برده می شود و شنیده می شود  
و بعید نمی دانم که اقدامات ما در ایران بخصوص بهمانطوریکه امیدوار هستیم نتایج مثبت و



دخشانى که از این اقدامات، در راه اصلاح جامعه و ترقی جامعه و رفاه و عدالت  
اجتماعی انجام می‌گیرد و تأثیرش در محیط خارج از ایران نیز دیده شود. به کرات من  
توضیح داده‌ام که این اقدامات که ما اکنون در این مملکت بدان مشغول هستیم ما را  
در صف ممالک مترقی جهان قرار خواهد داد و همچنین لزوم اتخاذ این تصمیمات بارها  
گفته‌ام هر چه در این مطالب تکرار شود ضرری نخواهد داشت برای اینکه اذنان  
هر چه بیشتر روشن شود البته بهتر است گویند که دیشم بهمن سال گذشته قاطبه‌الامالی این  
مملکت که حق شرکت و تصویب ملی را داشتند یعنی پنج میلیون و ششصد هزار نفر طبقه قاطع  
و با وضوح کامل به آن شش ماده‌ای که برای اصلاح اجتماع ایران و زیر و رو کردن سلس  
زندگی کهنه و پی‌ریزی قوام و استحکام زندگی آینده است رأی دادند و با پانچان  
قاطعه‌ای ملت ایران آن را تأیید و تصویب کرد که جمعی هیچ‌گونه ابهامی را برای  
حقی ضعیف‌ترین مغزها باقی نگذاشت و معلوم بود که ملت ایران راه خود را انتخاب  
کرده است و این راه راهی است که فتنی به روشنیابی است، فتنی به آزادی است  
فتنی به سر بلندی و افتخار است، منتهی به تشکیل جامعه‌ای بر اساس عدالت اجتماعی



است . دیدم که این فتنه را و این خوشبختی برای ما فراهم بود که چنین اقداماتی، چنین رتسخیزی و چنین اصلاحات عمیقی را ما بدون اینکه کوچکترین تزلزل به ارکان ملت و تمامیت ما وارد بشود انجام داده ایم چه بساطلی، حماکی، کسانی که خواستند کاری بکنند و به یک دهم آن چیزی که میل داشتند موفق نشدند و یا اینکه در وسط کار رشته کار از دستشان در رفت و به دست حوادث سپرده شد و چه بساطل و ممالک و افراد مسؤولی حقایق را درک نکردند و به اقدامات لازم مبادرت نوزیدند و یا از روی جهل و نادانی، خود پسندی و یا از سخط منعرض بودن دست کارهای لازم نزدند و خودشان و مملکت خودشان را در جهنمی فرو بردند .

از این رفتن خودشان شاید باعث تأسف زیاد نباشد ولی به خاطر اینکه مملکتشان را با آن بدبختی با مواجه کردند باعث کمال تأسف است برای اینکه میگویند مردم و انسان بی گناه از این مصائب رنج برده اند و می برند . پس این اقداماتی که ما انجام داده ایم هم ملت و وطن ما را به اوج ترقی خواهد رسانید و هم اینکه ما را دستخوش حوادث نخواهد کرد و بیشتر از همه آن چیزی که باعث خوشوقتی است این است





که می‌بینیم تمام ملت ایران بایک قاطعیت و صمیمیت بی نظیری در این امر تقریباً  
شریک و سهم و از صمیم قلب پشتیبان آن می‌باشند .  
البتّه تعجب نباید کرد که در میان این همه جمعیت کشور ما فرض کنید یک چندصد  
نفری هم نفهمند این تفهیم ممکن است به چند علت باشد؛ یکی اینکه اصلاً قابلیت تفکر  
و فهم ندارند. اینها مغزشان و فکرشان جور دیگری کار می‌کند. باینها قشری می‌گویند  
به اینها لقبهای دیگری هم می‌شود داد، ولی خوب شاید زیاد تفصیری نداشته باشند  
چه طبیعت به مغز کوچک فرسوده کنه اینها اجازه درک و تفکر نمی‌دهد یک دسته پنی  
منافعشان در خطر است یعنی این دسته فقط منافع آنی خود را می‌بیند که مثلاً من امسال  
آخر سال از آن رعیت بدبختی که برایم بردگی می‌کرد اینقدر استفاده می‌بردم، این  
اقدامات ممکن است آن استفاده‌ای را که قبلاً از رعیت می‌کردم موقوف کند؛ پس  
دنیا تمام شده و دیگر زندگی معنی ندارد مملکت به چه دردی می‌خورد؛ من مملکت را  
موقعی نمی‌خواهم که بتوانم این استفاده‌ها را از آن ببرم، ولی اونمی فهمد که مملکتی که  
یک همچین شخصی با این شرایط قرون وسطیایی نخواهد از آن استفاده ببرد، در شرایط



دنیاى امروز قابل دوام نیست ؛ و ضمناً نمی فهمد که اگر مطابق این راهی که ما آنرا  
ارائه داده ایم مطابق این راه قدم بردارد از یک منافع غیر مشروع و غیر عادلانه  
فعلی که از راه استثمار انسانها و از راه ارباب و رعیتی به دست می آورد آن صرف نظر  
کند و از سرمایه ای که به وسیله فروش املاک یا به وسیله اعتبار املاک برای او تهیه اش  
ممکن است وارد فعالیت های دیگری در مملکت شود، مثل سرمایه گذاری در صنعت مملکت و  
غیره این بعداً یک درآمد معقولی خواهد داشت یا درآمد خوب و مشروعی خواهد داشت  
که آن وقت هم خود او استفاده خواهد کرد و هم عده زیادی را به کار وادار خواهد کرد  
که آنها هم ضمناً از مواهب این مملکت برخوردار باشند و رویهم رفته یک جامعه خوشبختی  
بنا نهاده شود .

یک عده دیگری هستند که راه زندگیشان از راه چپاول و غارت و دزدی  
و متأسفانه اجنبی پرستی است . در مملکت ایران سابق بر این ما همیشه می شنیدیم که ایلات  
ایران مردمان وطن پرست بوده اند حتی اینها سرحدات ایران را حفظ می کردند  
و همیشه در زمره اولین افرادی بودند که در مصت با بل دشمنان ایران ایستادگی می کردند



وقاعده سیم همپطور بود . افراد روستائی و ایلات بسیار مردم وطن پرست و خوبی بودند و هستند ؛ اما ایلات حال دیگر کار آنها به صورت سابق نیست ؛ برای اینکه موقعی که ملوک اطوایی از بین رفت و از موقعی که سلسله خانواده ما به سلطنت رسید آن حکومتها سی محلی و خان خانی و آن سیستم از بین رفت . حکومت حکومت مرکزی شد و ارتش ایران تاسیس شد و سرحدات ایران را افراد ملت ایران به عنوان سر بازهای ایرانی حفظ خواهند کرد که افراد وطن پرست ایلات هم در میان آنها هستند . بهمانطوری که ذکر شد ایلات ایران مثل سایر مردم این مملکت مستأمر دمان خوبی هستند ، زحمتکش هستند ، وطن پرست هستند ولی این رامن به حساب خان خانی ایل نمی گذارم یعنی عناصری در جنوب و مخصوصاً در منطقه فارس بودند که اینها متأسفانه اجنبی پرستی درخونشان وارد شده حالا اینها اربابشان کی باشد مثل اینکه فرق نمی کند و هر موقعی یکت ارباب جدید خارجی برای خودش می تراشد . بسته به اینکه کی بیشتر بر او اجر و مزد بدد و بیشتر او را تشویق به خیانت به ملت ایران و بدآموشی بکند . سوابق اینها را البته همه تان کم و بیش شنیده اید که از ۱۳۲۰ به این طرف در هر



فرستی اینها چه کار ما و چه جایتها به ملت ایران کرده اند . خوب اینها هم تکلیفشان روشن است . خلاصه روی هم رفته این عناصری که من شمرده ام از طبقات مختلف و قسمتهای مختلف جمعیان همه روی هم به چند صد نفر بیشتر نمی رسد . اینها فکر می کنند که این اصلاحات آخر زندگی آنهاست . خداوند اینها را هدایت بکند چون من قلباً راضی نیستم که یک نفر هم از افراد این مملکت کم بشود ولی خوب اگر در جهت منافع ملت هدایت نشوند زهی بدبختی برای خودشان است . برای این کار این چرخ عظیم نهضت ما بگردش خودش درآمده است ، و هرمانعی که در مقابل و در راه پیشرفت ملت ایران به سمت جلو باشد اثرش از مقاومت یک مورچه در مقابل یک لکوموتیو چندین هزار اسی کمتر خواهد بود .

عمده مطلب که برای ما باقی مانده است این است که درقبال این تصمیمات بزرگ اصلاحی و این تصمیمات انقلابی وسیله پیشرفت ملت را کاملاً فراهم کند آن چیزی که مربوط به قسمت اصلاحات ارضی و کشاورزی است و آن از زمین بردن آن روابط سابق ارباب و رعیتی و برقرار کردن روابط جدیدی است بین مالک



زمین و ایسانا کارگران کشاورزی و کسانی که خودشان صاحب زمین می‌شوند و دهقانهای جدید. عمده کار این است که اینها شرکتی تعاونی مقتدری تأسیس بکنند، و بانک اعتبارات کشاورزی ملکهای لازم را از لحاظ وجوه متخصصین و سایر بندگان تأویج و درآمد خرده مالک و دهقان نسبت به بکتا ربالا برود و اساس کار این باشد که درآمد فرد دهقانهای ایران و خرده مالکین چندین برابر گذشته بشود که وسیله رفاهیت و زندگی بهتری برای عموم افرادی که از راه کشاورزی زحمت می‌کشند و ارتزاق می‌کنند فراهم بشود. وقتی که فرد فرد افراد این مملکت وارد کارهای فعاله تولیدی و اجتماعی شدند مجموع این اقدامات فعالیتها تشکیل یک جامعه مترقی و سعادتمندی را خواهد داد.

تا به حال نصف جمعیت این مملکت از حقوق اولیه و ابتدایی یک جامعه متمدن و مترقی محروم بود. این برای ایران متمدن، ممد فرهنگ، ننگی بود که لازم بود با یک حرکت و یک تصمیم این ننگ بر طرف شود. نصف جمعیت مملکت بغیر از آنتهایی که در روستاها و دماغات زحمت می‌کشیدند و تقریباً مثل حیوانی از آنها بار کشیده می‌شد



و متأسفانه مثل یک حیوانی با آنها رفتار می‌شد. تقریباً عاقل و باطل می‌ماند. امروز این امکانات به وجود آمده است که این نصف جمعیت مملکت هم در تمام امور تولیدی و امور اجتماعی مملکتشان شرکت بکنند و نتیجه فعالیت ملی ما به مراتب از سابق بیشتر شود. حال آنکه طبقات مختلف مملکت، نصف افراد این مملکت را که نسوان تشکیل می‌دادند آن قسمت عظیمی از جامعه مملکت را که دهقانان تشکیل می‌دادند و به صورت رعیت سابق بودند و امروز به صورت دهقان درآمده اند حال آنکه وضعیت جدیدی برای طبقه زحمتکش و کارگر مملکت پیش آمده است و بابت آبیاری برای هر فرد دیگری از مملکت که کار بکنند حتی عادلانه و احترامی به وجود آمده است، حالا اشخاصی پیدا شده اند که موقعی که در سابق رعیت بر آن ترتیب استمار می‌شد و این طوری که می‌شوم متأسفانه بعضی از مالکین یا باثربین آنها، البته فقط بعضی از مالکین نه همه آنها، اینها اضافه بر آن رویه خشک و خشنی که با رعیت مای سابق داشتند می‌گویند که درده هر چیزی که خوب بوده مال اینها بوده حتی شاید قبل از زراف و عروسی گاهی یک جریانهای شرم آور دیگری بایستی پیش بیاید و تخمه مای انسانی پیش از باب بپرند، موقعی که در



سابق آن خانهای محلی یا مستقماً به دست خودشان با کار و یا خنجر یا تفنگ یا به وسیله ایادی شان مردم را در چاهها حلق آویزمی کردند و یا وارونه آویزان می کردند و آن فجایع را می کردند؛ موقعی که همه نوع جور و ستم و ظلم و دزدی و فساد و رشوه و همه چیز برقرار بود، هیچ وقت نمی شنیدیم که قشرون راجع به این کارها اعتراضی مکنند؛ هیچ وقت نمی شنیدیم آن قشرون بخصوص بگویند که این اقدامات برخلاف دین است؛ برخلاف آیین است، برخلاف انصاف است، برخلاف بشریت است، آنها این اقدامات غیر انسانی را که به منافع آنی آنها لطمه نمی زد، به منافع موقوفاتی که می خوردند لطمه ای نمی زد، و جوهی که به آن قشرون بخصوص می رسید سر جای خودش باقی بود؛ این برای آنها کافی بود که آن وجوه به هر ترتیبی که هست به آنها برسد، هر کردن کلفتی، هر قاتلی، هر خانی بیاید یک وجهی بدهد و خیالش راحت شود خیال آن قشری هم راحت می شد.

آن اقدامات خلاف انسانیت و این مظالم هیچ کدام در نظر آنها برخلاف آیین نبود؛ اما حال رعیت از آن ظلم خلاص می شود؛ ناموش در امان می ماند؛ از



تمدن امروزی بر خورداری شود؛ زندگیش بهتر می شود؛ این به نظر آن قشری برخلاف  
دین و آیین است.

این قشر تون البته وقتی که این نوع منافعشان محدود شد و ازین رفت آن  
قاتل و خائن، آن کسی که از اجنبی دستوری گرفت اضافی چیزی برایش باقی نمی ماند، برای  
اینکه امروز موقوف شده که به آنها برساند. آن ارباب سابق منافعش محدود شده  
و او هم وجوه کمتری دیگر در اختیار دارد که به آنها برساند. آن وقت قشری دینش  
در خطر است؛ بزرگترین صدمه و ظلمه ای که می شود به دین و آیین زد این است که  
یکت عده ای به نام دین از این قبیل اقدامات مخالف دین مبین ما بکنند و خدای  
نخواستہ اعتقادات افرادی که وارد جریانات کار آنها هستند و طمع دارند از این  
ریزه کاری ما، و از این عملیات پشت پرده اینها اعتقادشان خدای نخواسته قدری  
سست بشود.

نخستین خانه اکثریت روحانیون ایران همان طور که باید و شایسته است

روحانیون تحقیقی و راهنمایان معنوی هستند.





این اقدام ملی که ما می‌کنیم، این پاک کردن اجتماع از این کثافات . و  
از این اقدامات پشت پرده، بزرگترین ضامن دین و بخصوص آیین مقدس اسلام است  
که انشاء الله تا ابد برقرار خواهد بود و ما را همیشه به راه راست هدایت خواهد کرد.

هیچ مقرراتی، هیچ تشکیلاتی، هیچ اساسی بر بنیای ظلم و بی عدالتی قابل دوام نیست  
در قسمت رعایای سابق اساس ظلم را از بین بردیم . در قسمت نسوان اساس ظلم و  
به اضافه ظلم ننگ را از بین بردیم . در هر قسمت دیگری اصلاحی که شده ما هر چیزی که  
بر خلاف تمدن امروز و برخلاف انسانیت است از بین بردیم و در یک جامعه سالمی  
است که این آیین و سنن برقرار و پایدار می ماند و الا یک جامعه ناسالم و منحل  
شاید از صفر روزگار برپیده می شود، و یا اینکه دستخوش مرام بیانی می شود که  
اساس اقداماتشان ریشه کن کردن هر چیزی به اسم دین و مذهب است : پس این  
اقدامات بزرگترین ضامن پایداری و اعتلای دین مبین اسلام خود ما می باشد.

من اضافه بر اعتقاد شخصی خودم که به کرات گفته ام در کتاب خودم نوشته ام  
و همین او آخر یکی دو موقع فرصت پیدا کردم که نسبت بدان اشاره کنم اصلاً از سخاظ



پادشاه مملکت، و مملکت داری، ویاستمداری، هیچ قوم و جامعه‌ای را با دو نام نمی‌بینیم  
مگر اینکه اساس و پایه کارش بر اعتقادات عمیق دینی و مذهبی نهاده شده باشد. پس  
دین برای بقای ما خیلی لازم است. چه دینی بالاتر و بهتر از دین مقدس خود ما.  
دین اسلام مترقی‌ترین ادیان جهان است؛ دین ابدی است؛ دین ابدی یعنی  
است که همیشه راه پیشرفت و ترقی را برای بشر و انسان باز نگاه داشته باشد، و  
دین مبین ما اسلام، خوشبختانه بهینطور است مایه‌ای تو انیم در سایه احکام قرآن کریم  
به تمام این هدف‌های بزرگ ملی و هدف‌های بزرگی که امروز اجتماع مترقی دنیا به آن  
احتیاج دارد برسیم.

هر کسی که قرآن کریم و احکام دین مبین ما را غیر از این تصور کند و هر کسی که  
به دروغ ادعا داشته باشد که دین ما مخالف این اقدامات مترقیانه است مخالف  
تمدن و فرهنگ و پیشرفت ملت ایران است، آن کس متأسفانه در زمره همان  
قشر توینی است که منافع او از لحاظ موقوفات و غیره و وجه نامشروع به خطر  
افتاده است. اینها تجارت و تهمت را به جای مصلحتی رسانیده اند که مسلماً هر کسی که



بشود یا خنده اش می گیرد یا به حال این بیچاره ما و بدبخت ما غصه می خورد. ضمن صحبت بایی که کردم یکی همان بود که دیر در من گفتم در روی مقبره نادر شاه افشار که از روی غرض به دروغ گفته اند می خواهند دخترهای ۱۸، ۱۹ ساله را بسوزند. نظام وظیفه. دلی خوب ممکن است یک روز در دوره نفر بیست نفر خوش باور یا زود باور باشند و حیثاً تا یک همچو دروغی را یکی دو ساعتی در فکرشان نگذرانند و بعد دور بریزند ولی کار اینها بسینید به بجا رسیده است که متوسل به چنین تهمتی و دروغی بایی می شوند برای اینکه نه فقط به چنین خیالی هم البته مضحک است و به هیچ وجه وجود ندارد یعنی همان طور که دیر در توضیح دادم اصلاً لزومی ندارد ولی این بیچارگی و بدبختی این افرادی را می رساند که منافع مادی آنها متأسفانه یا خوشبختانه به خطر افتاده و از آن راه دیگر موقوف شده است.

به هر صورت امید دارم که جامعه فعلی ایران که خوشبختانه از این امکانات و آزادی ها و مواهب بر اساس عدالت اجتماعی برخوردار می شوند پیش از پیش بکوشند در راه تولید بیشتر و با مقرراتی که هست و با تقسیم عادلانه تر ثروت در میان ملت ایران



یک جامعه مُرفه با سعادت و سر بلندی ما داشته باشیم که در میان سایر ملل و بیجان  
اندازه کز لیاقت و شایستگی آن را داریم در صفوف اولیه آنها قدم به سوی سر نوشت  
پُر افتخاری برداریم .



## سخنانشاه

در کرمان

دوشنبه ششم خرداد ماه ۱۳۴۲

استقبالی که مردم کرمان در این روز از ورود من کرده اند نمونه طرز فکر آنها به اقدامات اصلاحی و اقتصادی ایران است که فرصت تصویب آن را دیشم همین گذشته غمناک پیدا کرده بودند و در آن روز یک تنه و یک پارچه اراده ملت ایران را برای تأمین آینده باسعادت و افتخار و در عین حال بارفاهیست و مزایای اجتماعی کاملاً ثابت کرده بودند.

راجع به امر اصلاحات ارضی تا به حال صحبت های زیادی شده است و ناگزیرم بگویم که یکی از بدترین مظالم را باب و رعیتی در همین استان کرمان وجود داشت که رعایای سابق در این استان با وضع پریشانی زندگی می کردند و فواید این اصلاحات شاید در اینجا بیش از همه جا محسوس باشد. پس از این که مرحله اول اصلاحات ارضی تمام شد و امیدواریم که این کار در همراه بکلی خاتمه پیدا کند، اساس کشاورزی ایران بر اساس کشاورزی مکانیزه برای افرادی که بخواهند با کارگر کشاورزی کار بکنند و یا بر اساس مالکیت و بهت آنها



و یا خرده مالیکینی که راه سازش را با دهبقانهای خود پیدا کرده باشند، به هر صورت آن وضعیت نامواری و نامنجان و غیر قابل تحمل قدیم از بین رفت و این فصل جدید بر اساس عدالت اجتماعی و ازدیاد تولید و بهره بردن به نسبت کار و فعالیت شروع می شود و ضمناً فرصت استفاده از اراضی بایر به وسیله ماشین آلات کشاورزی نیز همیشه در این مملکت باقی است و باقی خواهد ماند. و اما نصیحتی که دارم این است که حتی المقدور باید مطالعه کنید، اول در تقویت شرکتهای تعاونی خودتان بکوشید. حد اکثر توجه را به آن بکنید. اعتباراتی که لازم دارد فراهم کنید. بانک اعتبارات و قتمتهای دیگر سرمایه های کافی را باید در اختیار این شرکتهای تعاونی بگذارند تا اینها به نوبه خود بتوانند وسیله کار دهبقانان را فراهم بکنند. امروز این وسیله کار شاید تهیه ندر است، تنقیه قنوات و ایجاد قنوات جدید است یا زدن چاه عمیق است، فراهم کردن کود شیمیایی و ماشین آلات کشاورزی است، و اینها وقتی که باعث ازدیاد محصول و درآمد دهبقانی و شرکتهای تعاونی آنها شد شرکت های تعاونی در آتیه اینقدر قدرت و استطاعت پیدا خواهد کرد که به سایر احتیاجات آن دهبقانهای محل و روستاها برسد یعنی جایی که لازم باشد برای در مانگاه ما، دبستان ما، کارگاههای فنی



پزشک و اما و پرستار و غیره تربیت و ترتیب استخدام آنها را بدد که زندگی آن روستاها و آن دعات آن دهقانها مطابق اصول جدید و تمدن امروز دنیا ادامه پیدا بکند.

این انقلاب بزرگ ملی که شاید ششم بهمن گذشته تصویب گردید این آینده را برای شما تثبیت خواهد کرد. برای شما دهقانهای ایران مختصری از آن گفتم. برای سایر طبقات ایران نیز به نوبه خود همینطور آینده ای که به سوی تکامل و پیشرفت و یکجندی می رود تامل خواهد کرد. مال کارگر معلوم است؛ مال سایر طبقات وقتی که زندگی دهقان و کارگر ایران رونق پیدا کرد، دادوستد آنها بیشتر می شود؛ اصناف ایران اتحادیه بیشتری برند، کارخانه ها تولیدات بیشتر خواهند کرد. برای این که قدرت خرید و مصرف مردم بالا می رود؛ و این حسن داره و رفاهیت اکثریت مردم فایده اش به تمام طبقات دیگر به نوبه خود خواهد رسید. و اما راجع به احتیاجات بخصوص این استان چند چیز است که کاملاً واضح است و از آن اطلاع داریم و انشاء الله به زودی به آن توجه خواهد شد؛ یکی حد اکثر کوشش برای تامین آب مورد احتیاج اراضی زراعتی این استان است. مناطق زرخیز این استان بر همه کس روشن است. مناطقی دارند که شاید یکی از حاصلخیزترین



مناطق دنیا باشد. منتها چند ناقص و عیب دارد. یکی راههای مواصلاتی آنها یا خیلی بد است یا اصلاً وجود ندارد باید در تکمیل آنها کوشید دیگر موضوع تهیه آب است موضوع تغییر نذر قدیمی به نذر جدید است. موضوع تهیه کود شیمیایی، و موضوع مبارزه با آفات. برای راههای این استان البته فکر مایبی شده است، در برنامه پنجاه سوم پیش بینی مایبی شده است؛ و ضمناً مرحله اول ساختمان بندر عباس را نیز غنایب شروع خواهیم کرد که این استان به دریا و در واقع به دنیا ارتباط مستقیم پیدا کند و هم از لحاظ تولیدات داخلی و متاعی که قابل صادرات است و هم برای واردات حیاتی این استان تسهیلات بزرگی فراهم خواهد شد. و البته بعد هم به موقع خود ارتباط کرمان که به راه آهن سراسری ایران وصل خواهد شد یا جاده ای که همان کاری که از راه آهن ساخته است از او هم ساخته خواهد بود.

ضمناً تکمیل احتیاجات این استان از لحاظ فرهنگ و بهداشت و سایر احتیاجات جامعه امروزی، این دورنمایی که برای کرمان گفته ایم البته پس از سالها و بلکه قرن‌ها محرومیت مستلماً مرده روح انگیزی است. خاطرمان می‌آید که در این استان می‌گویند





در تاریخ ایران روایت می‌کنند که نخی دانه چندان چشم از مردم این استان در آوردند و چه فجاج دیگری! چه قتل‌ها، چه کشتارها، همین است که متأسفانه این استان از لحاظ آبادانی تا اندازه‌ای عقب افتاده است. ما باید این عقب افتادگی را جبران کنیم و در سالهای آینده با سرعت خیلی بیشتری کار کنیم تا اینکه این استان هم پایه پای سایر استانهای مملکت به سوی ترقی و پیشرفت قدم بردارد. و اما این ترقیات و اصلاحاتی که از آن اسم برده ایم درست است که مایه شادی دل میلیونها افراد این مملکت شده است، در روز تصویب بیستم بهمن گذشته پنج میلیون و شصدهزار نفر رأی مثبت دادند و چهار هزار و صد و پنجاه نفر رأی مخالف، در آن موقع نصف جمعیت مملکت از حق طبیعی و خدا داده خود هنوز محروم بودند و نتوانستند مستقیماً و رسماً شرکت بکنند ولی کیست که تردید بکند که تمام زنبیانی که به سن قانونی رسیده بودند می‌توانستند در این امر شرکت بکنند مستلاً آنها نیز رأی موافق خودشان را می‌دادند. در این چهار هزار و صد و پنجاه نفر افرادی که رأی مخالف دادند یک عده ای حق داشتند برای اینکه فکر می‌کردند مستقیماً از این اصلاحات ضرر برده‌اند. شاید مالکین بزرگی بودند و کسانی بودند



که فکر کردند خوب ما از این کار چون ضرری بریم دیگر چرا برویم رأی موافق بدیم گویانکه خیلی از مالکین را من طسلاع دارم و می شناسم که در آن روز رقتند و رأی موافق هم دادند کسانی که حالا ما می توانیم بفهمیم به طور مستقیم از این اصلاحات ایحاً ناصدمه می دیده اند اینها ممکن است که در زمره مخالفین باشند.

تمام کسانی که دزدند، غارت گردند، سرگرد می ایستند، برای اینکه مال مردم را بیهنجابیند، یا دزد روحی هستند، یا افراد بد فکر خبیث بد طبیعتی هستند که اصلاً با هر اقدام مفید و خوبی اصولاً مخالفند. یک عده ای هم حسرت می خورند که چرا آنها گویانکه قادر نبودند این کار را بکنند ولی چرا آنها امشان در جریان نبوده است. اینها زیاد مهم نیست ولی دو تیپ افراد هستند که در همان موقع اعلام برنامه انقلابی ذکر می از آنها شده بود و تیپ افرادی هستند که از روی مرام و عقیده با این جریان مخالفند. یکی مرتجعین سیاه و یکی خائنین سرخ. علقش چیست؟ آن خان سرخ وقتی که این اصلاحات بشود دیگر وسیله تخریب و تبلیغ ندارد، دیگر نمی تواند برود پیش دهقان و بگوید که تو استشار شده ای، و شل حیوان از تو بهره برداری می کنند و یکت بخور و نمیری فقط به تومی دهند که توانی باری بکشی و



استفاده را دیگری ببرد. این حرف را دیگری نمی تواند بزند گو اینکه آن کسی که این حرف را می زند، اگر کار به دست خودش می افتاد او برای بهتان دلوزی نمی کرد؛ او هم از بهتان به طریق دیگری که ما اطلاع داریم به طور وشتناکی بهره برداری می کرد و بهتان را واداری کرد که مثل یک حیوان و یک ماشین تنها به عنوان دیگری از او بهره برداری و استفاده بکند.

اسم نمی برم ولی خودتان می دانید که چه می گویم برای اینکه برای هر کسی این موضوع روشن است. او دیگر به کارگر نمی تواند همین حرفها را بگوید. برای اینکه امروز کارگران مطابق کار و زحمتی که می کشند از تسبیح عادلانه ای برخوردار است. گمان کنید در بعضی اوقات اگر به وسیله قرارداد های دسته جمعی با کارفرما موافقت حاصل نکرده اند می توانند حتی تا حد بیست درصد درآمد سود ویژه کارخانه ما سهم و شریک باشند.

وسایل تحرک و تخریب آن مخرب سُرُخ از او گرفته شده است زبانش لال شده، به کلی گیج شده، ناخ و وواج مانده، نمی داند چه بکند؛ غیر از اینکه یک مُشت هذیان از روی چارگی پشت سر هم بیافند و طوطی وار مثل یک بچه سه ساله ای تکرار بکند.



و اما آن مرتجع سیاه او هم دنیایش فرو ریخته برای اینکه دنیای او موقعی بود که از جهل و نادانی مردم استفاده می کرد. دنیای او دنیایی بود که یک دهقان ساده ای بدون اینکه از حقوق خودش برخوردار باشد یا اطلاع داشته باشد سرش را پایین بندازد و بمنظور زحمت بکشد و فایده را او ببرد. یعنی غیر مستقیم یا مستقیم فایده را ببرد. دنیای او تمام شد. برای اینکه آن سواریهایی بی اراده ای که از اکثریت مردم به آن طریق می شد گرفت، موقوف شد. آن مرکب سواری دیگر وجود ندارد. دنیای او البته که خراب شده است برای اینکه امروز فقط حرف استدلال در جامعه ماقبول خواهد شد. حرف صحیح و منطقی این است که او هم دیوانه وارد صدد دروغ بانی و ایجاد محیط به اصطلاح خودش تشنج برای مایه گرفتن از آب گل آلود می کند. ولی او هم مثل آن یکی بمنظور گنج و یوچ و به کلی مایوس و بیچاره مانده است و آن زندگی هم بدتهاست سپری شده است دیگر بهیچوقت تکرار نخواهد شد. این آینده ای که ما در پیش داریم و دشمنان حقیقی عظمت و ترقی مملکت به این طریق معرفی و رسوا شده اند. دیگر حرب آنها اثری ندارد ولی شما باید متوجه باشید که اگر شخصی به آن زبان آمدند و نزد شما نخواستند این قبیل سپاهیا را بکنند آنها را از خودتان دور کنید و حقیقتاً مثل یک حیوان نجبی اجازه



نزدیکی به خودمان رانده‌اید. برای اینکه غیر از شر و بدبختی از وجود آنها کاری ساخته نیست. برای تضمین دایمی این انقلاب ملی ما شمارا متوجه می‌کنیم در انتخاباتی که عنقریب در مملکت ایران انجام خواهد شد، هر فردی وظایفی دارد نسبت به حال و نسبت به آینده مملکت خود و آن وظیفه امروز حفظ این انقلاب بزرگ ماست که باید محکمتر و قوی‌تر به اعتقاد خودمان تکیه کنید بدین‌جهت. روز انتخابات شما هر که باشید چه شهری، چه دهقان، از هر طبقه‌ای که باشید و مخصوصاً دهقانان که امروز خطاب من بیشتر به شماست چون در مراسم اصلاحات ارضی شرکت می‌کنید متوجه باشید افرادی را بشناسید و آنها را انتخاب کنید که با اصول انقلاب مقدس ملی ما که یک مرتبه در ششم بهمن تصویب کردید منم و معتقد باشید، رأی خودتان را به مردمانی بدهید و بزنید نهایی بدهید که هر کسی را که میل داشتید که در این راه مستقلاً قدم بردارند و تزلزلی به خودشان راه ندهند. به این طریق است که ما خواهیم توانست در آینده نزدیک بنیان ایران نوین را بر پایه تمدن کنونی دنیای مترقی امروز بگذاریم و با کمال سر بلندی و سعادت و افتخار به سوی آینده قدمهای محکم و مثبتی را برداریم.



## سخن شامشاه

در بهمان

شنبه هجدهم خردادماه ۱۳۴۲

برای من جای بسی خوشوقتی است که امروز در این میدان که به اسم مرد بزرگ تاریخ  
علمی ایران یعنی ابوعلی سینا و در نزدیکی هزار اوست توانسته ام اسناد مالکیت قریب چهارده هزار  
نفر دهقان آزاد و جدید ایران را توزیع کنیم .

ما مورین اصلاحات ارضی این نفت اطش همکاران دیگرشان در سراسر مملکت  
وظیفه خود را به خوبی انجام داده اند و نتیجه آن را امروز مشاهده کردیم .  
باعث خوشوقتی است که آن روحیه که از روز اول ما در این ما مورین مشاهده  
کردیم به قوت خود باقی است ، بلکه روز به روز محکم تر و قوی تر می شود .

برای شما دهقانانی که امروز سند مالکیت و سند آزادی خود را گرفتید توضیح در  
اطراف فواید این کار لزومی ندارد ، ولی برای ادامه دادن این کار در زمان هر چه کوتاهتر  
بهمانطور که می دانید تا آخر عمر امسال مرحله اول اصلاحات ارضی در سراسر مملکت خاتمه پیدا



خواهد کرد.

اگر همانطوری که اطلاع دارم و شما درک کرده اید در سرمایه گذاری شرکت‌های تعاونی که مال خودتان است بکوشید و از اصول جدید کشاورزی پیروی کنید در عرض شاید دو تا سه سال دیگر بخصوص اگر مثل امسال رحمت الهی بهم همراهی بکند و بارندگی کافی هم بشود خواهید توانست قیمت کل اعلانی را که خریداری کرده اید به دست بیاورید و از آن به بعد لا اقل نسبت به گذشته از لحاظ مادی پنج برابر بیشتر استفاده کنید.

- بخصوص که اضافه بر آن چیزی که اصلاً روی آن قیمت نمی شود گذاشت مردمانی

آزاد خواهید بود.

در مکتب دهقانان ایران در دی ماه سال گذشته موقعی که مواد قوانین ششگانه انقلاب ملی خودمان را برای دهقانان ایران و ملت ایران توضیح می دادم متذکر شدم که دو قوه از پامی نخواهند نشست چون در آزادی ملت ایران در فاهیت آنها آن دو قوه مرکب خودشان را مشاهده می کردند.

یکی از آنها ارتجاع سیاه یا هر کسی که مثل یک مترسج سیاهی بخواهی کند. زندگیش.



افکارش، عادتش چه بود؟

تجلی روح مرتجعین سیاه را ما در روز چهارشنبه پانزدهم خرداد در شهر تهران مشاهده کردیم.

مربح سیاه از چندی پیش این اقدامات را شروع کرد؛  
هر کسی که تریاک می کاشت گفت تریاک بکارید؛ به هر کسی که تریاک می کشید،  
گفت تریاک بکش. افراد قاطع پیشینه دار کسی که برادر خویش را کشته بود و نظایر آن، در ملاقاتها  
شبانۀ در کافه های تهران پس از صرف مشروب با مقداری پول، روانۀ کوهستانهای فارس  
کردند برای اینکه آنجا قطع الطریقانه امنیت مملکت را بهم بزنند.

در چهارشنبه پانزدهم خرداد این ارتجاع سیاه چه کرد؟ کتابخانه پارک شهر را آتش زد؛  
یعنی هر چه که مطابق علم و سواد و احتیاجات امروز باشد به درد او نمی خورد.

در دانشگاه رآتش زد. وسیله عبور و مرور و باجه های بلیط فروشی اتوبوس آتش زده  
شد. برای اینکه اولاد فکرمی کند در این قرن که دنیا به سمت تسخیر فضایی رود او باید سوار الاغ  
یا قاطر شود. ارتجاع سیاه به اتوبوسهایی که دختران دانش آموز را حمل می کرد حمله کرد. ارتجاع سیاه





به وسایل عبور و مرور و چراغ راهنمایی حمله کرد.

ارتجاع سیاه به زرنهای بی دفاع در خیابانهای تهران حمله کرد. اگر نخواهم بشمارم که چه کردند و چه تجاوزاتی کردند و چه اعمال وحشیانه ای بر آوردند از فرصت صحبت امروز خارج می شویم ولی مشت نمونه خروار است و آنها در آن روز تو انستد ما بهیت خود را نشان بدهند.

حرف آنها نیست که شما دقتانمایی که آزاد شده اید دو مرتبه برید برده شوید و این ملکی که حالا به شما داده شده است از شما پس بگیرند. نیت آنها اینست. نصف جمعیت این مملکت زرنهای ایران که بعد از قرنهای مارت، امروز به حقوق مساوی با مردها مثل همه ممالک مترقی دنیا و مثل تمام ممالک دیگر مسلمان دنیا رسیده اند دو مرتبه توی لانه و سوراخ بخرند و مثل جانور زندگی بکنند.

ارتجاع سیاه فکرش اینست که دختران دانش آموز دیگر به مدرسه نروند و مثل یک عضو بدبخت و جذامی جامعه به یک گوشه ای بخرزند و ارتجاع سیاه در آن روز لوله کشی آب را خراب می کرد برای اینکه لابد آب تصفیه شده خوردنش حرام است و آب جوی کثیف مباح است.



ارتجاع سیاه به کارخانه برق حمله کرد برای اینکه کارخانه های ایران متوقف بماند  
کارگران ایران که تازه مطابق مترقی ترین قوانین اجتماعی امروز می توانستند مطابق قانونی  
که به تصویب ملت رسیده بایست در صد از سود ویژه کارخانه ما سهم ببرند نه فقط سهمی نبرند  
بلکه از زندگی و کار کردن هم محروم شوند. ارتجاع سیاه با حمله به کارخانه برق لاجبی خواست  
که این روشنیایی که در دل شب به در تحصیل علم و خواندن کتاب کسب هنر و معلومات  
می رسد آنهم مثل دل خودش تاریک و سیاه بشود؛ ولی آیا ممکن است همچو افکار پوسیده ای  
پیشرفت بکند تا یک نفر از شما زنده هستید؟

این امر فقط در مملکت مردگان، و در قبرستان، امکان پیشرفت دارد. هیچ مملکتی دیگر  
امروز در دنیا نمی تواند ادعای زندگی چه برسد استقلال بکند اگر از تمام این مواهبی که گفتم  
برخوردار نباشد. و اما در آن روز این نمونه طرز فکر تمدن ارتجاع سیاه بود و اما خود شما  
قضاوت بکنید که این اقدامات وحشیانه و عمده بربریت که ایش هزار ما فرسخ ازین مقدس  
دور نیست؟ تماش از سحاط دین ما محکوم و مهر کس که به این اقدام دست بزند در واقع نه دین  
دارونه دنیا دارد و نه آخرت. دین مترقی اسلام ما توانسته است در احکام خود در احکام



قرآن کریم به ما تمام این راهبانی که می‌پاییم از روز اول نشان بدید .

او به ما نطقه است که مساوات چیست ؛ موصلت چیست ؛ عدالت چیست ؛  
دست گیری چیست ؛ رحیم کیت ؛ کار چیست و رحمت چیست . دین ما موقی پید شد  
و پیغمبر رسول اکرم (ص) ، موقی احکام خدا را به ما ابلاغ کرد که دنیا در حال بربریت و حشت  
زندگی می‌کرد و او جامعه را با نور الهی خود روشن کرد .

این عدالتی که ما می‌گوییم عدالت اوست . این راهی که ما می‌رویم راه اوست و  
هر کسی غیر از این بگوید یا از دین خبر ندارد یا متأسفانه غرضی دارد که بهتر است ما نسبت  
به آن غرض صحبتی نکنیم ولی چون این حقایق به زودی گفته خواهد شد و اسناد و مدارکی  
که به دست ما افتاده است و دال بر این است که وجود هفتگفتی از خارج به این مملکت  
برای ایجاد این قبیل بلواها رسیده است به زودی منتشر خواهد شد .

باید به شما بگویم که متأسفانه کسانی که بساط پانزدهم خرد او را به راه انداختند گایانند  
در میان کسانی که یا زخمی شده اند یا دستگیر شده اند خیلی از آنها می‌گفتند که ما چه کار کنیم به ما  
بیست و پنج ریال پول داده بودند و می‌گفتند در کوچه ما بدید و بگویید زنده باد خلانی ما حالا



می‌دانیم این دُجوه از کجا رسیده است و به شملت ایران به زودی جُزئیات گفته خواهد شد.  
فقط این را بدانید که این موضوع اولاً از لحاظ ایرانیت، یک ایرانی که پول خارجی را  
بگیرد و بر ضد جامعه خودش اقدام کند، این را چه می‌شود گفت و دوم یک نفر شیعه پول  
بگیرد از یک نفر مسلمان غیر شیعه این چیست؟

متأسفانه این جُزئیات نجلت آورنگین به زودی برای شما روشن خواهد شد تا شما همه را  
به همان صورت باطنی که هستند بشناسید و ماسک ظاهری همه برداشته خواهد شد. برای من  
ذکر این مطالب بی اندازه ناگوار است. من موقعی که انقلاب ایران را اعلام کردم می‌گفتم  
که ما خوشبخت هستیم که این نهضت همه جانبه ایران انقلاب اجتماعی، انقلاب اقتصادی  
ایران انقلاب سفیدی است که در کمال نظم و آرامش پیشرفت می‌کند ولی اگر ارتجاعیون سیاه  
و تمام کسانی که فکر و ذکرشان در تخریب است اگر این راه را نمی‌پسندند و راه دیگری می‌ببینند  
و آن راه راه خون باشد این ملت آماده دادن این قربانی ماهست و کسانی که این راه را می‌گیرند  
مورد پسند خداست نفهمند متأسفانه به سزای اعمال خودشان خواهند رسید؛ ولی تمام این  
اقدامات، تمام این تلاشها یک میلیتم از سرعت سیر ترقی ما و انقلاب ما نمی‌تواند کند بگذرد



و بلکه آهنگ پیشرفت ما تسریع خواهد شد .  
اینست که ما به کمک خداوند بزرگ که ناظر اعمال همه ما هست و می داند که در قلب  
ما چیست چون ما چیزی از او نمی توانیم پنهان داریم و در مقابل او ماسک به صورت  
نمی توانیم بگذاریم با تأییدات او پیشرفت خواهیم کرد و همه شمارا به خدای پارس .



## سخنانشاه

در کرج

بعد از ظهر روز یکشنبه ششم مرداد ۱۳۴۲

موقعیت دیگری است که برنامه اصلاحات ارضی ایران را بار دیگر در نقطه کرج برای زارعیانی که مشمول آن می شدند اجرا کنیم و اسناد مالکیت یا به قول خودشان اسناد آزادی آنها را بدینا بسپاریم. اضافه بر اینکه همیشه این نوع مراسم باعث خوشنودی خاطر من و عموم ملت ایران می شود و مثل همیشه باید بگویم که از زحمات کارمندان اصلاحات ارضی و کسانی که در این راه زحمت کشیدند اظهار رضایت و قدردانی می شود، موقعیتی است که چند کلمه ای برای بار چندم در اطراف این مطالب اظهار بدارم.

موقعی که برنامه اصلاحات عمیق اجتماعی ایران را در فکر خود می پروراندم و این ا سالهای پیش شروع شد و بالاخره ناظر آن بودم که جامعه مترقی دنیای امروز به قدری با سرعت جلومی رود و متأسفانه در چند قرن اخیر ملکت ما از قافله تمدن دنیای به قدری عقب افتاده بود که ما برای اینکه بدان برسیم می بایستی که مرده ای قیام کنیم و در یک موقع و زمان تمام



آثار عقب افتادگی روحی اجتماعی و اقتصادی را از بین ببریم تا بطور خطرناکی عقب نباشیم که ایحاً ناخدا می نخواسته در دنیای امروز و اجتماع امروز محکوم به نابودی و خفت و مجلت نباشیم. این نوع فرصت ما در زندگی مل و افراد هر روز پیش نمی آید. وقتی که خداوند برای یک فردی و یک مملکتی و جامعه ای یک موقعی فرصتی را عنایت فرماید اگر از آن استفاده نشود این نه فقط تحق یا جنح و نستی است، بلکه خیانت به خود و بنوعی خود نیز می باشد این فرصت برای من و شما ملت ایران در یک زمان پیدا شد. خاطر من هست سال گذشته در سفر آذربایجان در یکی از اجتماعات گفته بودم که قلب من و شما ملت ایران به یک آهنگ می طپد. این هماهنگی باعث شد که من بدانم وظیفه ای که دارم این است که قرن ما عقب ماندگی ما را با یک تصمیم و در یک روز با همان هماهنگی که در شما احساس می کردم به کلی جبران کنم و شما را از سطح اجتماعی و اقتصادی بهنگام و همدوش مترقی ترین ممالک دنیا قرار بدهم. بیست سال تمام تاجر به کردم و تاجر به اندوختم؛ پس از بیست سال در دمای اجتماعی را شناختم؛ نقاط ضعف را تشخیص دادم؛ نقاط آنگاه و قدرت را نیز تشخیص دادم؛ نقاط ضعف ما اصولاً در غیر آزاد بودن اکثریت ملت ایران یعنی هفتاد و پنج درصد جمعیت ایران بود که در مزارع



ودیات ایران کار می کردند. اینها جنبه یک فرد و بشر آزاد را داشتند. ممکن است که یک  
سخنر و نیمی آخر سال پس از زحمت، پس از گذراندن تابستان سوزان و زمستانهای  
سرد در آغل های مخروبه و غیر صحتی در محصول یک مختصری به نامی رسید که لیجاناتر عورت  
بکنند و از گرسنگی نمیرند ولی روابط ارباب و رعیتی با وجود اینکه ممکن است با لکن با النسب خوبی هم  
بودند ولی رویه فرقه این ارباب رعیتی، و آن نوع روابط، و آن محصول دسترخ زارع ایرانی پس از  
یک سال زحمت، این چیزی نبود که به یک اجتماع تمدن و مترقی قابل قبول باشد یک قیمت  
دیگر مملکت نصف جمعیت مملکت دقید و بند و اسارت بود که اصلاً حقوق آنها مطابق حقوق  
مجورین دیوانگان و چیزی که در هیچ نقطه دنیا سابقه ندارد گایند امروز بیستم تمام ممالک  
مخصوصاً تمام ممالک مسلمان و حتی ممالک آفریقایی بیچکدام دیگر این وضع اختلاف ن مردم  
وجود ندارد و همه زیاده نوع حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار هستند چطور می شد که در قرن  
بیستم یک مملکتی تواند با جامعه مترقی دنیا پیش برود اگر اکثریت تقریباً قریب بیفتان مملکتی  
در حالت بردگی یا اسارت زندگی کند پس می بایستی که اساس اجتماعی این مملکت به فرض اینکه  
پس از سه هزار سال تاریخ یک مرتبه می بایستی عوض شود. غیر از این بردگی و اسارت عوامل دیگری





جامعه ما را متأسفانه در حالت رکود و عقب‌انگیزی نگاه می‌داشت. به این جهت می‌بایستی که برای سایر اشکالات ما فکری می‌شد. یعنی این اکثریت مملکت را در عین حال ما با سود می‌کردیم که آنها را از تمام امکانات درک و فهم مطالب امروزی برخوردار کنیم. برای این کار فکری که ما کردیم امروز باعث اعجاب و تحسین دنیای متمدن و مترقی واقع شده است و آن ایجاد سپاه دانش است. برای کارگران شریف و زحمتکش ایران نیز می‌بایستی فکری بکنیم که آنها نیز مطابق دسترنج خود نه فقط آنها هم به همان حقوق آزادی سایرین برسند بلکه زندگی مادی آنها نیز مطابق زحمت و عدالت اجتماعی به پایه‌ای برسد که در رفاه و آسایش زندگی بکنند و انگیزه کار بیشتر و تولید محصول بیشتر در آنها پیدا شود که بسم خودشان منافع بیشتری بربند و هم تیر به اقتصاد مملکت از راه تولید بیشتر کمک شایانی بکنند. فساد در جامعه ما متأسفانه از دیر زمانی ریشه دوانیده بود. علت فساد همان بود که حکومت متأسفانه حکومت اقلیت بود. روی همین بردگی اکثریت مملکت و عدم شرکت آنها در زندگی و تعیین سرنوشت یک عده‌ای شهری بعنوان ستمداران یا کسانی که اهل نفوذ و زودبند بودند کار ما را این خودشان تقسیم می‌کردند و هیچ‌کسی را



در آن میان اجازه دخول نمی دادند و تمام منافع را یک طوری بین هم تقسیم می کردند. ملاحظه بکنید که در تاریخ اخیر ایران آمدند گفتند در پنجاه و چند سال پیش که سیستم حکومتی مطابق عدالت نیست ما مشروط می خواهیم در آن موقع مشروطه را آنها اصلاً به عنوان عدالتخانه می گفتند، می گفتند ما عدالتخانه می خواهیم اما چه شد تمام کسانی که متعلق به رژیم سابق بودند فردا ما شما را عوض کردند و به آنها به اسم حامیان رژیم جدید و عدالتخانه وارد کردیم و معرکه شد به صورت جدیدی امتیازات سابق خودشان را حفظ کردند مثل سابق همان منافع را بین خودشان تقسیم کردند. این است که ما دیدیم باین طریق به اصطلاح معمولی و خواش کردن و تقاضا کردن و ارشاد کردن و ایجابات انسان خودش مثلاً در قسمت اصلاحات ارضی پیشقدم بشود و مثلاً اراضی خودش را تقسیم بکند و ببیند که کسی دنباله روی نمی کند با ناخره باین نتیجه رسیدیم که آن موقع تاریخی گرفتن تقسیم باهماهنگی ملت رسیده است آن شد که سال گذشته شش ماده انقلاب ملی خودمان را به معرض تصویب ملت ایران گذاریم و دیدیم که چطور یکسان و حقیقتاً یک تنه تمام ملت ایران در آن شرکت کرد و پنج میلیون ششصد هزار نفر مرد بدون اینکه کوچکترین احتیاجی به تزویر یا تدلیس باشد شمس مردم



در دادن رأی شرکت کردید و اراده خودتان را در تغییر مسیر تاریخ و اجتماع ایران نشان دادید. این تصمیمی که این طور به اتفاق آراء شما گرفتید نتایجش چه خواهد بود؟ شما زار یعنی که اینجا ایستاده اید و امروز از هر جهت هم آزاد شدید و هم مالک، یک مقدار آن را می فهمید و این تازه اول کار است. با تشکیل شرکتهای تعاونی و ارائه طریق و تهیه وسایل لازم زندگی شما باید در آینده نزدیک حد اقل پنج و بلکه ده برابر فعلی بهبود یابد و این کار مشکلی نیست شما کارگرهای ایران که امروز پس از تصویب لایحه سپیم شدن شما دسود و ویژه کارگاهها و کارخانه با به معنی این کار تازه پی برده اید و اهمیت این کار را روز به روز بیشتر درک خواهید کرد. گو اینکه امروزه محسوس است که کارگر ایرانی چه شکل فکری کند و تا چه حدی می بیند و حس می کند که این مملکت متعلق به او هست و تا چه حدی در این اجتماع و در بین این ملت او قدر و منزلت و جای خودش را باز کرده است.

زنهای ایران که امروز حس می کنند که مثل یک بشردگیزی در دنیای امروز حق حیات دارند گو اینکه تا به حال برای آنها فعالیت های فزونی و در ادارات و غیره مجاز بود ولی همچنانکه حس می کردند که با آنها مثل دیوانه و مجور رفتار می شد این یک اشکالات روحی در



آنها تولید می کرد که متأسفانه ممکن بود در تربیت اطفال آنها اثر بخذارد. این عفت ده و این حس حقارت وقتی که از میان رفت فعالیت آنها که نصف جامعه را تشکیل می دهند باعث این خواهد شد که فعالیت ملی ما به همان نسبت اضافه شود و بر تولید ملی و قدرت ملی و منابع ما به همان نسبت اضافه شود و یک مرتبه باعث یک جهش به جلو از ساحت اقتصادی و اجتماعی برای ملت ما بشود.

مجموع این اقدامات باعث شده که جامعه ایران یک مرتبه به یک مسافت فوق العاده و غیر قابل قیاسی به سمت جلو جهش کرده است این موقعیت فعلی ما باید روز به روز تحکیم بشود. درست است که شش ماده انقلابی ملی ما را هیچ نیرویی نمی تواند بشکند. بزنند تا اینکه امروز تمام کسانی که مخالفان این جریان هستند دیگر به این اسم اظهار مخالفت نمی کنند جرأت ندارند که بگویند؛ چونکه در ششم بهمن گذشته شما نشان داده اید که اراده ملت چیست. پس اینها دیگر جرأت ندارند که بگویند ما با این مواد مخالفیم گوئیم که در باطن در ته قلبشان تمام مخالفان بهمن است. این است که به زبان دیگری تمام زهری که در قلبشان هست به یک شکل دیگری می خواهند بریزند.



راهش چیست؟ راه ما راهی است که مطابق احکام خداوند است. برای اینکه مطابق عدالت خداوندی است. عدالت اجتماعی مورد پسند خدا و رسول خداست. ما راه اورامی رویم. پس راه ما راه صحیح است. اما همانی که در پناه و خورده امی سال پیش ماسک استبدادشان را عوض کردند به اسم مشروطه دو مرتبه خودشان را به این ملت تحمیل کردند، باز هم در صدد فرصت هستند. این فرصت را مستلاً شملت ایران دیگر به این عناصر نخواهد داد. یعنی تصمیم گرفته ایم که چون مملکت ما از تمام مواهب برخوردار است و امنیت و ثبات و اقدامات اساسی ما به قدری پیشرفت کرده است و در کن مسؤلیت ملی با آزاد شدن اکثریت قریب به اتفاق مردم تأمین شده است می توانیم به حکومت حقیقی مشروطه پارلمانی ادامه بدهیم. به این جهت تصمیم نمیت که تا آخر تابستان انتخابات مجلسین در مملکت شروع و خاتمه پیدا کند و می دانم که شملت ایران تمام کسانی که در تصویب ملی ششم بهمن شرکت کردند با همان روحیه، با همان عزم و اراده، یکت پارچه و با اتحاد، با پیوسته و قما خواهید رفت و کسانی را به نمایندگی خود به مجلسین می فرستید که بدانید اینها از ته قلب بدون ظاهرسازی با ایمان، دنباله لویج شمشکانه انقلاب ملی را خواهند گرفت و این کار بزرگ را



تا موقعی که مورد اعتماد شما هستند دنبال خواهند کرد؛ و به همه برای آخرین بار ثابت  
خواهید کرد که دیگر در جامعه ایرانی تغییر شکل و تغییر ماسک ممکن نیست و راه فقط برای  
کسانی باز است که از روی ایمان و عقیده به ملت و به اصول انقلابی ملی ما پیشرفت خواهند  
کرد و خدمت خواهند کرد. حس می‌کنم که به سچو قوت در هیچ زمانی در تاریخ ایران چنین اتحادی  
بین ملت وجود نداشته است برای اینکه این اتحاد بر اساس طبیعی قرار دارد یعنی بر اساس  
منافع ملی ما و منافع فردی ایران. منافع ملی این است که اتحاد شما باعث پیشرفت  
این برنامه بایستی است که شما را در پیشروترین ممالک مترقی و راقی دنیا قرار می‌دهد پس  
به عنوان یک نفر ایرانی تمام افتخاراتی که یک فردی می‌تواند از وطن خود بخواهد  
و داشته باشد در اوستید و خواهید بود و اتحاد دیگر شما یعنی اکثریت قریب با اتفاق شما  
بر اساس منافع فردی و اجتماعی شما هم هست که می‌دانید این اصول شما که یا لواج  
شما که برای تأمین به حد اکثر ممکن زندگی اجتماعی مادی و اقتصادی شماست. پس  
چطور ممکن است اتحادی از این قوی تر در بین یک ملتی پیدا شود که اساس این اتحاد  
بر منافع ملی و اجتماعی و اقتصادی قرار داده شده باشد؟ این است که با کمال اطمینان



اعلام می‌کنم که مرحله اول اصلاحات ارضی تا اوایل مهر امسال تمام خواهد شد؛ مرحله دوم آن بلافاصله شروع می‌شود و امروز در گزارش دیدید که یکی از خانواده سلطنت در این راه پیشقدم شد و اگر سایرین پیشقدم شوند و دنبال بروند چه بهتر و الا البته قانون تکلیف را روشن کرده است.

لایحه سهم‌شدن کارگران با سرعت هر چه بیشتر ادامه دارد و عنقریب در تمام کارگاهها و کارخانه‌ها که مشمول این لایحه هستند به بهترین وجهی عمل خواهد شد و خوشوقتم که این بهبودی در زندگی کارگران نجیب و شریف ایران در عین حال باعث استحکام وضع اقتصادی و اضافه تولیدات مملکتی شده است که آثار ثروت ملی ما به طریق غیر قابل‌تعمیری اضافه و بیشتر خواهد شد. مبارزه با میوادی با شدت بیشتری دنبال خواهد شد. تمام گزارشاتی که به من می‌رسد این است که این جوانهای ایران امروز در لباس سپاه دانش در اقصی نقاط ایران در دما ت و در افتاده در بعضی جاها با وسایل اولیه زندگی بادل جان و قلبی مملو از مهر و محبت نسبت به هموطنان خود مشغول مبارزه با دیو جهل و میوادی هستند و روز به روز این برنامه به قوت بیشتری پیشرفت خواهد کرد. سایر لوازم اصلاحی مواد شکرانه



با کمال سرعت پیشرفت خواهد کرد و اضافه بر تمام اینها امیدوارم که بالاخره لایحه استخدام کشوری پس از مطالعات کافی که در آن شده است تکلیف کارمندان زحمکش دولت ایران را نیز روشن بکند و آنها نیز با همین روح اصلاحی ملی که در پایداری شده است به خدا و جدانی و اداری خود قادر باشند برای رفاهیت بیشتر و تأمین زندگی مردم برنامه‌های وسیع دیگری هست. منجمله تجدید ساختمان بناهای مخروبه و مسکونی این مملکت و بناهای جدیدی است که برای رفاه حال عموم مردم لازم است و یک قسمت از آن شروع شده است که امیدوارم سال به سال به مقدار بیشتر و وسعت بیشتری ادامه پیدا کند.

اگر بنخواهیم تمام مطالب را ذکر کنیم صحبت به درازا خواهد کشید و مجال این کار نخواهد بود. این است که خلاصه این خواهد بود که به شما بگویم که با این اتحاد عجیبی که در ملت ایران می‌بینیم آئینه‌شما تأمین است و آئینه‌شما نمی‌تواند از دشمنان آتیه ناگهتر باشد و به زودی ملت ایران همدوش ملل مترقی دنیا به پیشرفت خود ادامه خواهد داد و ما ضمیمه نسبت به آئینه‌های ما بیشتر از پیش اطمینان پیدا می‌کنیم و آن اقداماتی است که امروز در دنیا به مرحله‌ای رسیده است که ممالک بزرگ صاحب قدرتهای امیک بالاخره مواظبت کرده‌اند





که امتحانات تمیک را متوقف بکنند و امیدوارم این باعث تفاهم بیشتری بشود و بالأخره  
دنیاروزی بدان مرحله برسد که از خطر جنگ به کلی مصون بماند و با خاطری آسوده به کار  
خلافت آبادی و ترقی پردازد و این آیه انشاء الله بامت شما و شرکت همگانی شما با  
همان روح ششم بهمن در انتخابات آینده ایران تجلی خواهد کرد.



## سخان ساه شاه

در مراسم اعطای اسناد مالکیت کشاورزان منطقه لرستان

جمعه بیست و نهم شهریور ماه ۱۳۴۲

از چند نقطه نظر امر در برای من جای خوشوقتی است که در این نقطه حاضر هستم و با اهالی غیور و وطن پرست این سامان تجدید دیدار می کنم، و در عین حال به یکی از همزایی که همیشه برای من باعث نشاط و خوشوقتی است می پردازم و آن تقسیم شاید آخرین اسناد مالکیت دهقانان جدید در قسمت مرحله اول لایحه اصلاحات ارضی است.

یادم هست که برای مرتبه اول در کنگر و رسید و پانزده اردیبهشت دیدن کردم مطابق که از احساسات ایرانیت شما شنیده بودم، همچنین مناظر زیبای طبیعی و قیافه نامی مردانه و مصمم شما یادگار خوبی در من گذاشته بود که میل داشتم بعد از آن همیشه در اولین فرصت از شما دیدنی بکنم؛ مناظر زیبای طبیعتی شما را در مرتبه به خاطر بیاورم. ولی متأسفانه بعد از چند سال جنگی در جهان رخ داد و مملکت ایران با وجودی که اعلان بی طرفی کرده بود. همانطور که در جنگ اول بین المللی بر اساس موقعیت حساس جغرافیایی خود بی طرفی او مورد احترام قرار گرفت



و از هر سو هر کسی که توانست تجاوزی کرد و از خاک ایران استفاده ای برای مقاصد خودش  
برد، در جنگ دوم جهانی نیز کسانی که خود را قومی ترمی دانستند به سیاست صیوانه بی طرفی  
آن روز ایران وقتی نگذارند و برای جسمی مصاح خود با زهم شبنون زدند و صبح ساعت  
چهار، بدون اخطار قبلی بدین مملکت ریختند و سرازیر شدند. شهرهای بی دفاع ما را بمباران کردند  
و اطلاع دارید که این مملکت در واقع اشغال شد و در زمان جنگ چه بدبختی مایی که ما کشیدیم.  
چه افرادی که گمراه شدند، چه ستونهای خمی که در این مملکت تشکیل شد که متأسفانه آثارش تا مدت ها  
باقی ماند و امروز است که ما مضموم و یکدل هستیم که این نوع نفوذ خانان و غیر قانونی و غیر قابل تحملی را  
از هر جایی که باشد و به وسیله هر دستهای که باشد از بین ببریم.

ایرانی که در ایران زندگی می کند فقط باید برای ایران فکر کند و زندگی بکند. و اما در تمام  
دوره جنگ در موقعی که در بعضی نقاط ما می دیدیم بعضی افراد گمراه می شوند و خدای نخواسته  
خدمت بی اجنبی را به خدمت به مملکت خود ترجیح می دهند در تمام آن مدت یک نفر ندیدیم،  
نشیدیم که در این منطقه در این لرتسان کوچکترین تسخلی از وظیفه ملی خود و احساسات وطن پرستانه  
خود کرده باشد و قلب او همیشه پاک و بی آرایش و ایرانی ماند و همیشه این منطقه برای ما در واقع یک منطقه



اطمینانی بود از احساسات و وطن خواهی . پس البته می فهمید که مردم این خطه و امور این قسمت  
تا چه حدی مورد توجه و علاقه ما هست و فقط تأتف من این است که تا به حال شاید به اندازه  
استعداد لرستان بیان قیمت توجه نشده است .

برای اینکه استعداد شما جلوی چشم بیدار است . کمتر نقاطی در قسمت های غیر از سوال بحر خز  
است که ما بتوانیم به یکت کوهی نگاه کنیم و روی آن کوه درخت و حلف و سبزه دیده نشود . در همین  
نقطه که ایستاده ایم شاید چند متری بیشتر لازم به کندن زمین نباشد که ما به آب برسیم .  
بهینطور بارانهای فصلی به اندازه ای است که اجازه حتی رسیدن جنگل را به این منطقه می دهد .  
همچنین در مورد قسمت های دیگر به اندازه ای که لازم بوده توجه نشده است باید آنها جزان بشود ،  
و در قسمت های بهداری و بیمارستانی شما احتیاج به تشکیلات خیلی بیشتری دارید . در قسمتهای  
قضایی و دادگاهها ، و تشکیلات آن احتیاجات بیشتری است که باید مرتفع بشود . قسمت های  
دیگر هم هست که اگر بخواهم ذکر کنم در زیر این آفتاب سوزان اسباب زحمت می شود و زود از  
آن می گذریم ولی در هر قسمتی می شود توجه بیشتری کرد و وسایل پیشرفت در فاه شمارا پیش  
فراهم کرد و اما پس از اظهار قدر دانی از زحماتی که ما مورین وزارت کشاورزی و اصلاحات ارضی



در راه انجام برنامه اصلاحات ارضی کشور به عمل آورده اند و امر فوریت سنجش ارضی بینیم و این اسناد را به دهقانهای صاحب زمین تقسیم کردیم. درد و کلمه باید مطالبی را بجهت به وقایعی که بخصوص در این هشت ماه اخیر در مملکت شما اتفاق افتاد بگویم، و آن این است که هشت ماه پیش مخصوص در روز ششم بهمن ملت ایران با تصویب ملی و صحیح گذاردن به آن شش اصل یا شش لایحه، یک انقلاب همه جانبه کاغذی را تصویب کرد که به سه هزار سال تاریخ ایران یک مرتبه صورت جدیدی داد و جامعه ایران بکلی زیر و رو شد و عوض شد و برای شاید اولین مرتبه حقوق اکثریت افراد در این مملکت رعایت شد و اقدامات و افعال مسؤولین امور فقط صرف تأمین منافع اکثریت ملت ایران شده که در عین تأمین آن منافع سایر طبقات نیز به فراخور حال خودشان و مطابق اصول عدالت اجتماعی جدید ما بر اساس انقلاب ششم بهمن تأمین هستند.

این کار بقدری عظمت داشته است که ما چون داخل آن هستیم شاید در دست متوجه آن نباشیم ولی کسانی که از خارج نگاه می کنند طوری غرق در حیرت و تحسین هستند که انعکاس آن به گوش ما می رسد و البته آنهایی که کاملاً به تمام عظمت این جریان و اندیشه شنیدن آن مطالب برایشان گلی است برای درک عظمت این حرکت ملی ما. البته همان طوری که در ششم بهمن گفتیم



و بجای راحت نشستند، هر چه که از دشمن برآمد کردند و به هرفسادی، هر پستی، و هر تحسیری که  
تن در دادند و حتی اتفاقات ناگواری در این مملکت رخ داد ولی بار دیگر روز سه شنبه بیست و ششم  
شهریولت ایران پامی صندوق با رفیت برای اینکه بار دیگر صحنه خود را بر این جریانات و  
این انقلابات و آن چیزی که اکثریت مردم این مملکت را آزاد کرد، رعیت برده سابق، و هتقان  
آزاد امروز شد، زن مجور که دزمره دیوانگان شمرده می شد، امروز جزه شیر زنان و آزاد زنان  
است. اساس عدالت اجتماعی جدید را در مرتبه صحنه نهاد. گو اینکه این شش لایحه و شش اصل در  
ششم بهمن به تصویب رسید و احکام تصویب آن حداقل به اندازه قانون اساسی مملکت است، ولی  
شرکت میماند ملت ایران و همه جانبه او در این انتخابات به معنی این است که نماینده ملت کسی است  
که دنبال رو این اصول باشد. اصل تصویب شده است ولی در موقع عمل باید همه جانبه از طرف مردم  
و دولت تعقیب بشود. برای آنکه مادر آتیه ثمرات نیکوی آن را ببینیم و بچشم تمام این وقایع طوری  
باعظمت و بزرگ است و طوری باعث شادی است که نامی تو انیم حقیقه آن لذت را درک  
بکنیم.

ایرانی، امروز با کمال افتخار سر بلند شده است. هر کسی که سفر می کند به خارج، به



هر کسی که برخوردی کند بایک احترامی با او صحبت می‌کند. دو مرتبه ایرانی می‌تواند فخر بخند و بگوید که من ایرانی هستم، از این نژاد هستم؛ از این دیار هستم؛ برای اینکه فقط به گذشته خود می‌تواند افتخار کند، بلکه بخصوص به آینده خود می‌تواند مطمئن و متفخر باشد.

در اجتماع جدید ایران که بر اساس آن‌ش اصل منصوب ششم بهمن در اساس عدالت اجتماعی و بر اساس آزادی عموم افراد مملکت بنا نهاده شده است، این اجتماع همان طوری که به کرات گفتم ماحکوم به پیشرفت هستیم. تمام عوامل و وسایل کار فراهم شده است برای اینکه این مملکت جوش فوق العاده‌ای به جلو بکند و حتی باید بگویم پر تاب شود به سمت جلو؛ تنها چیزی که مانده است این است که روی این اصول هر کسی پیش خودش، پیش خدای خودش، در مقابل وجدان خودش با عزمی راسخ تصمیم بگیرد که از هر روز بیشتر کار کند؛ زحمت بکند؛ که هم نتیجه‌اش را خودش ببیند و هم جامعه. و بالاخره مملکت ایران آینده‌ما در تحت این اصول و این جامعه از لحاظ اخلاقی مطابق پیشرفته‌ترین مجامع دنیا و خوشبختانه از لحاظ دینی در تحت پرچم اسلام تمام اینها باعث این خواهد شد که چنان با به افتخاراتی نایل بشویم که حقیقتاً هم روح ما در آتیه شاد باشد و هم اجداد ما از ما راضی باشند و هم آیندگان به ما شاید دُعا بکنند.



## سخان شاهانه

به مناسبت روز دهقان

دوشنبه اول مهر ۱۳۴۲

روز اول مهر که روز دهقان است با کمال خوشوقتی جشن می گیریم. دهقان در پیش  
نیاکان ما عزیز و محترم است و حال نیز بیش از پیش در نزد ما محترم و عزیز می باشد. طبعاً توجه ما  
نسبت به شما که اکثریت جمعیت مملکت را تشکیل می دهید بیش از همه معطوف است و انسان است  
تا بحال این توجه مخصوص را به طرق و صور مختلف برآورد داشته ایم. لایحه اصلاح ارضی که در جریان  
است مترقی ترین وسیله تأمین سعادت و رفاه، و همچنین تأمین وضع شرافتمندانه زندگی دهقان  
ایرانی را فراهم می کند. با عزم راسخی در این راه کام بر می داریم و مطمئن هستیم که با استقبال همه جانبه  
ای که شما دهقانان شرافتمندان آن به عمل آورده و در تسهیل اجرای آن رشد و سهم اجتماعی خود را  
به خوبی نشان داده اید به زودی شاهد بهترین وضع جامعه دهستانی و همچنین از دیاد قابل توجه  
محمولات کشاورزی ایران خواهیم بود.

خداوند پشت و پناه شما باد.





## سخن شاه شاه

بر مناسبت ذروهتقان خطاب بر و تاسیان منطقه قزوین بوین شهر

دوشنبه اول مهر ماه ۱۳۴۲

قریب یک سال پیش در همین محل با قلبی آزرده به بازدید خرابی ما و برای سعی در تسلی دادن و امیدوار نمودن خانواده های که در زلزله دهم شمسک یور مصیبت دیده بودند به اینجا آمدم و امروز نیز برای شرکت در جشن دهتقان و ضمناً با زرسی از کارهایی که در این یک سال برای بنای جدید دما ت خراب شده، و همچنین احوال سرسی از کسانی که باقی مانده اند، و دیدن روحیه جدیدی که در باقیماندهگان ایجاد شده است، در اینجا حضور دارم.

زلزله ای که سال گذشته در این صفحات پدید آمد با کمال تأسف بیش از ده هزار نفر تلفات داشت و در حدودی هزار نفر بی خانمان شدند. اقداماتی که تا به حال شده است آن چیزی که از دست مؤسسات ایرانی خیرخواهان ایرانی، و تمام کسانی که در این مملکت به نحوی از انحاء در تجدید بنای این دما ت شرکت کرده و همچنین کلکهای ذیقیمتی که ممالک دوست و اسناد و بشردوست و خیرخواهی که از خارج به این مملکت کمک کرده اند باعث کمال قدردانی است.

کتابخانه تخصصی  
تاریخ اسلام و ایران  
۱۳۳۲



متبا اقداماتی که انجام گرفته است جو ابکومی تمام احتیاجات ساکنین آسیب دیده نمی باشد و سعی ما در آتیه باید این باشد که تمام دمان خراب شده را بتوانسیم برای باقیماندهگان آنها بنامی کافی و وسیله زندگی، وسیله کسب و زری و امر معاش فراهم کنیم. ضمناً در این شست پناور یک برنامه عسدرانی در نظر داریم که شاید برای تمام مملکت نمونه باشد. یعنی یکت کسب و زری با اصول جدید در چنوع خانه ای زندگی کند که بیشتر وسیله رفاه و آسایش او را فراهم کند. چه شکلی زمین خودش را با چه وسیله زرراعت کند؛ طرز آبیاری چه باشد؛ طرز کود دادن چه باشد؛ و دمداری چه باشد؛ و امیدواریم این برنامه را با هم قهرتی که باشد شروع کنیم و به اتمام برسانیم و این خود نمونه ای باشد برای تمام اقدامات بعدی چه دولتی و چه خصوصی.

اما در این روز باید از اصلاحات ارضی که در این مملکت صورت گرفته است ذکر می کنیم. اصلاحات ارضی همان طوری که می آید سعی کردم که در ۱۳۲۹ با تقسیم املاک شخصی خود شروع کنم. بعد از مدت کوتاهی متأسفانه وضع مملکت شادست خوش حوادث شد و کسانی که در آن موقع زما مدار دولت بودند به آن برنامه خاتمه دادند و برای مدت کوتاهی متوقف شد. بعد ما فهمیدیم که آن نظر متوقف کردن این برنامه چه معنایی داشت. معنای متوقف کردن این برنامه در ۱۳۳۱ را



ما در اتفاقاتی که در این یک سال اخیر در این مملکت افتاد فهمیدیم یعنی همان چیزی که من در کنگره  
دوستانها زده‌ام که در مقابل این نهضت بزرگ ما، این انقلاب ملی ما و قوه آزایی نخواهند  
نشست و آن ارتجاع سیاه و قوای مخرب سُرخ باهم دست‌تسما خواهند داد تا مانع پیشرفت  
دسرافزایی این مملکت بشوند. همین قوه و اتحاد این دو قوه بود که ۱۳۲۱ به زما در ان کور وقت  
در واقع حکم کرد که در همان موقع این برنامه اصلاحات ارضی را متوقف کنند.

بعد از مدتی خواهیم که اصلاحات ارضی شخصی خود را به مملکت تعمیم بدیم، لایحه تقسیم حاصلجات  
را به تصویب رساندیم؛ و لایحه محدودیت اراضی زراعتی را نیز به مجلس دادیم. همان طوری که قبلاً  
گفتم این لایحه به یک طریقی وارد مجلس شد و به طریق دیگری خارج. درست اصطلاح معروف است  
که یک شیر براننده خوش‌ترکبی وارد مجلس شد و بدون مال و دم و آشکم خارج. چرا؟ چون تا قبل  
از این انتخابات، تا قبل از آزادی و دهقان، تا قبل از الغاء رژیم ارباب و رعیتی، کثرت دران مجلس  
ایران و سایر طبقاتی که زنجیرهای اسارتی به اطراف آنها بسته شده بود در رفتن به پای صندوق  
از خود اراده‌ای نداشتند، مجبور بودند که آن چیزی که یا ارباب به آنها می‌گفت یا صاحبان  
نفوذی که به هر قیمتی می‌خواستند یک منافع قدیمی و پوسیده‌ای را برای خود در مملکت حفظ کنند اینها



در پرکردن صندوق قوامی این مملکت نفوذ و تأثیر داشتند. پس آن لایحه‌ای که به آن مجلس که به آن ترتیب تشکیل می‌شد غیر از جهان اتفاقی که برایش افتاد نمی‌بایستی که ما انتظاری داشته باشیم تا اینکه بالاخره در مقابل مقیاسه وضع خود، با تمدن امروز جهان قریب سه سال پیش تصمیم گرفتیم که برای حفظ بقای این مملکت نخستنظر حوادث نمی‌شود شد، بلکه ما خودمان حوادث را باید سیاه کنیم و بر آنها فایق شویم تا اینکه آینده مملکت خود را تا این مکتبیم و باطل راقیه دنیا برابر و همسر زندگانی کنیم. این است که محور شدیم برای انجام اصلاحات و پیشرفت‌های مملکت تا مدتی بدون دخنده و اشکالاتی تصمیماتی که برای پیشرفت مملکت لازم بود انجام بدیم. دو سال و نیم ما بدون نمایندگانی که مربوط به گذشته این مملکت بودند زندگی کردیم و نتیجه این دو سال نیم همین است که امروز می‌بینید، یعنی در ششم بهمن با آن شور و ذوقی که شما به پای صندوق قوامی تصویب ملی رفیقید و به انقلاب ایران صحه گذاردید و آن انقلاب ایران چیزی است که شما ده‌ها نامی ایران را آزاد کرد، به رژیم ارباب و رعیتی خاتمه داد؛ به کارگزار ایرانی وضع فعلی را بخشید؛ به نصف جمعیت که آنهم زهنای ایرانی است آزادی داد و سایر مواردی که معروف به مواد ششگانه است، صحه قانونی ملی را گذارد.

نمی‌توانیم امروز در تمام جزئیات وارد شویم. بلکه فقط راجع به امور اصلاحات ارضی مختصری



می پردازیم.

وقتی که قانون اصلاحات ارضی اول تصویب شد و ما به مراضه فرستیم، و برنامه را اعلام کردیم، خیلی باورند که مخبر می کردند این برنامه را در محکمت عملی نیست. شاید اولین کسانی که از طرف اصلاحات ارضی به دولت مراضه فرستاده شده بودند برای آنها اسباب اشکال شد. بعضی ما را تهدید کردند، ولی دستور من به قوای متحد محکمت این بود که با تمام قوا مخبر می این برنامه هستند و هر کسی که خواست حتی یک ثانیه در مقابل اجرای قانون حتی تاخیر بیندازد، آن شخص را خلع سلاح بکنند. یعنی از جلوی صدمه رساندن او جلوگیری بکنند و در آینده در مراضه نصیای می کردم که امروز دنیا چطور است و به عقیده من مالکیت چطور ممکن است ادامه داشته باشد. نصیحت من این بود که شما مالکین جایی که با زارع سروکار دارید بهتر است که آن زمین را به زارع واگذار بکنید و خودتان با ماشین آلات در جایی که زارع نیست به کار بپردازید. البته مکان نمی گویم که همه از این حرفها، یا پسند گرفتند یا خوششان آمد ولی از من نصیحت کردن بود برای اینکه آتیه را می دیدم.

چند صبحی گذشت، همان دو قوه ای که اتحاد غیر مقدس باطنی با هم داشتند شروع به عمل کردند. مهندس ملک عابدی را در فارس به قتل رساندند. کشتن او ما را از اجرای برنامه منصرف نکرد.



کشتن او شاید در تصمیمی که من برای به مراجعہ گذاشتن به آراء عمومی بم لوائح اصلاحات ارضی و بم لوائح دیگری را که جامعه ایرانی را زیر و زومی کرد بی تاثیر نبود. آن عکس العمل خانسانه باعث تسریع در تصمیم گرفتن از طرف من قیامید از طرف شما شد که به آن زندگی نابجا نمر دانه و غیر قابل تحمل گذشته زودتر خاتمه بدم. برنامه اصلاحات ارضی با فداکاریهای حقیقه تمام مأمورین این سازمان ادامه داشت جو اینها که بدون فوق العاده و حتی بدون خرج مفسر این دقیقه به آنها می گفتند که بروید در سلطان نقطه دور افتاده مملکت، شاید بعد از چند ساعت اینها در راه بودند. حقوقهای آنها ناچیز بود. تنخوا متحرک اینها قطعاً ایمان به این برنامه بود. و قطعاً به آینده ای که برای مملکت پیش خودشان تجسم می کردند خدمات بی شباهت به اینها ادامه داشت.

ششم بهمن آمد، شامت انقلاب ملی خودتان را تصویب کردید. ولی این هنوز به عمر خانسانه آن تحساد خاتمه نداده بود. دیدید که بعد از ششم بهمن، بعد از چند روزی یک مُشت از خدای خبر سعی کردند که در فارس خایله ای راه بیندازند که به فکر خودشان باعث رکود و شکست انقلاب ملی مابشود. یک مُشت مردم کمره، یک مُشت قاتلین حرفه ای و پیشه ای، با تحریک مُرتجع و مخرب که ما اسنادش را داریم به خیال خودشان افتادند تومی کوهها که قتل ملک طابدی را تسجید کردند



و یامر عوب بکنند و یا بر نامه مارا متوقف سازند .

به همت سر بازاری رشید وطن شما که متأسفانه آنها نیز تلفات دادند و شاید تلفاتشان در حدود هفتاد الی هشتاد نفر بودند از سر بازاران دارم و غیره به آن خایله خانسانه و در عین حال پیکانه و مضحک پایان داد . بعد از آن پانزده خرداد را ما داشتیم که بدترین مظاہر و چشکری و عقب افتادگی و تخریب فکری نمایان شد که برای این مملکت ننگی بود که بازار اده قوی ملت ایران و همچنین وظیفه شناسی قوای مسلح ، در عرض مدت کوتاهی خاتمه داد . جواب ۱۵ خرداد رویت و تصمیم خنل ناپذیر شما در رفتن به پای صندوقها در بیت ششم شهروید و انتخاب کردن افرادی که به نفع ملی مأمومین بودند داده شد . بزرگترین پاداشی که ملت ایران برای اظهار قدر دانی به مأمومین اصلاحات ارضی دکشا ، زری داد همانا که بیت هشت نفر از وزارت کشا و زری و بخصوص مأمومین اصلاحات ارضی را به نمایندگی از طرف خود برای مجلس شورای ملی انتخاب کرد . این بزرگترین افتخاری بود که ملت می توانست به این خدمتگزاران خود بدهد .

بنیاد ملت ایران که این وقایع مختصری که من برای شما شرح دادم امروز پایه های آینده شمارا به محکمترین طریق پی ریزی کرده است . روح اتحادی که من امروز در تمام طبقات ایران







باعث رفر شرفت مادر مقابل تمام موانعی که سر راه ما بود .  
امروز نه فقط کوچکترین مانعی دیگر باقی نیست ، بلکه این قوه نهایی و آتشینی که در تمام  
شما ما می بینیم باعث این خواهد شد که در اندک مدتی ملت کمنال ایران به سمت جلو ، به سمت عالیترین  
هدفهای اجتماعی به پیش رود و با افتخار و سرفرازی همروش مترقی ترین دنیا به پیش برود .  
خداوند همیشه یار و مدد کار شما باد .



# نسخان شاهنشاه

بنگام شرفیابی هندستان البته به وزارت کشاورزی و زبان و صنایع است

چهارشنبه دهم مهرماه ۱۳۴۲

دربوینین بهر اترحاتی که کارکنان اصلاحات ارضی در این انقلاب ملی کشیده بودند بدی کردم و گفتم که بهترین پاداشی که ملت ایران می توانست در ازای خدمات صادقانه شما، به شما ارزانی داشته باشد همانا انتخاب شما به نمایندگی خود در این دوره جدید مجلس ایران است که مصاد می شود بایک فصل جدید در تاریخ سه هزار ساله این مملکت، فصل جدیدی که در عرض بیک مدت کوتاهی کمتر از یک سال سه هزار سال زندگی اجتماعی ما را بکلی دگرگون و زیر و رو کرده باشد و آن را امروز مساوی و در بعضی جا شاید هم مترقی تر از جامعه پیش رفته و مترقی امروز دنیای تمدن کرده باشد.

اصالت انقلاب ملی ما طوری است که امروز چه شما که امروز با من صحبت کردید، چه نرؤ که نمایندگان کارگران آنها هم به وکالت مجلس انتخاب شدند و چه این و آخر با هر کسی که مواجه می شوم می گویند که طوری این اقدامات در روح و روان ملت ایران اثر کرده است که چهره



چنان‌کسی حتی در بیابانها و صحاری و کوه‌ها زندگی می‌کند امروز پی می‌بخشی و نتیجتاً این انقلاب ملی ما، برده است از جان و دل نبال این کار است. گمانکه ما می‌بینیم که انتخاب ۲۸ نفر، فقط از اصلاحات ارضی این یک کار در واقع فوق العاده است. این نشان دادن اهمیت است که مردم مملکت بدین اقدام که یکی از شش لایحه انقلابی ما است گذشتند.

البته در این اصلاحات ارضی، ما می‌توانیم بگوییم که تقریباً ۷۵ درصد جمعیت مملکت چیزی که مردم در این کار آشنا و وارد بودند و شما ما را نسبت به کاری که انجام دادید خوب شناختند و چون کارتان خوب بوده است، اطمینان سپردن و کالت خودشان را به شما پیدا کردند یعنی کافی بود که یک چند ماهی در این راه شما در یک منطقه‌ای که ما مور بودید، کار بکنید و قدم بردارید که جلب اعتماد کامل مردم را بنمایید که آنها یک چنین کالتی را از طرف خودشان به شما بسپارند. پس این ارساط کار گذشته ما که قسمت اصلاحات ارضی یا کشاورزی یا کاری که مربوط به کشاورزی و بخصوص اصلاحات ارضی بوده است و اما شما که چنین سرباز مؤمن و در خیل ارقستها کار کرده‌اید، چنانکه در بین شما شایسته هم دادند امروز نماینده مردمی هستید که می‌دانید خودتان بهتر از همه که از جان و دل در ششم



بهمن انقلاب ملی ما را تصویب کردند شما و هر کسی که امروز نماینده ملت ایران است، نماینده آن  
ملتی است که این انقلاب را تصویب کرده، امروز همه کسانی که سرکار هستند چه در مشاغل  
دولتی، چه کسانی که از طرف ملت نمایندگی دارند سر باز فداکاری باید باشند. در راه  
اجزای این شش ماده ای که به تصویب ملت رسیده و مستلماً می دانم که از طرف ملت ایران  
صحبت می کنم، اگر بگویم که مجری تمام تصمیمات و لواحقیتها که باروح انقلاب ششم بهمن ما،  
مطابقت داشته باشد. البتین این شش لایحه ای که تصویب شد این اساس کار اجتماعی ما را  
دگرگون کرد ولی در عمل جزئیات دیگری است که باید دولت یا به تنهایی یا با تصویب قوه  
قانونگذاری تحمیل بکنند. این دستور العمل آینده ما است. من فخر می کنم که باید یک دورنمای  
بیست ساله ای در پیش خودمان مجسم بکنیم و کاری که امروز می کنیم نه فقط برای امروز و  
باشد، بلکه تطبیق بکنند با برنامه بیست ساله ای که ما در پیش خودمان ترسیم کرده ایم این برنامه  
بیست ساله چیست؟ رساندن جامعه ایرانی که شاید ما بیست سال دیگر جمعیتش به چهل میلیون  
برسد؛ از لحاظ تمدن و فرهنگ و قواعد و قوانین اجتماعی به سطح و پایه مسترقی ترین  
ممالک و مجامع دنیا که الآن از لحاظ قانون رسیدیم ولی در عمل باید برسیم و از لحاظ درآمد



که ضمن آن رفاهیت و آسایش خانواده های ایرانی هست نسبت به ثروت طبیعی و خدا دادی  
مملکت و جمعیت مملکت به حد اکثر استفاده از ثروت های موجود چه روی زمین چه زیر زمین و  
بر اساس تمام قوانین عدالت اجتماعی تا این یک حداقل درآمد سرانه ای در مملکت که مساوی  
باشد با درآمد ممالک خوشبخت و راقیه و مترقی دنیا. البته کارشمار زیاد خواهد بود و عنقریب در  
نطق افتخارخانه مجلسین به یک نکات مختصری اشاره می خواهیم کرد. بعد فرصت خواهد بود که  
مفصل تر در هر قسمتی صحبت کنیم. این است که امر و نقطه به این مختصر قناعت می کنم و می گویم که من  
اذعان می کنم که در تمام مدت سلطنت خودم که مطابقت حقیقه میهن پرستی را به کرات دیدم و  
ارتباطی که بین ملت ایران بود از زمان لیعهدی تا حال همیشه یک ارتباط خیلی صمیمانه و  
قلبی بود و چون بخواست خداوند در این مدت چندین مرتبه به بیماری و حتی بعضی اوقات بطور  
مبعضه آسیایی توانسته ام که این مملکت را از خطرات مملکت حتی ربانی بدهم این است که  
احساسات محبت و تشویق آمیز مردم تا به حال یک چیز فوق العاده ای بوده ولی به شما بگویم  
که هیچ وقت صمیمیت فعلی و یکپارچگی فعلی را من در مدت این سبب دو سال ندیده بودم و این  
جای امیدواری است؛ باعث دلگرمی است که هر کسی بداند که این ملت مستلماً شخص فوق العا



است و محال است که کار خوب را از بد تشخیص ندهد و محال است که قدر کار خوب را نداند  
و این است که یکی از نمونه مایشان انتخاب شماست. یکی از نمونه مایشان این یکپارچگی است که  
ما الآن همی بنسیم. برای تضمین این رویه و این روحیه ملت ایران پیش از پیش باید بگوئیم .  
در قسمت اصلاحات ارضی مرحله دوم، انشاء الله به خوبی مرحله یکم گواهی کند شاید کار خیلی  
مشکله باشد انجام بدسیم. اصلاً کشاورزی ایران را یک صورت دیگری به آن بدسیم  
شرکت های تعاونی را به حد اکثر امکان تقویت بکنیم و به وسیله این شرکت های تعاونی خیلی کار های  
دیگری به نفع همین خانواده های زراعی انجام بدسیم و همیشه اصل پاداش کار خوب و  
خدای سخواته و ایحاناً عفو است کار بردار در نظر بگیریم که همه توفیق بشوند و بدانند که اگر کار خوب  
بکنند پاداشی هست و اگر کار بد بکنند باید جواب آن را بدهند. فساد چیزی است که  
باید در این مملکت ریشه کن بشود، اقدامات وسیعی شروع شده شاید ما کار را خیلی شدیدتر کنیم  
ولی چاره ای نیست و این کار باید دنبال بشود و انشاء الله همه شاهد و ناظر این جریانات  
خواهیم بود. هر کسی در این زمینه تابجایی که ما دیدیم پاداش دیده است، توفیقی شده است  
در تمام این قسمتها ما صحبتی کردیم غیر از ذکر خدماتی که سالور رئیس اصلاحات ارضی در این



کشیده است و او هم مثل شما با برای خاطر پادشاهش تجلیل و اینها نبوده و چون این خدمت را خدمت به خدا و خلق می دانسته است هنوز با وجود تمام زحمات و صدقاتی که این مدت کشیده و خسته شده است هنوز سرپرستش مثل یک سرمایگی که مگر راز نمانی کند مانده است. این مرحله دوم را به انتها برساند و باید امروز تمام مشرادی که شما را انتخاب کردند در تمام ایران و سایر مشرادی که در این مملکت هستند آنها هم قدر زحمات یک چنین شخصی را بدانند و هم بدانند که از این قبیل افراد در مملکت پیدای شوند و امیدوارم که تعداد این مشراد در مملکت روز بروز بیشتر شود.



## سخن شاهشاه

دشرفانی اعضای شرکت های تعاونی روستایی

شنبه سیزدهم مهرماه ۱۳۴۲

قبل از هر چیز باید به روح و نفرشیدی که بانک اعتبارات کشاورزی در راه اجرای لواج اصلاحات ارضی و انقلاب بزرگ ملی داده است، درود بفرستیم و همچنین کسانی که در این اوصاف شده اند و خاطر بیاوریم که این نمونه و نماینده صد نفر دیگر هستند که در این راه از روی کمال حقیقت و زحمت کشیده اند و خدا کاری کرده اند.

یک خده ای که منجمد امروز در این اطاق حضور دارند به توسط مردم محل از لحاظ قدر دانی و قدر شناسی به نمایندگی از طرف خودشان به مجلس شورای ملی روانه شدند؛ و خده دیگری که آن ها نیز به نفع استحقاق لیاقت تشویق و قدر دانی دارند؛ البته شاید ممکن نبود که همه را از این راه تشویق کرد، ولی آنها هم بدانند که اسم آنها و کار آنها در خاطر ما می ماند و به هر صورت سر باز جعیتی و خدا کاری بوده اند در راه اجرای این برنامه که به نفع جامعه ایرانی تمام شده است.

بانک اعتبارات کشاورزی و تمام شعبی که مربوط به او میشود، و این شرکت های تعاونی روستایی





د زندگی این مملکت باید اهمیت بیشتری پیدا کند. برای اینکه وسیله پیشرفت و کار و ترقی دهقانهای  
ایرانی را فراهم بکند از سخاوت اعتبار، از سخاوت فنی و از تمام نقطه نظرهایی که مربوط می شود به امور کشاورزی  
و پیشرفت کشاورزی جدید و مترقی در یک مملکت باین اضافه کنیم که چون هدف ما در این مملکت  
رساندن درآمد سرانه افراد این مملکت به پای ممالک مترقی دنیا می باشد باید دست حساب کنیم  
که هر فردی یا بیس خانواده ای در آن کاری که انجام می دهد در شغلی که دارد درآمدش باید به اندازه ای  
باشد که درآمد سرانه مملکت را به آن سطح مطلوب برساند. حال اینست که اگر ما نخواهیم به آن سطح مطلوب برسیم  
یک خانواده کشاورز یا دهقان که قاعدتاً حداقل پنج نفر باید حساب کرد ولی معمولاً شاید شش نفر  
هفت نفر باشند برای اینکه درآمدش به آن پایه لازم برسد چقدر است؟ این درآمد چه مقدار زمین  
ممکن است به دست بیاید؛ و آن مقدار زمین به چه حدی و به چه طریق باید از سخاوت کشاورزی بهره برداری  
شود که آن درآمد به دست بیاید؟

البته این بستگی به خاک آن محل دارد و آب هوای آن محل دارد؛ و بطریق کشاورزی در  
آن خاک پیدا می کنند ولی چند سال پیش مطالعه می کردم و به یک گزارش برخورد کردم که در یکی از  
ممالک خیلی پیش رفقه کشاورزی اروپایی یعنی در کشور هلند، در تقریباً پنج سال پیش یک کنفرانس



کشاورزی بود و نسبت به این کشور این بود که برای اینکه یک خانواده کشت و رز تو اند بطور مرفعی  
زندگی بگذرانند و در آن مملکت و شاید تقریباً برای اروپا، این راقائل شده بودند که تصحیح  
به دوازده هکتار زمین اراضی زراعتی دارد؛ یعنی دوازده هکتار زمین که آبپاشش تأمین است؛  
کودهای شیمیایی اش تأمین است؛ خطوط مواصلاتی و ارتباطش به مراکز فروش محصولات  
کشاورزی تأمین است؛ از لحاظ هواشناسی، از لحاظ مبارزه با آفات و غیره - تمام این چیزها  
تأمین است. معنی این مقدار زمین را برای رفاهیت یک خانواده کشاورز لازم دانسته بودند.  
برای اینکه ما هم به همان سطح رفاهیت برسیم، حساب بکنیم در مملکت ما در جایی که تمام آن شرایط  
که الآن ذکر کردم فراهم باشد خیلی خوب ما هم می‌گوییم با همین مقدار زمین می‌شود آن رفاه را  
به دست آورد ولی اگر در بعضی نقاط زمینش فقیر باشد، آب به اندازه کافی نیاید، کودهای  
شیمیایی لازم در اختیار نباشد، و از خطوط مواصلاتی دور باشد، و صد درصد آفات نباتی و غیره را  
از زمین برده باشند، چقدر لازم است؟ تا جایی که ممکن است باید به نبر زمینی که در ایران  
زراعت می‌شود آب رساند؛ تا هر جایی که ممکن است باید گنجا و سایر خاویز و بته  
و چیزهایی که مانع حقیقتاً رشد و نمو محصولات می‌شود از زمینها جمع کرد؛ تا جایی که ممکن است



کودقناب زمین را باید به آن رساند، تا جایی که ممکن است باید این نقاط را به شاهها و به مراکز فروش کشت و زری ارتباط داد؛ ولی معذرا باید ما هم از لحاظ علمی و فنی برسیم و تشخیص بدهیم که در قسمت و منطقه ایران برای رفاهیت حال یک خانواده کشت و زری چه وسایلی از یک طرف و وسایل کشت و زری و فنی لازم است؛ چه مقدار اراضی. این البته کاری نیست که در یکی دو روز بشود، ولی چند رقم ذکر می‌کنم و آن اینست که از قرا معلوم در ایران دوازده میلیون هکتار زمین زراعت می‌شود، در صورتیکه زمین موجود در ایران البته همه آنها درجه یک نیست ولی درجه یک و دو، و یک قسمت مختصرش هم درجه سه، ولی به هر صورت قابل کشت و زری است در ایران چهل و هشت میلیون هکتار اراضی قابل کشت و زری وجود دارد. از طرفی باید در کشور کشت و زری تعداد کشت و زران ما به آن حد اقل که بتواند با وسایل مکانیزه از زمین بهره برداری بکنند، از طرف دیگر چهار برابر زمین فعلی را ما باید در اختیار جمعیت این مملکت بگذاریم. برای اینکه بالاخره آن خانواده کشت و زری ایرانی که باقی می‌ماند بتواند از اراضی موجود مملکت برای کشت و زری این قدر بهره و نصیب نسبتی ببرد که درآمد سالانه او بالاخره به همان اندازه ای باشد که یک زندگی مرفه و سعادت‌مندی را برای او تأمین بکند. پس برنامه این است که



مملکت از یک طرف تمام اراضی کشاورزی اش تحت کشت قرار گیرد؛ هر جا که سد باید بست، باید سد بست، هر جا که قنات‌ها را باید تعمیر کرد آن کار را کرد؛ هر جا که باید چاه نیمه عمیق زد، زد. چاه آرتیزین زد، زد. وحی وارد کارهای فنی جدیدی بشویم. ما هم مشغول مطالعه بشویم که به چه شکلی به وسایل مصنوعی باعث بارندگی ابرناشویم و غیره و غیره.

تمام آفات نباتی را ما باید بکنیم که بعلی ازین بریم چون شاید بعضی با حتی می گویند تا پنجاه درصد محصول ایران را آفات نباتی و غیره ازین می برد این را باید ازین برسیم. هر جای که می شود کشت و زری ایران را مکانیزه کرد باید انجام بدهیم. تمام وسایل مدرن کشاورزی را فراهم بکنیم. و اینجا است که از یک طرف البته برنامه های بزرگ دولتی که به وسیله سازمان برنامه و اعتبارات و تسکینها انجام می شود انجام خواهد گرفت و ضمناً بانک اعتبارات کشاورزی و شرکت های تعاونی زل بسیار حساس و معنی دارند که سایر وسایل لازم را فراهم کنند؛ در اینها شایه های فنی و غیره را بنهند. از طرف دیگر مملکت ایران باید صنعتی شود برای اینکه تمام جمعیت مملکت و اگر مازادی در دولت باقی بماند این را جذب بکند، جلب بکند که آنها هم به نوبه خود اجاره بدهند که درآمد سرانه مملکت ایران به پای مالک راقیه و مترقی دنیا برسد. البته پس از اینکه موفقیت شما نمایندگان حاضر را به خود شما



تبریک می گویم در واقع تبریک اصولی باید گفت به مملکت ایران که برای بار اول در مشروطیت خود  
نمایندهگان حقیقی اکثریت جمعیت ایران بالاخره به مجالس مقننه ایران وارد شدند. مایخی عادی این  
حرفارامی زینم هم این کار و هم سایر مواد ششگانه ای که در این مملکت انجام گرفت برای اینکه این کارها  
در عرض مدت کوتاهی شاید هشت ماه بدون سروصدای زیادی انجام شد البته یک عیبات مذبحانه مختصری  
حالت احتضار کسانی که زندگی بهکارانه شان خاتمه پیدا کرده متکب شدند. رویه مرقه بقدری این کارها  
در این مملکت انجام گرفت که مایخی عادی در اطرافش صحبت می کنیم در صورتی که این کاری که ما در  
عرض هشت ماه انجام دادیم در سایر ممالک شاید دو یا سه سال، سیصد سال طول کشید و جاهایی  
که این قبیل انقلابات شاید حتی یک مرتبه هم به این تکلی نبود انجام گرفت با خورزیهای شامل میلیونها  
صورت گرفت. پس تبریکی است که باید به ملت ایران گفت و به آن اکثریت ایران گفت که حالا  
آزادان در سرنوشت خود شس این طور وارد شده است و شما که امروز اینجا ایستاده اید چون یا از  
بانک اعتبارات کشا و وزی بوده اید یا نماینده شرکت های تعاونی یا خرده مالکین در این جلوه شرکت  
دارید ولی همه شما نماینده ۲۱ میلیون جمعیت مملکت هستید. امروز نماینده ملت، نماینده همه  
ملت است و بخصوص نماینده این انقلاب ایران هستید که در همین پای صندوق فرزند و مرقه و همان



افزادنی هستید که در میت ششم شهریور به پای صندوق قمارفتید، و در واقع اغلب شمار می بینیم که شاید نامزد های نگین آزاد مردان و آزاد زنان ایران هستید که بر اساس همان اصول شکنجه و انقلاب ملت ایران و تصویب ملی ششم همین فکر می کنید و ایمان دارید .

در این دوره تقصیریه که در پیش دارید می دانم که شما با همیشه خداوند و ائمه اطهار را شاد و با نظر اعمالتان خواهید گرفت و همیشه به یاد خواهید داشت که نماینده مردمی هستید که آنطور صمیمانه در این انقلاب ما شرکت کردند و در چندین مرحله نشان دادند . چه در میت ششم شهریور و نماینده این روح و فکر جدیدی هستید در ایران که یک مرتبه به تمام قیود و به تمام تنگ بایلی که هنوز متاسفانه رواج داشت یک مرتبه خاتمه داد . نماینده این جمعیت امیدوار مملکت هستید که این طور با این قیافه نامی باز و بشاش و امیدوار اظهار علاقه می کنند ، اظهار وجود می کنند . به آینده نگاه می کنند این بنگر بایلی که شما اشغال کرده اید می دانم که مردانه در آنجا خواهید ماند و از آنها نگاه داری خواهید کرد . حراست خواهید کرد و محکم و دست نخورده این سنگ را به آیندگان خودمان تحویل خواهیم داد و انشاء الله تاریخ کهن قدیمی ایران با یک نیروی جدید و پر حرارت و فعالی با کمال فخر و دریاخ اودامه پیدا خواهد کرد .



## سخن شاهشاه

خطاب به روسای ادارات وزارت کشاورزی

چهارشنبه ششم آبان ماه ۱۳۴۲

ایمندی که ما به وزارت کشاورزی می‌گذاریم بر هیچ کس پوشیده نیست. در این قسمت، در گذشته فقط ما از لحاظ علوم و متمدن‌ها و رویه کشاورزی نواقصی داشتیم، متأسفانه در مملکت ما یک وضعی به عنوان وضع ارباب رعیتی بوده که غیر قابل تحمل با تمدن امروزی جهان می‌بود.

پس کاری که می‌بایستی در مرحله اول انجام بگیرد از بین بردن آن رابطه و آن روحیه بود و حالا که مرحله اول اصلاحات ارضی با سرعت و موفقیت به اتمام رسید، مرحله دوم آن که شاید از مرحله اول خیلی مشکلتر باشد و حتی باج به صرف وقت بیشتر و وقت بیشتری خواهد بود به همان نحوی و نشاء الله سرعت باید تمام شود. ولی این فقط یک مرحله از کار این مملکت خواهد بود یعنی از بین بردن روابط غیر قابل تحملی در این عصر و آزاد کردن اکثریت جمعیت این مملکت. بعد از این باید با کاری که وجهه همت خود قرار بدیم، این است که تمام فون و رموز کشاورزی جدید وارد جزئیاتش نمی‌شوم برای اینکه طولانی خواهد بود تمام این رموز و فون اول خود شابه حد کمال بلد باشید که گمان می‌کنم



باشید ولی بتوانید این اطلاعات خودتان را با تمام واسطه یابی که لازم خواهد بود در اختیار کشاورز ایرانی بگذارید که او هم به نوبه خودش برای کاری که انجام می دهد حال این داشتن یک بوستان انگور است ، یک باغ میوه است ، یک زمین گندم کاری است ، شبدریا هر نوع فرآورده دیگر کشت و زنی این در آن کاری که می کند یک نوع تخصص فنی داشته باشد ، بدانند که در چناب هوایی ، و در چمنوع خاکی چه محصولی بکارند که نتایج زحمت سالیانه او به اندازه ای باشد که به او اجازه داشتن یک زندگی دیک سطح زندگی بدید که مطابق آمال و آرزوی ما باشد که آن مطابق به اصطلاح زندگی مل مترقی امروز دنیا است . البته عوامل متعددی در اینجا به میان می آید ؛ پس از اصلاحات اجزی مرحله اول و دوم موضوع این است که ما حساب کنیم که در مناطق مختلف ایران مطابق خاکش ، آب هوایش میزان بارندگیش ، میزان آبی که ممکن است اصلا به دست بیاید چه محصولی برای چه نقطه ای بهتر است ؛ بعد چه کودی برای آن نقطه بهتر است ، بعد چه نوع ماشین آلات زراعتی برای آن نقطه بهتر است ؛ و یک چیز دیگری هم که باید به آن توجه کنیم این است که برای یک خانواده کشا و زور برای اسکله او بتواند آن در آمدی که ما امروز برای هر فرد ایرانی به اصطلاح درآمد سرانه به دست بیاورد چه مقدار زمین در چه نقطه مملکت برای خانواده ای لازم است . در یکی از نقاط مملکت اگر فقط مثلاً به زندگی





یک خانواده کث و رز از باغ چای یا برنج کاری بگذرد این ممکن است در آن نقطه مثلاً چند کتار باشد ولی در یک قسمتی که مثلاً آب و هوایش یکی متفاوت است و یا بارزندی کمتر شود و یا زمینش غنی نیست و هزار نوع سرمایه گذاری باید بشود و کوه مفصلی و اد برای آبیاریش خرج مفصلی کرد تازه مثلاً برودند گندم بکارند چندین برابر اراضی زراعتی در مقابل آن باغ چای یا کشتزار برنج کاری لازم است تا اینکه او هم بتواند در آخر سال درآمده داشته باشد که آن زندگی را برای او امکان پذیر بکند.

اینها همه مطالب دقیق و فنی است. تمام احتیاج به تخصص دارد برای اولاد که این مطالب و حل کردن این مطالب بعد برای عمل کردن این مطالب بازرجم احتیاج به هزاران هزار نفر مروج کشاورزی را بسنای کشاورزی و متخصصینی که در شرکت های تعاونی لازم است باشند که اطلاعات خودشان را در اختیار زارعین حجت کش ایران بگذارند. وارد این خبریات نمی توانم بشوم، برای اینکه خیلی طولانی است ولی این نقطه یک قسمت مختصری از کشاورزی بود. یعنی زراعت ولی مترادف این چندین چیز دیگر ما داریم. یکی همین زراعتی که می کنند از زمین زود. برای اینکه از زمین زود. موضوع دفع آفات است. خود او بقدری به بحث اش طولانی است که از روی آن می گذرم ولی باید ایران از سحاط لا براتوار. از سحاط تخصص، از سحاط وسایل دفع آفات. مجرب شود که این صد مانی



که فعلاً از این بحاطب ما وارد می آید در آتیه انشاء الله موقوف بشود .

باز مترادف این موضوع دانداری است که اهمیتش بقدری زیاد است که امروز می بیند تمام مخرو و ذکر بعضی از محافل دنیا را به خودش جلب کرده و ما در ایران باید این موضوع را حل کنیم .  
باید به موضوع مراتع خودمان توجه کنیم . جایابی که می شود علوفه زمستانی دامها را تهیه کرد  
باید تهیه کنیم . دامهای ما کم از این به اصطلاح سیلاق قشلاق رفتن معاف بشوند . چقدرشان در  
در این سیلاق قشلاق رفتن تلف می شوند ! از بین می روند و یا لاغر می شوند ، روغشان از دست  
می رود ، و بالاخره صدمه می بینند و چقدر در سراسر به سایرین صدمه می زنند ، مزارعی که خراب  
می کنند ، دخت میانی که از بین می برند و غیره و غیره ...

از طرفی دیگر جمعیت مملکت که زیاد می شود و از طرف دیگر که سطح زندگی ما بالایی رود ، متدماً  
مصرف گوشت ما هم به همان تناسب و بلکه بشیر خیلی بشیر از این تناسب اضافه می شود ، که  
باید فکر تهیه مایحتاج مصرف گوشت این مملکت فراهم بشود .

یکت بحث دیگری که اهمیتش به اندازه تمام آنهاست ، موضوع جنگلهای ایران  
است . تاریخ ما اینطور می گوید که یکت روزی در این مملکت شاید ۱۶ میلیون هکتار جنگل بود .



امروزی گویند مساحت جنگلهای ایران از ۵ میلیون هکتار، بلکه کمتر باشد. چرا؟ باید به علتش پی ببرید. چطور شده که در این مدت این اتفاقات افتاده. در اثر چه بوده، فقط بریدن جنگلها بوده؟ موضوع بزرگ است، موضوع همین نامرتب بودن مراتع است.

تمام علتش را باید بفهمید که اولاً این علل موقوف نبود. بعد جنگلهایی که نگاهداری و حرمت می شود کم به فکر ایجاد جنگلها باشید و هر نقطه ای در مملکت که امکان جنگلی شدن باشد مطابق نقشه صحیح دو مرتبه شروع کنیم به این عمل. یک جنگلهایی که در آتیه کشاورزی این مملکت اهمیت فوق العاده دارد بنگاه آبیاری است. این مملکت بغیر از بعضی از صنفاش متأسفانه مقدار بارندگیش در سال خیلی خیلی کم است یعنی زراعت ما از آبی که از آسمان فقط می آید پامین، نمی تواند تأمین بشود.

ما باید مطابق یک مملکت پیشرفته ای حساب کنیم که چطور می توانیم البته یک قدری شاید این لغت منطقی نباشد ولی ما باید اینطور بگویم که چطور حقیقتاً می توانیم از آخرین قطره آب این مملکت استفاده کنیم یعنی بخود بپردازیم و آبیاری زمین ما را مطابق آخرین سیستم بدانیم که هر قدر زمینهای آنهم باز به تناسب نوع خاکش است آب هوای منطقه است رطوبت هواست



احتیاج به چند آب دارد. برای آبیاری کردن این حساب داشته باشد، از روی مقیاس باشد، و ضمناً برای استفاده از آب های ایران جایی که باید تسببت بنذیم. بخصوص جایی که سد های جانبی چندین کار داشته باشد. یعنی هم آبیاری، هم برق، هم جلوگیری از سیل، و قسمت های خسارت های دیگر طبیعی جایی که باید چاه زد، باید چاه زد. نوع چاه را باید تصمیم گرفت. چاه عمیق باشد، نیم عمیق باشد؛ نوع چاه را باید در نظر گرفت و چه مقدار آب را باید از زیر زمین به اصطلاح بیرون کشید که ذخایر ما دست نخورده باقی بماند و یک روزی از زمین نرود و البته تمام این چیزها را شامی دانید و بیشتر از من هم می دانید. چون کارمان همین است. به هر صورت یک چیز دیگری را هم که باید در نظر بگیرد این است که برای اینکه مایکت مملکت مترقی بشویم در بیست سال دیگر درصد جمعیت ایران که در امور کشاورزی الان مشغول هست، باید معکوس شود و برای اینکه معکوس شود این است که لازم است که کشاورزی ما مکانیزه شود. روز بروز افراد کمتری محصول بیشتری را تولید کنند، برای اینکه ما بتوانیم با آن سطح درصدی که الان کفتم برسیم این تا بیست سال دیگر است. البته خیلی از ممالک هستند در دنیا مثلاً آمریکا که فقط نه درصدش به امور کشاورزی مشغول است و اینهمه مازاد کشاورزی دارد که نمی داند



با آنها چه کند. حتی شنیدیم هم که شاید سالی پنج میلیارد دلار فقط خرج انبارداری در آن مملکت بدهند و ممالک مترقی اروپا امروز دیگر تقریباً تماماًشان بین ۱۱ و ۱۴ و ۱۵ درصد است یعنی ۱۵٪، ۱۶٪ بعضی جاها بازده درصدشان بیشتر مشغول امور کشاورزی نیستند. تمام کارهای اینباروی حساب است که درآمد سرانه هر فردی از یک مشغله‌ای چه خواهد بود که مطابق آن حد اکثر امکان باشد. مثلاً در این ممالک پیشرفته اگر از یک زمین زراعی مثلاً در مقابل یک تخم خد اقل سی تخم بریزند اصلاً گند نمی‌کارند و می‌روند دنبال کار دیگری و زراعت دیگری، یا اصلاً آن زمین را رها می‌کنند اگر آن زمین به درد زراعت نخورد، روی آن زمین ایجاد صنعت می‌کنند.

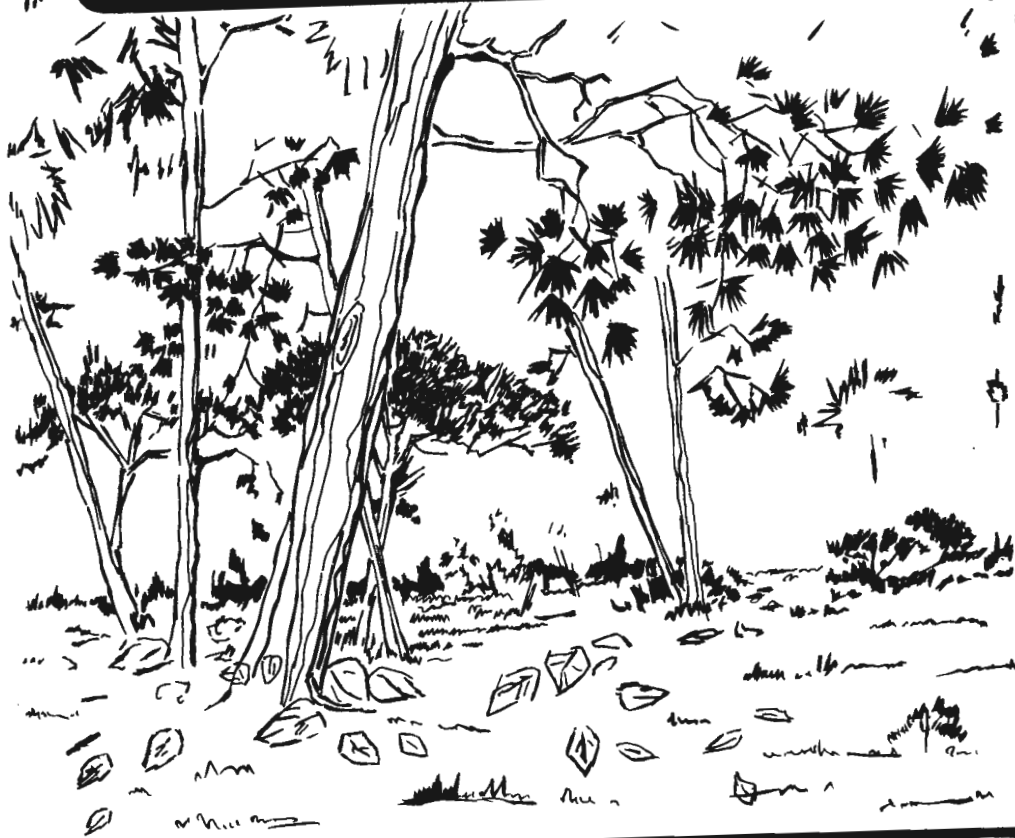
امید داریم با این نقشه‌هایی که الآن ذکر کردم با روح جدیدی که می‌دانم فرد دولت ایران الآن دارای آن هست که همه منطبق با این انقلاب بزرگ ملی ما که خلاصه اش کنیم و آن انقلاب ششم همین نام بگذاریم با تطبیق روح و فکر و گفتار و کردار و عملان می‌توانیم این نتایجی که امروز اظهار امید به آن کردیم انشاء الله به دست بیاوریم.



فصل دوم

# سخنان شاهشاه آریامهر

درباره لایحه قانونی ملی کردن جنگلها







## سخان شاهشاه

دومرasmus درختاری در پارک سامی

چشمبند اول آذرماه ۱۳۴۱

تاریخی که ما داریم نیست که در مملکت ایران در گذشته شانزده میلیون هکتار جنگل موجود بوده است. اشاره می‌کنم به کتاب سفرنامه ناصر خسرو و موقعی به خوزستان سفر می‌کرده است، و توضیح می‌داده است که چطور در تمام مدت سفر همیشه در زیر سایه درختان، سوار بر اسب عبور می‌کرده است و شایه هم کرده بود که اینجا ذکر آن موقعیت ندارد.

امروز مساحت جنگل های ایران از پنج میلیون هکتار کمتر است. علت این امر چه بوده است؟ بی‌خبری ما از فوائد قطعی و حتی وجود درخت، بزرگی که عبور کرده یا برای احتیاج یا برای حتی تفریح، یک درختی را از سر راه خودش یا زخمی کرده یا کنده و بید یک وسیله ای از زمین برده است. یکی از ثروت های بزرگ طبیعی که امروز در دنیا به آن اهمیت می‌گذارند، همین ثروت جنگل است. به این موضوع من مدت ها است که پی برده بودم و خیلی در اطرافش فکر کردم و با متخصصین امر در این باره صحبت کردم. یکی از اولین کسانی که راجع به این موضوعات با او صحبت کرده بودم، همین مرحوم





ساعی بود. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که یک واقعه‌ای را که مربوط به چند سال پیش است برایتان حکایت می‌کنم. آن نیست که وقتی که کنفرانس تهران در زبان جنگ تیشل بود، در ملاقاتی که با مرحوم روز دولت رئیس جمهور فقید امریکا دست داد این شخص به من گفت و راجع به امور همین جنگل‌های دود جنگاری صحبت می‌کرد و گمان نمی‌کنم جنبه شوخی داشت حتی گمان می‌کنم خیلی هم جدی می‌گفت، می‌گفت: روزی که من از این شغل خودم یعنی ریاست جمهوری کناره‌نوا هم رفت، حاضر کم که شما مرا استخدام بکنید بیایم به مملکت ایران، ای همین موضوع جنگل کردن دوبرتبه مملکت شما. بعد از آن این ساله را من به خطو با همان علاقه‌ای که به این موضوع داشتم دنبال کردم تا اینکه پنج سال پیش به دولت وقت، به وزیر کشاورزی وقت گفته بودم که طرح دامنه دار همه جانبه‌ای اول برای حفظ جنگل‌های موجود، دوم برای اینکه هر نقطه مملکت که قابلیت جنگلی شدن را داشته باشد فراهم بکنند و اساس ملی کردن جنگل‌ها را در نظر داشته باشد.

این کار هم مثل بعضی کارهای دیگر مابه تأخیر افتاد. امیدوارم که امروز ما بتوانیم دوبرتبه این کار را بکنیم. منظور ما از این قبیل اقدامات یا اصلاحات ارضی یا امروز ذکر موضوع ملی کردن جنگل‌هاست این نیست که یک حده‌ای را از یک مالی محروم بکنیم. اولاً جنگل‌ها بطوری که همه می‌دانید در وجود



ابتدائی جنگلہا پنج کسں خالتی نداشت غیر از خدا و طبیعت و یکت مالی است در واقع کہ چون اثر آب و ہوائی دارد بنا بر این تخصیص پیدا می کند بہ عموم، بہ مردم، بہ مملکت .

منظور ما ہما نظوری کہ گفتیم کہ رفتن یکت مالی از کسی نیست . البتہ باید در عرضش بہ او داد . منظور ما این نیست کہ این را تصاحب کنیم و رویش بنشینیم و نگاه کنیم . وقتی کہ این کار را کردیم باید از این شروت خدا داد ہم بہرہ برداری کنیم . اگر ما بہرہ برداری صحیح از جنگلہای موجود ایران کنیم درآمد بسیار شایع می توانیم بہ دست بیاوریم . ولی برای این کار سازمان بسیار وسیع و دقیق و مجتہزی لازم ہست حتی در حسابہای اولیہ ای کہ ما کردہ بودیم برای جنگلہائی ایران لا اقل میست پنج الی سی ہزار جنگلہاں لازم است . راہہای فرعی و اساسی باید در داخل جنگلہا و کوہہا ساختہ بشود . کارخانجات لازم باید ایجاد بشود و روی اصول دقیق فنی از این کار بہرہ برداری کرد .

سازمان جنگلہائی کہ ما فعلاً داریم در واقع با تمام زحمتی کہ ایسائنامی کشند و کوئیکلین سازمان در سابق بعضی جریانات بسیار تاشف آوری در داخلش بود کہ سعی شد بر طرف بشود ولی با تمام زحمتی کہ می کشند اینہا قادر بہ کار با وضعیت فعلی نیستند . احتیاج بہ تقویت دارند ؛ احتیاج بہ بوجہ بی اندازہ بشتری دارند تا اینکه بتوانند کاری کہ باید انجام بدہند مطابق شدہ اصول امروزہ دنیا انجام بدہند . البتہ باز

یک عده‌ای خواهند بود و این حرف‌ها را که بشنوند فردا بگویند به دین مملکت هیچ کس آئینده خودش امیدوار  
 نیست هر چه که هست می‌خواهند تصاحب کنند. کمی خواهد گفت که نمی‌دانم خانه‌های مردم را می‌خواهند  
 بگیرند یا یکی خواهد گفت مستغلات را می‌خواهند بگیرند و از این صحبت‌های بچکانه خواهند زد و در صورتی که  
 اساس برعکس این است. ما اقدامی که جنبه عمومی دارد و جنبه ملی دارد باید انجام بدهیم در عین حال نمی‌توانیم  
 وضعی باشد که هر فردی در حد و قانون و تساوی با سایرین بتواند از حد اکثر کوشش خودش حد اکثر  
 بهره‌برداری را بکند. بهترین زندگی را بکند و در عین حال عدالت اجتماعی را با وصول صحیح مالیات با  
 برقرار بکند. منظور ما فقیر کردن مردم نیست، بلکه برعکس منظور ما اینست که اکثریت مردم از یک حد  
 اقل زندگی برخوردار باشند امروز تمدن اسباب می‌کند اضافه بر آن حد اقل، هر چه که بیشتر خواهند  
 درآمد داشته باشند و همه افراد این مملکت چندین دهه می‌سوز باشند این کمال آرزو و مطلوب ما است.  
 اینست که یک نهضت عظیم فکری لازم است. طرز فکر مردم باید عوض شود. باید با تمدن  
 امروز دنیا آشنا شوند و بدانند که ترقی در ممالک دنیا و در این محیط اجتماعی امروز دنیا به چه طریقی میسر  
 است و از راه کوشش و فعالیت روز بروز زندگی بهتری برای خودشان فراهم کنند و همین  
 اثر خواهد کرد به بالا بردن زندگی سایرین. پس در اهمیت این روز و در خست کاری هر چه بگویم



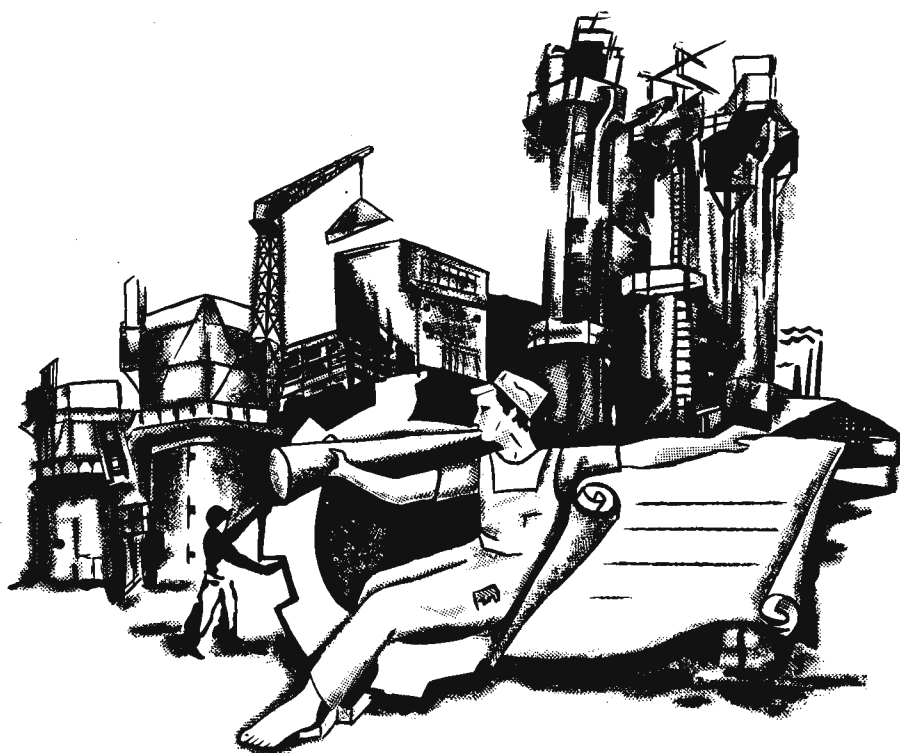
گم گفته ایم و امیدوارم که هر کسی که بتواند یک درختی هم بکارد و از خودش یادگار بزرگی بگذارد و به آبادی  
مملکت خویش خدمتی بکند.





مجلس  
سحمان شاه شاه آریامهر

در باره لایحه قانونی فروش سهام کارخانجات دولتی  
بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی







## سخنانشاه

خطاب به نمایندگان کارگران کارخانه نادر کارگاههای تهران و شهرتاشها

پنجمین شماره، ۱۳۴۲

در عرض این دو سال اخیر به کرات در مواقع مختلف و بخصوص در بعضی ایامی که نماینده شما در آنجا حضور داشته اند صحبت یابی کرده ام که اگر دوست به آن صحبت با وقت بکنید روح و فکر انقلاب ملی ما که در ششم بهمن به تصویب قاطع و همه جانبه ملت ایران رسید درک می شود. امروز خیال ندارم که زیاد در اطراف این موضوع صحبت کنیم، چون صحبت شده است، فقط مختصراً اشاره ای می کنم که علاقه ای که از بدو سلطنتم و هر موقعی که پیش آمدی می کرد، و در حد و امکان و توانایی بود، برای به اصطلاح کمک به رعیت سابق و شما کارگران امروز ولی شاید عمده های سابق بطوری که خطاب می شده اید بکنم. دلایل این کار را مختصراً نخواهم به شما بگویم. در مرحله اول اصل اینکه هر چیزی که در مملکت ما متعلق به آثار قرون وسطی است و عهد بربریت و موقعی که تمدن نبود و به اصطلاح امروزی دنیا، هرگونه آثار استعماری را ما، در مملکت باید از بین ببریم. بعد از مطالعه می دیدیم این جنبه قرون وسطی استعماری در روابط





ارباب و رعیتی کاملاً تجلی می‌کرد. تماشا که خوب جزو مردم ستید و شاید بعضی مایست از آن از دانات می‌آید مثلاً همین لفظی که می‌گویند از شاهی این باد دانات اطراف شاهی بالآخره شهر کوچکی است و اطرافش دانات است می‌دانند که در دانات چه خبر است، آن یکی پاک دانات در بهشهر می‌داند، آن یکی در کرمان می‌داند، آنکه در کرمانشاه است می‌داند، اینها همه شان غیر از کارگری احل این مملکت بوده اند و ضمناً دشمنانی زندگی می‌کرده اند که اطرافش دانات بود. اینها همه آشنا هستند آن روابط موجود چیزی بود که برای تمدن امر و دنیا غیر قابل تحمل بود. توقعات بی‌معنی که حالا اگر اربابان ارباب، ارباب خوبی بود ولی در غیاب او مباحث داشت این غیر قابل تحمل بود. بیکاریهایی که می‌گرفتند امر و زدن بیکاری چه معنی می‌دهد دست همان معنی حرفی که زدم یعنی استمار اضافه بر آن رویه معمولی که می‌گفتند خوب در قسمت از مملکت یک شیر اعلی بود تقسیم محصول اضافه بر آن تمام چیزیایی که می‌گرفتند از این رعیت بچاره سابق از قبیل لابلاد گاو، کوسفند، مرغ، روغن و هزار چیز دیگر، این معنی اشس چه هست؟ باز همان جنبه استثماری. همچنین در وضعیت شما کو اینکه قوانین کار استمرقی را ما توانستیم در این چند سال برقرار کنیم؛ ولی قوانین کار البته ضمن اینکه آنها باید تکمیل شود مخصوص و عقرب قانون



همه مایه‌های اجتماعی شانیز باید تجدید نظر مانی بشود و جنبه بهتر و راحت تری برای جامعه کارگری ایران پیدا بکند؛ و مخصوصاً آن قسمتی که ما نخستیم شرکت کارگران ایران به هر صورتی در سود ویژه کارخانه‌ها تأبیت درصد، این برای آن است که ما به مابیت کار و زحمت کشیدن در محکمت؛ یک احترام قانونی و یک حق قانونی بدیم. خود زحمت کشیدن در جامعه مترقی امروز ما باید یک وزن و اعتباری داشته باشد که بهین جهت من همیشه به شما خطاب می‌کنم کارگران شریف و نجیب؛ پس زحمت کشیدن خودش یک شرافتی است، یک شرافت ذاتی است. این را باید احترام گذاشت. به این جهت ما این احترام را در همان یکی از مواد انقلاب ملی خود ما گذاشتیم و شماره به اصطلاح نخستیم که در کارخانه‌ها این شکل سهیم بکنند. حالا یا به وسیله قرارداد دسته جمعی که آن هم به زحمت کشیدن شما احترام کافی می‌گذارند، و یا به هر طریق دیگری که قانون پیش بینی کرده ولی اصلش این است که به وجود شما احترامی که لازم هست قابل بشوند.

در جسراید یکی دور ز پیش دیدید که اصلاحات دیگری نیز در امور کارگری شده است. راجع به نمایندگان کارگران و مرضی بایمان و قیمت مای دیگر که از حد و صحبت امروز خارج می‌شود و وابسته اطلاع دارید این است که این توجهی که نسبت به طبقه شما باید بشود مطمئن باشید که همیشه مورد نظر



مسئولین خواهد بود. گمانی که دیدید در یک مدت کوتاهی شما از چه وضعیتی به چه وضعیتی رسیدید. ملت ایران که تا چند روز پیش با وجود اینکه گفتند اینجا انقلاب مشروطیت بود و آمدند، و خونها ریختند و قیام ماکردند البته بدون اثر اصولش در مملکت قبول شد اصل عدالت به وسیله با اصطلاح ظاهراً نظارت نمایندگان ملت برقرار شد مملکت و دولت مجبور شد که آخر سال، یک بودجه‌ای بدهد حالا به هر صورت یک طواپرس خط شد ولی همان طور که در چند پیش گفتیم تمام مستبدین دیروز مشروطه خوانان امروز شدند. این فقط تغییراتی بود. البته شاید یک تاریخانی بود. یک باقرخانی بود که اینها بیچاره ما از روی کمال صمیمیت و اعتقاد در این راه قدم برداشتند کشته هم شدند و خیلی نامی دیگر هم در این راه کشته شدند. ولی کسانی که بهره برداری کردند مشروطیت همان سابق با بودند؛ همان کسانی بودند که هنوز لقبشان در آن زمان بود؛ دولت سلطنتی؛ ملاکین بزرگ می گویند که در مجلس اول تا حدی نمایندگان بعضی طبقات مردم بودند. از اصناف و بزاز و این قبیل اشخاص هم پیدای شدند. حالا آیا اینها از تمام مملکت به همین طریق آمدند یا چند نفر از این اصناف تهران آمدند. به هر صورت آن هم از اصنافی که از فلان شهر کوچک اُستان مثلاً فارس می آید، این بیچاره در آنجا بدون اجازه آن متنفذ محلی اصلاً می توانست



نفس بکشد. آن موقع که هر کسی را که دشمن می خواست حلق آویز می کردند. صستایاننده مرکزی استناداری که از طرف دولت می رفت بدون اجازه آن خانهای محلی که آنجا نمی توانست بماند. ولی امری برای بار اول آنهم در اثر انقلاب بزرگ ملی ما که من گاهی اوقات آن انقلاب را همان ششم بهمن اسم می گذارم زنجیر بایک مرتبه از هم گسست. یعنی تمام افراد ملت ایران یک مرتبه آزاد شدند و الا بطوری شد که پس از پنجاه و چند سال مشروطیت هیچ وقت شایک زارع ساده بایک خرده مالک کوچک، یک کارگر به وکالت انتخاب نشده بود؟ حالا بگویم کارگر زیاد نبود؛ در این مملکت تعدادشان محدود بود؛ ولی در این چند سال اخیر آیا در این ده پانزده سال اخیر تعداد کارگر زیاد شده بود؟ آیا این نهاد پنج درصد نسبت جمعیت همیشه در مملکت نبود؟ حالا به اصطلاح ماشین آلات زراعتی وارد کار شده ممکن است که تعداد جمعیت دهات اتفاقاً نسبت به گذشته کمتر شده باشد؟ یک عده زیادی می روند دنبال پیدا کردن کار؛ یا در جا ده مایا دشر ما؛ و زراعت هم که خوب بعضی جاها کماتیره هم شده. پس این نسبت جمعیت زارعین به اهالی مملکت همیشه اگر بوده اگر بیشتر نبوده کمتر نبوده، پس چطور تا بحال یک دهنه نشده بود یک زارع ساده یا خرده مالک ساده به وکالت انتخاب شده باشد؟ اگر این آزادی راد



سابق داشتند انتخاب می کردند، چرانی کردند؟ مگر بد است که در یک نقطه زراعتی یکی از زمین خودشان بفرستند به مجلس؟ پس این بزنجیر با که گسته شد، نتیجه اش این شد که امروز شما در مجلس به این تعداد زارع ساده یا خرده مالک ساده محدود و کوچک معین شده است و برای دهنده اول دوازده نفر کارگر در مجلس شورای ملی ایران وجود دارد. معنی اش این است که ملت ایران توانسته است برای دهنده اول در اثر انقلاب ملی خودمان اراده خودش را ظاهر کند.

این قسمت اول برای این بود که به شما بگویم تمام مظاہر بی عدالتی و آثار قرون وسطیایی و استعماری را ما در مملکت از بین بریم. در مرحله دوم این است که از مواهب طبیعت و نعمتای خدا داده این مملکت بر اساس عدالت اجتماعی که دیگر حالا همه بدان دارند همتید و قوایی که داریم ما حد اکثر استفاده را از ثروت طبیعی مملکت بکنیم. و چون بر اساس باید توری تقسیم شود که لایق یک حداقلی به همه برسد و گمان گیر اگر ریاضت بیشتری دارند، رنجت بیشتری کشیدند یا به هر صورت شاید این قدر خوشبخت بودند که شانس بیشتری آوردند مانعی ندارد از یک حداقلی بیشتر بر کسی داشت چه بهتر، اما از آن حداقلی که لازمه تمدن امروز است برای هیچ کس کمتر نباشد.

پس مرحله دوم همگرا می این است که آن رعیت قدیم که جنبه به اصطلاح استعماری داشت



امروز نه فقط مالک زمین خودش باشد ولی به وسیله فراهم آوردن احتیاجات او به وسیله  
بخصوص شرکت های تعاونی ترتیب کارطوری داده شود که آن از نفع خودش حد اکثر استفاده را  
ببرد. یعنی اگر در سابق روزی مثلاً هشت ساعت کاری کرده و آخر سال مثلاً چهار هزار پنجاه ریال  
گیرش می آمد. امروز اگر آن هشت ساعت کار بکند و آخر سال جایی که ممکن است با  
ماشین آلات کشاورزی کار بکند اصول آبیاری را مراعات بکند. آب به اندازه کافی بدد نه  
زیاد می و جایی هم که کم باشد. آب به اندازه کافی برایش فراهم باشد محصولی که باید بکار دین  
را بهیابی شود که در این خاک باین آب هو این محصول برای تو فایده بیشتری دارد. و لکنمای  
دیگر شرکت های تعاونی این است به گذشته شاید تا هفت برابر. هشت برابر بیشتر بهره برداری کنند.  
شما کارگر را که امروز هم سطح و هم طراز هر فرد دیگری در مملکت هستید از لحاظ قانون مساوی  
از لحاظ اجتماعی دارا می نه فقط لقب شریف و نجیبش. ولی حقوق شما به وسیله خود دولت با فرستادن  
نماینده مجلس بی این ترتیب شناخته شده. از حالا شما که ارتقا این مواهب اجتماعی برخوردار هستید  
حالا باید به فکر این بود که مملکت ایران برای اینکه مستترقی بشود باید حتماً صنعتی بشود. هیچ مملکت  
مستترقی در جهان امروز نمی بیند که به اصطلاح درآمد سرانه مردمش به یک حد عالی رسیده باشد مگر اینکه



آن مملکت به حد کمال صنعتی شدن رسیده باشد. پس باید مملکت با صنعتی شود. پس تعداد شما کارگر در هر سال در این مملکت بیشتر خواهد شد ولی این کافی نیست که ما اینجا فقط یک کارخانه ای بنامسیم آن را بگذاریم آنجا؛ یک عده ای بهم به عنوان کارگر بزنند تومی آن این کارخانه باید به آخرین سیم و اسلوب مدیریتش کار بکنند؛ و هر ماشینی که در هر موقع سال باید تجدید شود، باید تجدید شود. هر اختراع جدیدی که پیدا می شود باید دنبالش بود و او را آورد و انجام عمل کرد. شما کارگران حالا که به تمام موفقیتهای ما می عظیم رسیدید در عرض این مدت کوتاه و باید بتمنان در آتیه این باشد که روز بروز فنی تر شوید؛ روز بروز کار و فنون بیشتر آشنایان باشید. البته صحبت این خواهد بود که برای اینکه ما بتوانیم این کار را بکنیم باید مدارس حرفه ای باشد؛ باید کلاسهای باشد که به ما یاد بدهند. بلکه صحیح است. باید این کلاسها را درست کرد. در هر جایی که ممکن است یا به وسیله خود کارخانه یا به وسیله وزارت کار، یا به وسیله هر دستگاه دیگر امکان این را باید به شما بدهیم که تمامتان باید در واقع یک نوع تخصص حرفه ای داشته باشید. امروز کارخانجات و ماشین آلات می رود یکی یکت تکامل فوق العاده ای با حداقل کارگر، حداکثر نتیجه را می گیرند. آن کارگر با آن شهنشایی که خوب خیلی جنین فنی پیدا می کند باید تربیت فنی اش روز بروز بیشتر شود. در این صورت خواهد بود



که اضافه به تمام موفقیّت های اجتماعی که شما به دست آورده اید، از این به بعد وسیله دگر روز افزون  
شما باید باشید که آخر سر وضعیت زندگی شما هم نزدیک شود به وضعیت ملّی ترقی و پیش رفته دنیا.  
به هر صورت در آتیه ای که ما در پیش داریم حالا که این محرومیت ما از بین رفته است، این  
دورنمایی هم که برای همه ما محسوس است، این باید وارد مرحله عمل شود. چند وقت پیش گفتیم که  
هیچ وقت من در تاریخ سلطنت خودم، در تمام محاوره یابی که داشتم، در تمام بازدیدهایی که کردم،  
هیچ وقت این صمیمیت و این اتحاد و نزدیکی که امروز من بین تمام ملت ایران مشاهده می کنم  
هیچ وقت ندیده بودم. برای اینکه اکثریت از نواید انقلاب یا مستقیماً بر خوردار است یا خوش از آن  
شاد است. زارع ایرانی، کارگر ایرانی، زن ایرانی، و سایرین وقتی که زندگی کارگر و زارع  
به وجود پیدا کرد آن کاسب البته زندگیش رونق پیدا می کند. آن کسی که آنان درس می خواند وقتی که این  
حرفه را می شنود و این منظره آتیه را می بیند البته حس می کند وقتی که من از درم فارغ شدم آدم بیرون  
و وارد جامعه شدم در یک جامعه ای خواهم بود که وضع من روشن است، زندگی من آسود است و  
برای همه ما سر بلندی و افتخار هست. آن زن ایرانی که آن طور سابق با آن فرستاری کردند  
و شما کارگر باشید می شود حتی گفت بهتر از هر کسی می فهمید در کارگاه که شما کاری کردید پهلوی دست شما





آن زنی که کاری کرد آیا زحمتش از شما کمتر بود یا مساوی؟ آیا اضافه بر آن زحمتی که در آن کارگاه می کشید در خانه به اصطلاح تمیز نمی کرد خانه را و وسایل پذیرایی حالا اگر شوهر داشت شوهرش و بچه هایش و خانواده اش را نمی بایستی فراهم بکنند این وجود زحمتکش و حقیقتاً شریف و نازنین این چرا می بایستی که این طور با او رفتار شود؟ کی گفته بود؟ خدا چنین حرفی رازده؟ پیغمبر چنین حرفی را زده؟ کدام آدم وحشی این حرف را می زند؟ کسانی فقط می خواستند که زراع رعیت سابق باشد؛ کارگر عله سابق باشد؛ زن آن جوان پست و جانور سابق که به او مرغ می گفتند؛ اصطلاح معروفی بود، می گفتند مرغ من، یا می گفتند منزل، منزل یعنی شیئی، چیزی بی روح را می گویند منزل، مرغ یعنی حیوانی که فقط تخم می گذارد. کسانی فقط این وضع را می خواستند که شمارا استمار بکنند؛ نفهمیده سواری بدیدید؛ اگر چشم و گوش شما باز شود که آنطور که کور کورانه آفاتی و افاده فسد و شی یک مشت مردمان بی اثر و قبل را که قبول نمی کردید، اگر این مانی اثر و قبل و بی فایده نبودند آیا مملکت شما تا قبل از زمان پدرم به انجامی رسید و آیا در مدت آن بدبختی ما که جنگ اخیر بود و اشغال مملکت بود، ممکن بود آن صحنه ما را شما ببینید که هر دو تنه ای از یک طرف برای یک اجنبی ایجا کار بکنند و سینه بزنند؟ اینها را کی کردند؟ شما مردمان ساده که نمی کردید.



این کار ما را کسانی می‌کردند که مؤثر بودند. به اصطلاح خودشان در زندگی اجتماعی مملکت.  
پس آن وضع را حفظ اینها می‌خواستند؛ کسانی که دکان بازمی‌کردند برای استعمار شما  
این نجواست خداوند تمام شد. برای این آتیه که ما در پیش داریم امروز باید از هر موقع دیگری ما بیشتر  
کار کنیم، زحمت بکشیم. روی اساس عدالتی که وضع کردیم، قوانین موجود، و هر چیزی که برای حفظ  
این عدالت اجتماعی که ما می‌گوییم بعد ما هم خواهد شد با این دورنا و این امید به آینده زندگی  
همه نشاء الله روز بروز بهتر می‌شود تا اینکه به آن حد اکثر امکانی که این آب و خاک ممکن است  
داشته باشد برای همه فراهم باشد. به هر صورت دیدید در هر کاری که ما کردیم چون من از اول  
زندگی‌م تجربیاتی داشتم که اضافه بر اعتقادات معمولی دینی یک رابطه شخصی بین من و  
خدای من هست هر کاری که ما کردیم خدا پشت ما بوده چون خیلی از کارهای ما درست جنبه معجزه دارد  
ممکن است یک عده ای نخندند، قبول نکنند، ولی من عقیده دارم که این چیزها ممکن نبود فقط روی  
اصل تصادف پیش بیاید حتماً قدرت خداوندی پشت سر این کار ما هست. این است که خوشبختی  
روز افزون همه ملت ایران را خواهم نام.

شما طبقه کارگر، رزمندگان و شریفان ایران نیز در حال آینده وظیفه سنگینی دارید که با هم تانی



که در این چند سال داده اید مطمئن هستم که این وظیفه خود را همیشه به بهترین وجهی بخوابست  
خداوند انجسام خواهد داد.

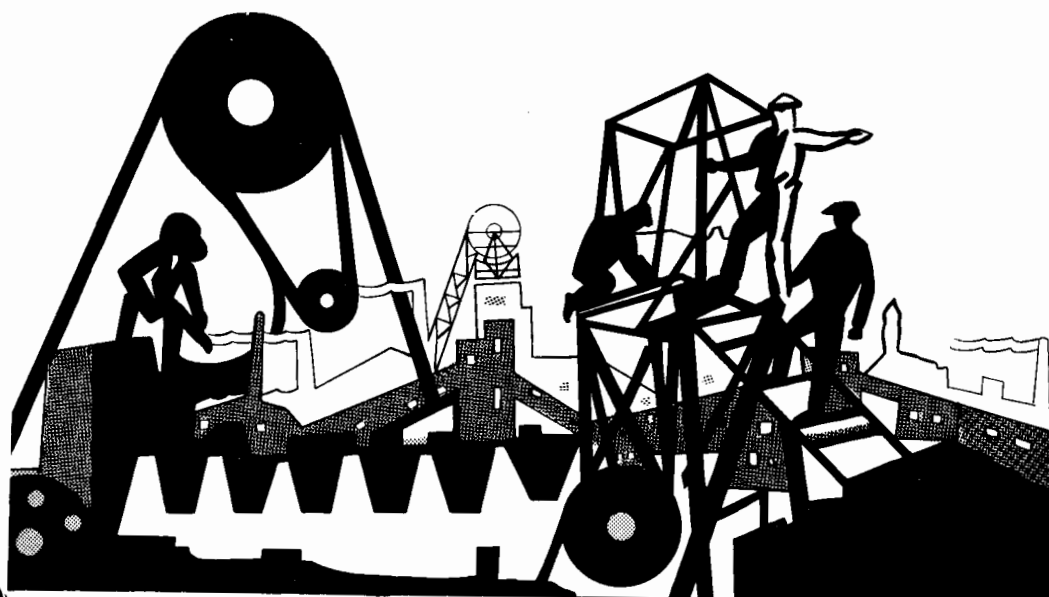


فصل چهارم

# سخنان شاهنشاه آریامهر

درباره لایحه قانونی سهام شدن کارگران در

منافع کارخانه ها و کارگاههای تولیدی و صنعتی







## سخن شاه شاه

در مراسم سلام چهارم بان خطاب نمایندگان کارگران

جمعه چهارم بان ماه ۱۳۴۱

من در سفر اخیر خود به آذربایجان و گیلان اجتماع ایران را از خیلی نزدیک دیدم و بان تما  
کر فتم. در طول سه هزار سال تاریخ این مملکت هیچوقت دیده نشده بود که اساس اجتماع بدین  
صورت عمیق تحول و تغییر یابد. ولی ما اکنون داریم این کار را می کنیم بی آنکه استقلال  
مملکتان بخطر بیاید یا خطراتی توجه ملت ما شود. بخواست خداوند این تحول در دوره ای صورت  
می گیرد که من و شما در حیاتیم و باید آنچه در قوه داریم در این راه صرف کنیم. یعنی با تأیید الهی  
جامعه ای مترقی بر بنای عدل و انصاف بنا کنی که تا وقتی که خود زنده هستیم از آن استفاده کنیم  
و بعد هم اولاد ما از آن بیشتر بهره ببرند. همانطور که مکرر گفته ام طبقه زحمتکش و نجیب کارگران ایران  
تا چند سال دیگر اکثریت خواهند داشت. و در عین حال چنین جامعه ای بر بنای عدالت  
اجتماعی و بهبود زندگی اکثریت ملت متکی خواهد بود.



## سخان شاهشاه

د مراسم عید سعید خطاب به نمایندگان کارگران

سه شنبه چهارم دی ۱۳۲۱

انشاء اللہ این عید سعید به تمام کارگران ایران مبارک باشد و ما روز بروز بیشتر شاهد رونق و ترقی زندگی این طبقه زحمتکش مملکت کردیم. برای بهبود زندگی شما فکر یابی کرده ایم که عنقریب منتشر خواهد شد و از آنها اطلاع خواهید یافت. اساس کار اضافه تولید است که در نتیجه آن مستلاً سهم کافی به کارگران برسد که بهم زندگی آنها بهتر شود و هم منابع اقتصادیات مملکت ترقی کند و در عین حال کشور بر اثر این ترقی دچار تورم پولی نشود. زیرا بالا بودن مزد ما به تنهایی عکس العملش ترقی قیمت ها و اجساد تورم است. ولی امروزه این راه حل اساسی را پیدا کرده اند که ترقی درآمد کارگر منوط به ازدیاد محصول و جلوگیری از ضایعات و مسایل دیگری از این قبیل باشد. ما همین کار را انجام می دهیم و با برنامه کار مترقی که داریم (و اگر لازم باشد بعضی نواقص آن هم مرتفع خواهد شد) وضع کارگران را کاملاً بهتر خواهیم کرد.

بطوری که می دهیم مملکت ما برای اینکه به پایه ممالک مترقی دنیا برسد، ناچار باید در آینده



کشوری صنعتی بشود و باید د نظر داشته باشید که اکثریت جمعیت ایران را بعد هاشما طبقه کارگر تشکیل  
خواهید داد و بنا بر این باید از همین حالا خودتان را برای آن روز آماده کنید .

مسئولیت یابی را که به عهده شاه و کذا خواهد شد احساس کنید ، و وظایف خود و مصالح  
مملکت را توأما در نظر داشته باشید و آنها را با هم تطبیق دهید .

رویه شاه و کار شما باید اجازه بدد که مملکت صنعتی بشود و موقعی مملکت مای تو اند صنعتی بشود  
که فرا آورده های شما قابل رقابت با فرا آورده های خارجی باشند . چنین چیزی وقتی امکان پذیر  
خواهد بود که از هر کارگر ایرانی حد اکثر استفاده بشود . پس از یک طرف باید ماشینهای مدرن  
و آخرین سیستم در کشور ما مورد استفاده قرار گیرد ، و از طرف دیگر باید شما کارگران روز به روز از  
لحاظ فنی ترقی کنید تا بتوانید با دیگران رقابت کنید . ما از تمام وسایل در راه بهتر کردن کیفیت  
کار شما از لحاظ فنی و بیشتر کردن آن از لحاظ کمیت استفاده خواهیم کرد و خود شما نیز طبعاً باید در این راه  
فتمای کوشش و همکاری را بکنید تا بالاخره طبقه کارگر ایران را به پای مرفه ترین کارگر دنیا  
برسانید .

برای کشاورزان در دست یاریان امر وزیر ایران که حقیقتاً آزاد شده اند می شوند و با سر بلندی





قدم در زندگی اجتماعی می گذارند، پیش بینی یابی به منظور کمک بدانشانده مخصوصاً ایشان دارای  
تشیلات تعاونی خواهند بود و کارشان هماهنگی خواهد داشت. شما کارگران را نیز تشویق می کنم  
تا سنجیدگی های صحیح و سالم و وطن پرست و مفید کارگری ایجاد کنید. هر چه در این راه بهتر و بیشتر  
قدم بردارید کارتان راحت تر خواهد شد. حتی میل دارم تا روز نوزدهم دی که نمایندگان  
مالکین جدید ایران در تهران جمع می شوند هر قدر ممکن است سنجیدگی کارگری نیز تشکیل شده  
باشد که نمایندگان آنها آماده کار باشند.

در قیتمت های تعاونی نیز کارگران باید هر چه از دشمنان برمی آید بکنند که لازم مورد نیازشان  
به بهترین شرایطی هر چه بهتر فراهم شود و در امر خانه سازی برای کارگران دستوراتی داده ام  
که عملی خواهد شد.

به هر حال به خاطر مصالح خودتان همان طور که گفتم بکوشید با هم همکاری و اتحاد  
داشته باشید. می دانم که منافع مملکت را خوب تشخیص می دهید و البته هر کاری که می کنید باید  
با رعایت مصالح کشور باشد. با رعایت این نکته اقدام به تشکیل سنجیدگی کنید تا بدین وسیله تشیلات کارگری  
مملکت خیلی بهتر اداره شود و منافع کارگران نیز خیلی بیشتر حفظ گردد.



## سخنان شاهشاه

در اجتماع کارگران شرکت اهدا توبوسرانی

پنجشنبه دوم خرداد ماه ۱۳۴۲

از اینهمه احساسات شما مردمان شریف و غیور و مجتهد و کارگر و انالی این قسمت شهر بسیار ممنون و مسرورم. بدو از باز دیدی که امروز به عمل آورده ام و نظم و ترتیب و نظافت این محل تعمیرات اتوبوسهای دو طبقه، اظهار رضایت می کنم و در واقع اولیای این شرکت با محدودیت یابی که در کار دارند توانسته اند بایک روح خدمتگزاری از حد اکثر امکانات استفاده بکنند و این تأسیسات برومند را فراهم بکنند. ولی اضافه بر این چیزی که بیشتر و بطور واضح و محسوس جلب توجه می کند این است که تسهیلات این شرکت واحد بر اساس روحیه قومی میهن پرستی و وظیفه شناسی ایرانیان بنا نهاده شده است. برای اینکه از وجنات فرد و شما آثار این روحیه قومی و ملی و میهنی پدید است. در هر موقعی، در هر فرصتی تمام کارکنان این شرکت نشان داده اند که در چه راهی فکر می کنند و در چه راهی قدم بر می دارند، و همیشه این راه را همسایران بود



است. و اما برای اینکه پانچ جزئی به این افکار و احساسات بی شایه شما داده شود  
هر کاری که بشود تازه یک قیمتی از چیزی که شما لایق آن هستید انجام می شود و آن این است  
که باید وسایل ساختمان منازل شما و اسکالاتی که فعلاً در آن قسمت است بر طرف بکنیم و  
و این دستور را همین امروز من صادر کرده ام که این کار انشاء الله هر چه زودتر تمام شود. و با  
در تقویت شرکت های تعاونی شما نیز باید بکوشید.

فوائد و اهمیت تاسیس شرکت های تعاونی امروز بر همه کس واضح است. هم در  
میان خودتان یا به وسیله سندیکای خودتان، و به وسایل دیگر در تاسیس و تقویت این  
شرکت بکوشید. البته دستور مربوط نیز به بانک رفاه کارگران و یا مؤسسات دیگر  
در تقویت اولیه مالی این شرکت تعاونی صادر خواهد شد که بتواند با کمال قدرت روی  
پای خودش بایستد، و حایج زندگی شما را به بهترین وجهی و ارزان ترین قیمتی فراهم بکند.  
یکی دو مطلبی که باید ذکر شود این است که لابد پیش خودتان فکرمی کنید این اقدامات  
و این شور و هیجانی که امروز مشاهده می کنید برای بهبود زندگی کارگر و زارع ایران برداشته  
می شود این چطور شده است: اگر به سر نوشت و اگر به زندگی من آشنا باشید و اگر



مطالب کتابی را که چهار سال پیش طبع شد اتفاقاً شنیده باشید یا خوانده باشید می‌ببینید که این افکار از مدت‌ها پیش حتی از موقعی که محصل و خیلی جوان بودم و در مملکت خارجی مشغول تحصیل بودم راه مستقیم خودم با خدای خودم داشتم. در همان موقع به فکر چکانه من رسیده بود که چطور می‌شود ملت ایران، اکثریت ملت ایران، خدمتی کرد که آنها در راه پیشتری زندگی بکنند. لابد شنیده اید که چه فکریایی به سر من زده بود و این راه، راه تأمین رفاه بیشتر بر چه اصلی است بر اصل عدالت اجتماعی. برای عدالت اجتماعی اول باید مظلوم اجتماعی بر طرف بشود. آن مظلوم اجتماعی در قسمت دهقانان ایران همان روابط کهنه و مضحک ارباب و رعیتی بود که به خواست خداوند موقوف شد؛ و دیدید که در سال گذشته، در بهمن گذشته، شملت ایران با چه قدرتی و با چه هماهنگی به آن صحه گذاشتید. و اما قسمتی دیگر از ملت ایران کارگرهای زحمتکش این مملکت هستند. کارگرهای ایران در آتیه تعدادشان چندین برابر خواهد شد. هر قدر مملکت ما رو به ترقی برود به نسبت کل مملکت از جمعیت سایر طبقات کمتر می‌شود و به جمعیت کارگران ایران اضافه می‌شود. کارگر ایرانی در مقابل زحمتی که می‌کشد، کاری که می‌کند باید سهم عادلانه‌ای مطابق پیش رفته‌ترین اصول دنیا برخوردار باشد و این اصول را



نیرما، دیشم همین گذشته به معرض تصویب ملت ایران گذاشتیم و با همان اکثریت به گفت  
شکفت انگیز به تصویب رسید. این اصول چه بود؟ یکی از آن اصول ششگانه لایحه سهم شدن  
کارگران در سود ویژه کارخانه ما است که لابد از آن اصطلاح کامل دارید و هر روز  
می بینم که در اثر آن تصویب ملی، و آن لایحه پیشنهادی، قرارداد های دسته جمعی بین کارفرما  
و کارگر امضاء می شود، و ازتسیج آن، هم کارخانه ها، هم کارفرما، هم اقتصاد ملی ایران  
بهره مندی شوند. و بالاخره آن چیزی که بیشتر از همه مد نظر ما بود، کارگر های شریف و  
ججتاش ایران استفاده خواهند کرد. و اما چطور شد که در این مملکت بعد از وقایع کوناگونی  
که حیات و استقلال این مملکت را تهدید می کرد، چطور شد که در پانزدهم بهمن به جان من  
سوء قصد شد نجات پیدا کردم؟ چطور شد که مملکت ایران در زمان سلطنت خود من لا اقل  
سه مرتبه حقیقاً به وسیله یک معجزه ای نجات پیدا کرد که امروز ما بتوانیم در اینجا برای آیند  
در نشان این مملکت نقشه بکشیم و به خواست خداوند آن نقشه را را عملی کنیم؟ چرا در سابق  
به شکافته بودم که بچه بودم، شاید شش سال نیم بیشتر از عمر من نمی گذشت در اما مزاجم  
شیران در یک کوچ تند شیب دار که در سرازیری بالله خودم حرکت می کردم، یک مرتبه



به نظر من یک شخصی از سمت مقابل عبوری کرد و دوسر این شخص یک مالک نورانی چشم می خورد، و موقعی که تلافی کردیم من آن شخص را شناختم کی بود. حضرت امام زمان. از لاله خود پرسیدم که این شخص را شناختی؟ گفت کی؟ گفتم همین کسی که الان عبور کرد. گفت من کسی را ندیدم. البته او ندیده بود، ولی من دیده بودم. و این است که همیشه این حس در من بوده است که به اراده خدا، و در تحت توجّه ائمه اطهار، من نسبت به این مملکت وظایفی دارم که باید انجام بدهم. این وظایفی که این طور توأم شده است با توجّهات خداوندی که در آن سن یک چنین منظره‌هایی در جلوی چشم من بود، جان من نجات پیدا کرد. مملکت ایران به وسیله معجزه باقی و برقرار بود برای این است که امروز بنویسیم این اقدامات اصلاحی را بکنیم و حقیقتاً انقلاب عمیق ملی به دست ایرانی انجام بگیرد که ملت و مملکت ایران در آتیه دزمره ظل بزرگ و مترقی دنیا قرار بگیرد. کاری که ما می‌کنیم همان کاریست که هم در صدر اسلام و امروز در مترقی‌ترین جامعه دنیاسعی می‌کنند به آن برسند و آن چیست برقراری عدالت اجتماعی و مساوات. این لوازمی که پیشینا شد و به تصویب شما ملت ایران رسید مقایسه بکنید با اوضاع ممالک دیگر، می‌بینید



کشور شمارا در شمار مسترتی ترین ملل دنیا قرار داده است و موقعی که کاملاً اجرا شد خواهید دید که چه تفاوتی در زندگی عمومی خواهد بخشید ولی باید بدانید من همان طوری که احساس می کنم وظیفه ای که نسبت به شما دارم آنی از پای نخواهم نشست و در این راه قدم بر نخواهم داشت هر روز قوی تر، هر روز محکم تر، و هر روز مؤمن تر. این از لحاظ من، وحی دائمی که شایسته نبوی خود همانطوریکه در ششم بهمن نشان داده اید در همان راه با همان استحکام، با همان روحیه نه فقط تا خاتمه این اصلاحات، بلکه تا موقعی که ایرانی زندگی می کند به این کار ادامه خواهد داد.

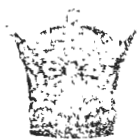
ولی باید بدانید که دشمن های شما، دشمن های این مملکت، دشمن های این ملت و مملکت شیعه راحت ننشسته اند. به هر وسیله ای که می توانند پیدا کنند، با صرف وجوه، افرادی عقیده بی ایمان و بدبختی را می خرنند و تحریک می کنند. در لباس، و در هر مکانی یکی به عنوان دزد گردن بند، قاتل، خائن، یکی به عنوان کشت تریاک، تریاکی که باعث بدبختی است، یکی به عنوان مخالفت با اصلاحات ارضی، و اشخاص دیگری در لباس های گوناگون، این اشخاص در هر قیافه ای ظاهر می شوند، اینها دشمن این مملکتند. دشمن این ملتند.



واعمالشان مآلاً به ضرر این مذهب مقدس شیعه ما خواهد شد، چرا؟ چراسی می‌کنند که در میان ممالک مسلمان دنیا فقط ملت شیعه ایران عقب مانده باشد؟ برای نبودی این مملکت است. هرکاری که ما می‌کنیم کاملاً بر اساس احکام مقدس دین اسلام است آیا دین گفته است که باید ظلم بشود؟ آیا دین گفته است که باید بین ملت مساوات نباشد؟ باید ظلم باشد؟ باید یک کسی بر جان و مال همه استیلا داشته باشد، و با او به عنوان برده رفتار بکند؟ آیا خداوند بین مخلوق خودش تفاوتی قایل شده است؟ در موقعی که به دنیا آمدند، بین اشخاص تفاوتی بوده است که بعضی با این حرفه‌ها می‌زنند این است که من می‌دانم شما کارگران یا دهستانهای ایران، شما اهل شهر، در هر طبقه و در هر شغلی که باشید به این آرم‌های ملی ما واقفید.

به آن سوگندی که خوردید و رایی که دشمن بهمن دادید و فادار و پایدار هستید و به این مطالبی که من می‌گویم نیز آشنا هستید. همه با هم، با همان قدرت ملی با همان حرارت به جلو خواهید رفت و هر موقعی که لازم شد، هر روز بطور معمول یا در آتیه در قومی که باز هم باید شما انظار عقیده بکنید در موقعی که در آتیه‌ای شاید نزدیکت باید در انتخابات





مملکت شرکت بکنید، رأی خودتان را به اشخاصی بدهید که به امر شما مؤمن و محقق  
به این اصول مصوبه ششم بهمن باشند رشد و اعتقاد خودتان را همیشه نشان خواهید داد  
و دشمنان ملت و مملکت بیچاره و زبون و بدبخت خواهند شد. پس بسوی این آینده دشمنان  
ایران بر اساس عدالت بر اساس رفاهیت، بر اساس مساوات، بر اساس کمال  
و کوشش و استفاده عادلانه از این اصول پیش.



## سخان شاهشاه

به مناسبت روز کارگر

شنبه بیست و چهارم اسفندماه ۱۳۴۲

امروز برای من به چند جهت روز مبارک و پرافتخاری است. البته جهت شخصی اشش را می دانید. کسی که در این روز پا به عرصه وجود نهاد و ایران فرتوت و مریضی را از آن حالت به حالت دیگری رساند و فقط بحث از صنعتی کردن این مملکت می کنم، جایی که در تمام مملکت ایران صنایع صنعتی وجود نداشت و کارخانه ای اگر بود مثل اینکه یکت قندریزی در کمریزک بود و آنها را دیگر من به خاطر درست نمی آورم چه کارخانه ای در ایران بود، اگر هم بود تعداد کارگران ایران کان نمی کنم در تمام ایران به هزار نفر می رسید. تمام کمتر از این بود، در نقشه مترقی که برای ایران ریخته بود، یکی از آن ها ایجاد صنعت جدید ماشین در ایران بود پس از او ما که دوچار نجران های متعددی شدیم اشغال زمان جنگ و بخصوص تبلیغات یک دسته ای که به مملکت خودشان علاقمند نبودند و شاید تنها هدفشان این بود که مملکت را تحویل دیگری بدهند و اینها را من همشان را ستون پنجم می گذارم این یک نوع ستون پنجم بود که علنا و بدون خجالت و با کمال قاحت می گفت که ما یکت مرامی



داریم که نسبت به این مرام این است که موضوع وطن اینها در کار نیست و ما باید وطن بان را تحویل  
بدیم به یک دستگاه خارجی. ستونهای پنجم دیگری بود که آنها سرسپرده منافع دیگری بودند.  
البته این منافع دیگر علناً خاک ایران را به خاک خودش متصل نمی کرد. پرچم ایران را  
از زمین نمی برد و ظاهراً استقلال ایران را از زمین نمی برد. ولی نفوذ آنها موقعی ممکن بود زیاد ادامه داشته  
باشد که اساس این مملکت بر منوال قدیمی ادامه پیدا کند یعنی فنود ایسم در این مملکت باقی بماند،  
ارتجاع مختلف در این مملکت باقی بماند، جمل بی سواد می مرض در این مملکت باقی بماند، اصول  
زراعتی پیشرفت نکند، و البته کارگر بهم وجود نداشته باشد. برای اینکه این مملکت چون از خودش  
با این وضع نمی توانست اراده ای داشته باشد، مطیع خارجی باقی بماند. نرسد و اما که فقط مثل  
یک استیرانی فکر می کنیم پس ببینید در چند جنبه مختلف بود به جهت ملت ایران و تصمیماتی که ما  
گرفتیم مگر آن خیانت پیشگانی که در اول ذکر کردم که علناً مملکت را به خارجی می خواستند تحویل  
بدهند در ۱۳۲۵ در خایله آذربایجان خرد شد. اما ستون پنجم دیگر هر موقعی به عنوان مختلف گاهی  
به عنوان آزادینخواهی، گاهی به عنوان ارتجاعی. گاهی به عنوان باصطلاح معروف بنی اسرائیلی  
و موقعی سعی می کرد یک موضوع را عنوان بکند برای اینکه یک قدم اساسی برای مملکت برداشته



نشود شروع بکنیم حتی از سوء قصد پانزدهم بهمن بعد کار را به جایی برسانند که مملکت قادر به اصلاحات  
حقیقی نتواند بشود ولی بخواست خداوند اتفاقاتی بی پس از دیگری افتاد که هر مرتبه ما را در گرفتن تصمیم  
برای حفظ و نجات و ترقی ایران یک قدم به جلوتر می برد و یک سگ محکمتری بدست ما می داد سگ  
اولی که باز هم به غیرت و همت شامردم این مملکت گرفته شد در روزهای بین ۲۵ و ۲۸ مرداد  
بود که باز آن ستون پنجم اولی که ذکر کردیم با همکاری ستون های پنجم دیگری خواستند این مملکت را  
و لگون بکنند و حیوانات همان سیاست قدیم ۱۹۰۷ یعنی تقسیم ایران به مناطق نفوذ گوناگون دومی  
ایجاد بشود ولی غیرت و همت شما نگذاشت، بالاخره پس از مطالعات کافی باین نتیجه رسیدم  
که نه فقط ستون پنجم اولیه آن خاین علی ما باید از صفحه مملکت پاک بکنیم بلکه تمام عواملی که باعث  
تاخیر در پیشرفت و جهش مملکت ایران به سمت صفوف اولیه مملکت قرن بیستم مانع پیشرفت ما هستند،  
یعجا، یک مرتبه از بین ببریم تا اینکه به هدفهای ملی خود برسیم.

می رسم به بهمن ۱۳۴۱ هجری قمری انقلابی که در آن موقع ما عنوان کردیم و جواب همه جانبه و  
صمیمانه و یکت پارچه می تمام ملت ایران بود. حتما یادمان هست، دور که نمی رویم یکت سال و  
نموده می بیشتر نمی گذرد چطور شما با چپ شوقی از صبح از خانه ما میان راه افتادید تا نتیجه اش را



آخر شب دیدید که چطور ملت ایران این طور تکان خورد. پد فهای انقلاب ما محمدرضا پهلوی آثار عقب ماندگی ملت ما بود و امکان اینکه دیگر در این مملکت روی اصل نواختن اجتماعی مایه عقابانندی یا بی عدالتی ما هر کسی کو چکتین سوء استفاده ای دیگر تو اند بگذارد زمین رفته است چرا برای اینکه در قیمت عدالت اجتماعی آن چیزی که مربوط به زارعین بود و آن روابط کنه و ظالمانه ارباب و رعیت بود که خوب دیدید چطور در عرض یک چند ماهی بگلی زیر و رو شد. آنچه که مربوط به بی سوادی است اکثریت جمعیت این مملکت بود که قرنها می اخیر انحطاط ما باعث این عقب افتادگی بود. با ایجاد مدارس جدید و توجه به فرهنگ و بخصوص با ایجاد سپاه دانش که اساسا شاید تعداد سپاهیان دانش مان را به ده هزار نفر برسانیم امیدواریم در اندک مدتی موضوع بیوادی حل شود.

موضوع مریض بودن ضعیف بودن، ضعیف بودن جسمی که هم در روح انسان تأثیر دارد، یک آدم مریض روحیه اش نمی تواند زیاد قوی باشد و یک آدم مریض علی بنی تواند بهره کار خوب داشته باشد. این را هم به وسیله اقدامات بهداشتی از زمین بردن مالاریا، از بین بردن امراض دیگر، تأمین آب آشامیدنی مردم اول دشرها، بعد در دما و ایجاد در مانگاها و مدارس اینها



البته در جریان بود، ولی برای تسریع موضوع و اینکه بتوانیم به حتی دو رفاقه‌ترین دسات ایران نیز برسیم، ایجاد سپاه بهداشت بود که امید داریم یک‌ایک پهای بهداشتی‌طور مجتهد و به مقدار کافی بتوانیم راه بنیادیم که هر هفته‌ای لااقل یک مرتبه یکی از این یک‌ها به هر کدام از دسات ایران بتوانند سرکشی بکنند و دستورات مقتضی را صادر بکنند، و البته کارهای دیگری در این نسبت‌ها شده است که می‌گذریم.

اما موضوع کارگرها، توجه به وضع کارگرها برای من از روزمانی شروع شده است. خاطر هست که اولین قدمی که در این قسمت برداشتم و اصرار داشتم، موضوع بیمه‌های اجتماعی و قانون کار بود. از آن روز اول، البته از روز اول قوانین تکمیل نبود تا اینکه هنوز خوب خیلی شریف کرده‌ام. دستور صریح به دولت داده‌ام. همچنین به تمام کسانی که در این کار دخالتی دارند که نواقص قانون کار و بیمه‌های اجتماعی ما را هر چه زودتر برطرف بکنند و لایحه‌اش را مجلس بپس بریند.

ولی توجه به کارشما برای چند علت است؛ یکی اینکه اصولاً خوب تحقیقه نشان دادید در تمام این چند سال در دوره‌های منجی که ما داشتیم که شما مردمان وطن پرستی هستید و خیرفهم، فهمیدن مطلب کارآسانی نیست. خوشبخت‌متی است که او رشد ملی و اجتماعی را داشته باشد که مطالب را درک بکند



ایرانی رومی تمدن قدیمی و سابقش این خوشبختی را دارد. میان ایرانی ما شما کارگر نا شاید بیشتر از همه چون شما سر و کارتان با یک چیزهای مسلم است، با ماشین است، این حساب کار و ستان است دایم با حقایق خیلی روشن و واضح مواجه هستید این است که طرز فکر شما روی حدیثات نمی تواند باشد روی واقعیات است مطالب را پس می بیند و می تواند درک بکند. گفتم کلی خوب تحقیقاتی است که به خرج دادید، وطن پرستی که به خرج دادید، فهم و شعوری که به خرج دادید، این یک هفت است، ولی اصل دیگری هم هست، این است که اگر با شما هم یک مملکت مترقی بشویم باید نسبت در صد شما به جمعیت ایران روز بروز برود بالا. یک مملکت مترقی امروز در حدود حالا بعضی ما که خیلی مترقی هستند ذکر می از آنها نمی کنیم شاید موقعیت خاکی ما، کوههای زیاد و بعضی جاها نصاری بدون آب و علف یا این اجازه راندند ولی این هفتاد یا هشتاد و پنج درصد جمعیتی که فعلاً در دماست و در روستاها زندگی می کنند این تا یک نسل دیگر باید معکوس شود. یعنی شما ما و شهر نشینان و بخصوص کارگرهای ایران باید تعدادشان به همان نسبت معکوس شود و بعد برای پایه گذاری اجتماع سالم، و بر اساس عدالت اجتماعی همانطور می گفتم کارگر ایران باید حس این را بکند که کار، یک شرف ذاتی دارد، یعنی اصل شرافت کار را با شما نسیم اضافه برای آنکه خودش آدم شریفی است ولی اصلاً



کار کردن یک شرافت ذاتی دارد و این حس را بکنند که در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که برای این شرافت ذاتی کار یک مزایای اجتماعی و البته مادی قابل هستند.

فکر نکردیم که بهترین راه حل روحی و مزایای اجتماعی و مادی این است که کارگر مابیک نوع البته روی توافق نامی دسته جمعی و هر نوعی که بهتر برای پیشرفت کار است وارد واقع شریک منافع کارگاهها بداییم. کارگر، کارگاه را تا همین حد و از آن خودش بداند. حس بخت که او استثمار نشده و در تمام شؤون اجتماعی مملکت نه فقط با حقوق مساوی که هر فرد مملکت چه مرد چه زن امروز دارند بلکه با د نظر گرفتن این شرافت ذاتی کارش وارد است و بد او احترام می‌گذارند، و در سر نوشت مملکتش نیز روز بروز به نسبت تعدادش که اضافه می‌شود شریک و محترم است.

خوب نتیجه اش این شد که قرارداد نامی دسته جمعی زیادی امضاء شده، تعداد قابل توجهی کارگر ساده در مرکز قانونگذاری مملکت وارد شد و خواهید دید همانطور که دیدید اگر هر سال را با سال پیش مقایسه کنیم، وضع شمار اجتماع ایران چطور منسوق کرده. البته همان طور که گفته قانون کار مابید تکمیل شود، قانون بیمه نامی اجتماعی باید تکمیل شود.

دستور دیگری هم که باز داده ام، و دنبال خواهد شد این است که ماب طرق مختلف مسکن





کارکرهای ایران را باید یک طوری تا این مکتبیم، حالا این را با شرایطی به خود شما بفروشند، چند سال بخود یا با اجاره ماهی سیلی از آن در اختیار کارگر و کارگاهی بگذارند ممکن است یک کارگری از اینجا بلند شود برود به جای دیگر و میل نداشته باشد که در آنجا یک خانه ای بخرد و به اصطلاح روی دستش بماند، یک خانه ماهی و آذاری هست و هر کسی که می خواهد بخرد و یک خانه ماهی سازمانی و آذاری البته باید بخرد یک کسی نمی کند که خوب او به فرض اینکه به تن باز نشستی برسد، در همین محل می خواهد زندگی بگذراند این فکر می کند که من اگر یک خانه ای را الان بخرم، در موقع باز نشستی هم مال خودم خواهد بود و تومی کوچه با ویلان نخواهم بود. یک قدری بیشتر از اجاره معمول می پردازد ولی خانه مال خودش میشود.

راه حل ماهی مختلفی هست ولی منظور این است که کارگر شغل او این کارگری که پس از خانه کارش و رسیدن به تن باز نشستی اش، اینها صاحب ممکن باشند و در این مملکت آواره نباشند و جزو طبقات فعال البته نمی توانم بگویم طبقات متنازه برای اینکه تمام طبقات ما این امتیازات و این حداقل زندگی را خواهند داشت ولی جزو مرفه ترین طبقات فعال مملکت قرار بگیرند. البته وزارت آبادانی و مسکن ایجاد شده است. کلی از وظایفش همین خواهد بود. کارگاههای



مختلف باید تشویق شوند. در این راه شرکتیانی که ایما ناساحتانی باشد و ساحتانی بکند و با همین شرایط وارد عمل شوند، آنها تشویق شوند. البته شرکت ملی نفت می داند که این کار را شروع کرده و ادامه خواهد داد و قبیل از همه کارگاههای دولتی باید بدین فکر باشند.

پس امید داریم که باین توجهاتی که بدین طبقه از محکمش شرفیایران می شود، وضع شمس روز بروز در قیمت مادی و اجتماعی و روحی به خواست خداوند ترقی و روبره تکامل برود.

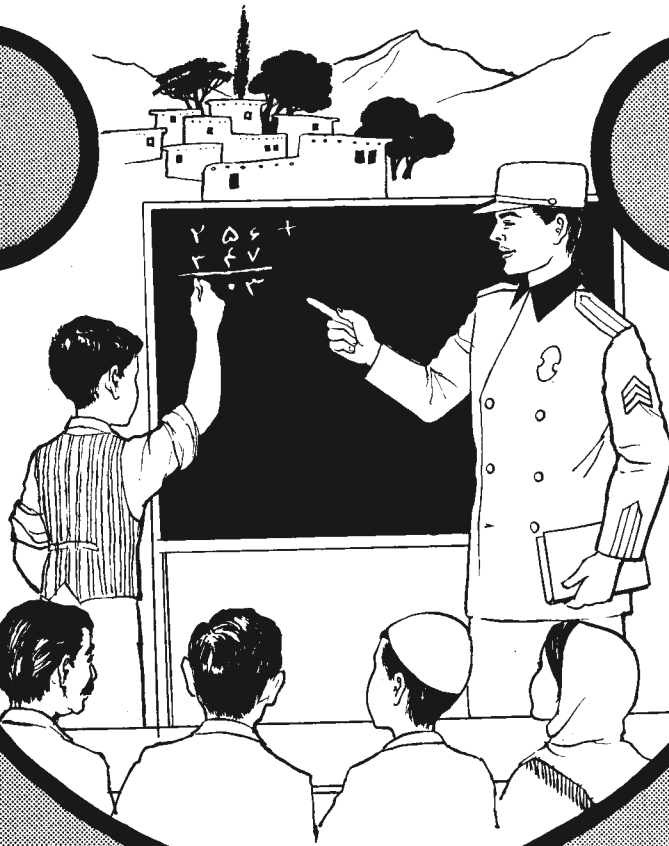




فضل پنجم

# سخنان شاهشاه آریامهر

درباره لایحه ایجاد سپاه دانش







## پیام شایسته

به مناسبت آغاز اجرائی قانون سپاه دانش

دوشنبه سوم دی ماه ۱۳۴۱

مایه کمال خوشوقتی من است که امروز سپاه دانش نخستین مرحله عملی کار خویش را در راه هدف مقدس خود یعنی جهاد با جهل، و بیانگیزی جامعه امی با سواد و در نتیجه مترقی و نیک بخت آغاز می کند و باین پیکار بزرگ ملی فصل تازه امی را در حیات مادی و معنوی ملت ما می کشاید .  
برای کشوری که روزگاران دراز محکوم دانش بوده است مایه سرافرازدگی است که امروز بیش از صدی هشتاد از فرزندانش از نعمت سواد بی بهره نباشند و ملتی که زمانی از مشعلداران کاروان تمدن جهان به شمار می رفته و گروهی از بزرگترین نوابغ علم و ادب و هنر عالم را به جامعه بشریت عرضه داشته است، نباید قبول کند که اکنون قسمت اعظم افراد آن حتی امکان خواندن نوشتن نداشته باشند .

بنابراین، من پیکار مقتدی را که از روز اول دی ماه ۱۳۴۱ در سراسر کشور، مایه منظور سرکوبی محضیت جهل و تعمیم سواد در کلیه شهرها و روستاهای ایران به دست جوانان پاکدل این



سرزمین آغاز شده است یک جهاد ملی اعلام می دارم و از کلینۀ فرزندان پر شور وطن که پیروزی  
و در این جهاد به عهده همت مردانه ایشان گذاشته شده است انتظار دارم که با توجه به مسئولیت  
سنگین و پرافتخار خویش فراموش نکنند که از این پس همه آنها سر بارانی هستند که در خط اول جبهه  
می جنگند .

امروز تمام دنیا مراقب پیروزی مادرین پیکاری است که برای اولین بار در جهان  
به دست ایرانی، و با ابتکار ایران انجام می گیرد . بدیهی است در این پیکار، من که پیشگام  
پناه دانش فرمان داده ام همه جا به عنوان پرچمدار این جهاد ملی پیشاپیش شما خواهم بود .  
خداوند در این تلاش پرافتخار که برای سربلندی ایران و سعادت نسل های آینده  
این سرزمین صورت می گیرد یار و نگهبان شما باد .



فصل ششم

# سخنان شاهشاه آریامهر

در باره لایحه اصلاحی قانونی انتخابات

و آزادی بانوان









## تخاا شامشاه

در قصر حل ستون اصفا

روز سیردهم اسفندماه ۱۳۴۱

..... ولی چون تقسیم اخیر نسبت به نصف جمعیت گرفته شده

نازکی دارد. چند کلمه ای در اطراف این موضوع صحبت خواهیم کرد و آن این است که به  
ظا بهرمانطور که گفتم این آخرین ننگ اجتماعی ما بر طرف شد و این زنجیر تحقیر و اسارت  
و نجات نصف جمعیت مملکت برداشته شد و پاره شد. در مملکتی که نسوان آن بدستان  
می رفند و به دبیرستان می رفند و به دانشگاه می رفند، چطور می شد نطفه را داشت  
که یک همچو شخصی پس از طی تمام این مراحل بعد به او بگویند که شما جزو محجورین و دیوانگان  
حساب می شوید. بعد چنین شخصی که عالیترین تحصیلات را کرده باشد به او بگویند که تو  
نمی توانی بضمی و اظهار نظر بکنی که حتی دشر چه شکلی باید خیابان تمیز بشود. من می گویم که  
چنین شخصی مثل بمطر از خودش در میان مردمان بر روی اصل طبیعت، و روی اصل تمدن عیناً



همان‌حقی را دارد که اظهار نظر کند نه فقط در امور خانوادگی و خانه خودش یا در شهر خودش  
در امور مملکتی، در امور معاشی، و در امور سیاسی، چطور ممکن است که یک مردی به  
خودش حقوقی بدهد و این حق را از مادر خودش حذف کند و سلب نماید؟ اصلاً چطور  
ممکن است یک کسی که مادرش به او حق حیات داده باشد، این بزرگ بشود، و بگوید  
که مادر من چیزی نمی‌فهمد.

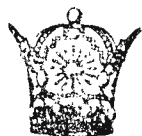
این برخلاف طبیعت است؛ برخلاف تمدن است؛ برخلاف بشریت است؛  
و این ننگ بر طرف شد. زنهای ایران با حقوق مساوی با مردان، خودشان را  
آماده اداره مملکت خواهند کرد؛ و مطمئن هستم که چون شما طبقه‌ای هستید که محروم بوده‌اید  
الآن بایک شوق و اشتیاق فوق‌العاده وارد فعالیت اجتماعی خواهید شد و کار را  
جدی بگیرید؛ و حتی در اوایل کار، و شاید هم تا آخر، شاید هم از برادران و فرزندان  
خودتان ذوق و اشتیاقان بیشتر باشد و این اضافه شدن فعالیت مملکت به برابر  
اثرات خودش را به زودی در این مملکت نشان خواهد داد.....



فضل بقیم  
سپاه بهداشت







متن فرمان هیاتونی در باره تشکیل سپاه بهداشت

بانیادت خداوند متعال

ما

## مجلسی شاهنشاهی ایران

مبطور تعمیم آسایش جسمی و مداوای مرضی و بهداشت عمومی مقرر می‌داریم از پزشکان  
فارغ التحصیل و لیسانسیه‌ها و دیپلمه‌ها سپاه بهداشت تشکیل شود که بطور گروه‌های سیار در دهات  
و نقاط بی‌سبزه از امکانات سجدت مشغول باشند .  
باشد که این قدم آنها مثل سپاه دانش در تکمیل سازندگی اجتماع امروز ایران مسترین  
موفقیت باشد .

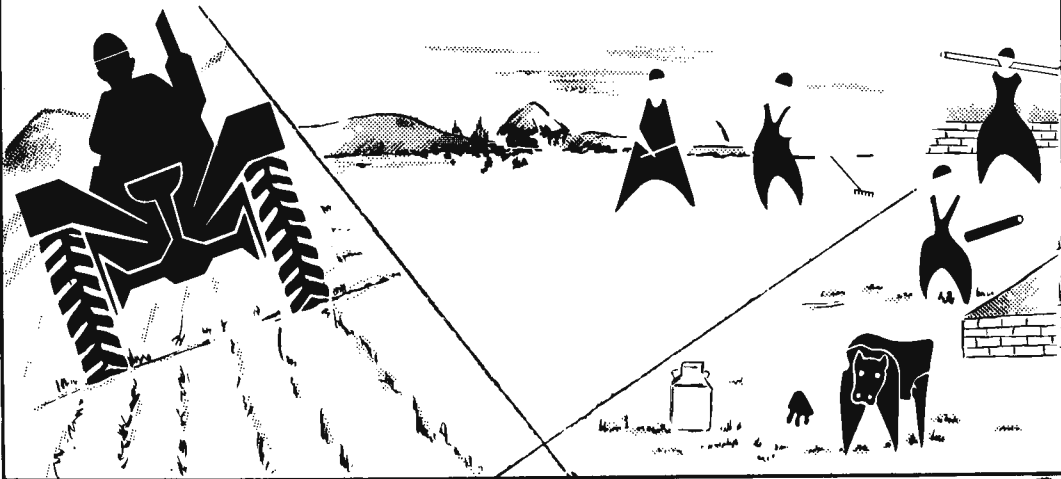
اول همین ماه بهمن هزار و سیصد و چهل و دو





فصل ششم

# سپاہ ترویج و آبادانی









متن فرمان پانوی در باره تشکیل سپاه ترویج و آبادانی

بایامیاد خداوند متعال

ما

## مجلس شورای شاه ایران

نظر باینکه هیئت منضم متمم قانون اساسی مقرر میداریم :

ماده اول - قانون تشکیل سپاه ترویج و آبادانی که بتصویب مجلسین شاه و شورای املی رسید  
و منضم باین دستخط است بموقع اجرا گذاشته شود .

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند .

تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۲۳





فصل نهم

# عدل محصولی خانه های انصاف







بایمیدات خداوند متعال

ما

# پهلوی شاهنشاهی ایران

نظر باینست و منضم تمام قانون اساسی مقرر می‌داریم  
ماده اول: قانون تشکیل خانه انصاف که بتصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسید  
و منضم باین دستخط است بوقع اجرا گذاشته شود.  
ماده دوم: هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند

تاریخ هیئت پنجم اردیبهشت ۱۳۲۲هـ





بخش دوم

# فرمانیات شاهنشاه آریامهر

پیرامون مسائل مختلف مملکتی







## سخنانشاه

درپانخ رئیس شورای شهرداری پاریس

جمعیت وکیم همراه ۱۳۴۰

آقای رئیس شورای شهرداری :

من از صمیم قلب از سخنان محبت آمیز و مؤدبانه شما که خطاب به جلای حضرت شهبانو من ابراز  
داشتید سپاسگزارم. برای ما موجب کمال مسرت است که فرصتی برای دیدار کشور فرانسه به دست  
آورده ایم و در پایتخت زیبای شما که در پر تو نام آن و آنچه برای بشریت نمایان می سازد در واقع  
نوعی پایتخت همه ملت ها بشمار می رود بسر می بریم. از شما و بانو و اعضای شورای شهرداری و  
همه مردم پاریس به مناسبت پذیرایی گرم و باشکوهی که از ما بجا آورده اید سپاسگزاری می کنم.  
فرانسه که نام اهبت آمینرش در زبان فارسی به معنی غرب وارد شده است همواره برای  
مردم ایران منظر فریبناک و تمدن اروپایی بوده است. تاریخ افتخار آمینرش که شهر پاریس در آن  
نقش مؤثری بازی می کند، و ادبیات و ذوق هنرشناطوری در روح ما وارد شده است که هر ایرانی  
در کشور فرانسه خود را در یک محیط کاملاً آشنا احساس می کند و باید گفت که رشته های علائق و تقاضا



کنسالی مارا به فرانسه مرتب می سازد .

مناسبات دو کشور که از قرن سیزدهم آغاز شده است و توجه خاصی که دانشمندان فرانسوی به فرهنگ ایران نشان داده، همچنین تحقیق و مطالعه در تاریخ و زبان شما از طرف هموطنان من پایه و اساس این دوستی و علاقه و جذب متقابل را بین دو کشور ما تشکیل می دهد . این شهر زیبا و بزرگ که تاریخ بنای آن به بسیت قرن می رسد نه تنها با زیباییها و ابنیه باشکوه و هماهنگ خود بلکه با نقشی که در پیشرفت معنوی و خصلاتی انسان ایفا کرده است پیوسته توجه و ستایش جهانیان را بر سوی خود جلب کرده است .

این شهر از قرنهای پیش به مناسبت اینکه مرکز دانش و اطلاعات عمومی و الهام بخش هنرهای زیبا و ممد عالیترین فرهنگ و زیبا ترین تمدن جهان بوده محتامی بجهت بلا معارض در سراسر جهان داشته است .

اصول آزادی های فردی و ارزش های بشری چون نوری از این شهر بر سراسر جهان پرتو افکن شد و قلوب مردم دنیا را روشن ساخت .

در میان نکات مشترک متعددی که بین هموطنان شما و مردم ایران وجود دارد من تنها



عشق به آزادی و حقوق انسانی را که در هر دولت ماسترک است نام می برم. برای یک انسان هیچ چیز گرامی تر و بزرگتر از دفاع از حقوق آزادی های فردی نیست و مردم ایران نیز مانند فرانسویها در طول قرنهای برای حفظ و گنجبانی استقلال و سنن باستانی خود پیکار کرده اند. ما امروزه در کشور خود به اهمیت حفظ اصول دموکراسی واقعی پی برده و برای رهبری ملت خود به شاهراه سعادت و نیک نیتی می کوشیم. در این تلاش و کوشش کشور فرانسه و پاتخت فرانسه که تمام تسکیلات دولتی و سازمانهای شهرداری آن برای رفاه و آسایش مردم به وجود آمده است برای ما نمونه الهام بخش است. تاریخ ما شهادت می دهد که ملت ایران در هر عصر و دورانی از یکگان با ادب و ایمان از پی استقبال کرده و افکار و عفت یار تازه را جذب نموده و با افکار و محیط خود تطبیق داده است.

ما از زمانی که در جاده تمدن گام نهاده ایم راه همکاری فخری و معنوی با ملت های دیگر را دنبال کرده و بر این عقیده بوده ایم که فرهنگ و تمدن ما و ملت های دیگر میراثی است که به همه ملت ها تعلق دارد و امروز هم با همان ایمان و اعتقاد بدین سنت چند هزار ساله در جستجوی همکاری صمیمانه با همه ملت ها برای رسیدن به آرمانهای مشترک انسانی هستیم. آقای رئیس. با توجه به ارزش سخنانی که در پایتخت زیبای شما می گذرایم از جانب شهبانو و خود قدر دانی عمیق خویش را از شما و



عضنای شورای شهرداری پاریس به مناسبت پذیرایی فراموش نشدنی شهر پاریس ابراز می‌داریم .  
من از این فرصت استفاده کرده و به وسیله شما به مردم پاریس درود می‌فرستم و برای همه  
مردم این شهر جاودانی سعادت و ترقی و نیک‌بخشی آرزو می‌کنم .



## سخنان شاهشاه

در کوی بین المللی دانشجویان در پاریس هنگام نصب نخستین سنگ بنای خانه ایران

سشنبه بیست و پنجم به راه ۱۳۴۰

آقای رئیس شردانشگاهی کوی دانشجویان

برای ملکه و من موجب کمال مسرت است که در این کانون فرهنگی که وابسته به یکی از

کنسالت‌ترین و مشهورترین دانشگاه‌های اروپاست حضور یافته ایم.

این محیط در زمینه معنوی به دنیای کوچکی می ماند که در آن ملت ما بدور هم گرد آمده و برای

جوانان جهان آزاد، یک محیط وحدت و یگانگی به وجود آورده اند.

از این که به دعوت شما نخستین سنگ بنای خانه ایران را در خاک کشور میهمان نواز فرانس

قوامی دهم متفخوم. این خانه منظر پایداری مناسب است معنوی ما با فرانسه خواهد بود و برای من

مایه بسی مسرت است که بدین وسیله به یکی از آرزوهای دیرین خود جامعه عمل پوشانده ام.

من در اینجا خاطره شاد روان سنا تورا او نورا، الهام دهنده بزرگ این مؤسسه را تجلی

می کنم. وی در زمان سلطنت پدرم از ایران دیدن کرد و نخستین کسی بود که مرا برای ساختمان



یکت کانون فرهنگی ایران را در پاریس به ما شناساند و گفت که در این کانون جوانان با بضابط  
ورفاه و آسایشی که برای بهبود وضع تحصیلی آنها مؤثر است نائل خواهند شد. ما نیز در  
ایران به دوران نامی گذشته از چنین روشی پیروی کرده ایم .

در قرن ششم میلادی به دوران سلطنت سلسله ساسانی دانشگاهی به نام جندی شاپور  
در ایران کشایش یافت که در آن آخرین فلاسفه یونانی به تدریس اشتغال داشتند. این فلاسفه  
که به وسیله امپراطور رومی نین از آتن رانده شدند از طرف خسرو انوشیروان اول پادشاه  
ایران مورد استقبال قرار گرفتند. بعد از قرون وسطی مراکز علمی برای تحصیلات عالی در  
تبریز و بغداد به دوران وزیر اعظم نظام الملک تانسیس شد. در این دانشگاهها تمام کسانی  
که در شرق میانه خوانان کسب دانش و اکتشافات علمی بودند به تحصیل و تحقیق پرداختند .  
دانشجویانی که در این مراکز تحصیل می کردند برای کسب دانش اشتیاق و هم آهنگی و  
همکاری قابل توجهی نشان می دادند. امروز کشور من نه تنها در تهران بلکه در استانهای بزرگ  
کشور دارای مراکز تحصیلات عالی و شهرهای دانشگاهی است .

به یاری همت فرانسه که در آموزش و پرورش جوانان ما نقش مؤثری بازی کرد امروز



فرهنگ آموزش در کشور ما گام‌های بلندی به جلو برداشته است. در قرن اخیر مخصوصاً آموزش زبان فرانسه که افق وسیع دانش و معرفت جهان با خیر را به روی ما گشود در فرهنگ کشور با نقش سازنده‌ای داشته است.

برای شمارش فرانسویانی که به هنر و ادبیات و تاریخ کشور ما علاقه‌مند بوده‌اند باید آثار بنده و دانشمندان شرق شناس شمارا بررسی کرد.

تاورنیه ما، شاردون ما، انجیل ما، دیولا فوایا، ژول مبل ما، کلان هوار ما، و دیگران طی قرونتمادی در حیات گذشته ما تعمق نموده و بهترین آثاری را که تمدن باستانی ما به فرهنگ بشری عرضه داشته بررسی و ترجمه کرده‌اند و امروز هم این تلاش و کوشش به وسیله دانشمندان سرشناس ایران دوستی چون پروفیسور مازنی ماسه و آقای کوربن دنبال می‌شود. بدیهی است با چنین رشته‌های مناسبات فرهنگی که از گذشته‌های دور در کشور ما راه می‌گذرد پیوند داده و ریشه دواینده است نقدان یک «خانه ایران» در شهر دانشگاهی پاریس به منزله‌ی خلایق بود که می‌بایست پُر شود.

آقای رئیس، در سخطی که نخستین سنگ بنای این خانه را بر زمین می‌گذارم از فرصت





استفاده کرده و از سازمان اداری شهر دانشگاهی پاریس که زمین مورد نیاز را برای ساختمان  
خانه ایران در اختیار ما گذاشته است تشکر می‌کنم. همچنین مراتب اطمینان خود را شهابه مناسبت  
برگزاری این مراسم که همیشه بیاد خواهیم داشت ابراز می‌دارم و در پایان صمیمانه‌ترین احساسات  
و مراتب قدردانی خود را به زنان مردان فرانسوی که با علاقه و فداکاری کار آموزش دانشجویان  
ما را به عهده گرفته‌اند تقدیم می‌دارم.



## سخان شاهشاه

در پارس دیهانی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران سیاسی نویسندگان امریکایی اروپایی

سشنبه‌بیت و پنجم مه‌ماه ۱۳۴۰

نهایت افتخار است که امروز در جمع شما حاضر شدم. متأسفم که شهبانو نتوانسته اند دیهانی مهر  
شرکت نمایند.

آقای رئیس باشگاه راج به تمدن و فرهنگ کشور ما صحبت کردند. ما به گذشته خود افتخار  
می‌کنیم و آن را مایه فخر خود می‌دانیم ولی در حال حاضر در دنیای امروز، ما به پیشرفت مایه اقتصادی  
صنعتی و تجارتی نیاز فراوان تری داریم. متأسفانه حوادث بین‌المللی پیشرفت ما را دچار وقفه کرد  
اما عزم راسخ ما این است که این عقب‌افتادگی را به سرعت و با نهایت وقت جبران کنیم و از  
کشور یابی که از ما جلوتر رفته اند کمک بگیریم.

همان‌گونه که اشاره کردم ما خوشحالیم که همیشه بین دو کشور ما روابط دوستانه برقرار بوده  
در اینجا من مخصوصاً از گلها و تسهیلاتی که برای تحصیل دانش‌آموزان ما به عمل آمده تشکر می‌کنم.  
همچنین از کمک یابی که در آینده انجام خواهد داد سپاسگزار می‌نمایم. بیان ترتیب با یاری



شما خواهیم توانست راهی را که در پیش گرفته ایم با غمی راسخ دنبال کنیم .  
هدف ما در درجه اول این است که از صنایع وسیع و سرشار کشور استفاده کنیم . هدف دیگر ما  
تقسیم عادلانه ثروت است برای پیشرفت ایران و بهبود زندگی مردم ، ما برنامه های وسیعی طرح  
کرده ایم و موفق شده ایم قسمتهایی از آن را اجرا نمایم . صنایع سنگین کشور ایران مانند نفت صرفاً  
به مردم ایران تعلق دارد و از این ثروت به نفع بهبود زندگی مردم استفاده کمال خواهد شد .  
ما مردم کشور خود را تشویق کرده ایم که در صنایع بزرگ و کوچک سرمایه گذاری کنند . در  
حال حاضر بیشتر مردم در دهکده ها و روستاها زندگی می کنند . البته وضع معیشت و کار و زندگی آنها  
مناسب زندگی امروزی نیست . ما قصد داریم با مکانیزه کردن کشاورزی ، سطح تولید را  
در کشور بالا ببریم . این کار مستلزم در بهتر کردن زندگی مردم دهکده ها اثر فوق العاده ای  
خواهد داشت . سودی که از صنایع سنگین به دست خواهد آمد صرف ایجاد مدارس و مراکز تحقیقاتی  
ساده در روستاها می شود .

مخارج نظامی ما نسبت به سایر ممالک ، مبلغ بسیار ناچیز و بی اهمیتی است و شاید در حدود  
پانزده درصد بودجه کل کشور باشد . من این رقم ناچیز را با بودجه نظامی سایر کشورها مقایسه نمی کنم ولی





## سخنانشاه

خطاب به دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه در سفارت کبرای شاهنشاهی

پنجمین شماره ۱۳۴۰

بار دیگر برای من فرصت پیدا شده که در دو سال اخیر با محصلین ایرانی مقیم فرانسه تماس بگیرم  
یعنی در سال ۱۹۵۹ نیز در میان شما بودم. هر وقت این فرصت برای من پیش می‌آید سعی دارم با  
زبان ساده مطالبی را جمع به مملکت خودتان که از حیث مسافت با آن فاصله زیادی دارید بگویم.  
ما ایرانیها اول باید ببینیم امکانات مملکت ما چیست. بعد برای خود هدف معین بکنیم.  
امکانات ما از نظر جغرافیایی و منابع طبیعی و تمدن و فرهنگ وسیع است. ایران در منطقه خود  
تنها مملکتی است که می‌تواند در آینده با استفاده از ثروت‌های طبیعی خود سطح زندگی مشابه با افراد ممالک  
پیشرفته تهیه نماید. شما در اینجا هر جا می‌روید می‌بینید آباد است، سطح زمین سبز است،  
جنگل است، کارخانه است؛ یک وجب حاصل و باطل نیست. ولی در کشور خودمان خواهی  
می‌بینید که سطح زمین شن و خاک است ولی باید دانست که منابع تحت الارضی جبران قهر سطح زمین را  
در کشور ما می‌نماید و البته برای بهره برداری از آن باید با همه امکانات اقدام کرد. با جمعیت متناسبی



که ما داریم می توانیم یک سطح زندگی مساوی با سطح زندگی ممالک اروپایی تهیه نماییم . و سید  
آن داشتن اراده ، داشتن نقشه و داشتن مجری است . داشتن اراده و نقشه کارآمداران  
وقت است ، مجری افراد مملکت هستند ؛ و این افراد مملکت را همیشه یک کادر زنده و متبصر  
اداره می کند و این کادر زنده و متبصر شما هستید .

دانشجویان ما در خارج گذشته از درس باید حقایق ممالک هموار و دنیا را بدانند اصولاً  
مطلب باید برای خودتان حل کنید . آیا می خواهید یک کشور مستقل داشته باشید و ایرانی زندگی کنید  
یا خیر ؟ آیا شما نمی توانید قبول کنید که دست یابی که نایبنا لیزم را از بین می برند بر شما مسلط باشند  
و شما نابرده آن ما باشید ؟ اگر کسانی هستند که اینطور می پسندند ما با آنها کاری نداریم و اما  
آنها اینی که بر ایران مستقل و سنن آن و ایرانی بودن پامی بند هستند خوب می دانند که چگونه خود را  
برای اداره امور کشور مجتهد نمایند . شما توسط جسد لید و یا ادارات مطبوعات و اطلاعات و  
و بستگان مطبوعاتی ایران از اخبار کشور خود مطلع می شوید ؛ آنچه ما باید بدانیسم اینست که باید  
سریع تر و قاطع تر تصمیم بگیریم و کار بگیریم . ما که از کاروان تمدن دنیا در اثر اجمال گذشته گان عقب  
مانده ایم باید از دنیا ساسی دیگر سریع تر کار بگیریم تا با آنها برسیم . ممکن است این عمل بظن مشکن باید



ولی این طرز نیست زیرا ما از تجربیات آنها و آخرین وسایل کار آنها استفاده نخواهیم کرد.  
من باین کشور مسافر می‌کنم البته گذشته از شناساندن ایران و معرفی کشور خود می‌خواهم  
آن کمک فنی و مالی و اقتصادی که لازم است از این کشور بگیرم و سعی می‌کنم در این راه  
موفق بشوم. این امر خجالت ندارد. خیلی ماهر و وضع مابودند و امروز به جایی رسیده اند که  
می‌توانند خودشان به سایرین کمک کنند مانند کشور ژاپن. شما برای شناختن کشور خودتان  
هر روز بخوابید می‌توانید به سفارت ایران، به اداراتی که برای این منظور تأسیس شده و  
مأمورین موظف به کار گمارده شده اند مراجعه نمایید و از وضع کشور از همسایگان اوضاع بپرسید  
زیرا باید در دنیای امروز مطلع بود. در راه رسانیدن ایران به مرحله پیشرفت و ترقی باید در  
برابر خیلی چیزها مقاومت کرد. اول مقاومت در برابر قبلی. این یک بلاست که طغی  
به حال رکود بیفتد ولی فی‌حقیقت ملت ما این طرز نیست و تاریخ ملت ما بر این امر گواه است.  
دوم مقاومت در برابر نقشه های تجاویز آئینز کسانی که به کشور ما نظر دارند. در این مورد باید حقیقت را  
دانست و در آن موقع که حقیقت را دانستیم فرصت مقاومت در برابر تجاویزین خواهیم  
داشت و اگر مطلع باشیم دروغ و ریا و تخریب در ما اثر نمی‌کند موقعیت ایران برای دنیا جاتی



است به هر طرف که ما سگینی خود را بگذاریم اوضاع بین المللی را عوض می کنیم . اهمیت  
سوق انجیسی و اقتصادی ایران موجب می شود کسانی که خیال استیلا بر ما دارند نهایت سعی خود  
را به کار اندازند تا کشور ما تغییر جهت بدهد و در این راه از هیچ کاری دریغ ندارند دروغ  
و فشار به کاری برند . ما اگر می خواهیم ایرانی زندگی کنیم باید در برابر این کار ما ایستادگی  
کنیم . دست است که تمام ایرانیان در برابر من یکسان هستند ولی وظیفه من اینست که حقوق  
اکثریت و طبقه غیر ممتاز را از نظر توزیع عادلانه ثروت حفظ کنم تا حداقل زندگی مردم تأمین گردد .  
برای این کار ، ما برنامه محدودیت و تقسیم اراضی داریم . دیگر استعمار منعی ندارد .  
هر کس کاری کند باید بداند برای که و برای چه کاری کند . هدف اصلی سیاست داخلی ما غذا  
برای همه ، و تأمین پوشاک ، مسکن ، بهداشت و فرهنگ است . در جامعه نوین گذشته  
از کار و نان ، کادرو اطلاع هم لازم است و کادر با ایمان و مطلع باید شما باشید که باروشن بینی  
مجتهد به خیال علمی فرهنگی بشوید تا در مسابقه بین ملل عقب نمانیم بلکه سر بلند و متحضر باشیم .  
وسایل کار برای شما فراهم شده و توقع متقابل نیست که خود را برای خدمت به مملکت مجتهد  
کنید و مانند یک ایرانی که در جهه مبارزه وارد شده است کار کنید . هر ایرانی که نخواهد زنده بماند





به عقیده من وارد یک مبارزه ای می شود و آن مبارزه عجارتست از مبارزه برای ادامه  
حیات یک کشور مستقل و سر بلند .

البسته دیگران هم مبارزه می کنند؛ مگر آنها مبارزه می کنند به نفع دیگران و  
به ضرر مملکت و آب و خاک خودشان، ولی شما مبارزه می کنید برای خانه و کشور خودتان .



## پیام شاهنشاه

بناسبت روز سازمان ملل متحد

شششنبه دهم آبان ماه ۱۳۴۰

امروز که شانزدهمین سال تشکیل سازمان ملل متحد فرارسیده مسرت خود را از اقدامات و خدماتی که این سازمان در راه استقرار صلح در جهان نموده است ابراز می‌داریم و آرزو مندیم که سازمان ملل متحد پیش‌از پیش در تأمین مقاصد عالیله و نیل به به‌فمای خود توفیق حاصل نماید.

متأسفانه امروز اختلافات موجود سیاسی و تشنجات بین‌المللی موجب گزافی عمومی را فراهم ساخته است و گزافی بیشتر از این است که روز به روز نیروی تخریبی سلاحهای جنگی افزوده می‌گردد، و احتمال انهدام تمدن بشری بیم و هراسی در دلها ایجاد کرده است. در چنین موقع حساس و خطرناک تنها راه نجات تمدن بشر از انهدام کامل تصویب و پشتیبانی صمیمانه از اساس سازمان ملل متحد و اجرای منشور آنست. اکنون که دوستداران صلح در سراسر جهان شانزدهمین سال تشکیل سازمان ملل متحد را جشن می‌گیرند انتظار دارند



سازمانی که صد و یک کشور به عضویت آن درآمده است به جای اینکه محل کجکشی های سیاسی باشد با ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل و سایر عملی خلع سلاح و منع آزمایشهای اتمی، و به طور کلی موجبات تخطی صلح و امنیت بین المللی را فراهم نماید و به کارهای عمرانی و رفاه مردم و استقرار عدالت اجتماعی بپردازد و با ایجاد همکاری دول به منظور پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به خصوص کشورهایی که در حال توسعه هستند قدم های بزرگ بردارد.

اینک با اظهار رضامندی از خدمات جمعیت ایرانی طرفدار سازمان ملل متحد تأکیدی نمایم که اعضای این جمعیت کماکان نسبت به ترویج اصول و مقاصد مشور ملل متحد و جلب افکار عمومی در پشتیبانی از این سازمان و مؤسسات تخصصی آن سعی و اهتمام نمایند.



## سخان شاهنشاه

در کاخ مرمر بهنگام شرفیابی نمایندگان مردم استانها و عشایر

رشدنیم آبان ۱۳۴۰

پس از مراسم بیت و ششم مرداد که فرصتی پیدا شده بود که با اهالی تهران متقیما صحبت کنم گو  
اینکه این صحبت باب و وسیله دستگاہهای رادیویی به اطلاع اهالی ایران رسیده بود، از طرف مردم  
شهرستانها تقاضا شد که شاید فرصتی باشد و پیدا شود که آنها نیز در یک اجتماعی جمع شده و یک  
ملاقات متقیمی بین من و آنها پیدا شود. البته خود من بسم از این فرصت استقبال کردم  
چون فرمی کنم بر وسیله ای که پیدا شود که من بتوانم حضورا و متقیما با مردمی که در این مملکت زندگی  
میکنند تماس پیدا کنم، و از احوال آنها خبردار بشوم فرصتی است مغتنم، و از آن فرصت  
من استقبال می کنم. موضوعی که گمان می کنم روشن باشد آن اینست که در این مدت سلطنت  
خودم تقریباً از روز اول تا به حال تا موقعی که خداوند عمری عطا فرماید ر قارور و ر و روحیات  
من روشن بوده است، و شامردم این مملکت به آن آشنا هستید. اگر صحبتی کرده ام، و  
اگر روحیات خود را تشریح کرده ام، خداوند آن عنایت را به من فرموده است که این قضا



و افکار را در موقع معین در بوبه آزمایش بگذارم . این فرصت برای هر کسی پدید می شود که بتواند ثابت بکند که حرفش و عملش یکی است . ولی بخواست خداوند این فرصت برای من پیداشد است . پس شما مرا می شناسید اما من بسم می خواهم شما را بشناسم . شناختن اساسی و اصولی شما آسان است . من می دانم که ایرانی همیشه در ته دلش آتش وطن پرستی بهشت هر چه تمامتری سوزد . چرا ؟ برای اینکه این هم از طرف شما مردم ادعائیت این را هم شما فرصت پیدا کرده اید که در عمل نشان بدهید .

تمام تاریخ ایران را ورق بزنید می بینید که این مردم هر وقت که می بایستی امتحان بدینند جان خود را در کف نهاده اند و از مرز و بوم خویش دفاع کرده اند ، و چه بسا فدای کار و پناه و رشادتهای مجیر العقول از این ملت سرزده است که در تاریخ ضبط است . من می دانم که ایرانی طبع لطیف دارد ، و در هر چیز ظریف ، در ادبیات ، در صنعت و در تمام کارهایی که با روح و باطرافت تماس دارد در این رشته با پر تجربه و قویست . باز هم این ادعائیت و این راهم تاریخ گذشته ما و حال ما ثابت کرده است . از سخاوت و شهامت و مردانگی شما اطلاع دارم تمام اینها صفاتی است که توانسته است این



ملت اد طولیش از دو هزار و پانصد سال تاریخ حفظ کند، و امروز به من فرصت بدهد که  
بعنوان پادشاه متعلق باشم مردان آزاد و مستقل این مملکت صحبت کنیم. اما چیزی که می خواهم با  
آن آشنا بشوم و آن را در تماس و صحبت باشم دست بیاورم اینست که آیا کلاً باید و گوی  
که امروز در دنیا ما دچار آن هستیم و با آن زندگی می کنیم، و با احتیاجاتی که چنین روزگاری پدید  
آورده است آشنا هستید؟ آیا به جنبه فنی و پیشرفتهای مادی جامعه امروز دنیا، و احتیاجات  
جامعه امروزی تیر واقف هستید؟ آن اصلاحاتی که باید در هر جامعه امروز در دنیا در مملکتی  
پیش بیاید تا آن زندگی و آن جامعه و آن مملکت قابل دوام باشد آشنا هستید؟ امیدوار  
هستم که آشنا باشید. وظیفه من و دستگاه دولتی اینست که تا جایی که ممکن است فرد  
شمارا اگر لازم باشد، به این تغییراتی که در دنیا پدید آمده است آشنا کند. این تغییرات در  
دنیا اینی که ما با آن خود داریم تغییراتی است که به نفع اکثریت جامعه است. یعنی هدف و  
اساس کار و نقشه اینست که یک قلمی موقعی پایدار است که اکثریت آن از اصول اولیه  
تمدن امروزی برخوردار باشد. ملت را اگر بگیرد و نظری با اکثریتش بیکنید این اکثریت  
چه کسانی هستند؟ اینها زارینی هستند که در اراضی زراعتی ایران مشغول زحمت هستند



اینها کارگرانی هستند که در کارخانجات کاری کنند؛ اینها کارگرهای خصوصی هستند که در کارگاههای کوچک و نسبتاً کوچک متظاً برای خودشان کاری کنند؛ اینها کارمندان دولت هستند که بایک حقوق مختصری قناعت می کنند و کاری کنند. اینها دانشجویانی هستند که باید تحصیل علم بکنند و مطالبی بخوانند که بعد بر در زندگی خود، و زندگی جامعه و آملاب در مملکت بخورد. اینها دبیرها، آموزگاران، استادان و دانشیارانی هستند که در این مملکت باید نسل فعلی و آینده را تربیت بکنند و به آنها چیزهایی یاد بدهند که به در جامعه امر و بخورد.

مجموع این اکثریت را مانگا و کنیم و طیفه ما نسبت به تأمین زندگی این مجموع اکثریت روشن می شود. البته جامعه را خیلی عناصر دیگر تشکیل می دهند که فرصت صحبت امر و نیست خیلی ما هستند که ممکن است ذکر کرد که آنها هر که ام بنویه خودشان می توانند برای جامعه ایران مؤثر باشند؛ در هر کاری داشته باشند حتی اگر بیکار هم باشند اینجا بخصوص کسانی که اهمیت پیدا می کنند ما کمین روشن فکر و چیز فهم این مملکت است. عشایر دلی و غنچور و وطن پرست این مملکت است. کسانی که در شدیدترین شرایط، سخت ترین شرایط در مرزهای این مملکت یا به زندگی، یا به پاسداری مشغول هستند؛ و بالاخره قومی مشکل مستح



مملکت که وجودش و بودش فقط و فقط برای حفظ این مرز و بوم و سنن تاریخی این ملت است که اینها تنها هدف و تنها اعمالشان همین است و زندگی‌شان پر از فعالیت و صمیمیت است. ولی اکثریت این مردم و این طبقاتی که ما ذکر کردیم خودشان متوجه می‌شوند که چیست این فقط موضوع این مملکت نیست در همه دنیا، و همین طبقات، موجود است و امروز جامعه مترقی آن جامعه است که برای آن اکثریت، آن حداقل زندگی تمدن امروز را در نظر بگیرد که از آن کمتر نباشد، و هر کسی از آن بیشتر توانست به دست بیاورد زهی سعادت خود او. این مطالبی که امروز می‌آید هر فرصتی که پیدا می‌کنیم بگویم که خود شما در این راه نه فقط با ما همراه باشید بلکه پیشقدم باشید بلکه این نهضت را خوب فهمیده و هر کدام از شما از مبلغین آن باشید بدانید که این مملکت این تاریخ گذشته ما، و تاریخی که در آینده ما می‌توانیم به آن افتخارات بزرگی تیرا اضافه کنیم این بنگی نفیسم و ادراک تمام اهالی این مملکت نسبت به احتیاجات آتی مملکت دارد، این احتیاجات برآورده شود.

زندگی مرفعی برای همه و بخصوص برای کسانی که در این راه زحمت بیشتری باشند مسلماً فراهم خواهد بود. این واقعیت تاریخی را من مطمئن هستم که ملت با هوش و فهم و ذکی ایران بخوبی





می تواند دک کند . من میگویم افهیده تراز ایرانی در چچ جانیدیم . تنها چیزی که هست شکل  
این افراد است که چه طور اجماع آنها جان در ایت و فم انفرادی را پیدا کنجد . چیزی که ما باید  
آرزو مند آن باشیم اینست که جان فمی که فرد فرد شما دارید جان را اجماع شما هم با هم پیدا کنجد .  
ابسته این لازم اینست که یک قدری غرضها کمتر شود و اگر آن شد و هر فردی فهمید که بقای  
او بسته به بقای اجماع است این کار حل می شود .

یکی از نا مطمئن شامی گفت که پادشاه بزرگ نجاشی مادر دعای خود از خدای خود دعا  
کرده بود که مملکت ایران از سه بلا حفظ کنجد یکی خشکالی . خشکالی را شاید تا حدی بشر بتواند امروز  
با علم جدید و ابتکارات جدید بر طرف کند . جایی که می شود سد بسازد . جایی که می شود چاه  
بزند . جایی که شود قنات کنجد . امروز مطالعات در این می رود که چه طور ابرهای مصنوعی  
را بیک سمتی هدایت کرد و آن ابرها را به وسایلی و ادار به باریدن کرد . دعای دیگر این بود  
که مملکت از شر دشمنهای خارجی مصون دارد . این هم با اتحاد بین افراد مملکت و تشخیص  
منافع جامعه ، و عمل کردن به آن از نقاط حفظ داخلی مملکت کار است آسان از نقاط خارجی  
آنهم آسان است گما اینست که همین طور که می بینید مملکت ما هم بدون یار و یاور نیست که



اگر خدای نخواستہ روزی دست درازی بماند ما که بالنسبہ مملکت کو محترمی مستقیم با کجایان خود ماجایی کہ می توانیم از خود دفاع کی کنیم و این سرحد توانایی ما و یاران ما ہم بدانید کہ کم نیست و اما مطلب سوم کہ خداوند این مملکت از دروغ یادر و غلویمان حفظ کند . این چیز نیست کہ دیگر در اختیار من نیست . این مطلبی است کہ دیگر مربوط بہ خود جامعہ ایرانی می باشد .

اگر ما بتوانیم ریشہ این کار را کہ اینہم تا اندازہ ای ممکن است ریشہ تاریخی داشته باشد روی ضعف و لہتا در قرون اخیر در مقابل شاید ظلمی کہ حکام داخلی و دولتمای داخلی می کردند یکی از وسایل دفاع کمان حقیقت بودہ است ولی ما باید امروز بدانیم کہ اگر اچنانا گذشتہ این سیاست کو محترمی فایده ای داشت امروز با جامعہ امروزی دنیا این سیاست دیگر نہ معنا دارد نہ نتیجہ ای . ہر کسی کہ فکر کند کہ بہ این طریق زرنگی می کند اشتبا و منحس است من در زندگی خود تجربیات زیادی داشتم چہ قسمت فردی و چہ قسمت سیاسی . ظاہر کار اینست کہ ما نیست و خرده ای سال است کہ در سیاست ما مجال دارد بودیم و نجواست خداوند می بینید کہ ما مجال موفق بودیم ، و اما بدانید کہ از روز اول روی اصل خلقت و طبیعت خود و ہمچنین روی تشخیص کفتمش خودم کہ بہترین سیاست اینست کہ انسان ہمیشہ



راست بگوید و بمیطور عمل کردم . نتیجه اش را ببینید در زندگی شخصی بمیطور اینست که امیدوارم  
این دعایانی که آن شاهشاه بزرگ مادر آن موقع کرده بود این دعایانی باشد که هر شب ایرانی  
پیش خودش و پیش خدای خودش بگوید و فرزندانش را و آشنایانش را و هر کسی که می شناسد  
متوجه این امر بگردد تا اینکه پایه کارها روی اساس اطمینان قرار گیرد . اگر به من شکایتی می شود ،  
اگر به دستگاهها شکایتی می شود ، اگر به دادگاهها شکایتی می شود این اساس روی مبنای درست  
باشد . اگر به هر شکایتی بنا باشد که با تردید نگاه کنیم این کار به کجا خواهد رسید ببینید که در این  
قسمت زیاد صحبت می کنم و شاید بیش اندازه ؛ ولی اهمیت این موضوع بیش از اندازه است .  
این صحبتی که امروز می کنم برای دوران سلطنت خود من نیست ملاحظه بکنید در چند هزار سال پیش  
شاهشاه شما این مطلب را عنوان کرد . این حرفی که من می زنم برای همیشه است . برای  
ابدی بودن این مملکت است می گویند خوب پس چطور دو هزار و پانصد سال ما مانیم .  
گفتم به شما این وطن پرستی باطنی شماست . این عرق بی شماست ؛ این خصایل بزرگ  
دیگریست که شما دارید . اما ملاحظه بکنید که در این دو هزار و پانصد سال آیا ما همه اش با  
افتخار زندگی کردیم ؟ آیا دوره های انحطاط نداشتیم ؟ آیا این مملکت را بعضی مهاجمین زیر



تم سوز خود قرار ندادند؟ آیا پادشاه شمارا در اصفهان محاصره نکردند؟ آیا پادشاه بزرگ  
بخاشی خود شمارا باو و بعضی سردارهایش دروغ گفتند؟ ما چیزی که می خواهیم اینست که انشا  
جامعه ما روی چنین پایه ای قرار بگیرد که بعد با دیگر برای او انخطاطی پیش نیاید. برای اینکه  
سیرتدن امروزه دیگر اجازه چنین انخطاطی را نمی دهد. امید داریم که بر تمام خصایل عظیمی که  
دارید این خصلت دیگر را به تمام معنا اضافه کنید. این حرفی که من می زخم شاید مشمول کیعد  
معدودی باشد که در این مملکت راست گوی گویند ولی همان عده معدودتیر باید از زمین بروند  
یا این اخلاق ناپسندیده باید از زمین بروند. پس انشا، الله بخواست خداوند متعال همه در این  
راه گام برمی داریم و وظیفه ای که نسبت به مملکت داریم انجام می دهیم. مطمئن هستیم که در آینده  
تزدیکی حتی خیلی قبل از اینکه حیات ما با خاتمه پیدا کند چنان مملکت آباد و سربلندی بینیم که غرور  
و خشودی در سیمای همه پیدا باشد و مطمئن باشیم که اولاد های ما با رفاهیت و افتخار و سربلندی زندگی  
خواهند کرد و همان آرزوی منی که من دارم که بعد پس من در آن محیط زندگی بگذر مطمئناً شایسته برای  
اولاد های خود دارید، و انشا الله این بچه های فعلی و مردان آینده و زنان آینده همه سربلند  
و مقهر به اسم ایرانیت زندگی بکنند.



## سخن شاهشاه

به مناسبت هفتاد و نهمین جشن پیاپی

شنبه یازدهم آذرماه ۱۳۴۰

به‌وطنان عزیز :

هشت سال قبل در چنین ایامی تکلیفات جدیدی پیشاپیشی در ایران شروع شد  
طرف این مدت کوتاه پیش از آنچه انتظار می‌رفت در راه خدمت به کشور و هدایت  
جوانان توفیق حاصل نمود .

مسئله تربیت کودکان و جوانان امری بود که در هر حال می‌بایست در ایران هم  
مانند سایر کشورهای متمدنی باینار مندیهای زمان تطبیق کند .

دنیاى امروز احوستاج به ملتهائی دارد که درست فکر کنند، و با واقع بینی  
حقیقت حوادثی را که هر آن ممکن است حیات و استقلال آنها را تهدید کند دریابند  
کودکانی که با تربیت پیشاپیشی رشدی کنند در اثر تعلیماتی که فرزانهان بازار تر و  
قضاوتشان را صحیح‌تر می‌سازد می‌توانند به رفع این مخاطرات نایل آیند و نقش خود را



در سرزمینی که به آنها تعلق دارد بهتر ایفا کنند و به همین دلیل است که نهاد و چهار کشور آزاد جهان مردان آینده خود را با تعلیمات پیش آهنگی مجرب می سازند، و باز به همین دلیل است که پیش آهنگی را آن دسته از کشورها که از رشد فخری ملت وحشت دارند نمی پذیرند. حسب خوشوقتی است که درستی برنامه ما در طول مهشت سال گذشته عملاً به اثبات رسید. اکنون پیش آهنگی مانده قطعی از مترقی ترین سازمانهای مشابه در جهان است. بلکه در کیتیه ای که پیش آهنگی جهان را اداره می کند از طرف سایر کشورها تاثیر صاحب نظر مستقیم. در زمینه پیشرفت های داخلی آنچه بیشتر موجب مسرت است استقبال عمومی و توفیق پیشاهنگان در انجام برنامه های اجتماعی و خدمت به دیگران است.

ما می خواهیم مردمی آزاد و سر بلند، مجرب به فضایل اخلاقی و آشنای به وظایف ملی مذهبی و اجتماعی داشته باشیم و اینک که خانواده ها نیز در اثر آشنایی به تعلیمات پیش آهنگی خواستار چنین برنامه ای هستند واجب می دانیم به لزوم همکاری مقامات دولتی مخصوصاً وزارت فرهنگ اشاره کنیم و بچنانکه قبلاً هم به وسیله فرامین و دستورات صادر به دولت و بنیاد پهلوی تاکید نموده ایم اهتمام بیشتری را برای توسعه تربیت عملی که



حزری جز برنامه های پیشه‌نگی نیست انتظار داریم .  
رضایت خاطر و اعتماد خود را بدینوسید به عموم پیشه‌نگان عزیز، مرسیان  
اعضای کمیته ها و شوراهای پیشه‌نگی در سراسر کشور ابلاغ می‌نماییم و در پر تو عنایات  
خدای بزرگ موفقیت مسؤلین و مجریان برنامه های پیشه‌نگی را خواستاریم .



## سخنان شاهشاه

بناسبت یکصدین سال تولد راینذرانات تاگور شاعر معروف هند

مجموع اول دیماه ۱۳۲۰

از اینکه مراسم یادبود صدین سال تولد راینذرانات تاگور سخن سرا و متفکر نامی هستند دانشگاه تهران برگزار می شود کمال خوشوقتی را داریم. تجلیل از مردان بزرگ فکر و هنر همواره مورد علاقه ملت ما بوده است زیرا فرهنگ کنش سال ما از آغاز جنبه ای جهانی داشته و بر تخیل فروغ معرفت را در هر نقطه از جهان صیانه مورد استقبال قرار داده است. از نظر ما متفکرین و نوابغ علم و هنر در هر جا که باشند متعلق به تمام جامعه بشری هستند. و از این لحاظ ما همان قدر تاگور را مال خود می شماریم که متفکرین و حکمای بزرگ تاریخ خویش را متعلق به تمدن و فرهنگ سرا سر جهان می دانیم.

راینذرانات تاگور چه در دوران حیات و چه پس از مرگ خود برای ما مظهر یک آرمان مقدس و نماینده یک جهاد معنوی در راه پیروزی ارزشهای واقعی بشری بوده است. وی تیرمانند شمس الدین محمد حافظ شیرازی جلوه گاه نظر از اختلافات و جداییهای ظاهری اقوام





فرا تر برد و چون مربی و آموزگار پاک نهادی کوشید تا راه تفاهم و محبت و حقیقت جویی را  
به مردمان جهان نشان دهد. ظهور تاگور در صحنه فرهنگ و ادب هند در واقع آغاز یک عصر  
نوین در حیات اجتماعی این کشور بود و بی گمان بدون وجود او و نفوذ عمیق فلسفه و فخر وی کوشی که  
مها تاگاندی از راه دیگر در خدمت به جامعه بزرگ هند در پیش گرفته بود به موفقیت کمال نمی رسید.  
برای کشور ما را ایندزانت تاگور اختصاصاً دوستی عالیقدر و پر ارزش است. وی در سال  
هزار و سیصد و یازده به ایران آمد تا با حضور خویش پیوند قلبی و دیرینه ملت ایران و ملت هند  
را استوار سازد.

خاندان تاگور مانند هزاران خانواده کهنسال هند با حکت و فرهنگ ایران آشنایی داشت  
و تاگور دوران تربیت اولیه خود را در خانه ای بسر برد که در آن پدر خانواده هر صبحگاه صفحه ای از  
« اوپانیشاد » را همراه با عنری از دیوان حافظ برای فرزندان خود قرائت می کرد. اثر  
آشنایی با فلسفه و ادب ایران در جزئی نوشته ها و اشعار را ایندزانت تاگور عمیقاً هویدا است.  
الکون که خاطره این خدمتگزار عالم بشریت در سراسر جهان مورد تحلیل قرار گرفته است  
ما بنام ملت ایران به وی درود می فرستیم و آرزو داریم که آن فروغ معنویت و محبتی که



او در همه عمر به سوی آن داشت دیر یازود بر تاریکی ماده پرستی و بر نیروی خود خواهیها  
و اغراضی که متأسفانه همچنان بر جهان کنونی ماکلفر ما هستند غلبه کند و سرانجام دوران  
صفا و سازش و برادری واقعی که وی همواره در آرزوی آن بود فرارسد .



## سخن شاهشاه

در پاسخ تبریک عید روحانیان، روز عید بحث

جمعه پانزدهم دی ماه ۱۳۴۰

همان طور که گفتید امروز مملکت با باغیایات الهی از امنیت و ثباتی که کمتر سابقه داشته برخوردار است و در پر تو این ثبات و امنیت، ما می توانیم راهی را که برای سعادت مملکت و ملت در پیش گرفته ایم به خوبی دنبال کنیم. علت اینکه مملکت با بخلاف بسیاری از کشورهای دور نزدیک دچار آشفتگی ناپذیری نماند که می بینیم نیست، این است که رژیم مائزیمی است که مورد قبول عامه مردم است و شیوه ای تجسیمی نیست.

مردم این کشور از دیر باز با طرز حکومتی که دارند آشنا هستند، و سلطنت برای ایشان مفهومی بسیار عمیق و روحانی تر از مفهوم عادی این کلمه دارد. در پر تو همین وابستگی عمیق سلطنت و ملت است که امروزه در این استقرار چنین ثبات و ایتسی امکان پذیر شده است. البته ما هرگز فراموش نکرده ایم که عالیترین اساس حکومت، پیروی از تعالیم عالی آسمانی دین میسر است و این نکته ای است که پیوسته مورد نظر ما بوده است و خواهد بود. کوشش همه ما باید



این باشد که نه فقط مملکت را بر طبق اصول عالیه اسلامی و معنوی دین مبین اسلام اداره شود ، بلکه  
انشاء الله در دنیا یک جامعه حقیقی اسلامی به وجود آید و دول و مل مسلمان ماصر فقط از مقتضیات  
خاص جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی خود بصورت اتحادیه ای در تحت لوای اصول اسلامی  
در آیند که وظیفه آن تقویت بنیاد صلح و حسن تفاهم بین المللی و پیشرفت جامعه بشری به سوی  
اصول عالی معنوی باشد .



## سخنان شاهشاه

بنگام شرفیابی و ابستان مطبوعاتی شاهنشاهی در خارج

شنبه شانزدهم دی ماه ۱۳۴۰

بهین قدری توانم بگویم که همه گزارشهایی که شامی فرستیدی خوانم و عفت خواندن گزارشهای شما این است که می‌نیم با حلاقت و ایمان به مملکت کار باراد دنبال می‌کنید. اگر ما بتوانیم وسایل در اختیار شما بگذاریم که به اندازه احتیاجات آن باشد البته مطمئن هستیم موفقیت‌های بیشتری خواهید داشت.

این کاری که شما شروع کرده اید شالوده کار بانی است که باید بعد از انجام و بسید کنن شما ثابت کردید که چطور یک فرد به تنهایی می‌تواند با حلاقت و ایمان و فداکاری به مملکتش خدمت کند و این روحیه در آینده در دستگاه تبلیغات با توسعه ای که انشاء الله پیدا خواهد کرد نباید ازین برود.

در داخله مملکت ما باید صدای رادیو را به همه مملکت و کشورهای همسایه و اروپا به خوبی برسانیم، و ایرانی‌های مقیم خارج از کشور خود مرتباً با اطلاع باشند.



راجع به تهیه فیلم، این خود یکی از موثرترین راههای معرفی مملکت با وسایل سمعی و بصری است. شما باید نسبت به برنامه عمرانی سوم کاغذ وارد باشید و مدارک لازم کافی همراه خود بپسندید و سازمان برنامه در این مورد توضیحات کافی به شما بدهد.

شما پیش از استقراتی که من از شما داشتم کار انجام داده اید و مطمئن هستم که روی پای اقدامات گذشته در آینده نیز سجد الشکر از وسایلی که در اختیار شما خواهیم گذاشت استفاده خواهید کرد. البته الآن از نظر بودجه اسکالاتی داریم ولی امیدواریم در آینده این اسکالات نیز مرتفع شود.

این کنفرانس بارگاه به گاه تشکیل دهید چون خیلی مفید است، و می توان از آن نتیجه گرفت. من حسی کنم شما این کار بار اصراف برای داشتن پست نمی کنید آن را جز زندگی خود قرار داده اید و ما می داریم این طرز کار به عموم مردم و دستگاہهای دیگر برآورد بکنند. امیدوارم ما هم بتوانیم در آتیه وسایل کافی به شما بدهیم تا موفقیت های بیشتری بدست آورید.



## سخنانشاه

به مناسبت افتتاح برنامه فارسی رادیو آلمان

یکشنبه سیزدهم اسفندماه ۱۳۴۰

خوشوقم که افتتاح برنامه فارسی رادیو آلمان مقارن با همگامی صورت می‌گیرد  
که نماینده هفت هزار سال مهنر ایران نیز در این کشور کشایش می‌یابد.

این دو واقعیت ممتنع کننده دو جنبه مختلف از حیات ملی و اجتماعی کشور ایران است  
زیرا یکی نظم فرسنگ و تمدنی است که این سرزمین در طول چندین هزار سال گذشته به جامعه  
بشری از مخان داده است، و دیگری رابطت با ملت دوست آلمان در شناساندن ایران  
امروزه آلمان امروز به یکدیگر است و شک نیست که در آینده این رادیو مورد بخش ترقیات  
صنعتی و اجتماعی و فرهنگی فراوان ایران نوین خواهد بود که خوشبختانه کشور و ملت آلمان  
در کمک بدانها سهم فراوانی دارند.

با آغاز کار برنامه فارسی رادیو آلمان نه تنها بسیاری از مردم ایران خواهند توانست  
باشنیدن آن از اخبار و اطلاعاتی که مسلماً با حسن نیت و صداقت تهیه خواهد شد به طور منظم



استفاده کنند بگذر از ان ایرانی نقیم آلمان بخصوص دانشجویان فراوان ایرانی که در  
دانشگاهها و مراکز فرهنگی متعدد آلمان مشغول تحصیل هستند باشند این برنامه فارسی در  
واقع صدای آشنا خواهند شنید و با محیطی که در آن تحصیل می کنند ارتباط قوی بیشتری  
خواهند یافت .

امید داریم آغاز فعالیت سرویس فارسی را دیو آلمان قدم تازه ای در راه توسعه و  
تقویت بنیاد حسن تفاهم بین المللی و تأمین همکاری و همکاری صمیمانه تری میان دو ملت و  
دو کشور ایران و آلمان باشد .





## سخنان شاهنشاه

پیام نوروزی

اول فروردین ۱۳۴۱

نوروز باستانی را بجموع افراد ملت ایران تبریک می گویم و برای بختی در سال نواز درگاه  
خداوند متعال شادکامی و تندرستی و رفاه فراوان مسلت دارم .

اکنون که با شما سخن می گویم نخستین اشعه آفتاب نوروزی بر کشور ما تابیدن گرفته و اولین  
شادباش سال نواز جانب خورشید بامدادی تشار این سرزمین گهنسال شده است . ما بایم این  
تقارن فرخنده را بفعال نیک گیریم و امیدوار باشم که در این سال نو پیش از هر وقت دیگر کشور  
ما را بهی را که به سوی آینده ای درخشان و پر امید در پیش دارد با سر طربندی و پامیردی پیماید و با  
تائیدات کامله الهی که همواره شامل حال ملت ایران بوده است هر روز در این راه قدمی  
فرا تر گذارد .

چنانکه بارها گفته ام ما برای تائین آسینده ای مرفه و سعادتمند، از همه مواهب الهی  
که بصورت سرزمینی پهناور و غنی و ذخایر سرشار زیر زمینی و بوشش استعداد فراوان آدی



به ما اعطاشده است بهره مند بستیم و اگر قصوری در استفاده از این نعمت و موهبت باشد  
کنه آن تنها متوجه کم همتی خود ما خواهد بود. بدی است برای مملکتی که نخواهد در عرض چند  
سال راهی را که دیگران در طول چندین قرن پیوده اند طی کند و ناگزیر باشد که در همه شئون  
مادی و معنوی و اجتماعی و اقتصادی به موازات بیدگر دست به تحولات امنه دار و سیرپی بزند مثل سنجی با  
و مزارتها حتی بجز انهای اجتماعی اقتصادی اجباری است ولی باید همه ما متوجه باشیم که این ناراحتی با  
و مزارتها که دیگران نیز نظیر آنها را بصورت شدیدتری گذرانیده اند زودگذر است و این  
رنجی است که راحت و سعادت در دنبال خواهد داشت .

پشیرفتنایی که در سال گذشته مانند سالهای اخیر در همه شئون مادی و معنوی نصیب  
کشور ما شده بخصوص اصلاحات ارضی و تثبیت اقتصادی و استحکام وضع سیاسی و اجتماعی ما  
که ایران را بصورت یک کانون ثبات آرامش در این منطقه از جهان در آورده است  
عوامی است که ما با توجه بدانها می توانیم با امید و اعتماد به آستانه سال نوین پاکنه داریم .  
امید داریم این سال نونه تنها برای کشور ما بلکه برای همه جهانیان سال صلح و صفا باشد و  
جامعه بشری بجای آنکه با کابوس جهنم و وحشت دست بگریبان باشد به نیروی علم و با آگاهی



اخلاق و مضمونیت در این سال قدمی بزرگتر از همیشه به سوی کمال واقعی معنوی و مادی در راه  
ایجاد اجتماع سعادت مند فردا بردارو .

از پیشگاه قادر متعال مسئلت دارم که ما را همواره مشمول عنایات و برکات کامله خویش  
قرار دهد و سال نوینی را که اکنون با فروغ حیات بخش خورشید نوروزی آغاز شده است تا  
بآخبر برای ما بار روشنیابی و شادگامی قرین فرماید .



## سخن شاه شاه

درفز آمریکاد جواب خیر مقدم پرزیدنت کندی رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا

پنجشنبه بیست و سوم فروردین ۱۳۴۱

آقای رئیس جمهوری

برای عیلا حضرت شهبانو من فرصت بسیار نیکویی است که به دعوت شما بتوانم  
به کشور بزرگ زیبای شما قدم بگذارم. امروز کلمه « امریکا » برای دور افتادترین افراد جهان مفهوم  
خاصی پیدا کرده است و همین این کلمه در گوشه‌های زمین آزادی و آبادانی و پیشرفت نوع دوستی و جوانمردی  
دفاع از حق و عدالت است. برای من که از مدت‌ها پیش با کشور شما آشنایی دارم تحقیقت قبلاً  
نیز روشن بوده است. امید دارم این مسافت فرصت دیگری باشد که با شخص شما که حکومت  
بزرگترین کشور جهان را با افکار تازه و دور اندیشانه‌ای عمده و از هستی شناسی پیدا کنیم و در این  
فرصت احترامات قلبی خود را به بانو کنونی نیز که تا ساعده‌ساعتی پیش در پاتخت کشور ما نبودند تقدیم بدارم.  
من از جانب ملت خود که همواره نسبت به ملت و کشور شما دارای بهترین احساسات و ستا  
و صمیمانه بوده است حال درود گرم به ملت آمریکا تسبیح و سعادت و ترقی روز افزون این ملت  
نجیب و بزرگ را آرزوی کنم.



## سخن شاهشاه

در کاخ سفید واشنگتن

پنجشنبه بیست و سوم فروردین ۱۳۴۱

آقای رئیس جمهور :

باید از شما تشکر کنم که به بهانه نو و من فرصت آن دادید که از کشور بزرگ و زیبای شما دیدن کنیم و با شما و خانم کندی آشنا شویم. از پذیرایی شما و احساسات گرمی که مردم این ماعتیت بزرگ نسبت با برابر از دهشتند تشکرات قلبی خود را اظهار می دارم و همچنین از کلمات محبت پری که نسبت با وقت بیان نمودید صمیمانه سپاسگزاری می کنم.

هر چند من از راه دوری به کشور شما آمده ام ، ولی از سخا ط روحی و معنوی هیچ وقت فاصله ای میان ما نبوده و ملت من همواره به کشور و ملت امریکا با نظر احترام و علاقه مندی نگریسته است . شاید در تاریخ مناسبات ملل کمتر موردی بتوان یافت که روابط دو کشور در طول سالیان دراز تا بدین حد با خاطرات نیکو آمیخته بوده و از هر دو آهه ناخوشایندی دور باشد .



و قتی که تاریخ روابط صدساله کشور خودمان را با مملکت شام و رقی می‌زنسیم، در سراسر آن حتی یک نمونه اختلاف یا سوء تفاهم نمی‌بینیم و بالعکس می‌بینیم که در همین مدت ملت شام از جهات مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی با مایاری و همکاری کرده است و از این راه درک می‌کنیم که چرا احساسات مردم ما نسبت به شما همواره با محبت و صمیمیت همراه بوده است.

نخستین امریکانیانی که مادر کشور خود دیده ایم با پزشکان و متصدیان بیمارستانهایی بوده اند که در قرن گذشته توسط مؤسسات نوع دوست امریکایی در تهران و چندین شهر دیگر کشور ما ایجاد گردیدند و یا فرهنگستانی که در کالج امریکایی تهران که در سال ۱۸۷۵ تأسیس شد و هنوز هم با نام و سازمان دیگری مشغول کار است با امر تعلیم و تدیس شغال دانشمند و بخصوص خاطره دکتر ساموئل مارتین جردن که جوانی و نیسرو و زندگانی خود را تا به آخر وقف اداره این مرکز علمی و فرهنگی کرد و بسیاری از افراد کشور ما به وی به دیده پدر معنوی خود می‌نگریستند برای ما خاطره‌ای فراموش نشدنی است.

پس چنانکه خاطره دوست امریکایی دیگر ما مورگان شوستر که در سال ۱۹۱۱ از طرف



دولت ایران به سمت مشاور مالی اتخاذ شد و با دلسوزی و علاقه خالصانه خود تحقیقاتی و محنت تمام افراد دولت مرا جلب کرد هرگز از نظر مافراشش نشده است. در قرن حاضر بسیاری از مؤسسات فرهنگی و علمی کشورها بخصوص در مورد عملیات باستان‌شناسی خدمات بزرگی در کشور ما انجام داده اند که شاید بدون آنها قسمتی از تاریخ پرافتخار گذشته ما ناشناس می ماند.

این روابط در طول ایام تدریجاً به قدری به هم نزدیک شدند که ما اکنون به وسیله یک رشته قرارداد های مختلف بازرگانی و فرهنگی و تعلیمات دو جانبه امریکانست به ایران از لحاظ پیمان «سنسو» به هم پیوسته ایم.

آقای رئیس جمهور، ما هرگز فراموش نمی کنیم که ملت امریکا همان ملتی است که برای دفاع از حق قیام کرد و بزنجیرهای بی عدالتی را از هم گسسته و از آزادی و مردانگی خود دفاع نمود. ما سنن عالیته آزاد مردی و قهرمانی را که همیشه در افسانه ها و حماسه های ملی خود خوانده ایم در ملت امریکا محتم یافته و روح بشردوستی و عدالت طلبی این ملت را پیوسته با دیده تحسین نگریستیم بخصوص در دوران پس از جنگ جهانی دوم ما شاهد آن بودیم که چگونه امریکا بر اساس



بین احساسات توانسته دنیایی را که اسیر فلاکت و ویرانی بود از هرج و مرج و پریشانی نجات دهد و با مکتب بی دریغ و بی توقع ابرو پادشاهش خود به بسیاری از ملل امکان تجدید حیات و فعالیت شکر بخش بدهد. ما خودمان نیز از این کمکهای پر ارزش سهم مؤثری برده ایم که در اجرای برنامه های عمرانی و آبادانی ما اهمیت بسیار داشته است و من در این فرصت از نابت این کمکها صمیمانه تشکر می کنم.

آقای رئیس جمهور، کشور آمریکا امروز دارای بزرگترین قدرتی است که تاکنون در تاریخ جهان نصیب یک مملکت شده است و در عین حال کشور شما از این افتخار بزرگ برخوردار است که این نیروی عظیم مادی و معنوی را نه در راه استیلا جویی و تجاوز، بلکه در دست بالکس در راه جلوگیری از تجاوز و در راه حفظ صلح جهانی و مکتب بسیار ملل در بالابردن سطح زندگانی و بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی آنها بکار برده است. پیشرفت های عظیمی که در کلیه رشته های علمی و صنعتی و کشاورزی و فرسنگی و غیره نصیب کشور شما شده و آخرین نمونه آن موفقیت این کشور در عالم کیهان نوردی است مایه خرسندی و ستایش ما است و آرزو داریم که مملکت شما بتواند در آینده نیز قدم های بزرگتری در راه حفظ تمدن و فرسنگی که امروزه شما بزرگترین





نکایبان و مدافع آن هستید و ما از نظر آنکه خود در تاریخ کهن خویش هم بزرگی در تکوین و  
تحال آن داشته ایم بدان علاقه بسیار داریم بر دارم. شاید احتیاج به تذکر این نکته نباشد که نیز  
در تاریخ طولانی خود همواره با روح آزادی و آزادی زندگی کرده پویسته به اصولی که امروزه بزرگترین  
میراث حیات معنوی بشر بشمار می رود وفادار بوده ایم.

وقت ما در طول چند هزار سال تمدنی به وجود آورده که در آن حدود و خستلافات  
طبقاتی هرگز مانع بروز استعدادها و تائین ترقی اشخاص نبوده و هر کسی از هر طبقه و هر قومیت  
اجتماعی در این کشور فرصت آن را داشته است که اگر لیاقت و استعدادی داشته باشد  
به بالاترین مقامات و امکانات برسد چه فلسفه حکومتی ما و چه فلسفه مذہبی کهن ما همواره  
بر اساس حقیقت جویی و بشر دوستی متکی بوده و همیشه مظهر آن حقیقتی بوده است که یک صد  
سال پیش از این شاعر بزرگ کشور شاعر «امرسون» در قطعه شعر معروف عالی خود «سعدی»  
که درباره یکی از بزرگترین حکما، و شعرا و کشور من سروده شده آن را چنین وصف کرده است؛  
«ای فرزند باد و فروزان شرق، به پیروی از شیوه کهن خود هرگز به دنبال دروغ مرو،  
گوش به اغواگران و منطفه جویان مده و پیوسته روی به جانب راستی و حقیقت داشته باش»



با پیروی از این تعلیم عالی ما امروز می‌گوئیم که با حفظ سنن و موارث خوب ملی و معنوی خود تا حدود توانایی خویش کشورمان را تبدیل به مملکت آباد و پیشرفته و آزادی بکنیم که در آن عدالت اجتماعی و قضایی حکمفرما باشد و هر استعدادی بتواند به بهترین صورت در راه تأمین رفاه و خوشحالی ملت ما بروز کند ما آرزو داریم که ملت ایران مانند هر ملت دیگر از سعادت و رفاهیت برخوردار گردد و من ایمان دارم که به خوبی می‌توانیم به این هدف خود برسیم زیرا در این راه از استعداد انسانی و طبیعی بطور کامل برخورداریم و علاوه بر این برای حفظ آزادی و استقلال و نیل به هدفهای ملی خود مطمئن هستیم که همواره می‌توانیم از حسن نیت دوستان خود بخصوص آمریکا بهره‌مند باشیم.

این تلاش بی‌وقفه‌ای که برای بهبود مادی و معنوی زندگی ملت خود آغاز کرده ایم قطعاً مورد پسند آنهایی که وجودیکت ایران آباد و مرفه و مترقی را می‌ایل نیستند نمی‌تواند باشد. بدین جهت است که من و طقم پیوسته آماج ناسزاها و حملات بی‌انصافانه هستیم ولی شاید بهترین پاسخ این حملات جمله‌ای از کتاب «سیامی شجاعان» شما باشد که «اگر ملتی صفت شجاعت را فراموش کند قطعاً نسبت بدان علاقه و تعصبی از خود نشان



نخواهد داد و اگر چنین علاقه‌ای انداشت طبعاً این صفت شجاعت را در نزد سببران  
و برگزیدگان خود نیز تشویق نخواهد کرد. «ومن می تو انم با کمال مباهات بگویم که اگر من  
در مواجهه با این حملات ثابت قدم بوده ام برای این است که ملت من باشامت و  
پشتیبانی بی دریغ خویش از من چنین خواسته است.

آقای رئیس جمهور: شما بنایسرو مندی و بیجان و امیدواری و تازه جویی خود  
و با دید دور اندیش آینده بین خویش، و با علاقه خود به طرح راه حل های تازه برای میال  
کمن، در نظر همه مردم جهان آزاد منظره‌ی شجاعت و شامت هستید.

ما شمار نمونه بارز رهبر و مامداری می شناسیم که خود شما در جهان کتابی که از آن سخن  
گفتم آنان را چنین وصف کرده اید:

« در دنیای امروز و برای روزیایی که در پیش داریم نقطه مردانی بدردی خود که فوق لغا  
شجاع باشند یعنی رجالی که قادر باشند حتی به محبوبیت خود نیز پشت پازند و بهر قسمی راکه  
واقعا به مصاحت مملکت بینند اتخاؤ کنند.»

ما می دانیم که وظیفه شما در دنیای آشفته کنونی بسیار سنگین است و من می تو انم بی مجاہد



بگویم که تاکنون هرگز باری سنگین تر از این به دوش ز ما نداری گذاشته نشده است .  
زیرا ما همه می دانیم که امروز کشور شما با قدرت عظیم مادی و معنوی خود رهبری دنیای آزاد را  
عمده دار است و مسؤلیت اداره چنین کشوری در چنین دنیای پر آشوب کارگسائی نیست  
ولی مادر شما تمام خصایص و امتیازات بازرسی را که برای حسن اداره چنین مسؤلیتی لازم  
است سرلغ داریم و می دانیم که حسن نیت کامل و دعای خیر صد ها میلیون مردم آزاده و نیکو  
جهان نیز در این راه بدرقه شما است .

موفقیت شما را در این راه خطیر و پرافتخار ، سلامتی و شاد کامی شما و بانوکندی را  
آرزو دارم و ترقی و رفاه روز افزون ملت نجیب و بزرگ امریکارا خواهم .



## سخنان شاهنشاه

دربانگاه قلمبوهات ایالات متحده

شنبه بیست و پنجم فروردین ۱۳۴۱

آقای رئیس، خانمها و آقایان :

این توپین باری است که برای من این خوشوقتی حاصل شده است که خودم را در بیان شما می بینم و می توانم به وسیله شما درود گرم ملت ایران را به ملت شریف و نیکوکار آمریکا برسانم. برای من همیشه ملاقات شما بانوان و آقایان نمایندگان مطبوعات بسیار مطبوع بوده است و من همواره از مذاکرات خود با شما لذت برده و از علاقه و توجهتان به مسائل و مشکلات کشور ما خوشوقت شده ام.

من امروز نیز مانند دفعات گذشته بایتم با شما با همبستگی و صراحت کامل بدون تشریفات و آداب سیاسی صحبت کنم و اگر سؤالاتی داشته باشید بدانها تیر با همان صراحت جواب خواهم داد.

من همبسته اعانت دارم که هر قدر ما و شما یکدیگر را بهتر بشناسیم و باهمدیگر بیشتر آشنا



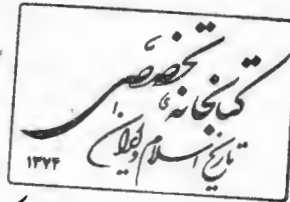
شوم به نفع هر دوی ما و به نفع اید آل مشترک ما خواهد بود. این برای آن می گویم که ایماناً  
تصور نکنید من بدینجا آمده ام تا به نفع شخصی خودم چیزی بگویم. باید بی مجامله به شما بگویم که تا  
کنون سلطنت برای خود من شخصاً غیر از در دسر چیزی نداشته است و در تمام این سببت سالی  
که از سلطنت من گذشته حتی یک روز از آزادی و آسایشی که هر فرد عادی میسر حق  
استفاده از آن را دارد برخوردار نبوده ام.

چندین دفعه تاکنون به جان من سوء قصد شده است و قوای مغرب من المالی متصل بر ضد  
من فعالیت می کنند.

از لحاظ مالی در مدت سلطنت خودم تقریباً هر چه را داشته ام در اختیار ملت خویش  
گذاشته ام. ده سال پیش بود که شروع به تقسیم املاک موروثی خودم در میان کشاورزان  
این املاک کردم و امروزه می توانم با کمال خوشوقتی به شما بگویم که کار این تقسیم تقریباً به کلی  
به پایان رسیده و پانصد و سی دهسکه در میان چهل و نه هزار خانوار یعنی تقریباً دو سببت هزار  
نفر از افراد مملکت تقسیم شده و به مالکیت قطعی آنها درآمده است. ایشان قیمت این زمین ها را  
به اقساط بیست پنج ساله می پردازند و مبالغی هم که از این بابت توسط این مالکین جدید پرداخت



می شود در بانکی متمرکز می شود که کلیه عواید آن برای تشکیل شرکت مای تعاونی روستایی  
و تأمین وسایل کار ایشان، و کمک مالی بدانها اختصاص یافته است. این بانک که  
بانک عمران نام دارد خود قسمتی از سرمایه بنیاد پهلوی را تشکیل می دهد که چند ماه پیش که  
من نود درصد از کلیه ثروت شخصی خودم را وقف ملت کرده ام و عواید آن را برای همیشه به انوار  
فونگی و خیریه و اجتماعی تخصیص دادم برای تأمین این منظور به وجود آمد. پس اگر به شما می گویم که  
سلطنت من نه از لحاظ تفریح، نه از نظر هوس مصتام، و نه از جنبه مادی، هیچ گونه نفع و  
استفاده شخصی در بر ندارد، این عین حقیقت است که گفته ام. ولی واقعیت بزرگتری در  
کار است، و آن سوؤلیت خطیر من در مقابل ملت خودم و در مقابل تاریخ این مملکت است  
شاید شما که در کشوری جوان و با شرایط اجتماعی خاص خود زندگی می کنید نتوانید به درستی توجیه  
داشته باشید که سلطنت در کشوری مانند ایران چه مفهوم و معنایی دارد، و چطور در طول  
قرون متمادی اصل سلطنت به صورت جزئی لاینفک حیات اجتماعی و سنن و آداب ملی  
و زندگی روزانه خانوادگی و حتی مذهبی ایرانیان درآمده است. کشوری که من از آن آمده ام  
چند هزار سال تاریخ مدون دارد و در حال حاضر دست دو هزار و پانصد سال از آغاز شاهنشاهی



آن که به خواست خداوند مادر آتیه نزدیک آن را جشن خواهیم گرفت می گذرد. این کهنسال پرتین سنت سلطنتی است که اکنون در روی زمین وجود دارد. تردید نیست که شما در کتاب مقدس مذہبی خود خوانده اید که از کوروش شاهنشاه ایران به عنوان « برگزیده الهی » و « آزادبخش » و « شان خداوند در روی زمین » نام برده شده است این با عنوانی است که در این کتاب آسمانی در مورد هیچ فرد و هیچ کشور دیگر تکرار نشده است. شاید تعجب کنید که بشنوید که رژیم سلطنتی که من و ارث آن هستم از همان دوران کهن، یعنی از زمان کوروش تا به امروز یکسره در کشور من که شما در کتاب مقدس و در کتب تاریخ درسی خود بیشتر با نام قدیمی آن « پرشیا » آشنا شده اید ادامه داشته و جز در مواردی که ما می خواهیم خارجی قطع شده است. بسیاری از کشورها و تمدن‌ها و ملت‌هایی که در آن ایام وجود داشتند در طول ایام با دست حوادث تاریخ منقرض و منحل شدند، ولی از میان همه آنها ایران تمدن خاص ایرانی پنجمان باقی ماند. ممکن است پرسید که رمز این بقا و راز این پایداری چیست ؟ در این باره همه متوضیح هم نشانند که این فرقی است اساس سلطنت و پیوستگی شدید آن با روح و ملیت ایرانیان است .





شاید با این توضیح برای شمار روشن شده باشد که من که این میراث عظیم تاریخی را در دست خود دارم چه مسؤولیت خطیری در برابر تاریخ گذشته و آینده کشور خود احساس می‌کنم. من نه فقط می‌خواهم این ودیعه گرانها و مقدسی را که به من سپرده شده است برای آینده حفظ کنم، بلکه سعی می‌کنم که اضافه بر ادامه دادن این سنت تاریخی فاشا تحولات لازمه عصر و زمان خودمان نیز در کشور خویش باشم و ایران پر افتخار و دیروز را به صورت ایران مترقی و سعادتمند فردا در آورم.

اکنون بیست سال است که من سلطنت می‌کنم و این سلطنت در موقعی به من رسید که کشور من و تمام دنیا در آتش جنگ جهانی دوم می‌سوخت. در این جنگ جهانی ایران با تمام قوای خود در جبهه‌ای که کشور امریکانیز با قدرت عظیم خود جزو آن بود شرکت جست و وقتی که جنگ تمام شد از جانب دنیا می‌آزاد «پان سیس روزی» لقب گرفت و پس از تشکیل سازمان ملل متحد از اولین ممالکی بود که افتخار عضویت در این سازمان را یافت. از همان هنگام با وجود فوریت مسایل جنگی و نظامی من شروع به بحث در مورد لزوم استقرار عدالت اجتماعی در کشور خود کردم و گفتم که می‌باید با تأمین درآمد کافی از کار برای همه افراد



مملکت پنج اصل فرہنگ عمومی، بهداشت عمومی، مسکن شایسته، لباس کافی، و غذای کافی  
تأمین گردد. در اولین اظهارات خودم در این باره گفتم که چطور می توان قبول کرد که عدای  
از زیاد خوردن بیمار شوند و عدہ ای از کم خوردن به همین وضع گرفتار گردند؟ فردای آن روز  
کسانی که در آن جلسه حضور داشتند گفتند که شاه ایران کمونیست شده است.

از آن روز تا کنون من حتی یک خطه از کوشش در تأمین این هدف یعنی استقرار  
عدالت اجتماعی در کشور خودم باز نایستاده ام. در اولین فرصت مساعد شروع تقسیم املاک  
سلطنتی کردم. دستور وضع قوانین اجتماعی، وضع قوانین مترقی کار، و قوانین بیمه های  
اجتماعی، و دستور ایجاد تشکیلات وسیع خیریه را دادم که امروز از مرز بهترین نمونه های  
این تشکیلات در تمام جهانند. به دستور من لایحه ای برای تقسیم املاک خالصه دولتی در میان  
کشاورزان مقیم این املاک تقدیم پارلمان شده و به تصویب رسید و قانون محدودیت املاک  
مفروضی و وضع روابط بین مالک و رعیت تدوین و اجرا گردید.

تقریباً شش ماه پیش من برای اجرای اصولی که بیست سال است آنها را تعقیب  
کرده ام نخست یارانی به دولت خود دادم و از دولت خواستم که به موجب این اختیارات



در اجرای شش ماده با سرعت و دقت اقدام کند. این شش ماده عبارتند از اصلاحات لازم در بهبود وضع کارمندان دولت از راه تدوین یک قانون استخدام جدید تر و مسترقی تر، تأمین حواجج اساسی زندگی مستخدمین و عائله آنها از راه ایجاد مسکن و تشکیل شرکت های تعاونی و غیره، اصلاحات اساسی در مورد کسب و زری از راه مکانیزه کردن فلاحات، و اجرای قانون اصلاحات ارضی، تحدید مالکیت، و ایجاد شرکت های تعاونی کئوپراتیو برای کسب و زرع، و راهسازیهای محلی بین دهات، و اتصال آنها به شاهراهها، و تشکیل گروه های آبادانی و ساختمان، از جوانان و ساختمان منازل روستیانی و اجرای مقررات مربوط به رفاه زندگی کسب و زرع، ساختمان خانه برای کارگران با کمک کارفرمایان به حساب حق بیمه ای که کارفرمایان باید قانوناً بپردازند و فروشش با صدی بیست و پنج از سهام کارخانه تا به اقساط مناسب به کارگران در صورت تمایل ایشان برای اینکه در منافع کارخانه سهیم و به پیشرفت آن بشیر علاقه مند باشند. وصول صحیح و عادلانه مالیاتها از طبقه متمول و جلوگیری از تخمیل مالیاتی به طبقات کم بضاعت، تجدیدنظر در برنامه های فرهنگلی، و تعمیم تحصیلات تجانی ابتدایی و متوسطه و تعلیمات حرفه ای و آکادری



بورس نامی تحصیلی در اختیار جوانان با استعداد به وسیله انجمنهای روستایی و انجمنهای شهر  
و انجمنهای ایالتی و ولایتی؛ تشکیل شوراهای روستاها و شهرها و شوراهای ولایتی برای تأمین  
دموکراسی واقعی از راه حکومت مردم بر مردم، و ایجاد کرده‌اند آنها را کارازدا و طلبان  
برای توسعه فعالیت‌های تولیدی. همه اینها و بسیار کارهای دیگر برای این است که ما  
خودمان را با پیشروترین کاروان تمدن جهان تطبیق دهیم و چون به نبوغ ذاتی و استعداد  
افراد ایرانی و ضمناً به ثروت طبیعی و ملی ایران و قوت کامل و امید کامل دارم فکرمی کنم  
مملکت می‌تواند در عرض بیست سال آینده وضعیت اجتماعی رفاه‌یست و درآمد سرانجام داشته  
باشد که با ممالک پیشرفته فعلی اروپا مطابقت بکند.

ما اکنون مشغول تلاش عظیمی برای تجدید حیات صنعتی و اجتماعی ایران هستیم و  
در عین آنکه مجبوریم در این مورد راهی را که دول مترقی کنونی جهان در طول چند قرن پیوده‌اند  
فقط در چند سال طی کنیم، به پیروی از سنن دیرینه ملی و اجتماعی خود می‌کوشیم تا این  
تحول را بدون قربانی کردن آزادی‌های فردی و اجتماعی در کشور خویش انجام دهیم. ما  
و ارایی دموکراسی مخصوص به خودمان هستیم که در طول قرون متوالی با روح و فکر ما عجین



شده است و یکی از مشخصات اصلی آن اینست که همواره راه برای برز و ابتکارها و استعدادها  
فردی باز بوده و بهرگز اختلافاً درجات طبقاتی و قیود اجتماعی مانع آن نشده است که  
هر فرد به حسب استعداد و ظرفیت خود از پایین ترین مدارج به بالاترین درجات ارتقا یابد.  
ایرانی بطور کلی دارای حسن استقلال شخصی و فردی شدیدی است و از این حیث با ملت‌ها  
شبهت زیاد دارد. در نتیجه بر تحول اجتماعی و اقتصادی که در این کشور روی می‌دهد می‌بایست  
با این سنت آزادی و استقلال فردی همسراه باشد تا بتواند جنبه‌ی اصل و ریشه دارد داشته  
باشد.

اکنون سرتاسر کشور ما به صورت میدان تلاش و کوشش خشکی ناپذیر برای بهبود زندگی  
مادی و معنوی ملت ایران درآمده است. از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب ایران همه جا  
ما مشغول ساختن کارخانه‌ها، جاده‌ها، راه‌آهن‌ها، سد‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها، توسعه  
صنایع و معادن، شهرسازی، ایجاد دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و دبستان‌ها، بیمارستان‌ها  
و درمانگاه‌ها، مراکز خیریه و پرورشگاه‌ها، مراکز ورزشی و بهداشتی و بسیار مراکز دیگری از  
این قبیل هستیم. با مکانیزه کردن کشاورزی و استفاده از کود شیمیایی و بذراصلاح شده و



و به کار بردن روشهای تدریجی و اقدام به دفع آفات نباتی و حیوانی تولید کشت و ریزی قوس صعودی  
رامی پیساید .

پنجمین برق آب اسفالت شهرهای متعددی تأمین شده است . در دوره برنامه  
هفت ساله دوم که شش ماه دیگر به پایان می رسد در حدود ۱۱۰۰ میلیون دلار جهت برنامه عمرانی  
کشور سرمایه گذاری شده است . در نتیجه این سرمایه گذاری چرخهای اقتصاد کشور که قبل از برنامه  
دوم تقریباً در حالت رکود بود با سرعت به گردش درآمد و درآمد سرانه بیست و شش درصد  
افزایش یافت . برای اجرای برنامه پنج ساله سوم که بر اساس تجارب گذشته و با مطالعات  
بیشتری تنظیم شده و ارزشش ماه دیگر شروع خواهد شد . هزینه های در حدود ۲۵۰۰ میلیون دلار  
از طرف دولت در حدود ۲۰۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاریهای خصوصی پیش بینی شده است  
که در نتیجه آن درآمد ملی ما حداقل شش درصد در سال افزایش خواهد یافت . در این  
برنامه توجه خاصی به عملیات کشت و ریزی و عمران دیات بهبود وضع زندگی روستائیان از  
نظر تولید و بهداشت و فرهنگ مبذول شده و بطور کلی متجاوز از پنجاه درصد از اعتبارات  
عمرانی برنامه سوم به مناطق روستایی اختصاص یافته است .



برنامه توسعه صنایع با توجه به مصرف محصولات کشاورزی و نیازمندیهای  
فلاحی تنظیم شده است. دولت فقط در بعضی صنایع بزرگ که از عمده مردم ساخته نیست  
سرمایه گذاری خواهد کرد و سرمایه گذاری در سایر صنایع به عمده خود مردم خواهد بود. و دولت  
برای نیل بدین منظور مردم را با دادن وام و اعتبارات و تسهیلات لازم تشویق خواهد کرد.  
سرمایه گذاریهای خارجی نیز مورد کمال استقبال و مساعدت ما خواهد بود برای  
اجرای طرحها و اداره تأسیساتی که بدین منظور به وجود می آید پیش بینی های لازم برای  
تعلیم افراد متخصص و تجیز نیروی انسانی کشور به عمل آمده است.

با توجه به احتیاج فراوانی که ما و دنیای امروز به افرادی فن داریم می گوئیم تا  
در داخل خودمان کار فنی تربیت کنیم و بدین منظور است که هزاران جوان خود را به خارج  
فرستاده ایم تا اطلاعات و تجارب فنی را فراگیرند و در این مورد باید بخصوص از  
کشورهای اسپانیا، انگلستان، آمریکا، فرانسه و آلمان ما باز کرده است تا از امکانات  
و وسیع تحصیلی امریکایی قید و شرط استفاده کنند. این جوانان مردان فردای کشور ما خواهند  
بود و امید داریم که همه آنها بصورت عناصر وطن پرست و مفیدی به کشور خویش بازگردند.



این وضعیت ما و دورنمای جامعه‌ای است که ما در حال ساختن آن هستیم. این جامعه نو دست‌ترقی در سرزمینی در حال تکوین ساخته شدن است که یکی از خاستن‌ترین مراکز جغرافیایی جهان است و سرنوشت آن لشگی حیاتی با سرنوشت سراسر خاورمیانه و از آن راه با تمام جهان آزاد دارد. اگر به نقشه جغرافیا نگاه کنید، فوراً درک خواهید کرد که ایران از نظر موقعیت خود کلید تمام منطقه‌ای است که خاورمیانه و شبه قاره هندوستان و افریقا را شامل می‌شود، و این وضعیت نه فقط مربوط به امر فراتر است بلکه در تمام تاریخ مملکت ایران همین موقعیت حساس جغرافیایی را داشته و همواره شاہراه ارتباط شرق و غرب بوده است.

بسیاری از امواج حملات کمرکنی که در گذشته از شرق آسیا آغاز شدند در برخورد با این صخره در هم شکستند و از این راه از رسیدن آن‌ها به اروپا جلوگیری شد. بسیاری از نهضت‌های استیلاجویانه شمالی و غربی نیز پیش از آنکه به هدف خود برسند در این سرزمین متوقف ماندند و اکنون یک بار دیگر تاریخ و سرنوشت چنین خواسته‌اند که کشور ما ناموریت تاریخی خود را به عنوان کلید استقلال و موجودیت سراسر این منطقه جغرافیایی و به عنوان مغان و گنجان اصول تمدن و فرهنگ غربی که خود در طول تاریخ سهم در جلاوتی در پیدایش و تکمیل آن داشته است





عنده دار گردد . ما اکنون بگرمقتم تمدن غرب در این قسمت حساس از جهان هستیم و  
بچنانکه در طول تاریخ متمدن خود هرگز از قبول این مسؤولیت خطیر سر باز زده ایم امروز نیز  
بر هیچ قیمت این پرچم را زمین نخواهیم گذاشت . اگر قوای مغرب بین المللی با کلیه وسایل و  
عوامل تبلیغاتی و تخریبی سعی در زلزله و تضعیف قدرت مقاومت تصمیم ما و تحریک  
دائم علیه ما می کنند تا شاید بتوانند از راه ایران تمام منطقه خاور میانه و دورتر از آن را در دست  
کمی تحت تسلط خود در آورند ما مفهوم این توجه خاص به این کوشش تخریبی ایشان را خوب فهمیم  
و با علت اصلی اقدام او دروغها و دشنامهای آنان که به منظور اغفال ملت ما و گمراه کردن  
انکار سایر مردم جهان صورت می گیرد کاملاً آشنا هستیم ولی آنچه برای ما قابل تأثر است این  
است که گاهی اوقات مجبور می شویم نه فقط در مقابل حملات مخالفین خود مقاومت کنیم  
بلکه با اتقادات بکلی مغرضانه یا دلسوزیهایی مشفقانه ولی بی فایده دوستان خودمان که  
از شرایط ملی و اجتماعی و تاریخی ما کاملاً باخبر نیستند مواجه باشیم . ما ملت رشد کرده و پخته ای هستیم  
که به خوبی تحمل بهر انتقادی را داریم و اصولاً خود ما بیش از هر کس دیگر از خود انتقاد می کنیم .  
ما می دانیم که بسیار چیزها در مملکت ما هست که باید اصلاح شود و بسیار چیزهایی دیگر هست که باید



بکلی از بین برود و این را هم می‌دانیم که ما با تمام مفهوراتی که از لحاظ زمان از نظر امکانات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی داریم بدین اصلاحات بهمت گماشته‌ایم. بنابراین اگر از ما انتقاد منصفانه و خیرخواهانه‌ای بشود نه فقط ناراضی نخواهیم شد، بلکه از این راه‌سنی‌گانی انسان‌رانیز خواهیم داشت.

ولی شرط اساسی هر اتحاد منصفانه‌ای این است که این اتحاد با توجه به شرایط و عوامل خاص هر محیط و هر اجتماع، و با رعایت کلیه جوانب مثبت و منفی صورت گیرد و این بدان معنی است که متأسفانه مورد توجه بعضی ما قرار نمی‌گیرد. کسانی هستند که از راه دور بکشور ما می‌آیند و فقط بیست و چهار ساعت در آن می‌مانند و آن وقت در مراجعت نه فقط راجع به تهران بلکه درباره وضع دورترین نواحی کشور ما که اصلاً آن را ندیده‌اند و فی‌المثل درباره وضع مهم ایلات و عشایری که امروز اساساً کمترین تأثیری در حیات سیاسی مملکت ندارند به تفصیل سخن می‌گویند. بالاتر از آن مدتهاست ما می‌شنویم که نه تنها دشمنان ما، بلکه بعضی از دوستان متفق ما پیش‌بینی می‌کنند که ایران وضع قابل انفجاری دارد و عنقریب در آن انفجاراتی خواهد افتاد. ما سالهاست این غیب‌گویی ما را می‌نویسیم و می‌شنویم ولی در عمل می‌بینیم که



در کشور مای می گیر. همه جا از این اتفاقات افتاده و فقط ایران است که از ثبات و امنیت کامل برخوردار مانده است.

این اظهارات، مرابیه یاد آن نویسنده شوخ و معروف امریکایی می اندازد که یک روز خبر فوت خود را در روزنامه خواند و برای مدیر آن نوشت که چون نمی خواهم خبر منتشره در روزنامه شمارا که قطعاً از منسج موثقی کسب شده است بکذب کرده باشم. خواهشمندم حال من مرده ام لا اقل از مطالبه وجه ابونمان روزنامه ای که برای من می فرستید خودداری کنید. حالاً هم که چند سال پیشکوی مای دیگران درباره نزدیک و وقوع اتفاقات غیر مترقبه در ایران هیچکدام به وقوع ننویسته چطور است که مدعی اگر برای امتحان هم باشد آنها به حرفهای کوش بدهند و پیش بینی مای ما را قبول نکنند. من شرط می بندم که ما در این باره غیبگو مای بهتری باشیم.

پیش گوئی مای این است که ایران با اجرای برنامه مای مسج اجتماعی و اقتصادی خود و با اتکاء و اعتماد نفسی که از روح طیت نیرومند و کسن و از ایمان به حقانیت و درستی راهی که در پیش گرفته است و با پشتیبانی دوتان خارجی خود که با او در یک جبهه قرار دارند و از یک



آرمان مشترک و طرز فکر و زندگی مشترک دفاع می‌کنند (البته کشور بزرگ امریکا در رأس آنها است) راه خود را همچنان دنبال خواهد کرد و هیچ اتفاق غیر مترقبه‌ای از آن قیل که گاهی بدان اشاره می‌شود در این کشور روی نخواهد داد. ایران روز بروز از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نیرومندتر خواهد شد و همواره نیز در پیشرفت و محکم قدم آزادی و معنویت و مدنی که شما و ما بدان متعلق داریم باقی خواهد ماند. اگر ما پیوسته از طرف نیروی مخرب بین‌المللی در معرض انواع اتهامات و ناسزاها هستیم و دائماً آنها صحبت تزلزل وضع ما را می‌کنند برای همین است که می‌دانند وجود یک ایران قوی و مساعد و مترقی بزرگترین مانعی است که در راه تحقق نقشه‌های استیلاجویانه ایشان وجود دارد. من از شما صمیمانه می‌خواهم که کار این نیروهای مخرب را تسهیل نکنید زیرا واقعا حیف خواهد بود اگر ما در راهی که به صلاح خود و دنیای آزاد در پیش گرفته ایم موفق نشویم و اگر خدای نخواسته چنین شود آنوقت دوستان ما وقتی دچار تاسف خواهند شد و عواقب وحشتناک چنین وضعی را چشم خواهند دید که دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت زیرا وضع ایران اهمیت موقعیت آن از لحاظ بین‌المللی طوری است که از دست رفتن آن را بهیچ قیمت جبران نمی‌توان کرد. اکنون ما همه می‌دانیم که دنیای آزاد برای خاطر برلن ایستادگی خواهد کرد. این کاریجی است



زیرا که از این راه هم آزادی دو میلیون نیم افراد بشر تامین می شود؛ و هم این اصل کلی سیاسی حفظ می شود که نمی توان افرادی را علیه غم میل خودشان ایستادگی کرد. طبعاً من نمی خواهم از اهمیت شهر برلن کاسته باشم ولی به هر حال برلن از لحاظ سوتی اجتماعی اهمیت معینی دارد اما در نظر من یکسریه ایران را که تقریباً ده برابر این شهر جمعیت دارد و هر خطری که متوجه آن بشود نه فقط لطمه ای به همان اصل کلی است که نباید پیش از بیست میلیون نفر را علیه غم خودشان به اسارت سپرد بلکه عواقبی بسیار بالاتر از آن و جهانی تر از آن دارد. زیرا همانطور که گفته ام سقوط ایران فقط سقوط یک کشور نیست، بلکه اول سقوط منطقه وسیع جغرافیائی خاور میانه است و بعد اثرات مستقیم در سر نوشت شبه قاره هندوستان و افریقا خواهد داشت و بالاخره نیز از نظر ارتباط مستقیم صنایع اروپای غربی با دو بیست و هشتاد میلیون تن نفیست که در این منطقه تولید می شود چرخ این صنایع را از کار خواهد انداخت و فلج خواهد کرد و بدین ترتیب توازن قدرتها در جهان بکلی بر هم خواهد خورد.

ما با توجه بدین موقعیت حساسه حیاتی خود راه خویش را برگزیده ایم و در ادامه این راه از هر جهت مصمم هستیم. منتها برای اینکه به موقع به هدف خویش برسیم هم به یک کمک



معنوی هم به تقویت مادی نیازمندیم. گاهی به ما ایراد می‌گیرند که چرا ما نیز مانند بعضی کشورهایی دیگر اقدام به گرفتن کمک مالی از طرف نکرده ایم البته خود ما بهتر از دیگران متوجه آن بوده ایم که می‌توان ازین راه اقدام کرد و شاید هم آسانترین کارها همین باشد، ولی ملاحظات اخلاقی که ما همواره بدان پای بند بوده ایم و هستیم این راه را به ما تجویز نکرده است. ما معتقدیم که وقتی که راهی را برگزیدیم باید صداقتانه آن را تا به آخر برویم و این را نیز از مدتی پیش انتخاب کرده ایم و اما بدون کمک دوستانان نیز البته ما نخواهیم توانست مملکت خودمان را اداره کنیم و نقشه‌های موله و مثبت خویش را عملی سازیم منتها این کار وقت زیاد خواهد خواست در صورتی که فخر نمی‌کنم ما برای به انجام رسانیدن تحول وسیعی که آغاز کرده ایم بیش از بیست سال وقت داشته باشیم و چیزی که باین آسانی و سادگی با قدری همت و با کمک به موقع به مقدار کافی خارجی امکان پذیر باشد چقدر حیف خواهد بود که عملی نشود.

برای ما هیچ مسأله دیگری وجود ندارد زیرا ما کاملاً می‌دانیم که چه می‌خواهیم و می‌دانیم که برای رسیدن بدانچه می‌خواهیم از چه عوامل و وسایل مؤثری برخورداریم. و این را نیز می‌دانیم که هرگونه توفیقی که در این راه نصیب ما شود به نفع دنیای آزاد و نفع بشریت خواهد بود.



شما بانوان آقايان نمايندگان مطبوعات آزاد دزين راه خطير بزرگترين پشتيبان باقوه  
ماهستيد زير اشمايد که می بايد انکار عمومي جهانيان را در جريان مسايل ما و مشکلات ما و در جريان  
تلاش صادتانه ما براي غلبه بر اين مشکلات و براي تايمين آينده سعادت مندانه ملت خودمان و  
نسلهاي آينده بگذاريد. شمار ابطا ما با ساير مردم جهان هستيد و بيدن جهت من صميمانه  
موفقيت شمار در انجام وظيفه سنگين و مقدسي که بر عهده داريد آرزو مندم زير ايمان داريم که  
هر قدر مردم کشور بزرگ شما و ساير مردم جهان با حقيقت و تلاش و کوشش شمر بخش ما در راه تايمين  
آينده بهتري براي ملت خودمان و در راه کمک به تکليم صلح و حسن تفاهم بين المللي آشنا تر شوند  
براي ما دوستان صميمي تر و مهربانترى خواهند شد .



## سخنانشاه

در دانشگاه پنیولیا

پنجشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۴۱

برای حفظ صلح جهان هیچ راهی بهتر و نزدیک تر از توسعه همکاریهای فرهنگی نیست.  
توسعه دانشگاهها و گسترش تعلیمات عمومی یکی از مسایلی است که مورد توجه جدی کامل من  
قرار دارد. ما همیسنان ایرم که همکاری شمرنخس بین این مرکز بزرگ علمی و دانشگاه جوان ما  
به تقویت مناسبات دوستانه مردم ما و مردم کشور بزرگ شما کمک خواهد کرد.  
توسعه مناسبات فرهنگی بدون تردید از گامهای بلندی است که در راه استقرار صلح،  
آزادی، و عدالت اجتماعی برداشته می شود. برای حفظ صلح جهان هیچ راهی بهتر از توسعه  
این گونه مناسبات و همکاریهای فرهنگی نمی شناسم. ما از زحمات شما برای تأسیس دانشگاه پنیولیا  
استفاده کرده و مراتب تشکر خود را ابراز می داریم.

من همیشه خاطره خوشی از این مراسم به یاد خواهم داشت و امیدوارم که بشیر بتواند  
روز به روز گامهای بلندی در راه آرمانهای منموی خود بردارد و فقر و جهل و ظلم را با نیروی





ایمان از خویش دور سازد و پلید بهار را برای همیشه نابود سازد .  
ما کوشش خواهیم کرد که از تمدن غرب که ریشه آن در فرهنگ قدیم مایافت می شود  
برای استوار ساختن پایه های اجتماع نوین خود استفاده کنیم . برای رسیدن به این هدف  
ما باید مردانی را تربیت کنیم که بصیرت کامل داشته باشند و بتوانند در برابر حوادث عصر خود مقاوم  
کنند .

ما همیشه از کوششهایی که برای حفظ صلح و امنیت جهانی و همکاری بین ملل و دول می شود  
پشتیبانی کرده ایم . ما معتقدیم که سازمان ملل متحد باید قدرت کافی برای کنترل خلع سلاح  
داشته باشد تا هیچ کشوری نتواند استقلال کشور دیگری را تهدید کند و یا به کشوری ترحم و زخماید .



## پیام شاهنشاه

بنام عزیمت از ایالات متحده آمریکا

چهارشنبه دوازدهم شهریور ماه ۱۳۴۱

حضرت جان اف کندی، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا؛  
قبل از ترک این کشور بزرگ ما ملایم از جانب خود و شهبانو تشکرات قلبی خود را به مناسبت  
استقبال پرشکوه و عالی و میهمان نوازی صمیمانه‌ای که ما در جریان سفر خود در آمریکا آزان برخوردار  
بوده ایم ابراز دارم.

پیام خدا حافظی شما که من و شهبانو هر دو آزان ممنون مستقیم رسته‌های دوستی و اتحاد بین  
دو کشور ما را پیش تقویت می‌کند و عزم ما را برای دفاع از استقلال و تأمین آینده‌ای  
درخشان تر برای ملت خویش را سختمی سازد.

من قدرت توانایی شما را در تحمل مسؤلیت‌های سنگین که عهده دار هستید می‌ستایم و  
اطمینان دارم رهبری شما تضمین الهام بخشی برای حفظ صلح و عدالت، دلسوازان و پرچم  
آرمانهای عالیه بشری در جهان است.



## پیام شاهانه

به مناسبت تشکیل دومین کنگره لائیز

پنجشنبه بیست و نهم آذرماه ۱۳۴۱

الکون که دومین کنگره سالانه منطقه ۳۵۴ لائیز بین المللی تشکیل می شود، مراتب رضامندی خویش را از خدماتی که باسکاهای لائیز در این مدت برای بهبود وضع اجتماعی مردم انجام داده است و همچنین گلهایی که نیکوکاران ایران از طرق مختلف باین سازمان نموده اند ابراز می داریم.

بطوریکه همه می دانند کشور ما از دید بازیکت کانون تجسبی اصول معنوی بوده و در طول قرون متمادی عالیترین سنن نوع پرستانه و اصول عالیه بشردوستی و تعاون اجتماعی بصورت تجزینی از تمدن و فرهنگ ملی ما درآمده است.

هدف مقصدی که امره زباسگاه لائیز بین المللی دنبال می کند جهان هدی است که همواره در این سرزمین مورد توجه و احترام بوده و حکما و فلاسفه و شعراء و متفکرین بی شمار ما پیوسته مروج و مبلغ آن بوده اند و طبیعی است که در چنین محیط آماده و مستعدی اصول عالیه انسان دوستی



و تعاون اجتماعی که لاینسز بین‌المللی نماینده آن است خیلی خوب رُشدمی تواند کرد .  
امید داریم با توسعه و ازدیاد باشگاههای لاینسز از حیث کمیت و از لحاظ کیفیت رفربز و  
قدجسای بیشتر و مؤثرتری توسط این سازمان در بهبود وضع اجتماعی مردم ایران برداشته شود .



## سخن شاهی

در نگاه خاور نزدیک

جمعیت ششم اردیبهشت ۱۳۴۱

از اینکه یک بار دیگر مدیر و اعضای بنیاد خاور نزدیک را ملاقات می‌کنم خوشوقتم. حضور در مجلسی که تشکیل آن بر اساس هدفی نوع پرورانه و بشر دوستانه باشد همیشه مایه خرسندی است بخصوص برای ما که در ایران از مساعی خدمات صیمانه این سازمان بهره‌مندیم. قبل از هر چیز از جانب شهبانو و خودم از پذیرایی گرمی که در اینجا از ما شده اظهار تشکر می‌کنم و همچنین به نمایندگی همه مردم ایران از مساعی خالصانه بنیاد خاور نزدیک در ایران تقدیر می‌نمایم. مدت زیادی است که ما از کمک های شما در پیوسته و وضع گشت و ریزی ایران و بالا بردن سطح زندگانی روستاییان بهره‌مند هستیم و باز در فعالیت های نمایندگان شما در ایران وقوف داریم.

الکون همدیگر سالی است که این سازمان فعال نیست که کار در کشور ما مشغول کار است. این دوران هفده ساله دست از فردای جنگ جهانی دوم یعنی در سال ۱۹۴۵



آغاز گردیده و از آن پس پنج وقت و فزای در این فعالیت روی نداده است .  
این فعالیت از همان اول کار به صورت همکاری صمیمانه و شمر بخشی میان نمایندگان این  
بنگاه با سازمانهای اداری و ملی ایران در زمینه اجرای برنامه های مشترک آغاز شد ، و این  
بمکاری که در تمام این مدت به نحو روز افزونی برقرار بوده نمونه کاملی از این حقیقت است که  
بر وقت کار و مساعی مشترکی همراه با حسن نیت و خدمت یک هدف عالی به کار رود نتیجه آن  
با موفقیت توأم خواهد بود . اینک در مناطق متعددی از ایران به جهت بنیاد خاور نزدیک  
مزارع نمونه و آزمایشی چاههای آب که وجود آنها در کشور کم آبی مانند ایران برای کشاورزی  
و برای زندگی روزمره مردم و اجد اهمیت حیاتی است ، مدرسه های کشاورزی مرکز  
بهداشت روستایی ، مدارس محلی مخصوص تربیت دختران و پسران آموزگار برای مدارس روستا  
آموزشگاههای روستایی تعلیمات حرفه ای ، مراکز فرخنداری و بسیاری از مراکز کشاورزی و زری  
صورت می گیرد طبقاً به ما کمک با ارزشی در پیشرفت این برنامه که سود آن همانطور که منظور ما  
و منظور این بنگاه است در درجه اول عاید کشاورزان می شود ، خواهد کرد و ما را در راه تعاضد  
صحیح و عاقلانه از منابع انسانی و طبیعی کشور که مورد کمال علاقه من است کمک خواهد نمود .



ارزحات کسانی که در اینجا و در ایران وقت و فکر خود را از راه تأمین فعالیت های  
بجگاه خاور نزدیک در ایران صرف بهود وضع اجتماعی و اقتصادی می کنند از جانب  
ملت ایران تشکر می کنم و برای همه آنها موفقیت کامل در انجام این نیت خیر خواستارم .



## سخنان شاه‌شاه

در میانه‌ی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و قهر دلگشا (افغانستان)

جمعه پنجم مرداد ۱۳۴۱

اعلیحضرتا . برای من مایه کمال خوشوقتی است که امشب میهمان آن اعلیحضرت می باشم و در چنین مجلس باشکوهی که عده‌ای از دوستان افغانی و سایر دوستان شرکت جسته اند حضور دارم . از سخنان محبت آمیز اعلیحضرت نسبت به خود کمال تشکر دارم و از جانب ملت خویش از این ابراز علاقه مندی که نسبت به ملت ایران فرمودید صمیمانه پاسگزاری می نمایم .

خود شما بهتر از من بدین حقیقت واقفید که بیسج ایرانی در کشور افغانستان و هیچ افغانی در کشور ایران نمی تواند خود را خارجی محسوب دارد یا احساس دوری از وطن کند . زیرا روابط و علایقی که دولت و دو کشور ما از سخاوت زبان و ادبیات و تاریخ و منن مشترک بهم پیوسته از استوارترین علایقی است که در میان ملل جهان وجود دارد . به همین جهت است که مشاهده ترقیات فراوانی که تحت رهبری عالیله آن اعلیحضرت





نصيب افغانستان شده است و می شود صیمانه مایه خرنسندی و خوشوقتی ما است. مایه خوبی می دانیم که این احساس برادری و بهنگی روحی و قلبی احساسی متقابل است برادران افغانی مایه همان اندازه که ما خود را در سر نوشت ایشان شریک می شماریم آنها نیز خود را در سر نوشت مایه می دانند. این رشته پیوستگی مغنوی مربوط به امروز و دیروز نیست دخت تناوری است که با گذشت قرون تممادی آبیاری شده و پرورش یافته است.

امروز در کشور افغانستان فعالیت دامنه دار و وسیعی برای شیرفت در جریان است و با دایت و تدبیر خاص آن اعلیحضرت تلاش حیطی به منظور برخوردار کردن این کشور از آخرین ترقیات صنعتی و اجتماعی جهان امروز و بالا بردن سطح زندگی ملت افغان آغاز شده است. بطوری که می آیند مانیر از سالها پیش کوشش عظیم و مستمری را در همین راه و بهین منظور آغاز کرده ایم، و یقین داریم که شاینر مانند ما برای موفقیت در این راهی که ضامن تأمین سعادت و رفاه نسلهای آینده ملت مایه است بیش از هر چیز احتیاج به صلح و آرامش مثبت سیاسی اجتماعی دارید. برای کشور یابی مانند ما که می باید راهی را که مل و شیرفته جهان در چند قرن پموده اند در چند سال طی کنند این احتیاج به صلح مثبت



نقطه یک امر مطلوب نیست بلکه ضرورت حیاتی است از همین نظر است که صحبت صلح و تفاهم در گوش شما و ما همیشه با حسن قبول تلقی خواهد شد .

زیرا این پیامی است که ما شما در طول قرنما از زبان حکما و شعرا و فلاسفه عالیقدر خود شنیده ایم و آن را سخن آشنای شما ایم .

من از جانب ملت ایران جل صیمانه ترین پیام دوستی و یگانگی برای ملت برادر افغان بستم و از آن علیحضرت خواهم شنیدم که واسطه ابلاغ این پیام محبت به تمام برادران افغانی ما باشند .

من هنوز تحت تاثیر احساسات صیمانه امی بستم که موقع ورود بکابل از طرف ملت افغان نسبت به من ابراز شد . از خداوند متعال مسئلت دارم که روز به روز ملت افغانسان را از سعادت و رفاه بیشتری برخوردار فرماید ، و با عنایت کامله خود ابرنای تفاق و نگرانی و ناسازگاری را که امروزه در آسمان جهان وجود دارد برطرف سازد تا محیطی پدید آید که ما و همه مردم نیک اندیش و صلح جوی دنیا بتوانیم با فراغ بال در راهی که به رفاه ملت با می دهمه مل جهان منتهی می شویم پیش برویم .



سعادت و سلامت اعلیحضرت و خاندان حبیب سلطنت و رفاه و پیشرفت روزافزون  
ملت نجیب و دوست برادر افغان را از خداوند متعال خواستارم .



## سخن شامشاه

در مجلس شورای ملی افغانستان

شنبه ششم مرداد ۱۳۴۱

آقای رئیس - آقایان نمایندگان محترم :

حضور در چنین مجلس بزرگی در پایتخت کشور دوست و برادر خودمان بایه خوشوقتی قلبی من است  
اصیاج به تذکر این نکته نیست دولت و دو کشور ما از نظر اشتراک زبان و مذمت تاریخ ، رابطه  
معنوی عمیقی دارند که کمتر نظیری برای آن در سایر مل می توان یافت ، به همین جهت همان قدر  
که خواستار سعادت و ترقی ملت خود هستیم قلباً رفاه و نیکی و مسر بلندی برادران افغانی  
خویش را آرزو داریم . قبل از هر بیانی بار دیگر در این مجلس بزرگ از استقبال و همان نواری  
و پذیرایی مایه گرم علیحضرت های بونی و دولت و ملت افغانستان تشکر می نمایم .  
این احساسات و عواطف و حقیقت منظر علاقه و دوستی واقعی میان دولت ایران  
و افغانستان می باشد . در حال حاضر ، هم افغانستان و هم ایران تلاش بزرگی را در راه  
ترقی و تکامل آغاز کرده اند . شک نیست که هرگونه موفقیتی که در این راه نصیب آنها نصیب



سایر مل این منطقه از جهان شود بیخ بنده نیاست . زیرا ناحیه جغرافیایی پنا وری که کشوری  
ما و شما بدان تعلق دارند ، پس از یک دوران متمدن فترت ، امروزه اهمیت دیرینه و  
باستانی خود را در جهان احراز کرده است و اکنون در سرنوشت صلح جهان نقشی بسیار  
حساس دارد . هر قدر آرامش و ثبات سیاسی این ناحیه بیشتر باشد نه فقط پیشرفت اجتماعی و  
اقتصادی مل وابسته بدان بهتر تأمین می شود ، بلکه دنیا می تواند به امکان صلح و آرامش  
بین المللی مطمئن تر باشد . آرزوی صمیمانه ما این است که هر چه زود تر صلح عمومی در دنیا  
تسحق یابد و کابوس نفاق و شقاق و این وحشت نابودی که بشر را فرا گرفته است برای  
همیشه از جهان رخت بر بندد . ولی تا آن روزی که این آرزو به عمل پیوندد هر کشوری وظیفه دارد  
که منافع خود را حفظ کند و از آزادی و استقلال خود دفاع نماید و ما به هیچ وجه نمی توانیم خود  
اجازه نستی و فوری در این راه بدیم .

مع الوصف شاید بی مناسبت نیست بگویم ما تصمیم گرفته ایم پانزده درصد نفقات  
ارتش ایران را تعطیل بدیم .

باید متوجه باشیم که چه از لحاظ حفظ این استقلال و آزادی و چه از نظر تأمین پیشرفت های



سیاسی و اقتصادی و اجتماعی منافع همه کشور های ما که در این منطقه از جهان در همسایگی یکدیگر  
به سر می برند این است که بایکدیگر نزدیکترین و صمیمانه ترین روابط را داشته باشیم ، زیرا  
ارتفاق و شفتاق بین این ملل هیچ کدام از آنها نفعی نخواهند برد . و بالعکس دیگران از  
وجود چنین وضعی برای تامین مقاصدی که مثلاً به سود هیچیک از خود این ملل نیست متغذو  
خواهند کرد .

برای ما که همگی دوران تلاش و کوشش عظیمی را برای تجدید حیات مادی و معنوی ملتها  
و کشور های خویش در پیش گرفته ایم صلح و هفا و همکاری یک ضرورت حیاتی است و هفت  
از این راه است که می توانیم به پیشرفت های واقعی نایل گردیم .

خوشبختانه کشور افغانستان تحت رهبری خردمندان عالیحضرت پادشاه با قدم های  
بلند به سوی ترقی پیش می رود ، و من نه فقط در مذاکرات کنونی خود با علیحضرت محمد ظاهر شاه  
بلکه در چند سال پیش نیز که افتخار پذیرایی از معظّم له را به عنوان میهمان بسیار گرامی در  
تهران دادم ، از نزدیک با بنیاد عالی آن عالیحضرت در راه ترقی و تعالی این کشور آشنایی  
یافته ام و نیز به خوبی می دانم که آقایان نمایندگان محترم با روح وطن پرستی و واقع بینی متوجه



اهمیت خاص موقعیت کشورهای ما در جهان امروز هستند و مسؤولیت سنگین و خطیری را  
که بر عهده دارند با درایت و کفایت کامل انجام می دهند. خوشبختانه سرزمین ما  
از دیرباز قانون تمدننا و فرهنگهای درخشانی بوده اند که در طول قرون متمادی پیوسته  
بر اساس عالیترین اصول اخلاقی و معنوی تکیه داشته است. و این پایه معنویت  
بزرگترین حافظ ما در کشاکش حوادث تاریخ بوده امروز نیز می تواند و می باید راهنمای  
اصلی ما در جهاد با اهل نفاق و فساد باشد و سایر ملل این منطقه از جهان که سرنوشتمان به  
یکدیگر پیوسته است، یکی از این نیروی معنوی ریشه دار برخورداریم و باید انچنین نیروی  
برای ساختن آینده ای بزرگ، الهام بگیریم.

یقین است که خداوند متعال نیز که همواره برکات و عنایات کامله او شامل  
حال ما بوده است در این راه که راه حق و عدالت و ایمان و مسلمون سعادت میلیونها مردم  
این مل است پشتیبان مؤید ما خواهد بود.



## سخنانشاه

در استاد یوم غازی کابل

یکشنبه نهم مرداد ۱۳۴۱

ایمانی نجیب برادر کابل از دقیقه ای که به دعوت دوستانه علیحضرت همایون پادشاه افغانستان پا به خاک شما گذاشتم، لحظه به لحظه تحت تاثیر احساسات محبت آمیز پادشاه، دولت و مردم این کشور بخصوص ایمانی کابل قرار می گیرم. این علامت دوستی و محبت امری است طبیعی چون بدانید که همین احساسات متقابل دند و دند فرد فرد افراد مملکت ما نیز نسبت به شما موجود است. چرا؟ روی اصل اینکه همه چیز ما را به هم نزدیک می کند هیچ چیز ما را از هم دور نگه نمی دارد؛ و از لحاظ نژاد، فرهنگ، و مذهب، تمام اینها عواملی است که ما را خوشبختانه به هم نزدیک کرده است. و بیغما در حال آینده این است که این احساسات عمیق و طبیعی در ریشه تاریخی و تاریخی را روز به روز قوی تر و نزدیک تر بنماییم تا با هم در راه حفظ منافع عالیه کشور های خود و حتی منافع عالیه منطقه جغرافیایی خود بکوشیم. موفقیت روز افزون مملکت شما که خوشبختانه در آن کارهای بزرگ عمرانی و آبادانی





و پیشرفت در همه شؤون اجتماعی دیده می شود و بخصوص شما انالی غیور و غیرتمند این شهر تاریخی را  
از دگاه خداوند مسکلت دارد و بار دیگر از این همه محبت شما سپاسگزارم و همه را به خداوند  
متعال می سپارم .



## پیام شاهنشاه

بنگام عزیمت از کشور افغانستان

پنجشنبه یازدهم مرداد ماه ۱۳۴۱

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان :

در این موقع که کشور دوست و همسایه و برادر افغانستان را ترک می‌کنم، ما یلم از پذیرایی  
کرم و محبت آئینر علیحضرت که خاطره آن همواره برای من گرامی خواهد بود و صمیمانه تشکر کنم. همچنین  
سپاسگزاری خود و ملت ایران را از احساسات پر محبت ملت نجیب و عزیز افغانستان ابراز  
می‌دارم. سلامت و سعادت آن علیحضرت و ملت نجیب افغانستان را از خداوند متعال  
مستمت می‌نمایم.



## سخن شاهشاه

بناسبت آغاز پنجاه و هفتمین سال مشروطیت در ایران

یکشنبه چاردهم مرداد ۱۳۴۱

آغاز پنجاه و هفتمین سال مشروطیت ایران را به هم میهنان عزیز تبریک می گویم و امیدوارم  
اساس این مشروطیت در طول این مدت چنان استوار و نیرومند شده باشد که در آینده نیز  
هیچ نیرویی امکان متزلزل کردن آن را نداشته باشد. در دوران سلطنت خود من این مسیبت و کین  
باری است که من با علاقه مندی این روز بزرگ ملی را به همه ایرانیان تبریک می گویم، زیرا  
اعتقاد من به اصل دموکراسی و مشروطیت همواره اعتقادی راسخ و تزلزل ناپذیر بوده است.  
من پوینده بدین حقیقت معتقد بوده ام و هستم که رژیم دموکراسی از آن جهت که متلزم شرکت  
مردم در تعیین سرنوشت خودشان است تنها ژرفی است که می تواند رشد و سعادت واقعی  
یک ملت را تأمین کند.

بدیهی است در رژیم مشروطه مجلسین شورای ملی و سنا مظاهر عالیله مشروطیت هستند  
و به همین جهت امید داریم انتخابات این دو مجلس هر چه زودتر شروع شود ولی در این فرصت

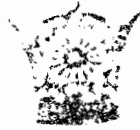


لازم می‌دانم مانند همیشه ملت خود را با حقایق و اصولی که توجه بدانها ضروری است بدون رعایت این اصول پیشرفت صحیح امکان پذیر نخواهد بود آشناسازم .

چنانکه گفتم وجود مجالس مقننه برای مشروطیت لازم است ولی باید متوجه بود که هیچ مملکتی بصرف داشتن این دو مجلس نمی‌تواند اذعان کند که حقیقه آرزیم دموکراسی برخوردار شده است زیرا داشتن چنین رژیم بی‌فهوم و قوی آن مستلزم رشد فکری اجتماعی است چنین رشد و پیشرفت اجتماعی جز بجهت قانون که اساس دموکراسی حقیقی است استقرار نمی‌تواند یافت .

سال گذشته به همین مناسبت گفتم و اکنون نیز تکرار می‌کنم که دموکراسی یک کالای وارداتی نیست که بتوان آن را از جای دیگر سفارش داد بلکه ثمره درختی است که باید بذران در کشته‌زار روح و فکر هر جامعه کاشته شود و در همان زمین ریشه‌کند و رشد نماید و بار و گردود .

پس چنانکه تقلید سطحی از ظواهر تمدن غربی کافی نیست تا ما را از نااهلیت واقعی این تمدن یعنی از ترقیات علمی و فرهنگی و اجتماعی آن برخوردار سازد ، اکتفا به ظواهر دموکراسی یعنی صرفاً داشتن دو مجلس مقننه نیز برای استقرار دموکراسی حقیقی کفایت نمی‌کند بلکه براتی‌مین این منظور می‌باید این اصل را از اساسی‌ترین پایه‌ها و زمینه حکومت مردم بر مردم به‌مورد اجرا گذاشت



تا در نتیجه بر فردی از افراد بتواند ارزش معنوی و اجتماعی که برای همیسم بودن او در اداره امور و سرنوشت کشور ضروری است بهره مند گردد.

قدم اول در این راه تشکیل انجمن های روستاها و سپس انجمن های شهرستانها و استانها و حتی المصلحت در سپردن کلیه امور مربوط مردم به خود مردم است. بدین مناسبت دولت ناموریت دارد که با توجه بدین اصول هر چه زودتر دموکراسی واقعی را در مملکت تعمیم و توسعه دهد و زمینه تکامل مشروطیت ایران را به مفهوم حقیقی آن فراهم سازد.

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که رشد و نمو اصول دموکراسی در هر مملکت و نزد هر نژادی بستگی تمام با شرایط خاص نژادی و جغرافیایی و سیاسی و اجتماعی آن کشور و ملت دارد بطوریکه حتی در ممالک متصرفی جهان که سابقه ریشه دارد دموکراسی استوارند در هیچ دو کشوری این اصول را به صورتی کاملاً مشابه برقرار نمی توان یافت زیرا همضم و قبول این اصول از طرف افراد هر ملت مستلزم تطابق آنها با روحیات و احساس خاص همان ملت است.

از خداوند متعال مسئلت دارم که با لطف کامله خویش که همواره شامل حال این ملت و این سرزمین بوده است یکایک ما را در انجام وظایف و مسؤولیتهایی که از این لحاظ در برابر



حال آینده این کشور داریم موفق بار دوما روز بروز بیشتر توفیق آن دهد که نفع واقعی  
خویش را در نفع کلی اجتماع و سعادت شخصی خود در سعادت عمومی جامع ببینیم زیرا مفهوم  
واقعی مشروطیت و دموکراسی در همین حقیقت نهفته است .



## سخنان شاهشاه

بمناسبت روز تاریخی ۲۸ مرداد در دوشان تپه

یکشنبه بیست و هشتم مرداد ۱۳۴۱

درد و فزادان به روان پاک شهیدانی باد که در ستاخیز ملی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲  
جان خویش را در راه بقای استقلال ایران از دست دادند و یکت بار دیگر درخت  
بروند طیت و حاکمیت این سرزمین کهنال و پُر افتخار را با خون خود آبیاری کردند .  
اکنون که پس از گذشت نُه سال از آن روز تاریخی من بار دیگر در چنین روزی  
به نام پادشاه این کشور و منظر طیت و استقلال آن ، و به عنوان کهنان میراث عظیم تمدن و  
فرهنگ ایرانی ، با شما صحبت می کنم بیش از هر وقت دیگر خودم را با تاریخ گذشته و با سزوست  
اینده این کشور مواجه می بینم و بیش از هر هنگام سنگینی مسؤلیتی را که از این بایست بر ابر  
تاریخ این مملکت بر عهده دارم احساس می کنم . زیرا قیام ۲۸ مرداد ملت ایران اضافه  
بر دظانف سلطنت موروثی ، وظیفه سنگین تر و خطیرتری را در راه تأمین مصالح مردمی که  
از این راه پوستگی ملت و شاه را باقیمت جان خود و با پیوند خون بیش از پیش استوار ساختند



برعهده من گذاشته است .

از نظر شخص خودم باید بی پرده بگویم که انجام وظایف سنگین سلطنت برای من بیخیز  
رنج و کوشش دائم چیزی در بر نداشته و مستلزم هیچ گونه آسایش و تفریحی نیست و اگر به فدای  
عالی و مقدس مبینی و ایمان به لزوم این رنج و تلاش در راه حفظ مصباح این مملکت و ملت خود  
اگر درجه علاقه و محبت شمار نسبت به پادشاه خودتان که تا سرحد جان بازی می رسد نمی آید  
هیچ مشوق دیگری در این راه برای من وجود نداشت .

همه شامی دانید که من در مدت سلطنت خود بارها جان خویش را در راه انجام  
وظیفه به خطر انداختم از این پس نیز در راه سعادت کشور و ملت خود همواره آماده جان بازی  
هستم .

از طرف دیگر از لحاظ مالی تقریباً هر چه را که داشتم در این مدت به ملت خودم  
بخشیدم و به موجب وقفنامه در اختیار بنیاد پهلوی گذاشتم تا عواید آن طبق همین وقفنامه  
برای همیشه به مصرف امور بهداشتی و فرهنگی و خیریه و اجتماعی و کمک به مستندان برسد .  
بنابر این چنانکه گفتم من از نظر شخصی در مدت سلطنت خودم هیچ نفعی نداشته ام و تنها





انگیزه من در تحمل این مسؤولیت خلیفه عشق بر این مملکت، و انجام وظیفه وجدانی خود در برابر  
شماره مردم فداکار شرافتمند و همین پرست است؛ و با همین احساس من در این راه وظیفه  
وجدانی خویش را با اتکاء به بیست و دو سال تجربه و آشنائی با رموز کارها و با آنچه در این مدت  
بحرانها و حوادث گوناگون به من آموخته است انجام می دهم و هر زمان احتی را در این مورد  
با طیب خاطر تحمل می کنم. زیرا برای من یک هدف بیشتر وجود ندارد و آن رسانیدن  
ملت ایران به پایتخت یک اجتماع دموکراتیک مترقی و پیشرفته و سعادت مند در جامعه مل  
جهان امروز است.

من همیشه ایمان داشته ام که در راه تلاش خویش برای نیل بدین هدف مقدس  
غنیای کاظمی الهی بر خورد از دستم و یقین دارم که در آینده نیز مانند گذشته نایدات پروردگار  
که در گذشته من و ملت را به کرات با صورتی معجزه آساز خطرات و ممالک حتمی نجات بخشید  
است همچنان شامل حال ملت عزیز من و من خواهد بود.

پنجانی که گفته ام از آن نظر که من پادشاه همه مردم ایران هستم طبعاً تمام افراد این کشور  
در نظرم یکسانند و علاقه و محبت من به هر کسی را که نام ایرانی داشته باشد شامل می شود. ولی



به همین دلیل که من پادشاه همه قسم طبیعی است که باید حفظ منافع اکثریت را بر همه چیز مقدم بشمارم و چون این اکثریت را طبقات کشاورز و کارگر و پیشه ور و نظایر آنها تشکیل می دهند طبعا قلب و روح من بیشتر متوجه همین مردمی است که از لحاظ شریکیت اجتماع و سطح زندگی در مرحله پایین تری قرار دارند.

هم وظیفه وجدانی من و هم علاقه شخصی من حکم می کند که بیش از هر چیز منافع این اکثریت عظیم را در نظر بگیرم و در راه تأمین سعادت و آینده ایشان کوشش کنم.

در این راه همه آنهایی که شایسته نام ایرانی هستند به من مسؤلیت را به عهده دارند و باید عموم ایشان یقین داشته باشند که هر فرد ایرانی تا هنگامی که خدای نخواسته از راه خدمت به وطن انحراف نجنبته باشد مورد تأیید خواهد بود و نباید از این بابت سببی به خویش راه دهد. حتی در این مورد می توان گذشته ما را نیز فراموش کرد تا امکان خدمتگذاری بیشتری در آینده به همه داده شود. ولی چنانچه در آتی افراد و عناصری نخواهند به نحوی از انحاء آتشکاو و چه در پشت پرده در راه این جهس و ملی کارشکنی کنند و به خاطر منافع و اغراض شخصی کوشش عظیمی را که به منظور تجدید حیات و رستاخیز معنوی و مادی این کشور و تأمین منافع میلیونها



نفر مردم ز جشکش و شریف این آب و خاک صورت می گیرد فلج سازند، این افراد هیچ وجه مورد ارفاق قرار نخواهند گرفت. و چون به خوبی شناخته شده هستند به هنگام لزوم با تمام خصوصیات خود و با همه ارتباطاتی که دارند به جامعه معرفی خواهند شد و با تریبی که لازمند چنین طرز گامی است بایشان معامله خواهد گشت.

وظیفه همه ما امروز همکاری کامل بی دریغ در راه ساختن ایرانی آباد و آزاد و مترقی است که بر بنیاد عدالت قضایی و اجتماعی و همچنین پیشرفت اجتماعی استوار باشد و در آن هر کسی از درآمدی که دست کم حد اقل زندگی را برای او تأمین کند برخوردار گردد. بدیهی است ما اکنون یک دوره متمادی را در راه نیل بدین هدف می گذرانیم یعنی از لحاظ مسئله اقتصادی دست به کاری زده ایم که می باید ثمرات آنها بعداً عاید عموم گردد و طبعاً چنین دوران متمادی مستلزم تحمل مشکلات و محرومیت های موقتی است. این وضعی است که خاص مایست و همه مل دیگری نیز که در شرایط ما بوده اند یا هستند آن را در راه تأمین آینده می بهتر تحمل کرده اند و می کنند. منتها قبول این دشواری های موقت از آن نظر که ضامن آسایشی امیدبخش است و وظیفه همه افراد مملکت بخصوص نسل جوان تحصیل کرده است.



خوشبختانه خداوند متعال که همواره عنایات و برکات او شامل حال ما بوده این مملکت را از ثروت‌های فراوان زیر زمینی و روی زمینی برخوردار فرموده است و منابع طبیعی ما به قدری است که پس از آنکه با قدری پایداری و با تحمل یک دوران الزامی کوشش و اشتغال به معرض استفاده کامل درآید به خوبی جوابگوی همه احتیاجات ملی ما خواهد بود و به ما امکان آن خواهد داد که خود را در عرض یک نسل به پایه جوامع فعلی پیشرفته اروپائی برسانیم. من به تمام صاحبان سرمایه نصیحت می‌کنم که با توجه بدین واقعیت ثروت خویش را در راه تولیدی به کار اندازند و از مقدرات فراوانی که در این سرزمین پنهان و دست‌نخورده برای ایشان وجود دارد و از این امتسیماز بزرگ که راه در این کشور برای هرگونه ابتکار مفید و شکر بخشی باز است استفاده کنند تا بهم خودشان از این بابت بهره‌مند شوند و هم به سایرین نفع برسانند. این توسعه فعالیت‌های مولد باعث خواهد شد که ما همچنانکه در برنامه پنج ساله آتی در نظر گرفته‌ایم بتوانیم برای تقریباً یک میلیون نفر شغل پیدا کنیم.

از طرف دیگر سلامت و ثبات وضع اقتصادی مملکت ایجاب می‌کند که از هرگونه مخارج بی‌بهره و زائد خودداری گردد و از این نظر است که مافعالاً برنامه صرفه‌جویی شدیدی را



در پیش گرفته ایم. به موازات اجرای این برنامه صرفه جویی طبعا لازم است که در تحمیل عواید قانونی فتوری روی ندهد. بعضی صاحبان سرمایه در عین اینکه از کار خود منافع مشروع به دست می آورند، مالیاتهای خویش را پرداخت نکنند و از این راه وظیفه ای را که به خود دارند انجام دهند.

در راه تأمین منافع کشاورزان مملکت چنانکه می دانید اکنون اصلاحات وسیع اضنی در جریان است. این اصلاحات با سرعت و بدون هیچ وقفه ای تا پایان کار ادامه خواهد یافت.

در مورد تأمین منافع کارگران ایران نیز با وضع و اجرای قوانین بسیار ترقی کارگری از تمام جهات اقدام شده است و کارکان خواهند شد. و طبقه کارگرمی دانند که تا سر حد امکان و حتی بیش از حد تصور خود آنان تا جایی که اقتصاد مملکت بهم نخورد و درصد رفاهیت زندگی ایشان ستیم تا هر روز مقام شایسته و سهم زیادتری از زندگی اجتماعی و از سطح زندگی بهتر نصیب آنها گردد.

اصول برنامه کار دولت و کلیه دستگاههای اداری کشور در راه تأمین شرفیت



اجتماعی و اقتصادی مملکت همان است که در سال گذشته طی شش ماده به دولت ابلاغ گردید.  
رئوس این شش ماده بطوریکه می دانید عبارتست از :

اصلاحات اداری و تدوین قانون استخدام جدید و مترقی تر برای بهبود وضع  
کارمندان دولت، تأمین حواج اساسی زندگی این افراد و عائله آنها از راه تهیه مسکن و  
تشکیل شرکت های تعاونی؛ اصلاحات اساسی در زمینه کشاورزی از حیاط مکانیزه کردن  
فلاحت و اجزای اصلاحات ارضی و تشکیل شرکت های تعاونی برای کشاورزان راهسازیهایی  
محلّی؛ بیم کردن کارگران در سهام یا در منافع کارخانه ها و ساختمان خانه برای ایشان  
بالکنت کارفرمایان به حساب حق بیمه ای که باید کارفرمایان قانوناً بپردازند؛ وصول صحیح و  
عادلانه مالیاتها از طبقه متمول و تعمیم تحصیلات تجاری ابتدایی و تعلیمات حرفه ای؛ تشکیل  
شوراهای روستاها و شهرها و شهرستانها و آستانها به منظور تأمین دموکراسی واقعی از راه  
حکومت مردم بر مردم، و ایجاد گردانهای آبادانی برای توسعه فعالیت های تولیدی.  
ادامه این فعالیت های تولیدی و آبادانی برای پیشرفت کشور ضرورت حیاتی  
دارد و به همین جهت تصمیم ما در این مورد تزلزل ناپذیر است. برای اینکه در این سیر تکاملی



به سوی پیشرفت و قضاای حاصل نشود می باید لاقلاً سالی هشت درصد بر میسن ان درآمدی تا  
افزوده شود زیرا اگر در نظر بگیریم جمعیت مملکت ما سالی دو نیم درصد اضافه می شود و همین حال  
در جامعه فعلی که در حال پیشرفت است و در آن کارهای وسیع عمرانی و آبادانی انجام  
می گیرد به طور متوسط طبیعی هزینه زندگی سالی دو نیم تا سه درصد بالای رود بایک حساب  
ساده روشن خواهد شد که برای تأمین رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی می باید هر ساله دو نیم  
الی سه درصد یعنی رقم تفاوت بین پنج تا پنج و نیم و هشت درصد به درآمد ملی مردم اضافه  
شود و چنین افزایشی طبعاً مستلزم کوشش عظیمی است که باید بدون وقفه انجام پذیرد.  
در این راه البته ما باید قبل از هر چیز متکی به خودمان باشیم و حل هر مشکلی را از خویش  
بخوئیم ولی برای سرعت در پیشرفت طبعاً تحصیل وام های مناسب خارجی برای ما مفید  
خواهد بود تا از این راه هم امکانات بیشتری برای کار در دست داشته باشیم و هم تمام  
فشار منحصراً بر نسل جوان وارد نیاید. ما در این راه بخصوص علاقه مند به سرمایه گذاری خارجی  
هستیم و از چنین امری استقبال می کنیم.

تذکر این نکته ضروری است که برای تأمین احتیاجات مالی مملکت و اداره



تشیلاتی که چنین مملکتی بایش از بیست میلیون جمعیت لازم دارد و ضمناً برای انجام برنامه‌های  
مترقی اجتماعی می‌باید مقدار زیادی که بطور مستقیم و غیر مستقیم عاید خزانه دولت می‌شود بطریق  
قابل توجهی اضافه شود و این افزایش از راه وصول بهتر و کاملتر مالیات‌ها و همچنین از راه  
شرکت بیشتری از جانب مردم در کارهای عمرانی و سرمایه‌گذاری در امور تولیدی  
تأمین گردد. کار توسعه فعالیت‌های عمرانی در آتی تا حد زیادی به عهده گردانهای  
آبادانی خواهد بود که برای همین منظور ایجاد می‌شوند. در این گردانها طبعاً افراد  
زیادتری بر طبق وظایف قانونی و اداری خود عضویت خواهند داشت ولی من‌جمله  
امیدوارم که خیلی از جوانان پرشور و میهن پرست ما در طلبخانه و لوب بطور موقت بهم که  
باشد در این گردانها شرکت جویند و از این راه در توسعه کارهای آبادانی کشور که آینده  
مملکت بسته بدان است به صورت مؤثری سهم گردند تا از این راه ما بتوانیم برنامه‌های  
وسیع عمرانی و آبادانی خودمان را در بجز کارهایی که صرفاً جنبه فنی و تخصصی دارد و انجام آنها  
از وظایف خاص دستگاههای مربوطه اداری و فنی است، به مراتب از گذشته ارزانتر  
تمام کنیم و یا در مقابل همان مبلغ دو برابر کار بیشتر انجام دهیم.





بدیهی است اجرای مواد ششگانه برنامه‌ای که بدان اشاره کردم و فخر می‌کنم که جو ابگومی اقتیاجات اساسی و حیاتی ملت ایران است و با عملی شدن آن سعادت این ملت تأمین خواهد شد در آینده با جدیت ادامه خواهد یافت و همزمان با آن فعالیت‌های وسیع تولیدی و ساختمانی که اکنون در سراسر کشور جریان دارد دنبال خواهد شد. از سال پیش که در چنین روزی با شما صحبت کردم تاکنون مانند چند سال گذشته در کلیت این رشته با اقدامات بسیاری صورت گرفته است که از مهمترین آنها می‌توان از افتتاح و بهره‌برداری سد کرج و پایان ساختمان سد عظیم سپیدرود که در بهار گذشته تکمیلش یافته نام برد.

کار ساختمان سد بزرگ دز نیز که مایه آبادانی منطقه زرخیز خوزستان خواهد شد تا چند ماه دیگر پایان خواهد یافت. در همین مدت کار تأمین برق پنجاه شهر و لوله‌کشی ده شهر ایران بطور کامل به پایان رسیده و امر لوله‌کشی هشتاد شهر دیگر هم اکنون در جریان است. کارخانه بزرگ قند و نیشکر خوزستان و کارخانه نساجی مدرن شاهی در این سال افتتاح و مشغول کار شده و ساختمان بیش از پانصد کیلومتر راه درجه یک به پایان رسیده



ویمی از مسیر خط آهن تبریز به قطور که قسمتی از راه آهن سراسری آینده ایران به ترکیه و اروپا است ساخته شده و انحالت شاهراه تهران، اصفهان، شیراز، و تهران به چالوس به سرعت ادامه دارد.

از لحاظ بهداشتی کاربنامی پنج بیمارستان پنج در مانگاه بزرگ در کردستان و استان چهارم پنج آسایشگاه مسلولین در تبریز و رضائیه و اصفهان و رشت و ساری و بیمارستان های صد تختخوابی چالوس و مراغه و بیمارستان سوگرده و چندین بیمارستان مجتهد دیگر تقریباً به پایان رسیده و کارهای ساختمانی صدویک در مانگاه سارمانا شایسته در سراسر مملکت تکمیل شده و بنامی چهار بیمارستان پنج در مانگاه مجتهد در مناطق و بنا و جنوب شروع شده و ده هزار قرینه جدید بخصوص در مناطق شرقی و جنوب شرقی ایران برای مبارزه با مالاریا زیرسپتاشی رفته است.

مهمترین کاری که در رشته بهداشتی صورت گرفته تنظیم برنامه وسیع ایجاد مراکز مختلط درمانی و بهداشتی روستاها در سراسر ایران است که مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی قرار گرفته است و با همکاری این سازمان به معرض اجرا گذاشته خواهد شد.



کار مبارزه با تریاک و ترانم و سل و بیماریهای آمیزشی با جدیت ادامه یافته و با مبارزات  
نظیر و با و آبله که سال گذشته خطر سرایت آن از کشورهای خارجی مملکت را تهدید می کرد  
به نحو موفقیت آمیزی مبارزه شده است .

از محافظه فریبگی کماکان بر تعداد دبستانها و دبیرستانها و رقم محصلین افزوده شده  
بطوریکه تنها در این یک سال در حدود یک صد دبستان تازه ساخته شده و تعداد محصلین  
کشور از یک میلیون و نیم نفر تجاوز کرده است .

دانشگاه پهلوی شیراز که پس از تکمیل از مجتهدترین مراکز علمی این منطقه از جهان نخب  
در این سال کار خود را شروع کرده است .

از نظر اصلاحات کشاورزی که همه شما با آن آشنایی دارید همچنین از نظر مکانیزه  
کردن فلاحات استفاده از کود شیمیایی و حفظ جنگلها و توسعه بنادر و فعالیتهای شرکت ملی  
نفت و تکمیل اسکله ها و سایر امور صنعتی و ملی برنامه های مربوطه بدون وقفه اجرا شده است و  
بدیهی است که در آینده همچنان این فعالیت ها ادامه خواهد داشت . با تمام اینها باید بگویم  
که این کوشش همه جانبه فقط مرحله اول کار است زیرا هر روزی که می گذرد با مقدمات



بیشتری که بر اساس کارهای انجام شده فراهم می شود اقدامات وسیعتر و دامنه دارتری صورت می گیرد و خواهد گرفت .

برای انجام همه این برنامه ها و به خاطر تأمین آینده سعادت بخشی که مورد نظر ما است ما پیش از هر چیز به صلح و ثبات احتیاج داریم و بنا بر این تردیدی نیست که صمیمانه آرزو مند صلح جهانی هستیم و تا آن جا که مربوط به ما است در این مورد از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد . فتنه و طیفه ملی خودمان را اینتر که حفظ و حراست مملکت است نمی توانیم فراموش کنیم و طبعاً در آنچه لازمه انجام این وظیفه است تصور نخواهیم نمود .

باید گفت که همین سیاست صلح جو یانه توأم با سیاست خارجی روشن و قاطع ما به ما اجازه داده است که مخارج نظامی خودمان را تا بدین اندازه محدود کنیم که حتی نسبت جمعیت سرانه پانزده برابر کمتر از دو مملکت بی طرف سوئد و سوئیس باشد .

وظیفه ما است که در پروتوین ثبات سیاسی و موقعیت ممتاز بین المللی با شهامت و کوششی بیش از پیش به اجرای برنامه های عالی مہینی خود ہمت گماریم و در این راه مانند سایر مل مترقی و زنده و آزاد جهان کہ مرحلہ آزمایش را در پشت سر گذارند از هیچ تلاشی



فروگذار نخستیم زیرا که هیچ ملتی بدون فداکاری به جایی نرسیده است .  
در این روز تاریخی لازم می دانم که یک بار دیگر ایمان قلبی و تزلزل ناپذیر خود  
به آینده روشن و امیدبخش این کشور برزدارم چه از نظر من و چه از نظر ملت ایران ۲۸ مرداد  
یک جشن ملی ساده نیست بلکه در ماورای این روز حقیقت بزرگی نهفته است که راز حیات و  
بقای جاودان ملت ایران است . این روز روز تجلی آن نسیه روی حیات بخش و  
پولادین و شگفت ناپذیری است که در روح و قلب این ملت سرشته شده است و معجزه آسا  
در سختی بر روز می کند که مردم ایران با غریزه خفایا پذیرفتنی و باطنی خود احساس کنند  
که موجودیت چند هزار ساله این کشور و میراث عظیم و مقدس نیاگان نشان به خطر افتاده است .  
قیام ۲۸ مرداد تازه ترین جنبش و قیام از سلسله نهضت ملی عظیم و آزادی بخش  
ملت ایران در طول بیست و پنج قرن شاهنشاهی این سرزمین بود و آنچه ما از ورای این روز و  
این تاریخ تجلی می کنیم و در برابر آن سر تعظیم فرود می آوریم در حقیقت تمام تاریخ ایران  
و روح ملت ایرانی است که پیوسته در قالب این رتاینخرا تا قیام با تجلی کرده است .

خداوند ایران همواره پشت و پناه شما باد .



## سخن شامشاه

در باشگاه افسران خانه کردستان،

رشته سوم مهرداد ۱۳۴۱

این اولین مرتبه ایست که به خانه و این قلب کردستان غیور و نقاط مرزی و خاک سر بلند ایران قدم می گذارم و باعث مباهات و دلخوشی است که این مرتبه اول موجب می شوم با چنین تشکیلات با اهت و کامل نظامی، کمر تقاطعی در مملکت موجود است که از لحاظ وسایل نظامی و سر باز خانه و متعلقات آن چنین وضع مرتب و تکمیلی داشته باشد البته از لحاظ فنی و روحی لازم است و احدای دور افتاده مرزی از حد اکثر وسایل بهره مند باشند. لابد آقایان افسران در مرکز بوده و به اندازه کافی اطلاع دارید که مثلاً در پادگان مرکز و پایتخت سر باز خانه های ما چه ترتیبی دارند، و همچنین وسیله زندگی افسران درجه داران و افراد آن نسبت به شما چه اندازه ناقص و پامین تر است، ولی می دانید که ما از شما افرادی که در این مرز پاسداری می نمایم و پرچم ایران را در اهتزاز نموده می دارید چه می خواهیم؟ آن انجام وظیفه ای است که برایتان از هر لحاظ روشن است؛ ولی



شما هم باید بدانید که چرا این انجام وظیفه را می‌کنید. این صرفاً به خاطر نگهداری نقطه نام ایران نیست این صرفاً به خاطر مباحث به اینکه مایه رخ پرافتخار گذشته داشته ایم نیست. این فقط برای این نیست که ماسدی و حافظ داشته ایم یا بعضی از سرداران بزرگ ما در سابق دفاع کرده اند این وظیفه ای که شما امروز انجام می‌دهید صرفاً همان طور که نغمه برای نگهداری این اسم نیست، این برای ایرانی است که باید در زمره ملل جهان و دنیای امروز و دنیای تمدنی که به این سرعت پیش می‌رود جای عالی و شرافتمندانه ای میان دیگران برای خودش بازبکشد، و با افتخار آن رانجا دارد. این مملکتی است که ماباکوش و عزم آهنین و با تلاش روز افزون همه با هم برای آباد کردن آن اقدام می‌کنیم و عمل می‌کنیم در یک نقطه نیست و اصلاحاتی که ما شروع کرده ایم همه جنبه است. همه اصلاحات اداری، و هم مخصوص اصلاح جامعه ایران. جمعیت ایران تمام افرادی که تشکیل این مملکت و این جامعه را می‌دهند باید زندگی‌شان و روش‌شان و طرز عملشان بر پایه مترقی‌ترین حادثه‌ها - ترین طرق اجتماعی عصر امروز باشد. همین کار را می‌کنیم ممتی سرو صد چون زیاد نیست و به نظر ابر توجیه نمی‌کنیم شاید این همه اقدامات اجتماعی بدون سرو صدای زیاد و خجال پیش می‌رود



و هنوز بان و طیفه مان درست پی نمی بریم . ولی شما باید بدانید ما برای اکثریت جامعه  
ایرانی که آن را دقتانان و بزرگان تشکیل می دهند چه راه و رویه ای پیش گرفته ایم . کار-  
بایی که ما می کنیم کمتر در سایر نقاط دنیا تطبیق دارد . همچنین می توانیم برای طبقات دیگر مملکت  
کار بایی پیدا کنیم به همین طریق اطلاع بگیریم که برای اینها نیز چه کار بایی می کنیم . اصلاحات  
اداری مملکت نیز به همین طریق است بخصوص در آینده با تصویب قانون استخدام  
کشوری این کار هم بر پایه عدل مساوات برقرار خواهد شد . همچنین در سایر شؤون  
اجتماعی ، بیمه های اجتماعی و غیره و بالا بردن سطح زندگی مردم ، و همچنین آبادانی مملکت  
به طوری که هفت هشت سال پیش این صفحات ا دیده بودم و امروز نیز می بینیم یا اگر  
در مقام مقایسه برآیم معانی پیشرفت مملکت به خوبی دستگیری شود و آن چیزی که مخصوص مربوط  
به شما است ، و نظر همه شمار متوجه آن می کنیم اظهاراتی است که در روز داون گوا اینسانه  
فارغ التحصیلی دانشگاه جنگ و فرماندهی ستاد کردم ، و آن اینست که راه بنامی ما  
وساست با در ارتش بر معنای همان اظهارات قرار داده شده است و ادامه خواهد  
یافت . ما می توانیم ارتش ایران را به صورت منزه ترین ارتش با در آوریم و امیدوارم





از لحاظ علمی یکی از مترقی ترین و از لحاظ دیگر به همین نسبت بین ارتش های جهان در آوریم. این در اختیار مان هست که احتیاج به وسایل فوق العاده صنعتی و خصوصی نیست، ولی از لحاظ قدرت ارتش نیز که اگر ارتش ما در آینه محدوده و تر بشود از لحاظ مقدار و کیفیت کوچکتر بشود، ولی از لحاظ کیفیت به مراتب قویتر خواهد بود، و بخصوص از لحاظ روحی داشتن یک کادر کال و منزه و مومن و مطمئن که یک قسمت آن تشکیل می دهد به این مراحل برسد.

در این راه این عزم و اراده البته خلل ناپذیر است و گویا آنقدر زیاد نیست ولی به هر صورت هر چه محدودتر باشد هر فردی چه در گذشته چه در حال منحرف بشود نمی توانیم ارتقیر آن چشم پوشی کنیم و گوئیم که آن هر قدر درخشان بوده و یا اینکه در گذشته خدمات برجسته ای هم انجام داده باشد.

هیچ کس نمی تواند انتظار داشته باشد که اگر خدمتی هم کرده باشد برای عمل خلاف خود بخشیده بشود. در جامعه سربازی یک چنین چیزی امکان پذیر نیست وقتی که بنای این جامعه نظامی ما بر پایه چنین عزم استواری بنا نهاده شود این مسلماً در وجه تمام عناصری که با پاکی و با صمیمیت با ایمان به انجام وظیفه و در واقع با مهارت کاری کنند خدمت می کند



و در خیلی نقاط رحمت می‌کشد و در بعضی نقاط از وسایل اولیه زندگی محروم هستند. این  
برای آنها موجب کمال خوشوقتی است. و شوق به خدمت ایجاد می‌کند من نمی‌توانم  
بگویم که فرد این لشکر و این تاسیسات به چه صورتی در خواهد آمد آیا و لطیفه‌شمار این نقطه باز هم مدتی  
ادامه خواهد داشت؟ ولی می‌دانم و مطمئن هستم آرزوی کنم که هر جا که باشید در کمال صداقت  
به وظایف خود عمل می‌کنید و خداوند بزرگ که کرم و الطافش بی‌پایان است شما را تحت توجهات  
و در پناه خود نگاه خواهد داشت.



## سخنان شاهنشاه

در رضایه

چهارشنبه چهارم مهرماه ۱۳۴۱

مردم شریف و نجیب رضایه هر مرتبه ای که من به شهر شاقدم می گذارم در تجدید دیداری که با شما مردم غیور و زحمت کش می کنم به همان نسبت در اولین دیدار تحت تأثیر احساساتی قرار می گیرم که شما مردم روی صل و وطن خواهی و رشد اجتماعی و تشخیص منافع ملی خود نسبت به من ابراز می کنید. این روحیه شما نشان دهنده بالاترین تضمین استقلال و آزادی این مملکت است. ولی این روحیه ای که امروز شما نشان داده اید و همان طور احساسات متقابل می که من همیشه نسبت به شما داشته ام، برای این نیست که ما فقط اتفاق کنیم به اینکه استقلال مملکت را حفظ می کنیم البته این خودش خیلی ارزش دارد و هر فردی هر رئیس خانواده ای، هر عضو خانواده ای البته این را باید همیشه عالیترین هدف خود بداند و ما به این قانع نیستیم که فقط اسم ایران عزیز را در صفحات تاریخ خود بگذاریم.

هدف ما اینست که ایران و استقلال ایران و تمامیت ایران یعنی دیگری داشته باشد



و آن اینست که مملکت ما مرد در قرن بیستم با جنگ و دوش به دوش مترقی ترین ممالک دنیا  
پیش برود و برای این کار تمام استعداد های فطری و جسمی مملکت باید بکار بیفتد و آنهم در محیط عدالت  
اجتماعی عدالتی که از هیچ جای دیگر کمتر نباشد، بلکه روی اصل سوابق تاریخی سنن ملی و شایسته که  
خداوند به ما داده است ما بتوانیم با آسودگی با فراغت و لی ضمناً با سرعت تمام به پیشرفت  
اجتماعی که در قرن بیستم یک مملکت می تواند به آن افتخار کند نایل شویم. در همه زمینه ها شروع  
کرده ایم به یک تحول عظیم اجتماعی و آن چیزی است که به تعداد پنج درصد افراد مملکت مشمول  
آن می شوند و آن اصلاحات ارضی است.

سخنانی را که در این باب به کرات در نقاط مختلف ایراد کرده ام مرور بکنید بخوانید؛  
و بشنوید؛ خواهید دید که این اصلاحاتی که در نظر است چقدر عمیق و دامنه دار است. همچنین  
در شئون طبقات دیگر در شئون کارگران در شئون کارمندان دولت در شئون پیشه وران  
در تمام شئون اجتماعی.

همین تحول عمیق را وجه همت و پیشه خود خواهیم کرد. از مجموع این اقدام امیدوارم  
آینده نزدیکی چنان جامعه پیشرفته و استوار و قوی به وجود بیاید، و مملکتی که واقعا همه نوع نعمتها



نسبت به آن ارزانی شده است به نثری نایل بشود که مورد غبطه سایرین واقع گردد؛ و ما به نوبه خود بتوانیم اگر لازم باشد دست دیگران را بگیریم و به آنها تا آنجایی که می توانیم مساعدت کنیم. اما از لحاظ امکاناتی که شما مردم این استان دارید لابد محتاج بذکر نیست که چقدر از لحاظ طبیعت خداوند مساعدت کرده است. این مساعدت خداوند را باید با بازوی شما مردان غیور و زحمت کش تکمیل کنیم و از آن بهره برداری کنیم و با عدالت اجتماعی که قبلاً ذکر آن شد حد اکثر بهره را به حد اکثر افراد برسانیم.

از مرتبه قبل که به این صفحات آمده بودم ترقیاتی در این شهر کاملاً چشم می خورد. شهر شامغیر پیدا کرده است و وسایل اولیه زندگی که مخصوص آب باشد به چشم می خورد که بجز الله تا حد تقریباً کاملی تأمین شده است.

این اقدامات باید تکمیل شود و به حد امکان برسد. انشاء الله وسایل امر بهم فراهم خواهد شد.

در قسمت فرهنگی و بهداشت نیز پیشرفت‌هایی کاملاً مشاهده می شود که در آن قسمت نیز روز به روز اقدامات تکمیلی انجام خواهد گرفت و اما درباره آئینی که شما دارید بنحط ای توجه کنید



در نزدیکی های شامچه خبر است ما همه شکر خدا را می کنیم که ما را تحت عطف و عنایت خود  
قرار داد و می توانیم با فراغ خاطر و نقشه ای صحیح به آینده نگاه کنیم و به آن امیدوار باشیم .  
پس همه در راه اعتلای وطن ، در راه عدالت اجتماعی ، در راه پیشرفت روزانه کشوریم و  
همه در بر قسمت مملکت دست به دست هم بدهیم تا به هدایای محدثس فی خود را به خواست  
خداوند هر چه زودتر به دست بیاوریم . این است که شما اهل این شهر که رابطه خاصی با  
خانواده من یعنی با اسم پدر من دارد جای مخصوصی در قلب من دارید . بگلی شما را به خداوند  
می سپارم و سعادت و نیکبختی بگلی را از درگاه احدیت مسلت می نمایم .



## سخن شاهشاه

دربانگاه افسران رضاییه

پنجشنبه پنجم بهرام ۱۳۴۱

افسران و درجه داران واحد های نظامی دور از مرکز و مرزی حساس بهواره مورد توجه مخصوص ما بوده و خدمات آنها مورد نظر است. سعی شده و در آئینده این سعی بیشتر خواهد شد که وسایل رفاه و آسایش افسران و درجه داران و خانواده آنها در این نقاط بیشتر تأمین شود. همچنانکه می بینید مثلاً از لحاظ مسکن وضع شما با خیلی بهتر از واحد های مرکزیست و از سایر جهات هم آنها اقیار بیشتر از شما دارند.

بهواره مورد توجه می باشد که وضع ارتش به تدریجی باشد که منطبق با وضع عصر و مقتضیات باشد تا بتواند وظیفه خطیر خود را که بهواره دفاع از مرز و بوم کشور و شرافت ایران و ایرانی می باشد انجام دهد. از آن جهت در نظر داریم در سازمان ارتش تجدید نظر نماییم و ممکن است از لحاظ نفر و تعداد آن کاهش یابد ولی از لحاظ وسایل و تکنیک و قدرت آتش قویتر از وضع فعلی ، بلکه چند برابر خواهد شد .



سوابق خدمتی و پرونده‌های شما با کمال دقت و بی نظری مورد رسیدگی و توجه است و ترفیحات و مشاغل حساس ناچار با بخش این سوابق و در نظر گرفتن خدمت و شایستگی افسران اده خواهد شد. و پست های عالیله محدود آرش هم به ممتازترین افسران سپرد می شود و در این مورد کمال دقت بعمل خواهد آمد که می توانید از این جهت الطمینان خاطر داشته باشید. در مورد صحت عمل و درگیری افسران و کادراتش توجه مخصوص داریم و خیلی سخت گیر خواهیم بود و داخلی در بر صحت م و درجه ای باشد تنبیه و مورد عقوبت قرار داده خواهد شد.

قطعا بعضی از شما اجازه نمی دهید که وضع کشور را در قبل از سوم حوت ۱۳۹۹ و حتی قبل از شهریور ۱۳۲۰ یاد داشته باشید ولی خیلی از حاضرین دیگر به یاد دارند که چه وضعی داشتیم. بطور خلاصه از مملکت فقط اسمی باقی مانده بود. در تهران فقط یک دبیرستان بود که آنهم هفت یا هشت شاگرد داشت. وضع فعلی را در نظر بسا و رید تا ترقی و پیشرفت انجونی درک نماید یا خود در آرش می بینید که افسران عموما تحصیل کرده هستند. افسران فرماندانی داریم که عالیترین تحصیلات نظامی را دارند بهترین دانشکده های جهان ا دیده اند که از هر لحاظ با افسران فرزند آرش های ترقی می توانستند برابری و همکاری کنند.





باید با اتکا به عنایات پروردگار بکشیم و جدیت کنیم وضع خود را مستحکم سازیم که بتوانیم در  
دنیا و امروزی، همچنان پابرجا بمانیم و سرنوشت ملت و کشور دیگر سستی به معجزه نداشته باشد.  
مطلب دیگر فقط به افتخارات گذشته و به امنیت وضع نسبتاً رضایت بخش فعلی نباید  
اکتفا کرد. باید به آینده بنگریم، و با کوشش و جدیت تلاش، وضعی در کشور پی ریزی شود که کشور و  
فرزندان مادر دنیا آینده بتوانند سعادت مند در میان ملل دیگر به حیات افتخار آمیز خود ادامه دهند. و  
پرچم استقلال ایران در بین پرچمهای ملل در آبهزار باقی بماند.

امروز تقسیم اسناد اطلاق در زیوه منطقه (مرکه ور)، را که منطقه حاصلخیز نیست چشم دیدیم  
و این منطقه خیلی بهتر و مستعدتر از آن است که شنیده بودم. متأسفانه در این اراضی زر خیز  
یک دخت چشم نمی خورد برای اینکه کاشتن درخت اجزا مالکیت می کند و عرض آن به همین  
ترتیب لذا گذشته مانع دخت کاری شده اند که رسوخ فخر ملک را به مغر مردم این دیار  
مانع شوند. مردم این مناطق با این آب و هوا زمین بیشتر مسول بستند. علت اجوای می شوم  
معلوم می شود که این مردم در دهنه بانی که قطعی یک سوراخ که به جای در و رودی دارد و پنجره و بیسج  
چیز دیگر ندارد زندگی می نمایند، و یا تغذیه صحیح ندارند. این وضع قرون وسطایی و تأسف انگیز



دیگر قابل و امانی باشد. باید از زمین برود، و با تقسیم رانچی که به بهبود بخشیدن وضع زیست  
توده مردم و زارعین داریم و اصلاحات ارضی که با موفقیت شروع شده تا ماییدات خداوندی  
در سر اسر کشور انجام و خاتمه خواهد پذیرفت قدم مهم برای رسیدن بدین منظور است .  
در مورد صنعتی کردن کشور طرهای مهم داریم که اجرا خواهیم کرد با ثروت انسانی و طبیعی و  
اقتصادی و استعدادی که خداوند متعال باین کشور ارزانی داشته با مجاهدت و لیاقت مردم  
شریف مملکت امیدواری هست که در اندک مدتی کشور ما وضعی را بنحود بگیرد که مورد تحسین و تحمید  
دیگران قرار گیرد و جایی را که شایسته آن است در جهان به دست آورد و سطح زندگی مردم  
بهبود کمال حاصل نماید و انشاء الله تعالی باین مقصد خواهیم رسید و هر کدام از شما هم در وظیفه ای که  
به عهده دارید باید جدیت و کوشش نماید تا گلی به نهضت مرقیانه ای که شروع شده بنماید  
به طوری که برای کشور های دیگر نیز نمونه و مدل باشد تا دین و جدانی و ملی خود را داد و بالاخره برای  
نسل آینده، ایران آباد سعادت مند و مرقی باقی بگذاریم .



## سخن شاهشاه

دبیریز

ریشنبه دهم مهراه ۱۳۲۱

مردم غیور و عزیز و شریف تبریز؛ از دیروز عصر که قدم به شهر تاریخی شما گذاشتم ام  
در تحت تاثیر استقبال و احساسات شما قرار گرفته ام. در ۱۳۲۶ که مرتبه اول در زمان سلطنت  
خودم پس از اینکه مملکت ایران و استان آذربایجان از آن وضع مخوف و چیزی که آیسند  
مملکت را تهدید می کرد نجات پیدا کرد شما مردم این شهر و انالی آذربایجان نسبت به پادشاه  
خودتان، کسی که گفته بود حاضر است دستش قطع بشود ولی سند ضحلال و پاشیدگی ارتش  
ایران و خیانت این مملکت را امضا کند، و کسی که مطابق وظیفه سلطنت و فرماندهی قوای  
این مملکت در رأس قوای خودش برای پاسخ دادن به احساسات درونی شما هر نوع خطری را  
نذیده گرفته و هر نوع آیسند اسی و لو مخوف را استقبال می کند برای انجام همان وظیفه و  
در اهتزاز نگاه داشتن پرچم استقلال و تمامیت ارضی و ملیت ایران شما مردم در آن زمان  
چنان استقبال احساساتی به خرج دادید که گفته می شد استقلال ایران محفوظ ماند و این



استقبال شما بهترین ضامن ادامه حیات ملی این مملکت تلقی شد و به آن استقبال اسم  
استقبال تاریخی دادند؛ ولی می خواهم بگویم که مظاهری که از دیروز بعد از ظهر تا به حال از  
طرف شما مردم قهرمان در نشان دادن احساسات خود به من نشان داده اید اگر بیشتر از  
آن دفعه نباشد، مسلماً به همان هیجان و پرشوری است. چرا؟ از لحاظ انجام وظیفه ای  
که مطابق سنن و سوابق تاریخی یک پادشاهی نسبت به شما برای حفظ شما و استقلال شما داد  
است البته این وظیفه را ادامه دادیم. ولی شخصاً فکر می کنم که این شور و هیجان شما  
اضافه بر آن حلال پیش گفته دلایل دیگری دارد و آن این است که من و شما یک شکل فکر  
می کنیم و قلب ما یک آهنگ ضربان دارد. به واسطه این رابطه قلبی و روحی خداوند  
خواسته است که من بتوانم خواسته های تحقیقی آمال و آرزوهای شما را درک کنم و پیش بینی  
کنم و همیشه بجهت خداوند چه قدمی از جبر تاریخ و احتیاجات اجتماعی به جلو باشیم که همین باعث  
این بشود که ملت ایران و مملکت ایران در این دنیای آشفته در امن و امان بماند و از لحاظ  
اجتماعی به کارمانی که لازم است دست بزند و در میان ملل راقیه دنیا ما بتوانیم جای  
خود را باز کنیم؛ حفظ کنیم و اسم خود را بگذاریم؛ و مملکت را به نسل های آینده تحویل دهیم.



این پیش‌بینی‌های اجتماعی در هر رشته‌ای انجام می‌شود و خواهد شد. بدین  
رساندن عموم ملت است به آمال خود و به یک سطح زندگی اجتماعی که مطابق  
شئون ملی باشد چه طبقه امروز اکثریت ملت را تشکیل می‌دهد؟ آن امروز و ناساها  
آینده طبقه دهقان و کشاورزان است.

اقداماتی که انجام می‌گیرد آن است که این طبقه زحمتکش و نجیب و قانع در مرحله  
اول حسن شرکت در اجتماع ایران را بگذرد و از هر لحاظ چه روحی و چه مادی آزاد باشد و  
به این جهت دبستگی بیشتری به کار و زندگی خود پیدا کند؛ و شالوده اقتصاد صحیح و سالم  
ملی ما را با دسترنج کار و فعالیت خود مستحکمتر بنماید و در این راه اطلاع‌دارید که چه قدمهایی  
برداشته شده است.

خاطرم هست موقعی که از مسافرت آذربایجان در ۱۳۲۶ به پایتخت برگمی‌شتم  
در صف مستقبلینی که برای پیشوا آمده بودند گفتم که برای من سلطنت بر یک مردم محروم  
و یا خدای نخواسته فقیری افتخار ندارد. چه کردیم بعد از آن؟ اولین کاری که شروع  
کردم، نقشه تقسیم اراضی املاک موروثی خود من بود که بجهت این کار خاتمه پیدا کرده



و غیر از آن جان طوریکه اطلاع دارید با وقف نمودن درصد دارائی شخصی خود به ملت ایران  
خواستم که نشان به رسم که یک فرد بشخصه چه می تواند بکند؟ در زندگی من جان طوری  
که اطلاع دارید دنبال نستم. دنبال جاه ارتخت سلطنت بالاتر که چیزی نیست ولی نه  
تخت تفرعن و بخت ولی تختی که جایگاه آن بر قلب شامت قرار داشته باشد ولی دیدم  
که اقدام شخصی برای مثال و نمونه کافی نیست. این است که در مرحله اول درصد آن  
برآمده ایم که املاک خالصه در میان مردم کشا و رز آن منطقه تقسیم شود بعد آن اقدام را  
نیز کافی ندانسته لایحه اصلاح قانون اصلاحات ارضی را تنظیم کرده و به مرحله عمل قرار  
دادیم. این کار به سرعت ادامه خواهد داشت و سیر عادی و تکاملی خود را خواهد کرد  
و عمقیرب اکثریت عظیم ملت ایران از مواهب آن برخوردار خواهد شد.

اجتماع ایران را طبقات دیگری نیز تشکیل می دهند. طبقه شریف و رجسکش کارگر  
ایران. برای این طبقه نیز مایل هستم که آخرین پیشرفتمای اجتماعی و مقرراتی که متداول  
هست به نسبت کار و فعالیت و اطلاع و تخصص این مادی کاری که انجام می دهند سود  
و عواید کافی را تحصیل بکنند. قوانین کار و بیمه های اجتماعی مترقی وضع شده و خواهد شد



و همچنین پیش بینی های دیگر .

برای هر طبقه مملکت در حدود اصل عدالت اجتماعی که پایه و اساس سیاست اجتماعی ما را تشکیل می دهد اقدام شده است و خواهد شد . جمیع این اقدامات امیدوارم بزودی پایه اجتماع ما را بر بنای مترقی ترین پایه های اجتماعی قرار دهد ، و ملت ایران که محض آزادگان بوده است بتواند در دنیای امروزی در هر نوع رشته ای رقابت نموده و سر بلند و سرفراز به زندگی تاریخی خود ادامه دهد .

خداوند ثروت های معنوی که آن وجود ملت با استعداد ، ملت با پیشرفت و ملت نجیب و زحمتکش از یک طرف ، و از طرف دیگر ثروت های طبیعی سجد و فور و تا اندازه خیلی زیادی دست نخورده به ما ارزانی فرموده که استفاده از آن ثروتها به وسیله آن ملت مستعد و طیفه و کار آینه ما خواهد بود .

برای استفاده از این ثروت های خداداد و وسایل آن اول مغز های مستعد و بازان توانای شما لازم است که برای دادن تخصص به افراد شرکت کننده در این زندگی جمعی مدارس کافی و تخصصی و حرفه ای لازم را باید پیش از پیش ایجاد کنیم . به کام این اقدامات



اقدامات اصلاحی، اداری و عمرانی مملکت باید انجام بگیرد؛ زیر بنای مملکت باید ساخته بشود؛ راهها، راه آهنها، بنادر، فرودگاهها، لوله کشیها، تأمین آب آشامیدنی و زراعتی مملکت، و هزارها اقدامات دیگر که یاد جریان است و یا روز بروز به مقیاس بزرگتر و بیشتر و با سرعت بیشتری در جریان خواهد بود ما را به هدف مطلوب خواهد رسانید. رمز بقای ما در طول تاریخ اگر روی وطن پرستی ذاتی ملت ایران بود. اگر روی حس میثت و عظمت گذشته بود ما به این رمز اقدامات اجتماعی و مترقی امروزه را اضافه می کنیم که قدرت و استحکام و آینده ایران پیش از پیش و چند برابر هر موقع دیگری تضمین شده باشد. یکی از لوازم امروزه این اقدامات آن است که ملتی به رشد اجتماعی لازم می رسد، آن ملت قادر است که کارهای روزانه و چیزهایی که مربوط به زندگی خودش است بتواند یا مستقیماً اداره بکند یا نظارت کند.

ما این کار را از ده شروع می کنیم، وسیله انجمن دهات از شهر شروع می کنیم به وسیله انجمنهای شهر، از شهرستان ادامه می دهیم؛ به وسیله انجمن شهرستان؛ به ایالات می رسانیم؛ به وسیله انجمن های ایالتی، عدم تمرکز کارها از پایتخت، و متحول کردن آن به استانی و شهرستانها





دشمنان و دانات و روستاها، از سیاست های قطعی و حتمی آینده ما آینده نزدیک ما خواهد بود. پس شما مردم هر روز خودتان را برای شرکت بیشتر و دست گرفتن این نوع کارها آماده کنید. از لحاظ تربیت اجتماعی روز بروز کوشا تر باشید؛ از لحاظ ترکیب اجتماعی روز به روز مسلط تر باشید. دفاع از منافع خودتان را دفاع از منافع عموم بدانید و در این راه بکوشید و بنحوا بیدار باشید. چون خواست شما مسلماً خواست ملت و به صلاح منافع جامعه ایرانی تمام خواهد شد.

مسئولین و وظیفه های غیر از خدمت به شما و انجام کارهایی که به نفع شما و برای رفع مشکلات و گرفتاریهای شماست و وظیفه دیگری ندارند در این راه هم ما را قنوت دائمی خواهیم کرد و هم شما ناظرید و با و سائلی که ذکر کردم در واقع کار در تحت اختیار شما خواهد بود. پس باین آینده ای که برای همه ما مجتمعه شده است اضافه بر افتخارات گذشته و سنین ملی، ما خواهیم توانست همه با هم با یک روح در میلیونها بدن و یک ضربان قلب در میلیونها قلبهای امالی این مملکت به سوی آینده با سر بلندی و با افتخار تمام مردانه و شجاعت و محکم قدم برداریم و برسانیم مملکت خود را به آن نقطه ای و به آن مقام و منزلتی



که همه مادران قلب خود آرزوی آزادی کشیم .  
در این راه همه شمارا به خداوندی سپارم .



## سخن شاهشاه

در باشگاه افسران تبریز

جمعه نیزدوم مهرماه ۱۳۴۱

در طی این مسافرت چندین دفعه موقعیتی دست داده است که بتوانم حضوراً با افسران ارتش و خانواده آنها تماسی بگیرم و کلماتی در خصوص وظایف آنها و بخصوص در خصوص وظایفی که همه ما در راه اعتلای این مملکت داریم ادا کنم.

از موقعیت باید استفاده کرد و غیر از تذکر و وظایف معین در عین حال ساده و روشن سر بازی خارج شد و باشما که گنبدان استقلال و حافظ نوایس مملکتی و سنن باستانی و افتخارات گذشته مملکت هستید راجع به مملکت خودتان هم صحبتی داشت. امروزه اضافه بر وظایف سر بازی که دارید و آنهم شما که در این نقطه حساس هستید باید خاطر نشان کرد که بدفحای مملکتی و ملی ما چسبیت تا حدی تکرار مکررات خواهد بود. چون لابد این نوع اظهارات را قبلاً هم به کرات شنیده اید ولی فکرمی کنم که ذکر این مطالب هیچ وقت زائد نیست و هر چند تکرار بشود یادآوری خوبی است چون مطالبی است که گمان می کنم همه نسبت به آن



مقصد باشیم و هیچ کس، هر چه در دست تکرار بشود از شنیدن این مطالب خسته نمی شود. موضوع اینست که بنحواست خداوند برای ما امکانات زیادی هست که بتوانیم با ثروت انسانی که داریم از ظرفی و باثروت های طبیعی و خدا دادی که داریم از ظرف دیگر مملکت خود را بر بنیان صحیح که از لحاظ اجتماعی بر بنیان عدالت و از لحاظ فنی مطابق آخرین اسلوب و از لحاظ وجدانی مطابق پاکترین نیات و از لحاظ اداری نیز بر روی اصول اداری صحیح و بعد اثناء بر روی لیاقت و شایستگی و برجستگی افراد قرار بدسیم هر کدام از این مطالب بحث مفصلی دارد که شاید از حوصله صحبت نامی امشب خارج باشد ولی ما چاره ما با اختصار شده ای از آن بیان کنیم.

در قسمت عدالت اجتماعی ما پس از اینکه متأسفانه مملکت ما را دچار اختلالاتی شد و حیثیت ما متأسفانه خوب یاد ما هست که در همین مدت سلطنت خود ما لاقلاً سه مرتبه در معرض خطر مملکت محو و نابودی قرار گرفت و شاید حقیقتاً معجزه ای ما را نجات داد. کلزمن، نیت من اینست که کار ما فقط به معجزه بسگی نداشته باشد کسی چه می داند شاید یک روزی آن معجزه به وقوع نپیوندد. ما نمی توانیم کار مملکتی خود را فقط و فقط صرفاً به تقنا و قدر بسپاریم هر چه در کلیمان



داریم همیشه توجهات الهی شامل حال این مملکت بوده است که عقیرب ماجشن و دهنر و پانصد ساله  
شاهنشاهی این مملکت را خواهیم گرفت ولی اگر قدری تاریخ را مطالعه کنیم در عرض این دو هزار و  
پانصد سال متأسفانه نیشب و فرازهای زیادی می بینیم که چطور این بزرگترین امپراتوریهای  
دنیا فقط بر روی جانشینی و لشکرکشی بنا نهاده نشده بود این امپراتوری بزرگ بر روی اساس  
صحیح تشکیلات اداری، روی مدنیت، روی تاریخ، روی ادبیات، روی بنیان مملکتی قرار  
داشت.

پس چطور تاریخ شاهنشاهی عباسی بود که حتی موقعی یکی از سلاطین در شهر اصفهان  
پایتخت خودش دچار محاصره عده انگشت شماری قرار گرفت و حواس خود را گم کرده مدتی  
مملکت را دچار یک گرفتاریهای بی حد و حصری نمود بگذشته مان و بخصوص با امید نایی که بآینده داریم  
این دستگاه از لحاظ اداری و روحی و اخلاقی و علمی باید بهترین و جوی اداره بشود و مجرب باشد  
و باز همانطوریکه در چندین مرتبه اینها را موظف می کنند که شالوده خود را امروز بر روی اساسی  
قرار بدیم که هیچ وقت این قبیل اتفاقات برای ما پیشا نماند.  
ما دیگر تن به قضا و قدر نمی توانیم بدیم. مثالهایی است معروف. شاید فقط در زبان ما



نباشد در زبانهای دیگری هم هست که می گوید؛ شرط عقل اینست که در مقابل مخاطرات و شدائد انسان سرش را خم بکند و بگذارد که آن توفان بگذرد و بعد دو مرتبه قدم بگذارد. شاید این در گذشته در جایی که جنگها محدود بود یا تن به تن بود یا در یک منطقه خیلی محدودی به وقوع می پیوست می شد اما نایک چنین چیزی را قبول کرد و فکر کرد که به فرض یک شکست موضعی و موقتی یک طغی می تواند قدرت بکند ولی امروز موضوع شکست در میدان مبارزه رزمی نیست؛ امروزه وجود نبود ممالک و ملل و اقوام و بالاخره تاریخ آنها و حیات آنها نقطه دیدان جنگ معین نمی شود، بلکه سرنوشت در اساس جماعتی ملل پایه ریزی می شود و به دست تمام افراد ملت نگهداری می شود؛ و البته اگر لازم باشد که خدا البته آن روز را برای هیچکس نیاورد در آخرین مرحله اگر لازم باشد به وسیله قوای مسلحی حفظ می شود.

این شاووه ای که ما باید بریزیم بر اساس مبنای عدالت اجتماعی است با آن قسمت دومی که گفتیم یعنی از روی اصول فنی و این کاریست که ما بسم الله شروع کردیم و چیزی که جای خوشوقتی است اینست که در این راه توانستیم همیشه قبل از اینکه مجبور باشیم قبل از اینکه به ما تحمیل شود و این تحمیل به شکل و صورتی باعث مضرات فوق العاده ای می توانست شود



که در صورت مثلاً تحمیل از طرف غیر ایرانی ممکن بود منجر به اصطحلال کامل استقلال مملکت بشود. این عدالت اجتماعی که صحبتش را می‌کنسیم و خاطر ماست که برای مرتبه اول در ۱۳۲۲ این مطلب را عنوان کردم کم و بیش با آن آشنا هستید. یعنی قوانینی، مقرراتی باشد که اکثریت مردم این مملکت از آن برخوردار باشند و بزبان همان مردم باشد در سال ۱۳۲۲ که این مطلب را عنوان کردم ما صحبت از پنج اصل کردیم که این اصول لااقل باید در مملکت رعایت شود که هر کسی از دسترنج کارش بتواند این اصول را برای خود و خانواده‌اش تأمین بکند و آن موضوع غذا، غذای کافی، مسکن، لباس و پوشاک، فرهنگ بهداشت بود. در این راه قدمهایی برداشته شده چیزی که غالب توجه است اینست که ما باید به طبقاتی که این ملت را تشکیل می‌دهند نظری بکنیم. بنیم اینها کی هستند می‌بینید که اکثریت اینها رازعین مملکت تشکیل می‌دهند که دیدید و اطلاع دارید که راجع به اینها چه تصمیماتی گرفته شده و لابد می‌دانید که کار ما اینست که بهترین راهی که ممکن است و این مکان نمی‌کنیم مبالغه باشد راهی که ممکن است این طبقه از مردم را از طرفی آزاد. از طرفی مرفه و به آتیه خوشبین کنیم اتخاذ شده است و این کار را ما موفق شدیم که بدون خست‌لال. بدون خونریزی بدون



اینکه اجتماع ما دچار تزلزل و مخاطراتی بشود، در عرض مدت کوتاهی بانستی سچی که خوشحانه کار رضایت بخش است به مرحله اجرا بگذاریم و یکی از تحولات عمیق اجتماعی و تاریخی را در مملکت خودمان به مورد عمل بگذاریم. این یکی از مبانی عدالت اجتماعی بوده و از اینجا شروع کردم چون مربوط می شود به اکثریت مردم این مملکت و قوه فعاله مملکت و اینکه وقتی این قوه فعاله آزاد شد به نوبه خود بقدری تحولات دیگری بوجود خواهد آورد که از حال پیش بینی آن مشکل است. ولی ضمناً می شود پیش بینی کرد و آن اینست که تمام چرخهای فعالیت این مملکت نسبت به ارتباط با این موضوع به سرعت به جریان خواهد افتاد راجع به طبقات دیگر هم به کرات صحبت کردم. طبقات کارگر مملکت است؛ مستخدمین اداری مملکت هستند؛ سایر مردمی که اجتماع را تشکیل می دهند. برای تمام اینها به نوبه خود مقرراتی وضع شده است یا می شود که از همان اساس عدالت اجتماعی برخوردار باشند و آنها هم در اجتماع مملکت هم کار مطابق اجتماع امروزی ترقی دنیا پیش بروند و باز به نوبه خود به نسبت خود در گرداندن چرخ مملکت چه از لحاظ اقتصادی و غیره عالی بسیار مهم و موثر قرار بگیرند. مجبورم صحبت را در این اطراف کوتاه کنیم. برای اینسکه





طولانی است، و برپا از م به دستگابی که شما افسران گرداننده آن هستید.  
بنای کار ما اصولاً در دفاع از استقلال مملکت و آزادی خودمان، و تا بیخ گفته ام  
این در اختیار ما هست و خوشوقتم که می بینم هر روز بر گروه و زمره افراد تحصیل کرده عالی مقام  
ارتش ما زیاد می شود؛ و اصلاً طرز فکر، طرز برخورد آنها با مشکلات بجلی با گذشته فرق  
کرده است و شخصیت نظامی و فردی پیدا کرده اند که این خودش یکی از بالاترین هدفیابی  
است که می شود به آن رسید. این شخصیت فردی و علمی و نظامی را ما روز به روز باید تقویت  
بخیم و فکری کنیم این شخصیت اضافه بر زحمتی که فرد فرد شما به نوبه خود میکشید به حالت  
اجتماع موقعی به حد اکثر بجلی خود خواهد رسید که دستگاه شما اساس و بنایش بر روی  
پاکدامنی، وظیفه شناسی و ضمناً لیاقت، و از لحاظ دستگاه اداری بر بنای بی نظیری بیطرفی  
نسبت به همه قرار داشته باشد.

موانع مختلفه زیادی در سر راه همه هست که از هر کدام از این موانع دانه دانه باید  
گذریم. این موانع بیشتر جنبه تحصیل دارد. دوره های مختلفی هست که باید ببینید؛ و بعد  
امتحان و لیاقتی است که در فرماندهی های مختلف که به شما محول می شود باید از خود بیخبر



بدید: و تمام این موانع و مشکلات برای آنست که حقیقت بر جبهه ترین شما در کمال مساوت  
با شرایط مساوی بتواند خودش را به دستگاه فرماندهی ارتش و بالاخره به شخص من از طرق مختلف  
نشان بدهد. در این راه قدمیابی برداشته شده است ولی بخصوص در آتیه وقت بیشتری خواهد  
شد، و آآن مشغول بیک تغییر و تبدیلیاتی هستیم که به رسیدن باین منظور ملکت خواهد کرد. و  
اضافه بر اینکه ماسعی می کنیم این مطلب را به همه تفهیم کنیم و از طرفی سعی می کنیم که فرماندهانی  
برای شما انتخاب کنیم که آنها همین سیاست را دنبال بکنند. شخصاً نیز هر وقت که فرصتی بدست  
بیاید سعی می کنیم که با کارهای شما و کسانی که حال و چه دیانده و ارای مسؤولیتهای بزرگ نظامی  
خواهند بود از نزدیک آشنا شوم. به طرز کار شما، به طرز فکر شما، به شخصیت شما، برای اینکه  
بعداً که بطور قهری و طبیعی اگر آآن درجات شما کوچک باشد حتی بتوان باشد، بالاخره  
روزی به مناصب عالی این ارتش خواهید رسید. هر چه قدر در این راه بکوشیم شپان نخواهیم بود  
امید داریم که به چووقت مملکت احتیاج به آن فداکاری آخری شما نداشته باشد که امتحان  
بدید که چطور به سولگندی که یاد کرده اید وفادار هستید. این آرزوی من فقط برای ارتش ایران  
نیست این آرزوی من برای همه مل دنیا است. آرزوی ما، دعای ما. اینست که همیشه صلح



بر جهان مخفی باشد و در این راه اقداماتی بشود که اصل خطر از بین برود و مل بتواند در یک  
روح بر ادی، و اگر رقابتی با هم دارند این رقابت در راه مسالمت آمیز باشد. در راه  
خلاقه باشد. در راه آبادانی باشد. بالاخره پیش نیاید، ولی تا آن روزگان می‌کنم بهترین  
ضامن حفظ صلح این باشد که برای ممالک آزاد که صلح را حاضر باشد که دفاع بجند،  
بچ خطری بالاتر از این نیست که یک طتی آماده دفاع نباشد. برای اینست که خود آن یک نفع  
دعوتی است به تجاوز. این دعوت من می‌توانم بگویم و مسلماً از طرف همه شامی تو انم بگویم  
که این دعوت را ما به دست خودمان نخواهیم نوشت. پس هر چه در دستم تر باشیم، حاضر تر  
باشیم، این خطر کمتر خواهد بود تا انشاالله روزی برسد که اصلاً این خطر در دنیا وجود نداشته باشد.  
این چیزهایی که ما از شامی خواهیم که هر روز آماده تر باشد هر روز از بحاطط علمی روحی  
و اخلاقی و روحیه مجتهد تر باشد در مقابل باید وسیله کار و زندگی هم به شما داده بشود. وسیله  
زندگی توانسته ایم در بعضی از واحدها، در بعضی از لشکرها، تا حد و در زیادی فراهم کنیم. در همین مسافر  
آذربایجان موقعیت پیش آمد کرد که از چندین واحد، از چندین لشکر، از چندین گروه زنی  
بازدید کنیم که خوشبختانه کاملاً از بحاطط زیست و زندگی و تعلیمات مجتهد بودند و سعی ما در آتیه این



خواهد بود که ما بتوانیم این وسائل را نشاء الله در تمام پادگانها فراهم کنیم . موضوع زندگی موضوع پُراهمتی است . البته می شود گفت که یک نفر نظامی کسی است که در سخت ترین شرایط می تواند زندگی بکند یا باید زندگی بکند . ولی این سخت ترین شرایط تا چه حد می تواند طولانی باشد . در زمان جنگ که صحتی از آن نیست ولی در زمان صلح و قیظ فرما ندی اینست که از لحاظ روحیات همانطوری که تعالیم و تاریخ گذشته و حال آینده و پیش بینی آینده را می گوید و روحیه افرادش را بالایی برد روی آرمانهای ملی شرط عقل اینست که وسیله زندگی افرادی که باید این وظایف را انجام بدهند ، به حد ممکن فراهم شود و انشاء الله در این راه قدمهای دیگری برخواهیم داشت و به تلاش خود ادامه خواهیم داد .

از لحاظ وسائل ماکز کردیم که در تیه کردن تجهیزات ارتش یا انسان باید تمام تلاش را مصرف این کار بکنند ، تمام ثروت طیش را شاید آنها تازه کافی نباشد حتی باقرن درصد تیه اسلحه لازم باشد که آن را فکر کردیم که مقرون به صلاح و مصلحت نیست . ما فکر دیگری کردیم و آن اینست که از لحاظ سیاست مملکتی طوری قدم برداریم و طوری قیاف



بکنیم که تا حدی تضحیاتی داشته باشیم که در موقع خطر تنها باشیم و بهین جهت این سیاست به ما اجازه داده است که در راه نگاهداری ارتش خودمان، در راه تسلیحات ارتش خودمان تقریباً دیناری از جیبی که الآن صرف آبادانی، صرف پیشرفت مملکت، بیمارستان راه، راه آهن، و صرف ساختمان مدرسه، صرف ساختمان درگاه، صد تا یا هزارها پروژه های کوچک بزرگ دیگر که از حوصله صحبت امشب خارج است بکنیم و ثروت ملی خود را در این راه خرج کنیم سطح زندگی مردمان را بالا ببریم. مردمی که سطح زندگیشان بالا رفت و از زندگیشان راضی بودند و در زناه و آسایش زندگی کردند اینها هر که ام فرد فردشان یکت فداکاری خواهند بود که در راه حفظ مملکت کوشا خواهند بود و مصمم و متعهد خواهند بود. معذامی شود گفت تا حدودی وسائلی که ما الآن داریم برای انجام امورتهای کاملاً دفاعی تا حدی رفع مضیق می کند ولی مادامی که در صد و بیست و هشتاد و یک سازمانهای نظامی خودمان هستیم. تسلیحات جدیدی خواهیم داد و امیدواریم که آن چیزی که برای ما باقی می ماند از حاله شما بگویم ارتش ما از لحاظ نفرات کوچکتر خواهد شد ولی روز بروز فنی ترمی شود و امیدواریم آن چیزی که برای ما باقی می ماند قابل استفاده تر



باشد چون اساس سیاست ماصرفاً و فقط و فقط تدافعی است اینست که ما این سیاست را  
بہتر تشخیص دادیم تمام قدرت و ثروت ملی خود را در راه آبادانی مملکت صرف کنیم.  
و اما این مسافرت ما بہ خطہ آذربایجان، این انسان عزیز و شریف مملکت دارد  
رو بہ اتمام می رود. فردا بہ سمت سراب و اردبیل حرکت می کنیم. بعد از یکی دو روز این  
خاک را ترک می کنیم ولی باید بگویم کہ حقیقتاً با امیدواری بیش از پیش من از این مردم  
موتقاً و داعی می کنم تا دیدار آتیہ برای اینکہ چیزی کہ مشاہدہ کردم از طرف مردم کپاچی  
یک رنگی، احساسات عظیم در ایرانیست، در حفظ ملیت، در حفظ تمامیت، و همچنین امیدواری  
فوق العادہ ای نسبت بہ آتیہ، نواقصی بود و بہت. مسلماً تا مدتہا خواهد بود و ہر جامعہ ای  
کامل نیست ولی ما این اطمینان را داریم کہ در راه جامعہ مترقی ترین قدمهایی کہ  
می شود برداشت حتی باز بہ قول خود ہمیشہ ما چندین قدم جلو تر از جبس زمانہ و  
تقاضای روزگار هستیم و این بہترین ضامن حیات اجتماعی ماست. در این راه  
قدمای فوق العادہ امیدبخشی برداشته شدہ تقابص را باید بر طرف کنیم، باید یکی در این راه  
بکشند ولی از طرف دیگر چیزهایی کہ خیلی باعث خوشوقتی است مشاہدہ شدہ اضافہ بر



قیمت‌های نظامی که خوب روی اصل انضباط و غذاکاری افسران و افراد و درجه دارهای ما با کمال نظم و ترتیب پذیرفت می‌کند چیزی بیشتر جلب توجه کرد بعد از اشتیاق مردم و ذوق مردم و احساسات مردم اضافه باید کنیم که همه ادارات سعی خودشان را می‌کنند هیچ تردیدی نیست خیلی ما دچار مضیقه مالی هستیم که اگر آن مضیقه نبود بهتر از این کار می‌کردند ولی باید گفت جایی که تقریباً به چوخت مورد ایراد واقع نمی‌شد و بلکه همیشه مورد تحسین واقع می‌شد تکیلات شیر و خورشید ایران بود که شما که در تبریز هستید نزدیک شما هم هست دیدید که اینها چطور کار می‌کنند افراد و لوزی سر این کار هستند و ارزش هم اصولاً همکاری نزدیکی دارد با این دستگاه ولی خیلی باعث حقیقتاً خوشحالی بود که این مردم چطور با لوزی کار می‌کنند و بخصوص نتایج فوق العاده و نشان و نیکی‌های از زحمات خودشان گرفته‌اند.

چیزهای دیگری که باعث امیدواری هست ارتباط‌های این استان است چه با داخل مملکت و چه به زودی با ممالک دیگر، اروپا؛ دستگاه‌های فنی همه جا تا جایی که بود جانشان تأمین شده باشد خوب بوده است و امیدوار هستیم که این ترتیبات



تازه اول کار باشد .

این صبح عظیم اجتماعی و اداری ما که پس از اسکالات زیادی به کندی و به اشغال  
بگرددش درآمد دیگر در جاده خود افتاده باشد و هر روزی ، هر ساعتی ، با سرعت بیشتر ، با  
قدرت بیشتر به چرخش درآید و همه در حیات خود مان توانیم نتایج این کار ما ، این برنامه ما  
این زحمات که همه تان می کشید ببینیم و یک مدتی هم از تمام این موفقیتها و پیشرفتها در  
عمرمان لذت ببریم و از کار انجام شده خوشوقت و به هر صورت همیشه نسبت به پروردگام  
و در درگاه او شکر گزار باشیم .





## پیام شاهنشاه

به مناسبت شایسته نگاره پزشکی خاورمیانه

یکشنبه پانزدهم مهرماه ۱۳۴۱

تشکیل گنجره روزهای پزشکی خاورمیانه و خاور نزدیک که با شرکت نمایندگان ایران و چندین کشور دیگر برای اولین بار در تهران صورت می‌گیرد مایه خوشوقتی است. وجود این مجمع علمی فرصت مناسبی به دست می‌دهد که با تبادل نظرهای لازم درباره مسایل پزشکی و بهداشتی به ایران و سایر ممالک این منطقه از جهان این مسایل بصورت دقیق تر مورد مطالعه قرار گیرد و راه حل‌های بهتری منطبق با شرایط و عوامل خاص این مناطق و بر اساس تجارب علمی پزشکان و کارشناسان طبیبی خود این کشور حاصل شود.

توجه به مسایل پزشکی و بهداشتی همواره از سنن و مختصات تمدن ایران بوده است. در لوحه ای مصری که هم‌النون در موزه ناپل است پزشکی مصری شرح می‌دهد که چگونه وی از طرف داریوش شاهنشاه ایران مأمور شده است که دانشکده طب مصر را برای تعلیم اصول پزشکی و تربیت اطباء در این کشور تأسیس نماید. در زمان ساسانیان بطوریکه همه می‌دانند دانشگاه بزرگ



جندی شاپور در نزدیکی شوش بزرگترین مرکز طبی عصر بوده و استادان متعدد ایرانی و یونانی و هندی و مصری در آن پیشرفته ترین اصول طبی آن دوره را تدریس می کردند. بعد از ظهور اسلام نیر اُستادان طب همین دانشگاه بودند که به بغداد رفتند و مکتب طب اسلامی را در دارالعلم این شهر بنیاد نهادند و بعد از آن را در نظامیه معروف بغداد تکمیل کردند. این نکته نیز لازم به تذکر نیست که بزرگترین کتب تعلیمات طبی در دارالعلم های غرب و شرق در طول چندین قرن و حتی تا قرون معاصر آثار ابن سینا و رازی بود که غالب آنها از همان قرن اسلامی به زبان لاتین ترجمه، و در سراسر اروپا منتشر شده بود. بر پایه سابقه ای چنین درخشان استوار سنن علمی و مخصوصاً پزشکی رجا، واثق داریم که در حال حاضر نیز پزشکان ایرانی با یاری همکاران خود در سایر کشورها این تلاش پر افتخار را در راه خدمت به معطم و به پیشرفت آن ادامه دهند و کشور ایران را به پیروی از سنن چند هزار ساله، کماکان در یک نوع فعالیت طبی و بهداشتی نگاه دارند.



## پیام شاهشاه

به مناسبت فرسازمان مل

چهارشنبه دوم آبان ماه ۱۳۴۱

امروز که هفدهمین سال تأسیس سازمان مل متحد فرارسیده مسرت خود را از حسد ماتی که این سازمان علیرغم مشکلات گوناگون در راه حفظ صلح و امنیت بین المللی می نماید و موجبات آزادی و استقلال بسیاری از مل عالم را فراهم کرده می کند ابراز می داریم و آرزو می کنیم که در آینده نیز در تعقیب اصول و هدفهای منشور مل متحد پیش از پیش توفیق حاصل نماید .

مساعی سازمان مل متحد در سال گذشته در زمینه رفع اختلافاتی که صلح را در جنوب شرقی آسیا تهدید می کرد قابل تقدیر، و استقلال چند کشور نو بنیاد بخصوص کشور بنگلادش با جزایر و رودشان به سازمان مل متحد، مایه کمال خوشوقتی است . امید داریم در بحث های سازمان مل متحد اختلافات و کشمکش های فتنه ای به تفاهم و اعتماد متقابل بشود تا در یک محیط مساعد موجبات حل مسایل بزرگ بین المللی از قبیل مسئله خلع سلاح، و منع آزمایشهای اتمی، فراهم شود و سازمان بتواند با فراغت خاطر مساعی خود را بیشتر صرف کارهای عمرانی و رفاه مردم جهان و استقرار عدالت اجتماعی نماید و در



زمینه‌پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگ‌های کشور‌های در حال توسعه کام‌های بزرگ‌تری

برورد.

با اظهار رضامندی از خدمات جمعیت ایرانی طرفدار سازمان ملل متحد تا گیدی نمایم که  
اعضای این جمعیت بکامان نسبت به ترویج اصول و مقاصد منشور ملل متحد و جلب افکار عمومی  
در پشتیبانی از این سازمان و مؤسسات تخصصی آن سعی و اہستام نمایند.



## سخن شاهشاه

درس اسم چهارم آبان خطاب به بیات نیران

جمعه چهارم آبان ماه ۱۳۴۱

از تبریکات آن منون بهتم. لابد تا بحال خیلی از شما بار و حیات و طرز فکر من از نزدیک آشنا شده‌اید. هر چه هست همان است که چه در صحبت های خودم و چه در کتاب خودم نوشته‌ام. ما با کمال خلوص نیت و عقیده به دنبال بدنی محین پیش می‌رویم. البته نقشه عمل در طول زمان و با تجربه های تازه و یا بر اساس تغییرات و احتیاجات فرق می‌کند ولی اساس تا موقعی که خداوند بخواهد این است که خوشیم تا انشا الله مملکت ما بد انجایی برسد که استحقاق و لیاقت آن را دارد. من انتظار دارم که در این راه هر کسی چه وزیر دولت باشد و چه هر کار دیگری داشته باشد، حد اکثر تلاش خود را بکند. ما وقت زیادی نداریم که از دست بدهیم. البته خواست خداوند هر چه باشد همان خواهد شد. ولی خداوند تا آنجا که لازم است به ما آزادی عمل اعطا فرموده است، و بنابراین ما نباید وقت و فرصت را از دست بدهیم.



## سخن شاهشاه

در مراسم سلام چهارم آبان خطاب به مدیران جراید و مطبوعات

جمعه چهارم آبان ۱۳۴۱

از تبریکاتی که از طرف جامعه مطبوعات گفتید ممنومم. همانطور که متذکر شدید اصلاحاتی که اکنون در مملکت ما در دست اجراست کارهای اساسی است زیرا ما اکنون در جریان تغییر و تحول عمیق وضع اجتماعی ایران هستیم چنین تحولی در طول سه هزار سال تاریخ مابقی سابقه بوده است. ما امید داریم اساس این تحول عمیق اجتماعی بر عدل، انصاف و عقل و رشد و منطق تطبیق وضعیت خودمان با مقتضیات قرن سیم منتهی باشد. آنچه بسیار مهم است این است که ما توانسته ایم با یاری خداوند بجهت این کار بار بار بدون خونریزی و از هم پاشی و بدون لطمه ای به استقلال مملکت انجام دهیم. در حالی که در بسیاری از نقاط دیگر جهان در این راه گرفتار بجهت این بلا یا شده اند و ما باید از این بابت نسبت به وضع خودمان متفکر و مغرور باشیم. در همین حال هر روز نسبت به خودمان تحقیر بیشتری داشته باشیم تا در نتیجه بهتر و بیشتر کار کنیم. البته کسانی که خاطی باشند تنبیه خواهند شد و با آشنایی بکرم خاطی نیستند قانون



از روی انصاف رفقاری کند زیرا منظور ما تنبیه خاطمی واقعی و برقراری عدالت است  
السته این راه قدری طولانی است ، زیرا همیشه اجرای عدالت مستلزم رسیدگی دقیق  
است .

ولی می باید در راه نیل بدین هدف عالی حوصله داشت و مردم نیز باید متوجه باشند  
که این کار چقدر رتم و اساسی است . خوشبختانه می بینیم که مطبوعات کاغذ متوجه این نکات  
هستند و اهمیت این تلاش را درک کرده اند و چون شاد در این راه مؤمن هستند خوب  
می دانند که این راه تمام قمت است و بنابراین می باید همه مردم درست به ما همت  
آن پی ببرند . در این منظور هم اکنون پیشرفت بسیار شده است زیرا من در همین سفر اخیر  
خودم از نزدیک دیدم که مردم به خوبی حقایق را درک می کنند و آن کسانی که بعضی ها  
ظلمی کردند که نمی فهمند بالعکس خیلی بهم خوب می فهمند .



## سخن شاهشاه

در انکار همگام شرفیابی دانشجویان ایرانی متسیم آنگارا

دوشنبه بیستم آبانماه ۱۳۴۱

از دیدن شما دانشجویان ایرانی در پایتخت کشور دوست خودمان خوشوقت هستم. فخر می‌کنم که شما ایرانیانی که برای چند سالی از وطنتان دور هستید برای کسب معلومات و تحصیل به بیگ و سالی باید اگر روزانه نباشد لاقلاً ماهانه از کارهایی که در مملکت خودتان جریان دارد مطلع باشید و بدانید که وضع موجود چه هست و از آن متمسک‌نید که آینده مملکتان چه خواهد بود؛ و وقتی که انشاء الله کارتان تمام شد و مراجعت کردید، خودتان را موجد با چه وضعیتی می‌بینید و چطور از حال و در هر رشته‌ای که کاری کنید خودتان را از لحاظ فکری همیای در رود به اجماع بکنید و بهین طریق همیای خدمت به مملکتان.

می‌خواهم این فکر کاملاً در همه شما پدید آید که ما امروز وقتی صحبت از وطن و مملکت می‌کنیم این اصطلاح کتابی و یک چیز خشکی که صرفاً مربوط به گذشته و یا صرفاً برای تحریک احساسات وطن پرستی و عرق ملیت نیست، ما وقتی صحبت از وطن آینده می‌کنیم، این برای یک مملکتی است که در نیامی امروز بتواند همگام سایرین، همگام مشرق‌ترین ممالک دنیا به زندگی پر فخر و خود ادا مبد.





برای اینکه این کلمه تطبیق بکند با جبر زمانه و پیشرفت اجتماعی دنیا، ما در لواء وطن خیلی چیزهای دیگر را باید در نظر بگیریم، منجمد اجتماع ایران، می‌خواهم این را خوب بدانید که شاید در این سه هزار سال تاریخ ایران حالا این تصادفات است، پیش آمد است، هر چه که باشد، هیچ وقت چنین انقلاب اجتماعی که الان در ایران صورت می‌گیرد به وقوع نپیوسته بود. الان اجتماع ما دارد کلتی زیر و روی می‌شود. پایه آن دارد عوض می‌شود. اساس پایه اجتماع ما چه حال و چه با نقشه یابی که داریم در آینده نزدیک بر بنای حقیقتاً تأمین منافع اکثریت مردم قرار می‌گیرد. بر بنای عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد. بسی‌کنیم که اصلاحات او ایران اهمیت به همان نسبت تأمین کنیم. اجتماع آینده ما باید بر بنای اصل لیاقت قرار بگیرد. هر کسی که بهتر کار کرد، بیشتر کار کرد، با صداقت بیشتری، با دلسوزی بیشتری، با لیاقت بیشتری قطعاً باید راه پیشرفت او باز باشد و همچنین اگر خدای نخواستہ افرادی خطا کار بودند چه از لحاظ روحی یا چه از لحاظ بدتر از آن، از لحاظ دینی مستلاً باید منظر حقوقت باشند. توضیحات مختصری را بجز بیان امر به شما می‌دهم. وقتی صحبت از اکثریت اجتماع ما می‌کنیم بنسبم اکثریت اجتماع این مملکت را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟ امروز در حال حاضر اکثریت مملکت را طبقه زارع و برزرکن تشکیل می‌دهند. تقریباً هفتاد و پنج درصد انالی مملکت ما به امر کشاورزی مشغولند، یا در دهات زندگی می‌کنند یا از راه ده ارتزاق می‌کنند.



این زندگی آئینه این طبقه چیست؟ امروز تصمیمی که ما گرفتیم این است که در مملکت ایران موضوع در واقع ارباب و رعیتی که به عنوان تقریباً یک فرد غیر آزادی برای ارباب کار بکنند این قطعاً متوقف نماندند. لابد از اصلاحات ارضی که ما در ایران شروع کرده ایم اطلاع دارید. تاریخچه آن طولانی است نمی خواهم بگویم که از کی این فکر به نظر من رسید؛ از کی شروع کردیم؛ ولی اصل کار همین است که امروز جریان دارد و با سرعت جریان دارد و انشاء الله با سرعت هم خاتمه پیدا خواهد کرد. نمی دانم صحبت با شما که این او را منحصراً در این مسافرت اخیر می که من به خطه آذربایجان کردم به شما مارسیه است یا شاید بد نباشد که با سعادت یا سرپرستی این صحبت ما را به اختیار شما بگذارند. برای اینکه از جزئیات مطلع شوید خیلی سعی کردم با تمام این دبتهای ایرانی تماس گرفتم. صحبت کردم و خوشوقت شدم که همین دبتهای آنی که شاید سوادم نداشته باشند بگویند که مطلب و عمق این قضیه کاملاً پی برده بودند. از دو جهت پی برده بودند؛ یکی از لحاظ اقتصادی و منافع بیشتری که این ما خواهد بود در آتیه، و یک چیز دیگر می که همه تکرار می کردند و معلوم بود که همه این جن را می کردند که یکسان این مطلب را ادای می کردند. می گفتند که ما آزاد شده ایم. چند ماه پیش در مرتبه اولی که ارضی و مراغه تقسیم می شد یک پیر مردی بود. از او پرسیدم که تو از این کار چه می فهمی؟ جوابی داد که من خیلی متأثر شدم



گفت امروز مثل اینکه من دوباره به دنیا آمدم. وضع کشاورزی در مملکت ما به همین طور شریفست خواهد کرد و فکر می‌کنم که کسی می‌تواند زمین داشته باشد یا خودش کار بکند یا اگر وسعت اراضیش زیاد باشد به وسیله کارگرکش و زری عمل بکند، نه به وسیله رعیت. متأسفانه وضعیّت ارباب و رعیتی در مملکت ما باین سادگی نبود. چند روز پیش کردستان که بودم برای تقسیم اولین اسناد اراضی انجام صحبت کردم باین مالکین جدید و رعایای سابق. می‌گفتند آنقدر موضوع باصطلاح حق و سهم اربابی و رعیتی مهم نبود پرسیدم چقدر بود؟ می‌گفتند مالک دو عشر می‌گیرد. ولی می‌گفتند قصه فقط این نیست هزارها یا تهاکی من در آوردی سعی می‌کردند که از این ما بگیرند. یا روغن بگیرند، یا کوسند بگیرند، یا مرغ بگیرند یا این مارا به بیگاری بکشند و آن هم باز به زمین را می‌گفت. می‌گفتم تو چه حق می‌گویی؟ امروز چه فرقی در زندگی تو پیدا شده؟ گفت آزاد شدم. پس اگر کسی می‌خواهد اراضی برای خودش حفظ بکند و بگذارد و طبعاً در آن اراضی رعیت محلی نباید باشد و الا خوب این باین حق زراعتی و حق ریشه‌ای پیدا می‌کنند خیلی خوب. بسیار خوب با کارگرکش و زری مثل کارگر کارخانه عمل کنند کسی حرفی ندارد.

ولی موضوع ارباب رعیت خیلی کار دیگر گفته‌ای شده است که فکر می‌کنم در مملکت ما زمین برود مگر اینکه همان طوری که در مراحله گفتم آن مالک بتواند سطح زندگی و درآمد این رعایا را به پای سطح زندگی



و در آمد رعایایی که مشمول همین اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی و حالا صاحب ملک می شوند برسانند. پس ملاحظه می کنید که این اقدام و این عمل و این اصلاح تا چه حد عمیق، ریشه دار و اینگونه اصلاً اجتماع ما را بکلی دگرگون می کند. باز تکراری کنم در سه هزار سال تاریخ ایران، دو هزار و پانصد سال تاریخ مدون ایران هیچ وقت جامعه ما دچار یک چنین تحول عمیق و قاطعی نشده بود. بر این اضافه می کنم منسکری که ما برای کارگرهای ایران کرده ایم برای تشویق آنها، برای اینکه بهتر کار بکنند، بیشتر کار بکنند، با دلسوزی بیشتری فکر کردیم که کارگرهای ایران تا بهیست درصد در سود خالص کارخانه ها شریک بشوند. یعنی بهره ای بیژر بقیعه من هر کارفرمایی که اساس این مطلب را درک نکند، آدم کوتاه بین و نزدیک بینی است. بایک چنین عملی هم ما اساس سرمایه داری و اساس صنعتی شدن مملکت را تحکیم می کنیم، و در عین حال روابط انسانی، روابط تا اندازه صیمانه ای بین سرمایه که معنای آن همان کارفرما می شود و کارگر است نشانده در مملکت ایجاد خواهیم کرد. یعنی همه برای یک هدف مشترکی کار بکنند. دست است که همه نفع خصوصی می برند ولی در همین نفع بخصوص یک اشتراکی دارند و آن تولید بیشتر است، و تولید بهتر است و رقابت با صنایع خارجی است برای آنکه بهتر بتوانند بفروشند باید سعی بکنند از آن تر بفروشند چنان بهتر که بتوانند با صنایع خارجی هم رقابت بکنند. و در عین حال کارگرها چون نفی می برد بیشتر کار خواهد کرد



بیشتر کوشش خواهد کرد؛ بیشتر برای حفظ ماشین‌های لوزی خواهد کرد؛ خود این کار تسبیح‌اش این خواهد شد که محصول فراوانتری، بیشتری، بهتری، مرغوب‌تری، ارزانتری، عرضه خواهد شد. سود کار فرما بیشتری شود. سود کارگر بیشتری شود و در عین حال هزینه و قیمت نابالایی رود.

از این دو قسمت مهم اجتماع ما که بگذریم یعنی کسب و زود کارگر، می‌ماند سایر افراد مملکت. منجمد کارمندان دولت که برای آنها هم باید تجدید فکری ما کنیم و آن مگر به عقیده من آسایش یکی داشتن یک قانون استخدام صحیح که جو ابگوی حقایق و احتیاجات امروز مملکت را بدد. در مرحله دوم به عقیده من تأمین زندگی کارمندان دولت در اضافه حقوق نیست. انسان ممکن است اضافه حقوق بدد ولی نتیجه این اضافه حقوق بالا رفتن قیمت زندگی باشد که از روز اولی که اینها بودند در واقع در مضیقه بیشتری باشند. امروز شما فرض کنید که پانصد ریال یا یک هزار ریال اضافه حقوق می‌دهید ولی نتیجه‌اش در بازار این خواهد بود که آخر ماه خرجش از این یک هزار ریالی که بدادمی دهند بیشتر خواهد بود. اساس کار تأمین مسکن و تأمین سرکتهای تعاونی است که احتیاجات مصرف عادی خانواده را به یک قیمت ثابتی و حتی المقدور کمی در اختیار باشد و اصولاً ما بنواسیم خانه‌های سازمانی برای کارمندان دولت بسازیم. از پیریشان خیالی پیدا کردن خانه، اجاره کردن، چانه زدن، اینها خلاص شوند و بعد فرض کنیم که امروز



یک کارمند دولتی در یک تعطیلهست به او مأموریت می‌دهیم که فردا بلند شود برود در آن نقطه؛ این مأموریت‌ها در مدت بیست و چهار ساعت به محل مأموریت خود برود و در آنجا بماند که خانه‌اش میانه‌است؛ به کجایی تواند وارد بشود، و کجا زندگی می‌تواند بگذرد؛ و خیال خودش و خانواده‌اش را راحت باشد. بر بنیادی که من می‌زنم البته به نظر خیلی شاید خوش بینی است. پیش خودتان فکر می‌کنید خوب، آیا این حد که دام مملکت مترقی یک چنین تأمین زندگی و عدالت اجتماعی شده، آیا انگشت شمار نیست ممالک خیلی پیش رفتاری که شاید تا حدی به این وضع رسیده باشند؟ جواب من این است که ما اگر حقیقتاً تصمیم بگیریم که گرفته ایم، می‌توانیم این کار را بکنیم؛ به شرط اینکه افراد و کادری که برای انجام این نقشه لازم است در اختیار داشته باشیم. این کادری هست؟ این کادریا شما هستید که در ترکیه دارید درس می‌خوانید یا برادران دیگرتان هستند که در جاناتا می‌فکر درس می‌خوانند، یا برادرانی که در خود ایران مشغول تحصیل هستند. این کارها موقتی صد در صد عملی خواهد شد که فرد فرد شما که یک مسؤولیتی به هر صورت خواهید داشت در آتیه دنبال این کار را بگیرید.

پس ملاحظه کنید که چطور اساسی که ما ریخته ایم برای یک مملکت مترقی سعادت‌مندی است که بر بنیاد عدالت اجتماعی قرار خواهد داشت و بخواهست خداوند می‌توانیم با سر بلندی در جامعه آتیه



مترقی دنیا شرکت کنیم و این را ہم می خواهیم یاد آوری کنیم به عقیده من خواست خداوند است و لا غیر ولی تا بحال هر چه که من گفته ام بعضی اوقات روی پیش آمد یابی به تاخیر افتاده باشد، ولی بالاخره شده است. تمام این چیزهایی که الان می بینید در جریان هست. مطالبی است که من قبلاً گفته بودم یا وقایع یک قدری عقب انداخته یا اینکه اجاناً شاید این کار درمی که باید کار را بار به دست بگیرد و انجام بدد یا عیبنا بوده یا در شرف تکمیل بوده است. ولی به هر صورت یا شده، یا تمام شده، یا شروع شده و این کار را بعون الله خواهد شد.

خیلی رشت های دیگری هست که اگر نخواهم راجع به همه صحبت کنم شاید ساعتها طول کشد ولی هر که ام از این مطالب برای تکمیل بنای اجتماعی ایران و اصلاحات اداری ایران رسانیدن مملکت تا به اوج ترقی و عظمت است.

خوشبختانه مملکت اداری دوتروقی است که از همه چیز گرانتر است، اول ثروت انسانی آن است. ایرانی لایق است، مستعد است، و شاید انسان تعجب کند پس از هزار سال تاریخ هنوز ملت زنده امی است در هر رشته زندگی چه در رشته درس باشد، من به هر مملکتی می روم و سوال می کنم می گویند جزو بهترین ملکه دان آن مملکت شاگردان ایرانی هستند. پس این استعداد فکری و



بوش را دارند. در قسمت دیگر در قسمت جسمی با وجود آنکه مملکت ما ساخانه مدتی عقب افتاده بود  
ما آب نیز داشتیم، چهارمبه نوع امراض بودیم، خود من هر مرضی را که دلتان نخواهد گرفتیم،  
مالاریا گرفتیم، دینفتری گرفتیم، هر چه که مرض عفونی بوده است گرفتیم. نه بهداشتی بوده و نه هیچ شام و ضعیفان  
بتر از من بوده است؛ بعد از شما با جوانتر از شما با کاملاً بهتر خواهد شد. تا چند سال دیگر دیسلی  
نخواهد داشت که یک نفر ایرانی حصبه بگیرد، یک نفر ایرانی مالاریا بگیرد، یک نفر ایرانی  
مستلماً به سل شود. ولی با تمام این اوضاع جوانهای ایرانی در میدانهای ورزش در خسیلی  
اوقات تاج افتخار به سر زده اند و نشان داده اند که این نژاد هنوز آن قدرت جسمی  
و استعدادش را نگهداشته است.

ثروت دیگر، ثروت طبیعی مملکت است که یکصدم آنهم هنوز حقیقتاً دست مورد بهره‌برداری  
قرار نگرفته است. تجمعی این خواهد بود که از این ثروت بهره‌برداری بشود. و بر اساس این  
قوانین اجتماعی و عدالت ما دست بین طبقات مختلف مملکت بخش شود و مآلاً نتیجه‌اش این باشد که  
درآمد سرانه افراد ایرانی به حدی برسد که برای هر فردی و افراد خانواده آن حد اقل زندگی که  
مطابقت با تمدن امروزی دنیا می‌کند فراهم بشود.





پس برای یک چنین آینده ای امیدوارم و مطمئنم همه خودشان را مهیا و حاضر می کنند  
که هر وقتی که عملاً وارد اجتماع شدند چه بطور انفرادی و شخصی، چه برای کار عمومی و یاد دستگاه دولتی  
بایک چنین امید و آرزویی وارد کار شوند و بدینی که به مملکت شان و به تاریخشان و به خصوص آینده شان  
دارند انشاء الله ادا کنند.



## سخن شاهشاه

در استانبول خطاب به دانشجویان ایرانی مقیم استانبول

در شنبه ششم آبان ماه ۱۳۴۱

دو روز پیش دانشجویان ایرانی مقیم آنکارا دیدم و البته از ملاقات آنها خوشوقت شدم و فرصت این را پیدا کردم که با آنها نسبت به اوضاع مملکتشان صحبت کنم. با آنها بگویم چه وضعی، چه جریانی در مملکت ما هست؛ به چه چیزی می رویم، هدف ما چیست، که آنها در تحصیل خودشان را میسای بافتن چه محیطی و چه مملکتی ببینند که از حالا انظوری که میسر دارند برای خدمت آینده به مملکتشان خودشان را میسازند. البته اگر بخواهم حرفی بگویم که آن روز به آن دانشجویان زدم یا اصولاً حرفی که این مدت اخیر در اطراف آن بحث شده و صحبت کردیم بگویم خیلی طولانی خواهد شد. مسلماً هر کدام از شما که علاقه مند به شنیدن آن حرفها یا خواندن آن حرفها باشید وسایلش را سرپرستی شما فراهم خواهم کرد و به اطلاع شما خواهد رسید ولی ناچار خلاصه می گویم. آن اینست که ما الآن بنیان گذاری یک مملکتی را می کنیم که بتواند در دنیای امروز، در میان مل مسترقی دنیای امروز جای خودمان را باز کنیم. اساس کار ما، اساس نقشه ما، هدف ما، آینده ما بر بنیادی از یک طرف عدالت جهانی



است؛ از طرف دیگر عدالت قضایی است؛ از طرف دیگر حقیقتاً فراهم کردن مسایلی که صرفاً در عمل ایقت و شایستگی و صحت عمل پیشرفت داشته باشد؛ و بالعکس نستی، فقور، بی حالی یا خدای نخواسته انحراف از پاکدامنی این چهار عقوبت و عتب نازکی بشوند. اساسی که امروز در دنیا لازم است بدانند که بر همین محور می چرخد. کلی رسیدن سطح زندگی ملل دنیا بر یکت حدی که امروز تمدن ایجاد می کند، حکم می کند، و غیر از آن قبول نمی کند. هر مملکتی که از آن قافله عقب بماند برای او عاقبت خوبی پیش منی نمی شود. بیمن جهت کارهایی که ما الآن در مملکتان شروع کرده ایم اگر تاریخ ایران را ورق بزنید و قدری دقت بکنید، و قدری مطالعه بکنید، در طول تاریخ مذکور با ۲۵۰۰ سال تاریخ هیچ وقت نخواهید دید که چنین انقلاب عظیم اجتماعی و دگرگون شدن اجتماع ایرانی هیچ وقت، در هیچ زمانی صورت گرفته باشد. اجتماع ما دارد بکلی با سابق عوض می شود؛ یعنی کاری که ما می کنیم بر بنیای تائین منافع اکثریت مردم ایران است. سالها بود انتشار می دادند که البته کاملاً صحیح نبود ولی معذراً این طور مشهور بود که ایران مملکت هزار فایل است، یا چه هست؛ امروز با مقرراتی که ما وضع کرده ایم ایران مملکت دهبقان است، مملکت کارگر است، مملکت زحمتکش است، مملکت کارمند دولت است، مملکت کسبه آن شهروان مملکت است، و به هر صورت تو این همیشه بر نفع اکثریت وضع می شود؛ و



درین این قوانین، درحین رعایت عدالت اجتماعی، منافع عموم در نظر گرفته می شود. در این راه  
مایک دفعه نمی توانیم سستی به خرج بدهیم. هر دقیقه که از دست می دهیم ما را از این قافله تمدنی که  
الآن ما از او عقب هستیم عقب تر خواهد گذاشت. دنیای متمدنی با سرعت به جلو می رود،  
ما باید از دنیای مستترقی سریعتر به جلو برویم که احياناً به آنها برسیم. نمی گویم که از لحاظ صنعتی ما هم  
جزو بزرگترین مل صنعتی دنیا بشویم. در یک مدت کوتاهی خیر، ولی از لحاظ ساختمان اجتماع،  
از لحاظ عدالت اجتماعی، از لحاظ حیثیت و شرافت فردی و شرافت عمل و کار چر اتوانیم؟ این  
دیگر موضوع فنی نیست؛ این موضوع حُسن اداره است؛ این موضوع صحت عمل است؛  
این موضوع شرافت است؛ این اجتماعی که ما می خواهیم روی این محور، بر این بنا، بر این  
اساس پایه بگذاریم، این محال است که به دست یک نفر انجام بگیرد. دُست است که  
بخواست خداوند، حقیقتاً عنایت آبی، و فضل پروردگار، همراهی که از سالها پیش اگر کسانی  
به حرفهای من آشنا باشند یا احياناً به نوشتجات من آشنا باشند، دیده باشید تمام اموری که در  
راه عدالت اجتماعی از نوزده سال حتی از بیست سال پیش گفته ام بخواست خداوند دانه دانه  
به مرحله عمل درآمده. اگر مدتی به تعویق افتاده به صورت انجام شده و انجام خواهد شد



اینست که با زحم می گویم ممکن است که حقیقتاً نقشه بدسیم، فکر کنیم، بسنیم که بهترین چیز در بهترین تقاضا دنیا چه هست آنها را برای مملکتان ارائه بکنیم و اعلام بکنیم ولی در مرحله عملی شدن این ملت است افراد مردم است. تمام کسانی که به یک مقداری یک گوشه از کار دارند این ما باید مجتهد باشند مؤمن باشند؛ این کاری را بگیرند و پیش ببرند. برای این کار در بعضی رشته ها تخصص می خواهد تجر می خواهد؛ باین جهت ما چه در داخله مملکتان، چه در خارج مملکتان سعی می کنیم تا جایی که ممکن افرادی که در هر رشته ای که ما لازم داریم متخصص شوند، بعد گوشه کار را بگیرند، و کار ما را یعنی کار مملکت ما را، کاری ما را به جلو ببرند.

افزاده بر افراد متخصصی که در هر رشته ای لازم داریم، برای اینکه یک مملکتی به آن سطح مترقی برسد لازم است که عموم مردم ایران همان طور که از یک حداقل زندگی که مطابقت بکند با تمدن امروز دنیا از حداقل طسلاع اجتماعی و عمومی و علمی برخوردار باشند. اینست که یکی از بزرگترین اقدامات اجتماعی و تاریخی، همین موضوع تصمیم باسواد کردن تمام ملت ایران است و آن هم به وسیله چیزی که شنیدید سپاه دانش است. ما، ما زاد احتیاجات ارتش ایران را عوض خدمت در سربازخانه پس از فرا گرفتن مقدمات، می فرستیم سرتاسر مملکت، این جو آنها پنخس خواهند شد



و در مدت باقیمانده خدمت شان سعی می کنند که جوانهای ایران، پسرهای ایران، دخترهای ایران را  
به اصول اولیه فرهنگ و تمدن و معلومات آشنا کنند. پس در نظر بگیرید جامعه آینده ایران بر بنیای  
عدالت اجتماعی، بر بنیای تأمین حداقل زندگی سرافرازانه، بر بنیای باسواد بودن عموم ملت، بلندی  
که برای تشخیص اجتماع و زندگی خودشان و معلومات اولیه لازم باشند، این فراهم خواهد شد، ولی  
اضافه بر این حداقل در هر دو این زمینه ها کوشش با همت ما، آرزوی ما این خواهد بود که هر کسی که بیشتر  
کار بکند، بیشتر لیاقت داشته باشد، بیشتر زحمت بکشد، بتواند به مدراج بالاتر و بالاتر و بالاتر می برسد تا  
جایی که لیاقت او اجازه می دهد. این حرفیانی که من می زخم بدانید که خواهد شد. نغمه سرعت یا کند می  
رسیدن به این هدف منوط به حاضر بودن عوامل کار است. این عوامل کار کی می آید؟ شما با  
در اینجا درس می خوانید، کسان دیگر در ممالک دیگر و هزارها هزار در داخله خود ایران. این جمعیت  
فعال و در موقع خود متخصص ایرانی است که قادر است که مملکت را تکمیل خواهد داد و ما را به این هدفها  
می رساند. این هدفها که ما داریم به نظر خیلی پیش رفته می آید، به نظر شاید مطابق مستر قی ترین  
ممالک جهان می آید. یک عده ای شاید تعجب بکنند چطور می آید که هر تبه این طور بلند پروازی می کنیم  
که می خواهیم بماند داشتن امکانات خوب پیش برویم. آنها معاذیر زیادی می تراشند که این نقص است



عیب، با آن عیب، چطور ممکن است برسیم، ولی کارشده فی نیست. در ۱۳۲۹ تقسیم ممالک را اسن شروع کردم. در ۱۳۳۱ اولیای وقت جلوی این کار را گرفتند. دوم تبه در ۳۲، او اخر ۳۲ و ۳۳ شروع کردم. این کار تمام شد. الان اصلاحات ارضی را در مملکت، در سراسر مملکت ما شروع کردم این کار تمام خواهد شد. هر چه که به نظر مشکل برسد موقعی که اراده باشد، و مردم دنبال این کار باشند حتماً عملی می شود. بدانند که در این کار من با تمام افرادی که توانستم صحبت کردم: با فقیرترین دهاتی با صحبت کردم؛ با دوورافاده ترین دهاتی یابی که از دهات ایران آمده بودند صحبت کردم؛ همه مضی این کار را فریضه مند. این پس یکت کار ریشه داری شده. این کاری شود. این نقشه یابی که ما می گوئیم پس نجاست خداوند عملی خواهد شد. جامعه ایران بر این بنا بنا خواهد شد، و این قافله تمدن ما بخواست خداوند، با بتمت همه. با اطلاع و تخصص و تجزیه افراد فعلی شما را در آینده همچنین آیندگان انشاء الله هر چه زودتر به ثمر خواهد رسید و باقیانده عمر ما با سر بلندی و فخرت خواهد گذشت. و اما راجع به کارهای مخصوص شما البته دستور رسیدگی و دلوزی کافی خواهیم داد. امیدوارم که باقیانده مدت تحصیل شما در این شهر خوبی و خوشی و موفقیتت بگذرد. آنچه که از دست اولیای امور بر خواهد آمد در راه آسان کردن کار شما انجام خواهد گرفت؛ و امیدوارم که قلب شما ایرانیان که به اسم



ایران می‌تپد، همیشه در نظر داشته باشد که ما چه در داخله خودمان، چه در میان ممالک دنیا، کججا باید برسیم. راه رسیدن این از چه طریق است؟ ما اگر نخواهیم برسیم از راه کج و معوج به جایی نخواهیم رسید. راه ما باید مستقیم باشد. راه ما باید شرفمندانه باشد. ما فزیب هیچ‌کسی را نمی‌خوریم. محال است که بعد از این همه تجربیات ما تازه بیاییم مثل افراد تازه کار، بدون تجربه دوم تبه فزیب بخوریم. دوم تبه مملکت ما دستخوش حوادث بشود؛ دستخوش امیال افرادی که نخواهند افراد را به نفع خودشان به جلو بیاورند. آنها را به اصطلاح به دم توپ بیاورند، و خودشان پشت دیوارهای مصونی یا پشت شیشه نگاه بکنند و تره دلشان بکنند. این دوره گذشته؛ این خیانت است؛ مملکت ایران تاب خیانت ندارد. ما باید با سرعت هر چه بیشتری پیش برویم و انشاء الله نشان بدیم که یاقوت ایرانی از هر موقع دیگری دریاخ مستلماً بیشتر است و غم ما هم همه با هم از هر موقع رانج تر است.





## پیام شاهنشاه

بهنگام عزیمت از کشور ترکیه

شنبه دوازدهم آبانماه ۱۳۴۱

در این لحظه که خاک ترکیه دوست و همسایه را ترک می‌کنم بسیار خرسند هستم از این که  
تشکرات قلبی خود را در مقابل علایق محبت آمیز و صمیمی آن حضرت و همچنین علایق صمیمی و حساسات  
بی‌شائبه و دوستی ملت ترک که نسبت به شخص من در مملکت من ابراز داشته اند اظهار دارم .  
مطمئن هستم که این دیدار از سخاوت شایسته و حکیم‌مانی دوستی موجوده و برادری بین دو مملکت  
بسیار مؤثر واقع گردیده است .

خواهشمند است تشکرات قلبی مرا به ملت ایل و شرفتمند ترک ابلاغ فرمائید .



## سخان شاهشاه

در شورای عالی پیشاهنگی

شنبه هفدهم آذرماه ۱۳۴۱

در این گزارش کارهایی که انجام داده‌اید و برنامه‌های آینده‌ای را که توضیح داده‌اید و همچنین مسدیدیاتی که داشتید به وزیر و دربار البته دستور می‌دهم که مسدیدیات آن را برای مقامات مربوطه بفرستند و ببینند که برای انجام آنها چه می‌شود کرد. البته نتایج خوبی از فعالیت‌های گذشته گرفته شده است و به همین آهنگ و سرعت اگر پیش برویم انشاء الله بزودی به منظور خود خواهیم رسید بعداً این گزارش و تفسیراتی که در اینجا داده‌اید دیگر جای زیادی برای سخن و توضیح باقی نمی‌ماند مگر اینکه بار دیگر محبت پیشاهنگی را در تربیت نسل جوان مملکت تأکید کنیم و اینکه بگویم به وسیله آرها نه‌های عالی پیشاهنگی که آرها نه‌های معنوی و روحی و همچنین کار عملی که یاد می‌گیرند و افراد را در زندگی نه‌های از یک طرف مبارزه با مشکلات زندگی و از طرف دیگر تیار برای انجام کار نیک می‌کند، هر چند رعایت بیشتر می‌پسندید نتایج خوبی از آن گرفته خواهد شد. از طرفی همانطور می‌گویم که به کرات تذکره داده‌ام حتی المقدور سعی کنید که این سازمان پیشاهنگی را در سراسر ایران و در واقعه‌های درین نقاط ایران، در دهات ایران، در کوهستانها



این نفوذ و رخنه پیدا نکند و جوانهای مملکت را بدین وسیله آشنا بکنید. از طرف دیگر یک مطلبی که راجع به  
آموزگارهای سپاه دانش گفتید جالب توجه است. در آن چهار ماه تربیت اولیه ای که اینها در پاگاهها  
یاد می گیرند خوب خواهد بود که در میان شما هم اصول مقدماتی پیش آهنگی را به اینها یاد بدهند. و خود  
اینها برای شما می توانند وظائف اولیه ای که باید انجام داد انجام بدهند در هر صورت با وجود  
تمام اشکالات مالی که داشتید نتایجی که گرفته شده است باعث خوشوقتی است و بخصوص اینکه  
کمان کهنم عزم همه بر این باشد که این تازه اول کار است و انشاء الله در پنج سال باقیمانده برنامه  
هفت ساله بشود براتب بیشتر و سرمتیر کار کرد و به هدف های عالی خودمان انشاء الله برسیم.



## سخان شاه شاه

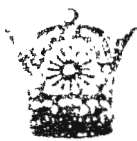
خطاب به دانشجویان تبادول رشته های مختلف دانشگاه

چهارشنبه بیست و هشتم آذرماه ۱۳۴۱

طرز فکر فرهنگ تحصیل در مملکت ما نسبت به ۲۵، ۳۰ سال پیش فرق کرده است .  
در آن زمان بطوری که شنیده ام تعداد کل فارغ التحصیلان دبیرستانهای ایران به یک صد  
مضکی بوده که شاید تماشا از یک شهر کوچک و ایالات فعلی ما کمتر بود . البته دانشگاه نهم  
و این است که در زمان پدر من برای بالا بردن سطح علمی ایران تصمیم بر این گرفته شده بود که هر  
سال تعدادی از دانشجویان ایرانی را به ممالک خارجی در آن موقع بخصوص به اروپا می فرستادند که  
این جوانان پس از فراغت از تحصیل به وطنشان برگردند و چه در کارهای علمی و چه در کارهای عملی ،  
وارد بشوند و مملکت ما را از حالت عقب افتادگی خارج سازند . گمان می کنم اغلب اساتید دانشگاه  
فعلی تهران تمام از همان انسدادی باشند که در آن موقع عازم تحصیل شدند . امروز گویا این حد  
به هیچ وجه قانع نیستیم و راضی نیستیم . وضع ما در داخل مملکت تغییر فاحشی پیدا کرده است . امروز  
در حدود تقریباً دو میلیون افراد در این مملکت در دبستانها ، دبیرستانها ، دانشگاهها ، و کلاسهای



شبانز مشغول تحصیل هستند و اینهم به نظر ما به هیچ وجه کافی نیست. به همین جهت در نظر داریم که عنقریب به وسیله سپاه دانش سعی کنیم که بیوادمی را در این مملکت ریشه کن کنیم و از طرف دیگر تقریباً هفده هزار ایرانی در خارج یعنی فکرمی کنیم اکثر ایشان مشغول تحصیل هستند. در داخل مملکت خودمان هم تقسیراً به همین اندازه افراد مشغول تحصیل هستند ولی این نیز زیاد باعث خوشحالی من نیست. هدف ما، امید ما، این است که برای تحصیلات دانشگاهی تمام وسایل در داخله خود ایران فراهم شود. این هفده هزار عرض اینکه در خارج تحصیلات عادی دانشگاهی بکنند این وسیله مملکت خودشان فراهم باشد. به همان اندازه‌ای که حالا در واقع اگر اه دارم به اینکه بینیم برای تحصیلات عادی دانشگاهی ایرانی به خارج می رود، به همان اندازه موافقت می‌کنم که کسانی در اینجا برکتی دارند و شاگرد اول دانشگاهی هستند و برکتی آنها شاید به طرق دیگری واضح شده باشد اینها برای تکمیل معلومات خود و دوره ماسی تخصصی عالی مسلماً به خارج بروند و بلکه هر که ام از آنسره و شما بتوانید در آینده جزو محققین عالی‌مقام این مملکت، و شاید هم مقام دنیایی پیدا بکنید. این است که این برنامه را ما ادامه خواهیم داد. البته همین حال ما باید متوجه چند چیز دیگر باشیم. یکی اینکه این فکرمی که شاید تا به حال در مغز خیلی از افراد این مملکت



نظور می کرد که برای زندگی کردن در این مملکت لازم است این است که انسان یک ورق کاغذ به عنوان وسیله دست بیاورد و بعد خیالش راحت باشد، این دارد کم کم برای این مملکت یک فکر خیلی مضری میشود. برای اینکه از طرفی این یک ورق کاغذ به تنهایی برای تأمین زندگی یک فردی کافی نیست. امروز باید دید که مملکت ایران در هر رشته ای احتیاجی به چه نوع تحصیلاتی دارد و به چه در افراد دارد و می بینیم در مملکتی که در حالت رشد سریع می باشد احتیاجات آن مملکت بیشتر با افراد تخصصی و فنی است. بدین جهت از یک طرف ماس حرفه ای ما باید تعدادشان خیلی اضافه شود. فقط مغزهای فوق العاده مستعد کسانی که بر جنبگی حسابی دارند و از حدود عادی و متوسط خارج هستند بهتر است که بروند دنبال تحصیلات عالی نظری و علمی. این سلیکون بود ممالک دیگر خود بخود می شود. در تمام ممالک دنیا چون تحصیلات هیچ جا جنبه مجانی ندارد کسانی که می روند دنبال تحصیلات عالی که یا استعداد ذاتی داشته باشند، فطری داشته باشند که اگر خدای نخواسته آنها فاقد سرمایه باشند یا بورسهای دولتی هست، یا بورسهای انجمنهای کمک هست، و خیلی انجمنهای دیگر که به اسامی مختلف که اینها سعی می کنند هیچ استعداد خدادادی را فراموش نکنند و عدم بصاعت و ثروت مانع



انهار وجود یک استعداد ذاتی نشود. و اما آنهایی که نه استعدادش را دارند و نه وسیله ای می روند  
و نبال کارهای فنی و پراکتیک که هم برای خودشان در واقع یک آتیه ای تاملین کرده باشند  
و هم برای مملکتشان یک عضو مفیدی باشند. از یک کسی ممکن است یک کاریدی و دستی  
خوبی ساخته شود یا مستقیماً یا به وسیله ماشین، و این شخص در یک کار دیگری علمی و فنی اصلاً  
ارزش نداشته باشد. اگر در آن کار وارد باشد صرفاً است ولی اگر در آن کار باشد یکی از  
محرورهای گروهش کار مملکت خواهد شد. پس به همان اندازه ای که ما باید علم را تشویق کنیم و  
بخصوص فکر کنیم، برای ترقی حقیقی باید صد هزار نفر در این مملکت صرفاً و قسماً را  
صرف تحقیق بکنند و در اطاقها، در کتابخانه ما، در لابراتوارها، زندگیشان را بگذرانند  
صرف تحقیق بکنند. از یک طرف باید این کوشش را کنیم، از طرفی دیگر وضع فرهنگ ما  
نباید یک کارخانه دیپلم سازی بیوادم باشد. متأسفانه بازیگری دوره پیش برای  
تکمیل طبعاتمانی که قبلاً هم به ما می رسید نوشته شده بود باید تحقیق کنیم، بنیم صحت دارد یا نه  
که اداره انتشارات و تبلیغات ما و طلب خواسته بود برای کویندگی را دیو از صد هزار نفر  
یلسان سیه ای که امتحان داده بودند، شاید هیچ کس قبول نشده بود برای این که



یک نفر پیدا نشده بود یک صفحه فارسی را بدون غلط نوشته باشد! پس می بیند که صرفاً یک ورقه کاغذ به عنوان دیپلم داشتن این نه هنری است، نه افتخاری است. اگر مایه تحسینی به آن نُستی و به آن کمی باشد. ولی عکس شما را که مستلماً روی زحمت، روی استعداد توانستید این مقام را به دست بگیرید در واقع مستحق هرگونه تشویقی هستید که بتوانید انشاء الله در آینده افراد مفیدتری برای مملکتان باشید.

امروز مجال این صحبت نیست که من بگویم شما دانشجویان، شما فارغ التحصیلان که خوب کار پایتان واضح است ولی تمام کسان دیگری که در این مملکت درس می خوانند خودشان را برای چه آینده ای دنیا بکنند، به چه طریقی به مملکتان خدمت بکنند؛ ولی به اختصار و به دو کلمه می گویم نقشه یابی که برای این مملکت ریخته می شود برای این است که مملکت ایران بنحو است خداوند جزو مترقی ترین کشورهای امروزی جهان قرار بگیرد و افتخارات گذشته ما در سابق به طریق جدیدی که آنهم بیشتر از لحاظ علمی و اجتماعی عدالت خواهد بود انشاء الله تکرار بشود.





## سخن شاه شاه

در مراسم عید مبعث خطاب به آقایان علماء و روحانیون

سه شنبه چهارم دی ماه ۱۳۴۱

بدیهی است در دنیای امروز که روز بروز قلم و علم و دانش جلوتر می رود تا جندی که دانشمندان موشک به کمره زهره می فرستند، و اقمار مصنوعی بر گرد زمین بگردش درمی آورند، هیچ علمی نمی تواند و نباید قبول کند که افراد آن حتی از سواد خواندن و نوشتن بی بهره باشند و مخصوصاً برای کشوری مانند ما این موضوع غیر قابل قبول است.

از طرف دیگر امروز دیگر نمی توان مردم را قانع به قبول و تحمل یک زندگانی آیمخته با جهل و فقر و بیماری کرد بلکه باید لا اقل حد اقل احتیاجاتشان را از این جهات تأمین نمود.

یقین داریم آقایان نیز با ارشاد و تعلیم ایشان از راه اصول دینی و معنوی بدین هدف عالی گامت خواهند کرد.



## سخن شامشاه

در مراسم عید مبشر خطاب به مدیران مطبوعات

پنجمین چهارم دی ماه ۱۳۴۱

از تبرکات شامشاه و به نوبه خود این عید بزرگ اسلامی را به همهٔ ارباب مطبوعات تبریک می‌گویم. شاید بزودی فرصتی دست دهد که مذاکرات مفصلتری با نمایندگان مطبوعات کشور بکنیم، ولی از هم اکنون پیش خود فکر کنید چقدر غلتی دارد که کشور ما در این منطقه از جهان تنها جایی است که کافلاً امن و استوار مانده است. البته این غلتی دارد و این غلت هم بقدری روشن است که قاعدتاً نباید احتیاجی به گفتن من داشته باشد.

سبب این است که ماسخی می‌کنیم همیشه چند قدم در پیش توالت باشیم تا بچوقت چیزی به ما تحمیل نشود، و بالعکس ما خود ابتکار عمل ابدست داشته باشیم. وقتی اینطور باشد همیشه از فرصت‌ها و عوامل به نفع مملکت استفاده می‌شود ولی وقتی که تحولی به ملت تحمیل شود فرصت هرگز به ابتکاری از دست می‌رود. این حقیقتی است که می‌باید هر زمانه‌داری که واقفانه فکر مکنش است آن را در نظر داشته باشد. در این راه روزنامه‌ها به‌طور کلی گفتند البته آئینهٔ انکار عمومی هستند ولی نباید به همین اکتفا کنند



که افکار عمومی را منعکس سازند بلکه باید خود نیز راهنما و پادوی افکار باشند . مسلماً شاخه حدود و حالیه  
مصالح مملکت را تشخیص می دهد و این حدود را رعایت می کند ؛ و البته در داخل این حدود  
همه جریانات امور در رسیدگی قرار دهید و همه معایب را بچوید و در تشخیص معایب نواقص  
دوره بین چشم دولت و جامعه باشید .



## سخنان شاهنشاه

در مراسم عید بعثت خطاب بر رئیس دانشگاه

در شنبه چهارم دیماه ۱۳۴۱

مسلم است که دستگاهی مانند دانشگاه تهران وقتی که وجود دارد و کاری کند باید از جهت کامل آبرو مند باشد و من معتقدم که اجرای قانون کار تمام وقت استادان بگت موشری در این مورد است زیرا این امر باعث تمرکز افکار استادان و انحصار کار آنان به تعلیم و رسیدگی به حال شاگردان می شود.

آنچه در دانشگاه درجه اول اهمیت را دارد و اساس وجود آن است تقویت پایه علمی دانشجویان است و این تقویت صورت نمی گیرد مگر وقتی که وسایل و عوامل مادی و معنوی آن فراهم شود تا استادان با فخر راحت تر و وقت بیشتری بتوانند به امر تعلیم بپردازند. شاید ماقدری زود شروع کردیم که در نقاط متعدد ایران دانشگاه ایجاد کنیم و محتاج این بود که اول دانشگاه تهران تکمیل شود و بعد به تاسیس دانشگاه در سایر استانها اقدام گردد. البته امیدوارم روزی بیاید که تمام استانها و حتی شهرهای بزرگ کشور دانشگاه



داشته باشند ولی این موقعی خواهد بود که دانشگاه‌های موجود تکمیل شده باشد. آنچه مسلم است این که بزودی دانشگاه تهران رقیب بزرگی در شیراز پیدا خواهد کرد و امیدوارم در آن موقع رقابت مشروع این دو مؤسسه علمی باعث توسعه و پیشرفت کار هر دو می‌آیند بشود و هر کدام را به بالا بردن سطح علمی خویش وادارد. و استادان تیر با استفاده از فاقه کار تمام وقت اوقاتشان را فقط صرف تدریس و تحقیق کنند.

یکی از نظریات اصلی من در این باره این است که همانطور که برای کارمندان دولت خانه می‌سازیم برای استادان دانشگاه تیر خانه بسازیم تا در تیر همان محیط و محیط کار خود زندگی و کار کنند و در حقیقت همانطور که قطعاً خودشان تیر سیریل دارند وجودشان را وقف علم و دانش نمایند.



## سخن شاهشاه

در مراسم عید بعثت خطاب رؤسای شرکت ملی نفت ایران

سه شنبه چهارم دی ماه ۱۳۴۱

سه‌م می‌که در برنام پنج ساله سوم به شرکت ملی نفت داده شده امکان دست زدن به انجام پروژه های بسیار مهمی را به ما می‌دهد که یقیناً تأثیر آسانی در زندگی مملکت خواهد داشت . بهره برداری از منطقه قم و سرسره از افتخارات مملکت ما خواهد بود . زیرا این کاری است که تا قبل با به تنهایی و به صورت کاملاً دست نخورده و اختیار اداری و مالی خودمان انجام داده و توانسته ایم در یک منطقه ای از کشور از نظر نفتی اکتشاف و استخراج و انشا و الله بهره برداری کنیم .

این کار هم باعث خوشوقتی و افتخار ما است ، و هم تأثیر مستقیم در تقضا و مملکت خواهد داشت از طرف دیگر باید تمام اینها مقدمه تأسیس یک صنعت جدید و مملکت باشد که از لحاظ دنیا صنعتی خیلی قدیمی نیست و آن صنایع مشتقات نفت یا پتروشیمی است . چون این صنعت خیلی سابقه ندارد ما نیز از این بابت نسبت بسیار کشور های پیشرفته چندان عقب نماندیم و می‌توانیم از تجارب آنها بخوبی استفاده کنیم و مثل منابع فولاد یا امثال آن نیست که ما سابقه عقب ماندگی



طوفانی داشته باشیم . بنا بر این در این مورد محترم ما باید هر چه زود تر عقب افتادگی مختصر خود را  
جبران کنیم و خدا کثر بهره برداری را ببل آوریم .



## سخن شاهی

در مراسم عید میث خطاب به رؤسای اتاق بازرگانی

شنبه چهارم دی ماه ۱۳۴۱

آقایان بازرگانان باید خود را برای شرکت در کنفرانس اقتصادی که بزودی در تهران تشکیل خواهد شد آماده کنند. امیدواریم با استحکام وضع مالی و پولی کشور و وسایل کافی تشویق سرمایه‌گذاری و اطمینان به وجود اجرای برنامه‌ای لائق چند ساله وثابت، نه تنها سرمایه‌های فرار برگردد بلکه سرمایه‌های بسیاری هم که اکنون بی‌مصرف مانده است بکار بیفتد. در راه بهبود وضع زندگی خود از تمام عوامل مساعد برخورداریم، ثبات سیاسی و اجتماعی داریم؛ نقشه‌کار داریم، هیچ خطری ما را تهدید نمی‌کند و با اقدامات اصلاحی وسیعی که در گام شتون مملکت در جریان است کشور ما از انحطاط داخلی و خارجی بصورت صحیح استواری در این منطقه از جهان درآمده است که امید داریم نفع آن هم عاید خود ما و هم عاید سایرین گردد. در هر صورت وظیفه شخصی و ملی آقایان بازرگانان است که با فعالیت بیشتر و همکاری زیاد هم به خودشان هم به مملکتشان فایده برسانند.





## سخن شامشاه

در مراسم عید مبعث خطاب بیست و یکمین دولت روسای ادارات ولایتی

در شب چهارم دی ماه ۱۳۴۱

از تبریکات شما ممنونم و به نوبه خود این عید سعید اسلامی را به عموم کارمندان دولت  
تبریک می گویم و توفیق همگی را در لوای اسلام و در پناه دین مبین در خدمت به مملکت و افراد این  
مملکت خواستارم.

ما اگر از روی خلوص نیت و صفای قلب و در عین حال با رعایت وجدان و تطبیق کار  
خود با موازین احکام حقیقی قرآن عمل کنیم قطعاً می توانیم به خواست خداوند مملکتان را به جلو  
برسیم. امروز دنیا با سرعت به پیش می رود و وظیفه ما این است که خودمان از آن نقطه بهمان سرعت  
پل متریقی، بلکه سریعتر از آنها جلو ببریم. زیرا اگر سرعت ما حتی به اندازه آنها باشد فاصله ای که  
قرون اخیر میان ما و آنان پیدا شده است به چو قوت پُر نخواهد شد. بنابراین باید تماماً ما سریعتر  
جلو برویم تا به دیگران برسیم و همین کار را راهم خواهیم کرد. یعنی از هیچ فرصتی غفلت نخواهیم  
ورزید و از هر دقیقه ای استفاده خواهیم کرد و از تجربیات دیگران نیز پند می گیریم. بدین ترتیب



که کاری را آنان در طول مدتی دیدند انجام داده و در حین عمل اشتباهات خویش را تصحیح کرده اند  
تا بالاخره نتایج رضایت بخش گرفته اند ما با تأییدیت خداوند مدت کوتاهی تبری با استغفار  
از آخرین تجارب آنان انجام خواهیم داد و بدین وسیله عقب ماندگی خود را جبران خواهیم کرد.  
امیدوارم در پرتو انکار و تعالیم عالیّه حضرت رسول اکرم بزودی جای خویش را  
میان خوشخت ترین مل جهان احراز کنیم.



## سخن شاه شاه

در مراسم عید مبعوث خطاب بنام نه شورای عالی صنایع

سه شنبه چهارم دی ماه ۱۳۴۱

در دنیای امروز هیچ جامعه‌ای قابل وام نیست مگر اینکه خودش ابرطرح تمدن پیشرفته ممالک مترقی  
جهان برساند. خوشبختانه ما در همین راه پیش می‌رویم و به همین جهت است که این افسیت ثبات کم نظیر  
در مملکت ما وجود دارد.

مسئله در راه اصلاحات عمیقی که در کشور ما صورت می‌گیرد اکثریت قریب اتفاق ایرانیان  
هم فکر هستند و به خواست خداوند همه کارها بخوبی پیشرفت خواهد کرد. دوره بحرانی اقتصادی  
با تأییدات الهی انشا الله بکلی سپری خواهد شد و باید اشخاص هر که ام به فراخور حال خود از سرمایه و  
ابکار خود استفاده کنند.

مملکت ما از لحاظ اقتصادی نه فقط ورشکسته نیست بلکه به آنطور که اندکی پیش رئیس بانک  
مرکزی توضیح می‌داد یکی از ثبات‌ترین و بهترین موقعیت‌های ارزی و مالی را دارد.  
باید اعتمادی که سسزلزل شده بود دوباره باز گردد و فعالیت‌های اقتصادی شروع شود.



برای شکارهای اجتماعی و تعاونی مخصوصاً خیلی اهمیت دارد زیرا امروز کار تعاونی کلید حل مسائل  
مصرف و تولید و توزیع است .



## سخنان شاهشاه

دورام عیدبعث خطاب بر رئیس کل بانک مرکزی

سه شنبه چهارم دی ماه ۱۳۴۱

امیدوارم با تثبیت وضع پولی و ارزی که بدان اشاره کردید اطمینان مردم تیرگاملا برکزد  
و وسعت بیشتری در امر سرمایه گذاری پیدا شود. سعی کنید اطلاعات بیشتری درباره وضع  
اقتصادی در دسترس مردم بگذارید و این وضعیت سالم اقتصادی را بهتر برای ایشان توضیح  
دهید. می بینم که حراید و مطبوعات بین المللی گم گم متوجه این حقیقت شده اند و وضع اقتصادی  
استوار ما را منعکس می کنند ولی البته لازم است خود ایرادها بیشتر و بهتر در جریان این امر  
باشند. از طرف دیگر باید همه توجه کنند که در یک مملکت دموکراتیک بدون سرمایه گذاری -  
بسی مردم رشد اقتصادی غیر ممکن است و این خود مردم هستند که باید دست به فعالیتها  
صنعتی و اقتصادی بزنند.



## سخنان شاهنشاه

در محل بنای یادبود مهندس کاتبی در شیراز

پنجمین شهریور ماه ۱۳۴۱

روی بنایی باشما صحبت می‌کنم که یادبود مردی است فداکار. کسی که در راه انجام وظیفه برای یک امر بزرگ ملی جان خود را از دست داد. این فرد از فرزندان همین اُستان است. آسانی که سوابق تاریخی آن مایه افتخار ایرانی است حتی مایه افتخار بشریت میباشد. این سرزمین در تاریخ گذشته محل بهترین نوع حکومت در زمان خود بوده است. ممد بزرگترین امپراتوریهای دنیا بوده. امپراتوریهایی که نه فقط بر اساس کشورگشایی بنا نهاده شده بود، بلکه بر اساس شیلات صحیح اداری، بر اساس عدالتی که در آن زمان ممکن بود به عقل برسد. بر اساس امپراتوری کوروش؛ آن کسی که در واقع اولین اعلامیه حقوق بشر را صادر کرده بود؛ بر اساس طرز تفکری که پس از کشورگشایی به ملتی که سرزمین آن را فتح کرده بود آزادی می بخشید و آن سرزمین را از شر ظلم و ستم ربانی می بخشید و آنان را از اوند به زندگی خود تشویق می کرد. در چنین سرزمینی، در این اواخر روی دوره های انحطاط ما پذیرایی شنیده بودیم که خوشبختانه داریم در محو کامل آن می کوشیم.



در یکی دو تیرن اخیر انحطاط مملکت ایران این سرزمین با عظمت فارس را تبدیل به یک مملکت بی تکلیفات، مملکتی که حکومت مرکزی حتی قادر به اداره پایتخت خودش نبود کرده بودند. در پایتخت مملکت شهر تهران موقعی که هوا تاریک می شد کسی جرأت نداشت از خانه اش بیرون رفت در سر هر کوئی بر زنی هر کسی که یک قدری گردن کلفت تر بود، هر کسی که چاقویی به پهلویش می بست او حاکم محله بود؛ و در خارج از شهر تهران در چند فرسنگی نایب حسین کاشی بود و لازم نیست که بگویم در فارس وضعیت از چه قرار بود. این اوضاع بهم خورد و در زمان حکومت پدر من در این مملکت اقیقت برقرار شد. مثلی بود معروف که حتی یک پیرزن می توانست بایک طشت طلا پیاده داخل این مملکت قدم بزند و کسی متعرض او نشود ولی شهریور سال ۱۳۲۰ پیش آمد. شهریور ۲۰ در این مملکت در گروینهای زیادی پیش آورد. از طرفی مملکت به وسیله قوای اجنبی اشغال شد؛ قوای اجنبی در موقعی که این مملکت را اشغال کرده بودند هیچ چیزی را بیشتر از این نمی پسندیدند که این مملکت آشفته باشد. برای اینکه خیال آنها راحت تر باشد یک عده ای را تشویق کردند باینکه هر گردن کشی برای خودش در یک قیمت ادعایی بکند و این منجر به ضعف حکومت مرکزی بشود و یکی را تشویق می کردند که احزاب مغل حکومت، و کسانی که زیر همه چیز می زنند مملکت را تضعیف بکنند.



در سرزمین شما اشخاصی باشند که هر موقعی، هر موسمی، به مناسبتی ماسکی به صورت خودشان بزنند؛ یک روز طرفدار یک سیاست خارجی، و روز دیگر سیاست مخالف آن، و روز دیگر یک سیاست دیگر؛ ولی هیچ وقت اینها طرفدار یک سیاست ایرانی متأسفانه نبوده و الا آن هم نیستند و افراد آنها هر جایی که بتوانند خنجر از پشت سر بر این مملکت فرو می‌برند. این وضع را اینها چگونه می‌توانستند حتی برای مدتی موقتی درست بکنند؟ آنها از رعیت ایرانی به عنوان رعیت خود یا به عنوان عضو ایل خود به آن سربق که دیدیم استفاده می‌کردند. رؤسای دیگر ایلاتی ما داشتیم و داریم و امروز هم اینجا ایستاده اند که اینها مردمان وطن پرستی بودند. هیچ وقت از راه وطن خارج نشدند و شاید پدران اینها هم یک روز کاری حافظ این مملکت بودند. مرزبان این مملکت بودند. و بعکس در مقابل جنبشی ایستادگی می‌کردند. من خطابم به آنها نیست؛ خطاب من به آنهایی است که خودشان هم می‌دانند که هستند؛ کسانی که صیر خایانان گردند به این مملکت. آنها از این رعایا و افراد ایل برای چاپدین، برای آتش زدن، برای کشتن، برای تهدید کردن، استفاده می‌بروند. اینها را وادار می‌کردند که دار و ندار خودشان را بزنند و بشند و تفنگی بخرند و چند فشنگی هم ذخیره بکنند و این را به قلب افراد خدنگتر از این مملکت





برزند تا مقاصد شوم و پلید آنها سرانجام بگیرد. این افراد دیگر نیستند و نخواهند بود و ما نشان  
و اعمالشان از صفحه روزگار این مملکت محو و نابود خواهد شد.

مهمترین وسیله برای اینکه این قبیل افراد سفاک و خونخوار در مملکت هیچ وقت نمودار نگینند،  
آزادی رعیت سابق و دهمقان امروزی ایران است. یک فرد آزاد غیر از نفع جامعه  
و نفع خودش و بخصوص نفع مملکتی که در آن از مواهب آزادی و زندگی شرافتمندانه بهره‌مند  
است هیچ وقت غیر از این منافع به کار دیگری نخواهد پرداخت. هیچ وقت دیگر او آلت  
دست این عناصر نخواهد شد. این اسلحات اضی در ایران معانی مختلف دارد. این کار  
فقط پیش این نیست که ما فقط سندی روی کاغذ به یک عده اشخاصی بدهیم و بگوییم که  
اینها صاحب زمین اند. خیر اینها افراد آزادی خواهند بود که با گردنی افراشته، با رچی  
مستقل، با امیدواری به آینده، نه فقط صاحب آن زمینی که می‌کارند خواهند بود، بلکه  
صاحب آینده و فرزندان خود و بحکم دار اداره فعلی و آینده مملکت نیز خواهند بود.

مملکتی که اکثریتش روی این اصل قرار داشته باشد این مملکت دیگر دستخوش هوس و  
هوس یک مشت مردم محلی و از آنها بالاتر، دیگر نخواهد بود. هر چه خواهی نسبت به این مملکت باید



بداند که سروکارش با تمام افراد این مملکت خواهد بود و اگر این اتحاد بین افراد مملکت باشد و اگر این اتحاد بین افراد مملکت محکم باشد، هیچ نیرویی در روی زمین نیست که چنین مملکتی را بتواند تحت انقیاد خودش دریاورد. اُستان فارس با این قدمهایی که برداشته می شود، به چندین هدف خواهد رسید. یکی اینکه افراد آزادی در آبادی این منطقه خواهند کوشید. این منطقه زرخیز روز بروز آبادتر خواهد شد. امنیت در این مملکت بیش از هر موقع دیگری برقرار خواهد شد؛ از راه ملک داری با آن وضع ناہنجار و غیر سالم گذشته وقت خودشان را صرف می کردند، امروز از راه دیگری شرافتمندان، از راهی که بسیار نفیض برای خودشان برای مملکت بشیر خواهد بود وارد خواهند شد و آن راه، راه صنعتی کردن مملکت است به تمام افرادی که یاروی جهل نادانی یاروی تشوین آن کسانی که از آنها بهره برداری می کردند و تا به حال به وسیله داشتن یک سلاح غیر مجاز، یا سرگردنی ایستادند یا آلت فرامی گرفتند توصیه می کنم که در اولین فرصت قبل از اینکه دولت اعلام خلع سلاح را مجده آنگذد، خودشان به اولین پست نظامی و ژاندارمری مراجعه بکنند و اسلحه نامبارکی که به دست آنها هست تسلیم بکنند. اسلحه را موقعی باید گرفت که در راه دفاع از وطن در برابر خطر باشد. آن موقع که خدا نخواست هیچ وقت بر



آن موقع هر کس که خواست در این راه قدم بردارد و دوشش بدوش سرمازان ایران باسجده  
که ارتش ایران به او خواهد داد بیاید و با برادرهای سرماز خود در میدان نبرد شرکت بکند و الا عوض  
اسلحه باید بسیل به دست بگیرد؛ باید پشت ماشین زراعتی بنشیند؛ و باید توی کارخانه  
کار بکند و بیکت موجود میفرد تولیدکننده‌ی برای مملکت باشد.

این آینده این استان خواهد بود. این استان دیگر محلی برای کسی که غیر از این فکر بکند  
نخواهد بود و انشاء الله همه با هم در بیکت آینده نزدیک شاهد چنان ترقیاتی باشیم که بر خود بیایم  
و افتخار بکنیم و مطمئن باشیم که خودمان در دوران زندگی خود و مخصوصاً سرزندمان در نسل آینده  
بخزّه افراد خوشبخت و مترقی این مملکت زندگی خواهند کرد و من باین موضوع مطمئن قاطع  
دارم برای اینکه می‌نیم چه احساساتی در نهاد و قلب شما هست؛ چه روحیه‌ای در شما زارعتین  
که امروز با شما صحبت کردم روحیه‌ی در تمام افراد این استان می‌نیم که بسیار قابل توجه است  
و او طلبینی از دانشگاه پیداشده اند و اینطور از روی کمال فداکاری وارد خدمت شده‌اند، و به  
استقبال هر پیش‌آمدهی رفند همه در این قبیل اصلاحات و شرکت یکدل و بیکتن شرکت  
می‌کنند، شرکت آنها از روی اعتماد و صمیم قلب است برای اینکه می‌بینند این اقدامات مورد پشتیبانی



تمام افراد این مملکت است .

هر کس در داشتن سلیقه فخر است می تواند برای خودش سلیقه ای داشته باشد  
ولی اینطوری که من می بینم حتی کسانی که سلیقه آنان مطابقت با این اقدامات نمی کند، یا برای  
مخالفت با آن اندازند و این بهترین علامتی است که چطور تمام افراد این مملکت در سال این  
اصلاحات می باشد. پس از درگاه خداوند توفیق بگردد که هر کسی که بخوبی بتواند در اقدامات اصلاحی  
شرکت داشته باشد خواستارم و بگردد این راه به درگاه اومی سپارم .



## سخن شاهشاه

در دانشگاه پهلوی شیراز خطاب به دانشجویان

چهارشنبه پنجم دی ماه ۱۳۴۱

فرصت گرانمایه و نیکویی است که در این نهم شیراز که به منظور دادن اسناد مالکیت به دهقانهای فارس، ولی در حقیقت دادن سند آزادی به یک عده از افراد شریف و مجتهد این کشور است و در همین حال و برای بانختین در یک اجتماع از اساتید و دانشجویان این دانشگاه حضور پیدا کرده و چند کلمه ای راجع به آینده ای که در انتظار این دانشگاه و ضمناً آینده ای که در انتظار وطن ما هست صحبت کنم. اصولاً ملت ما، مجامع تاریخی دنیا و جامی دور نرویم ایران خود ما موقعی به حد تکامل و ترقی رسیده اند که در آن عهد و زمان پایه علم و هنر و ذوق ادبی و لطافت کلامی روح آنها مراحل مترقی را پیموده بود.

در تاریخ ایران اگر بسنجیم دوران مجد و عظمت ما همیشه توأم بوده است با دوران رونق علم و هنر و دورانی که دانشگاههای معروف ایرانی بر جبهان آن روز پرتو افکنی می کرده اند و افرادی شماری از ممالک دیگر دنیا برای کسب علم با این سرزمین روی می آوردند، و از



امکانات این مملکت نور علم دانشندان این مملکت بهره مندی شدند و ضمناً می بینیم که انحطاط مثل  
انحطاط بسیاری از ملل دیگر دنیا مصادف بوده است همیشه با انحطاط دستگاههای علمی و دانش این مملکت.  
امروزه طیفه مادر این مملکت این است که شاهد رستاخیز این مملکت در این ملت در تمام شئون آن باشیم.  
اگر امر در اقداماتی می کنیم که بخواست خداوند ما را در قسمتهای اجتماعی هم در یف پیشرفته ترین ممالک  
دنیا قرار می دهد، اگر صحبت از عدالت اجتماعی می کنیم، اگر صحبت از اصلاحات ارضی می کنیم،  
اگر صحبت از خدتنه و تأمین حداقل معیشت برای عموم افراد می کنیم، و اگر حتی آرزوهای خود را به آنجا  
می رسانیم که بگوییم این مملکت می تواند استعداد آن را دارد که در آینده نزدیک یعنی صحبت از یک نسل  
می کنیم، ما می توانیم سطح زندگی این مملکت را برسانیم به پایه ممالک مترقی دنیا. این اقدامات  
موقعی حقیقتاً ریشه دار خواهد بود و دوام خواهد کرد که بر بنیای علمی و بر بنیای تحقیق استوار باشد و الا  
اقداماتی است زودگذر مربوط به فرد و با خود فرداً و حیثاً و خدا می نخواسته ممکن است از بین برد ولی  
بجس و وقتی که یک جامعه ای در اقدامات مترقیانه آن توأم باشد با ریشه دار بودن فرهنگ  
و علم و ادب و هنر، این دو با هم چنان توأم و دوامی به نظر هر آن جامعه می بخشد که قرنهای طول  
می کشد که حیثاً باز یک تمدن عالی را می دچار کند و آسیبی نباشد. پایه علمی که در این دانشگاه



می‌خواهیم بریزیم پایه‌ای است که با عالی‌ترین پایه‌های دانشگاهی و علمی امروز جهان باید رقابت بکند و بخواست خداوند رقابت خواهد کرد و هیچ چیز کمتر از این مارقان نخواهد کرد و مقدمات این کار همان طور که طسلاع دارید از همین راه فراهم شده است و ادامه خواهد داشت.

افرادی که در اینجا جمع شده اند هر کدام سوابقی دارند. آنهایی که سستی از آنها گذشته سوابقشان معلوم است در راه این مملکت زحمت کشیده اند، خدمت کرده اند. هر کسی به نوبه خود تألیفاتی دارد و در سواد، عده‌ای را تربیت کرده، چندی به کردن این جامعه دارد. ولی آنهایی که تازه آمده اند و در خانه نشاء وارد شده اند، آنها نیز شاید ستاره‌های درخشان این مملکت باشند. اینها کسانی هستند که حتی در ممالک خارجی شهرت بسزایی دارند. اینها ما را در جاهای دیگر با احترام و عزت و با کمال منت دعوت خواهند کرد و می‌کنند ولی اینها ترجیح داده اند که به مملکت خودشان برگردند و خدمت بکنند ولی وسیله خدمت را البته باید برای اینها فراهم کرد. وسیله خدمت هم محیط صحیح علمی است که خوشبختانه برای آنها فراهم خواهیم کرد و البته وسایل لایزال را و تحقیقی هست که باید در اختیار آنها گذاشت تا بتوانند آن چیزی که در ذات آنها نهفته است به منصفه ظهور برسانند و در عین حال عده زیادی را در همین راه و در همین بکثرت تربیت و تعلیم ببندند.



چند روز پیش شاکردان اول دانشگاه تهران برای معرفی نزد من آمده بودند و درصین تپایش زحمات آنها و تبریکات احرار این معتصم و اطمینان اینکه مسلماً اینها افرادی هستند که زحمت کشیده اند تا نایل به چنین درجایی شده اند، و باز هم اینکه من مفید می دانم که پس از تحصیلات دانشگاهی این قبیل اشخاص با تحصیلات بیشتری به خارج بروند و در مراجعت بتوانند در زمره دانشمندان مملکت قرار بگیرند و به نوبه خود برای اعتلای علم در مملکت خودشان مفید واقع شوند ولی درصین حال گفته بودم که متأسفانه در فرهنگ ما در خیلی از مراحل می بینیم که شاید بدف یک مؤسسه، دادن وقفه پارهای به اسم دیپلم است و برای اینکه افراد را راضی بکنند و از خود خوشتر بنمایند یا از روی عدم علاقه به هر کسی که می رسد یک تصدیق ابتدایی به دستش می دهند و او را رها می کنند که دخل این جامعه بشود و او حیثیت او را سر بار جامعه می کند. یا اینکه آن شخص را هم باین کار گول می زنند یعنی او حقیقتاً فکر کند که دارای معلوماتی هست. پس چون دارای معلوماتی است باید مملکت از او استفاده بکند و چون مملکت از او استفاده نمی کند، به نظرش این جامعه و این مملکت دارای معایبی می شود که خدای نخواسته افکار او را مستعد قبول به نفع تحریکات تخریبی می نماید. در صورتی که اگر مطالعه بکنند تمام ممالک دنیا موضوع فرهنگ را همین خود حل کرده اند. در سایه رفت اط





کسانی دنبال آموزش عالی می روند که یا استعداد ذاتی دارند و یا اینکه این استعداد در اولیای  
امورازدبستان گرفته تا دبیرستان و دانشگاه ما داریم مراقب هستند و به جای خود آنها تشخیص  
می دهند که استعداد دارند و بدان هم وسیله تحصیل آنها را فراهم می کنند .

پس کسانی در آن ممالک دنبال تحصیلات عالی می روند که قطعاً این استعداد را داشته باشند  
و نه وقت خودشان را تلف بکنند و نه جای افراد با استعدادتری را در دانشگاه بگیرند و موقعی که  
حقیقتاً از تحصیل فارغ می شوند اینها می توانند در آن رشته ای که درس خوانده اند برای مملکت و  
برای جامعه مفید واقع شوند . ولی ننگ نیست اگر فردی در یک مملکت حتماً در رشته ای فارغ التحصیل  
نشود و دوره دانشگاه را نماند . یک جامعه را عموم طبقات آن جامعه تشکیل می دهند حالا این از  
عالیترین استاد های دانشگاه گرفته تا نجار و کیمش و زارع و کارگر همه با هم تشکیل یک جامعه را  
می دهند ، نه این بدون آن می تواند زندگی بکنند و نه آن استاد عالی مقام دانشگاه می تواند بدون  
کلیک سایر طبقات دیگر زندگی را ادامه بدهد . زیرا جامعه تکمیل نخواهد بود و یک جامعه ناقصی قابل  
دوام نیست . پس این ننگ نیست ، عار نیست که انسان کار دیگری را هم غیر از تحصیلات  
عالیه دانشگاهی انجام بدهد . بگذارید بر جسته ترین افراد از سحاط کفر ، از سحاط مغر ، از سحاط استعداد



این کار را بکنند و ضمناً افراد لایق تری در سایر رشته های مورد تحقیق کشور آراه دیگر تربیت شوند که مجموع این زحمت و این خدمات، مملکت آباد و مترقی و خوشبختی را فراهم کند.

باز چند وقت پیش فرصتی دست داد تا اینکه در کرمانشاه و قبل از آن هم در شهر انکارا و تانابول اظهار بدارم که برخلاف گذشته این مملکت متعلق به یک گروه مخصوصی که آن روز صحبت از هزار فایل کنذایی بوده ندارد. گفته بودیم که این مملکت متعلق به همه است، هیچ فزیتی را یک عده بر عده دیگر ندارند. این صحبت هم در این محیط به عقیده من صحیحی است مفید. برای اینکه در این محیط است که این قبیل تذکرات بیشتر از جای دیگر زود تر از هر جای دیگر درک می شود و در پیش خودشان بحث می کنند و معانی آن را می فهمند.

همان طور که خداوند تمام افراد بشر را در موقع خلقت مساوی خلق کرده است، همین طور در یک جامعه ای برای تمام افراد مملکت باید همه نوع امکان پیشرفت و ترقی موجود باشد. در راه پیشرفت و ترقی هیچ مانعی در سر راه هیچکس نمی تواند باشد؛ تنها مانعی که هست آن استعداد فطری و تربیتی است. استعداد فطری هم مورد بحث دانشمندان است که اصلاً تا چه حدی قایل به این موضوع هستند یا نیستند. من وارد نمی شوم چون اطلاعات کافی ندارم. شاید این بحث اصلاً



طولانی باشد ولی امکانات دیگری در دست اجتماع ما است. اجتماع ما باید طوری بنا نهاده باشد که هیچ نوع مانعی برای تکثیر استعداد های افراد آن جامعه وجود نداشته باشد. در این راه این موانع دانه دانه از سر راه اجتماع ما برداشته می شود. هر نوع بی عدالتی اجتماعی اگر وجود داشته باشد از بین می رود. اقداماتی که امروز می شود این است که تمام افراد این مملکت به حقیقت آزاد زندگی بکشند. این آزادی همان طوری که همه می دانند موقعی محترم است که در حدود قانون باشد. این محیط دانشگاه است که معنی این حرفها را می فهمد. از یک طرف آزادی از یک طرف اینکه هر استعدادی باید بتواند ظهور بکند و برابر وجود بکند و از طرف دیگر می دانند که آزادی موقعی امکان دارد که در حدود قانون باشد. وقتی موانعی که سر راه هست برداشته شد، یعنی با اقدامات فعلی و اصلاحات ارضی بنفاد و پنج درصد جمعیت این مملکت به تمام معنی آزادی شود. اقدام دیگر تشکیل سپاه دانش یعنی تأمین آزادی صد درصد جمعیت مملکت است. موقعی شما می توانید آزاد باشید که هم به حقوق خودتان، و هم به منافع خودتان، و هم به حقوق و منافع دیگران آشنا باشید. این کار از کسی بر می آید که او قدرت درک و فهم آن را داشته باشد قدرت درک و فهم موقعی متبصر است که یا تعلیم بدینند و از استاد و معلمی بشنود و یا اینکه بتواند این چیزها را



درجایی بخواند و این فقط موقعی ممکن است که فرد سواد خواندن و نوشتن را داشته باشد. مبارزه با بیسوادی به همین منظور است. ساده ترین چیزی که این است که با فرا گرفتن سواد احتیاجات اولیه فردی و اجتماعی را یک فرد این مملکت بداند. احتیاجات اولی اصول اولیه بهداشت است، اصول اولیه طرز زندگی کردن است؛ و از این گذشته به حقوق خودش واقف بشود. به احترام حقوق دیگران نیز واقف بشود؛ به احتیاجات جامعه واقف بشود؛ و بالاخره به منافع عالیه مملکت خودش آشنا بشود. این اقدام سپاه دانش امیدوارم بزودی سر تا سر ایران را فرا بگیرد. تا چند سال دیگر تمام افراد این مملکت از این موقعیت برخوردار باشند؛ و بعد، همان طور که قبلاً گفته شد تمام افراد این مملکت سواد اولیه را داشته باشند. تمام افراد این مملکت تحصیلات اولیه دبستانی را بیسند تجانی حتی اجباری؛ از آن سجد استعداد باید راه خودش را پیدا بکند. از تحصیلات دبیرستانی گرفته به عالیترین تحصیلات دانشگاهی باید تمام این استعدادها را ذاتی راه خود را پیدا بکند و به مملکت اولیای امور و مرتبان هدایت بشود. همین طور که در این دانشگاه در آن دو سال اولیای که همه با هم طی می کنند تشخیص داده می شود که بهترین آینده برای هر فردی در چه رشته ای است، به عقیده من از اولین سالهای تحصیل در دبستان پایه همین نوع مطالعه در



امروز فردا دانش آموزان این کشور باید بشود تا اینکه حد کثرت استفاده از امکانات روحی و مغزی  
فرد فرد مردم این مملکت به عمل آید.

مخلوط کردم؛ آینده این دانشگاه را با آینده شما دانشجویان این دانشگاه؛ و آینده شما  
اساتید این دانشگاه را با آینده مملکت. از لحاظ مملکت جامعه‌ای که بر اساس عدالت اجتماعی که  
امروز مترقی‌ترین ممالک دنیا می‌توانند بدان بیایند استوار بود و هر دانش‌تاجد و تسانی از نعمت  
سواد برخوردار باشند، و بالاتر از آن وسیله و طریقی که بهترین استعدادها بتواند راه خود را پیدا کند  
و برابر وجود بکند فراهم بود، و آن مملکت تحویل چنین استعدادیانی داده شد طبیعتاً نتیجه عادی و حتمی آن  
ترقی و عظمت و سر بلندی و افتخار و در عین حال آسایش و خوشبختی است. من نسبت به این آینده  
هیچ تردیدی ندارم و حتی بقدری یقین دارم که از حلال آئینه را مجسم می‌کنم. در این مملکت تاریخی  
صحت از تاریخ کردن برای شما فارسی ما باید صحبت دلنشی باشد، چون اینجا مهد تاریخ است،  
مهد عظمت است، مهد علم است، مهد ذوق هنر و ادب است. این مملکت تاریخی که موقعی  
از لحاظ نظامی و کشورگشایی بزرگترین امپراطوری بوده است، از لحاظ علم و ادب بی‌شک  
بخصوص نام بلندی در دنیا دارد و سایر نقاط ایران، دانشگاه‌های ایران بزرگان علم و ادب ایران



معروفیت جهانی داشته اند. آن عظمت گذشته و ما امروز با علمی جدید، با هنسری جدید، با تحقیقات جدید، با اصول عالی تمدن امروزی، همه توأم بوده و خانواده مای ایرانی بر اساس رفاهیت، از لحاظ مادی و امنیت، از لحاظ قضایی و از لحاظ مترقی بودن جامعه و همچنین سر بلندی از لحاظ شکستگی علم و هنر و دانش استوار باشد. و ما در مرتبه در این نقطه از دنیا از هر لحاظی بتوانیم سر مشقی باشیم و شاید در آینده مثل گذشته طلاب زیادی از نفت ساط دیگر برای فرا گرفتن تمام اصول به مملکت ما رو بیاورند و انشاء الله این دانشگاه همچنان مرکزی باشد که بتواند کعبه ای باشد برای تمام طلبانی که به سمت آن رو خواهند آورد.

کتابخانه تخصصی  
تاریخ اسلام و ولایت  
۱۳۷۴



## سخن شاهشاه

به مناسبت روز تأسیس ارتش

به شنبه هجدهم دی ماه ۱۳۴۱

به مناسبت روز ۱۸ دی ماه که مصادف با روز تأسیس ارتش به دست توانای پدر  
تاجدار ما علیحضرت فقید شاهنشاه رضاشاه کبیر می باشد با صدور این فرمان درودی پایان خود را  
به روان پاک آن سرباز فدایی راه میهن نثار، و یاد آوری شویم که دوام و بقا هر قوم و ملتی بسته  
به میزان علاقه مندی و فداکاری آنها در راه ترقی و عظمت کشور خود می باشد و لازم می دانیم  
که نیات و علاقه خاصه خود را در ادای بر نیر و مندی ارتش و سایر قوای انتظامی که ضامن بقا  
و هستی مملکت است به کلیه افسران، درجه داران و افراد نیروهای مسلح کشور ابلاغ بداریم.  
ارتش ایران در سیر تکاملی خود به نسبت تحولات فعلی دنیا با فداکاری شما افسران درجه داران  
و افراد موفقیت داشته و به فنون و رُموز جنگی امروزه آشنا گردیده و رضامنندی خاطر حاصل است.  
آرزوی ما اینست که با تأییدات خداوند متعال وسیع و کوشش کادر نیروهای مسلح  
توفیق بیشتری در راه عظمت و اعتلای میهن عزیز حاصل گردد.



# پیام شاهنشاه

از رادیو ایران

پس از تصویب لوج ششگانه از طرف ملت ایران

دوشنبه بیستم بهمن ماه ۱۳۲۱

ملت ایران :

قلب من بر شمار از سرودی است که از پانچ مثبت شبانه ندی خودم در خویش احساس می کنم.  
 من از شما خواسته بودم که درباره مسایل شخصی که با سر نوشت این کشور ارتباط جاتی و مستقیم  
 دارد نظر خود را به صورت صریح و قاطع ابراز دارید و شما بار امی خویش نشان دادید که مفهوم این  
 تصویب ملی و اهمیت آن را با کمال خوبی در یاقه اید. همین حسن تشخیص شماست که ایمان و اعتقاد  
 مرا نسبت به آینده این مملکت از هر وقت دیگر استوار تر و تزلزل ناپذیر تر می سازد.

ملت عزیز من! از امروز ما با هم تاریخ ایران را ورق زده ایم. این تاریخ پیش از این نیز  
 پر از صفحات درخشان و پر افتخاری بوده که در طول قرون و اعصار با دست مردم فداکار  
 وطن پرست و پاکدل این سرزمین نوشته شده است و لی شاید در این دوران ممتد به چو قوت





اتفاق نیقاده بود که بنیاد جامعه ایرانی بصورتی چنین عمیق و اساسی درگون کرد و این اجتماع  
کهن بدین طریق بر اساس عدالت اجتماعی و در راه ترقی و سعادت و سربلندی بقالبی چنین نو  
درآید .

ما در این منطقه از دنیا بخواهیم خداوند و با همت شما چنان مملکتی خواهیم ساخت  
که از هر جهت با پیشرفته ترین ممالک جهان برابری کند . مملکتی خواهیم ساخت که کشور آزادگان  
و سرزمین آزاد مردان و آزاد زنان باشد و در آن نوع ایرانی بتواند در محیطی بارور و منسزه  
و دور از فساد قدرت و خلافت جاودانی خویش را که راز بقای این ملک و ملت است بهتر  
و بیشتر از هر وقت دیگر جلوه گر سازد . زیرا اکنون دیگر زنجیرهای اسارت گسسته شده و ۷۵  
درصد از جمعیت این مملکت که پیش از این در قید به سر می بردند از نعمت آزادی برخوردار شده اند  
این عده و سایر افراد ملت خواهند توانست در انتخابات آینده برای نخستین بار با احساس  
آزادی رأی دهند و تعیین سرنوشت خویش با خست یا رکال شرکت جویند . شک نیست  
که در آینده مردوزن ایرانی با استفاده از شرایط جدید اجتماعی دوشادوش یکدیگر برای ساختن  
ایران نوین آباد و مترقی خواهند کوشید .



این تحول اجتماعی و ملی که امروز در ایران روی داده است در واقع انقلاب بزرگی است که هم قانونی و هم مقدس است. قانونی است برای اینکه شاه شما که حق وضع قانون را دارد تصویب آنرا شما خواست و شما یعنی ملت ایران که به موجب قانون اساسی توای مملکت ناشی از اراده و خواست شماست این انقلاب قانونی و ملی را تصویب کردید و با رأی قاطع و شگفتناز خود بر آن صحه نهادید و بدین ترتیب تحولی بس عظیم انجام گرفت بی آنکه خون از دماغ کسی جاری شود و یا کمترین ترزلی در اساس کهن ملی ما که به عکس صد چندان قایم تر و استوارتر بر جای مانده است پیدا آید.

از جانب دیگر این انقلاب انقلابی مقدس است برای اینکه هم اساس روح تعلیمات عالی اسلامی یعنی عدالت و انصاف و هم مترقی ترین اصول و آرزوهای اجتماع تمدن امروزی در پیش نهاد ما و لوائی که اساس این تحول بوده ملحوظ گردیده است. بمعنی امن به عنوان پادشاه شما و مسؤول سرنوشت این کشورند که این حقیقت را لازم می دانم که من و شما در عین اینکه نایل به بزرگترین افتخارات فردی و ملی شده ایم نباید آنی مغرور شویم و چنین بپذیریم که وظیفه و کار ما به پایان رسیده است، بلکه لازم است بیش از هر موقع دیگر باره وجهی امی نیرومند و




و غرض استوار و باکوشش و تلاشی بیش از گذشته به کار خلاقه بردازیم تا هر فردی در طبقه  
که باشد بتواند مطابق قوانین مصوبه در حد و دکار و سرمایه خود و با انجام وظیفه خویش بیشتر و بهتر  
به ایران آینده خدمت کند و به همان نسبت نیز از مواهب و امکانات مملکت خود بهره مند گردد.  
برای امکان بیشتر و دموکراتیک و روزی ماباید در برنامه آبادانی پنج ساله سوم خود را  
درباره سرمایه گذاری بیشتر در ممالک و روستاهای ایران تجدید نظر کنیم و امیدوارم که مردم ایران  
تیر به سرمایه گذاری در صنایع کشور توجه زیادتری نمایند.

راهی که به شما نشان دادم تنها راه صحیح و منطقی و شرفمندانه ای است که ما همه برای تأمین  
آینده خود و فرزندان خویش و پیشرفت و ترقی واقعی این کشور کنشال و پرفخند پیش داریم و یقین  
دارم که همه شما بارش و چنگی اجتماعی که از خود نشان داده اید و با روح عینیت استواری که در شما  
یکایک از افراد این مملکت نهفته است به خاطر سعادت خود و سلسله ای آتیه بدین ندای من عملاً پاسخ  
مثبت خواهید داد.

پیش به سوی آینده ای که ایران و ایرانی را به اوج عظمت و سعادت خواهد رساند.

خدای ایران همواره پشت و پناه شما باد.



## پیام شاهنشاه

به تبریک حضرت رئیس جمهوری آمریکا

جمعه دوازدهم بهمن ماه ۱۳۲۱

حضرت رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا :

از تبریکات محبت آمیز شما بسیار ممنونم. نتیجتاً فرزندم همانطور که متذکر شدهاید منعکس کننده  
پشتیبانی قلبی و کامل و تقریباً با اتفاق آرای ملت ایران از اصلاحات اساسی است که بدست من  
صورت می گیرد.

این رأی حسن اعتمادی را که من همواره نسبت به حسن تشخیص ملت خود و تأیید مردم ایران از  
تقسیم من در بالا بردن سطح زندگی ایشان داشته‌ام تقویت کرده است. ما دعین آنکه به  
گذشته پراقتضای خویش مباحثات می کنیم نظر به آینده دوخته ایم و می گوئیم تا دوشادوش آزادترین  
و مترقی ترین ملل جهان در راه ترقی پیش رویم.

یقین دارم که در اجرای طرحهای اجتماعی و اقتصادی خودمان می توانیم به حسن نیت  
دوستان امریکایی خویش اطمینان داشته باشیم.



## سخنانشاه

دکنفرانس اقتصادی تهران

مبادر و زهشتم اسفندماه ۱۳۴۱

باکمال خوشوقتی این کنفرانس اقتصادی را افتتاح می‌نمایم. صحبت امروز ما قاعده  
باید از امور اقتصادی شروع شود ولی لازم می‌دانم قبل از اینکه به این موضوع بپردازیم اول  
صحبت از یک اجتماع سالم کنیم تا اینکه به یک اقتصاد سالم در یک اجتماع سالم برسیم کوششهایی  
که در مدت سلطنت خودم برای ساختن یک اجتماع سالمی انجام داده‌ام باید برای شما  
شرح بدهم تا اینکه بعد نتیجه‌گیری لازم را بکنیم. دوره انحطاط ما تا سفاکه درست  
در آخرین دفعه آن موقعی شروع شد که دنیای غرب بخصوص اروپا و بعد امریکا با سرعت چرخ  
تلاشگری مشغول پیشرفت و صنعتی شدن می‌بودند آن پیشرفت بعد وضع اقتصادی و سیاسی که  
ایجاد کرده بود و انحطاط ما و عقب افتادگی ما نتیجه اش این بود که نفوذ و حیثیت حکومت مرکزی  
ایران کم شده بود یا حتی از زمین رفته بود. همانطوری که خیلی از شما با ما در آن دست‌یا‌به‌دست  
صورت اطلاع دارید قبل از زمانداری پدر من نه فقط حکومت مرکزی ایران مگر نفوذ می‌شد



بلکه در خود شهر تهران در موقع تاریکی کسی با خیال احتیاط از منزل خودش خارج نمی‌شود و البته این وضع می‌ببینید که مملکتی که این طور امنیت از او سلب شده باشد دیگر فعالیتهای اقتصادی و غیره اش به چه حدی تنزل می‌کند. در زمان پدر من کاریابی که انجام گرفت اول ایجاد امنیت بود. ملوک الطوائفی را از زمین برد. نفوذهای وحشیانه و قرون وسطایی کردن کشتن محلی را از زمین برد، و اینها سالها طول کشید. با هرات با خون جگر، با فداکاری حده زیادی از افرادی که با جان و دل در این راه قدم برمی‌داشتند. در هر صورت دوره زمانه ماری پدر من که بخصوص باید از هزار و سیصد و تقریباً چهار حساب کنیم تا موقع رفتن از زمین بردن نظام نفوذ نامشروع خارجی و داخلی در این مملکت بود. یعنی ایجاد امنیت، تسکین کردن لباس مردم، و از زمین بردن نفوذ خانها، ایجاد حکومت قانون ادگستری، و تائیس مدارس، بیمارستانها خیلی اقدامات دیگر که شمردن آن شاید ساعتها وقت لازم دارد. ولی چیزی که فرصت نشد بود که به آن رسیدگی کامل شود موضوع پیشرفت اجتماع ایران مطابق مل پیشرفته دنیا یعنی برقراری عدالت اجتماعی آنطوری که ما امروز آزادی فهمیم. البته آن روز این کار وسعت امروز را پیدا نکرده بود ولی معذرت آن زمان هنوز فرصت اینکه نسبت به رعایای آن موقع



این مملکت فخری بشود فرصت پیش نیامده بود. جامعه شاید حاضر به مجسم این مطلب نبود، و  
بعینین چون مملکت آن موقع کارگزار اصولاً نداشت کارگر تخصصی که البسته به طریق اولی اصلاً  
نداشت. اصلاً مدارس مگر در سال ها چند نفر فارغ التحصیل داشتند؛ مجموع فارغ التحصیلان  
این مملکت شاید می شد آن موقع روی انگشتی بدن انسان بشود. تحصیلات عالی وجود  
نداشت. پس آن زمان نمی شد که برای جمعیت رعیت آن موقع مملکت و کارگر مملکت تقسیم  
کافی برای مصت ام اجتماعی آنها داد. موقعی که جنگ بین المللی دوم پیش آمد و ایران مثل دفعه  
اول، مثل جنگ بین الملل اول با کمال حس نیت به اصطلاح بطرفی خود را اعلام کرده بود و  
این سیاست قویاً از طرف ما و از طرف پدر من تعقیب و دنبال می شد دیدیم ناگهان منافع  
عالیه متحدین آن روز این طور ایجاد کرد که یک اه بالنسبه امنی دور از منطقه جنگ باید پیدا کرد  
که مقاصد نظامی خودشان آن روز با فراغ بال انجام بدهند این راه که بسم به دیار طرفی  
وصل باشد و بسم به خانی که منظور گمگ بود بهترین راه راه ایران تشخیص داده شد و متأسفانه  
مملکت ما به طور غافل گیرانه ساعت چهار صبح مورد تجاوز قرار گرفت و بیمارانش و بالاخره  
اشغال شد. و البسته پدر من روی اصل وطن پرستی و اینکه عمر خودش و جان خودش و



سلطنت خودش را اگر می‌خواست برای خاطر مملکتش بود برای این که خرابیها و اشکالات ناشی از یک مقاومت مایوسانه را از بین ببرد، محدود بکند. من در آن روز به عنوان ولیعهد برای ادامه دادن سلطنت موروثی به تمام سلطنت رسیدم و خاطر ماست که از همین منبری که الان هم در آنجای زندگی می‌کنم ما رسیدن به مجلس برای ادای سوگند شاید قریب یک ساعت این طی مسافت طول کشید برای اینکه مردم پایتخت چنان احساساتی ابراز می‌کردند که فری می‌کنم این احساسات تنها نسبت به ولیعهدی که ظاهرًا محبوب آنها بود اختصاص نداشت بلکه عکس العمل احساسات وطن پرستانه ای بود که خواستند در آن موقع که مملکت و شاید در همان روزی که پایتخت مملکت به وسیله قوای خارجی اشغال می‌شد نسبت به شاه خودشان نشان بدهند؛ و این احساسات ادنیایک احساسات همین پرستانه تلقی بکند. بهر صورت وقتی که مستقیماً وارد کار شدیم ضمن اشکالات مملکتی، ضمن اینکه هر روزی از هر نقطه ای خبرهای بدی می‌رسید باز فلان کس به فکر کردن کشتی افتاده، باز خان خانی شروع شده است، باز یک عده ای تفنگچی جمع می‌کنند؛ باز یک عده یک عده ای را غارت می‌کنند؛ باز یک عده ای در محل خودشان حکومت شخصی برقرار کردند. دادگاه‌های شخصی برقرار کردند. از یک طرف؛ از طرف دیگر





برسیاست خارجی برای خودش اینجا ستون پنجم دست می‌کرد از طرفی دیگری دیدیم روزه روز قیامت  
بطور سرسام آوری بالای رفت و البته قدرت خرید مردم بطور مصنوعی در بعضی نقاط بالا رفته بود  
ولی بطور کلی در همه جای دیگر پایین رفته بود و آن موقع زمستانهای تهران مثل حالا گرم نبود بلکه  
سرد بود. چندین دفعه در سال برف می‌آمد. شهابی نخبندان زیاد بود، و من ناظر بودم که  
عده‌ای در کوچه‌های تهران در آن موقع شاید از سرمای گوشه‌خیابان‌نخ می‌زوند، بعضی با حقیقت  
از گرگسنگی بیارمی شدند بلکه تلف می‌شدند و در عین حال در آن موقع در زمان جنگ روی اصل  
همان وضعیت فوق العاده جنگ یک عده‌ای بعکس بسرعت داشتند ثروت با عجبیسی  
می‌اندوختند و بقول معروف یک عده‌ای از زورگرگسنگی می‌مردند. و شاید یک عده‌ای  
از زور پر خوری می‌ترکیدند. اینست که در ۱۳۲۱ برای بار اول شانزده هفده نفر  
به اصطلاح از وکلای آن روز و بعضی از وزرا در منزل خودم جمع کردم و به آنها گفتم که  
وضعیت اینست و اگر ما تحولی از بالا شروع نکنیم مسلماً دچار یک انقلابی از پایین خواهیم بود.  
تحول از بالا را همیشه می‌شود کنترل کرد؛ هدایت کرد و مهار کرد؛ در صورتی که انقلاب از  
پایین اگر هم نتایج خوبی داشته باشد، متأسفانه در یارخ خوانده ایم. و شاید خودمان هم دیده ایم



که چه بسا انقلابات از بدف او آید خودش منحرف می شود و بدترین تیاج رامی دهد اضافه بر آنکه  
به اصطلاح معروف تر و خشک بهم با هم می سوزند. بیاید در مطامع خود مان یک صدی قائل  
باشید و به یک منافع مشروع زیاد هم باشد ولی مشروع قانع باشید، ولی یک حد اقل زندگی  
را برای همه تامین کنید. کمی بعد از آن پنج اصل معروف آن زمان را اخوان کردم و آن پنج  
اصل این بود که به اصطلاح نان یا غذا برای همه؛ مسکن، بهداشت، فریبک و کار، کار  
برای اینکه کسانی که کار داشته باشند آفتقد، آمد و حقوق داشته باشند که بتوانند مسکن  
را برای خودشان تهیه کنند یا اجاره خانه عادلانه ای بپردازند. بتوانند خدایه تهیه کنند. و  
البسته فکر ما آن موقع این بود که فریبک یعنی تحصیلات ابتدایی مجانی و همگانی باشد و همچنین  
بهداشت. یعنی اگر کسی اتفاقاً قدرت پرداخت خرج معا بحودش انداشت و مملکت  
و سیال کافی باندازه ای باشد که او را در رضیخانه معا بحج بکنند. یعنی از فرط بی توجهی در گوشه  
کوچه ای بنفقد و نمیرد. این اما صحبت عدالت اجتماعی می کردیم، آن موقع و همانطور می که  
برای شما تعریف کردم این نظرات از ۱۳۲۱ من شروع کردم ولی همیشه اشکالات  
زیادی در سر راه ما بود که مانع رسیدن ما به تامین این وضع اجتماعی سالم در مملکت می شد. این



اسکالات چی بود؛ شروع کنیم اصلاً از اسکالاتی که در جامعه ما وجود داشت. اصلاً بینیم که رژیم ماچی بود رژیم ماطاهر رژیم مشروطه بود. قانون اساسی داشتیم حالا بگذریم که در چه شرایطی قانون اساسی مانوشته شده بود و علیه نعم چه کسانی نوشته شده بود. ولی به صورت قانون اساسی بود و قانون اساسی ما صحبت از آزادی افرادی کرد؛ صحبت از مساوی بودن در مقابل قانون می کرد صحبت از آزادی می کرد، و خیلی مواد دیگر. ولی در عمل چی بود در عمل مملکت ما بمقاد پنج درصد جمعیتش را که زارعین یا رعایای آن موقع تشکیل می دادند اینها از آزادی حقیقی که برخوردار نبودند مثلاً در موقع انتخابات و دادن رأی اینها را مسلماً آن مالک محل یا که خدای محل یا مقصدین محل ریه می کرد و اجیباً نااگر هم نمی کرد به اسم آنها برای که دشان می خواست در صند و قهای انتخاباتی می انداختند. اینکه بمقاد پنج درصد جمعیت مملکت نصف دیگر جمعیت مملکت که البته نصف آن بمقاد پنج درصد که رعایا بودند جز همین بهم حساب می شود نصف جمعیت مملکت را که زنهای مملکت و نسوان تشکیل می دادند.

اینها فقط از این حق محروم بودند، ولی اینها را اصولاً جزو مجربین دیوانگان و این قیل اشخاص می شمردند. پس اضافه بر اینکه نصف جمعیت از تمام حقوق در واقع محروم بود از



نصف دیگر جمعیت مملکت به این تناسب ۲۵ درصدش آنها هم که به این طریق جنبه رعیت داشتند و بی نفوذ اضافه بر اینها چون تعداد بی سواد در مملکت هنوز متأسفانه زیاد بود و اولاً اصلاً نه به وظایف خودشان آشنا بودند نه به منافع خودشان. پس می ماند یک عده متفقد بسیار محدود در شهرها، و بخصوص در تهران این عده متفقد به هر ستمی که لازم بود سعی می کردند که سیاست داخلی را سوق بدهند؛ و از طرفی سیاست های دیگری سعی می کردند این عده معدود متفقد را هم به سمت خودشان سوق بدهند. حالا اگر این یک عده متفقد اینقدر عاقل بودند که فکر بکنند منافع آنها موقعی تأمین می شود که یک مردمی باقی باشند، و یک جامعه ای باقی باشد، و فعالیت باشد، و آنقدر رضایت باشد که اینها بتوانند به زندگی خودشان به آن طریق ادامه بدهند، باز یک چیزی؛ ولی آنقدر هم اینها این عقل را نداشته اند و فخر می کردند که قضیه همان بگفت است که سرش را می کرد توی برف و چون او جایی را نمی دید فخر می کرد که یکس هم او را نمی بیند. پس به این ترتیب به حرفهای ما اینها قوی گشته استند، و حتی پشت سر من گفته بودند که این یک افکار عجیبی دارد، تا رسیدیم به قضایای آذربایجان. همین بی توجهی و همین بی عدالتی های اجتماعی خودش هم یک قدری بیشتر



به این مطلب بگفت کرد، وضعف داخلی و نفوذ های کوناگون و زناهم کاریهای بیست حاکم در آن روز مجلس ماکه به همین طریقی که تقیم انتخاب شده بود باعث این شد که یک آدم منصفی که همه هم می دانند که تحت چه نفوذ مایبی بود توانست البته به یک اکثاری تا یک سال تمام این استان محبوب را از مملکت جدا کند و زلزله عجمی در ارکان حیات ما بوجود بیاورد. خاطر هست که تقریباً سه ماه قبل از اتفاقات آذربایجان در مجلس ایران او بستر و کیون کرده بودند. یعنی یک عده ای و کلانی که به اصطلاح در اقلیت بودند در مجلس حاضر نمی شدند و به کار های دولت رسیدگی نمی کردند و مثل اینکه چهل نفر بودند آن موقع و این باعث آن شد که خوب در این مدت سه ماه هیچ کاری انجام نگیرد که آن موقع اصلاً کار های زیادی نمی شد ولی بهر صورت آبرو و حیثیت قوه مجریه ایران بحد اقل تنزل کند. در یک جلسه ای آن کارگردان آن اقلیت و او بستر و کیون آن روز می گفت آخر مادوتی که معین می کنیم باید تا حدی مورد رضایت سیاست خارجی باشد همان شخصی که بعد این طور ادعای وطنپرستی می کرد و بعنوان سیاست ملی ایران یک بلا های دیگری به سر ما آورد. پس با آن وضعیت می دید که کاری انجام نمی گرفت. در مورد آذربایجان بخواست خداوند و قیام عمومی این موضوع



را ما ازین بردیم . دلم نمی خواهد زیاد از کارم صحبت کنم ولی روی اصل دیگری ناچارم بگویم که  
بمان موقع با وجودی که سن زیادی از من نمی گذشت ولی به عنوان پادشاه مملکت و بخصوص  
به عنوان فرمانده حقیقی کل قوا در رأس قوای خودم به سمت آذربایجان هم رقم . این  
را من می گویم برای این که بعد دو مرتبه به این جریان می رسم که در مملکت ایران اگر پادشاه  
فخرش در راه مردم باشد و اقدام بکند قاعده باید کارش پیشرفت بکند . امروز هم وضع  
طوری هست که هر کسی که پادشاه ایران باشد غیر از اینکه در راه مردم قدم بردارد مسلمانا کار  
دیگری نخواهد کرد . برای این که این نمونه و آثاری که ما در این زمان می گذاریم اینطوری  
دستور العمل آیندگان خواهد بود که تحلف و تحلی از آن غیر قابل مبضم خواهد بود . در طول تاریخ  
ایران ، پادشاهان این مملکت ، ده بانفر از آنها هر دفعه در یک موقع خطری یا این مملکت  
را ساخت دادند و یا اینکه این مملکت ابوج ترقی و عظمت رسانند و حقیقه فخری کنم که اگر  
این مملکت یک ماه و دو ماه اتفاقا دارای رژیم سلطنت نمی بود چطور از هم می پاشید و  
و کلی نابودی شد

اگر من هم کاری توانستم در این مملکت کنم و بعد به شامی گویم در این او اخر ما چه کردیم فقط و صرفاً



برای این بود که پادشاه این مملکت بودم والا این انکاری که من دارم مسلمی هزاره با نفر دیگر میان  
افراد این مملکت دارند؛ و چرا آنها نمی توانند کاری بکنند پس چه امن توانستم این کارها بکنم  
فقط برای اینکه پادشاه مملکت بودم یعنی در این مملکت یا هر مملکتی رژیم خودش برای خودش  
خوبست ولی نمی گنم در این مملکت اگر بنا بود که رئیس این مملکت را هر چند بار به چند بار یک  
عهده ای می نشستند انتخاب می کردند این بیخست چهارچوب محضوراتی بود و اولاً چه آلت دستی می شد  
چه رشوه بانی می بایستی بدهد، و چه رشوه بانی اجیانامی بایستی بگیرد، و در تحت چه نفوذ بانی می بایستی  
قرار بگیرد؛ در صورتی که الان پادشاه شما اگر ترسی داشته باشد فقط از خداست، و  
اگر منفعتی داشته باشد فقط منفعت ملت ایران و مملکت ایران است.

بهر صورت مشکل آذربایجان به خواست خداوند و محبت مردم غیور این مملکت بر  
طرف شد. از وقایع آذربایجان اذغان بگنم مادر دست استفاده نکردیم. موقعی که من از  
آذربایجان برگشتم در نزدیکی های شریف آباد فروین بود مثل اینکه یک چند نفری که پیشوا  
آمده بودند منجمد مرحوم سید محمد صادق طباطبائی که خداوند روحش را شاد داشته باشد. مرد  
خوبی بود؛ مرد وطنپرستی بود، مرد آزاده ای بود، به آنها گفتم که سلطنت بر یک مشت مردم



فقیر برای من سپح لذتی ندارد، افتخاری ندارد، و موقعی که تهران رسیدیم از میدان فعلی محبته تا منزل من طی این مسافت سه ساعت طول کشید. یعنی احساسات مردم بود. شاید لازم بود که فردای همان روز اقلانیک پنجم اقداماتی که در این دو سه ماه اخیر ما انجام دادیم شروع می کردیم. نیتش در من بود چه قبل از آن موقع پنج سال شش سال قبل از آن موقع آن حرفه را من زده بودم ولی یا کادرش را ما گذاشتیم یا باز رسم در آن موقع هنوز مضمین این مطالب یک قدری مشکل بود. به هر صورت یا خبط و غفلت بود یا حقیقتاً تصور خود من بود، نتوانستیم کارهای لازم را در این مملکت شروع کنیم و آن احساسات عجبی که در این مردم بود کم کم تیراج البته فرونشست، و یک حالت یاسی پیدا شد، یا رکودی پیدا شد که تقریباً سه سال بعدش در ۱۳۲۹ از احساسات درونی مردم که همیشه وجود داشته که می بینیم حالا به چه حدی وجود دارد از احساسات درونی و وطنپرستانه و مردانگی مردم یک عده ای که بعد متأسفانه دیدیم به دروغ، به ریاء و تزویر استفاده کردند، و به عنوان یک تأمین منافع ملت ایران اردچان سیاست اول عالی و فریبده ای بود، بعد چنان سیاست مخرب خطرناک خانان براندازی شد که آخر سر مملکت را در واقع تحویل یک مشت مردم اجنبی پرست دادند و بقضا و قدر





پسوند که باز خداوند این مملکت و دو مرتبه احساسات بیدار شده، تحقیقی ملت ایران به آن وضع و آن خیمه شب بازی خاتمه داد.

این اسکالات را برایتان ذکر می‌کنم برای اینکه بینید چرا این کار بی‌نی را که الان ما شروع کردیم چرا اینقدر به تأخیر افتاده، و عقب افتاده، در صورتی که نیت و کوشش موجود بود. بعد از برچیده شدن آن بساط خیمه شب بازی در ۱۳۳۲ تا مدتی ما ناچار بودیم که خرابیهای عجیب آن زمان را برطرف کنیم، و اقتصاد خرد شده و در هم شکسته این مملکت را دو مرتبه به راه بیندازیم؛ و این خودش یک چند سالی طول کشید. بعد بلافاصله ما شروع کردیم یعنی قبل از آن جریان من شروع کرده بودم به اصطلاح تقسیم ارضی سلطنتی با یک شرایط خیلی ساده ای مین گشت کاران و دهقانهای محل. این برنامه در بین ۱۳۳۱ و ۳۲ موقوف شد، بعد دو مرتبه شروع شد. موضوع تقسیم خالصه جات بین مردم را عنوان کردیم. قانونش تصویب شد. اسکالاتی داشت قانونش که آن هم این اواخر برطرف شد. امیدواریم آن هم به زودی تمام بشود. بعد صحبت از محدویت ارضی زراعتی کردیم که متأسفانه قانون اولیه به طریقی وارد مجلس شد. و به یک طریق



خیلی مصحکی از آنجا حتی از بیجا خارج شد. سعی کرده بودم مردم را تشویق کنم برای این که  
اجتماع ما اجتماع کجی باشد. در شکل احزاب فخر می کردم که در این مملکت برای شروع  
به کار دو حزب یکی به عنوان حزب اکثریت یکی به عنوان حزب اقلیت مفید باشد.  
حزب اقلیت دایم تنقید بکند البته تنقید صحیح، و ایراد بگیرد و حزب اکثریت یاد دولت سعی  
بکند که آن ایرادات صحیح را بر طرف بکند و به هر صورت مثل سایر نقاط دنیا به وسیله این نوع  
دوگانه‌ای که حکومت اکثریت هست ولی در مقابل یک اقلیتی هم تقاطع ضعف را تذکر  
می دهد منافع مردم تأمین شود. در این راه هم زیاد متأسفانه ما موقعی به دست نیاوردیم  
و آن طوری که می خواستیم کار پیشرفت نکرد؛ و عکس دیگری دو ما انتخاباتی که انجام شد روی  
نواقص قانون انتخابات که همه از آن اطلاع دارید و احتیاجی به ذکر آن نیست و ریشه‌ها  
نبودن شاید احزاب ما و شاید بعضی اشتباهات دیگری نتیجه مطلوبی نداد. یکی از دو  
انتخاباتی را مجبور شدیم از وکلای منتخب آن دوره تقاضا کنیم که خودشان استعفا بدهند.  
و همین کار را هم کردند. انتخابات دوم مجلس هم بعد از یکی دو ماه یا همین قدرها، تقریباً  
پیشتر منحل شد. این دفعه پیش خودمان فکر کردیم که در غیاب مجلس که احیاناً دست و پاگیر



بود و جو اصلاحات ضروری و حتی رامی گرفت، لا اقل این دفعه یک کار بایی انجام  
بدیم که تخا و تخا برای مملکت لازم است. این کار بایی را که ما می بایستی انجام بدیم چی بود؟  
این کار با بسم روی همان اساسی بود که از ۱۳۲۱ تذکری دادیم و هم بخصوص وی مطالع  
این بود که من می دیدم ممالک دنیا چه سرمایه داری، چه مالک کمونیت، اساس کار و  
برنامه شان، بالاخره آلا بالا بردن درآمد سرانه مردم مملکت برای تأمین یک زندگانی  
بهتری است. می دیدم بعضی ممالک اروپایی غربی می گفتند که در بیت سال آینده  
باید سعی کنیم که لا اقل ۵.۵ بلکه ۶ درصد در درآمد سرانه ملی خودمان اضافه کنیم بعضی ممالک  
اروپایی شرقی رامی دیدیم که برنامه ای منتشر می کردند که ما در ۲۰ سال آینده سعی می کنیم که  
دو بیت درصد در درآمد سرانه خودمان را ببریم بالا. به هر صورت چیزی که مسلم بود سعی و  
وکوش تمام این ممالک بود برای بالا بردن درآمد سرانه. که آن بسم روی رونق  
اقتصادی و زراعتی و فلاحی و تجاری خودشان بدست می آمد. پیش خود می گفتیم ما  
که الآن متأسفانه عقب هستیم و اگر خدای نخواسته در بیت سال آینده فاصله ای که  
الآن بین ما هست از اینجه هست بیشتر بشود عوض اینکه کمتر بشود آیا استقلال مملکت



افضاذ بر اصطلاح سرحداتی که روی زمین علامت گذاشته اند و میدکذاشته اند. این استقلال  
تاچه حدی ربط به وضع اجتماعی و زندگی مردم و رفاهیت و خوشبختی آنها دارد، و تاچه حدی  
سیاست خارجی و نمایندگی های خارجی او و یا احیاناً نمایندگی او در جامعه ملل و احیاناً  
قوای نظامی، دیدیم که بهر صورت و بالاخره اساس کار روی رضایت و رفاهیت  
مردم خواهد بود و مردمی که راضی باشند هیچ کس به فکر تخطی به استقلال آنها نخواهد افتاد.  
ولی اگر یک مردمی خوشبخت نباشد و در فقر و فلاکت و بدبختی زندگی بکنند اینها بزرگترین  
نیز و های نظامی هم اگر پشتیبان آنها باشد بالاخره دوام نخواهند کرد و آن جامعه  
محکوم به قناست.

اتفاقاً تشخیص اشکالات ما و معایب ما برای ما دیگر زیاد مشکل نبود؛ برای اینکه  
تقریباً بیست سال اقلان تجربه داشتیم، بیست سال مطالب را مطالعه کرده بودیم، و  
تقسیم از فرصت باید حد اکثر استفاده کنیم. هر دقیقه ای هر ساعتی که ما کم کنیم در واقع یک  
گناهی است که مرتکب شده ایم؛ و باید با سرعت به جبران گذشته قدم برداریم.  
اساس اشکالات اجتماعی چه بود؟ اساس کار مهم ترین چیزی که ما تشخیص دادیم



موضوع روابط غیر عادلانه، و در خیلی اوقات نامشروع بین ارباب و رعیت در این مملکت بود  
بگذریم از اینکه شاید خیلی از مالکین، هم مردمان خوبی بودند، ولی اساس این کار بود، یکی  
روابط بین ارباب و رعیت، و دوم اینکه روی همین اصل و روی اصل اینکه خیلی از مالکین ما  
کار را به یک مباشری می سپردند و خودشان در این مملکت یا نبودند یا در پاخت زندگی  
می کردند و آن مباشر اضافه بر همان اساس بد ارباب رعیتی، هزار کار دیگری انجام  
می کرد، و ظلم و تعدی دیگری می کرد، و آن رعیت آن موقع غیر از اینکه احیاناً نماند ازهای  
که فقط بخورد و نمیرد یک چیزی بکارد، فخر می کنم که دیگر بدنی و انگیزه ای برای کار کردن  
نداشت. همین است که خوب خیلی اوقات ما می شنیدیم کسانی می رفتند در دهات ایران  
و برمی گشتند، می گفتند که بله رفتم توی ده و دیدیم که یک عده ای توی آفتاب نشسته بودند  
یا چپتی می کشیدند، یا لم داده بودند، یا خواب بودند، عوض کار کردن. خوب برای  
چه کار بکنند؟ برای کی کار بکنند؟ به چه مناسبت کار بکنند؟ کار بکنند که محصول دسترنجش را  
با آن وضع از دست بدهد انگیزه ای پس زیاد نداشتند. فقط یک چیزی بکارند که بخورند  
و نمیرند. گفتیم پس باید به این وضع خاتمه داد. قانون اصلاحات ارضی وضع شد.



اطلاع دارید تکمیل شد که بعد در مورد آن شش لایحه توضیح خواهم داد. کفتم خوب ما آمدیم و  
موضوع ار باب و رعیتی را ازین بردیم، و اقدامات دیگری هم می‌کنیم برای پیشرفت کشاورزی  
در این مملکت، ولی سایر طبقات دیگر جامعه را چه کار باید برایشان کنیم! بخصوص که این  
مملکت در آتیه باید صنعتی شود. موضوع کارگرها را برای آنها فخری کردیم و از لایحه اش هم  
اطلاعی دارید.

لواح دیگری یکی سپاه دانش بود. کفتم که تمام این کارها و اقدامات بسیار  
خوب است ولی اگر افراد این مملکت می‌واد باشند، از نعمت خواندن و نوشتن محروم  
باشند، و نتوانند هر چیزی که لازم باشد، هر مطلبی که لازم باشد، بگیرند، تهیه کنند، و بخوانند  
و درک کنند، این زحمات و این نظم اجتماعی شاید بالاخره مآلآ بعد برود. بعد لواح دیگری  
که برای تأمین پشتوانه همین اصلاحات ارضی بود کارخانجات که به طریق دولتی اداره  
می‌شد فخری کردیم که خوب کارهای اداری و آن سیستم اداری شاید زیاد مناسب برای  
خوب اداره کردن نباشد و یک تکلیفات جدیدی دادیم. برای این کار که ما امیدواریم  
این تکلیفات هم کارخانجات موجود را بتواند مطابق آخرین سیستم کارخانه داری اداره بکند و



این کارخانجات نفع بدمند و هم اینکه کارخانجات آن چه باید تکمیل شود تکمیل شود، و اگر لازم باشد صنایع جدیدی را هم ایجاد کند. موضوع جنگل با بود که آنهم توضیح داده بودیم. قبلاً بشر در ایجاد درخت جنگلی زحمتی نکشیده. اصولاً به نظر ما مالکیت جنگل چیز غیر طبیعی می آید، هست در مالک دنیا خود من هم دیدم رقم در همان جنگلیایی که مورد بهره برداری افراد خصوصی شد دیدم حتی در مملکت اتریش. در یک نقطه ای رقم که رئیس آن خانواده ای مالک سی هزار هکتار جنگل بود که از آن بهره برداری می کرد ولی بهره برداری او با بهره برداری دولت هیچ فرقی نمی کرد.

همان اندازه ای که اگر در دست دولت بود این شخص بهره برداری را مکنیزه کرده بود و چون مالیاتش را هم می پرداخت در واقع برای دولت اداره کردن آن یک دهنری بود. این در دسر از خودش رفع کرده بود. داد بود که این کار را به اصطلاح این شخص زحمت بکشد. اضافه بر اینکه یک مالیات هم به دولت سپرد از او. ولی خوب ما به کار سایرین کاری نداریم؛ در این مملکت به نظر ما غیر طبیعی بود که کسانی مالک جنگل بشوند؛ بخصوص که مالکیت جنگل اصلاً در این مملکت سابقه نداشته این او آخر یک عده ای به راه



اقتاده بودند و نمجده خود من فخر می کردم که من به چه نسبت مالک جنگل باشم. اصلاً چه موضوعی دارد و به بین جت هر چه که جنگل بود بطور رایگان و مجانی به دولت گذار کردم. پس گفتیم که لازم بود که به سرعت یک اقداماتی بشود که جامعه ایرانی را بجای زیر و رو بکند، و عوض بکند، و همان حرفی که در ۱۳۲۱ من زده بودم که اگر این تحول از بالا نباشد باید شاخودمان را مواجہ با یک انقلاب خونینی از پایین بکنید. ما این دفعه به وسیله یک انقلاب سفیدی از بالا شروع کردیم که جامعه ایرانی را بجای زیر و رو بکند، و بخواست خداوند چیزی که باعث نهایت افتخار ماست، چیزی که باعث اعجاب دنیا واقع شده این تحول عظیم اجتماعی که بجای ما را در گون کرده است بدون خونریزی و با کمال متانت و آرامش در این مملکت انجام شد. و برای حقیقت این که نشان بدیم چطور مردم ایران، دنبال این کار بوده است، و حقیقت این یک انقلاب ملی که به تصویب ملی رسیده شده باشد، در روز ششم بهمن از مردم تقاضا شد که رأی خود را چه مثبت چه منفی نسبت به این لویاح شگانه اظهار بدارند. اینجادگر همه خودمان شاهد بودید که مردم ایران چطور در این امر شرکت کردند و قضیه رأی دادن نبود تا جایی که به من اطلاع دادند و فیلیم بانی که از این جریان گرفتند دیده ام موضوع یک جنبش





می و یک شادمانی می بود و مردم در یک امری که حقیقه با جان و دل نسبت به آن عقیده داشته شرکت و شادمانی آنها عقیده می کردند. پس روی اصل اینکه ما تحولات دنیا را در بیست سال آینده مطالعه می کردیم، و برای اینکه اقتصاد ایران درآمد سرانه ایران بتواند رشد و ترقی یابد اول لازم داشتیم که اساس جامعه ایران را بر اصل ترقی و بر اصل عدالت اجتماعی و طوری که از هیچ مملکت دیگر آزاد دنیا عقب تر نباشد اگر جلو تر نباشد بنا کنیم. تا اینکه روی اصل آن بتوانیم محکم بنیان عدالت و جامعه ترقی بتوانیم بچرا اقتصاد سالم و توسعه و ترقی آن بیستیم. البته ایجاد و مطلب باید اضافه کنیم برای اصول محکم اجتماعی که تا جایی که در دنیا خلع سلاح نشد تا موقتی که خلع سلاح عمومی عملی نشده باشد و متأسفانه ارتشهای دنیا احتیاجشان لازم باشد موجود باشد و ممالک دنیا مجبور باشند که به خود دفاع خودشان باشند ما هم ناچار به تناسب وضع خودمان دنبال حفظ و حراست سرحدات مملکت مان خواهیم بود. هر وقت هم که حس کنیم خطرات بیشتری ما را تهدید میکند البته فداکاری بیشتری در راه تا این وسایل دفاع مملکت خواهیم کرد؛ و صرفاً برای منظور تدافعی ما وارد پیمانهای شدیم. ولی از طرف دیگر سعی کنیم که حد اکثر کوشش خودمان را بعمل بیاوریم که با تمام ممالک دنیا مخصوصاً همسایگان مان بهترین



روابط دوستی و حسن مجبوری، و تقاضای برقرارکنیم، و در این راه هم قدمهای مثبتی برداشته شد و حقیقتاً گمان نمیکنیم که نیت باطنی ما امروز برای همه روشن باشد. از طرفی و همچنین اگر بکنیم اگر ارتشهای دنیا موقوف نشود و از زمین زود یکی از اولین کارهایی که من خواهم کرد اینست که ولیعهد ایران هم دارای تربیت نظامی باشد و مثل پدرش تحصیلات نظامی لازم را فرا بگیرد چون دیدیم که پادشاه و مملکت آنها پادشاهی که فرماندهی حقیقی بر قوای نظامی مملکت دارد چهره اساسی در این مملکت می تواند داشته باشد.

یک موضوع دیگری باقی می ماند برای تأمین اجتماع ایران - اجتماع متمدنی، اجتماع با افتخار این مملکت، و آن موضوع حقیقتاً نصف جمعیت این مملکت است که این طور برخلاف قانون اساسی و برخلاف شرع مقدس اسلام این طور محروم است و جزو دیوانگان و مجرین حساب می شوند. قانون اساسی را برایتان می خوانم. در مقدمه اش می گوید «ا بتأسیس شورای ملی فرمودیم و نظر بدان اصل اصل که هر یک از افراد اهل مملکت در تصویب و نظارت امور عموم محق و سهیمند.

دیگر بقیه اش را نمی خوانم چون موضوع تمام نیست، ضمناً در تشکیل مجلس اصل دوم



مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاش و سیاسی وطن خود مشارکت دارند .

اینست که این آخرین در واقع ننگ اجتماعی ایران را انشاء الله در انتخابات آتیه ما بر طرف خواهیم کرد و قاطبه اهالی این مملکت و هر یک از افراد این مملکت در سر نوشت خودشان و در انتخابات ایران شرکت خواهند کرد و این هم مطابق قانون اساسی مملکت است و همین که بدانید در تمام ممالک اسلامی دنیا امر و حتی من استثنایی نمی بینم غیر از یک نقطه آن هم بیک لایه در تمام ممالک اسلامی دنیا مردوزن و در انتخابات شرکت می کنند همین موضوع در اساس کار و بالابردن سطح محصولات مملکت و اقتصاد مملکت چه اثری خواهد داشت ، احتیاج بذكر نیست ؛ انشاء الله آتیه این موضوع را بزودی نشان خواهد داد که اینکه در خیلی از قسمتهای این مملکت در شمال ایران و نفت طا دیگر ایران شاید زحمت زنها اگر از مرد ها بیشتر نباشد کمتر نیست .

پس ضمناً در جامعه ایرانی می بینیم که با بر طرف شدن این آخرین به اصطلاح ننگ اجتماعی ما دیگر موضوع امتیاز طبقاتی و غیر او نیست داستان کذایی هزار فامیل از بین



رفت، و می بینم که تنها باعث پیشرفت چه از نقطه نظر اداری چه از نقطه نظر سیاسی، چه از نقطه نظر اجتماعی، فقط و فقط لیاقت است - کار است - رحمت است - ابتکار است و البته تأخیر در این مملکت چون مملکت سرمایه داری آزاد و لیبرال است اساس سرمایه است - بعد خواهیم دید که چطور اساساً موقعی که سرمایه و کار بطور مشروع دست به دست هم می دهند به نتایج خوبی خواهیم رسید. پس گفتم امتیازات طبقاتی که یک عده ای را موقعی که در کشور به دنیا می آیند اینها را به اصطلاح کل سرسبد جامعه قرار می دهد. اینکه از اول یک عده ای محکوم به بدبختی و بیچارگی باشند دیگر در این مملکت ازین رفته، و کز نمی گنم که هیچ وقت دیگر ظهور نکند. پس کار ما بر اساس همان عدالت اجتماعی است که گفتم و البته بر اساس قوانین مصوبه ششم همین است این قوانین مصوبه به اعتبارش برای مادرست مثل مواد قانون اساسی است. بخصوص که این قوانین چند روز پیش با برتری ترین طریقی به تصویب رسید. همه شرکت کردند، بطوریک در چه شرکت کردند - مستقیم شرکت کردند؛ و همه دیدند که چطور بدون تقلب، و چطور با کمال آزادی و سادگی، اضافه بر اینکه با یک چنین اشتیاقی شرکت کردند پس قدرت این قانون برای مالا اقل مثل قانون اساسی است.



باید تذکر بد هم که هر کسی چه کارمند دولت باشد چه نباشد، اگر خدای نخواسته کوچکترین انحرافی در اطاعت از این قانون بکند متأسفانه اینها مثل اینکه علیه حکومت ملی و علیه خود ملت قیام کرده اند، و این مجازات گنجینی دارد قانون عادی هم اگر به اکثریت نصف باصافه یک در یک مملکتی تصویب بشود مخالف و موافق تمام باید اطاعت از قانون بکنند. این را بدانید که اکثریتی که این قوانین شگانه را تصویب کرد، پنج میلیون و قریب شصدهزار نفره مقابل چهار هزار و صد و پانزده نفر.

پس بر هر کسی فرض است که این قوانین را کلمه به کلمه و ملحقات این قوانین و آیین نامه بانی که تدوین شده است مو به مو اجرا بکند و بداند که خیر جامعه و مملکت خودش بالاخره در اینست حالاً مثل اینکه مقدمات ورود و مطلب اقتصاد ایران را ذکر کرده باشیم وارد مطلب این کنفرانس خواهیم شد که اقتصاد ما روی چه صلی باید بنا نهاده شود. پس از تأیید عدالت اجتماعی و استحکام جامعه ایران و اینکه تکلیفان می آیند که در این جامعه چیست و چون یک جامعه متمدنی است آینده آن تضمین شده است و آینده ما را مگر اینکه خوب خدای نخواسته اتفاقاتی بیفتد که از سر کوزه پیش منی خارج است بدانید یک آینده تضمین



شده است که استقلال این مملکت، حدود و ثغور این مملکت، و نظم اجتماعی این مملکت را دوام خواهد بود و می تواند بر حسب سالی که دلتان می خواهد برای آینده نقشه بریزید و بدانید که هیچ چیز آینده ما را بر همین اصولی که ما تقسیم تهدید نمی کند.

اقتصاد ایران اولین چیزی که بنظر ما بر خورد می کند موضوع اینست که رعایای سابق که امروز یا نایک سال دیگر که امید داریم تکلیفشان بطور کلی روشن شود و بهقائدهای امروز اینها اضافه بر زمین رقتن رژیم ارباب و رعیتی، اضافه بر اینکه حس مالکیت زمین می کنند، انگیزه بیشتری برای کار کردن پیدا کردند، و ما امید داریم که بهم اینها بیشتر کار بند و بهم با کمک بانی که به اینها می کنیم، بخصوص تقویتی که از شرکت های تعاونی خواهیم کرد، بخصوص تقویتی که از این بانک کشاورزی می کنیم، در برنامه پنجاه و سوم تجدید نظر خواهیم کرد و به مراتب به کار های کشاورزی و سرمایه گذاری در امور کشاورزی اهمیت بیشتری خواهیم داد؛ و با فزاینده اصول نوین کشاورزی ما امید داریم که هم این دهقانهای جدید بیشتر کار بند، کشت بکنند، و هم به نسبت زمین کاشته شده بیشتر محصول بدست بیاورند.

البته من فعلاً صحبت از اینها می کنم ولی می گویم که ضمناً وضع خرد و مالکین را هم ما



تثبیت کردیم؛ و با کمال دلسوزی این کار دنبال خواهد شد. خیال آنها در حدودی که قانون و  
آیین نامه معین کرده است کاملاً تقصیر می شود؛ و ما اینها را تقویت می کنیم و به شما می گویم  
که بالاخره من فخر می کنم در سی سال آینده زارعین، دهقانانای فعلی ایران بسم باید  
کم کم به تدریج هر که ام یک نوع خرده مالکی بشود یعنی من فخر می کنم که در این مملکت چون  
تاسخاند آب و جوایش زیاد مساعد نیست و خاکش سنگلاخ است و بارندگی کم است و  
به هر صورت نواقص دیگری از خاکها زمین اینها موجود است با چهار هکتار پنج هکتار زمین تا این یک  
زندگانی مرفعی متصور نیست. به عقیده من حداقل زمینی که یک خانواده دهقان می تواند از  
اوبه اندازه ای بهره ببرد که یک زندگی مرفعی تواند به هم برزند نسبت هکتار زمین است.  
یک دهقان می تواند بیشتر از این کار بکند ولی این یک حد اقلی است.

خرده مالکی که یا با ماشین آلات زراعتی یا به وسیله اجیر کردن کارگر روز مزد  
کشاورزی یا کارگری که به صورت مزد بگیرد البته بیشتر از این بسم می تواند کار بکند. می توان  
تاصد هکتار، صد و بیست هکتار، کار بکند زمینهای لم بزرع یعنی لم بزرع باری که اصلاً  
دهقان ندارد و آزاد است این تماماً باید به وسیله مکانیزه کار بکند. اگر مادی سال آینده



نسبت فعلی که بنقاد پنج درصد جمعیت ما در دهات کاری کنند یا از راه کشاورزی  
ارتزاق می کنند این اگر معکوس نشود این مملکت مملکت ترقی نمی خواهد بود. امروز در مملکت  
امریکا نه و نیم درصد جمعیت مملکت فقط به امور کشاورزی می پردازند و می بینید که مازاد کشاورزی  
امریکا به اندازه ایست که اصلاً نمی تواند در مملکتشان در انبار بگذارد و این طور به اصطلاح با  
یک آزادگی خیلی از نقاط دنیا این مازادشان را می رسانند با یک شرایط خیلی مناسب.  
پس اقتصاد ایران اولین چیزی که در آن تاثیر خواهد کرد وضع جدید زراعتی است. دهقانها  
جدید و علاقه آنها به کاشتن بیشتر از دیام محصولات کشاورزی ایران این محصولات  
کشاورزی ایران یک قمش البته بیشتر به وسیله خود مردم مصرف خواهد شد یعنی بیشتر می خوردند  
بالاخره بعد از یک مدتی بدبختی اهالی این مملکت از سابق بیشتر خواهند خورد و مسلماً وقتی که بیشتر  
بخورند قدرت بدشان بیشتر می شود و متعاقباً نشان بیشتر می شود؛ قدرت کارشان بیشتر  
می شود، و غیرتقسیم و در مرتبه در تولید بیشتر تاثیر خواهد کرد.

ولی مازاد این محصول کجا باید برود؟ با وضعی که امروزه در دنیا هست و من نمی گویم  
که باید دنیا صنعتی و ترقی راجع به این موضوع یک فکری بکنند و شخصاً هم مکرر به زمامدارهای





آنها من این مطالب را عنوان کردم تا موهمی که این وضع هست که این نوع مواد اولیه یا مالکی که فقط مواد اولیه تولید می کنند و این مواد اولیه را سال به سال یا به همان قیمت یا حیثاً با قیمت نازلتری مالک صنعتی می خرند و آنها به نوبه خود مواد ساخته شده را دو مرتبه یا به اینها یا به سایرین می فروشند و آن مواد ساخته شده سال به سال یک صد یک و نیم درصد، دو درصد، گرا تر فروخته می شود. این وضع بالاخره مآل قابل و ام نیست چون یک عده ای سال به سال یا اثر و نشان سر جای خودش باقی می ماند، یا حیثاً فقیرتری شوند در صورتی که یک عده ای سال به سال غنی تر. این البسته قابل و ام نیست باید یک فکری بکنند. من نمی خواهم از این طریق بکنم ولی راجع به مملکت خودم این طور می توانم بگویم که یا باید فکری راجع به این موضوع بشود یا این محصولات و مازاد این محصولات کشاورزی در داخل خود مملکت مصرف بشود و بهترین مصرفش هم در کارخانه های دستی مملکت است. پس ایجاد صنایع وسیع و همه جانبه ای در ایران برای مصرف مازاد محصولات داخلی مملکت لازم است محصولات داخلی ما اگر خریدار خوب داشته باشد البته فروخته خواهد شد. در بعضی موارد باید تماماً آن صادرات را اگر لازم باشد متشویق کنیم اگر لازم باشد حتی جایزه بدهیم



ولی من بیسج چیز را تصریح نمی‌کنم این مطلبی است که شاید در همین کنفرانس اقتصادی باید  
 نسبت به آن صحبت بشود. البته ما نمی‌توانیم فقط روی صادرات نفت مان برای درآمد  
 ارزی خودمان حساب بکنیم. مسلماً غیر از نفت باید انواع صادرات دیگری داشته باشیم  
 که ارزش لازم را برای مملکت تأمین بکند. ولی الان کاری که ما باید انجام بدهیم به وسیله همین درآمد  
 ارزی نفت ما باید طوری وضعیت خودمان را در داخل منبخر کنیم که همان‌گذرائی که چند وقت پیش  
 تقسیم مرتفع بشود. یعنی اگر لازم باشد تمام احتیاجات خودمان را آلا در مملکت تأمین کنیم  
 یعنی تمام احتیاجات که غیر از آن چیزهایی که برای زندگی روزانه مردم تماماً لازم است و وقتی که  
 این تأمین شد آن وقت هم ما سالی تیه خواهیم کرد که غیر از نفت صادرات دیگرمان روی  
 اصل زیادی محصول یا ارزان شدن یا ارزان تمام شدن محصول باب صادراتی را برای خودمان  
 باز بکنیم. این او از صحبت از بازار مشترک هست و اهمیت آن را برای ایران تمان نمی‌کنم  
 اهمیت بازار مشترک برای ایران خیلی هم مهم است و کوشش باید کنیم و شاید با هر کدام  
 از ممالک بازار مشترک یا علیحد یا بطور کلی یک قرارداد بانی می‌دهیم ولی آنطوری هم فکر نکنید که  
 حیات ما بستگی به بازار مشترک ندارد و اگر آنها با ما خوشترقاری نکنند ما زمین می‌رویم. این



طوره نیست ما بازارهای متعدد دیگری داریم در واقع بهترینی که نگاه کنید می شود برای ایران یک بازاری پیدا کرد. پس به صورت این امر متکی بر دو اصل است یکی اینکه نسبت فعلی ۷۵ درصد جمعیت دهقان ایران باید درسی سال آینده معکوس شود. معنی مستقیم این کار اینست که جمعیت کارگری و صنعتی ایران درسی سال آینده باید به همین تناسب تقریباً بالا برود برای اینکه صنعت در ایران ایجاد شود چندین شرط لازم است اول باید سعی کنیم که صنایعی که حقیقتاً در تولید و بالا بردن درآمدی و درآمد سرانه مملکت کمک خواهد بود و لازم خواهد بود اینها جلو بیاوریم. اینها بازار کارایی است که یاد این کنفرانس باید به صورت وزارت اقتصاد ملی برای همین موضوع تشکیل شده که مردم را راهنمایی کنند. شما که می خواهید سرمایه گذاری کنید، و کار و فعالیت کنید، نظیر خیرخواهان و مشفقان و حتی هدایت کننده من اینست که در این راه اگر شما سرمایه گذاری کنید هم برای مملکت مفید تر است هم مالاً خودتان بیشتر استفاده خواهید برد. برای اینکه مثل قضیه نوشابه های غیر الحلی می شود که یک دفعه کلی آمد یک منقعی برد بعد همه راه افتادند، در این راه حالاً شاید ما بی ده روز و از ده روز بیشتر کاری نکنند چیزی که در ایجاد صنایع هم است یکی اینکه این قانون که جزو لوایح ششگانه بود و به اسم قانون سهم شدن کارگران



در مباح و سود ویژه کارخانه نای این را وزیر کار ما خوب توضیح بدید و صاحبان سرمایه و صنایع دست بفهمند و همچنین کارگرهای ایران درست معنی قانون را بفهمند و بدانند که مقصود نهایی ما از این قانون ایجاد یک محیط اعتماد و حتی ایجاد محیط صمیمیت و دوستی و اینکه تقریباً یک محیط خانوادگی مادر کارخانه های ایران ایجاد کنیم. کارگر هم کار فرما را بعنوان یک جوان درنده کخته خون در نظر نگیرد. فکر کنید که این بسم یک کسی است که خوب از راه مشروعی سرمایه ای بکار انداخته و همین بکار انداختن سرمایه او وسیله تأمین زندگانی بالنسبه رفه و عادلانه ای برای ما شده است. یعنی عوض یک حس بغض، یک حس در واقع اطمینانی باشد که اگر سرمایه این نبود خوب ما هم شاید کاری پیدا نمی کردیم. این محیط را ما می توانیم به آسانی در این مملکت برقرار کنیم. سرمایه داری مادر حد و قانون با تفسیری که این قانون به آنها می دهد با تفسیری که ما راجع به آینده به آنها می دهیم، و بخصوص با قوانینی که عقرب خواهد شنید قانون مالیاتی که شاید وزیر دارایی در همین کنفرانس در اطراف آن برای شما صحبت کند، تسهیلاتی که در این امر پیدا خواهد شد، بخصوص در رابطه ای که بین مأمور دولت و نمودیان مالیات خواهد بود، تمام اینها انگیزه ای باید باشد سرمایه دارهای فعلی و مخصوصاً سرمایه بانی که در آینده



مملکت چه از طریق داخلی چه از طریق خارجی بکار خواهد افتاد که اینها تمام چیزها برایشان روشن باشد. بیچ ابهامی نباشد، و بدانند که با وجود اینکه جامعه ما الآن یکی از مترقی ترین جامعه های دنیا شده است مع ذل این مملکت روی همین توضیحات و اطمینانی که به آینده است یک سرمایه گذار با کمال راحتی و بدون کوچکترین دغدغهای می تواند سرمایه اش را بکار بیندازد و از منافعی مشروع آن برخوردار باشد.

فکر می کنیم برای کمک به سرمایه گذاری چیزی که لازم باشد در این مملکت ایجاد بورس است. بالاخره بعد از سالها صحبت و شاید مطالعه ما کم موضوع بورس را در این مملکت عملی کنیم و چیزی که خیلی مهم است تشویق کنیم ایجاد و تأسیس شرکت های سهامی بزرگ که سهام کوچک می فروشند یعنی خیلی از افراد این مملکت بتوانند به وسیله خرید سهام کوچکی یکی از سهام داران شرکت های بزرگ سهامی بشوند. این کارخانه های بزرگی که خیلی به اصطلاح قیاس گران تمام می شود شاید فقط از این راه بشود عمل کرد. می گویند که در سابق خوب مردم چششان ترسیده. چند فهد شده که در این مملکت آمدند یک سهامی خریدند بعد با آن شرکت در شکت شده روی بد کار کردن مدیرانش، یا اینکه خدای نخواسته چند نفر از این اشخاص



از خدایی خبر کلا بهره‌داری کردند و پول مردم را با لاشه‌سیند و رقتند . پس اینقدر با اعتماد  
هنوز موجود نیست شاید لازم باشد که در قانون تجارت مایک تجدید نظری بکنیم و تا حدی که  
لازم باشد آن اعتمادی که برای سهام‌اران کوچک در خرید سهم باید ایجاد کرد ایجاد بشود .  
متأسفانه جزو یادداشت‌هایم هست در جایی که لازم بود این موضوع را بگویم من فراموش کردم  
و آن برای حکیم جامعه چیزی که فراموش کردیم در اطرافش صحبت بکنیم موضوع دولت و کارمندان  
دولت بود که چطور دولت و کارمندان دولت اضافه بر سیاست عالیة مملکت سیاست  
عالیة خارجی و داخلی، سیاست عالیة تجاری، سیاست عالیة اقتصادی، در امر روزانه کار اینها با مردم  
که فقط و صرفاً خدمت به مردم است یعنی من وظیفه دیگری برای دولت نمی‌بینم، وظیفه  
دولت خدمت به مردم است کار مردم را باید انجام بدهند . هر کسی که در مملکت ایران  
از خزانه دولت حقوقی می‌گیرد در مقابلش باید کاری انجام بدهد . دولت در واقع مستخدم  
مردم است . دیگر چون حقوق می‌گیرد باید برای مردم کار بکند . دولت و تمام  
کارمندان دولت برای اینکه این کار بجزئی انجام بگیرد یکی از نواقص بزرگ مادر این  
مملکت موضوع لایحه استخدام است . تا ما لایحه صحیح استخدام کشوری نداشته باشیم و



تکلیف کارمندان دولت این مملکت روشن نباشد درست به بدفهای خود نمی توانیم  
برسیم. اینست که باید سعی و اهتمام زیادی کنیم در تصویب این قانون استخدام کشوری که وضع  
کارمندان این مملکت را روشن بکند. این بی حدالیهها و خاصه خرجهای موجود راحتی المقدود  
از زمین ببرد و یک حس اعتماد بیشتری در کارمندان ایجاد بکند و وارد بحث طولانی نمی شوم برای اینکه  
خیلی مفصل است ولی بهر صورت باید تکلیف این کار تخمار روشن شود.

تأمین زندگی کارمندان دولت از چند راه ممکن است. به عقیده من راهیانی که  
خیلی حتماً مهم است و باید تخمار حمایت بشود اینست که ما اگر بتوانیم برای عموم کارمندان  
دولت خانه های سازمانی داشته باشیم و همچنین شرکتهای تعاونی که احتیاجات  
اولیه روزانه اینها و خانواده شان را به قیمت های تقریباً تثبیت شده ای فراهم بکند  
این اساس کار است و الا حقوق اگر صرفاً توجه بشا برود روی حقوق این یک چیز خطرناکی  
است. گمان میکنم دیدیم روی اصل عوام فریبی ممکن است یک عده ای بیایند یک حقوقی  
تصویب بکنند که این ظاهر ممکن است یک گشایشی در امر یک عده ای فراهم بکند ولی  
اکثریت دیگر کارمندان دولت را بدبخت می کند؛ بیچاره می کند؛ یک حس ظلمی خواهند کرد؛



ناراحتی می‌کنند، و غیر مستقیم این نوع اضافات بی‌معنی ایجاد تورم در زندگی مردم می‌کند. هزینه با بالایی رود، و عوضی که این از اضافه حقوق استفاده می‌برد روی گران شدن قیمت‌ها بعد از شش ماه یک سال دیگر این اضافات او کاغذ غیر محسوس خواهد بود در صورتی که سایرینی که اضافه گرفتند ولی به صورت گران شدن هزینه زندگی کردن گیر آنها شده ده برابر قبل متضرر و بیچاره می‌شوند ولی خوب به صورت قانون جدید استخدام ما باید راجع به حقوق تقسیم بگیرد و بی‌عدالتی بار از بین برد و یک وضع موزون متناسبی بین تمام کارمندان مملکت ایجاد کند. مثلاً الان می‌شنویم شاید بعضی با در ماه ۲۸ ساعت ۳۰ ساعت ۳۵ ساعت بیشتر کار نمی‌کنند، بعضی با در روز ۱۴ ساعت کاری می‌کنند؛ یعنی دوروز کاری که سایرین در یک ماه انجام می‌دهند انجام می‌دهند؛ و آخر ماه آن کسی که ۲۸ ساعت کاری کند در مقابل آن کسی که روزی ۱۴ ساعت کاری کند شاید آخر ماه دو برابر حقوق آن کسی که ۱۵ برابر او کاری کند بگیرد.

این ساختن منازل سازمانی چندین فایده دارد. یکی اینکه تکلیف هر کسی روشن است. یک کارمندی را اگر از اینجای فرستید به یکی از ولایات، اگر به او بگویید





آقا تو فردا می روی در فلان نقطه، این میز کار است بهت آنم محل کنایت آنم شرکت تعاونی  
بهت که توانی احتیاجات زندگی ات را تامین کنی، او خیالش راحت است دیگر نه فکر  
زن و بچه و اینها بهت که اینها آواره بشوند چه بشوند، و با دیگر می روی رود دنبال کارش بخصوص  
که قیمت ها، کرایه خانه ها، همیشه تحت کنترل است و اضافه بر این ایجاد کار هم در مملکت  
می شود، کوره ها شروع به کار می کنند، بناها شروع به کار می کنند، سیکس شروع به کار می کند،  
بजार و غیره ذالک. و همچنین در آتی ما باید به شرکتهای تعاونی فوق العاده اهمیت بگذاریم.  
این مازاد محصول است ایران چطور باید بیاید در شهرها و چطور باید تقسیم و توزیع بشوند من فکر  
می کنم که می شود محصولات کشاورزی را از قیمت فعلی این صرفیانی که من الان می زنم رسمی  
نیست همین طوری می گویم قابل مطالعه است ولی شاید بشود حقیقه به مراتب از چیزی که الان  
می خریدن کران تر خرید و با زمین بردن واسطه های بی معنی که بعضی موقع ها سه چهار پنج واسطه است  
به وسیله همین شرکتهای بزرگ تعاونی مستقیماً به مردم ارزان تر از قیمت فعلی فروخت و نفع  
شروعی هم داشت. پس امیدوارم که بعد از این مقدمات و دورنمای حقیقه درخشانی که  
از امکانات آینده این مملکت امروز ذکر کردیم هر فردی در این مملکت به اندازه وسعت



خودش در امر توسعه اقتصادیات ایران در امر سرمایه گذاری در صنایع ایران و در هر چیزی که ایجاد کار و تولیدی کند شرکت بکند یک جهاد ملی باشد در این مملکت از یک طرف صرفه جویی در مخارج بیورد، مخارجی که هیچ فرقی در زندگی مردم و ملت و حتی فردی نکند و صرف این سرمایه با در کارهای تولیدی در کارهایی که برای هم نوحان خودمان ایجاد کاری کند کسی که کار کرد زندگی خواهد کرد مصرف می کند و غیر مستقیم و همگانه مصرف کرده و مرتبه نفع همان سرمایه دار است همان کارگر است همان دهبخانی است که تولید می کند و تمام این عوامل دست به دست هم بدهد و مملکت ما هر چه زودتر در این راه قدم بردارد الان هدف برنامه پنج ساله سوم مایک رشدش در صد در نظر گرفته من می خواهم بگویم که شخصاً به این صانع نیستم فخر می کنم که ما بهتر از این و بیشتر از این بتوانیم رشد اقتصادی و درآمد سرانه داشته باشیم به چند علت یکی اینکه اگر هم حقیقتاً در این جهاد ما شرکت بکنند و تمام انرژی ها و سرمایه با جبار بیفتد به مراتب خود به خود این رشد ما بالا می برد.

دوم فخر می کنم از تجربیاتی که ما از برنامه هفت ساله دوم به دست آوردیم پروژه را در این مملکت به مراتب از سابق می توانیم ارزان تر انجام بدهیم روز به روز بهرسم خود



ایرانیها بیشتر وارد کاری شوند و وقتی که یک چنین وضع محکم و امیدبخشی را ایجاد می‌کنیم باز هم فکر می‌کنیم که سرمایه خارجی همیشه پیدای کند و شاید به مراتب بیش از گذشته وارد این مملکت شود و بکار بیفتد که آن خودش باعث البته تولید بیشتر و کمک به رشد اقتصادی مملکت خواهد کرد. پس انتظار من از این کنفرانس اقتصادی اینست که در تمام این مطالب آقایان وارد بشوند و بحث بکنند و البته دولت سیاست خودش را اظهار خواهد کرد. شما اگر نظری داشته باشید بگویید؛ اگر حرف مقبول باشد مسلماً مورد توجه قرار خواهد گرفت ولی نتیجه کلی این باشد که روی اساس این جامعه متری و عدالت اجتماعی و آینده درخشانی که ما پیش داریم هر کسی تکلیفش را بداند و با کمال آسودگی خیال در حد و همین قوانین بکار و فعالیت و انشاء الله استفاده از فعالیت و زندگی بهتری برای خود و بچه‌ها و آیندگان‌شان برسد.



## پیام نوروزی شاهنشاه

پنجشنبه اول فروردین ۱۳۴۲

نوروزباستانی را به عموم افراد ملت ایران تبریک می گویم و شادکامی و سندرستی و سعادت روزافزون همه را در این سال نواز خداوند متعال خواستارم .  
در سالی که گذشت تاریخ قطور این کشور کمینسال ورق خورد، و فصلی کاملاً تازه در این تاریخ آغاز گردید .

تحوّلی که در این سال در بنیاد اجتماعی مملکت ما، و در اساس جامعه ایرانی روی داد طول تاریخ ایران بی سابقه بود . در این سال که مستلاً در آینده به عنوان مبدأ تحوّل عظیم و اساسی در حیات کشور و ملت ایران از آن یاد خواهد شد بسیاری از بنی عدالتی ما در اجتماع ما از میان رفت و بسیاری از محرومیت های نابجا جُبران گردید، بطوری که امروز در طلیعه سال نو ملت ایران می تواند تنها سالی تازه را در زندگانی خود جشن بگیرد، بلکه در واقع آغاز دورانی نوین را در حیات ملی و اجتماعی خویش جشن می گیرد . امسال اشعه حیات بخش آفتاب نوروزی نقطه شاهد رستاخیز طبیعت نیست، بلکه شاهد رستاخیز عمیق تر و پایدار تر در حیات اجتماعی و تاریخی



یک ملت کفسال است که همواره در وجود خود نیروی لایزال برای تجدید حیات ملی نهفته داشته است و دارد. راز پیروزی این رستائختر ملی و اجتماعی که شاید آنجاست که این کمال و باین اندازه رشد و متانت آنهم در مدتی چنین کوتاه در تمام جهان بی سابقه بوده است همان راز بقای جاودان این ملت و این کشور است.

اکنون که با عنایات پروردگار و با همت و اراده ملت شرافتمند ایران این رستائختر عظیم اجتماعی در کشور ما به بهترین صورت و با حفظ تمام آزادی های قانونی انجام گرفته است باید همه متوجه باشیم و فراموش نکنیم که اکنون دیگر دورانی که باید آن را عصر سازندگی نام داد برای ملت ایران فرارسیده است.

از امروز وظیفه همه مردم این کشور این است که در هر مقام و موقعیتی که هستند و با هر امکانات و مقدوراتی که دارند هم خویشتن را در ساختن بنای ستوار ایران آینده، بر اساس جامعهای آزاد و مترقی و برخوردار از کلیه حقوقی که پیشرفته ترین جوامع امروزی جهان از آن بهره مند بر عهده گیرند، و وظایف سنگین و خطیری را که در این دوران سازندگی متوجه آنهاست با کمال شهامت و ایمان انجام دهند. در جامعه ای که اکنون در کشور پاپی ریزی شده است، نه تنها



جایانی برای یأس و فساد و تخریب نیست بلکه برای سستی و ضعف و طغیانه از انجام وظیفه نیز  
جایانی نیست. اجتماع ایران فردا صرفاً بر اساس عدالت اجتماعی تقسیم و توزیع عادلانه ثروت،  
کار و کوشش شرفمندان، و بهره برداری هر کس از زندگی به تناسب کار و سرمایه، و براساس  
موازن قانونی و با تأمین حداقل زندگانی برای عموم، همگنی خواهد بود و جامعه خوشبختی که  
دورنمای آن را ما از هم اکنون با وضوح می بینیم بر همین پایه استقرار خواهد یافت.

من در این آغاز سال نوازیسکه پروردگار یکتا که عنایت کامله اش همواره شامل حال  
این کشور و ملت بوده به ما در سال گذشته توفیق آن داده است که تحولی چندین عظیم حیاتی را  
به خلاف بسیاری از ممالک دیگر جهان با آرامش و مناسبت کامل و بدون خونریزی و آشفتگی  
و فداکردن آزادیها و حقوق خویش به سامان رسانیم، به درگاهش سپاس می گزارم و  
آرزو دارم که ملت ایران نیز با کار و کوشش روزافزون و با حسن وظیفه شناسی و قبول کامل  
مسئولیتی که در برابر نسل های آینده این سرزمین به عهده دارد خود را شایسته این عنایت و  
تفضل خداوندی نشان دهد.



## سخن شاهشاه

خطاب حضرت دکتر واپالی رادا کریشان رئیس جمهوری هند در یک میهانی شام  
که به افتخار ایشان در تالار آئینه کاخ گلستان ترتیب یافته بود  
پنجشنبه بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۴۲

حضرت رئیس جمهوری :

از اینکه آن حضرت را امشب در کشور ما و در جمع خودمان می بینم خوشوقتی و خرسندی  
را دارم . زیرا شما هم شخصاً برای ما میهانی بسیار عزیز، و هم نماینده ملت و کشوری هستید که  
با ما دارای طولانی ترین و ریشه دارترین ارتباط های تاریخی است .

نه فقط از بیست و پنج قرن پیش یعنی از دورانی که آن را قرن طلایی عصر  
کهن نام نهاده اند و طی آن درست در یک موقع بود ارد بهندوستان، و کورش بنیانگذار  
شاهنشاهی ایران در کشور ما پا بوجود نهادند و ملت ما با د و فرهنگ بزرگ و زاینده خود  
با یکدیگر ارتباط نزدیک و عمیق داشته اند بلکه حتی از هزاران سال قبل از آن این رابطه  
فکری و فلسفی بطور کامل میان این دو ملت برقرار بوده است و کتب مذہبی و مقدس



هندیان و ایران باستان و سنن و معتقدات مشابه کنن، بهتر مد رک این ارتباط است .  
از طرف دیگر بنده از دیر باز سرزمین رواج و سلطنتی شعر و ادب و زبان پارسی بوده  
و ما همواره با خرسندی و علاقه مندی پیاد داریم که در طول دو قرن و نیم یعنی از آغاز قرن  
هفده تا اواسط قرن نوزدهم، فارسی زبان رسمی دربارهای هند بوده است .  
شماره شعرای پارسی گوی گذشته هند کمتر از تعداد شعرای کشور خودمانست و مجموعه  
کتب و نسخ خطی فارسی که اکنون در کتابخانه های مهم سراسر هندوستان نگهداری می شود  
و نماینده توجه خاص گرد آورندگان آنها بدین آثار در طول قرونتمادی است در حال  
حاضر بزرگترین مجموعه کتب خطی فارسی در تمام جهان است بطوریکه شاید از این حیث  
تعداد این قبیل کتب در کشور آن حضرت حتی از خود ایران بیشتر باشد .  
این نکته نیز شایان تذکر است که قرن گذشته نخستین چاپ های غالب آثار  
کلاسیک ادبیات فارسی در شهرهای کلکته و بمبئی صورت گرفته و اولین روزنامه های  
زبان فارسی از مراکز مختلف هند به چاپ رسیده و بزرگترین تعداد فرنگی ها و دستنویس  
های زبان فارسی در طول سه قرن اخیر در هندوستان منتشر شده است بقدر





دانشگاههای هندی که در حال حاضر در آن با زبان و ادبیات فارسی به مقیاس وسیع تدریس می‌شود از رقم مشابه آن در هر مملکت دیگر بیشتر است .

بطور کلی از آن زمان که بقول حافظ شاعر بزرگ ماطوطیان هند از قذپاری یعنی از غزل حافظ که به بنگاله می‌رفت شکر سخن می‌شد تا با مرزبهاره سرزمین هند فروزاترین کانون شعر و ادب و هنر ایران در خارج از مرزهای این مملکت بوده است و ما از این حیث بهواره به کشور شما با نطر تحقیق شناسی و علاقه مندی بسیار نگر بسته ایم .

خود من در سفری که پیش از این به کشور شما کردم بسیار از این مراکز فرهنگی را از نزدیک دیدم و با ذخایر عظیم آثار ادب و هنر ایران که در آنها نگاهداری می‌شود آشنا شدم .

در طول قرون بسیار دوسرزمین هند و ایران دو کانون جهانی معنویت و اصول عالی اخلاقی بوده اند . در حال حاضر نیز این دو ملت تلاش مشابهی را در مبارزه با جهل و فقر و بیماری و در راه بالا بردن سطح زندگی گامی خوش آغاز کرده اند . به همین جهت ما و شما مانند بسیاری از ملل دیگری که آنها چنین تلاش عظیمی را در پیش گرفته اند پیش نظر هر خیر برای اجرای طرحهای صنعتی و اقتصادی و اجتماعی خود احتیاج به صلح و ثبات داریم و هیچ چیز از کوشش



واقعی در راه حفظ صلح جهانی برای ماحیاتی تر نیست . اکنون که آن حضرت به نمایندگی یک کشور و ملت کنسال و دوست به دیدار مملکت ما تشریف آورده اند برای من بیچ امی مطبوعه عزرا آن نیست که از خاطره قرنهاى دراز روابط معنوی و فرهنگی پرارزش دو کشور به گرمی یاد کنم . سلامتی و سعادت آن حضرت و پیشرفت و رفاه روزافزون مردم هند را آرزو مندم .



## سخنانشاه

در مراسم نایش توین گسکه سالانه لاینر

پنجشنبه بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۴۲

جای خوشوقتی است که امروز می توانیم در این مراسم پیشرفتهای لاینر ایران را از  
گزارشهایی که شنیدیم دست تحسین بدیم و از توجه و استقبال که مردم ایران نسبت به این تکیلات  
کرده اند خندنتیج بگیریم، یکی اینکه هدفهای عالی این سازمان بین المللی طوری شهرت پیدا کرده  
است و طوری در ذهن تمام افراد بشر روشن شده است که در ایران نیز مردم ما با چنین استقبال  
پر شور و نیت باطنی خود را که در قبول هدفهای این باشگاه بین المللی هست نشان داده اند. آن  
نیات خدمت به جامعه و به بشریت و دیگری از فقرا و کارهای نیک و خیر است این استقبال  
مردم ما در این مدت کوتاه نمونه طرز فکر و برنامه ما و تصمیماتی است که در این موقع و در این زمان  
به عنوان و به نمایندگی از طرف ملت ایران و بعد با تأیید ملت ایران ما در ایران مشغول انجام آن  
هستیم. صحبت از امور خیریه شد؛ ملک به نام میانان شد؛ دیگری فقرا، ایجاد آموزشگاههای  
متخلف است. دادن عینک مجانی و غیره این روح این باشگاه است با تناسب مخصوص خود



بینیم که در مملکت ایران ما به چه کارهایی دست زده ایم. در یک قیاس و سیمتری در یک مرحله و در یک روز ما خواسته ایم که اجتماع ایران را از تمام فسادها چه مادی و چه اخلاقی بیک مرتبه خلاص کنیم یعنی در یک زمان گفته ایم که روابط قرون وسطایی ارباب رعیتی آن نکات حقیقت مجملت آور و شرم آور آن از بین برود، در یک زمان گفته ایم که کشت تریاک باید موقوف شود؛ در یک زمان گفته ایم که نادرستی و بدگزر کردن و ناپاک گزر کردن باید ریشه کن شود. متأسفانه افراد زیادی را از راه قانونی شاید دنبال کردیم و دنبال خواهیم کرد و متأسفانه بنیه خواهند شد ولی جامعه باید این قربانی را بدهد تا اینکه پاک شود. در یک موقع گفته ایم که کارگرهای ایران از دسترنج خودشان بطور حادانه تری استفاده نکنند؛ در یک موقع گفته ایم که باید مسوادی و دین مملکت ریشه کن شود؛ و در همان موقع گفته ایم که نصف جمعیت ایران از قید ننگ و اسارتی که در آنها بر آنها مشولی بود آزاد شوند و زن های ایران با مرد های ایران حقوق مساوی مطابق حقوق بشریت داشته باشند. اتفاقاً اعلام این حقوق جدید برای زن های زحمتکش و نجیب ایران مصادف شد با باران رحمت. از آن روز تا به حال تقدیری باران آمده که شاید تمام اشکباری است که زن ها تا به حال از دست مرد ها ریخته باشند. البته به شرط اینکه بارندگی دیگر زیاده روی نکند. این



اقدام همه جانبه که اگر وقت بکشد در تاریخ بیش از دو هزار و پانصد سال ایران سابقه داشته است که در یک زمان، در یک چنین جنبه وسیعی، یک مرتبه کار شروع شود؛ متأسفانه باعث نارضحتی یک افرادی شده است که آنها حقیقتاً می بایستی به وسیله این بخش نابینایان لایسنز معالجه بشوند. اینها اشخاصی هستند که حقیقتاً دیدشان از یک نابینایی کمتر است، چون نه فقط منفعت مملکت را تشخیص نمی دهند بلکه حتی منفعت شخصی خودشان را نیز تشخیص نمی دهند. آن اشخاص به اصطلاح خودشان چیز دار و ثروتمند دلی به عقیده من فقیرند. اینها فکر کردند که دنیا خراب شد است، از بین رفته است، برای اینکه در حدود ثروت مای غیر عادلانه آنها دستی برده شده و محدود به یک چیز عادلانه امی شده است. اینها نمی فهمند که این محدودیت لاف آن ثروت را برای آنها نگاه می دارد. در صورتی که اگر این محدودیت نمی شد نه فقط تمام ثروتشان از بین می رفت، بلکه جانشان در خطر می رفت. اضافه بر اینکه برای جامعه ایران ولت ایران خطرناک بود، جامعه دنیا روی همین اصول عدالت اجتماعی و مساوات و ترقیات علمی و فنی و روحی، به سرعتی به جلومی رود که برای هیچ ملتی، هیچ مملکتی، هیچ دولتی، امکان نخواهد داشت. آیه روی پامی خودش بایستد. اگر خودش را با این پیشرفت باها همکند نکند. این است که



وظیفه من که قادر به این کارها هستم و قادر به این تصمیمات هستم این است که در این موقع از تمام حیثیت مقام خود، از مقام و قدرتی که روی سابقه یا روی اکتساب به دست آورده‌ام، برای تأمین این ایدآل های ملی بشری و اجتماعی استفاده بکنم و آن چیزی که از من برمی آید و از کس دیگر بر نمی آید انجام بدهم. این کار با برای شخص خود من حالا این اصطلاح معروف شده برای اینکه یک روز در امریکا از این کلمه استفاده کرده بودم غیر از در دسر چیزی نذر دولی چه در دسری بالاتر از آن و بهتر از آن باشد که لا اقل فایده اش به چند نفر برسد. کاری که ما می خواهیم کنیم این است که فایده اش به اکثریت جمعیت ایران یعنی به بیست و دو میلیون برسد. طبعاً غیر از آن کسانی که آنطوری ثروت خودشان را در خطر می دیدند انگار دیگری هست. انگار پوسیده اجتماعی که اصلاً قادر به فهم نیست. خوب غیر از تأسف خوردن باینکه یک خده ای فکرشان قشری است و محدود است و قادر به درک این راه پیمایی اجباری جامعه به سمت هدفتیهای آینده نیستند غصه ما محدود به خود این افرادی شد اگر اینها دست به تم پاشی و تحریکات نمیزدند تاریخ ایران و ملت ایران و مسؤلیتی که به ما محول شده است به ما اجازه نمی دهد که به این افراد اجازه بدهیم که غیر از خودشان دیگری را نیز گمراه و بدبخت بکنند.



قانون. و ما فوق آن اراده ملت که در ششم بهمن بطوری نمایان شد که همه شما شاهد آن بودید برای اولیای امور و طایفی معین کرده است که قوانین انقلابی ما را به حد اکثر قدرتش به انتها برساند. اصلاحات اضنی تمام خواهد شد. تریاک ریشه کن خواهد شد؛ جلوی کشت تریاک را می گیریم؛ زندهای ایران نسبت به آینده ای که در انتظار آنها هست تنها هستند. از راه شرف و نجابت و کار و تربیت اطفال و دستگیری فقرا و امور خیریه به کارشان ادامه خواهند داد. با حقوق مساوی که پیدا کرده اند، فساد ریشه کن خواهد شد. تمام مواد انقلاب ملی ماعلی خواهد شد و متأسفانه اگر در این راه مقاومتی بشود، اگر ما تا به حال گفتم کی از عجایب این است، که انقلاب بزرگ ما که شاید در تاریخ بی سابقه باشد بدون خونریزی و بدون هیچگونه معاوضتی پیش رفته است. اگر متأسفانه لازم باشد که بگویم انقلاب بزرگ ما با خون یک عده ای بی گنا یعنی مامورین دولت و خون یک عده ای افراد بدبخت و گمراه متأسفانه آغشته گشته است؛ این کاری است که چاره ای نیست و خواهد شد. اجتماع ایران در آینده برای عظمت و سر بلندی خود از این موانع باید بگذرد و با زهم جایی شکر است که در میان ملت که هنوز بی سواد است؛ هنوز فقر هست، هنوز گرسنگی هست، هنوز شاید یک قدری اوامام باقی مانده باشد، این



قربانی مایه این عذّه قلیل و ناپیخته محدود شده است و این رشد ملت کم‌نسال ایران راجع رساند .  
این صحبت با راجع کنم برای اینکه هدفهای عالیه همین جمعیه‌های بین‌المللی لایتر است . هدفهای شما  
هدفهای عالی بشریت است . هدفهای عالی بشریت نمی‌تواند مستقر و دوام داشته باشد مگر اینکه  
بر اساس عدالت اجتماعی و بر اساس پیشرفت اجتماعی قرار داشته باشد .  
پیشرفت لایتر ایران و همچنین رونق روز افزون لایسنز بین‌المللی را خواستار هستم .





## سخن شاهشاه

خطاب مجمع عمومی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران

یکشنبه پنجم خردادماه ۱۳۴۲

به مناسبت تشکیل مجمع عمومی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در سال ۱۳۴۲، خرسندی خاطر خود را از خدمات و او طلبانه و صمیمانه اعضای این جمعیت خیریه ملی و بین المللی در کمالات شهرت آنها ابراز و اظهار می دارم. دوره ای که گذشت برای شیر و خورشید سرخ ایران دوره ای پر مشقت و طال انگیز بود، حوادث مختلف بخصوص پیش آمد زلزله دهم شهریورماه در منطقه قزوین، ویران شدن بیش از سیصد هکتار، تلفات سنگین بیش از ده هزار تن از هموطنان عزیز ما، شیر و خورشید سرخ ایران را در مقابل یکی از مشکلترین مصایب ملی ایران قرار داد. مصیبتی که شاید در تاریخ پنجاه ساله شیر و خورشید سرخ نظیر نداشته است و از خداوند متعال مسئلت می کنم که در آینده نیز پیش نیاید. اگرچه تحمل بار مسوولیت سنگین گله های مقتداتی در یک چنین حادثه هولناک و پر درد امنه ای بسیار دشوار و حتی از خود و مقدرات و وسایل شیر و خورشید سرخ ایران بیرون بود ولی بسیار جای خوشوقتی است که جمعیت با همکاری عموم هموطنان عزیز و با مساعدت مؤسسات صلیب سرخ و بال احمر جهانی؛



وفعالیت شایان تقدیر میلبد سُرخ بین المللی، سرانجام تو انست بر مشکلات فایق آید و وظیفه خود را تا سرحد فداکاری انجام دهد.

در دوره دو ساله گذشته شیر و خورشید سرخ ایران توفیق یافت مؤسسات دینی و خیریه مفیدی نیز بر تاسیسات سابق خود بیفزاید و دامنه فعالیت خود را به نحو محسوسی گسترش دهد. بخصوص با ایجاد سازمان عسکرن امدادی بنادر و جزایر جنوب وابسته به هیئت محکمات آیدین کانا، قدم های مفیدی در تأمین مسایل رفاه و معیشت مردم آن نواحی بردارد. بدیهی است جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران می تواند در ادامه این فعالیت های شمرشش سودمند همواره ارشستیبانی کامل برخوردار باشد.

خدماتی که در طی دوره گذشته در پیشرفت امور سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ انجام پذیرفته و توجهی که باین موضوع مهم و اساسی که مورد کمال علاقه و عنایت ما است بمنذول گشته موجب قدردانی است. انتظار داریم شیر و خورشید سرخ ایران در آینده بیش از گذشته در این راه توفیق داشته باشد.

از ایجاد سازمان داوطلبان شیر و خورشید سرخ، و توسعه فعالیت این سازمان بخصوص



آسفاده از وجود بانوان داوطلب در خدمات خیریه و اجتماعی، بسیار فرزندیم. می‌دانیم که اکنون بیشتر وظایف و خدمات جمعیت را در مرکز و شهرستانها اعضای داوطلب انجام می‌دهند. کسانی که در راه اجرای وظایف خیرخواهانه خود جز تجسس رضای قادر تعالی انجام وظایف و فرایض دینی و ملی خویش هیچ گونه بدنی ندارند. بسیار خوشوقتم که شیر و خورشید سُرخ ایران توانسته است این سازمان تربیتی اجتماعی را با مبنای مسکمی به وجود آورد و یقین دارم که با آمادگی و آشنایی این افراد داوطلب و تربیت جوانان برای قبول مسؤلیت در این مؤسسه ملی و بین المللی جمعیت شیر و خورشید سُرخ در آینده خدمتگزاران لایق و بصیر و اعضای شایسته و علاقه مندی به اختیار خواهد داشت که می‌توانند چرخ این دستگاه مفید و مؤثر محکمی را با توانایی و تجربه کافی بگردانند، و خدمات خدمتگزاران صمیم گذشته و فعلی شیر و خورشید سُرخ را با بصیرت و احاطه کامل ادامه دهند.

می‌دانیم که مقدمات و امکانات مادی شیر و خورشید سُرخ در مقابل وظایف سنگینی که به عهده دارد ناپاچیز است. لکن اطمینان دارم که این نقیصه را بهمت و لیاقت و شوق خدمتگزاران اعضای جمعیت شیر و خورشید سُرخ ایران تا حد و ذیاد می‌توانم بران می‌کنند و لی در عین حال



تأمین عواید کافی برای شیر و خورشید سُرخ چنانکه بتواند در رشته های مختلف خدمات یخسازیه  
و اجتماعی برنامه های خود را اجرا کند همواره منظور نظر ما بوده و به هر صورت شیر و خورشید سُرخ  
ایران می تواند در این مورد نیز به توجه خاص ما کاملاً امیدوار باشد .  
از خداوند متعال منسبت داریم که همه هموطنان عزیز را در خدمتگزاری بکشور موفق  
و مؤید بدارد .



## سخن شاه شاه

در باره نتیجه مذاکرات افغانستان پاکستان

شنبه پنجم خرداد ۱۳۴۲

با کمال مسرت اعلام می شود که در اثر مساعی مداوم من برای استقرار مجدد روابط بین  
افغانستان و پاکستان، نمایندگان طرفین که برای مذاکرات و اخذ تصمیم به تهران دعوت  
شدند در خاتمه مذاکرات موافقت خودشان را اعلام داشته اند که روابط سیاسی و  
کنسولی و بازرگانی فی مابین را مجدداً برقرار سازند.

برای من بعنوان دوست و خیرخواه هر دو کشور همسایه و دوست مایه کمال خوشوقتی  
است که دولتین افغانستان و پاکستان به اخذ این تصمیم نایل گردیدند. امیدواریم  
بهین روح همکاری و صمیمیت و تشریک مساعی که در مذاکرات تهران مشهود گردید در  
روابط دوستانه آینده دو کشور همسایه حکمفرما باشد و روز بروز تحکیم یابد.



## سخن شاهشاه

بهکام شرفیابی اعضای هیئت مرکزی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران

چهارشنبه ششم خرداد ۱۳۴۲

در این یک سال اخیر، شیر و خورشید سرخ ما مواجبه با پیش آمد مایبی شده است که تمام هم و فوست او را گرفت که به آلام مردمی که در زلزله سال گذشته آطور صدمه دیدند و تلفات دادند و بی خانمان شدند بپردازد. در این او اخر هم در بعضی نقاط سیل آمده است. تلفات هم داشته است، خرابی ما هم پدید آمده است که شیر و خورشید مطابق وظایف خودش باید به آن دردها هم رسیدگی بکند و تا جایی که از عمده اش برمی آید آلام و آشکالات مردم را بر طرف بکند. این اتفاقات که قابل پیش بینی از طرفی نیست ولی به هر صورت همیشه دستگاه شیر و خورشید ما آماده و همیا برای مقابله با آن باید باشد.

بیشتر مطالبی که همیشه در گذشته گفته ام، تأییدی کند که این قبیل تشکیلات شمال سپال قوی تر باشد، کادش منجز تر باشد و وسایطش هم تکمیل تر. معنای با وجودی که این اتفاقات از حد و پیش بینی خارج بود و جنبه خیلی شدیدتری بخودش گرفته بود، معصناروی جنبه بشری



و انسانی و علاقه کارکنان شیر و خورشید و استقبال فوق العاده مردم در زلزله شهر یور که گذشته  
تشکیلات تاوانست تا جایی که ممکن بود با کسین نحمیت، بابی خوابی و فداکاری عده زیادی  
که از دستش برمی آید انجام بدهد و بخصوص استقبال مردم و اظهار همدردی آنها هر کسی به اندازه ای که  
برایش ممکن بود باعث تحسین و اعجاب همه قرار گرفت. البته گلگامی بی نهایت گرانمای ممالک  
دیگر حتی ممالک خیلی دور افتاده باعث تشکر و امتنان قلبی ما. و تسکین آلام کسانی که در این جریان  
صدمه دیده اند شده بود و این حس همکاری بشری در چنین مواقعی امیدواری است برای آینده که  
شاید بشر که در موقع سختی به کمک یکدیگر می شتابند شاید روی فرصت و درایت و عقل متین  
طوری مسائل و مبتلاآت امروزی جهان و خطراتی که امروز نسل حاضر و اصلاً تمدن ما را تهدید  
می کند به سرانگشت عقل و تدبیر حل شود و دنیا بتواند با آسایش خاطر و آسودگی نسبت به آینده  
نگاه کند، و به کارهای جاری خود پردازد و بتواند آلامی که امروز در جامعه دنیا وجود دارد و فقر،  
گرنگی، مرض و سقوط بعضی افراد پر دازد و این اشکالاتی که در زندگی امروز بشر هست، بکلی  
برطرف بکند.

اما محمد و دیت های علی شیر و خورشید از سخاوت مالی جنبری است که جالب توجه است



انتظارات روز افزونی که از این دستگاه داریم و مردم دارند و امکاناتی که رومی تسکلات موجود  
وجود دارد و طوری است که باین و بخواهات فعلی هیچ کدام از این موضوعات عملی نمی شود.  
باید هم از طرفی خود جمعیت شیر و خورشید در صد دیجات منابع جدید درآمد باشد و از طرفی اولیا  
امور آنها نیز هر چه که از دستشان برمی آید در تأمین احتیاجات حقه و لازم شیر و خورشید بکشند.  
البته جمعیت شیر و خورشید آخر سر می تواند بگوید خوب اگر توبه می نشود باین بودجه ای که دارم فقط به  
این اقدامات معین می پردازم و کارند او و نگاهداری مرخصانه با و این قبیل مؤسسات که قطعاً  
باید به وسیله یا دولت یا شهر و ایرها انجام بگیرد خوب خودشان می دانند و آنجا را اداره بکنند.  
این احتیاجی است که می توانید از حال به دولت و یا به شهر و ایرها بکنید که اگر شما بخواهید کافی را در  
اختیار شیر و خورشید بکنید آید، پس مسؤولیت خرج این قبیل مؤسساتی که از تکلیف و ظایف شما  
هست از عهده اش برآید.

و اما جمعیت شیر و خورشید ایران با ما مش جمعی است که خوب این اصلاحاتی که خیراً  
ما در مملکت شروع کردیم می تواند درک بکند. برای اینکه اصلاحات ما در راه خداست؛ در راه  
ارضاء و احتیاجات بشر از جهت عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و از بین بردن ظلم و تمام





آلام و حلام و آثار بی عدالتی و بدبختی است. باین جهت مسلماً برای من آسان است که قبول بکنم که جمعیت شیرو خورشید ایران باین مرامنامه شش روحیه ای که در اعضای آن هست تا چه اندازه این اواخر با شادی و دگرگونی شاهانین تحولات در مملکت ایران بوده است.

اصولاً این وضعیت با اصلاحات اصلاحات ما طوری است که مطمئن می‌شیم همانطوری که ملت ایران در ششمین فرصت برابر آن را داشت به همان طریق مردم قویاً پشتیبان این اصلاحات هستند و اصولاً کسانی که بخصوص مسؤلیت دارند در کارهای مسؤلیت دارند و ملی هستند اصولاً حقیقتاً از روی شرافت یا کاملاً باید مومن باین اصولی که در حال اجرا است باشند و اگر کوچکترین ترلزلی دارند شرافتمندان یا خودشان کنار بروند یا هر فردی یا هر تشکیلاتی که نتواند از روی ایمان و عقیده خودش را باین تحولات و انقلاب ملی ما تطبیق بدد باید متأسفانه جای خود را بکسانی که باین اصول مومن و معتقد هستند بدهند.

تماس شما دشمنانها با مردم طوری است که می‌توانید کاملاً به دردناک و ابتلا است، و احتیاجات اجتماعی مردم آشنا باشید. از دادن گزارش به مرکز خودتان رایج باین قبیل احتیاجات مردم و یا نواقص، کوتاهی نکنید. می‌توانید همیشه یک دستگاه مفید را بنمایانید برای مرکز، برای



داشتن بهترین اطلاعات و امیدوارم که در این سالی که در پیش داریم مملکت ایران دچار این قبیل  
بلا یا نشود و شیر و خورشید فرصت این را داشته باشد که تسکینات خودش را در روز مرتبتر  
بکند و وسایل کارش را تکمیل تر بکند و خدا کند که هیچوقت از این قبیل اتفاقات نیفتد با وسایل  
هر چه بیشتری و در کوتاهترین مدتی بتواند وظیفه خودش را انجام بدهد و باعث خوشنودی و  
سرفرازی تنگی قرار بگیرد. این مطالب را اگر لازم باشد باز این جا در کفر انسانی که خواهید  
داشت باز مطرح بکنید. برای ارشاد مردم، برای اراده طریق و غیره و البته موفقیت همه را  
از خداوند متعال خواستارم.



## سخن شاهشاه

خطاب به نوزده تن دانشجوی حازم امریکا

یکشنبه نوزدهم خرداد ۱۳۴۲

از اینکه شما به این مسافرت می روید بسیار خرسندم و امیدوارم در این سفر بتوانید  
وطن خود را بیش از پیش به مردم امریکا بشناسانید .

از ششم بهمن روز تصویب ملی که میلیونها نفر مردم ایران بدان رأی دادند  
مملکت ما وارد مراحل تازه ای شد . جامی تأسف است که عده ای آلت دست  
خارجی شده و به ایجاد بلوا دست زدند . آشوب و بیوایی که اگر جلوی آن گرفته نمی شد  
معلوم نبود که وضع شاهنشاهی اکنون چگونه می بود . اسناد و مدارکی در دست است که  
نشان می دهد آشوبگران و ارتجاع سیاه چه نقشه های شومی ترتیب داده بودند .  
ما مصمم هستیم به یاری خداوند متعال پشتیبانی ملت ایران انقلاب عظیم  
ملی را شمر برسانیم .

خود شما شاهد آزادی کشاورزان و دهقانان و سهم شدن کارگران در سود



کارخانجات هستید و سپاه دانش را هم دیدید چگونه درست شد و به ثمر رسیده  
ومی رسد .

ما هرگز اجازه نخواهیم داد که ارتجاع سیاه و مخالفان سعادت ملت ایران  
در این راه سدی ایجاد کنند و با هرگونه اقدامی علیه مصباح علی بشدت مقابله خواهند.



## سخان شاهانه

هنگام گشایش جاده سه راه

در شب نهم پانجم تیرماه ۱۳۴۲

افتتاح این راه امری برای من موجب مسرت است. برای اینکه پایتخت ایران و نقاط مرکزی ایران را به وسیله یک راه زیبا و کوتاهی به مناطق کرانه های خزر متصل می کند، هم جنبه اقتصادی دارد و هم جنبه سیاحت و تفریح و مردمان بسیاری خواهند توانست که سفر آورده های خود را از شمال از این طریق به آنسوی کوته به بازارها برسانند و همچنین احتیاجات خود را از مرکز و نقاط مرکزی تا این بکنند و تعداد بسیاری نیز خواهند توانست که از فرصت کوتاه تعطیلاتی که دارند برای استراحت به کرانه های دلپذیر بحر خزر بروند و از طبیعت آنجا استفاده بکنند. ساختمان این راه تقریباً هفده سال متوقف بود. علتش همان طوری که گفته شد بروز جنگ جهانی بود. جنگ برای ما مصائب بسیاری تولید کرد. اضافه بر خرابی ما در داخله مملکت برای تدقی مناسفانه تسوئه های پنجم مختلفی راه افتادند. هر کسی برای یک مناسف، یک مناسف متأسفانه سنگ به سینه زد و نغمیده به خودشان. به مملکتشان صدمه رساندند و اضافه بر این ضربت مملکت روحی که جبران نشدنی



مشکل است و به هر صورت خیلی طول می کشد صدمات مادی که ما خوردیم، منجمله متوقف شدن نهضت بزرگ آبادانی و اصلاحی مملکت بود. خوب به خاطر دارم شما حضاری که اینجا هستید اغلب اتفاقاً این را به خوبی حس کردید، چون خیلی ارزشنا می دانیم یا در او پاتجسس می کردید یا مسافر می کردید. قبل از جنگ یک نفر ایرانی مفتخر بود و تظا هر می کرد موقعی که در خارج بود که من ایرانی هستم ما دعای کنیم اصولاً در دنیا وضعی پیش بیاید که اصلاً خطر جنگ بکلی بر طرف شود و این بدبختی مانده برای این مملکت و نه برای هیچ مملکت دیگر پیش بیاید. از طرف دیگر کان می گفتم که هیچکس تردید نکند که هیچ مملکتی به آئینه خود نمی تواند امیدوار باشد اگر مملکت خود را بدون مقاومت تسلیم هر تجاوز و سوردشمنی نکند، آن سیاست عدم مقاومت امروزه مفهومش غیر از بدبختی و بخت و نیستی هیچ چیز دیگری ندارد. اضافه بر اینکه خیانت است ولی عملاً هم هیچگونه نتیجه ای نمی تواند داشته باشد. به هر صورت این بدبختی ما را کشیدیم تا اینکه تحقیقاً در سه معجزه پشت سر هم این مملکت را از عاقبت وحشتناکی نجات داد، ما توانستیم خودمان را طوری حفظ کنیم و بالاخره کلمه کارمایی را هم بگیریم، برنامه هفت ساله اول یک کارمایی را شروع کرد و مخصوص برنامه دوم کارمایی خیلی بزرگتری را شروع و به اتمام رساند. برنامه سوم امیدوارم که باز بهتر و بیشتر و با تجربه



بیشتر کارهای ما را دنبال کند. تا دوسه سال پیش آهنگ پیشرفت باالنسبیک آهنگ  
خیلی قوی پیدا کرده بود. حتی رشد اقتصادی ما به سی و نهم درصد در سال رسیده بود که یک چیز بالنسبه  
فوق العاده ای است این دوسه سال اخیر روی سیاست های غلطی که پیش گرفته شد، مخصوصاً اعلام  
ورشکستگی مملکت و در عین حال بذل و بخششهای عجیب و غریبی در بودجه مملکت، وحشت مردم، فرار  
سرمایه، خودداری از سرمایه گذاری، رشد اقتصادی ما را پنج و نیم درصد، یا پنج درصد پایین آورده است  
و این پنج درصد اگر از زیاد نفوس مملکت و توقعات مردم را هم به آن اضافه کنیم یک زنگنه اعلام  
به اصطلاح خطر می است که ما داریم باید بگوئیم و لا اقل رشد اقتصادی ملی خودمان را برنسانیم یا  
حد اقل به عقیده من هشت درصد در سال اگر بیشتر شود چه بهتر و برای این کار چند چیز لازم است یکی  
برنامه های هر چه وسیعتری توسط دولت و از طریق سازمان برنامه و سایر دستگاههای دولتی  
و یکی دوم مرتبه شرکت مردم خودمان در درجه اول و بعد جلب سرمایه های خارجی در مرحله دوم.  
برای این کارها در مرحله اول دستگاههای اداری صحیح و تمیزی لازم است که کارهای دولت  
را انجام بدهد و در قسمت خصوصی این است که مردم بدانند که تا مدتی سروکارشان با چه سیاست  
اقتصادی است و به نسبت آن سیاست اقتصادی زندگی خودشان را، کفر خودشان را، امید



و آرزوی خودشان را، و نقشه‌های آینده خودشان را تطبیق بدهند از لحاظ کلی تمام این چیزها تحت الشعاع این انقلاب بزرگی است که ما شروع کردیم و درش ماده مصوبه ملت خلاصه شده است. و این راه‌های آینده اجتماعی و اقتصادی این مملکت است. از لحاظ اجتماعی همان طوری که به کرات گفتم این مملکت دیگر مملکت آزاد مردان است و مملکت آزاد زنان است و متعلق به هیچ طبقه خاصی نیست. اکثریت مردم مملکت چه دهقان، چه زنها، چه همه حقیقت آزاد شده‌اند. هر کسی به سر نوشت خودش مطابق یک فروزنده بشر صاحب حقوق بشری صاحب اختیار است در حدود قوانین و در حدود مصالح ملی این آزادیها و اینکه امتیاز خاصی به هیچ طبقه ای ندارد، بلکه مملکت بطور عادی و طبیعی مسلماً متعلق به اکثریت مردم است و قاعدتاً مقررات و قوانینی که وضع می‌شود، قاعدتاً طرف منافع اکثریت مردم را باید همیشه در نظر بگیرد همان طور که گرفته ایم این وضع آینده اجتماعی ایران است، این وضع اجتماعی مسلماً در صنعت اقتصادی تأثیر کرده است. برای اینکه آزادی و دهقان ایران که هفتاد و پنج درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد و برودن منافع حق او، قدرت خرید مردم را به طریق فوق العاده ای زیاد می‌کند، این خودش باعث رونق صنایع مملکت خواهد شد. و وقتی که صنایع مملکت رونق پیدا کند





سرمایه دار با تمام حمایتی که مابه کارگرمای ایران داده ایم و داریم اورا هم حالاد در منافع کارگاهها و کارخانه ها بطریق بیحکم کریم با وجود این وقتی که رونق اقتصادی پیدا شود صاحبان سرمایه هم تشویق خواهند شد که سرمایه شان را در کارخانجات و کارگاههای صنعتی بگذرانند و لوی اینکه منافع کارگرها نسبت به سابق غیر قابل قیاس باشد. وقتی که تکلیف اقتصادی اجتماعی مملکت روشن شد، یک چیز بایستی هست که یک جامعه ای را محکمتر می کند، دوام بآن می دهد و ایجاب میکند که یک جامعه ای را لایزال می کند و آن مطلب، آن قضیه روحیه یک ملت است. این را من هم از لحاظ شخصی می گویم و هم از لحاظ شاه مملکت روی تجربیات شخصی خودم از لحاظ دینی و مذهبی یک چیزی است که اینگونه اختصاص به خود من دارد ولی چون ذکر شده در سابق تمام زندگی این از طفولیت تا حالا و تا موقعی که زنده باشم تحت تاثیر آن تجربیات روحی و دینی و مذهبی خود من بوده و خواهد بود. و اما از لحاظ رئیس مملکت من هیچ چیز بالاتر از این نمی دانم که یک جامعه ای بر اساس محکم دینی برقرار باشد. در مملکت ما خوشبختانه ما دینی داریم یعنی دین مقدس اسلام که ما عقیده مند هستیم که از هر دینی بالاتر است و مترقی تر در سایه این احکام مقدس جامعه ما می تواند به اوج تعالی و ترقی برسد در میان این شیعه های ایرانی



که تنها مملکت رسمی شیعه دنیا هست مایک خواص و خصایلی برای خودمان قایل هستیم که امیدوار  
هستیم آنها را بهم حفظ کنیم. این دینی که ما داریم به چه طریقی باید درست تبلیغ بشود. به مردم راه  
مسلم و عادی و طبیعتش به وسیله مبلغین مذهبی و علمای دین ایران است. علمای اسلامی  
مخصوص علمای شیعه برای ما حقیقتاً مورد کمال احترام هستند ولی عالم حقیقی آن کسی است که  
ذکرش و فکرش غیر از خداوند و دین خیر دیگری نیست در هر اجتماعی. در هر لباسی طبیعتاً اشخاصی هستند  
که یک قدری از حقیقت دور می شوند و در هر صنفی کسانی هستند که دکان بازمی کنند این امروزه  
دیگر مورد قبول جامعه نیست. اینجا است که ایجاد عکس العمل می شود و یک عده ای سوال می کنند  
که پس حقیقت کجاست و متأسفانه بدین وسیله باعث تشنجاتی می شوند. چیزی که لازم است  
این است که خود علمای حقیقی دین ما خودشان اگر لازم باشد افراد غیر حقیقی را از میان خودشان  
طرز همیشه حقایق اسلامی را دور بکنند و تبلیغ بکنند و نه فقط مورد احترام و محبت  
قلبی ما و مردم ایران واقع بشوند، بلکه مستلاً مورد محبت خداوندی قرار خواهند گرفت. برای  
اینکه راه خدمت حقیقی به دین از این طسیر تری است.

به هر صورت امیدوارم جامعه ما از لحاظ اجتماعی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ روحی



ودیانتی بر این مبانی عالی شهری قرار بگیرد و کارهای مملکت هر روز با سرعت بیشتری ادامه  
پیدا بکند و ملت ایران در آینده روز بروز مرفه تر و منفتح تر و سر بلند تر زندگی کند.



## سخنانشاه

بناسبت سالروز شروطیت

دوشنبه چهاردهم مرداد ۱۳۴۲

آغاز پنجاه و هشتمین سال شروطیت ایران را به عموم هم میهنان عزیز تبریک می گویم و امید دارم این سال تازه شروطیت طلیعه تحول میسابقه ای در بنیاد دموکراسی و اصولاً در حیات ملی ما باشد.

بناظر یکجمله می دانید در حال حاضر شرایط و اوضاع اجتماعی در کشور ما کلی با گذشته فرق کرده و در نتیجه راه برای حکومت واقعی اکثریت یعنی آنچه مفهوم و هدف عالی و نهایی هر رژیم دموکراسی است باز شده است.

الکون وظیفه همه مردان و همه زنان ما این است که با حقوق مساوی و آزادی کامل از این حق قانونی و ملی خود استفاده کنند و نمایندگان خویش را به مجلسین بفرستند با بخواست خداوند و با اراده قاطع ملت ایران انقلاب عظیم اجتماعی که که در ششم بهمن ۱۳۴۱ به تصویب ملت رسید و ضامن پیشرفت کشور ما و سعادت



نسل های آینده مردم این سرزمین است بهترین و اصیل ترین صورت خویش را در پدید آید.



## سخنانشاه

خطاب به دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و اروپا

شنبه نوزدهم مرداد ۱۳۴۲

من از دیدن شما دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و آمریکا خوشوقتم. منی دانم چند نفر از شما اهل تهران هستند و چند نفر تان اهل شهرستانها؛ و آیا آنهایی که اینجا اهل شهرستان بودند در این مسافرتان فرصت دیدن مستطالراس خودتان پیدا کردید یا نه؟ ولی به هر صورت چه دیده باشید چه شنیده باشید قطعاً پی بردید که در مدت غیبت شما از این مملکت، مملکت شما ظاهراً چقدر ترقی کرده. خیلی از شهرهای ایران را اگر امروز ببینید با چند سال پیش مسلماً نخواهید شناخت. از تهران صحبت نمیکنم، چون یک صحبت علیحده ای است که آن شهر را قیافه اش بکلی عوض شده؛ اغلبشان آب لوله کشی دارد؛ اغلبشان خیابانهایشان درست شده؛ برق دارد؛ شبکه مای مختلف آب برق اینها در خدمت مردم است؛ موصلاتان تقریباً آسانتر شده؛ راه مای خوب با نسیب پیدا شده است؛ راه آهن ذخیره. ولی مقصود من این نیست که ببالید از اینکه مملکتان ظاهراً از این ترقیات کرده و چند تا سد عظیم دارد که بعضی بایش حقیقتاً باعث افتخار این منطقه زودینامی شود، کاری که باید بدان آشنا باشید اقداماتی است که از



سال گذشته شروع کردیم در این مملکت و دیشم بهمن مثل یک انقلاب حقیقی همه جانبه ملی نفت‌سلاب اجتماعی، اقتصادی و روحی به تصویب ملت ایران رسید. این را باید شما با آن کاغذ آشنا بشوید، تمام نکاتش را درک بکنید و آنهایی که مایلند به این مملکت خدمت بکنند خودشان را آماده به خدمت به آن جامعه ای که در آئینه با آن روبرو خواهند شد بکنند این انقلاب تا که همه جانبه است آنچه که مربوط به آزادی افراد مملکت است می دانید که راجع به دهها هنار که در سابق بایک وضع به خصوصی در این مملکت داشتند، چه تقسیماتی گرفته شده. راجع به نصف جمعیتی که زن بی ایران هست و در سابق مثل شرکت‌نگاران و دیوانگان با آنها رفاقمی شد، حالا در امور معیشتی و سیاسی با سایر هموطنان‌شان حقوق مساوی دارند. انقلاب اقتصادی ما این است که وقتی قدرت بزرگ مملکتی اکثریت جمعیت مملکت که دهقان و کارگر و زینا هست آزاد شدند و از دسترنج خودشان بیشتر استفاده بردند و قدرت خریدشان بالا رفت، چه تأثیری در صنایع و اقتصاد مملکت و ثروت ملی مملکت خواهد داشت.

این است که هر چه قدر بهتر آشنا بشوید خودتان را بهتر با آینده ای که در انتظا ر شما است می توانید تطبیق بدید. موضوع برگشتن یا برگزگشتن به این مملکت مطلبی است که برای خودتان باید حل بشود. نباید به شما التماس کرد که برگردید و نه بقول آن سخنگوی دوم شما این موضوع را در نظر گرفت



که به شما اطلاع داد در موقعی که تحصیل می‌کنید که اگر میل مراجعت داشته باشید به وطن این کار و این  
شغل در نظر شما هست. باین اقدامات اصلاحی که ما می‌کنیم در تمام رشته‌ها احتیاجات مملکت  
بافراد مستعد و متخصص چندین برابر اضافه می‌شود. پس مستلماً نه فقط به شما بلکه به نسبت برابر شما هم  
احتیاج هست. چه شما تا و چه اینهایی که در اینجا تحصیل می‌کنند؛ چه کسانی که خوب مشغول تحصیل هستند و  
مانی شناسیم. دستگاه‌های اداری ما باید اینقدر مستطاب و صنعت خودشان باشند و کارهای ماطوری می  
نقشه باشد که حالا به مؤسسه‌ای که ما موز این کاری شود بدانند که امسال، سال بعد، پنج سال دیگر،  
ده سال دیگر، مشاغلی که مورد احتیاج هست در این مملکت چیست و برای پر کردن این مشاغل احتیاج  
به چه قبیل افراد، در چه رشته‌های تخصصی دارد. این کار باید بشود و حق این است که شما اطلاع  
داد. با شماست که از آن استفاده بکنید یا نکنید خوب حالا شما در ممالک دیگر یک هیچ و مهره کوچکی از  
اجتماع بزرگ آنها باشید و برای خودتان می‌توانید بکنید و یک زندگی را بر آن برسانید ممکن است شخصاً  
لذت داشته باشد ولی از لحاظ روحی چه لذتی دارد؟ در صورتی که ایجاباً ممکن است در مملکت خودتان  
آمار بیشتری از شما ظاهر شود و خدمتی که می‌کنید فقط به فرد و به شخص خودتان نباشد بلکه خدمت شما مؤثر  
در حال جامعه هم باشد. و اما چیزی که لازم است گفته بشود این است که صرفاً تحصیل کردن کافی نیست؛





دخسن این انقلاب بزرگ همه جانبه‌ای که ما در این مملکت شروع کرده ایم یک کار اساسی دیگر که پی گیری باید باشد روزانه شبانه باید باشد و جزو آن شش ماده میست برای اینکه قابل ذکر نیست ولی باید عمل به آن پردازیم آن ریشه کن کردن فساد است. فساد چندین نوع است: یکی جنس لاقی است؛ یکی روحی است، یکی مادی است، یکی اجتماعی است. فساد مادی که بیشتر انسان در مرحله اول به آن فکر می‌کنند مادی است. لابد آن فساد مادی روحی دیگر بقدری به صلاح انشعابات زیادی دارد که انسان باید علم روان شناسی داشته باشد تا اینکه در اطرافش بحث بکند به آن نمی پردازیم. همین فساد مادی را ما صحبتش را می‌کنیم؛ شاید بعضی ما در امری بالاترین مقامات این مملکت بودند. اینها زقند به پای محاکمه. اینها الآن در زندان هستند. اینها کی بودند، تمام اگر نگاه کنید سوابق تحصیلی بسیار دشمن داشتند، یا شاگرد اول بودند، یا بایک نمرات فوق العاده عالی، اینها فارغ التحصیل شدند. یک نفر از اینها که بی سواد نبوده؛ تمام یازده انشکده های ایران، یازده انشکاه های خارجی دیپلم دارند، مثلاً در این قسمت علمی وزارت بهداری اذغام تمام مؤسسات بهداری مملکت تا چه چیزهایی برخورد کردیم می بینیم که فساد هست باین طریق مثلاً در یک بیمارستانی آن پزشک تحصیل کرده یا آن پرستار تحصیل کرده یا غیر تحصیل کرده و آن بیمار که ایجاب می‌سواد است یا تحصیل کرده دست اینها



چطور با هم سازش کرده اند که مثلاً در صورت ما برای خرج کردن گرفتن پول از دستگاها می مربوطه ، طوری حساب سازی کردند ، صورت سازی کردند که مثلاً از یک نفر آدم صد تا ندان کشیدند یا یک نفر در وضع محل کرده ؛ و از این چیزها . این تحصیل کرده است ، این دکتر است ، پرستار هم ممکن است تحصیل کرده باشد پس صرفاً تحصیل کردن فایده ای ندارد . باید شما علم اخلاق علم خدمت اجتماعی را هم تماماً ضمیمه تحصیلیات خودتان بکنید . آآن همه تان صحیح و سالم هستید ، هیچ تردیدی نیست . ولی آن اجتماع ممکن است شمارا همراه بکند چون در اطرافتان فساد می بینید انسان کم کم با محیط خودش آشنای می شود . همان که مثلاً فرض بکنید کسانی می روند در خارج بر نمی گردند کم کم به آن محیط عادت می کنند . آشنای می شوند می مانند این محیط را اما از این طرف با تمام قوا باید بگوئیم فسادش از زمین بریم ولی شما با الیزبت بیست و یکم این اجتماع داشته باشید از روز اول باید تعیین تصمیم رداشته باشید که هیچ وقت با فساد آشتی نکنید ، هیچ وقت سازش نداشته باشید . از اول تصمیمتان این باشد که پاک وارد بشوید و تا آخر پاک بمانید . وقتی این تصمیم تصمیم اکثریت بود قطعاً فساد اصلاً قادر به نشو و نما نخواهد بود ، مسلماً منضم می شود . چه برسد به اینکه از هر طرف ما فساد را بگوئیم چه از محیط اداری و چه از محیط قضایی ، چه از محیط اجتماعی . این است که در زمانی کشور خودتان را تا جایی که می توانید به حد اکثری که ممکن است مطالعه کنید ، چیزهایی که هنوز برایتان



روشن نیست بخواهید اطلاعات برای شما برسد و همین طور در مکاتبه باقی بمانید از هر جسی بیانی اگر  
انتشارات ماهیانه دستگامهای اداری و انتشاراتی ما به شما نمی رسد با مکاتبه از همین سازمان جوانان  
شما توضیحات بخواهید و از یک طرف بمتصدیان امور اینجا تعیین مشاغل که در تظرف شما هست  
باید شود و از طرف شما آمادگی برای آنهایی که قبلاً برای ایران می تپید آمادگی احراز این مشاغل که  
در انتظار شما هست .



## سخان شاهماه

بنسبت دهمین سال قیام ملی ۲۸ مرداد

دوشنبه بیست و هشتم مرداد ۱۳۴۳

درد و فراوان به روان پاک فداکارانی که در چنین روزی درست در ده سال پیش  
جان خویش را در راه حفظ میهن خود شاکر کردند و صفحه تازه ای را در تاریخ این کشور گشودند.

یقین دارم ارواح این شهدا از این فدکاری خویش راضی و خرسند زیرا می بینند که تنها  
استقلال و حاکمیت کشورشان از هر جهت محفوظ مانده بلکه میهن عزیز آنان امروزه دوشادوش  
ممالک و مجامع مترقی دنیا در حرکت است و می دانند که جامعه ایرانی بر اساسی که پانی ریزی  
کرده ایم اکنون بر بنای عدالت اجتماعی و اقتصادی و آزادی فردی بر پایه حقوق شهروندی  
است و ضمناً با ثروت های خدا داد و طبیعی کشور ما امکان زندگی خوشبخت و مرفهی برای همه  
مردم این مملکت موجود است.

در این ده سال کشور و جامعه ما در کلیه شؤون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی،  
بهداشتی، و در سایر شؤون، چه از نظر ملی و چه از لحاظ بین المللی به پیشرفت های عظیمی نایل شده



که اکنون در تاریخ ما سابقه نداشته است و بهترین گواه این ترقی ارقام و آمارهای مشخص و قاطعی است که هر یک از سازمانهای اداری مملکت از کارهای این ده ساله خویش در دست دارند .  
ولی اکنون این دوره اولیه سازندگی یعنی کار بنیانگرازی جامعه ایرانی بر اساس محکم  
اجتماعی اقتصادی به پایان رسیده است و ما در همین ادامه این کوششهای باید دوران تازه‌ای را  
در این سیر تحول و تکامل آغاز کنیم .

قریب یک ماه دیگر برای نخستین بار در تاریخ ایران عموم افراد این مملکت خواهند  
توانست در انتخابات شرکت کنند و مطابق تشخیص و سلیقه خود، منافع خود، وجدان و وطن پرستی  
خود، افراد منتخب خویش را به مجلسین شورای سنا بفرستند . هیچ جامعه‌ای نمی تواند ادعا داشته  
باشد که منافع آن چه فردی، چه عمومی بهتر از طریق که اکنون برای شملت ایران وجود دارد  
تأمین و حفظ شده است . این امکانات زاینده رشد ملی اکثریت کامل ملت ایران از زن مرد  
است که بخصوص در این روزهای اخیر مظاهر تحسود ملی بی سابقه آن کاملاً نمایان است .  
زنان ایرانی بادی پاک و با فکر و روحی آماده به خود و به تاریخ نشان خواهند داد  
که در نهاد مردم این کشور با این تمدن باستانی چه ذخایر معنوی عظیمی نهفته است و زن



ایرانی اکنون که از قید اسارت خارج شده است چه تحول بزرگی را در امور تربیت خانوادگی و تقویت روحی نسل نای آینده مملکت و امور معاشی و اقتصادی و سیاسی جامعه خود به وجود آورد.

برای اولین بار حکومت اکثریت به مفهوم واقعی خود یعنی برای حفظ منافع حقه اکثریت در مملکت ماعلی خواهد شد و این امر بی سابقه وضع اجتماع ایران را نسبت به گذشته به کلی دگرگون و زیر و رو کرده است.

در سه هزار سال تاریخ مدون نماند هیچ وقت سابقه نداشته است که این همه تحولات انقلابی همه جانبه در یک زمان و بدین وسعت و قاطعیت صورت گرفته باشد. به چو وقت در یک زمان این همه افتخار نصیب نمانی نشده و بدین جهت هیچ وقت نیز مسئولیت من و مسئولیت شماست ایران بدین سنگینی نبوده است. حالا فرد و فرودشاهانمان و کارگران زنمان و اصناف و روشنفکران و هر کس دیگری که خود را در این تحول عظیم شریک و سهم و وار و مسئول می داند و وظایفی به عهده دارد که هرگز در گذشته نداشته اند. شما باید با تمام نیرو و با همه امکانات خویش در ساختمان ایران نوین و سر بلند و جامعه ای پیشرو و مرفه و خوشبخت و مملکتی آباد و قومی



و مستقل نگهشاید باشد که آنهایی که در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قیام کردند بتوانند همیشه بگویند این  
با بودیم که با قیام خویش در چنین روزی صفحه تاریخ ایران را در قیام زدیم و اجازه آن ایدم که در کوتاه  
مدتی همه این کارها در ایران به دست ایرانی و به نفع ایرانی انجام بگیرد.



## سخن شامشاه

در دانشگاه عالی فرماندهی ستاد

رشته پنجم شهریور ماه ۱۳۴۲

طنی دوره دانشکده فرماندهی ستاد، همچنین دانشکده عالی فرماندهی ستاد مشترک را  
به افسران فارغ التحصیل تربیت می گویم و تعداد شما افسران، و تعداد دیگر افسران فارغ التحصیل این رشته  
و مؤسسات مشابه وزن بیشتری است بر پایه علمی ارتش این مملکت. در عین سیکه ما آرزو داریم  
در تمام دنیا صلح برقرار باشد و برای رسیدن باین منظور اقداماتی که در راه تفاهم بین ملل انجام  
می گیرد مورد تأیید و خوشحالی ما است تا روزی که آن صلح پایدار بطور قطعی مسجل و معین نشده باشد،  
وظیفه هر مملکتی بمنحله این مملکت آن است که حدود و شعور مرزهای جغرافیایی خود را که و دبعه ای  
است که از نسل های گذشته به نسل فعلی رسیده است و همان طور دست نخورده باید به آینده  
پس داده شود و در حفظ و نگاهداری آن بکوشیم بخصوص مملکتی مثل ما که نه فقط مکتبی به تاریخ درخشان گذشته  
خودش است، بلکه چون آینده ای می درخشان و با افتخاری نیز در انتظار ما هست آنی نمی توانیم  
از این وظیفه خود غفلت کنیم و بدین جهت باید تا روزی که وسایل اطمینان صلح کامل در دنیا فراهم





نشده باشد بر اطلاعات علمی و وسایل دفاعی این مرز و بوم بجهت تجهیز این  
جدید و طیفه اداری خودتان را می دانید، و طیفه علی خودتان را نیز روز اولی که در دانشکده افسری بگذرد  
دفاعی یا در آن را نیز می دانید، و به همین جهت تنها چیزی که باید بخواهیم این است که  
همیشه خداوند پشت پناه شما و ارتش مملکت و ملت ایران باشد.



## سخنانشاه


دردانشکده افسری خطاب بنایندگان مردم سراسر کشور

پنجشنبه بیستم شهریور ۱۳۴۲

در واقع امروز در یک سخن خانوادگی قرار داریم برای اینکه شمارا از هر آسانی مردم آن اتان  
مأموریت داده اند که بیایید در مرکز، و در پایتخت کشور دور هم جمع شوید و برای تعیین آینده سر نوشت  
انقلاب ششم به بن تصمیمات مقتضی بگیرید. و می گویم خانوادگی، برای اینکه از اول زندگی خود محاسبات  
باطنی و قلبی من همیشه این بوده است که هر قدمی که بر می دارم برای عموم مملکت ایران است و هر  
اقدامی که می کنم بدین منظور است و اگر هم خود خواهی داشته باشم و خودم را دوست داشته باشم  
و برای خودم جاه و منزلت و عظمتی بخواهم می دانم که این نقطه موقعی ممکن است که ملت ایران قوی  
خوشبخت، سعادتمند و مقدر باشد. تعلق خاطر من به شما از دیر زمانی شروع شده است، و  
همان طوری که گفتم این موضوعی است که تا آخرین نفس ادامه خواهد داشت و علاقه شما هم  
نسبت به من در چندین دفعه نمایان شد. نیست که در چندین مرتبه این علاقه متقابل به من  
فهرورید چه من در راه شما، چه شما در راه من، ولی یک دفعه مشترکاً با هم اقدام کردیم و آن در



ششم بهمن بود و آن انقلابی است که به عنوان انقلاب من شما معروف شده است. البته  
میل داشتیم که با فرد شما آشنایی پیدا کنیم، احوال هر کدام را بشمارا علیحده و جداگانه جویا بشوم، و از  
وضع شخصی شما، خانواده شما، محل شما، وده شما، شهر شما، استان شما. ولی چون تعداد جمعیت زیاد  
است و فرصت این نخواهد بود، اینست که تنها حرفی که می توانم بزبمن این است که امیدوارم همه شما  
در سلامت باشید، درند رستی باشید، و چیزی که از همه مهمتر است با این امید می که همه نسبت به  
آینده دارید سرفراز و سر بلند و بار و جوی محکم هم خود شما به زندگی تان ادامه بدهید، هم خانواده شما.  
به همین طریق به استقبال آینده بروید و هم عموم ملت ایران در راهی که قدم بر می داریم با همتهای  
قدرت و استقامت و سرعت به سمت آرمانهای ملی و آرزوهای قلبی ما پیش برود. احتیاج به  
توضیحات زیادی نیست اقداماتی که ما کردیم به اندازه کافی حلاجی شده است. آن کاری که نسبت  
به زارعین مملکت، کارگران مملکت، زرنهای مملکت، سایر طبقات مملکت شده است به اندازه  
کافی روشن شده است و توضیحات نسبت به آن داده شده است. فقط خلاصه اش این است که  
این اقدامات دریاخ مابنی سابقه است و به تصویب ملت هم رسیده است. این است که از این  
مخاطب محترمانه نیست ولی برای ادامه پی گیری و همه جانبه آن باید اضافه بر قوه مجریه که در این کار



کوشا خواهد بود. قوه مقننه ایران نیز با همین روحیه کار را دنبال بکند ادامه می دهد و سیر تکاملی انقلاب تا به آهنگ موزون خودش ادامه بدهد. به این جهت اقداماتی که از طرف قوه مجریه لازم بود به صورت عمل درآمد. حالا موقعی است که یکت بار دیگر همان طوری که قبلاً گفتم با همان روحیه ای که دیشتم همین به پای صندوق رفیقید، این دفعه نیز به پای صندوق بروید و برای انتخاب نمایندگان که نماینده این نهضت بزرگ ملت ایران هست بشابید. این روزهای تاریخ مملکت ما این اجتماع تاریخی شما امیدوارم که تیاج روشن باشد و عقیرب نمایان شود، دشمن های ایرانی دشمنان ما ایرانی به سمت هدف های مقدس ملی باپیش بروید و این مملکت را متحد و دی که از عهد یکت فردی ساخته باشد به اوج ترقی و تعالی و سعادت و رفاه و نیکت بخی برسانید انشاء الله.



## سخنان شاهشاه

در یادگان افسران خرم آباد

شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۳۴۲

محیط امشب محیط خانوادگی واقعی است. از سخنان آنکه شما افسران و خانواده شما  
و مدعوین شما که ایرانی هستید و مستلماً قلب آنها هم مثل قلب شما در راه وطن می تپد باین مجلس  
جنبه خصوصی و خانوادگی می دهد. خانوادگی امروز در ایران مفهوم جدیدی پیدا کرده است.  
سابق بر این شاید خانوادگی را به طبقات خاص افراد یعنی در مملکت می شد اطلاق  
کرد و گو اینکه یکی از منصفان خرمایین بوده است در جامعه ایرانی از بدو پیدایش این قوم همیشه  
امکان نشان دادن استعداد ذاتی یا اکتسابی برای همه افراد فراهم بوده است؛ گاهی آنکه بزرگان ما  
پادشاهان ما، یعنی سرسلسله های شان، سرداران ما، نویندگان بزرگ ما، علمای بزرگ ما  
اغلب از طبقات خیلی پایین تری به آن افتخارات رسیدند. منجمله سرسلسله خانوادۀ خود من که  
از سربازی ساده به شاهنشاهی مملکت رسید و این امکان برای هر کس در این مملکت بوده است که  
باشان دادن استعداد خود به جاه و مقام و افتخارات برسد. گاهی آنکه طرز رفتار مردم این مملکت



با اقلیت تا همیشه طوری بوده است که این مملکت پناهمکاهی بوده است برای این مسراد  
که از هر جایی که به آنها ظلم و ستم می شد به این مملکت پناه می بردند و بالاخره در اینجا آسایش خاطر  
و زندگی پیدای کردند ولی معصنار و ارباب طبقاتی طوری بود که یک فواصلی را ایجاد کرده بود.  
مبجمله اصلاً لفظ مثلاً ارباب رعیتی و ارباب معنی آن متأسفانه در خود لفظ روشن است یک ملتی  
با این روحیه عالی و تمدن دیرینه معند این نوع روابط در او موجود بود؛ مثلاً به کارگران سابق  
عمله می گفتند و از همه بدتر با وجودی که البته زنهای این مملکت آنهایی که زنگ بودند همچون  
حقوقی نداشتند ولی بلکه در خانه شوهرانشان از ترس می لرزیدند و ظاهراً از همه حقوق محروم  
بودند. در قانون حقوق زن مساوی و در قسمتهای سیاسی و معاشی یعنی در زمره مجوزین  
و رشکشان به تقصیر و دیوانگان بوده است. در صورتی که آنهایی که این قوانین را وضع کرده  
بودند و این طور افاده می فرود خند از میان همان زنهای بدون حقوق برخاسته بودند.  
و تا سن بلوغ به وسیله آنها تربیت شده بودند. پس این چه تحقیری است که بنحوشان می کردند  
و می گفتند که ما به دست افرادی که در زمره دیوانگان قرار داشته اند تربیت شده ایم. تربیت  
یک چنین شخصی ذاتاً و قاعداً باید در او تاسیر نباشد و او را نیز دیوانه و در زمره رشکشان به اصطلاح

به تقصیر بکنجد ولی امروز معنی خانواده ایرانی این است که تمام این موانع، تمام این اصولی که باعث جلوی گیری از رشد و شکفته شدن تمام افراد مملکت می شد بر طرف شد و امروز حقیقت می شود بیایم ملت ایران این کلمه خانواده را طساق کرد و حقوق همه مساوی ولی یک سابقه ای است حالا با حقوق مساوی بین افراد این مملکت که هر کس لیاقت بیشتری داشت، شوق ذوق و احساسات بیشتری خودش را در این مسابقه وارد می کند و بسببیم چه کسی بهتر و زودتر به مقصود خواهد رسید این مقصود به فرض هم که فردی باشد ولی نتیجه یک چنین مسابقه شرافتمندانه ای بر این اساس نقش به نفع عموم و جامعه ایرانی می رسد. در این محیط مای تو انیسیم با روح شکفته و سری بلند قدم برداریم و هر کس به نفس خور حال خودش چه زارع باشد و روی زمین زراعتی کار بکند و کارگر باشد در کارگاه ها و کارخانه ها کار بکند و چه کاسب باشد، چه کارمند دولت باشد، چه پر و فخور عالی مقام باشد، و یا سرباز جانبا ز وطن باشد. همه بالأخره برای همان هدف نیایی و مقدس می کوشند و آن رساندن مملکت ایران به همگامی برابری با مترقی ترین زنده ترین ملل و مجامع بشری است.

در این راه که خوشبختانه به فضل خداوند موانع را در عرض مدت کوتاهی توانستیم بر طرف



بکنسیم. تمام امکانات موجود است و من به همه شما نوید این زندگی آتیه را می‌دهم و هم برای  
هدف توفیق خدمت بیشتر و هم برای همه شما دعا می‌کنم و موفقیت و سلامتی و نیکبختی

دارم.





## سخن شامشاه

به مناسبت آیین گشایش چارمین دوره مجلس سنا و بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی

یکشنبه چهاردهم مهره ۱۳۴۲

باتأییدات خداوند متعال چارمین دوره مجلس سنا، و بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی را

افتتاح می نمایم.

دوره تقنینیه کنونی در یکی از مهم ترین ادوار تاریخ ایران آغاز می شود؛ زیرا برابر اثر تجارب بیست سال خود در دورانی که شاید خطرناکترین دوره های تاریخ این کشور بود، وطنی آن مملکت ما دو سه بار به مرحله سقوط قطعی نزدیک شد، و به خواست الهی به صورت معجزه آسا از این خطر نجات یافت پس از تفکر بسیار، مطالعه کامل در اوضاع داخلی و اجتماعی ایران، و با ملاحظه امکانات این کشور چه از لحاظ ثروت انسانی و چه از نظر ثروت طبیعی، و همچنین با توجه به سیر تمدن و ترقی در دنیا تمدن خارجی، و تطبیق دورنمای اجتماعات ممالک دیگر با جامعه و کشور خودمان، بدین نتیجه رسیدیم که اگر نهرچه زودتر و با قاطعیت هر چه تمامتری کلیه مظالم هرجی و مرجی با و عقب اندازیم ای اجتماعی و آثار پوسیده قرون وسطی و بطور کلی هر عاملی که بتواند ما را از پیشرفت ترین ممالک دنیا عقب بگذارد



بالمزه از میان نرود، ممکن است در آینده خطرات مملکتی اساس موجودیت و حیات ملی ما را مورد تهدید قرار دهد. بدین جهت بود که در تاریخ نوزدهم دی ماه ۱۳۴۱ مواد تشکیل دهنده انقلاب اصیل ملی خودمان را به تصویب ملت ایران گذاریم و مردم ایران نیز در ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ با کشتی قاطع و قریب به اتفاق این اصول را تصویب کردند و بدین ترتیب نشو و نما انقلاب ما وارد صفحات تاریخ ایران گردید. اندکی بعد ما آزادی نیمی از جمعیت ایران یعنی جامعه زنان اصیل و لایق ایرانی را نیز اعلام داشتیم و بدین ترتیب برنگی که یک نیمه از مردم کشور ما را از حقوق حقّه جوامع آزاد و تمدن جهان محروم نگاه داشته بود قلم بطلان کشیدیم.

خوشوقیم که مفهوم عمیق این مواد تشکیل دهنده و این آزادی زنان را همه مردم ایران به کمال خوبی دریافتند زیرا در عمل دیدیم که توده ما عظیم با همان روحیه انقلابی ملی در بیست و ششم شهریور ماه ۱۳۴۲ برای تعیین نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنای ایران به پای صندوقها رفتند و نمایندگان خود را که مؤمن به اصل روح این نشو و نما ایران نوین هستند برگزیدند.

الکون دیگر بنده ایرانیان چه زن و چه مرد می توانند مانند بر انسان آزاد و سر بلندی در دنیای تمدن و ترقی امروز با امکانات مساوی، و بر اساس عدالت اجتماعی که اصول آن قوانین اصلاحات



ارضی و بیم شدن کارگران در سود ویژه کارخانه‌ها، و سایر قوانین مترقی دیگری است که عموماً به خاطر حفظ و تأمین منافع اکثریت ملت ایران وضع شده است. با اطمینان کامل به آینده در کمال امیدواری و فراغت زندگی کنند، و از امکانات وسیعی که برای هر فردی از هر طبقه‌ای پیش آمده است بهره‌مند و اجانب آن می‌دهند که در شرایط کاملاً مساوی فقط به مقتضای کوشش و شایستگی خود ترقی کنند بهره‌مند گردند. این انقلاب اصل ملی ما که خوشبختانه انعکاس روح و مفهوم تعالیم عالیّه دین مقدّس و مترقی اسلام، یعنی عدالت و انصاف و مساوات و دفاع از حقوق محرومین است در تاریخ چند هزار ساله ایران بی سابقه بود زیرا در این انقلاب تمام مظالم اجتماع مایکت بار در گون گردید، و اساس فؤد الیم و ارباب رعیتی و حتی استثمار و سخرج دیگران بجای از میان رفت و سنت حفظ منافع اقلیتی معدود به زبان اکثریت کاملاً از گون گردید.

امروزه فقط تصمیماتی در مملکت گرفته می‌شود که واقعا به نفع اکثریت مردم باشد و به همین جهت است که می‌ببینیم برای دفعه اول افراد منتخب مجلسین منتخبین اکثریت مردم هستند. با این انقلاب ملی نقاط ضعف اداری و اجتماعی مابجلی از میان رفته و راه بر کلیه منافع نامشروع سد شده است. آنچه اکنون ضرورت دارد این است که این اقدامات و دموکراسی ما



بوسیله انتخابات بنحیله ده و شهر و ولایتی و ایالتی و سپردن کار مردم به مردم تا جای که ممکن است بخصوص در امور بهداشتی و فرهنگ تکمیل گردد. همچنین نهایت اهمیت را دارد که قانون استخدام مترقی جدیدی متناسب با احتیاجات مملکت وضع شود و داوگستری ایران در کار خود سرعت و طمئیت بیشتری بهنج دهد و اکنون که خوشبختانه دیگر فرقی بین فقیر و غنی، وضعیف و قوی، از نظر جایگت آنها بر سر نوشت خودشان نماذ دست و همه زهر سحاط در برابر قانون یکسان هستند، دستگاه قضایی نیز وظیفه خود را در استقرار بنیاد عدالت و همچنین در امر مبارزه با فساد هر چه سریعتر و قاطعتر و بهتر انجام دهد.

همچنین می باید قانون بیمه های جماعی کارگران تکمیل شود و کا تعمیر سواد و فعالیت ابتکاری سپاه دانش با جدیت تمام ادامه یابد تا به خواست خداوند میوادی در کشور ماریشه کن گردد. ماباید امکانات هر نوع پیشرفتی را برای تفریح و لذت و ذوق های مختلف در رشته های کسب و دوزی و صنعتی و علمی و حرفه ای برای همه جوانان ایرانی فراهم کنیم. دانشگاههای ایران باید تکمیل گردند تا جوانان این کشور بتوانند در دانشگاههای خود مملکت تربیت شوند.

همچنین امور بهداشتی و بهداشتی کشوری باید هماهنگ با سایر شؤون مملکت پیش برود



و برنامه های عمرانی و آبادانی با سرعتی بیشتر جریان یابد .

با وجودی که برنامه پنجاهم رشد اقتصادی سالانه امی را به میزان شش درصد برای ایران پیش بینی کرده است ولی مانی تو انیم به این مقدار قانع شویم و برای پیشرفت بیشتری در کار اعتبارات برنامه پنجاهم را اضافه خواهیم کرد .

در امر اصلاحات ارضی باید بگوئیم که ما کماکان توجه بینامتنی در این باره داریم و مطمئن هستیم که پس از انجام موفقیت آمیز و سریع مرحله اول این اصلاحات ، دومین مرحله آن نیز با همان خوبی و با همان قاطعیت به انجام خواهد رسید و در این مورد در امر شرکت های تعاونی بذل توجه مخصوص خواهد شد . اصولاً شرکت های تعاونی چنانکه لازم و شایسته است باید طوری تقویت گردند که خود آنها حتی قادر به ایجاد صنایع کشاورزی باشند .

باید متوجه بود که منظور ما از اصلاحات ارضی گذشته از رفع بی عدالتی اجتماعی و زیان بردن روابط استثماری ، فراهم آوردن زمینه تولید بیشتر محصولات کشاورزی و بالا بردن درآمد سرانه افراد ایرانی بود و طبعاً وقتی که تولید زیاد شود و مصرف نیز بیشتر گردد این تولیدات کشاورزی می باید به وسیله صنایع مصرف کننده تولیدات کشاورزی کا ظاهره برداری بشوند .



دورنمایی که اکنون از آینده مملکت در پیش روی ما هست، دورنمایی بسیار درخشان و اطمینان بخش است. ما می خواهیم کشور خود را از لحاظ تمدن و ترقی به پای مالکات درجه اول دنیا برسانیم و از نظر سطح زندگی و رفاه و درآمد سرانه مردم ایران را در ردیف اول مرتبه و خوشبخت و کاملاً پیشرفته جهان قرار دهیم. برای نیل به این هدف که با انقلاب بزرگ ملی ما حوامل اصلی عقب ماندگی و بی عدالتی و عدم توازن اجتماعی از میان رفته و راه برای کار و کوشش مثبت و خلاقه هموار شده است می توانیم در درجه اول صنعتی کردن کشور همت گنجیم و ثروت های زیرزمینی مملکت را هر چه بیشتر استخراج کنیم و بخصوص در مدت ساله آینده که دوره اصلی سازندگی ماست تمام امکانات خودمان را به کار اندازیم و بکوشیم تا برای تولید هر محصولی چه کشاورزی و چه صنعتی با حداقل نفر، حداکثر نتیجه را بجاییم.

بدیهی است در این راه می باید هم گشت و دران هم کارگران پیوسته متخصص بیشتری در کار خود پیدا کنند و خبرگی کاملتری به دست آورند و برای این منظور طبقاً لازم است مدارس حرفه ای تازه ای به تعداد لازم ایجاد گردد. باید از این پس از تمام مواهبی که خداوند نصیب کشور ما فرموده است و از تمام عوامل موجود به خدا علاوه برداری کرد و در این راه یک مسابقت



دکار و کوشش دسر اسر کشور آغاز شود .

با چنین زمینه مساعدی برای هرگونه کار و فعالیت و با امکانات وسیعی که اکنون در این کشور برای همه وجود دارد، امیدوارم سرمایه های داخلی به حد اکثر امکان به جریان بنشیند، و سرمایه های خارجی نیز با استعاده از امتیازات قانون جلب سرمایه های خارجی هرچه بیشتر در این راه بکار آفتد .

دباره سیاست خارجی ایران محتاج به تذکر نیست که این سیاست بر اساس حفظ منافع مملکت و احترام متقابل و با توجه به مقررات منشور مل متحد و تعهدات موجود ادامه دارد .  
خوشبختانه ما توانستیم بهترین روابط را با تمام همسایگان خود برقرار کنیم . با ترکیه و پاکستان که اعضای پیمان مدافعی هندو هستند پیوندی ناگسستنی داریم همچنانکه میان ما با سایر اعضای پیمان هندو روابط صمیمانه اتحاد برقرار است .

با افغانستان دارای بهترین روابط برادری و دوستی هستیم . با عراق دارای روابط حسنه دوستی و همجواری می باشیم . و با اتحاد جماهیر شوروی همسایه بزرگ شمالی خود روابط کاملاً دوستانه همسایگی داریم و به تازگی نیز قرارداد های همکاری فنی و اقتصادی که هنوز قابل توسعه است با آن



منقده کرده ایم. خوشوقتم که در صحنه سیاست بین المللی، ما نه فقط در تقابم خودمان با سایر ملل می‌کوشیم، بلکه برای حصول تقابم مثبتی میان ملل دیگر نیز از هیچ گونه کوششی فروگذار نمی‌کنسیم.

ما صیमानه امید داریم که ملل جهان سرانجام در مورد خلع سلاح عمومی اطمینان بخشی به توافق نیل کرده و دنیا از وحشت و قوع یک جنگ نابودکننده که بشریت و تمدن را متعرض خواهد کرد خلاصی یابد. خوشبختانه قدم اول این کار با توافق در منع آزمایشهای هسته‌ای برداشته شده است ولی امیدوارم این فقط مرحله نخستین در راه هدفهای نهایی باشد.

به هر حال تا روزی که این آرزو جامعه عمل نپوشیده باشد کشور ما که خوشبختانه روز بروز اهمیت و موقعیت بین المللی زیادتری پیدا می‌کند و از امکانات فوق العاده‌ای برای شرف و ترقی خود برخوردار است مثل هر کشور مستقل دیگر ناگزیر است با کمال مراقبت از استقلال و تمانیت و حاکمیت خویش دفاع کند و هرگز حاضر به خیانت تصور و قتل در این امر مهم حیاتی نخواهد شد بخصوص که در منطقه خاور میانه مقدار سلاح‌های کاتالان مخوف و خطرناک زمینی و دریایی و هوایی به حد اشباع رسیده است.

توفیق عموم نمایندگان مجلس سنا و مجلس شورای ملی را در این دوره قانونگذاری در راه





خدمت به مصالح کشور و ترقی و سعادت روز افزون ملت عزیز و شریف و پر افتخار ایران  
از خداوند متعال خواستام .



## سخن شایسته

برناست تشریف فرمائی حضرت رئیس جمهوری فرانسه

چهارشنبه بیست و چهارم مهرماه ۱۳۴۲

برای شجیب نوومن باینه خوشوقتی بسیار است که مقدم آن حضرت بانو دوکل رادر این مجلس

شاد باشس بگویم.

شما امروز پابه کشوری نهاده اید که با فرانسه و تمدن و فرهنگت وزبان آن آشنایی عمیق و

دیرینه دارد و بطوری که بسیاری از ستیاسان و نویسندگان کشور شما بدان «فرانسه آسیا» لقب

داده اند.

ما از دیر باز با تجلیات مدنیت «فرهنگ فرانسه» چه در رشته علوم و فنون، و چه در

قلم و ادب و هنر، مانوس بوده و بدانها با نظر علاقه و ستایش نگرسته ایم. مردم ما با متفکرین و

نویسندگان شما بقدری آشنا هستند که آنها را مقامی همسنگ نویسندگان و متفکرین ملی خود داده اند.

فعالیت های ارزنده و وسیع خاورشناسان کشور شما فرانسه را به صورت کانون مقدم فرهنگ

ایران در مغرب زمین در آورده است. زیرا در ماورای تبادل نامه های رسمی میان پادشاهان ایران



فرانسه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن چهاردهم میلادی و در ماورای رود ابرسیاسی که آن زمان  
بین دو کشور ماب وجود امتیقات ایران شناسان شما از لحاظ کیفیت و ارزشش فوق العاده خود،  
فرانسه را در این زمینه موافقتی خاص بخشیده است.

نخستین آثاری که در اروپای جدید درباره ایران منتشر شد و نخستین ترجمه های شاهکاری  
دیانت فارسی در مغرب زمین در کشور ماب طبع رسید و قسمت بزرگی از تحقیقات و امتیقات مربوط به  
تاریخ و تمدن و فرهنگ باستانی ایران مدیون کوششهای دانشمندان عالیقدر فرانسوی است که  
با علاقه و خلوص کامل عرصه خود را در این راه صرف کرده اند.

یکی از منظره های کوششها نمایه نگاه باشکوهی بود که دو سال پیش به نام «هنر هزار سال  
هنر ایران» در شهر پاریس دایر گردید و بعد از آن با موفقیت تمام در چندین کشور دیگر پانامایش  
داده شد.

هزاران دانشجوی ایرانی در طول سالیان دراز در دانشگاههای کشور شما تحصیلات خود را  
تکمیل کرده اند. در قلمرو هنرمند پرورش استادان شما که نامشان مایه افتخار دانشگاه های فرانسه است  
سهی اساسی در تکوین معنوی جامعه نوین ایران داشته اند. زیرا کسانی که در مکتب ایشان دانش



اندوخته اند از نظر روحی و مخزنی نیز از آنها الهام گرفته اند .

روابط دو کشور با همواره با روح تقابلی هم صمیمانه ای که زاده احترام متقابل و اراده راسخ به تلاش در راه آرمانی مشترک است همراه بوده و از هنگامی که در آغاز قرن بیستم سفیر مخصوص ایران به دربار « ورسای » اعزام شد تاکنون هیچ کدورت و تقاری در آن راه نیافتاده است . بالعکس فرانسه به کرات در مواقع لزوم به ایران و زمامداران آن کمک های با ارزشی کرده است .

از یک قرن پیش کلیه ایرانیانی که فرانسه را از نزدیک دیده اند ، خاطره دلپذیری از سفر خود همراه آورده اند . خود من چندین بار کشور شمارا دیده ام و امشب مخصوصاً می خواهم از پذیرایی گرمی که دولت فرانسه و مردم پاریس از من و شهبانو در سفر رسمی اخیر خودمان به فرانسه و بخصوص از محبت های فراوان آن حضرت بانو دو گل که برای ما خاطره ای فراموش نشدنی برجای گذاشته است تشکر کنم .

ما حضور شمارا در کشور خودمان تنها یک دیدار رسمی تلفیقی نمی کنیم بلکه این ملاقات برای ما منتهوی تاریخی دارد زیرا ما که در تاریخ طولانی خودمان بارها با حوادث سنگینی نظیر آنچه فرانسه در سال ۱۹۴۵ با آن مواجه گردید روبرو شده و همسواره مانند شما از این بحران ماسرطند و سپیدر بیرون آمده ایم



تجلیل از قهرمان ۱۸ ثروتن رادو واقع تجلی از روح شخصیت غرور ملی و سنن باستانی خویش می‌شایم.  
«طول سالیان پراضطراب جنگ جهانی دوم، بانی تردید و تامل در کنار شما و متحدین شما  
قرار گرفتیم و از همان بهنگام شهامت و مبارزه نهضت «فرانسه آزاد» را با دیده تحسین مگر بستیم.  
خود من وقتی که در پایان جنگ شما رادو بازگشت از مسکو در تهران ملاقات کردم، فرصت آن  
یا فقم که احساسات صمیمانه ملت خودم را که با علاقه مندی تام ناظر پیکار موفقیت آمیز شما در راه  
آزاد کردن فرانسه بود به شما ابراز دارم. بعد ما خواندن کتاب خاطرات شما به من امکان بیشتری  
داد که به عظمت تلاشهای شما و اهمیت مبارزه ای که به رهبری شما در طول آن سالیان دشوار  
صورت گرفت به خوبی پی ببرم.

اکنون دیگر اثری از آن دوران ناگوار باقی نمانده و فرانسه با نیروی عظیم معنوی مادی  
خود تحت هدایت مدبران و نیرومندان شما هر روز بیشتر در راه ترقی پیش می‌رود به طوری که هیچ وقت  
از چنین قدرت صنعتی و از سطح زندگانی چنین عالی برخوردار نبوده است. همه این مازاد ثبات  
سیاسی است که از بهنگامی که شما بار دیگر دیکل از بحرانی ترین و حساس ترین دوره های تاریخ فرانسه  
مسئولیت سنگین زمامداری را به عهده گرفتید و کشور فرانسه برقرار شده است. ما نیز از روی تجربه خوب



در یافته ایم که این ثبات سیاسی تا چه اندازه برای پیشرفت ملی و برای تأمین سعادت کشور ضروری  
و حیاتی است .

حضرت رئیس جمهوری :

شما در طول اقامت خود در کشور ما به خوبی به درجه علاقه مردم ایران نسبت به کشور خودتان  
و نسبت به کسی که منظر و نماینده کامل ملت فرانسه است پی خواهید برد و من یقین دارم که این شخص در  
توسعه روابط دیرینه ما و در تقویت تمایل متقابل ما به همکاری مؤثر از هر جهت شکر بخش خواهد بود . ما  
شما خواهان صلح و اقیانوس دوستی هستیم تا بتوانیم همه مساعی خود را وقف بهبود زندگی مردم خویش  
کنیم .

سعادت و سلامت آن حضرت و ما دام دو گل ، و پیشرفت و ترقی روز افزون ملت و کشور  
فرانسه را آرزو مندیم .



## سخنان شاهشاه

به مناسبت روز مل متحد

پنجشنبه دوم آبان ۱۳۴۲

به مناسبت سالگرد هجدهمین سال تأسیس سازمان مل متحد خوشوقتی خویش را از پیشرفت روز افزون این سازمان بزرگ جهانی و خدمات پر ارزش آن به حفظ صلح و امنیت بین المللی ابراز می‌داریم. سال گذشته برای سازمان مل متحد سالی پر سیمت بود زیرا در این سال تشجیات بین المللی بنیاد نوجوانی تخفیف یافت، و جنگ سرد که از پایان جنگ جهانی دوم پیوسته مل جهان را در اضطراب و نگرانی نگاه داشته بود تا حد زیادی جای خویش را به سازش و تفاهم بین المللی سپرد. توافق در منع آزمایشهای اتمی که در این سال صورت گرفت در واقع یک پیروزی اصول سازمان مل متحد بود و ما همیشه امید داریم که این توافق پایه تفاهم‌های مؤثر تر و کاملتری در زمینه صلح عمومی جهانی باشد.

در این سال سازمان مل متحد به خدمات مهمی در سرزمینهای مختلف آفریقا و آسیا



که در هر یک از آنها وضعی خطرناک و تهدید آمیز وجود داشت نایل گردید و در راه دفاع از اصول تساوی شراعی و تساوی حقوقی که از ارکان مشور این سازمان است قدمهای مؤثری برداشت و خوشبختانه چندین دولت تازه استقلال یافته نیز به عضویت آن درآمدند و وارد خانواده بزرگ مل شدند .

بدین ترتیب دوره اجلاسیه جدید این سازمان که بیش از چند هفته از آغاز آن نمی گذرد در محیط امیدبخش و مساعدی آغاز شده که در ادوار اجلاسیه گذشته کمتر سابقه داشته است ؛ و ما بعنوان یکی از اولین اعضای این بزرگترین سازمان جهانی تاریخ بشر، و بر اساس سنت دیرینه تمدن ایرانی که همواره یکی به اصول مغنیت و بشردوستی و احترام به حقوق انسانی بوده است، آرزو مندیم این محیط سخن گفتار هم همچنان پایدار بماند، و سال تازه ای که در حیات سازمان مل متحد آغاز می شود سال پیروزی عقل و منطق بر نیروهای ابرنیتی، نفاق، و کینه و خودخواهی، و جنب طلبی باشد؛ و تاریخ جهان این سال را طلیعه عصر نوینی در جامعه کهن انسانی محسوب دارد .





با اطمینان رضامندی از خدمات جمعیت ایرانی طرفدار سازمان ملل متحد جاودانه  
داریم که این جمعیت به پیروی از تحول امید بخشی که در فعالیت این سازمان آغاز  
شده است بیش از پیش در راه توسعه و ترویج اصول عالیله سازمان ملل متحد و جلب  
همکاری انکار عمومی با آن کوشا باشد .



## پیام شاهنشاه

دو دین کنفرانس منطقه‌ای بانجماهی صنعت و عمران کشور بومی آسیایی

دوشنبه ششم آبانماه ۱۳۴۴

برای ما مایه بسی مسرت است که دو دین کنفرانس سالانه بانجماهی عمرانی آسیا در تهران تشکیل می‌گردد و امیدوارم شما پانچت ما را محل مناسب و مطلوبی برای انجام مذاکرات خود پیرامون مسایل فراوانی که مربوط به پیشرفت صنعتی همه ماست بیابید.

توسعه صنعتی و حقیقت در مبارزه مشترک ما بر ضد فقر و تضییع نیروی انسانی موثرترین وسیله پیکار است. برای آنکه هر فضای ما تحقق یابد، باید از هیچ کوششی در راه تأمین تجهیزات و صلاحیت فنی لازم به منظور ایجاد یک جامعه صنعتی نوین فروگذار نگردد.

سازمانهای مخصوص اعطای اعتبارات نظیر آنچه که شما نمایندگی آنها را بعهده دارید دارای اهمیت فوق العاده‌ای است. زیرا این سازمان علاوه بر دادن کمکهای مالی و فنی در عین حال موجب اعتماد است و مانند یک نیروی مغناطیسی اندوخته با سرمایه های خارجی را به سوی مؤسسات صنعتی می‌کشاند.



در بسیاری از کشورهای ماشیوه و اصول تشکیل مؤسسات مالی با شرایط و مقتضیات کنونی  
منطبق شده است و در موارد عده بر اساس حمایت مؤسسات اعتبار دهنده بین المللی بوجود آمده است.  
بهر حال مردم با استعداد این قاره با سرعت خارق العاده ای روش اینگونه مؤسسات را  
درک می کنند و پس از یک دوره کوتاه ابتکار عمل را بدست می گیرند و وظائف خود را به نحو مطلوبی  
انجام می دهند .

وقتی آنها مانند امروز فرصت داشته باشند که عقاید و نظریات خود را با کارشناسان  
مؤسسات بین المللی از کشورهای صنعتی مبادله کنند ، می توانند از تجربیات کارشناسان قاره خود  
استفاده بیشتری بکنند . با این دلیل مابین کنفرانس سالانه را که برای نخستین بار در سال گذشته به  
ابتکار بنگاه اعتبارات صنعتی و سرمایه گذاری هند برپا شد و امسال بانک صنایع و معادن  
ایران بدان تاسی کرده است ستوده و آن را می گشایم .

امید همه گونه پیروزی برای شما در گفتگو با و کوششهای شما در راه تجدید حیات صنعتی داریم  
چرا این تنها راه ایجاد یک سطح زندگی آبرومند و نمونه برای ملل ما است .



## پیام شاهنشاه

به مناسبت آغاز روزهای لاینسین ملی

پنجشنبه نهم آبانماه ۱۳۴۲

ما خوشوقتم که عده ای از نیکوکاران ایران باشکاههای لاینسین تشکیل داده و برای خدمت به اجتماع خود کوشا هستند.

یکی از برنامه های لاینسین جهان حفاظت چشم یعنی جلوگیری از نابینایی و تشکیل آموزشگاه برای نابینایان است.

طبق روشی که در دیگر کشورهای جهان نیز متداول است روزهای نهم و دهم و یازدهم آبان را روزهای «عصای سفید» اعلام می کنیم تا در این روزها باشکاههای لاینسین در سراسر ایران به وسیله استعانت از نیکوکاران و جوهری برای حفاظت چشم و کمک به نابینایان و تأسیس آموزشگاههای مخصوص آنان جمع آوری کنند.

از فعالیت های لاینسین ایران و مخصوصاً آموزشگاههایی که برای پسران دختران نابینا در تهران و شیراز در دست ساختمان دارند رضامندی خود را ابراز می داریم وطمینان داریم که



افراد ملت نیکوکار ما در حدود امکانات خود باین سازمان که از خود مردم برای خدمت به مردم  
بوجود آمده و شعارش خدمت به بشریت است کمک خواهند نمود.



# پیام شاهنشاه

به مناسبت سالروز درگذشت کمال آقا توره

یکشنبه نوزدهم بهمنماه ۱۳۴۲

به مناسبت بیست و پنجمین سال درگذشت کمال آقا توره پیشوای بزرگ ملت ترک  
 و بنیان گذار ترکیه نوین از جانب خود و ملت ایران به خاطر این قهرمان تاریخ ترک درود می فرستم.  
 در تاریخ جهان به ندرت اتفاق افتاده است که مردانی در دست در آن سخطات که می باید  
 سر نوشت مرگ و زندگانی یک ملت معین شود انجام نقشی را بدان اهمیت و با آن قاطعیتی که  
 مصطفی کمال در کشور ترکیه ایفا کرده بعهده گرفته باشد.

وی نه فقط مملکتی را که پس از یک جنگ طولانی و نافرجام در آستانه ضحلال بود از سقوط  
 قطعی نجات بخشید، بلکه با ابتکار و درایت و با قدرت اراده خود کشوری تازه و جامعه نوین را  
 پی ریزی کرده که از هر جهت با همگان با مقتضیات عصر جدید بود. اصلاحات ریشه دار او  
 گذشته از آنکه تجدید حیات سیاسی و نظامی و اقتصادی ترکیه و حیثیت بین المللی این کشور را  
 در برداشت از نظر اجتماعی و تربیتی و فرهنگی نیز ضامن سعادت و پیشرفت نسلی بعدی این سرزمین



اکنون که کشور ترکیه و دوستان این کشور در تمام جهان یادبود بیت و پنجمین سال  
درگذشت این قهرمان تاریخ ترک را مورد تجلیل قرار می دهند برای ملت ایران که از دیرباز رابطه  
همسایگی و همبستگی با ترکیه داشته و تاریخ آن از نزدیک با تاریخ این کشور درآمیخته است و اکنون نیز  
اسوارترین رشته سیاسی و منحومی آن دورا با یکدیگر پیوند می دهد، مایه کمال خوشوقتی است که به نوبه خود  
در این تجلیل جهانی شرکت کند و در صف مقدم دوستان ترکیه به خاطره بنیان گذار با افتخار ترکیه زمین  
درود بفرستد .



## سخنانشاه

بهنگام توزیع اسنادخانه‌های ساخته‌شده از محل کمک‌های امریکایی با همکاری بانک ساختمان درواغستان

جمعه بیست و چهارم آبانماه ۱۳۴۲

جناب آقای نیکر کبیر ایالات متحده امریکا. از بیانیاتی که نمودید و اظهار دوستی که نسبت به ملت ایران اظهار داشتید کفایتی بسیار کمال خوشوقتی حاصل است. اقدام مردم امریکا در این منطقه زلزله زده ایران اقدامی است که از طرف شما به نظر کاملاً طبیعی می‌آید برای اینکه از موقعی که ما یادمان هست ملت امریکا در هر موقعی برای کمک به آسیب دیدگان هر نقطه از دنیا شتاب فراوان از خود نشان داده است. تیاج را ورق بزیم می‌بینیم در هر جایی که سیل، طوفانی، زلزله‌ای، پیش آمد کرده است، کارهای انسانی را بدون درنگ، شما انجام دادید و این نسبت به هر ملتی و نسبت به هر نژادی و حتی نسبت به هر سیستم اجتماعی حتی از این بالاتر می‌شود و گفت که ملت شما از لحاظ انسانی طوری در فضای عالی دارد که بعد از جنگ بین المللی دوم به دشمن‌های سابق خود شس که تا دیروز به روی هم دیگر تیر می‌انداختند، و خون می‌ریختند بلافاصله بعد از جنگ چنان کمک و دلگیری کرد که آن ملل حالا از دوستان خوب و صمیمی شما هستند و امروزه شاید یکی از مرفه‌ترین ملل دنیا. البته





با وجود تمام این سوابق ما از تشکر مجدد نسبت به این اقدام خیرخواهانه شما خودداری نمی‌توانیم کنیم و  
امروزی هستیم که بناهای جدید که نمونه زندگی جدیدی در روستاهای ایران هست در این منطقه  
زلزله زده برخاسته است. بناهایی که از سحاط زندگی، زندگی نوینی را نشان می‌دهد؛ بناهایی که  
روی اصل بهداشت و مراعات تمام نکات زندگی سالم امروزی را نموده است. دهاتی که  
آب آشامیدنی شان تأمین شده است، و دهاتی که دبستان شان نیز ساخته شده است، که  
یکت اجتماع سالمی را بتواند بلافاصله تشکیل بدهد. البته در این کار شخصی که ذکر کردید زحمات کثیفه  
و زحمات آنها مورد قدر دانی هست و می‌خواهم اضافه کنم که این نمونه‌هایی که ما امروز در این دهات  
می‌بینیم این در واقع برای مایک هفتی است که انشاء الله در آینده بتوانیم دهات ایران را بکلی  
همان طوری که به وسیله اصلاحات ارضی از سحاط زندگی در روابط ارباب و رعیتی به هم زدیم  
و در گون کردیم، از سحاط زندگی اجتماعی نیز در گون کنیم یعنی ساختمانهای دهات را روی اسلوب  
صحیحی بنا نهاده بشوند. مراعات بهداشت و تمام نکات دیگر بشود؛ و اصل ستم‌کش‌دواری ایران  
نیز مطابق کشاورزی امروزه دنیا تبدیل بشود به برداشت حد کم‌تر محصول از هکتار کمی زیر کشت  
می‌رود و به این طریق ما بتوانیم سطح زندگی و درآمد کشاورزان را به پایه سایر طبقات ایران برسانیم



که سایر طبقات ایران نیز ان شاء الله در بیست سال آینده درآمد سرانه و ملی شان برسد به پایه ممالک شرقی  
و پیشرفته و خوشبخت دنیا.

اما از فلسفه انقلاب ایران کمی اگر بخواهیم صحبت کنیم، اصل فلسفه انقلاب بر اساس آزادی  
فردی بنا نهاده شده است. تمام نکات انقلاب ما را اگر دقت بکنید همین اصل در آن کاملاً  
روشن است. فقط یکی از آنها من صحبت می‌کنم و آن اصلاحات ارضی ایران است. اولین کاری  
که ما از زمین بردیم روابط نامنجان و غیر قابل ادامه ارباب رعیتمی بود. از زمین بردن این، یعنی  
بخشیدن آزادی کامل به فرد زارع ایرانی. در مملکت ما زارع ایرانی آزادی انتخاب مکان  
خودش را دارد؛ آزادی انتخاب حتی زراعتی که می‌خواهد بکار دارد و حال آنکه صاحب زمین شده  
است و در این نقاط صاحب خانه، و امیدوارم در تمام دیات دیگر ایران نیز صاحب خانه بشوند  
آزادی او کامل است؛ یعنی به همان اندازه ای که شما با من آزاد هستیم، او هم آزاد است.  
همین کار برای کارگر ایرانی هست. کارگر ایرانی نیز از مواهب زیادی برخوردار است، بیمه‌ای  
اجتماعی قانون کار، انتخاب محل کار خودش، انتخاب شغل خودش؛ و امروزه همین شرکت کردن او  
در منافع کارخانه این یک نوع آزادی اضافی به او می‌دهد که در خودش یک حق مالکیتی بگذرد.



حالا این شرکت کارخانه یاب و سوله قرارداد نامی دسته جمعی شود یا حقیقتاً بردن بود از منافع کارخانه  
متم نیست؛ اصل مطلب نیست که آزادی کارگر ما پیش از هر موقعی تجلی می کند. البته آزادی  
نصف جمعیت مملکت باینرا اطلاع دارد و شنیده آید که او هم بهطور مطابق حقوق بشر و تمدن امروز دنیا  
آزاد شد. پس تمام اصل فلسفه انقلاب ما بر اساس آزادی فردی و اجتماعی و همچنین آزادی و  
استقلال مملکت ایران می باشد. ما در این راه کوتاهی نمی کنیم. همان طوری که گفتید و امیداریم  
زیادای این اواخر پیدا شده است به اینکه بالاخره بشریت و تمدن امروزی راه حلی پیدا کند که  
دنیا از یک جنگ مخوف هسته ای نجات پیدا کند.

قدم اول برداشته شد، قدمهای بعدی نیز امیدوارم برداشته شود که همه با خیال  
راحت بتوانند دنبال این کارها بروند؛ با اطمینان خاطر بتوانند دنبال کارهای خودشان بروند  
و بدانند که حقیقتاً خطر جنگ و استعمال این سلاحها بکلی بر طرف شده است و دیگر هیچگونه نگرانی  
باقی نمانده باشد. تا آن روز همان طوری که خود من در سابق مکرر گفته ام باینر مثل شما ناچار  
هستیم که از منافع خودمان، از استقلال خودمان همیشه دفاع کنیم و چیزی که گذشتگان با  
پسرها اند نماند بتوانیم به آیندگان خودمان با شرافت و دست نخورده تسلیم بکنیم. این است



که با کمال خوشوقتی امروز اسناد مالکیت ساختمانهای این چهار ده را به نمایندگان ساکنین  
این محل تسلیم می‌کنم و بار دیگر خوشوقتی خود را از احساسات نועدوسی و همکاری ملت امریکا  
نسبت به ملت ایران ابراز می‌دارم .



## سخنان شاهنشاه

بر مناسبت تشریف فرمایی حضرت رئیس جمهوری فدرال آلمان و بانو لولپه

چهارشنبه اول آذر ۱۳۴۲

حضرت رئیس جمهوری، برای شهبانو و من پذیرایی از آن حضرت بانو لولپه در این مجلس عالی کمال خوشوقتی است. شما امروز به عنوان شخص اول کشوری به مملکت ما آمدید که مردم ما نسبت بدان همواره احساس احترامی عمیق داشته اند و خوشبختانه سوابق روابط دیرینه دو کشور ما نشان می دهد که از جانب ملت بزرگ آلمان نیز پیوسته این احساس متقابل نسبت به ملت ما وجود داشته است. رابطه ایران و آلمان رابطه ای بسیار ریشه دار و استوار است که در درجه اول بر اساس نزدیکی و تقابلی هم معنوی می گسرد. حتی قبل از آنکه دو کشور روابط سیاسی و دیپلماتی با یکدیگر داشته باشند، دانشمندان و شعرا و ادبای آلمانی زمینیه این تقابلی نزدیک و روحی را به بهترین صورت فراهم کرده بودند و من با خوشوقتی تمام می توانم بگویم که یکی از عوامل اصلی احترام و علاقه عمیق ملت من نسبت به ملت بزرگ شما همین است که آلمان پیوسته یکت کانون درخشان فرهنگ و تمدن ایران در دنیای غرب بوده است. ما عایسترین تجلیل جهانی از ادبیات کشور خودمان را از زبان گوته شاعر بزرگ شما شنیدیم و دیوان شعر منی «



اوبهترین غیرمضوی دانسته ایم که ملت شما گذشته برای فرستاده است. ترجمه های متعدداشاره دینیات  
کلاسیک توسط بزرگان ادب آلمان و آمارتحقیقی فراوان و بسیار با اندیشی که طی قرون اخیر، توسط  
دانشندان ایران شناس آلمانی درباره تاریخ و تمدن فرهنگ کنونی و نامتشر یافته جنگی رشته های  
استواری است که ما را به هم پیوسته است و من با علم در اینجا به نام ملت ایران از خدمات گرانها و خالصانه این  
خدمت گزاران صمیمی فرهنگ و تمدن ایران که در گذشته و حال عسر خود را در این راه وقف کرده اند،  
تقدیر کنم.

کشور شما در حال حاضر نیز از نظر توجه به زبان و فرهنگ ایران همچنان در صفوف معتدّم  
کشورهای جهان جای دارد. در قریب بیست و انگشاه آلمانی زبانهای قدیم و جدید ایران تعلیم داده  
می شود و دهها کتابخانه و موزه این کشور صاحب قسمتی از نفیس ترین کنجینه های آثار علم و ادب و  
هنر ایران در تمام دنیا هستند. مراکز علمی و تحقیقی متعددی در آلمان به تبعه تاریخ و زبان و فرهنگ  
ایران اشتغال دارند و در تمام جهان در مورد تبعات ایران شناسی پیش از هر چیز به تحقیقات با ارزش  
دانشندان کشور شما استناد می شود. امیدوارم این رشته ارتباط میان مراکز علمی آلمانی و ایرانی در  
راه فعالیت های مربوط به تمدن و فرهنگ دو کشور ما روز بروز زیادتر و استوارتر گردد.



این همکاری ثمربخش تنها مربوط به تمدن و فرهنگ گذشته مایست بلکه در عصر حاضر نیز مراکز دانشگاهی و علمی و صنعتی کشورها همواره از بهترین مراکز تعلیم و پرورش جوانان ایرانی بوده اند و هستند. هزاران دانشجوی ایرانی تاکنون در دانشگاه‌های کشورها و در نزد دانشمندان و استادان آلمانی که شهرت جهانی دارند تحصیل کرده اند و هم‌اکنون تعداد دانشجویان ایران در اروپا و کشورها از هر مملکت دیگر بیشتر است.

تحصیلات و تجارب این افراد همراه با فعالیت‌های کارشناسان و مهندسان متخصصین آلمانی که در گذشته کارهای صنعتی و فنی و غیره در کشورها شرکت داشته اند از عوامل اساسی پیشرفت صنعتی کشور ما در چهل سال اخیر بوده و هست.

حضرت رئیس جمهوری، مایر مانند سایر ملل جهان در دوران پس از جنگ جهانی اخیر شایسته‌ترین و جهش عظیم کشورها که در همه دنیا بدان «اعجاز آلمانی» لقب داده اند بوده و به عنوان یک ملت دوست که صمیمانه به سعادت و پیشرفت ملت آلمان علاقه مند است این اعجاز را با دیده تحسین نگریسته ایم. ما همواره به نبوغ آلمانی و به قدرت خلاقه ملت شما، و بدان نیروی عظیمی که در نهاد این ملت نهفته است ایمان داشته و به کرات از آن الهام گرفته ایم.



و بنا بر این از اینکه می‌تیم امروز ملت المان با آنگاه به همین قدرت نیروی معنوی روز بروز بیشتر  
جایی را که شایسته آن است در دنیای کنونی احراز می‌کند از صمیم قلب خرسندیم. یقین داریم که  
روابط دو کشور ما در آینده نیز بر اساس همین تفاهم عمیق و بر پایه سنت همکاری ثمربخش گذشته  
روز بروز بصورتی وسیعتر و کاملتر ادامه خواهد یافت .

سلامت و خوشبختی آن حضرت و بانو لولکه را با امید پیشرفت و رفاه روزافزون

نت المان خواهیم .





## پیام شاهنشاه

بر مناسبت آغاز هفتاد و یکمین کارنگار پشاهنگی

دوشنبه یازدهم آذرماه ۱۳۴۲

هموطنان عزیز:

فرارسیدن دهمین سال دوره جدید پشاهنگی ایران فرصت مناسبی است که یک بار دیگر با سازمانهای پشاهنگی سخن گوئیم و مقامات دولتی را نیز بر مسؤولیت خطیری که برای بهجامی در برنامه های تربیتی و اجتماعی کشور دارند آشنا سازیم. در حقیقت توفیق برنامه های نظیر پشاهنگی بدون همکاری و دخالت مستقیم مردم ممکن نیست زیرا وقتی پدران و مادران اصول صحیح تربیتی را در خانواده تعقیب نکنند و رفاری را که طفل در خانه دارد با تعلیمات پشاهنگی هماهنگ نسازند طبقاً احتمال بدست آوردن نتیجه کمال بسیار ضعیف است. معجز این نقص و نقائص احتمالی دیگر از ایمان ما به ترقی و پیشرفت جامعه ایرانی نمی کاهد. ما همواره متعهد بوده ایم که تربیت افراد و تقویت قوای فکری آنان بیشتر از هر عامل دیگر برای رشد سیاسی اجتماعی یک ملت ضروری و نمودمند است و بدون استفاده از این عامل که در طبقه بندی عوامل



به نیروی انسانی معروف است یک ملت نمی تواند به ترقی واقعی نیال شود. از این جهت ما یلیم که خانواده ما بدون احساس اجبار، و تنها به خاطر سعادت فرزندان خود از تشکیلات و برنامه های پیشا هنگی استقبال و پیروی کنند و مطمئن باشند که در انجام این منظور از پشتیبانی کامل ما برخوردار خواهند بود.

سال گذشته در سایه خود به لزوم همکاری مستقیم مردم با برنامه های پیشا هنگی اشاره کردیم و خوشبختیم که انجمن طرفداران تربیت پیشا هنگی که به وسیله افراد علاقه مند و مطلع تشکیل یافته است توانسته است رابطه و همکاری بیشتری بین طبقات مختلف مردم و سازمان ملی پیشا هنگی ایران ایجاد نماید.

اینک در آستانه دهمین سال این نهضت جدید مقرر می داریم که سازمان ملی پیشا هنگی ایران کماکان برای شناساندن برنامه های سودمند پیشا هنگی به عموم مردم کشور فعالیت خود را دنبال کند و با کوشش بیشتری برای تهیه اردوگاه های تربیتی و ساختمان خانه های پیشا هنگی و توسعه پیشا هنگی روستایی در کلیه روستا با مخصوص داتی که مشمول اجزای قانون اصلاحات ارضی می باشد اقدام نماید. لازم است که مأمورین لشکری و کشوری در این مورد و نه تنها همکاری



و مساعدت را برابر دارند و بگوشتند تا در خدمت به کودکان و جوانان برومند کشور  
سهیم باشند.

به عموم خواهران و برادران عزیز پیشاهنگ و مریبان کرامت اعضای کمیته های رسد  
و شورای پیشاهنگی نجشها و شهرستانها و اعضای انجمن طرفداران تربیت پیشاهنگی درود می فرستیم  
و توفیق آنها را در انجام خدمتی که بعهده گرفته اند خواستاریم.



## پیام شاهنشاه

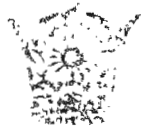
به مناسبت سالروز تأسیس پشاهنگی در ایران

سه شنبه دوازدهم آذرماه ۱۳۴۲

ملت عزیز ایران :

فرستادن پیام در سالروز تأسیس پشاهنگی که بر طبق سنت معمول است با نیت  
کار نیک از روز دهم آذر شروع می شود همواره موجب شوقی و مسرت است زیرا در این موقع  
است که آثار کوشش و تلاش ملت برای پیشرفت های معنوی و احکام مبنای تربیت نسل آینده  
ظاهر می شود و وطنیان می دهد که پای پای ترقیات مکتونی که در همه شؤون اساسی دست  
می آید نیروی کهنی انسانی نیز به تدریج آماده می شود. از نقطه نظر جهانی نیز اصول مسترقی  
پشاهنگی بدون توجه به اختلاف رنگ و نژاد و مذہب پایه ی برابری و برابری این اکثریت  
مل جهان استوار ساخته است بدون تردید روزی خواهد رسید که این اصول عالیه انسانی  
و اخلاقی سراسر جهان افرای کرده از خدمات مؤولین پشاهنگی یاد شود .

اینک که کشور ما پیش از هر زمان آماده و مستعد پیشرفت است، لازم می دانم،



مسئولیت‌کنین خانواده ما و پدران ما در ایران را برای هدایت نسل آینده یادآور شویم زیرا ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی که از مهم‌ترین وظایف خطیر سلطنت است برای شما تأمین شده است.

الکون بانوان می‌توانند از حقوقی که شایسته‌اند برخوردار گردند و کارگران و مردم روستاها نیز از زحماتی که متحمل می‌شوند، بهره‌برداری کنند. حکم عقل و منطق از این آراش و امکانات باید استفاده کرده و موجبات سعادت فرزندان را فراهم نمود. از این جهت مقرری داریم که سازمان ملی پیشاپهنگی ایران در سال جاری برای شناساندن پیشاپهنگی بعموم مردم، توجه بیشتری بعمل آورد و نسبت به توسعه پیشاپهنگی روستایی در دهات و تأمین نیازمندی‌های آن به‌کوشش بیشتری اقدام نماید.

هیئت دولت و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی موظفند در انجام برنامه‌های پیشاپهنگی و رفع مشکلات آن‌نتمهای همکاری و مساعدت را مبذول دارند و موجبات پیشرفت آن را فراهم آورند. ما این کوشش مقدس را که برای خدمت به مردم و مملکت انجام می‌شود گرامی می‌داریم و به‌اداره‌کنندگان برنامه پیشاپهنگی و کلانیه‌خواهران و برادران عزیز



پشاهنک و مریان، اعضای کمیته‌های رَسد و شورا‌های پیش‌بینی سرانگشور، و انجمن  
طرفداران دُرودی فرستیم و عنایات ربانی را برای توفیق کامل آنان خواستاریم.



## سخنان شاهشاه

خطاب به افران در نگاه کرمانشاه

شنبه ۱۴ آذرماه ۱۳۴۲

از دیدن شما خوشوقتم، البته تعجب نمی‌کنید اگر بگویم که در میان شما خانواده‌های افسران و نظامیان بودن من امری است طبیعی چون تعلق به این صنف مقدس که در مملکت ایران هست ارثی به من رسیده است؛ اضافه بر ارثی بودن از لحاظ تربیت نیز همان طور که اطلاع دارید من هم مثل شما تربیت نظامی داشته‌ام. پس در یک چنین محیط آنس و خانوادگی همیشه برای من بودنش جای بسی خوشوقتی است. و اما سفری که این مرتبه به شهر کرمانشاه کرده‌ام بعد از سالها تغییرات فاحشی چشم‌خورده است. از دید جمعیت شهر به مناسبت اقدامات بهداشتی تأمین آب آشامیدنی است. جمعیت شهر کرمانشاه را در آخرین دفعه‌ای که من اینجا بوده‌ام نود هزار نفر بود حالا به دو سیست و سیست هزار نفر رسیده است؛ امیدوارم که این نمونه از دید جمعیت این مملکت باشد. مملکت ما خوشبختانه بخواست خداوند متعال دارای چنان امکاناتی است که بتواند لا اقل جمعیت فعلی را به خوبی و با رفاهیت مساعدت‌های نگارگری کند. موقعی که جمعیت این



مملکت به آن حد رسید یعنی در حدود ۶۰۰ سال پیش جمعیت شد مملکت شاد و این ممالک دنیا بجز ممالک معظم قابل توجه قرار نخواهد گرفت. بخصوص که تمام اساس و ارکان مملکت شما روی مترقی ترین و شایسته ترین و عادلانه ترین طریق تمدن و پیشرفت انسانی قرار گرفته است. در یک سال پیش وقتی که فکرمی کردم پیش خودم و در اطراف برنامه ای که دیشتم بهمن ماه به معرض اطلاع و بعد تشویق ملت ایران قرار داده ام چند چیز به خاطر من می آمد؛ یکی اینکه اگر انسان فرصتی و قدرتی داشته باشد که از آن در راه مملکت و هموطنان خود استفاده نکند این نه فقط یک قصوری است بلکه ممکن است در پیش وجدان هر کسی حتی حل بر خیزانست شود این قدرت را در خود احساس کردم که بتوانم در این موقع، در این نیمه دوم قرن بیستم، در موقعی که مجامع و ممالک دنیا اگر دست او را نشوند و اگر سطح زندگی ملت به پایایی که امروز قابل قبول تمدن جهان است نرسد و اگر تمام مظالم اجتماعی، بی عدالتیهای اجتماعی، عدم تساوی که بین افراد، و عدم تساوی که مخصوص برای نصف جمعیت مملکت برقرار است بر طرف و مرتفع نشود، یک چنین مملکتی و جامعه ای در نیسای امروز محکوم به شکست و حتی به فنا و نیستی می باشد. قدرتی که در خود احساس کردم برای اینکه به گذشته خاتمه بدهیم و برای تأمین این آینده قدم برداریم از چند چیز تشکیل می شد یکی اینکه





هر فرد ایرانی نسبت به وطنش یک وظایفی دارد این وظیفه اگر در یک پادشاهی که البته در تحت  
توجهات آلی که در مدت عمرش در مدت سلطنتش توانسته است نشان بدهد ثابت کند که علاقه او تمرکز  
می شود به پیشرفت و ترقی و بهبودی و تکمیل زندگی وطنش در دوران مسیت سال روی تصادفات  
روی بعضی اوقات معجزه یابی که پیش آمد حس بکند که اضافه بر یک وظیفه عادی فردی و بشری و حتی  
ز ماداری مملکت و حقیقتاً شاید یک مأموریتی البته به عقیده خودم فقط از طرف پروردگاری که بالای  
ما به تمام این امور نظارت می کند و مسلماً در این دنیا و اگر باین دنیا نرسد در نیسای دیگر عاقبتی  
منظر همه هست و سر نوشتی برای هر کسی معین شده است مأموریتی حس می کنم داشته ام که بدین هدف بایک  
امروزی بیند باین آسانی به آن رسیده بد برسم چیزی که کار مرا بیش از هر چیز تسهیل کرد و وجود یعنی  
اکثریت دست نخورده یک طتی که مسلماً افکارش آکنده از روح و تمدن قیدی و باستانی و منگی  
به بافتارات گذشته حس غرور و وطن پرستی و همچنین یک تکلیقاتی با ستم تکلیقات ارش ایران که خوشبختاً  
توانسته است در تمام این مدت مسیت سال سحران مملکت در زمان اشغال و استلامانی که بعد از  
آن پیش آمد که در هیچوقت از جاده مستقیم احساسات پاک و طخواهی منحرف نشود این تکلیقات است خود  
نیز مزید بر علت استخاد تصمیمی بود که یک مرتبه ما توانستیم تاریخ این مملکت را زیر رو کنیم منظور هدف ما



از این تصمیمات و تالیفات که از آن خواسته ایم بحکیم خلاصه این است که تمام افراد این مملکت در مقابل  
منافع مملکت و در مقابل مقرررات و در مقابل قوانین همه یکسان هستند. یعنی بهمانظوری که خداوند همه را  
آفرید و آزاد به دنیا آمده‌اید در مدت زندگی نیز آزاد بمانید و آزاد از این دنیا بر ویذ و هفتاد و شصت  
شمار مدت زندگی مستکی به خود شما و لیاقت شما به صداقت شما و به شکار شما باشد. در قسمتی که مربوط  
به شماست بهمانطور که قبلاً هم تذکر داده بودم تمام عوامل سستی و خدای نکند و ضعیفی که در تکلیفات  
بود، یکی یکی از بین رفت جنف تکلیفات با بغیر از قسمتهای فنی و صرفاً نظامی یکی از ضعفها این بود  
که گاهگاهی متاسفانه مثل هر جامعه‌ی دیگر بعضی انحرافات آن هم نه انحرافات معنوی خوشبختانه  
ولی انحرافات دیگری پدید می‌شد که می‌دانید ناچار بی رحمانه با آن مبارزه شد و با کمال شدت البته در  
عین بی نظری این ضعف را ما از میان شما برچیدیم. امروز هر کدام از شما می‌توانید با سری بلبند  
کردنی افراسشته بدانید که متعلق به یک خانواده‌ی هسته‌ای این خانواده پاک و طهارت و  
لیاقت خواهد بود این در روحیه فرد فرد شما می‌دانم که چه اثر بزرگی دارد. امروز پیشرفت شما  
در اثر شکار شماست. ترقی شما در اثر لیاقت شماست هیچ چیز غیر از این باعث رشد و پیشرفت  
و گرفتن افتخارات نخواهد بود و آبا برای ما باقی جامع ایرانی آثار قرون وسطیانی را بطلان باب



در صحتی یکبارہ برچسبیده شد. این غیر از اینکه یک عده ای به نام همان خدایی که ما داریم از این بنحیر اسارت خلاص شده اند بلکه یک مرتبه به زبان خود آنحضرت کویم مثل اینکه دو مرتبه به دنیا آمدند از آن روز بعد اینها با روح دیگری مشغول کار شده اند خود را آزاد دانستند، به خانه و زندگی و البته به وطن خود علاقه جدیدی پیدا کرده اند. امروز مدافع شرف و حیثیت در سرحیات این مملکت فقط شما خانواده افسر نیستید امروز فرد فرد آن افرادی که از این قید و بند خلاص شده اند به نوبه خود یا تحت امر شما هستند یا حتی علیحدہ برای خودش همان وظیفه ای که شما دارید انجام خواهد داد. اگر بنحوا هم تمام مضیقہائی که برای عده ای موجود بود و امروز از بین رفته است و مقام بایبی که کسب کردند و منافع شرافتی و طبقاتی که کسب کردند بشمار طولانی می شود ولی چیز دیگری که آنهم خیلی واضح است و مسلماً نصف جمعیت امشب خوب درک می کنند آن مقام حقیقی است که دو مرتبه شما بانوان و نسوان این مملکت بدست آورده اید خانواده ای که شما مادران فعلی یا مادران آئینده آن را تشکیل خواهید داد. خانواده بایبی خواهد بود که بچه های آنها از روز اول در یک محیط آزادی و محبتی که بیسیج کونہ حس تحقارتی در آن وجود ندارد پرورش می یابند و قمتی که بچه باسئالات مصحومانہ خود از مادرش سؤال می کند این مادر روی حس وظیفه شناسی که پیش از پیش



حالا نسبت به خانواده، جامعه و مملکت حس می‌کنند به ترتیب دیگری با او صحبت خواهد کرد. این بچه را انحالاً برای مسئولیت‌های آینده او تربیت خواهد کرد، راه‌نمایی خواهد کرد. تمام این وقایع و مطالب به ما اجازه می‌دهد که همان جامعه متمدنی که در این نیمه دوم قرن بیستم هستیم ایجاد داریم برای حفظ منافع خود و برای رسیدن به هدف‌های خود داشته باشیم تشکیل شود. این دوزنایی که می‌بینید تکمیل نمی‌شود و اگر از امکانات مادی فوق‌العاده این مملکت هم چند کلمه ای بگویم: خداوند نعمت‌هایی که به این مملکت ارزانی داشته است که آنچه که روی زمین می‌توانیم به چشم بینیم و آن چیزی که از روی زمین مای تو انیسم بهره برداری کنیم خودش به تنهایی یک منبع ثروت فوق‌العاده قوی است آن چیزی که الآن می‌بینید در مقابل این چیزی که امکان دارد با زمین هیچ است با فنون و اطلاعات جدید که هست از نگاهت و زری کاری می‌شود در این مملکت کرد که در یک مدت بالنسبه کوتاهی محصولات این مملکت شاید به پنج برابر اضافه بشود و این شاید که می‌گویم مقصود ما اقل است. دیروز در همین کارخانه قند گزارش داده شد که یک کشاورز از این به بعد بارانهای سیالی که خواهد شد به برابر برداشت محصول فعلی خود می‌تواند محصول به دست بیاورد این اضافه در بر قسمت دیگری تقریباً قابل عمل است. در قسمتهای مبارزه با آفات اگر کارکنان تفاوت فاحشی



ظاہر خواهد شد. امروز شاید نصف محصول زراعت این مملکت به وسیله آفات از بین می رود. قسمتی که باقی می ماند برای عدم استعمال و چگونگی بسته بندی و فرستادن آن از مزارع به شهر یا محل های مصرفی قسمت بالنسبه قابل توجهی از بین می رود. در طرز نگاه داشتن محصول در نبارها، در کارخانه ها چون بنور و سیال کامل نیست یک قسمتی هم اینجا از بین می رود. پس ببینید که اگر از یک طرف آبیاری ما مطابق اسلوب صحیح انجام بگیرد و هر چه آب بشود در کوہستانها، در پشت سدنا ذخیره کرد و از دل زمین به وسیله چاه بیرون آورد و آنرا به طریق صحیح امروزه به سر مزارع برسانیم و آب هدر نرود. یعنی ازین جو یہای فعلی که باز است در معرض اشعه آفتاب یک مقدار می تخمیر می شود، یک مقدار دیگرش در زمین فرو می رود و اگر این را با کانه های معمولی و یا به وسیله لوله های آلومینیومی ما به سر مزارع برسانیم چند برابر می شود سطح کشت این مملکت را بالا ببرد. چند برابر می شود در هر هکتاری محصول را اضافه کرد. به وسیله ماشین آلات کاش و زری. به وسیله استفاده از کود شیمیایی و غیره چند میلیون هکتار اراضی این مملکت را دو مرتبه می شود چغندر کرد. در تاریخ ذکر شده است که این مملکت روزی شانزده میلیون هکتار چغندر داشته است اما روزی گوید که سطح چغندر این مملکت از پنج میلیون هکتار کمتر است. برای دام داری در این مملکت اقداماتی می شود که در کتاب فوق العاده و جغرافیائی



می شود به دست آورد. همچنین انواع دخت نامی میوه و غیره، از ادامه این مطلب خودداری می‌کنم چون خیلی طولانی خواهد شد. اما اثر و تهای زیرزمینی که شما دارید مهم تر از همه ثروت نفت شماست که امروز علوم دنیا با کشفات جدید به ما نشان داده است که کم قیمت ترین فراورده نامی نفتی همین چیزی است که ما به عنوان نفت بنزین می‌شناسیم. امروز نفت یعنی از مشتقات این ماده ده هزار و دویست مشتقات مختلف می‌شناسیم که ما شروع کرده ایم به بهره برداری از این امکانات پروازیم در آید این مملکت از این راه سر به مبالغی می‌زند که تحقیقات به نظر غیر قابل باور کردن می‌باشد ولی همینطور است. این صنایع را بطور اعم می‌گویند صنایع پتروشیمی. تمام چیزهای نامی مایه‌ای، لباسها، پارچه‌ها، حتی دوامی مسکن مثلاً به شامی گویند اسپیرین برای آن مشکل است که فکر کنید که اسپیرین را هم می‌شود از مواد نفتی ساخت یا مواد غذایی مثل پروتئین که جای گوشت را می‌گیرد در این قسمت شروع خواهیم کرد. از نفت، از گاز و محسوسه‌های این شروتها روی زمین، زیر زمین معادن دیگری ایران دارد که ما را یک مملکت صنعتی به تمام معنی در خواهد آورد. امکانات ما بقدری زیاد است که با همان نسبت همت و تصمیم ما را بالا برده است اینچ کوشش و همتی فروگذاری نخواهیم کرد تا این مملکت را برسانیم به پایه و بقیه هم پیشرفته ترین ممالک مترقی جهان



امید دارم که این مقام و منزلت و این خوشبختی و رفاهیت و سعادت را نه فقط  
بچه های شما در اینجا ببینید، بلکه همه شما قبل از اینکه موایمان بکنی سفید شود و دندانهای مصنوعی بگذارید  
ببینید و از آن لذت ببرید و به آن مفتخر باشید که ایرانی به دنیا آمده اید و ایرانی از دنیا خواهید  
رفت. بچه های شما نیز هر چه شما را به ایندگان خود شما با همان احترام تحویل خواهند داد.  
پس هر کس وظیفه خودش را انجام بدهد مستلماً به همین هدف می رسیم. شما سر باز نماند که تکلیفان معلوم است  
و غیر از کاری که انجام می دهید که آنهم مورد رضایت کامل من است روز بروز معلومات شما، سطح  
اطلاعات شما و قدرت کار شما بالا می رود. نمونه خوبی را امروز دیدیم و می توانیم التمه ما خودمان  
تولید کننده اسلحه های مخوف فیتیم ولی تا جاییکه مربوط به شرافت است، مربوط به لیاقت است  
مربوط به پشتکار و ایمان است به سرحد کمال می توانیم برسیم. شما خانواده افسرها، خانهای افسرها  
و بچه های افسرها، شما نیز وظیفه تان معلوم است. یاری به شوهراتان است. خانه انیس و  
محبت و خوشبختی را برای آنها همیشه آماده دارید. اینها که از کار سنگین روزانه خود برمی گردند  
آن محیط پر مهر و محبت استراحت می کنند بچه های تان را در همین روحیه تربیت می کنید و خودتان هر روز  
به اصطلاح به آزادی زنها و وظیفه اجتماعی که به دست دارید، یک وظیفه جدید دیگری هم دارید



شما که امروز می‌توانید شرکت بنیاد در زندگی اجتماعی محکم و نصف قدرت محکم را تشکیل می‌دهید  
و اراده و رای و سلیقه شما در بنیان گذاری فعلی آئینه محکم شرط است مسلماً همیشه در بنسال  
به خبای و تصمیماتی می‌روید که نسبت به اش همان است که صحبت کردیم یعنی نتیجه افتخار و سر بلندی  
این محکم و فرزندان این محکم است .





## سخن شاه شاه

در آبادان



دوشنبه سی ام دی ماه ۱۳۴۲

برده‌های که باین منطقه و باین شهر آبادان پامی کدام چند چیز احساسات مرا متحیر می‌کند، یکی غرور طیست ایرانی در این منطقه مرزی و حساس دیگری لیاقت شایستگی کارمندان مهندسی و رؤساء و کارگران چه آنها یکی که در فن خودشان تخصص دارند چه ساده‌ترین کارگرانی که در این منطقه و در این شرکت کار می‌کنند. از لحاظ اول یعنی احساسات مردم اهمیت این منطقه خیلی می‌شود صحبت کرد، الان در این استان بزرگترین ثروت ملی تولید می‌شود و ازین ثروت ما و ثروت‌های دیگری ایجاد می‌کنیم که به نوبه خودش یک دوز و تسلسلی مملکت را امیدوارم آباد بکند اما چه بکنیم که ازین ثروت خدا دادی این منطقه حد اکثر استفاده را بکنیم؟ اولین وظیفه ما این است که روز بروز در تمام رشته‌های آن خودمان را امتیاز بکنیم یعنی اینکه اگر کسی الان متخصص است سعی کند که با زحم بیشتر معلومات خودش را تکمیل بکند به اندازه کافی چه کارگر فنی و چه مهندس چه افراد اداری تربیت بکنیم که صنعت نفت ما کمتر و یا اجیاناً هیچ احتیاج به افراد غیر ایرانی نداشته باشد این هم از لحاظ



صرف جویی خوبست و هم از سخاظ دیگر سعی کنیم که در تمام بازارهای دنیا به وسیله مشارکت  
و احیاناً بازاریابی سرمایه گذاری در تأسیسات نفتی در نقاط دیگر جهان بشود.

روی اصل عقب افتادگی مملکت ما در دو قرن اخیر که مصادف شده است با پیشرفت  
فوق العاده ممالک صنعتی دنیا و اینکه در عین حال مملکت ما فاقد حکومت قومی مرکزی بوده است  
ما دچار کشمکش های داخلی، بی نظمی ها، بی ترتیبی ها و دستخوش تجاوزات داخلی و خارجی و دچار  
ملوک الطوائفی بودیم نمی دانم عمر چند نفر از شاهان اندازه است که شنیده یا دیده باشید که قبل از  
۱۲۹۹ این منطقه خوزستان چه وضعی داشت. به هر صورت در این مدت زمان که سایرین  
با اصطلاح چهار اسبه پیشرفت می کردند و صنعتی می شدند مملکت ما اضافه بر گرفتاریها و آستلاآت  
ضعف حکومت مرکزی از سخاظ فنی بی نهایت عقب افتاده بود که اینکه وقتی اصولاً نفت و  
صنعت نفت در دنیا کشف شد با اصطلاح معروف شاید به زوری توانستیم یک لولهنگی  
بسازیم. اینست که نفت ما هم به دست شرکت های خارجی شروع به بهره برداری شد و در جنگ  
بین المللی اول اهمیت فوق العاده آن ظاهر شد و بین دو جنگ بطور تقریبی اضافه می شد بر  
استخراجش و بر تأسیساتش و در زمان جنگ دوم نیز بیشتر این صنعت پیشرفت کرد و سپس از جنگ



بین المللی دوم ماروی احساسات خیلی شدید وطن پرستی که تا این حدش مورد تأیید همگانی بود  
نفث خودمان را آلی اعلام کردیم. فتهاراه حل علائنه آنرا یعنی رساندن این نفث به بازار مصرف  
دنیا یا سخا استیم یا توانستیم در آن زمان پیدا کنیم. استخراج نفث در آوردن نفث از عمق زمین  
تا سرچاه شهابه از من اطلاع دارید کار مشکلی نیست اما اساس بعدی آن این است که از آن سر  
چاه برسد به بندرگاه، از بندرگاه برود به کشتی، از کشتی برود و تقسیم بشود به بازارهای دنیا بخصوص اگر  
مملکتی پنجاه و بتواند مثل ایران زل درجه یک در صنعت نفث دنیا داشته باشد یعنی تولیداتش که  
امید داریم تا بحال دو سال دیگر به سالی صد میلیون تن برسد. صد میلیون تن نفث را نمی شود  
پیت پیت یا بشکله بشکله فروخت حتی روزی که ما می توانیم یا بازارهای نفثی را مستقیماً به دست  
آوریم یا سرمایه گذاری کنیم در ممالک دیگر و ضمناً کار متخصص چه فنی چه اداری، کارگر متخصص  
لابراتوارهای کافی برای تحقیق در امور فنی و تمام وسایل دیگری که یک مملکت را یا یک شرکت را  
قادر به رقابت بین المللی می کند تا آن روز که باید بگوئیم به آن برسیم هر چه زودتر یا وسیله فروش  
نفث را لازم داریم آنهم الآن بالنسبه سویم نفث مشغول هستیم. البته ما هر روز سعی می کنیم  
به بر مقدار امکان در سرحد امکان و تا جایی که منطق و امکانات فعلی اجازه می دهد منافع





صنعت نفت در این منطقه در دو سه سال آینده فوق العاده خواهد بود. برنامه‌ای که قریب یکماه پیش به اطلاع من رسید وقتی که به اطلاع شما هم برسد خواهید دید که چه آتیه بزرگی برای صنعت نفت در این منطقه هست. منطقه معشور، منطقه خارک و در عین حال مایا با شرکت‌های دیگر و یاد داخل خود ایران مشغول اقدام سیم چینی که شرکت ملی رأس اقدام می‌کند حتی از پامی نمی‌شنیم. خیال داریم که لوک نفتی از منطقه ابواز به سمت تهران بکشیم ظرفیت لوله زیاد خواهد بود شاید سی بیش از پنج میلیون تن باشد. بعینست که در منطقه البرز و قم پالایشگاه بزرگی تاسیس کنیم که ظرفیت پالایشگاه هم در حدود پنج میلیون تن باشد. تفصیلات ما ادامه دارد و در تمام مناطق مملکت فکر می‌کنم که هر استان ایران حقیقتاً دارای منابع نفتی کافی باشد که قابل استخراج و بهره برداری نیز باشد. در عین حال توجهی که به امور زندگی ساده‌ترین کارگران ما بالاترین رؤسای این شرکت می‌شود از نظر... نیست. در این چند سال اخیر شنیده‌ام که در این قسمت هفت هزار خانه ساخته شده کافی نیست، باید چهار پنج هزار خانه دیگر ساخته شود و امیدوارم هر چه زودتر ساخته شود.

در قسمت اداره شرکت جبرایان صحیح‌تری شاید باید پیدا شود. اگر ایجابات تبعضاتی بوده، تبعیضات باید برطرف شود. از لحاظ روحی نیز چیزی که در سرتاسر مملکت من اعلام کرده‌ام البته



در این شرکت هم صدق می‌کند و آن نیست که شرف و ترقی فقط و فقط منوط به شخصیت و قدرت  
کارویاقت آن فرو خواهد داشت و لا غیر. بهیچکس به عنوان اینکه پسر فلانی است یا برادر فلانی  
است یا دوست فلانی است، این ملاک ترقی او نخواهد بود بلکه صرفاً شخصیت خود او و نتیجه کار  
خود او است. و اما دوسه کلمه ای بگویم که این همه توجیهی که ما می‌کنیم باینکه این ثروت بزرگ خدا واهی  
روز بروز از دیا پیدا کند برای چیست؟ در اول صحبت شد، مختصری گفتیم که این ثروت باعث  
تولید ثروت‌های دیگری خواهد شد که بطور زنجیر شاید باعث رفاهیت مردم بشود ولی این رفاهیت را  
بشما توضیح می‌دهم، رفاهیتی که امروز در مملکت ایران متقدماش را فراهم کرده ایم و باید هر چه زودتر  
حکمرانان این نیست که یک عده ثروتمندی ثروتمند تر بشوند. این رفاهیت این است که  
اول حداقلی که مطابق تمدن امروز دنیا باشد برای همه فراهم شود بشرطی که کار بکنند. از آن بشر  
باز منوط به لیاقت و دقت و فعالیت خود خواهد بود. نمی‌گویم دزدانگی حاصل تصادف یا  
شانس وجود ندارد چرا، این لازمه زندگی و لازمه اجتماع و لازمه بشریت است، ولی باعث  
تبعیض نمی‌تواند باشد. این ثروت‌هایی که ما می‌خواهیم استخراج کنیم از این مملکت همان طور که  
اطلاع دارید برای این است که امروز دهقان ایرانی آزاد باشد و یا برای خودش کار بکند



دیاکر کارکنند برای ارباب نیست به عنوان یک کارگر کشاوزی با تمام حقوق و مزایایی که امروز کارگر مطابقت قانون کار دارد برای کسی که او را استخدام کرده است کارکنند مثل کارگر توی کارخانه. کارگر ایرانی امروز با قانونی که مطابقت دارد که در سود کارخانجات شریک می شود باید یک انگیزه پیشه ای داشته باشد، این انگیزه اش فقط مادی نیست بلکه حس می کند که او در این مملکت یک شرافت ذاتی دارد به عنوان شرافت کار که در واقع در آن کارخانه ای بهم که کاری کند به عنوان اجیرتیبو حاصله کار هم یک طوری است که به خودش می رسد. یعنی کارخانه را تقریباً به یک اندازه ای از آن خودش می داند این نوع جامعه چهاربخاط زارع و چهاربخاط کارگر خدا حافظی است که ما بهرگونه آثار استثماری در مملکتان به عمل می آوریم و این پهنری است که می شود به آن فخر کرد. امروز یاد نیستند ما کی در دنیا که به پایه اجتماعی امروز ایران باشند وقتی که اکثریت ملت زارع به آنطور صاحب مال خودش باشد و با سر بلندی کار کرد و کار امثل یک عمل شرفمندانه امی تلقی کرد، کارگر به تیزی که کفتم به آن نیستیج و ده فماریسد و سایر طبقات مملکت در هر شغلی که باشند روی اصلی که توضیح دادم که بعضی نخواهد بود و هر کس فرانو حال لیاقت و پشتکار خودش ترقی خواهد کرد این جامعه که به وسیله دستگاه اداری منتره ترقی و بیگام باین



جریمان پذیرفت کرد، این محیطی است که هر فرد بشری افتخار خواهد کرد که در آن زندگی کند. خسیلی آثار  
بی عدالتی مایه گیری که مانیر بر طرف کرده ایم. نمی خواهیم صحبت را طولانی کنیم فقط به دو چیز اشاره  
می کنیم؛ یکی اینکه ننگ بزرگ اجتماعی ایران یعنی محرومیت نصف جمعیت مملکت ایران نیز  
بر طرف شد. شما در اینجا باید در محیطی هستید متمدنی و افرادی هستید که در زندگی با منطق و تمدن  
سر و کار دارید خوب می فهمید که من چه می گویم. اثر آن بزودی در مملکت ایران نمایان خواهد بود.  
دوم این است که این هم حس می کنید چنان با پی گیری و بی رحمانه ما با هر نوع فساد  
در مملکت مبارزه می کنیم که نتایج اولیه آن را دیدید ولی اجتماعی که به سمت هدف عالی پیش می رود  
ناچار است از این نوع قربانیهای فساد بگذرد و این ادامه خواهد داشت به زودی در  
مملکت خواهد رسید که در واقع باید با ذره بین بلند شویم و نگاه کنیم و آثار فساد را ببینیم. این مختصری است  
از وضع آینده این مملکت و این همه که ما تلاش می کنیم و با اصطلاح جوش می زنیم که روتوهای این  
مملکت بیشتر استخراج شود و از آن بیشتر منافع ببریم. برای تسهیل فراهم کردن کار اساسی این اجتماعی  
است که به شما توضیح دادم و مطمئن هستیم که همه شما برای اینکه هر چه زودتر این اجتماع برسیم از  
حد اکثر تلاش و خدمت بی حوققت فروگذار نخواهید کرد.





## سخنان شاهنشاه

دروین - اطیش

هفتمین ماه ۱۳۴۲

البتة اگر امروز ممکن بود که در میان ملت ایران در خود ایران می بودم سعادت بیشتری بود، ولی خوشوقتی اینجا است که این روز را در میان ایرانها به هر صورت می گذرانم، این تصمیمی که مردم ایران در بزرگداشت این روز و فرستادن چهار نفر نماینده در واقع اکثریت طبقات مملکت به اینجا برای اینکه یاد بودی را به من تسلیم کنند باعث کمال مسرت و خوشوقتی است. این چهار نفر کی هستند یکی دوشیزه امی که در دانشکده پزشکی مشغول تحصیل است. موضوع این نیست که مشغول تحصیل پزشکی است معنی اش این است که یک زن ایرانی امروز امکانات آن را دارد مثل هر مرد دیگری ایرانی دوش به دوش برادرهای خودش برای ساختن پایه های اجتماع مترقی و سالم ایران قدم بردارد.

نماینده دیگر یک سپاهی دانش است. کسی است که با سایر دبیران و فرهنگیان مملکت خواهد کوشید تا ریشه جهل و بیوادی از مملکت کنده شود و هر فردی در مملکت با دارای نعمت خواندن باشد یعنی شبیه می کنم به اینکه یک قطی نابینا یا یک اکثریت نابینایان نعمت نور را در خود دارند.



نماینده دیگر یک دهمت ان آزاده و مالک زمین خودش است. نماینده این طبقه جدید فرد آزادی در یک مملکت جدید در یک پایه اجتماع جدیدی با رحمت خودش ولی با اعتقاد به کاری که انجام می دهد دارد.

نماینده یک نظم جدیدی است، نماینده ازین زقن یک وضع منقح قدیمی است و نماینده آتیه مملکت .

فرد دیگر کارگری است که امروز بر خوردار می باشد از یک مزایای جدیدی که شاید در دنیا کمتر مملکتی دارای این مزایا باشد و ما افتخار داریم که از مستحکان، از مقدم ترین ممالک جامعه ای می باشیم که در این راه قدم برداشته ایم. این چهار نفر نماینده نظم جدید مملکت، نماینده حقیقتاً اکثریت ملت هستند. زن که نصف جمعیت مملکت است، دهقان زن و مرد شش ۷۵ درصد جمعیت مملکت را می دهد. کارگر امروز بیش از یک میلیون کارگر شناخته شده داریم ولی در آتیه بخصوص تعداد کارگران ایران به مقدار عجیبی زیاد خواهد شد، چون برای اینکه مملکت مترقی بشویم، نسبت درصد فعلی جمعیت باید معکوس بشود یعنی امید داریم که ۷۰ درصد یا ۷۵ درصدی که در دوات زندگی می کنند یا از راه کشاورزی ارتزاق می کنند این درسی سال آتیه معکوس بشود.



پس بهمان نسبت تقریباً تعداد کارگاهها، کارخانجات، و کارگرهای ایران باید زیاد بشوند. این مختصر برای این است که شما ایرانیها در هر کجایی که باشید بدانید که آن وضع مملکتان چیست و فردا وضع مملکتان چه خواهد بود. آن کسی که می خواهد در مملکتش زندگی بکند، مملکتش میزد از حالامی داند که چه چیزی در انتظار او هست و او تا چه حد و از چه طریقی بهتر می تواند باین آب خاک که در آنجا زنده شده و زندگی کرده است و در آن اجتماع با آن تصمیمات اجتماعی که گرفته می شود چگونه بهتر می تواند کار کند و خدمت کند و البته چگونه می تواند در آن اجتماع به شرطی که لیاقت داشته باشد زحمت بکشد و کار بکند با شرایط مساوی و جامعه ای که تبعیض از بین رفته است و جامعه ای که عدالت برقرار است چگونه می تواند بیشتر ترقی و پیشرفت کند. جامعه ما با تمام نقشه های بزرگی که برای ترقی آن داریم از حال ما بعد هر روز در یک جامعه مترقی که متکی است به فنون و تکنیک جدید و امروزه دنیا خواهد شد. هر فرد ایرانی در کاری که انجام می دهد در رشته خودش باید تقریباً تخصصی داشته باشد، کارگر کشاورزی یا کشورز، این باید از این بعد پیش از پیش یا ماشین آلات تمام فنون و تکنیک جدید کشاورزی آشنا شود. کارگر اگر بخواهد که سطح زندگی اش و تمززش قافیت کند با کارگرهای ممالک مترقی باید بتواند با رقابت با او به همان اندازه ماشین را به کار



بیندزد. پس باید سطح معلومات او نیز روز بروز بالاتر رود و یک تخصص و خبرگی پیدا کند. زن ایرانی که با قدم های بلندی در راه ترقی و پیشرفت قدم برمی دارد از آن زنی که در چند سال پیش در چادر و پشمه و روبند بود و جزو اناثیه منزل قرار می گرفت بعضی ها که به او مرغ می گفتند و بعضی ها که اصلاً آشناسش را منزل می گذاشتند این امروز دوش به دوش شما با همان حقوق و با همان مزایا قدم برمی دارد و مطمئن هستیم و می دانیم که این بانوان نه فقط در اول کار فخر می کنیم ادامه هم داشته باشد اینها خیلی موضوع را جدی تلقی می کنند و این ورودشان را به جامعه یک چیز تقضی مستلماً فخر نمی کنند و آن با اصطلاح حسن کنجکامی و حسن خانه داری که دارند اینها می توانند در کارها موثر و مفید هم واقع بشوند مگر آنکه کم کم با سواد بشود و بایک چشم روشنی به همه چیز نگاه می کند اول منفعت شخص خودش را تشخیص می دهد بعد منفعت خانواده اش را تشخیص می دهد بعد منفعت آن محیطی را که در آن زندگی می کند، منفعت جامعه و بالاخره منفعت مملکت خودش را تشخیص خواهد داد. حالاً ترقی دادیم که یک سپاهی به عنوان سپاه بهداشت هم تشکیل شود که در نقاط دور افتاده، جاهایی که از مزایای علم و وسایل درمانگاه، بیمارستان، پزشک، برخوردار نیستند مثل دهات دور افتاده مملکت تا نیز وسیله ای فراهم شود که یک مرتبه گروههای بسیار بهداشتی به آنجا بارسد و به لام اینها همی بخورد.



این نمودار جامعه شناسی که همه چیز روی اصول عدالت اجتماعی برقرار خواهد شد. این عدالت اجتماعی را وارد جزئیات نمی‌شوم با اصطلاح هیچ تئوری روی رژیم خودمان نمی‌گذاریم تنها تئوری که مایه تنویر می‌گردد این است که هر کاری که می‌شود صرفاً برای منفعت اکثریت ملت ایران می‌شود که در لوای او هر کس در هر طبقه‌ای که باشد می‌تواند مطابق قوانین عدالت اجتماعی زندگی آبرومندانه و شرفمندانه بگذرد ولی اصل اکثریت ملت ایران است و آن اکثریت را هم الآن می‌دانند که هست و تمام کار بر اساس همان عدالت اجتماعی است. بر اساس تساوی حقوق و معادل قانون بر اساس از بین رفتن کامل هر نوع تبعیض است، بر اساس لیاقت و پشتکار و زحمت فرد است. این راهی است که پیش داریم. در این راه هر کسی که از نعمت روحیه قومی ترا اطلاعات بیشتر، عزم راسخ‌تر، مجتهد باشد شاید و شش در این راه آسانتر باشد. پس فراهم کردن وسایل و باز کردن راه آردستگاه‌هایی که برای شما باید کار بگذرد قدم برداشتن یا حتی دیدن در این راه، آن دیگر ارزش است برای اینکه صاحب اختیار خود شما خواهید بود. امیدوارم که در این مسابقه شرفمندانه دین مسابقه پیشرفت فردی که تجزیه پیشرفت اجتماعی می‌شود، که تجزیه پیشرفت ملت و مملکتان می‌شود همیشه اول خدایار و یادار شما باشد و بهترین شما همیشه فرصت پیشرفت و ترقی بیش از سایرین داشته باشید.



## سخن شاهشاه

بهنگام گشایش بیستین دوره اجلاس هیئت کافه در سنه

دوشنبه دوازدهم اسفندماه ۱۳۴۲

بنگامی که جنگ جهانی دوم پایان یافت، از میان خاکستر خرابی و ناامیدی که بر جای مانده بود شعله تازه ای سرکشید و نظریه ای نوین پایه رشد گذاشت که توجه جهانیان را به خود جلب کرد. این نظریه ایجاد جهانی متحد بر پایه دوستی و صلح و خاطر تأمین رفاه و آسایش بشریت در همه سطح کره خاک بود. بدین ترتیب سازمان ملل متحد واقعیت یافت و دیر می نگذشت که از این درخت بره مند بسیاری از جوانان نامی تازه سر بیرون زدند که کیسیون اقتصادی آسیا و خاور دور نمونه درخشانی از آن است.

اینک با مسرت بسیار و رضایت خاطر عمیق افتتاح بیستین دوره اجلاس هیئت این کمیسیون پر ارزش و برجسته را اعلام می داریم و از جانب مردم کشور خود و رود چنین کرده ارجمندی از شخصیت نامی ممتاز را به سرزمین خود خوش آمد می گویم.

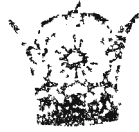
کشور ما به همکاری بین المللی علاقه و وابستگی عمیق دارد، ورشته های دوستی ما را با یک



اجزای سازمان ملل مرتبط می سازد، و از این رویگمکلمجسبع حاضر در تهران موجبی است برای رضایت خاطر مردم کشور ما. نمایندگان محترم، مسایلی که کشور های در حال رشد در زمان ما با آن روبرو هستند بسیار سچیده است. تلاش اقتصادی این کشور با فقط کلی آجریمانهای اقیانوس پرملاطمی است که زیر فشار مسائل اجتماعی سیاسی و تکنولوژی عصر، دیامادستخوش امواج تازه می شود.

ملت با باحیرت و تحسین به تسخیر فضا، به قدرت فعاله عجیب پشیر فتهای فنی و تاثیرات آن، بر تحولات اجتماعی، به توسعه سریع ارتباطات نوین، به شکفتی های تلویزیون قلمه آنها و تحول مداوم شرایط رفاه اجتماعی، سقوط ایدئولوژی های اشتغلی ارزشها، افزایش ثروت ملل توسعه یافته، و شیرینی زندگی ایشان خیره مانده اند. شما در اینجا جمع شده اید که برای حل بعضی مسائل و مشکلات اقتصادی که قاره ما به آن دچار است بررسی ملاحظه کنید. مل آسیایی اکنون چشم باز کرده اند؛ آنها دیگر سر نوشت خود را مقدر نمی دانند. نمی خواهند قبول کنند که جهان فقط متعلق به معدودی افراد ممتاز است.

علیه ایازات به مقاومت و ستیز برخاسته اند و سخت خواستار تغییر سریع شرایط



اقتصادی و اجتماعی زندگی خویش هستند، و هتف دارند که دولتها برای آزادی ایشان از چنگ کرسنگی، بیماری، و جهل، فراهم آوردن محیطی که در آن بتوان فعالانه پیشرفت کرد و طرهای اساسی اجرا کنند.

مردم قاره ما با تمام وجود خود خواستار عدالت اجتماعی، فرصتهای مساوی و سطح زندگی بهتری باشند و با توجه به این انتظارات دولتهای منطقه ما مسؤولیت عظیمی برای برآوردن آرزوهای مردم که با ایده آل سازمان ملل متحد نیز هم‌آهنگ است بر عهده دارند.

موجب رضایت خاطر است که می‌بینیم دولتهای روشن بین و دلسپرانی که خود را در برابر مردم مسؤول می‌دانند به خوبی متوجه بیداری مردم قاره ما می‌باشند و کوشش دارند که آرزوهای ایشان را با بهمدردی و فداکاری برآورند. در حقیقت این مبارزه بزرگ عصر ما است. مبارزه‌ای که پیروزی در آن شایسته آن است که هدف زندگی قرار گیرد. به گفته مونتانی نویسنده بزرگ «بزرگترین شاهکار بشر آن است که برای رسیدن به هدف و مقصود معین زندگی کند» همه چیزهای دیگر، سلطنت، جمع آوری





گنجها، و برپا داشتن عمارات، همه اگر هم قدر و مرتبتی بیش از آنچه که شایسته آنند برای آنها در نظر گیریم بازمانده مایه کوچکی بیش نخواهد بود.

تجربه آسکار ساخته است که آرزوی تأمین زندگی بهتر حاصل خواهد شد مگر آنکه کوششهای شدید و فعالانه دولتها با اصلاحات وسیع و عمیق اجتماعی و اداری هماهنگ و همراه باشد. تنها در چنین صورتی است که زارعین، کارگران، روشنفکران، و سایر طبقات جامعه، هر یک خواهند توانست از حاصل کار و کوشش خود آن چنانکه بایست بر دارند.

این چنین اصلاحاتی از شرایط اصلی پیشرفت اقتصادی مبنی بر خود توزیع عادلانه ثروت است. اگر پیشرفت اقتصادی را با چنین اصلاحاتی تکمیل نکنیم، این خطر وجود دارد که فاصله بین صاحبان درآمد مایه کم و صاحبان درآمد مایه کزاف بیشتر شود، و عوامل ناراحتی اجتماعی تقویت گردد و راه پیشرفت مایه آتی ناممکن تر شود.

اما انجام این اصلاحات از جمله حقوق و اختیارات و قدرت هر مملکت است، و می بایست هم آهنگ با فلسفه اجتماعی و سیاسی مورد قبول همان جامعه انجام پذیرد.



نی‌توان و نباید ایده‌های اصلاحات را وارد کرد و یا از خارج بر حکمتی تمسک نمود.  
معدنک در رشته توسعه اقتصادی زمینه‌ای وسیع برای همکاری بین المللی در برابر ما  
گسترده است. در واقع وسعت و عظمت مسایلی که کشور های در حال شد در راه ترقی سریع  
اقتصادی با آن روبرو می‌باشند، چنانست که عدم کفایت اقداماتی محلی را به خوبی  
آشکار ساخته است و از همین رو افراد خانواده مل و وظیفه خود دانسته‌اند که برای حل این  
مسائل از طریق کمک متقابل و همکاری اقدام کنند.

فراموش نکنیم که بهبود شرایط زندگی مردم کشور های در حال رشد برای حفظ صلح  
و ثبات جهان ضرورت فراوان دارد. این مسئله ناکزیر در سالهای آینده نیز به سپنجان  
توجه سازمان مل متحد را به خود مطلق خواهد داشت. شما در اینجا جمع شده اید که این مسایل را  
مطالعه کنید و همچنین بر ازنانه کارهای گذشته کمیسیون آسیا و خاور دور را بررسی نمایید و  
درباره نظرهای آتی کمیسیون اظهار نظر کنید.

به این تریب مسئولیت بزرگی بر دوش شما نهاده شده و امید است که بر ریهایی  
شما به بهبود شرایط زندگی ملت های ما و رفاه ایشان کمک کند. دنیا اکنون شاهد مسابقه



است که برای فرستادن اولین انسان به کره ماه درگیر شده است . اما که چنین  
مُسابقه بسیار هیجان انگیز و جالب است نباید فراموش کنیم که آنچه به مراتب مهمتر از  
اعزام انسان به کره ماه است انسانی است که در روی زمین زندگی می کند ،  
انسانی که برای تأمین رفاه او و آینده اش هنوز راه درازی در پیش است .



## سخنان شاهشاه

بهنگام شرفیابی اعضای شورای عالی پیشانی

پنجشنبه پانزدهم اسفند ماه ۱۳۴۲

جلسات سالانه پیشانی بهنگامی همان طوری که در گزارش وزیر دربار شنیدید از جهات متعددی بسیار مفید است. تقاضای ما و پیشنهاداتی که کرده ایم مورد توجه قرار گرفته و دستورات مقتضی برای مطالعه و تاسر حد امکان انجام آن به قیمتی مربوطه داده خواهد شد. در فریاد پیشانی در دهات گذشته صحبت شده است؛ امروز پیش از هر موقعی روحیه ای که در پشت پر هر پیشانی در زندگی روزانه و در آملی و آرزوهای فردی و بشری و مخصوصاً خانواده این مملکت موجود هست می بینم که تطبیق آن با جریاناتی که در این مملکت موجود می باشد، امری است خیلی بدیهی و واضح. در واقع انقلاب بزرگ اجتماعی که در این مملکت صورت گرفته است تمام باید فهمای عالی پیشانی تطبیق می کند.

به فهمای عالی شمارا اسکویی، خدمت به هموع، و کار و فعالیت در یک محیط برابری و برادری است. اقداماتی که در این مملکت صورت گرفته است می بینید که برای این است که



تمام افراد این مملکت زن مردش با حقوق مساوی همان طوری که خداوند همه را یکسان و آزاد خلق کرده است بتوانند برای خودشان، خانواده شان، اجتماعشان، مملکتشان میسر واقع شوند. در مقابل قانون همه مساوی، همان چیزی است که جز مرام پیشا همگی هست. غنی و ضعیف آن نیز در مقابل قانون و اجتماع مساوی امری است که هر موقعی، هر محله ای در محیط پیشا همگی می بیند پیشرفت و امکان مساوی برای پیشرفت به نسبت استعداد و پشتکار آن را هم در محیط خودتان می بینید. به هر صورت به صحبت ما در این قسمت زیاد ادا نمی دهم. برای این که طولانی خواهد بود. ولی خلاصه می کنم که تربیت شما، محیط زندگی شما، آراهنمایی که انگیزه خدمت و زندگی شماست تطبیق می کند با انقلاب بزرگ اجتماعی ایران. این است که هم خود شما که الان در این لباس هستید روز بروز کوشا تر باشید و کسانی که در آینده در این لباس خواهند آمد آنها را هر روز با اراده بیشتری، با وسایل بیشتری، تربیت و تحویل جامعه بدهید. آرزوی ما این است که تمام جوانهای مملکت تا جایی که امکان دارد یا تحقیقتاً وارد این لباس شوند و تمام تعالیم و مقررات پیشا همگی را یاد بگیرند یا لا اقل روحاً و جسماً آماده پذیرش این افکار و این نیات باشند. تفاوت را فوراً حس خواهید کرد. اگر مثلاً اغلب



بچه های ما، پسران دختران ما در دماات این اصول اولیه و تعلیماتی پشاهنگی را یاد بگیرند  
چطور در عرض مدت کوتاهی کتلی از مخاط راه و روش و روحیه و حتی قدرت جسمی تغییر خواهند کرد.  
آرزوی من این است که حقیقه هر وقتی که در یک دهی، دهکده ای، جای دور افتاده ای  
قدم نمی نهم، هر چه بیشتر نونهالان این مملکت را با لباس بدین لباس بنیم یا لاقل یک اطلاعات  
کافی از مقررات شما داشته باشند.

پشاهنگی ما در این سالهای اخیر مستلماً ترقی کرده، قطعاً این ترقیات در این جلسات  
سایانه به اطلاع شما رسیده است.

آردوهای پشاهنگی خود را باید روز بروز به تعداد آن سفینه کنید، به سیال پذیرایی  
بگیرید، جمیورهای داخلی خودمان را باید تکرار کنیم؛ هر سال با وضعیت بیشتر، و سیال بیشتر  
باید خود را آماده پذیرش و داشتن جمیوری های بین المللی نیز بنماییم.

الله زحمات کسانی که در این راه خدمت کرده اند مورد تقدیر است و مطمئن هستم که  
روز بروز با عرضی راسخ تر و معلومات بیشتر و امکانات بیشتری به این کار مفید ادامه خواهند



## سخن شاهشاه

پس از معرفی بیات دولت کابینه جناب آقای حسن منصور

شنبه پنجم اسفند ماه ۱۳۴۲

البتّه همه شما در این سالهای اخیر پس از قیام ملی ۲۸ مرداد که سرنوشت مملکت در مسیر تازه‌ای وارد شد و دوره بلا تکلیفی و سپردن سرنوشت مملکت به قضا و قدر و اجیاناً تأیلات و افکار غیر مثبت و یا اجیاناً افکار پریشان خاتمه پیدا کرد، در جریان هستید. سعی شد مملکت به مسیری مطابق شئون و امکانات، با د نظر داشتن استعدا و ملت و تمدن باستانی و نبوغ ذاتی مردم هدایت شود. خداوند نعمت‌هایی بر این مرز و بوم عطا کرده است که باعث پیشرفت هر قومی می‌تواند باشد. به عقیده من در درجه اول این نعمتها ثروت انسانی است که این مملکت را در سه هزار سال تاریخ حفظ کرده. اوقاتی بود که انوار عظمت و ترقی و تمدن ایران در قیمت بزرگی از دنیای آن روز تشعشع داشت و سایر مردم از آن بهره‌مند می‌شدند. البتّه در این دوران طولانی تاریخ بزرگ ما گاهی دورانی انحطاط نیز همراه داشته است و آخرین دوره انحطاط ما مواجه با رتسای غیر صنعتی دنیا و عقب افتادگی ما بوده است.



در موقعی که دنیای مسترقتی رو به توسعه می رفت شامی دانید که در سالهای قبل از ۱۲۹۹  
ما چه وضعی داشتیم. در سال ۱۲۹۹ اقدامی بزرگ به عمل آمد و دیدیم که سرسلسله دودمان ایران  
به چه مراحل از پیشرفت رسانید تا آنکه در شهریور ۲۰، بیخ دنیا و موقع جغرافیایی ما موجب شد که ترقی  
و استقلال ایران و نقشه های بزرگی که برای پیشرفت داشتیم متوقف شد و شالوده های اساسی  
مملکت متزلزل گردید. کشور ما اشغال شد. ستونهای خیمه سیکانه به وجود آمد و روح جنبی پرستی  
و خیانت روشن و علنی به مملکت از یک سو و ساختن قدرت مصنوعی برای خارجی از سوی دیگر  
مارا متی سرگرم یک رشته حوادثی کرد که در چند مرحله منجمد در سالهای ۱۳۲۴ و ۲۵ در وقایع  
آذربایجان کشور مارا به دیار نیستی پرتاب کرد ولی عنایت خداوندی باعث شد که تصمیمی بگیریم  
که در سال ۱۳۲۵ تمانیت ارضی ایران حفظ شود. این یک معجزه بود.

در سال ۱۳۳۲، باز یک معجزه باعث شد که این مملکت حفظ شود و به اراده خداوند  
مملکت از سقوط نجات یافت. روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را به خاطر دارید  
که در شهر تهران چه شاعرانی روی زمین با و دیوار ما علیه استقلال مملکت می دادند. ارسال  
۳۲ به این طرف عطف به آن سوابق و آن تجربیات برای حفظ منافع مملکت، ما مرحله مثبت را





پیش گرفتیم، ناچار شدیم از خوش باوری ما چشم پوشی کنیم.  
سیاستی که پیش گرفتیم سیاستی مثبت بود و دیدیم که به خواست خداوند سیاست خارجی ما  
چقدر به مصلحت کشور و بر اساس منافع مردم و مملکت بوده است. در این سیاست آنچه  
در نظر گرفته شد مصلحت کشور بود. با روح اجنبی پرستی و شناختن قدرت غیر عادی برای بیگانگان  
مبارزه، و آخرین آثار خود بخود از بین خواهد رفت و این ننگ بر طرف خواهد شد که ایرانی  
از خارجی بپرسد درباره ما چه فکر می کنی و ما چه باید بکنیم؟

با وجود تمام پیشرفت هایی که کرده بودیم در سال ۱۳۴۱ با مطالعه وضع دنیا و پیشرفت  
سایر ملل و برنامه هایی که ملل دیگر برای پیشرفت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی طرح ریزی  
کرده بودند، ایجاد می کرد ما هم منظره بیست سال یا سی سال آینده را در نظر بگیریم و  
مطابق امکانات مملکت، آن برنامه را طرح ریزی کنیم. برنامه ما غیر از انقلاب کامل همه جانبه  
نمی توانست باشد. زیرا خداوند وضعی را برای ما فراهم کرده که امکان انجام این برنامه را  
بدون کوچکترین خطری و اشکالی میسر ساخته است.

بیست و چند سال سلطنت من با توجهات الهی چنان موفقیت هایی فراهم کرد



که می توانستم این کار را انجام بدهم و غفلت از این امر مهم را نرذ خداوند و وجدان خودم قصوری نمی دادم.  
این است که دست به اقدامی زودیم که بدون انکیه بنحو ایهم غلو نکنیم در تمام دنیا به عنوان اصلین  
اعتلا بها مورد قبول واقع شده است و تمام نقشه های ما در حد و روح مشور انقلاب  
شش همین معطوف بر آن است این انقلاب را تکمیل کند.

دولت گذشته که امروز صبح استخاداد در راه این انقلاب رحمت کشید و مورد قدر دانی  
واقع شد. وظیفه این دولت تطبیق تکیلات مملکتی برای بهره برداری از این انقلاب آماده کردن  
عموم طبقات مردم برای پیشرفت در راه این انقلاب است که البته وظائف خود شما و بیشتر اعضایی  
بیشتر دولت از این جهت دارای دو جنبه است یکی دولتی و دیگری وظیفه سیاسی.

با حفظ رژیم مشروطه و دموکراتیک ما این انقلابها را به حد اکثر شمر خواهیم رسانید.  
انتظار من از وزرای جدید وزارتخانه های جدید این است که هر دقیقه از این وقتی را که در اختیار  
ماست گرانها بدانند. یک ثانیه وقت تلف کردن گناه است. البته لازم نیست برای شما  
از دستکاری صحبت کنم، چون همه مردم دستکاری هستید، ولی تمام دستگاههای شما باید با  
صحت و دوستی اداره شود. باید بدانید که یک ثانیه تحمل کوچکترین عوامل فساد نخواهد شد.



برای این که مسؤلیت مشخص بشود، اول مسؤلیت را از وزراء خواهیم خواست و شمایسند باید از رؤساء و کارمندان خود مسؤلیت بخواهید. امکانات ما برای بهره برداری از منافع مملکت زیاد است. ثروت ما فقط نفت نیست. در مورد همین نفت نیز در عرض دو سال نویسم تا سه سال دیگر نیاز اولیه اقدامات روشن خواهد شد و شرکت ملی نفت ایران به پایایی خواهد رسید که گمان نمی کنم در دنیا رقیب داشته باشد.

به موازات استخراج این ثروت، ثروت های دیگر موجود است که هرگاه مثلاً ما بتوانیم محصول پنبه را به سالی پانصد هزار تن برسانیم حساب کنید چه درآمدی عاید می شود. بهره برداری از جنگلهای ایران و همیگر کردن اراضی کشاورزی که زیر سطح موجود، و سطح های آینده خواهد بود، با اصول جدید کشاورزی نیاز بسیار درختانی خواهد داشت. شنیده ام ده تا بیست هزار هکتاری که زیر سد ذرا آماده شده از همین حالانیاچ بسیار خوبی داده است. اهمیت صنایع پتروشیمی که معلوم است. ایجاد صنعت ذوب آهن برای ما موضوع فوری و فوری شده است و در بیست سال آینده میزان (درصد) فعلی که در ذلت زندگی می کنند باید معکوس شود و به همان تناسب مملکت باید صنعتی بشود و من این چند مورد را فقط



به عنوان مثال یاد آور شدم. منجمله مای توایتم تلخ سال دیگر تا تکمیل کارخانه مای قند خود را  
از ورود قند خارجی بی نیاز کنیم.

پس ملاحظه می شود که چه در مورد انورکث و زری، و چه در مورد صنعت، وزارتخانه جدید  
آب و برق مورد توجه من است باید پیش بینی مای لازم شود.

برای رفاه مردم قوانین انقلاب باید تکمیل شود. هر نوع بیمه و مخمین بیمه مای فعلی باید  
تکمیل گردد. موضوع خانه مای سازمانی و تأمین مسکن برای مردم امری مهم است، و به همین  
به وزارت آبادانی و مسکن بدین منظور است که هم بتوان برای مردم تأمین مسکن نمود. و هم  
رونق اقتصادی و ایجاد کار پرداخت.

در قسمت وزارت دارایی و امور مالی ترتیب جدیدی باید داده شود و در قسمت بودجه نویسی  
باید تجدید نظر شود. دستگاه وصول مالیات باید منطبق با یک دستگاه مترقی باشد.

وزارت دادگستری اهمیت خودش را دارد و مطابق روح انقلاب باید منظره  
تساوی افراد در برابر قانون باشد. نه اسم افراد، و نه محلی که به دنیا آمده اند هیچ چیز نباید در کا  
مراجعه به دادگستری تأثیری داشته باشد و مسلماً دادگستری باید از سیاست دور باشد.

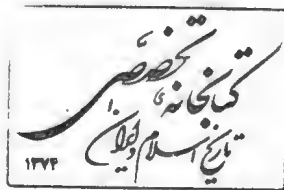
و وسیلهی فراهم‌نماید که حداکثر سرعت در کارهای دادگستری به عمل آید و با فساد به شدت مبارزه شود، زیرا هیچ دستگاهی توأم و دوام نخواهد داشت مگر اینکه بر اساس صحت عمل باشد. قسمت قوای تأییدیه البته برنامه‌معینی دارد. ما آرزو مند خلع سلاح عمومی دنیا هستیم و شرط عقل هم همین است. منتها تا موقعی که شرایط اطمینان بخش فراهم نشده باشد با خطراتی که گاه و بیگاه در دنیا بر وزمی کند آنی از انجام وظیفه و انجام کردن آن چیزی که مورد لزوم و احتیاج مملکت است نمی‌توانیم غفلت کنیم.

کار فرهنگ خیلی مورد توجه و علاقه ما است. زیرا اگر ما نخواهیم ریشه میوادوی را بکنیم شاید عقاوتها نشاند هزار معلم جدید احتیاج داریم آن هم معلمی که به وظیفه خطیر خود کاملاً آگاه باشد. به همین جهت به دستگاه فرهنگ باید کمال توجه بشود و بعضی عدم تمرکز ما باید از بین برود. در مورد وزارت بهداری هم همینطور است.

البته مطالب خیلی زیاد است و این دولت برنامه‌یانی تنظیم کرده است. مملکتی که روبرو ترقی و پیشرفت است، به خطوط مواصلات احتیاج دارد. وزارت راه باید به پیشرفت خود ادامه دهد. در وزارت کشور تقسیمات کشوری و وضع شهر داریه‌ها و الگاری کار مردم به



مردم و تشکیلات انجمنهای ایالتی و ولایتی باید با کمال دقت مطالعه و دنبال شود .  
تا موقعی که این برنامه را انجام دهید، مسئلتاً از طرف من حمایت خواهد شد و  
اصولاً من هیچ مانعی در کار پیشرفت مملکت نمی بینم .



از انتشارات وزارت آموزش و پرورش